

جلد سوم

اصول کافی

تألیف: مرحوم ثقت الاسلام کلینی (رح)

با اعراب گذاری و علامت وقف

ترجمہ توضیح تصحیح و ویرایش از:

سید محمد اقبال علی

اصول کافی



مرحوم آية الله العظمى
عبدالله بن محمد باقر
گلپایگانی (ره)

ترجمه: توضیح تصحیح و ایرایش از: سید مهدی آیت اللهی

جلد سوم

جمع‌داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ش-اموال: ۵۲۶۹۲



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق

[الکافی، اصول، فارسی - عربی]

اصول کافی / [محمد بن یعقوب کلینی] ترجمه و شرح سید مهدی آیت اللهی،

-- تهران، جهان آرا، ۱۳۸۵

ISBN064-8387-05-2 (ج ۳)

ج. ۴

ISBN064-8387-07-9 (دوره)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا،

۱. احادیث شیعه -- قرن ۴ ق، الف، آیت اللهی، سید مهدی ۱۳۱۷ - مترجم و

شارح، ب. عنوان، ج. عنوان؛ الکافی. اصول. فارسی - عربی.

۱۳۸۶

۲۹۷/۲۱۲

BP ۱۲۹/ک ۸ ک ۲۲۰۴۱

۸۵/۱۵۲۱۰ م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: اصول کافی (جلد ۳)

ترجمه و شرح: سید مهدی آیت اللهی (دادور)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: یاران

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۷

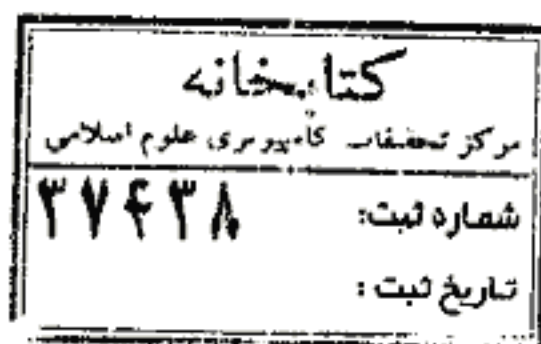
ناشر: انتشارات جهان آرا

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تهران / ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - پاساژ حفظی - کتابسرای عادل

تلفن ۰۲۱-۳۳۹۰۷۳۱۳-۳۳۹۴۹۹۰۵

حق طبع محفوظ



فهرست

کتاب ایمان و کفر

باب اخلاص ۴۰	در سرشت مؤمن و کافر ۳
شرايع ۴۵	برقراری تکلیف نخست ۱۱
ستونهای اسلام ۴۸	بابی دیگر از همین باب ۱۵
اسلام حفظ جان و اداء امانت کند	رسول خدا ﷺ اولین کسی بود که
ولی ثواب آخرت مربوط به ایمان	پاسخ گفت و به خداوند اقرار
است ۶۷	کرد ۲۵
هرجا ایمان است اسلام هم هست	چگونه پاسخ دادند با اینکه ذره
ولی اسلام همراه با ایمان نیست ۷۱	بودند ۲۹
باب دیگری است از این باب به	فطرت مخلوق یگانه پرستی است ۲۹
اینکه اسلام پیش از ایمان است . ۷۹	وجود مؤمن در پشت کافر ۳۳
باب دیگر ۸۱	هرگاه خداوند بخواهد مؤمن را
ایمان به همه اعضاء بدن، پنخس	بیافریند ۳۵
است ۹۹	باید دانست صبغه همان اسلام
پیشی گرفتن در ایمان ۱۱۹	است ۳۵
درجات ایمان ۱۲۵	آرامش در سایه ایمان به
قسمت دیگری از این باب ۱۳۱	خداست! ۳۷

نسبت اسلام	۱۳۵	اقتصاد و میانه روی در عبادت	۲۴۵
صفات مؤمن	۱۳۸	کسی که به او عملی برسد، ثوابی از	
بخش دیگر	۱۴۵	طرف خدا دارد	۲۴۹
وصف ایمان	۱۴۷	صبر و شکیبایی	۲۵۱
برتری ایمان بر اسلام و یقین بر		شکرگزاری	۲۶۹
ایمان	۱۵۱	خوش خلقی	۲۸۷
حقیقت ایمان و یقین	۱۵۵	خوشروئی	۲۹۷
تفکر و اندیشه	۱۵۹	راستی و پرداخت امانت	۲۹۹
مکارم اخلاق	۱۶۳	حیا و شرم	۳۰۵
برتری یقین	۱۶۷	بخشش و گذشت	۳۰۸
رضا به قضاء الهی	۱۷۵	فرو بردن خشم	۳۱۴
واگذاری کار به خدا و توکل بر		حلم و بردباری	۳۲۱
او	۱۸۳	خاموشی و نگهداری زبان	۳۲۵
بیم و امید	۱۹۳	مدارا و سازگاری	۳۳۵
حسن ظن و خوشبینی به		نرمش و مدارا	۳۳۹
خداوند	۲۰۳	تواضع و فروتنی	۳۴۷
باب اعتراف به تقصیر	۲۰۷	دوستی و دشمنی در راه خدا	۳۵۷
فرمان بری و پرهیز	۲۰۹	نکوهش دنیا و زهد در آن	۳۶۷
ورع	۲۱۷	پیرامون آنچه که قبلاً گذشت	۳۹۱
عفت	۲۲۵	قناعت	۳۹۳
پرهیز از محرمات	۲۲۹	کافی بودن روزی	۳۹۹
ادای واجبات الهی	۲۳۱	شتاب در کارهای خوب	۴۰۳
استواری در عمل و ادامه آن	۲۳۵	انصاف و عدالت	۴۰۹
عبادت	۲۳۷	بی نیازی از مردم	۴۲۱
نیت	۲۴۱	صله رحم	۴۲۴
باب دیگر	۲۴۵	نیکی به پدر و مادر	۴۴۴

در اظهار لطف و مهربانی به مؤمن ۵۷۹	توجه به کار مسلمانان و نصیحت و خیرخواهی و سود رسانی به آنها ۴۶۱
و گرامی داشتن او ۵۷۹	احترام سالخوردهگان و پیران ... ۴۶۵
پیرامون خدمت به مؤمن ۵۸۳	اهل ایمان برادر یکدیگرند ... ۴۶۷
اندرز و خیر خواهی برای مؤمن ۵۸۵	در بیان معرفی آن کس که خود را به ایمان نسبت دهد و از حق او بکاهد ۴۷۳
اصلاح میان مردم ۵۸۷	در اینکه برادری بر پایه دین واقع نشده ۴۷۵
احیاء مؤمن ۵۹۱	و از روی تعارف بوده است .. ۴۷۵
در دعوت خانواده به ایمان ... ۵۹۳	حق مؤمن بر برادرش و ادای حق او ۴۷۷
دعوت نکردن مردم ۵۹۳	مهرورزی و دلسوزی به یکدیگر ۴۹۳
خداوند کسی را که دوست بدارد هدایتش می کند ۵۹۹	دیدار برادران ۴۹۵
سلامت دین ۶۰۱	دست به هم دادن و فشردن ... ۵۰۵
تقیه ۶۰۵	در آغوش گرفتن یکدیگر ۵۱۹
نگهداری راز ۴۷۳	بوسیدن یکدیگر ۵۲۳
مؤمن و نشانه‌ها و صفاتش ... ۶۳۱	مذاکره و گفتگو با برادران ۵۲۵
در کمی شماره مؤمنان ۶۶۷	شاد کردن مؤمنان ۵۳۱
رضا به موهبت ایمان و صبر بر هر چیز ۶۷۳	بر آوردن خواسته مؤمن ۵۴۳
آرامش یافتن مؤمن به مؤمن .. ۶۷۷	کوشش در حاجت مؤمن ۵۵۵
در آنچه خدا به واسطه مؤمن دفع می کند ۶۷۷	حل گرفتاری مؤمن ۵۶۱
مؤمن دو گروه‌اند ۶۷۹	باب اطعام مؤمن ۵۶۵
پیمان‌گیری خداوند از مؤمن برای شکیانی ۶۸۳	کسی که مؤمنی را بپوشاند ۵۷۵
در برابر گرفتاریها ۶۸۳	

۷۸۱ ریا و خودنمائی	۶۸۹ سختی بلای مؤمن
۷۹۱ ریاست طلبی	۷۰۷ برتری مستمندان مسلمان
حیله گری در طلب دنیا توسط	۷۲۱ دنباله بحث گذشته
۷۹۷ دین	۷۲۳ در اینکه دل دو گوش دارد که
حال کسی که دم از عدالت می زند و	فرشته و شیطان در آنها
کار دیگری می کند ۷۹۷	می دمند ۷۲۳
خودنمائی و ستیز و دشمنی با مردم	روحی که مؤمن با آن کمک می شود
۷۹۹	۷۲۵
خشم و غضب ۸۰۵	گناهان ۷۲۵
حسد و خود خوری ۸۱۳	گناهان کبیره ۷۴۳
تعصبات بیجا ۸۱۹	کوچک شمردن گناهان ۷۶۷
تکبر و خود بزرگ بینی ۸۲۳	پافشاری بر گناه ۷۶۹
عجب و خود بینی ۸۳۱	در اصول کفر و ارکان آن ۷۷۱





مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

اصول کافی - ج ۳

الجزء الثاني كتاب الإيمان والكفر

بَابُ طِينَةِ الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ

١٤٤١- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ النَّبِيِّنَ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ - قُلُوبَهُمْ وَأَبْدَانَهُمْ - وَخَلَقَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ تِلْكَ الطِّينَةِ - وَجَعَلَ خَلْقَ أَبْدَانِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ - وَخَلَقَ الْكُفَّارَ مِنْ طِينَةِ سَجَّينَ قُلُوبَهُمْ وَأَبْدَانَهُمْ - فَخَلَطَ بَيْنَ الطِّينَتَيْنِ - فَمِنْ هَذَا يُلِدُ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرُ وَيُلِدُ الْكَافِرُ الْمُؤْمِنَ - وَمِنْ هَاهُنَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنُ السَّيِّئَةَ - وَمِنْ هَاهُنَا يُصِيبُ الْكَافِرُ الْحَسَنَةَ - فَقُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ تَحْنُ إِلَى مَا خُلِقُوا مِنْهُ - وَقُلُوبُ الْكَافِرِينَ تَحْنُ إِلَى مَا خُلِقُوا مِنْهُ.

١٤٤٢- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ الْجَازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَّةِ - وَخَلَقَ الْكَافِرَ مِنْ طِينَةِ النَّارِ - وَقَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرًا طَيَّبَ رُوحَهُ

کتاب ایمان و کفر

در سرشت مؤمن و کافر

۱۴۴۳-۱- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: به راستی خدای عز و جل پیامبران را از گل و سرشت آسمانی آفرید و دل‌های مؤمنان هم نیز از همان سرشت خلق کرد و پیکر آنان را از پائین‌تر از آن و پیکر دل‌های کافران را از سرشت سیاه چال جهنم آفرید، آنگاه این دو سرشت را (به هنگام خلقت آدم) به هم در آمیخت از اینرو مؤمن از کافر و کافر از مؤمن متولد شود و به همین خاطر به مؤمن گناه و بدی می‌رسد و به کافر ثواب و نیکی (زیرا طینت و سرشت هر یک با دیگری مخلوط است) و از اینجاست که دل‌های مؤمنان متمایل است به آنچه که از آن آفریده شده‌اند و دل‌های کافران نیز همین‌طور

توضیح: علیین بالاترین مرحله قرب و نزدیکی به خداوند است که گل و سرشت پیامبران و مؤمنان از آنجا آورده شده و سجین جهنم و پست‌ترین مراتب و دورترین درجه از خداوند است که طینت و سرشت کافران از گل آنجا ساخته شده است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: بر راستی خدای عز و جل مؤمن را از سرشت بهشتی آفریده و کافر را از سرشت دوزخی و فرمود: چون خدای عز و جل خیر بنده‌ای را بخواهد جان و تنش را پاک کند و خیری را نشنود جز

وَجَسَدَهُ - فَلَا يَسْمَعُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا عَرَفَهُ - وَلَا يَسْمَعُ شَيْئًا مِنَ
الْمُنْكَرِ إِلَّا أَنْكَرَهُ - قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الطِّينَاتُ ثَلَاثٌ - طِينَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ تِلْكَ الطِّينَةِ - إِلَّا أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ هُمْ مِنْ صَفْوَتِهَا - هُمْ الْأَصْلُ وَ
هُمْ فَضْلُهُمْ - وَ الْمُؤْمِنُونَ الْفَرْعُ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ - كَذَلِكَ لَا يُفَرِّقُ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ شِيعَتِهِمْ - وَقَالَ طِينَةُ النَّاصِبِ مِنْ حِمَا مَسْنُونٍ -
وَأَمَّا الْمُسْتَضْعَفُونَ فَمِنْ تُرَابٍ - لَا يَتَحَوَّلُ مُؤْمِنٌ عَنْ إِيْمَانِهِ وَلَا نَاصِبٌ
عَنْ نَصْبِهِ - وَلِلَّهِ الْمَشِيئَةُ فِيهِمْ.

١٤٤٤ - ٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلَتْ فِدَاكَ - مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ -
طِينَةَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ - فَلَمْ تَنْجَسْ أَبَدًا.

١٤٤٥ - ٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفٍ
عَنْ أَبِي نَهْشَلٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عِلِّيِّينَ - وَ
خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ - وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ - وَ
قُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا - لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ - ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - كَلَّا
إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ - كِتَابٌ مَرْقُومٌ
يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ خَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ سَجِّينَ - وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ مِمَّا
خَلَقَهُمْ مِنْهُ - وَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْهِمْ لِأَنَّهَا خُلِقَتْ

آن که آن را بداند و بفهمد و هیچ بدی و زشتی را نشنود جز آن که آن را بد بدارد، گوید: شنیدم که آن حضرت می فرمود: سرشت بر سه گونه است:

۱ - سرشت انبیاء: مؤمن هم از همان سرشت باشد جز آنکه پیامبران از برگزیده آنهاست و در آن اصل باشند و برتری دارند و مؤمنان فرع آنند و هر دو از خاک نرم و مرطوب ساخته شده اند، از این رو خدای عز و جل میان پیامبران و پیروانشان جدایی نیندازد.

۲ - سرشت ناصبی از رنگ سیاه و بدبو است

۳ - مستضعفان که از سرشت خاک معمولی باشند، مؤمن از ایمان خود برنگردد و ناصبی از بد کیشی خود و مستضعفان وابسته به خواست خداوندند.



۱۴۴۶-۳- صالح بن سهل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت خدای عز و جل سرشت مؤمن را از چه آفریده است؟
فرمود: از سرشت پیامبران، و هرگز پلید نگردد.

۱۴۴۷-۴- ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:
به راستی خدای عز و جل ما را از اعلیٰ علیین آفرید و دل شیعه را از آن آفرید که ما را آفرید و تن آنها را از درجه نازل تر، دل در هوای ما دارند زیرا دل آنها با ما هم سرشتند، سپس این آیه را خواند: «نه، هرگز، به راستی کتاب نیکان در علیین است تو ندانی که علیین چیست، کتابی نوشته شده که مقربان بر آن گواهند (مطفین / ۱۸ - ۲۱)» فرمود: دشمن ما را، از سجین آفرید و دل پیروان آنها را از آن آفرید که خویشان را

مِمَّا خَلَقُوا مِنْهُ - ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لِنِي سَجِّينٍ - وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَجِّينٌ - كِتَابٌ مَرْقُومٌ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.

١٤٤٨ - ٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَغَيْرٍ وَاحِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ يُونُسَ قَالَ أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ كَيْسَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنَا مَوْلَاكَ - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ كَيْسَانَ قَالَ أَمَّا النَّسَبُ فَأَعْرِفُهُ - وَأَمَّا أَنْتَ فَلَسْتُ أَعْرِفُكَ - قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنِّي وَلِدْتُ بِالْجَبَلِ - وَنَشَأْتُ فِي أَرْضِ فَارِسَ - وَإِنِّي أَخَالِطُ النَّاسَ فِي التِّجَارَاتِ وَغَيْرِ ذَلِكَ - فَأَخَالِطُ الرَّجُلَ فَأَرَى لَهُ حُسْنَ السَّمْتِ - وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَكَثْرَةَ أَمَانَةٍ - ثُمَّ أَفْتِشُهُ فَأَتَبَيَّنُهُ عَنْ عَدَاوَتِكُمْ - وَأَخَالِطُ الرَّجُلَ فَأَرَى مِنْهُ سُوءَ الْخُلُقِ - وَقِلَّةَ أَمَانَةٍ وَزَعَارَةً - ثُمَّ أَفْتِشُهُ فَأَتَبَيَّنُهُ عَنْ وَلَايَتِكُمْ - فَكَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ لِي - أَمَا عَلِمْتَ يَا ابْنَ كَيْسَانَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - أَخَذَ طِينَةً مِنَ الْجَنَّةِ وَطِينَةً مِنَ النَّارِ - فَخَلَطَهُمَا جَمِيعاً - ثُمَّ نَزَعَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ وَهَذِهِ مِنْ هَذِهِ - فَمَا رَأَيْتَ مِنْ أَوْلِيكَ مِنَ الْأَمَانَةِ - وَحُسَنِ الْخُلُقِ وَحُسَنِ السَّمْتِ - فَمَا مَسَّتْهُمْ مِنْ طِينَةِ الْجَنَّةِ - وَهُمْ يَعُودُونَ إِلَى مَا خَلَقُوا مِنْهُ - وَمَا رَأَيْتَ مِنْ هَؤُلَاءِ مِنْ قِلَّةِ الْأَمَانَةِ وَسُوءِ الْخُلُقِ وَ الزَّعَارَةِ - فَمَا مَسَّتْهُمْ مِنْ طِينَةِ النَّارِ - وَهُمْ يَعُودُونَ إِلَى مَا خَلَقُوا مِنْهُ.

آفرید و تن آنها را از آنچه جز آن است و دلشان در هوای آنهاست، زیرا با آنها هم سرشت باشند، سپس این آیه را خواند، «نه، هرگز، به راستی هرزه کاران در سجن باشند و تو ندانی که سجن چیست، کتابی است نوشته، وای در این روز بر دروغگویان (مطفین ۷ / ۱۰)»

۱۴۴۹-۵- عبدالله بن کیسان می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

قربانت، من عبد الله بن کیسان چاکر شما هستم، فرمود: نژاد تو را می شناسم ولی خود تو را نمی شناسم (یعنی شیعه بودنت را نمی دانم) گوید: به آن حضرت گفتم: من در کوهستان زائیده شدم و در سرزمین فارس (شیراز) بزرگ شدم، من در بازرگانی و کارهای دیگر با مردم آمیزش دارم، با مردی در آمیزم و بینم که خوش رفتار و نیکو کردار است و خوش اخلاق و امانت دار است و او را وارسم و بفهمم با شما دشمن است، و با مردی آمیزش کنم و از او بد رفتاری و بی پروائی در امانت و درندگی و کج خلقی (فساد و تبهکاری) بینم و او را وارسم و بدانم که دوست شما است، این چگونه می شود؟ به من فرمود، ای پسر کیسان، به راستی خدای عز و جل از سرشت بهشت و سرشت دوزخ برگرفت و آنها را با هم در آمیخت و این دو از هم به خود برگرفتند، تو در آنها هر چه امانت داری و خوش رفتاری و خوش روشی بینی از آن است که با سرشت بهشتی آفریده شده بی و آنها به آنچه که از آن آفریده شده اند برگردند (و یکسره بهشتی شوند) و آنهایی که در آنها از بی پروائی در امانت و بد خلقی و درندگی و تباهی بینی آن است که سرشت دوزخی با آنها ترکیب شده (و آنها یکسره دوزخی شده اند) و آنها برگردند بدانچه که از آن آفریده شده اند.

١٤٥٠-٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمُؤْمِنُونَ مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ نَعَمْ.

١٤٥١-٧- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عليه السلام بَعَثَ جَبْرَائِيلَ عليه السلام فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ - مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَبَضَ بِيَمِينِهِ قَبْضَةً - بَلَغَتْ قَبْضَتُهُ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا - وَأَخَذَ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ تُرْبَةً - وَقَبَضَ قَبْضَةً أُخْرَى مِنَ الْأَرْضِ - السَّابِعَةِ الْعُلْيَا إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْقُصْوَى فَأَمَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلِمَتَهُ - فَأَمْسَكَ الْقَبْضَةَ الْأُولَى بِيَمِينِهِ - وَالْقَبْضَةَ الْأُخْرَى بِشِمَالِهِ - فَفَلَقَ الطِّينَ فِلَقَتَيْنِ - قَدَرًا مِنَ الْأَرْضِ ذَرَوًا - وَمِنْ السَّمَاوَاتِ ذَرَوًا - فَقَالَ لِلَّذِي بِيَمِينِهِ - مِنْكَ الرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ - وَالصِّدِّيقُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالسَّعْدَاءُ - وَمَنْ أُرِيدُ كَرَامَتَهُ فَوَجَبَ لَهُمْ مَا قَالَ كَمَا قَالَ - وَقَالَ لِلَّذِي بِشِمَالِهِ مِنْكَ الْجَبَّارُونَ وَالْمُشْرِكُونَ وَالْكَافِرُونَ وَالطَّوَاعِغُ - وَمَنْ أُرِيدُ هَوَانَهُ وَشِقْوَتَهُ فَوَجَبَ لَهُمْ مَا قَالَ كَمَا قَالَ - ثُمَّ إِنَّ الطِّينَتَيْنِ خُلِطَتَا جَمِيعًا - وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى فَالْحَبُّ طِينَةُ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهَا مَحَبَّتَهُ - وَالنَّوَى طِينَةُ الْكَافِرِينَ الَّذِينَ نَأَوْا عَنْ كُلِّ خَيْرٍ

۱۴۵۲-۶- صالح بن سهل گوید:
از امام صادق (ع) پرسیدم: مؤمنان از سرشت پیامبرانند؟ فرمود: آری.

۱۴۵۳-۷- امام صادق (ع) فرمود: چون خدای عز و جل خواست آدم را بیافریند، جبرئیل را در نخستین ساعت روز جمعه فرستاد و با دست راست خود که از آسمان هفتم به آسمان دنیا می‌رسید مشتی خاک برداشت و از هر آسمان خاکی برداشت و مشتی دیگر برداشت از زمین هفتم بالا تا زمین هفتم دور، سپس خدای تعالی به جبرئیل دستور داد که مشت اول را به دست راست و مشت دوم را به دست چپ خود نگه بدارد. و آنچه در مشت داشت دو بار شکافت و از آنچه از زمین بود پاشید و از آنچه هم از آسمان بود پاشید، پس بدانچه در دست راست داشت گفت: از توست رسولان و پیامبران و اوصیاء و صدیقان و مؤمنان و سعادتمندان و هر کس ارجمندی او را خواستم از توست و آنچه گفت برایشان چنانچه گفت ثابت و لازم شد و نسبت به آنچه که در دست چپ داشت گفت: از توست جبّاران و مشرکان و کافران و سرکشان و هر کس خواری و بد بختی او را بخواهم و برایشان آنچه که گفت چنانچه گفت ثابت و لازم شد سپس هر دو سرشت در هم آمیختند و این است تفسیر قول خدای عز و جل «به راستی بخداوند شکافنده دانه و هسته است (انعام/۹۵)» مقصود از دانه سرشت مؤمن است که خدا دوستی خود را در آن افکنده و هسته سرشت کافر است که از هر خیری بدورند و از این رو هسته «نوی» نامیده شد برای آنکه از هر خیری بدورند و از آن دوری جویند و خدای عز و جل فرموده: «زنده را از مرده و مرده را از زنده برآورد».

توضیح: حَبّ بمعنی دانه و نوی بمعنی هسته است ریشه حب از محبت است و نای بمعنی دوری و قرآن هر دو واژه را آورده و می‌فرماید فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى خدائی که شکافنده دانه و هسته است دانه مثل گندم و نخود و هسته مثل زردآلو

زنده مؤمنی است که سرشتش از سرشت کافری برآید، و مرده که از زنده برآید همان کافری است که از سرشت مؤمن درآید، زنده مؤمن است و مرده کافر و این است تفسیر قول خدای عز و جل «و آیا کسی که مرده است و او را زنده کردیم (انعام / ۱۲۲)» (چون کسی است که در

وَإِنَّمَا سُمِّيَ النَّوَى مِنْ أَجْلِ - أَنَّهُ نَأَى عَنْ كُلِّ خَيْرٍ وَتَبَاعَدَ عَنْهُ - وَقَالَ
 اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ - وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ فَالْحَيُّ
 الْمُؤْمِنُ الَّذِي تَخْرُجُ طِينَتُهُ مِنْ طِينَةِ الْكَافِرِ - وَالْمَيِّتُ الَّذِي يُخْرَجُ مِنَ
 الْحَيِّ - هُوَ الْكَافِرُ الَّذِي يُخْرَجُ مِنْ طِينَةِ الْمُؤْمِنِ - فَالْحَيُّ الْمُؤْمِنُ وَالْ
 مَيِّتُ الْكَافِرُ - وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ فَكَانَ
 مَوْتُهُ - إِخْتِلَاطَ طِينَتِهِ مَعَ طِينَةِ الْكَافِرِ - وَ كَانَ حَيَاتُهُ حِينَ فَرَّقَ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمَا بِكَلِمَتِهِ - كَذَلِكَ يُخْرِجُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمُؤْمِنَ - فِي الْمِيلَادِ
 مِنَ الظُّلْمَةِ بَعْدَ دُخُولِهِ فِيهَا إِلَى النُّورِ - وَ يُخْرِجُ الْكَافِرَ مِنَ النُّورِ إِلَى
 الظُّلْمَةِ - بَعْدَ دُخُولِهِ إِلَى النُّورِ - وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ
 حَيًّا وَيَحِقِّ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ).

بَابُ آخِرِهِ وَ فِيهِ زِيَادَةٌ وَقَوَعُ التَّكْلِيفِ الْأَوَّلِ

١٤٥٤ - ١ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ
 بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 لَوْ عَلِمَ النَّاسُ كَيْفَ ابْتِدَاءُ الْخَلْقِ مَا اخْتَلَفَ اِثْنَانِ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ - قَالَ كُنْ مَاءً عَذْبًا أَخْلُقُ مِنْكَ جَنَّتِي - وَأَهْلَ
 طَاعَتِي وَ كُنْ مِلْحًا أُجَاوِ - أَخْلُقُ مِنْكَ نَارِي وَأَهْلَ مَعْصِيَتِي - ثُمَّ
 أَمَرَهُمَا فَاِمْتَزَجَا - فَمِنْ ذَلِكَ صَارَ يَلِدُ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ وَالْكَافِرُ الْمُؤْمِنَ -
 ثُمَّ أَخَذَ طِينًا مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ - فَعَرَكَهُ عَرَكًا شَدِيدًا - فَإِذَا هُمْ كَالذَّرِّ

تاریکیهاست) پس مراد از مردن مؤمن آمیختگی طینت او با طینت کافر است و زندگی او زمانی است که خداوند به وسیله جبرئیل آنها را از یکدیگر جدا کرد، همچنین خدای عزوجل مؤمن را در هنگام زایش از آن تاریکی که در آن بود به سوی روشنی آورد و کافر را از نوری که در آن قرار داشت به تاریکی آورد و این است تفسیر قول خدا عزوجل «تا بیم دهد هر کس که زنده است و پا بر جا شود فرمان حق بر کافران» (پس/ ۷۰)

توضیح: ظاهر اخبار و احادیث مربوط به اختلافات در سرشت و طینت چنین نشان می‌دهند که گروهی بهشتی و گروهی جهنمی را در آغاز آفریده شدند در اینصورت ایراد شد که در اینصورت کفر و پاداش بندگان خلاف عدالت خداوند است مرحوم مجلسی در پاسخ راههای مختلفی پیموده، که خلاصه آن چنین است:

- ۱- اخباریها این روایات را به خود اتمه ارجاع می‌کنند.
- ۲- این اخبار حمل بر تقیه شود که چون امام در حال تقیه بوده است مسائلی را بر اساس اعتقاد اشعریها و اهل سنت بیان کرده است.
- ۳- خداوند چون از اول انتخاب راه بندگان را می‌دانسته که گروهی راه حق و گروهی راه باطل انتخاب می‌کنند آنها را آنگونه که می‌خواستند باشند آفریده است.
- ۴- اخبار نشان دهنده و کنایه از اختلاف استعدادها و قابلیت‌های افراد بشر است بدیهی است که قابلیت و برداشت پیامبر اسلام با اوجهل مثلاً خیلی متفاوت است.
- ۵- خداوند ابتدا آنها را در عالم زر آفرید و مکلف ساخت و در آنجا گروهی فرمان بردند و گروهی مخالفت کردند پس اختلاف در طینت و سرشت از ناحیه اطاعت و عصیان خود آنها بود در مرتبه نخست

برقراری تکلیف نخست

- ۱- امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم بدانند که آفرینش چگونه آغاز شده است دو کس باهم (در مسائل دینی) اختلاف نداشتند، به راستی خدای عزوجل پیش از آنکه مخلوقات را بیافریند فرمود: آبی خوش گوار پدید شو تا من بهشت و فرمانبرانم را از تو بیافرینم، و آب شور و تلخ پدید آید تا من دوزخ و نافرمانانم را از تو بیافرینم. این دو باهم آمیختند و از این رو مؤمن کافر را نزاید و کافر مؤمن را، سپس سرشتی از روی زمین

يَدْبُون - فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ إِلَى الْجَنَّةِ بِسَلَامٍ - وَقَالَ لِأَصْحَابِ
 الشِّمَالِ إِلَى النَّارِ وَلَا أَبَالِي - ثُمَّ أَمَرَ نَاراً فَأُسْعِرَتْ - فَقَالَ لِأَصْحَابِ
 الشِّمَالِ ادْخُلُوهَا فَهَابُوهَا - فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ادْخُلُوهَا فَدَخَلُوهَا -
 فَقَالَ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا فَكَانَتْ بَرْدًا وَسَلَامًا - فَقَالَ أَصْحَابُ الشِّمَالِ
 يَا رَبِّ أَقْلَنَّا - فَقَالَ قَدْ أَقْلَيْتُكُمْ فَادْخُلُوهَا - فَذَهَبُوا فَهَابُوهَا - فثُمَّ ثَبَّتَ
 الطَّاعَةَ وَالْمُعَصِيَةَ - فَلَا يَسْتَطِيعُ هَؤُلَاءِ أَنْ يَكُونُوا مِنْ هَؤُلَاءِ - وَلَا
 هَؤُلَاءِ مِنْ هَؤُلَاءِ .

١٤٥٥ - ٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّ
 رَجُلًا سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام :

عَنْ قَوْلِ: اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ - وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ -
 ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ - أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ إِلَىٰ آخِرِ
 الْآيَةِ - فَقَالَ وَأَبُوهُ يَسْمَعُ عليه السلام - حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - قَبَضَ
 قَبْضَةً مِنْ تُرَابِ التُّرْبَةِ - الَّتِي خَلَقَ مِنْهَا آدَمَ عليه السلام - فَصَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ
 الْعَذْبَ الْفَرَاتَ - ثُمَّ تَرَكَهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا - ثُمَّ صَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ الْمَالِحَ
 الْأَجَاجَ - فَتَرَكَهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا - فَلَمَّا اخْتَمَرَتِ الطِّينَةُ أَخَذَهَا فَعَرَكَهَا
 عَرَكًا شَدِيدًا - فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ مِنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ - وَأَمَرَهُمْ جَمِيعًا أَنْ
 يَقْعُوا فِي النَّارِ - فَدَخَلَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ - فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ بَرْدًا وَ
 سَلَامًا - وَأَبَىٰ أَصْحَابُ الشِّمَالِ أَنْ يَدْخُلُوهَا .

برگرفت و سخت به هم مالید بناگاه مردمی پدیدار شدند و چون مورچه بجنبیدند، به اصحاب یمین فرمود: با سلامتی به سوی بهشت روید، و به اصحاب شمال فرمود: به سوی دوزخ روانه گردید و من با کسی ندارم، سپس به آتش فرمان داد تا بیفروزد و به اصحاب شمال فرمود: در آن وارد شوید، از آن هراس کردند، به اصحاب یمین فرمود: در آن وارد شوید و در آن وارد شدند و فرمود: سرد و سلامت باش، و آن آتش بر آنها سرد و سلامت شد، پس اصحاب شمال گفتند: پروردگارا قرارگاه ما را تجدید کن، فرمود: تجدید کردم اکنون در آن وارد شوید، رفتند که در آیند و باز در هراس شدند و سپس طاعت و معصیت ثبت شد و نتوانستند اینان از آنان باشند و نه آنان از اینان.

توضیح: مراد از آب و خاک باید موادی باشند که استعداد قبول اشکال مختلف داشته باشند و با این دو ماده سرشت و گل انسان برای خلقت آماده گردید و مراد از ترکیب آب شیرین و شور کنایه از ترکیب خیر و شر و عقل و رشد در سرشت انسان است

۲ - زراره گوید: مردی درباره امام باقر در باره این آیه پرسید: «و آنگاه که پروردگارت از فرزندان آدم، از پشتهایشان، نژادشان را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا» (گواهیم تا نگوئید روز قیامت که ما از این، بی خبر و غافل بودیم). حضرت در حالی که پدرش می شنید فرمود: به راستی خدای عزوجل مشتی از خاکی که آدم را از آن آفرید برگرفت و از آب گوارای فرات بر آن ریخت و آن را چهل روز به حال خود گذاشت و سپس از آب تلخ و شور بر آن ریخت و آن را چهل روز کنار گذاشت و چون خمیر مایه شد آن را بر گرفت و به شدت به هم مالید و از راست و چپ آن نسل اول را مانند مورچگان از پشتش درآورد و آنها را زنده ساخت و عقل و شعور داد سپس به آنها فرمان داد در آتش روند و اصحاب یمین رفتند و آتش بر آنها سرد و سلامت شد و اصحاب شمال از رفتن در آن سرپیچی کردند.

١٤٥٦- ٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عليه السلام - أَرْسَلَ الْمَاءَ عَلَى الطِّينِ - ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَةً فَعَرَكَهَا - ثُمَّ فَرَّقَهَا فِرْقَتَيْنِ بِيَدِهِ - ثُمَّ ذَرَأَهُمْ فَإِذَا هُمْ يَدْبُونَ - ثُمَّ رَفَعَ لَهُمْ نَاراً فَأَمَرَ أَهْلَ الشِّمَالِ - أَنْ يَدْخُلُوهَا فَذَهَبُوا إِلَيْهَا فَهَابُوهَا - فَلَمْ يَدْخُلُوهَا ثُمَّ أَمَرَ أَهْلَ الْيَمِينِ - أَنْ يَدْخُلُوهَا فَذَهَبُوا فَدَخَلُوهَا - فَأَمَرَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ النَّارَ فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ بَرْدًا وَسَلَامًا - فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَهْلُ الشِّمَالِ قَالُوا - رَبَّنَا أَقْلِنَا فَاَقَاهُمْ - ثُمَّ قَالَ لَهُمْ ادْخُلُوهَا فَذَهَبُوا - فَقَامُوا عَلَيْهَا وَلَمْ يَدْخُلُوهَا - فَأَعَادَهُمْ طِينًا وَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ عليه السلام - وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فَلَنْ يَسْتَطِيعَ هَؤُلَاءِ أَنْ يَكُونُوا مِنْ هَؤُلَاءِ - وَلَا هَؤُلَاءِ أَنْ يَكُونُوا مِنْ هَؤُلَاءِ - قَالَ فَيَرَوْنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - أَوَّلُ مَنْ دَخَلَ تِلْكَ النَّارَ - فَذَلِكَ قَوْلُهُ جَلَّ وَعَزَّ - قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ - فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ.

بَابُ آخِرِ مَنَّهُ.

١٤٥٧- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ الْعِجْلِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ - خَلَقَ مَاءً عَذْبًا وَ مَاءً مَالِحًا أَجَاجًا - فَاُمْتَزَجَ الْمَاءَانِ - فَأَخَذَ طِينًا مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ - فَعَرَكَهُ عَرَكًا

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: براستی خدای عز و جل چون خواست آدم را بیافریند آب را به سوی خاک فرستاد و سپس مشتی از آن را گرفت و مالش داد و با دست قدرت خود از هم جدا کرد و دو قسمت نمود و بشر را از آن بیافرید ناگهان به جنبش درآمدند و سپس آتشی برای آنها برافروخت و به اهل شمال فرمان داد در آن داخل شوند آنها به سویی رفتند و ترسیدند و داخل نشدند سپس به اهل یمن دستور داد تا در آن وارد شوند آنها رفتند و داخل شدند و خدا به آتش دستور داد تا بر آنها گلستان شد و چون اهل شمال چنان دیدند گفتند: پروردگارا برای ما تجدید کن و از ما در گذر، و خدا از آنها در گذشت و سپس فرمود: در آن وارد شوید آنها برفتند و بر سر آن ایستادند و در آن داخل نشدند و خداوند آنان را به حال طینت اول بازگردانید و آدم را از آن آفرید، امام صادق علیه السلام فرمود: از این رو آنها هرگز نمی توانند از اینها باشند به همین جهت اهل بیت معتقدند که رسول خدا نخستین کسی بود که داخل آن آتش شد از این رو خدای عز و جل فرمود: «بگو اگر برای خدای رحمان فرزندی بود، من نخستین پرستنده بودم (زخرف / ۸۱)»

بابی دیگر از همین باب

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: براستی خدای تبارک و تعالی چون خواست مخلوقات را بیافریند نخست آبی گوارا و آبی شور و تلخ بیافرید و آن دو را با هم ترکیب کرد سپس از روی زمین گلی برگرفت و آن را سخت مالید و به اصحاب یمن که چون مورچه می جنبیدند فرمود: با سلامتی به

شَدِيداً - فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَهُمْ كَالذَّرِّ يَدْبُونَ - إِلَى الْجَنَّةِ بِسَلَامٍ وَ
 قَالَ لِأَصْحَابِ الشِّمَالِ - إِلَى النَّارِ وَلَا أَبَالِي - ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ -
 قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ثُمَّ أَخَذَ
 الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ - فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَأَنْ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي - وَأَنْ
 هَذَا عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - قَالُوا بَلَى فَثَبَّتَ لَهُمُ النُّبُوَّةَ
 وَأَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أُولِي الْعِزِّمِ - أَنِّي رَبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ رَسُولِي - وَعَلِيٌّ
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَلاَءُ أَمْرِي وَخِزَانُ عِلْمِي عليه السلام - وَ
 أَنْ الْمُهْدِيَّ أَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِي - وَأُظْهِرُ بِهِ دَوْلَتِي وَأَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي
 وَأُعْبَدُ بِهِ طَوْعاً وَكَرْهاً - قَالُوا أَقَرَرْنَا يَا رَبِّ وَشَهِدْنَا - وَلَمْ يَجْحَدْ
 آدَمُ وَلَمْ يَقَرَّ - فَثَبَّتَ الْعَزِيمَةَ لِهَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ فِي الْمُهْدِيِّ - وَلَمْ يَكُنْ لِآدَمَ
 عِزْمٌ عَلَى الْإِقْرَارِ بِهِ عليه السلام وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ
 قَبْلُ فَنَسِيَ - وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عِزْماً قَالَ - إِنَّمَا هُوَ فَتَرَكْتُ ثُمَّ أَمَرَ نَاراً - فَأُجِجَتْ
 فَقَالَ لِأَصْحَابِ الشِّمَالِ - ادْخُلُوهَا فَهَابُوهَا - وَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ
 ادْخُلُوهَا فَدَخَلُوهَا - فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ بَرْداً وَسَلَاماً - فَقَالَ أَصْحَابُ
 الشِّمَالِ يَا رَبِّ أَقْلَنَّا - فَقَالَ قَدْ أَقْلَيْتُكُمْ إِذْ هَبُّوا فَادْخُلُوا فَهَابُوهَا - فَمَنْ
 ثَبَّتَ الطَّاعَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْمُعَصِيَةَ.

سوی بهشت روان شوید، و به اصحاب شمال فرمود: به سوی دوزخ بروید سپس فرمود: «مگر من پروردگار شما نیستم و این محمد مصطفی نیست و این امیر مؤمنان نیست گفتند: آری پس نبوت آنها ثابت شد و از پیامبران اولوالعزم به همین صورت پیمان گرفت و گفت: براستی من پروردگار شمایم و محمد رسول من است و علی امیر مؤمنان است و اوصیائش پس از او و الیان امر من و خزانه داران علم من هستند، و به راستی عهدهی است که من به وسیله او دینم را نصرت دهم و دولت را ظاهر کنم و از دشمنانم انتقام کشم و به وسیله او خواهی نخواهی پرستیده شوم.

گفتند: پروردگارا ما اقرار داریم و گواهیم، آدم نه انکار کرد و نه اقرار آورد و مقام اولوالعزمی برای آن پنج نفر بخاطر مهدی ثابت شد و آدم تصمیم نگرفت که به آن اقرار کند (و به همین خاطر از گروه پیامبران اولوالعزم خارج شد) این است گفتار خداوند عز و جل: «و هر اینه از پیش با آدم عهدهی بستیم او فراموش کرد و تصمیمی در او نیافت» فرمود: همانا مقصود از «نسی» در اینجا «ترک» است. (زیرا فراموشی بر پیامبران او نیست) سپس فرمود تا آتشی برافروخته شد و به اصحاب شمال فرمان داد: در آن وارد شوید، و از آن هراسیدند و نرفتند، و به اصحاب یمین فرمود: در آن وارد شوید، در آن وارد شدند و بر آنها سرد و سلامت شد پس اصحاب شمال گفتند: پروردگارا از ما بگذر، فرمود: از شما گذشتم، اکنون بروید و در آن وارد شوید پس از آن هراسیدند، از آنجا است که طاعت و ولایت و معصیت ثبت شد.

١٤٥٨ - ٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
 جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - لَمَّا أَخْرَجَ ذُرِّيَّةَ آدَمَ عليه السلام مِنْ ظَهْرِهِ
 لِيَأْخُذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَهُ - وَبِالنُّبُوَّةِ لِكُلِّ نَبِيٍّ - فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ
 أَخَذَ لَهُ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ - نَبِيُّوَتِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - ثُمَّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ لِآدَمَ - أَنْظِرْ مَاذَا تَرَى قَالَ - فَنَظَرَ آدَمُ عليه السلام إِلَى ذُرِّيَّتِهِ - وَهُمْ ذُرٌّ قَدْ
 مَلَأُوا السَّمَاءَ - قَالَ آدَمُ عليه السلام يَا رَبِّ مَا أَكْثَرَ ذُرِّيَّتِي - وَلِأَمْرِ مَا خَلَقْتَهُمْ فَمَا
 تُرِيدُ مِنْهُمْ - بِأَخْذِكَ الْمِيثَاقَ عَلَيْهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - يَعْبُدُونَنِي لَا
 يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً - وَيُؤْمِنُونَ بِرُسُلِي وَيَتَّبِعُونَهُمْ - قَالَ آدَمُ عليه السلام يَا رَبِّ
 فَمَا لِي أَرَى بَعْضَ الذَّرِّ - أَعَظَمَ مِنْ بَعْضٍ وَبَعْضُهُمْ لَهُ نُورٌ كَثِيرٌ وَ
 بَعْضُهُمْ لَهُ نُورٌ قَلِيلٌ وَبَعْضُهُمْ لَيْسَ لَهُ نُورٌ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَذَلِكَ
 خَلَقْتُهُمْ - لِأَبْلُوهُمْ فِي كُلِّ خَالَتِهِمْ - قَالَ آدَمُ عليه السلام يَا رَبِّ فَتَأْذَنُ لِي فِي
 الْكَلَامِ فَاتَّكَلَّمُ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَكَلَّمْ - فَإِنَّ رُوحَكَ مِنْ رُوحِي
 وَطَبِيعَتَكَ من خِلَافِ كَيْنُونَتِي - قَالَ آدَمُ يَا رَبِّ فَلَوْ كُنْتَ خَلَقْتَهُمْ -
 عَلَى مِثَالِ وَاحِدٍ وَقَدَرٍ وَاحِدٍ - وَطَبِيعَةٍ وَاحِدَةٍ وَجِبِلَّةٍ وَاحِدَةٍ - وَ
 أَلْوَانٍ وَاحِدَةٍ وَأَعْمَارٍ وَاحِدَةٍ - وَأَرْزَاقٍ سَوَاءٍ لَمْ يَبْغِ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ - وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمْ تَحَاسُدٌ وَلَا تَبَاغُضٌ - وَلَا اخْتِلَافٌ فِي شَيْءٍ مِنْ
 الْأَشْيَاءِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا آدَمُ - بِرُوحِي نَطَقْتَ وَبِضَعْفِ طَبِيعَتِكَ
 تَكَلَّمْتَ مَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ وَ أَنَا الْخَالِقُ الْعَالِمُ - بِعِلْمِي خَالَفْتُ بَيْنَ خَلْقِهِمْ

۲ - حبیب سجستانی، گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: برآستی چون خدای عز و جل نژاد آدم را از پشتش خارج ساخت تا از آنها به پروردگاری خود و نبوت هر پیامبر پیمان بگیرد اولین کسی که به نبوت او پیمان گرفت، محمد بن عبدالله بود، سپس خدای عز و جل به آدم فرمود: بنگر چه می بینی؟ فرمود: آدم بذریه خود نگاه کرد که مورچه وار فضای آسمان را پر کرده اند، آدم گفت: پروردگارا، نژاد من چقدر زیاد است، برای کار بزرگی آنها را آفریدی؟ تو از آنها چه می خواهی که از آنها پیمان می ستانی؟ خدا فرمود: برای آنکه مرا پرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و به رسولانم بگروند و از آنها پیروی کنند، آدم گفت: پروردگارا چه شده است که بعضی از آنها را، بزرگ تر از دیگری می بینم؟ چرا بعضیها پر نور و بعضیها کم نور و بعضیها بی نوراند؟ خدای عز و جل فرمود: چنین آنها را آفریدم تا آنها را آزمایش نمایم، آدم عرض کرد: پروردگارا به من اجازه سخن می دهی تا سخنی گویم؟ خدای عز و جل فرمود: سخن بگو که روح از روح من است (زیرا آن روح را من آفریدم) و طبیعتت بر خلاف هستی من است، آدم گفت: پروردگارا کاش همه را یکسان آفریده بودی با یک نمونه و یک اندازه و یک طبع و یک خو و یک رنگ و با عمرهای برابر و روزی های برابر تا بر یکدیگر ستم نکنند و بر یکدیگر حسد نبرند و دشمنی باهم نکنند و در هیچ چیزی اختلاف نورزند، خدای عز و جل فرمود: ای آدم، به نیروی روح من گویا شدی و به سستی طبع خود آنچه را که علم نداری بر زبان آوردی، منم آفریدگار جهان به دانش خود آفرینش آنان را مختلف ساختم و به خواست خودم فرمانم را در آنان اجرا کنم و به تدبیر و تقدیر من بگردند، در آفرینشم تبدیلی نیست، همانا جن و انس را

وَبِمَشِيئَتِي يَمْضِي فِيهِمْ أَمْرِي - وَإِلَى تَدْبِيرِي وَتَقْدِيرِي صَائِرُونَ - لَا
تَبْدِيلَ لِحَلْقِي - إِنَّمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُونِ - وَخَلَقْتُ الْجَنَّةَ لِمَنْ
أَطَاعَنِي وَعَبَدَنِي مِنْهُمْ - وَاتَّبَعَ رُسُلِي وَلَا أَبَالِي - وَخَلَقْتُ النَّارَ لِمَنْ
كَفَرَ بِي وَعَصَانِي - وَلَمْ يَتَّبِعْ رُسُلِي وَلَا أَبَالِي - وَخَلَقْتُكَ وَخَلَقْتُكَ
ذُرِّيَّتَكَ مِنْ غَيْرِ فَاقَةٍ بِي إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ - وَإِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ
وَأَبْلُوهُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا - فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَقَبْلَ مَمَاتِكُمْ
فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ - وَالْحَيَاةَ وَالْمَوْتَ وَالطَّاعَةَ وَالْمَعْصِيَةَ
وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ - وَكَذَلِكَ أَرَدْتُ فِي تَقْدِيرِي وَتَدْبِيرِي - وَبِعِلْمِي
النَّافِذِ فِيهِمْ خَالَفْتُ - بَيْنَ صُورِهِمْ وَأَجْسَامِهِمْ وَالْوَانِهِمْ - وَأَعْمَارِهِمْ
وَأَرْزَاقِهِمْ وَطَاعَتِهِمْ وَمَعْصِيَتِهِمْ - فَجَعَلْتُ مِنْهُمْ الشَّقِيَّ وَالسَّعِيدَ
وَالْبَصِيرَ وَالْأَعْمَى وَالْقَصِيرَ وَالطَّوِيلَ - وَالْجَمِيلَ وَالْدَّمِيمَ وَالْعَالِمَ
وَالْجَاهِلَ - وَالْغَنِيَّ وَالْفَقِيرَ وَالْمُطِيعَ وَالْعَاصِيَّ - وَالصَّحِيحَ وَالسَّقِيمَ وَ
مَنْ بِهِ الزَّمَانَةُ - وَمَنْ لَا عَاهَةَ بِهِ - فَيَنْظُرُ الصَّحِيحُ إِلَى الَّذِي بِهِ
الْعَاهَةُ - فَيَحْمَدُنِي عَلَى عَافِيَتِهِ - وَيَنْظُرُ الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ إِلَى الصَّحِيحِ -
فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلْنِي أَنْ أُعَافِيَهُ - وَيَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي فَأُثِيبُهُ جَزِيلَ
عَطَائِي - وَيَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ - فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي
وَيَنْظُرُ الْفَقِيرُ إِلَى الْغَنِيِّ - فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلْنِي - وَيَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى
الْكَافِرِ فَيَحْمَدُنِي عَلَى مَا هَدَيْتُهُ - فَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوهُمْ فِي السَّرَّاءِ وَ
الضَّرَّاءِ - وَفِيمَا أُعَافِيهِمْ وَفِيمَا أُبْتَلِيهِمْ - وَفِيمَا أُعْطِيهِمْ وَفِيمَا أُمْنَعُهُمْ

آفریدم تا مرا پرستند و بهشت را برای کسانی آفریدم که مرا اطاعت کنند و پرستند و پیروی از رسولانم کنند - و باکی ندارم - دوزخ را آفریدم برای هر کس که به من کافر شود و نافرمانی کند و پیروی از رسولانم ننماید و باکی ندارم که تو را و نژادت را آفریدم در حالی که نیازی به تو و فرزندان را نداشتم همانا تو و آنها را آفریدم تا تو و آنان را بیازمایم که کدام یک از شما در زندگی و پیش از مردن خود، کردار بهتری دارید. دنیا و آخرت، و زندگی و مرگ، و طاعت و گناه را و بهشت و دوزخ را آفریدم و همچنین اراده کردم در تقدیر و تدبیر خودم و به دانش نافذم درباره آنها میان صورت و جسم و رنگ و عمر و رزق و طاعت و معصیت آنان اختلاف انداختم و از آنها شقی و سعید و بینا و کور و کوتاه و بلند و زیبا و زشت و دانا و نادان و توانگر و درویش و مطیع و عاصی و تندرست و بیمار و زمین گیر و بی عیب قرار دادم تا تندرست به بیمار بنگرد و بر سلامتی خود مرا حمد گوید و بیمار به تندرست نگاه کند و به درگاهم دعا کند و از من بخواهد که او را سلامتی بخشم و به بلایم صبر کند تا عطای شایان ثوابم را به او دهم، و توانگر به درویش بنگرد و مرا سپاس گوید و شکر کند، و درویش به توانگر نگاه کند و به درگاهم دعا کند و از من بخواهد کند، و مؤمن به کافر بنگرد و مرا سپاس گوید که او را رهنمائی نمودم؛ برای اینکه آنها را آفریدم که در خوشی و ناخوشی آنها را بیازمایم، و هم در آنچه آنان را سلامتی دهم و هم در آنچه گرفتار سازم و در آنچه به آنها بدهم و در آنچه از آنها دریغ دارم، و منم خدای ملک توانا و حق من است که هر چه مقدر کردم طبق تدبیر خودم اجراء کنم و حق من است که هر چه را از آن خواهم تغییر دهم، هر چه از آن

وَأَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ - وَلِي أَنْ أَمْضِيَ جَمِيعَ مَا قَدَّرْتُ عَلَى مَا دَبَّرْتُ
 وَلِي أَنْ أُغَيِّرَ مِنْ ذَلِكَ مَا شِئْتُ إِلَى مَا شِئْتُ - وَأُقَدِّمَ مِنْ ذَلِكَ مَا أَخَرْتُ
 وَأُؤَخِّرَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدَّمْتُ - وَأَنَا اللَّهُ الْفَعَّالُ لِمَا أُرِيدُ - لَا أَسْأَلُ عَمَّا
 أَفْعَلُ - وَأَنَا أَسْأَلُ خَلْقِي عَمَّا هُمْ فَاعِلُونَ.

١٤٥٩-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ
 صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ وَعَقَبَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
 قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ - فَخَلَقَ مَنْ أَحَبَّ مِمَّا أَحَبَّ - وَكَانَ مَا
 أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَهُ مِنْ طِينَةِ الْجَنَّةِ - وَخَلَقَ مَنْ أَبْغَضَ مِمَّا أَبْغَضَ - وَكَانَ مَا
 أَبْغَضَ أَنْ يَخْلُقَهُ مِنْ طِينَةِ النَّارِ - ثُمَّ بَعَثَهُمْ فِي الظُّلَالِ - فَقُلْتُ وَأَيُّ شَيْءٍ
 الظُّلَالُ - فَقَالَ أَلَمْ تَرَ إِلَى ظِلِّكَ فِي الشَّمْسِ شَيْئاً - وَلَيْسَ بِشَيْءٍ ثُمَّ بَعَثَ
 مِنْهُمْ النَّبِيِّينَ - فَدَعَوْهُمْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ - وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ثُمَّ دَعَوْهُمْ إِلَى الْإِقْرَارِ
 بِالنَّبِيِّينَ - فَأَقَرَّ بَعْضُهُمْ وَأَنْكَرَ بَعْضٌ - ثُمَّ دَعَوْهُمْ إِلَى وَلَايَتِنَا فَأَقَرَّ بِهَا
 وَاللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَأَنْكَرَهَا مَنْ أَبْغَضَ - وَهُوَ قَوْلُهُ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا - بِمَا
 كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ التَّكْذِيبُ ثُمَّ.

خواهم جلو ببرم و هر چه را خواهم به تأخیر اندازم، و منم خدای فعال
مایشاء، از آنچه کنم بازپرسی ندارم، و خلق خود را از هر چه کنند
بازپرسی کنم.

۳- از امام باقر علیه السلام فرمود: براستی خدای عزّ و جلّ مخلوقات را آفرید و
هرکس را دوست داشت از آن چیزی که دوست داشت بیافرید، و آنچه
را دوست داشت این بود که او را از سرشت بهشت آفرید و هر چه را
دشمن داشت از آنچه که بد داشت بیافرید و آنچه را که بد داشت این
بود که از سرشت دوزخ آفرید، سپس آنها را به سایه‌ای فرستاد، من
گفتم: سایه چیست؟، در پاسخ فرمود: تو سایه خود را در برابر خورشید
نمی‌بینی که چیزی است و در حقیقت چیزی نیست؟. سپس پیامبران را از
میان آنها برانگیخت و آنان را به اقرار به خدای عزّ و جلّ دعوت کرد و
این است تفسیر قول خدای عزّ و جلّ: «و اگر از آنها پرسید، چه کسی
شما را آفریده گویند: خدا» (زخرف / ۸۷).

سپس مردم را دعوت کرد تا به پیامبران اقرار کنند و برخی اقرار کردند و
برخی انکار نمودند، سپس آنان را به ولایت ما دعوت کرد، به خدا
هرکس را دوست داشت اقرار کرد و هرکس را دشمن داشت انکار کرد و
این است تفسیر قول خداوند: «آنها به آنچه که قبلاً تکذیب کرده بودند
ایمان نخواهند آورد» (اعراف / ۱۰۱) سپس امام باقر علیه السلام فرمود: در آنجا انجام
گرفت (یعنی کسانی که امروز ولایت را تکذیب می‌کنند ابتدا در عالم
مثال تکذیب کرده بودند).

بَابُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَوَّلُ مَنْ أُجَابَ وَأَقْرَبُهُ مَرْوَجًا بِالرُّبُوبِيَّةِ.

١٤٦٠-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ ابْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ بَعْضَ قُرَيْشٍ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ - بِأَيِّ شَيْءٍ سَبَقْتَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْتَ بَعِثْتَ آخِرَهُمْ وَخَاتَمَهُمْ - فَقَالَ إِنِّي كُنْتُ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِرَبِّي وَأَوَّلَ مَنْ أُجَابَ - حَيْثُ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ - وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمُ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ - فَكُنْتُ أَنَا أَوَّلَ نَبِيٍّ قَالَ - بَلَى فَسَبَقْتُهُمْ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

١٤٦١-٢- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لَا أَرَى بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَغْتَرِيهِ النَّزَقُ وَالْحِدَّةُ وَالطَّيْشُ - فَأَغْتَمُ لِدَلِكِ غَمًّا شَدِيدًا - وَ أَرَى مَنْ خَالَفَنَا فَأَرَاهُ حَسَنَ السَّمْتِ - قَالَ لَا تَقُلْ حَسَنَ السَّمْتِ - فَإِنَّ السَّمْتَ سَمْتُ الطَّرِيقِ - وَلَكِنْ قُلْ حَسَنَ السِّيَاءِ - فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - سِيَاءُهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ قَالَ قُلْتُ فَأَرَاهُ حَسَنَ السِّيَاءِ - وَ لَهُ وَقَارٌ فَأَغْتَمُ لِدَلِكِ - قَالَ لَا تَغْتَمُ لِمَا رَأَيْتَ مِنْ نَزَقٍ أَصْحَابِكَ - وَ لِمَا رَأَيْتَ مِنْ حُسْنِ سِيَاءٍ مَنْ خَالَفَكَ - إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا أَرَادَ - أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ خَلَقَ تِلْكَ الطَّيْنَتَيْنِ - ثُمَّ فَرَقَهُمَا فِرْقَتَيْنِ فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ كُونُوا خَلْقًا بِإِذْنِي - فَكَانُوا خَلْقًا بِمَنْزِلَةِ الذَّرِّ يَسْعَى - وَ قَالَ لِأَهْلِ الشِّمَالِ - كُونُوا خَلْقًا بِإِذْنِي - فَكَانُوا خَلْقًا بِمَنْزِلَةِ

رسول خدا ﷺ اولین کسی بود که پاسخ گفت و به خداوند اقرار کرد

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از قریش به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: به کدام چیز تو بر پیامبران پیشی گرفتی و در رتبه و مقام جلو افتادی، در صورتی که در آخر و انتهای آنها مبعوث شدی؟ در پاسخ فرمود: من نخستین کسی بودم که پاسخ گفتم، آنگاه که خدا از پیامبران پیمان گرفت و آنها را بر خودش گواه ساخت که: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» پس من نخستین پیامبری بودم که گفتم: بلی، و در اقرار به خدای عز و جل بر آنها پیش دستی کردم.

۲ - عبد الله بن سنان، می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت گردم می نگرم که برخی هم مذهبان ما گرفتار خشم و کج خلقی می شوند و از این جهت به سختی غمگین می شوم و مخالف خود را تیکو روش می بینم فرمود: خوش روش مگو زیرا مقصود از روش راه و مذهب است ولی بگو: خوش سیما، زیرا خدای عز و جل فرماید: «سیمای آنان در رخسارشان از اثر سجده است (فتح / ۲۹)، گوید: گفتم: او را خوش سیما و با وقار می بینم و از این جهت اندوهگین می شوم، در پاسخ فرمود: غمگین مباش از آنچه در هم مذهبان خود بد خلقی دیدی و در مخالفان خود خوش خلقی، براستی خدای تبارک و تعالی خواست آدم را بیافریند این هر دو سرشت را آفرید و آنها را دوبرخش کرد و به اصحاب یمین فرمود: شما به اذن من آفریده شوید آنها مخلوقی شدند مانند مورچگان که می شتافتند، و به اهل شمال فرمود به اجازه من آفریده شوید آنها مخلوقی

الذَّرِّ - يَدْرُجُ ثُمَّ رَفَعَ لَهُمْ نَاراً فَقَالَ - ادْخُلُوهَا بِإِذْنِي فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ
 دَخَلَهَا - مُحَمَّدٌ ﷺ ثُمَّ اتَّبَعَهُ أُولُو الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ - وَأَوْصِيَاؤُهُمْ وَ
 أَتْبَاعُهُمْ ثُمَّ قَالَ - لِأَصْحَابِ الشِّمَالِ ادْخُلُوهَا بِإِذْنِي - فَقَالُوا رَبَّنَا خَلَقْتَنَا
 لِتُحْرِقَنَا - فَعَصَوْا فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ - أَخْرُجُوا بِإِذْنِي مِنَ النَّارِ - لَمْ
 تَكَلِّمِ النَّارُ مِنْهُمْ كَلِمَةً - وَلَمْ تُؤَثِّرْ فِيهِمْ أَثْراً - فَلَمَّا رَأَاهُمْ أَصْحَابُ الشِّمَالِ
 قَالُوا - رَبَّنَا نَرَى أَصْحَابَنَا قَدْ سَلِمُوا - فَأَقْبَلْنَا وَمُرْنَا بِالدُّخُولِ قَالَ -
 قَدْ أَقْبَلْتَكُمْ فَادْخُلُوهَا - فَلَمَّا دَنَوْا وَأَصَابَهُمُ الْوَهْجُ رَجَعُوا - فَقَالُوا يَا
 رَبَّنَا لَا صَبْرَ لَنَا عَلَى الْإِحْتِرَاقِ فَعَصَوْا - فَأَمَرَهُمْ بِالدُّخُولِ ثَلَاثاً - كُلُّ
 ذَلِكَ يَعْصُونَ وَيَرْجِعُونَ - وَأَمَرَ أُولَئِكَ ثَلَاثاً - كُلُّ ذَلِكَ يُطِيعُونَ وَ
 يَخْرُجُونَ - فَقَالَ لَهُمْ كُونُوا طِيناً بِإِذْنِي - فَخَلَقَ مِنْهُ آدَمَ قَالَ - فَمَنْ كَانَ
 مِنْ هَؤُلَاءِ لَا يَكُونُ مِنْ هَؤُلَاءِ - وَمَنْ كَانَ مِنْ هَؤُلَاءِ لَا يَكُونُ مِنْ
 هَؤُلَاءِ - وَمَا رَأَيْتُ مِنْ نَزَقٍ أَصْحَابِكَ وَخَلْقِهِمْ - فِيمَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَطَخِ
 أَصْحَابِ الشِّمَالِ - وَمَا رَأَيْتُ مِنْ حُسْنِ سِيَاءٍ مَنْ خَالَفَكُمْ وَوَقَارِهِمْ
 فِيمَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَطَخِ أَصْحَابِ الْيَمِينِ.

١٤٦٢ - ٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ
 ابْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
 سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - بِأَيِّ شَيْءٍ سَبَقْتَ وَلَدَ آدَمَ. قَالَ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَقَرَّ
 بِرَبِّي - إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ - وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمُ أَلَسْتُ
 بِرَبِّكُمْ - قَالُوا بَلَى فَكُنْتُ أَوَّلَ مَنْ أَجَابَ.

شدند چون مورچگان می‌لولیدند، سپس آتشی برای آنها برافروخت و فرمود: به اجازه من در آن در آئید، و نخستین کسی که در آتش وارد شد محمد ﷺ بود، سپس رسولان اولوالعزم و اوصیاء و پیروانشان در آن وارد شدند سپس به اصحاب شمال فرمود: به اذن من در آن در آئید، در پاسخ گفتند: پروردگارا ما را آفریدی تا ما را بسوزانی؟ و نافرمانی کردند، پس به اصحاب یمین فرمود به اجازه من از آتش خارج شوید، آتش بر آنها زخمی پدید نیاورد و اثری نکرده بود، و چون اصحاب شمال آنها را دیدند گفتند: پروردگارا ما می‌بینیم اصحاب یمین سالمند، از ما در گذر و به ما اجازه ده از آن خارج شویم.

فرمود: من از شما در گذشتم پس در آن وارد شوید چون نزدیک آن شدند و سوز آتش به آنها رسید، برگشتند و گفتند: پروردگارا ما بر سوختن شکیا نیستیم و نافرمانی کردند و تا سه بار فرمان وارد شدن در آتش به آنها داد و هر بار نافرمانی کردند و برگشتند و به آنان (یعنی اصحاب یمین) سه بار دستور ورود داد و هر سه بار اطاعت کردند و بیرون شدند، پس به آنها فرمود: همه به اجازه من گل شوید و آدم را از آن آفرید، گفت: هر کس از آنان است از اینان نیست و هر کس از اینان است از آنان نیست، آنچه از سبکی و کج خلقی یارانت بینی از آلودگی آنان با اصحاب شمال است، و آنچه از نیکویی سیمای مخالفان خودتان و وقارشان بینی از برخورد آنها است با اصحاب یمین (احتمال دارد منظور از برخورد همان چسبندگی و آمیختگی اجزای گل اولیه آنها با یکدیگر باشد).

۳- صالح بن سهل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد به کدام چیز بر تمامی فرزندان آدم پیشه گرفتی و مقدم شدی؟ فرمود: من نخستین کسی بودم که به پروردگارم اقرار کردم، خدا از پیامبران پیمان گرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که: «آیا پروردگار شما نیست؟» گفتند: چرا، پس من نخستین کسی بودم که پاسخ گفتم.

بَابُ كَيْفَ أَجَابُوا وَهُمْ ذُرٌّ

١٤٦٣-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ أَجَابُوا وَهُمْ ذُرٌّ قَالَ جَعَلَ فِيهِمْ مَا إِذَا سَأَلَهُمْ أَجَابُوهُ - يَعْنِي فِي الْمِثَاقِ.

بَابُ فِطْرَةِ الْخَلْقِ عَلَى التَّوْحِيدِ.

١٤٦٤-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ: التَّوْحِيدُ.

١٤٦٥-٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا مَا تِلْكَ الْفِطْرَةُ قَالَ - هِيَ الْإِسْلَامُ فَطَرَهُمُ اللَّهُ - حِينَ أَخَذَ مِيثَاقَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ - قَالَ: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَفِيهِ الْمُؤْمِنُ وَالْكَافِرُ.

چگونه پاسخ دادند با اینکه ذره بودند

۱ - ابی بصیر، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه پاسخ دادند با اینکه ذره بودند؟

فرمود: در آنها چیزی قرار داد که در عالم میثاق بتوانند پاسخ گویند.

توضیح: بعضی از دانشمندان شیعه گفته‌اند که خداوند افراد بشر را در آغاز و قبل از خلقت آدم بصورت ذره و مورچه بیافرید و به آنها شعور و درک به اندازه شأنشان بداد تا بتوانند آفریدگار خود را بشناسند.

فطرت مخلوق یگانه پرستی است

۱ - هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به آیه: «فطرت حق است که مردم را بر پایه آن آفریده است» (روم / ۳۰) فرمود: توحید و یگانه پرستی است.

۲ - عبد الله بن سنان گوید از امام صادق علیه السلام راجع به گفته خداوند «فطرت خدایی است که مردم بر آن آفریده است» (روم / ۳۰) پرسیدم فرمود: مقصود از آن اسلام است، خدا آنان را بر آن آفرید هنگامی که از آنها میثاق بر یگانه پرستی گرفت. فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟ (اعراف / ۱۷۲) و در آن بودند مؤمن و کافر.

١٤٦٦- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ
عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ
النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ فَطَرَهُمْ جَمِيعًا عَلَى التَّوْحِيدِ.

١٤٦٧- ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ قَالَ
الْحَنِيفِيَّةُ مِنَ الْفِطْرَةِ الَّتِي فَطَرَ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيْهَا - لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ قَالَ
فَطَرَهُمْ عَلَى الْمَعْرِفَةِ بِهِ - قَالَ زُرَّارَةُ وَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ -
وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ - مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ - وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ - قَالُوا بَلَى الْآيَةُ قَالَ - أَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ
ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَفَهُمْ وَأَرَاهُمْ نَفْسَهُ - وَلَوْ
لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ - وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَدُ
عَلَى الْفِطْرَةِ - يَعْنِي الْمَعْرِفَةَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَالِقُهُ - كَذَلِكَ قَوْلُهُ وَلَئِنْ
سَأَلْتَهُمْ - مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ
أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ
فَطَرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ.

۳- زراره می گوید از امام باقر علیه السلام از قول خدای عز و جل «راست رو باشید و به او شرک نورزید (حج / ۳۲)» پرسیدم فرمود: همان فطرت یگانه پرستی است که خدا مردم را بر آن آفریده «در آفرینش خداوند دگرگونی نیست» فرمود: آنان را به معرفت خود هستی داده است،

* * *

۴- زراره گوید: و از آن حضرت پرسیدم از قول خدای عز و جل: «و چون پروردگارت از فرزندان آدم از پشتهایشان نسلشان را برگرفت و بر خودشان گواه ساخت که مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا (اعراف / ۱۷۲)» فرمود: نژاد آدم را از پشت او تا روز قیامت بر آورد، آنان چون ذره ای بیرون شدند تا خود را به آنها بشناسانند و ظاهرشان کرد و اگر این نبود احدی پروردگار خود را نمی شناخت، و گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر نورآدی بر همان فطرت متولد می شود یعنی خداوند را خالق خود می داند، چنین است قول خداوند: «و اگر از آنان پرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ می گویند: خدا (لقمان / ۳۵)»

از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل «فطرت خدائی است که مردم را بر آن آفریده است» فرمود: آنها را بر توحید و یگانگی آفریده است.

* * *

بَابُ كَوْنِ الْمُؤْمِنِ فِي صُلْبِ الْكَافِرِ

١٤٦٨-١ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَيْسَرَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ نُطْفَةَ الْمُؤْمِنِ لَتَكُونُ فِي صُلْبِ الْمُشْرِكِ - فَلَا يُصِيبُهُ مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ - حَتَّى إِذَا صَارَ فِي رَحِمِ الْمُشْرِكَةِ لَمْ يُصِبْهَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ - حَتَّى تَضَعَهُ فَإِذَا وَضَعَتْهُ - لَمْ يُصِبْهُ مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ - حَتَّى يَجْرِيَ عَلَيْهِ الْقَلَمُ.

١٤٦٩-٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ إِنِّي قَدْ أَشْفَقْتُ - مِنْ دَعْوَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَلَى يَقْطِينٍ وَمَا وَلَدَ فَقَالَ - يَا أَبَا الْحَسَنِ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ فِي صُلْبِ الْكَافِرِ - بِمَنْزِلَةِ الْحَصَاةِ - فِي اللَّبَنَةِ يَجِيءُ الْمَطَرُ - فَيَغْسِلُ اللَّبَنَةَ وَلَا يَضُرُّ الْحَصَاةَ شَيْئًا.

وجود مؤمن در پشت کافر

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی نطفه مؤمن در پشت کافر چیزی از بدی به او نمی‌رسد تا آنگاه که در زهدان زن مشرکه قرار گیرد و باز چیزی از بدی به او نرسد تا آن را بزاید، و چون زاید، چیزی از بدی به او نرسد تا به تکلیف رسد.

۲ - علی بن یقطین گوید: با امام کاظم علیه السلام گفتم: من از نفرین امام صادق علیه السلام به یقطین و فرزندانش نگرانم، در پاسخ فرمود: ای ابوالحسن چنان نیست که تو گمان می‌بری، همانا مؤمن در پشت کافر چون سنگ ریزه‌ای است میان خشت، باران می‌آید و آن خشت را می‌شوید و می‌برد و به سنگ‌ریزه‌زیانی نمی‌رساند.

توضیح: یقطین بن موسی از طرفداران بنی عباس بود و در دستگاه آنها تفوذ داشت رفتارش نزد امام صادق علیه السلام مورد رضایت نبود و کارش سبب شد که امام به خود و فرزندانش نفرین کرد ولی پسرش علی در زمان امام هفتم مقامی بزرگ داشت و در بسیاری از موارد به یاری امام می‌شتافت و وقتی نگرانی خود را از نفرین امام صادق علیه السلام نسبت به یقطین و فرزندانش ابراز داشت امام هفتم به او اطمینان داد که نگران مباش.

بَابُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ الْمُؤْمِنَ

١٤٧٠-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ فَضَالٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُسْلِمٍ الْخُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الصَّقَلِ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً - تُسَمَّى الْمَزْنَ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ - أَنْ يَخْلُقَ مُؤْمِنًا أَقْطَرَ مِنْهَا قَطْرَةً - فَلَا تُصِيبُ بَقْلَةً وَلَا ثَمَرَةً - أَكَلَ مِنْهَا مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ - إِلَّا أَخْرَجَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صُلْبِهِ مُؤْمِنًا.

بَابُ فِي أَنْ الصَّبْغَةَ هِيَ الْإِسْلَامُ

١٤٧١-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً - قَالَ الْإِسْلَامُ وَقَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى قَالَ هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَخُذَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ.

هرگاه خداوند بخواهد مؤمن را بیافریند

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

در بهشت درختی است به نام (مزن) که هرگاه خدا بخواهد مؤمنی را بیافریند قطره‌ای از آن بچکاند آن قطره به هر سبزی و میوه‌ای برسد و مؤمن یا کافر از آن بخورد خداوند از پشت او مؤمن را خارج می‌سازد

باید دانست صبغه همان اسلام است

۱ - عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «رنگ آمیزی خدا است و چه کسی رنگ آمیزیش از خداوند بهتر است؟» (بقره / ۱۳۸) فرمود:

فرمود: مقصود اسلام است. و در تفسیر قول خدای عز و جل: «رنگ بهتر» فرمود: مقصود اسلام است.

و در تفسیر خدای عز و جل: «به تحقیق که به دست آویزی محکم دست زده است» (بقره / ۲۵۶) فرمود:

مقصود از آن ایمان به خدای یگانه و بی شریک است.

١٤٧٢-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ -

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً قَالَ الصِّبْغَةُ هِيَ الْإِسْلَامُ.

١٤٧٣-٣- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ٨ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً قَالَ الصِّبْغَةُ هِيَ الْإِسْلَامُ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ - فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى قَالَ هِيَ الْإِيمَانُ.



بَابُ فِي أَنَّ السَّكِينَةَ هِيَ الْإِيمَانُ.

١٤٧٤-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ قَالَ - وَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ.

۲- از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدا عز و جل «رنگ آمیزی خداست و چه کسی رنگ آمیزیش از خداوند بهتر است» فرمود:
مقصود از رنگ آمیزی همان اسلام است.

* * *

۳- امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدا عز و جل: «رنگ آمیزی خداوند که کیست که رنگ آمیزی او از خداوند بهتر باشد؟» فرمود:
مقصود از رنگ آمیزی اسلام است.
و در تفسیر قول خدای عز و جل: «هر کس از طاغوت برید و به خدا گروید به ریسمان محکم الهی چنگ زده است» (بقره / ۲۵۶) فرمود: آن ایمان است.



آرامش در سایه ایمان به خداست!

۱- ابی حمزه گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم از قول خدای عز و جل: «آرامش را در دل مؤمنان قرار داد» (فتح / ۴) «
فرمود: مقصود از آن ایمان است. گوید: و از او پرسیدم از قول خدای عز و جل: «آنان را به روحی از سوی خدا تأیید کرد» (مجادله / ۲۲)». فرمود:
آن ایمان است.

* * *

١٤٧٥-٢ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَوَلَيْكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ هَلْ هُمْ فِيمَا كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمْ صُنْعٌ قَالَ لَا.

١٤٧٦-٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

السَّكِينَةُ الْإِيمَانُ.

١٤٧٧-٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَهَشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَغَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ.

١٤٧٨-٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ قَالَ - وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ قَالَ - هُوَ الْإِيمَانُ وَ عَنْ قَوْلِهِ - وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ.

۲- فضیل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این که خدا وفا ببرد «آنها کسانی اند که خداوند ایمان را در دلشان قرار داده است» (مجادله / ۲۲) آیا در آنچه در دل آنها نوشته است خودشان دستی دارند؟ فرمود: نه.

* * *

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: آرامش در سایه ایمان است.

* * *

۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدا عز و جل: «او است آنکه آرامش را در دل مؤمنان فرستاده (فتح / ۲۶)» فرمود: مقصود از آن ایمان است

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
* * *

۵- جمیل گوید: امام صادق علیه السلام را از قول خدای عز و جل: «او است آنکه آرامش را در دل مؤمنان فرستد» (فتح / ۲۶) فرمود: مقصود از آن، ایمان است. سپس فرمود: «آنان را به روحی از خود تأیید کند» (مجادله / ۲۲) باز فرمود: «و آنها را به تقوا پایبند سازد» فرمود: آن هم ایمان است.

* * *

بَابُ الْإِخْلَاصِ.

١٤٧٩-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
خَنيفًا مُسْلِمًا قَالَ خَالِصًا مُخْلِصًا - لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ.

١٤٨٠-٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَالشَّيْطَانُ - وَالْحَقُّ وَالْبَاطِلُ - وَالْهُدَى وَالضَّلَالَةُ - وَالرُّشْدُ وَالْغِي - وَالْعَاجِلَةُ وَالْآجِلَةُ - وَالْعَاقِبَةُ وَالْحَسَنَاتُ وَالسَّيِّئَاتُ - فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنَاتٍ فَلِلَّهِ - وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئَاتٍ فَلِلشَّيْطَانِ لَعَنَهُ اللَّهُ.

١٤٨١-٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ يَقُولُ طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُعَاءَ - وَلَمْ يَشْغَلْ قَلْبَهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ - وَلَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ - وَلَمْ يَحْزَنْ صَدْرَهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ.

باب اخلاص

۱ - امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «حنیفاً مسلماً» فرمود:
یعنی خالص و با اخلاص که در آن، چیزی از پرستش بت‌ها نباشد.

۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداست و شیطان، و حق است و باطل، هدایت است و گمراهی و رشد است و غی، دنیا است و آخرت، و حسنات است و سیئات، آنچه حسنه و خوبی است از خداست، و آنچه که زشتی و پلیدی است از شیطان است.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۳ - امیر المؤمنین فرمود: خوشا به حال کسی که عبادت و دعایش برای خدا خالص گرداند و دلش به آنچه که چشمش می‌بیند خود را مشغول نسازد و به آنچه که گوشش می‌شنود یاد خدا را فراموش نکند و به آنچه که به دیگری داده شده ناراحت نشود.

١٤٨٢- ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا قَالَ لَيْسَ يَغْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا - وَلَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا - وَإِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ - وَالنِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَالْحَسَنَةُ - ثُمَّ قَالَ الْإِثْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ - إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالنِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ - أَلَا وَإِنَّ النِّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ - ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ - قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ يَغْنِي عَلَى نِيَّتِهِ.

١٤٨٣- ٥- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ سَالَتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ:

الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ - وَلَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ قَالَ - وَكُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ - فَهُوَ سَاقِطٌ وَإِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لَتَفَرُّغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ.

١٤٨٤- ٦- بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ السِّنْدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ - مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا - وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا - فَأَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ - وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ ثُمَّ تَلَا - إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ - سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ

۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدا عز و جل: «تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کردار بهتری دارید (ملک / ۲)».

فرمود: مقصود از کردار بهتر، کردار بیشتر نیست بلکه کردار درست‌تر است، درستی کردار نتیجه ترس از خداست به نیتی پاک، سپس فرمود: کرداری را تا به آخر پاک و با اخلاص نگه داشتن از خود آن کردار سخت‌تر است، کردار پاک آن است که مقصودت از آن ستایش احدی جز خداوند عز و جل نباشد، نیت بهتر است از کردار، همانا خود نیت هم کرداری است.

سپس قول خدای عز و جل را خواند: «بگو همگی طبق روش خود عمل می‌کنند (اسراء / ۸۴)» یعنی بر اساس نیت خود.

توضیح: معنی نیت الهی آن است که انسان کارش را تنها برای رضا و خشنودی خداوند انجام دهد نه آنکه برای خود یا کسی باشد و با بخاطر فرار از مشکلات این کار را بنام خداوند انجام دهد.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۵- گوید: از او پرسیدم که از تفسیر قول خدا عز و جل: «جز کسی که با دلی سالم نزد خدا آید (شعراء / ۸۹)»

فرمود: دل سالم آن دلی است که نزد خدای آید و جز او در آن نباشد، فرمود: هر دلی شرک و شک دارد ساقط است، و همانا زهد در دنیا را خواستند برای آنکه دلشان برای آخرت فارغ باشد.

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای چهل روز ایمان خالص نیاورد یا فرمود: خدا را چهل روز به نیکی یاد نکند جز آنکه خدا او را نسبت به دنیا زاهد سازد و درد و داروی دنیا را به او بنماید و حکمت را در دلش پا برجا کند و زیبانش را بدان گویا سازد، سپس خواند: «براستی آن کسانی که

وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ فَلَا تَرَى صَاحِبَ بِدْعَةٍ إِلَّا ذَلِيلًا - وَمُفْتَرِيًا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَعَلَى رَسُولِهِ ﷺ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ -: إِلَّا ذَلِيلًا.

بَابُ الشَّرَائِعِ.

١٤٨٥-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَى مُحَمَّدًا عليه السلام - شَرَائِعَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى عليه السلام - التَّوْحِيدَ وَ الْإِخْلَاصَ وَ خَلَعَ الْأَنْدَادَ - وَ الْفِطْرَةَ الْخَنيفِيَّةَ السَّمْحَةَ - وَ لَا رَهْبَانِيَّةَ وَ لَا سِيَاحَةَ - أَحَلَّ فِيهَا الطَّيِّبَاتِ وَ حَرَّمَ فِيهَا الْخَبَائِثَ - وَ وَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ - ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْهِ فِيهَا الصَّلَاةَ - وَ الزَّكَاةَ وَ الصِّيَامَ وَ الْحَجَّ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ - وَ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْمَوَارِيثَ وَ الْحُدُودَ وَ الْفَرَائِضَ وَ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَ زَادَهُ الْوُضُوءَ وَ فَضَّلَهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ - وَ بِخَوَاتِيمِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ الْمَقْصَلِ - وَ أَحَلَّ لَهُ الْمُنْعَمَ وَ الْغَنَى - وَ نَصَرَهُ بِالرُّعْبِ وَ جَعَلَ لَهُ الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا وَ أَرْسَلَهُ كَافَّةً إِلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ - وَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعْطَاهُ

گوساله را پرستیدند بزودی به خواری در زندگی دنیا رسند و همچنین افتراء بندگان را کیفر دهیم (اعراف / ۱۵۱) هیچ بدعت گذاری را نبینیم جز اینکه خوار است و هر کس به خدای عز و جل و بر رسولش و بر خاندان او افتراء بندد خوار خواهد شد.

شرایع

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: براستی خدای تبارک و تعالی به محمد صلی الله علیه و آله شرایع نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را داد که توحید و اخلاص و ترک بت پرستی است با فطرت حنیف ساده و اسلام (که همان روش اسلام است) بر کنار از گوشه گیری و خانه به دوشی (کنارگیری از گروه مسلمانان)، هر چیز پاکیزه را حلال کرد و هر چیز بد و نفرت انگیز را حرام نمود و بارهای سنگین را از دوش مردم برداشت و زنجیرهای (اسارت) که بر گردن آنها بود به دور انداخت سپس دستورهای اسلامی نماز و زکات و روزه و حج و امر به معروف و نهی از منکر و حلال و حرام و ارث و حدود و واجبات را برای آنها معین کرد و جهاد در راه خدا و وضوء را بر آن افزود و آن را به فاتحة الكتاب برتری داد و به آیات سورة بقره و سوره های پر فصل قرآن (از سورة محمد تا آخر قرآن) غنیمت وقتی را برای او حلال کرد (آنچه که از کفار با نبرد بدست آید غنیمت و آنچه که بدون جنگ به دست می آید فیء نام دارد) و با ایجاد هراس در دل دشمن او را یاری کرد و همه زمین را برای او طاهر و سجده گاه ساخت و او را رسول همه ساخت از سفید و سیاه و جن و انس، به او جزیه را (سرانه ای که از کفار اهل کتاب دریافت شود) بخشید

وَأَسْرَ الْمُشْرِكِينَ وَفِدَاهُمْ - ثُمَّ كَلَّفَ مَا لَمْ يُكَلَّفْ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ
وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ سَيْفٌ مِنَ السَّمَاءِ - فِي غَيْرِ غَمْدٍ وَقِيلَ لَهُ - فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ.

١٤٨٦-٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى
عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا
الْعِزِّ مِنَ الرُّسُلِ فَقَالَ نُوحٌ وَابْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى - وَمُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله
قُلْتُ كَيْفَ صَارُوا أُولِي الْعِزِّ - قَالَ لِأَنَّ نُوحًا بُعِثَ بِكِتَابٍ وَشَرِيعَةٍ
وَكُلُّ مَنْ جَاءَ بَعْدَ نُوحٍ - أَخَذَ بِكِتَابِ نُوحٍ وَشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ - حَتَّى
جَاءَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام بِالصُّحُفِ - وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ كِتَابِ نُوحٍ لَا كُفْرًا بِهِ - فَكُلُّ
نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام - أَخَذَ بِشَرِيعَةِ إِبْرَاهِيمَ وَمِنْهَاجِهِ وَبِالصُّحُفِ
- حَتَّى جَاءَ مُوسَى بِالتَّوْرَةِ وَشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ - وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ
الصُّحُفِ - وَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ مُوسَى عليه السلام - أَخَذَ بِالتَّوْرَةِ وَشَرِيعَتِهِ
وَمِنْهَاجِهِ - حَتَّى جَاءَ الْمَسِيحُ عليه السلام بِالْإِنْجِيلِ - وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ شَرِيعَةِ
مُوسَى وَمِنْهَاجِهِ - فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ الْمَسِيحِ - أَخَذَ بِشَرِيعَتِهِ
وَمِنْهَاجِهِ - حَتَّى جَاءَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ - وَبِشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ -
فَحَلَّالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ -
فَهَؤُلَاءِ أُولُو الْعِزِّ مِنَ الرُّسُلِ.

و اسیران مشرکان را و فدائی که دهند (مالی که برای آزاد کردن اسیر می‌دادند) برایش مقرر کرد سپس به او تکلیفی متوجّه شد که به هیچ کدام از پیامبران متوجّه نشده بود و شمشیری بی جلد از آسمان برایش فرود آمد و به او گفته شد که: «باید در راه خدا نبرد کنی و جز خودت را در درجه اول مکلف ندانی» (نساء / ۸۴) (یعنی پیش جنگ باشی)

۲- سماعة بن مهران گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم چه معنی دارد قول خدای عز و جل را؟ «شکیبا باش چنانچه رسولان اولوالعزم شکیبا بودند» فرمود: مقصود از آنها نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله است. گفتم: چگونه اولوالعزم شدند

فرمود: زیرا نوح با کتاب و شریعتی مبعوث شد و هر کس پس از او آمد به کتاب و شریعت و روش او عمل کرد تا حضرت ابراهیم صحف را آورد و فرمان ترک کتاب حضرت نوح علیه السلام را داد، نه از راه کافر شدن به آن، (زیرا زمان مناسب اجرای احکام نوح نبود) و هر پیامبری بعد از ابراهیم به شریعت و روش و صحف ابراهیم عمل کرد تا موسی علیه السلام تورات را آورد با شریعت و روش خود و فرمان ترک صحف را داد و هر پیامبری بعد از موسی آمد به تورات و شریعت و روش او عمل کرد تا آنکه مسیح انجیل را آورد و فرمان ترک شریعت موسی و روش او را داد، و هر پیامبری بعد از مسیح آمد به شریعت و روش او عمل کرد تا محمد صلی الله علیه و آله آمد و قرآن را آورد و شریعت و برنامه اسلام را، پس حلال او تا روز قیامت حلال است و حرام او تا روز قیامت حرام است پس اینها پیامبران اولوالعزم اند.

بَابُ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ.

١٤٨٧-١ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الزِّيَادِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ - عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ - وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ - كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ.

١٤٨٨-٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْقِفْنِي عَلَى حُدُودِ الْإِيمَانِ - فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَصَلَوَاتُ الْخَمْسِ وَأَدَاءُ الزَّكَاةِ - وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحُجُّ الْبَيْتِ - وَوَلَايَةُ وَلِيِّنَا وَعَدَاوَةُ عَدُوِّنَا - وَالدُّخُولُ مَعَ الصَّادِقِينَ.

١٤٨٩-٣ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ - عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ - وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ - كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ - فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ.

ستونهای اسلام

۱ - امام باقر علیه السلام فرمود:

اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز زکات روزه حج ولایت، و برای هیچ کدام فریاد زده نشد جز برای ولایت (که در روز غدیر خم پیامبر حضرت علی علیه السلام را به خلافت خویش برگزید)

۲ - عجلان ابی صالح گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا به حدود ایمان آگاه فرما

در پاسخ فرمود: شهادت به اینکه شایسته پرستشی جز خدا نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و اقرار به آنچه که از نزد خدا آورده است و نماز پنج گانه و پرداخت زکوة و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا (کعبه) و دوستی با دوست ما و دشمنی با دشمن ما همراه با راستگویان (همانطور که خداوند فرماید: با راستگویان همراه باشید (توبه / ۱۱۹))

۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز - زکات - روزه - حج - ولایت و فریاد زده نشده است جز برای ولایت مردم چهار تا از آن گرفتند و این یکی را (ولایت حضرت علی علیه السلام) را رها کردند.

١٤٩٠ - ٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ أَثَنِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةٌ - الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْوَلَايَةُ - لَا تَصِحُّ وَاحِدَةٌ
 مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا.

١٤٩١ - ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ
 عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ - عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ - وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ
 وَالْوَلَايَةِ - قَالَ زُرَّارَةُ
 فَقُلْتُ - وَ أَيْ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ - فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ - لِأَنَّهَا
 مِفْتَاحُهَا وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا -
 قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ - فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ -
 قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ - قَالَ

قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ - قَالَ الزَّكَاةُ لِأَنَّهُ قَرَنَهَا بِهَا - وَبَدَأَ
 بِالصَّلَاةِ قَبْلَهَا - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - الزَّكَاةُ تُذْهِبُ الذُّنُوبَ -
 قُلْتُ وَ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ - قَالَ الْحَجُّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَلِلَّهِ عَلَى
 النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ - مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا - وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ
 الْعَالَمِينَ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِحُجَّةٍ مَقْبُولَةٌ - خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ صَلَاةً
 نَافِلَةً - وَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا أَحْصَى فِيهِ أَسْبُوعَهُ وَ أَحْسَنَ
 رَكْعَتَيْهِ - غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَقَالَ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ - وَ يَوْمٍ الْمُزْدَلِفَةِ مَا قَالَ

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: اسلام بر سه پایه استوار است نماز - زکات - ولایت ائمه، هیچ یک از آنها درست نباشد مگر با آن دوتای دیگر (بدیهی است که نماز و زکات بدون ولایت قبول نخواهد بود)

۵- امام باقر علیه السلام فرمود:

اسلام بر پنج پایه سازمان دهی شده نماز - زکات - حج - روزه و ولایت. زراره گوید: گفتم: کدام یک از اینها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است، زیرا کلید آنهاست و شخص والی راهنمای آنهاست گفتم: سپس کدامشان برتری دارد؟

فرمود: نماز، براستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز پایه دین شما است. گفتم: سپس کدامیک در برتری دنبال آن است؟

فرمود: زکوة، زیرا که خدا آن را هم دوش نماز قرار داد و پیش از نماز آورده و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زکات، گناهان را می برد، گفتم: آن که در برتری آن است؟ فرمود: حج است، که خدای عز و جل فرموده است: «و برای خدا است برگردن مردم حج خانه کعبه برای کسی که توانائی دارد و هر کس کفر ورزد به راستی که خدا از جهانیان بی نیاز است (آل عمران / ۹۷)» و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرمود: هر آینه یک حج مقبول بهتر است از بیست نماز نافله و هر کس برگرد این خانه کعبه طواف کند و هفت دورش را بشمارد و دو رکعت نمازش را نیکو انجام دهد خداوند او را پیامرزد و راجع به روز عرفه و روز مشعر مطالبی فرموده است (مثل وجود ثوابها در اعمال این دو روز و ثواب توقف در مشعر و عرفه)، گفتم: دنبال آن چیست؟ فرمود: روزه، گفتم: چرا روزه در فضیلت، آخر همه است؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: روزه سپر آتش است.

قُلْتُ - فَمَاذَا يَتَّبَعُهُ قَالَ الصَّوْمُ
 قُلْتُ وَمَا بَالُ الصَّوْمِ صَارَ آخِرَ ذَلِكَ أَجْمَعَ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ -
 الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ - قَالَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ - مَا إِذَا فَاتَكَ لَمْ
 تَكُنْ مِنْهُ تَوْبَةً - دُونَ أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ فَتَوَدِّعَهُ بِعَيْنِهِ - إِنَّ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ
 وَالْحَجَّ وَالْوَلَايَةَ - لَيْسَ يَقَعُ شَيْءٌ مَكَانَهَا دُونَ أَدَائِهَا - وَإِنَّ الصَّوْمَ إِذَا
 فَاتَكَ أَوْ قَصُرَتْ - أَوْ سَافَرْتَ فِيهِ أَدَيْتَ مَكَانَهُ أَيَّامًا غَيْرَهَا
 وَجَزَيْتَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بِصَدَقَةٍ - وَلَا قَضَاءَ عَلَيْكَ وَ لَيْسَ مِنْ تِلْكَ
 الْأَرْبَعَةِ - شَيْءٌ يُجْزِيكَ مَكَانَهُ غَيْرُهُ - قَالَ ثُمَّ قَالَ ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ
 سَنَامُهُ - وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ - الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ
 مَعْرِفَتِهِ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ
 وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا - أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ
 نَهَارَهُ - وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ - وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ
 اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ - وَ يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ - مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ
 جَلٌّ وَ عَزٌّ - حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ - ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ
 الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ - يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ.

١٤٩٢-٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيسَى
 بْنِ السَّرِيِّ أَبِي الْيَسَعِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ - أَخْبِرْنِي بِدَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِي - لَا يَسَعُ أَحَدًا

سپس فرمود: براستی بهترین چیزها آن است که چون از دست تو رفت توبه و جبران ندارد و بدان باز گردی و خود آن را انجام دهی، براستی نماز و زکات و حج و ولایت چون از دست رفتند، چیزی جای آن را نگیرد جز ادای خود آنها و چون روزه از تو فوت شد یا درباره آن کوتاهی کردی یا در آن سفر کردی و افطار نمودی در جای آن چند روز از غیر ماه رمضان روزه می گیری و یا به جای روزه، کفاره می دهی و یا قضاء آن را بسجا می آوری ولی هیچکدام از آن چهار تا، چیزی جایگزینش نخواهد شد سپس فرمود: بالاترین امر دین و بلندترین کار آن و کلید آن و خشنودی خداوند در کارها، اطاعت از امام و شناخت اوست، زیرا خدای عز و جل می فرماید: «هر کس از رسول اطاعت کند حتماً خدا را اطاعت کرده و هر کس پشت کند ما تو را نسبت به او نگهبان نفرستادیم (نساء / ۸۰)» اما اگر مردی همه شب عبادت و هر روز روزه دارد و همه مالش را صدقه دهد و عمرش حج کند و ولایت ولی خدا را نپذیرد تا راهنمای او باشد نزد خداوند برایش ثوابی نخواهد بود و از اهل ایمان نباشد، سپس فرمود: آنان هر کدام خوش کردار باشند، خدا به فضل و رحمتش او را در بهشت در آورد.

* * *

۶- عیسی بن سری می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ارکان اسلام را برایم توضیح دهید که آن ارکانی کوتاه در یادگیری از آن برای هیچ کس روا نیست و هر کس کوتاهی کند دین خود را تباه ساخته است و خدا عملی

التَّقْصِيرُ عَنْ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ مِنْهَا - الَّذِي مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ مِنْهَا -
فَسَدَ دِينُهُ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ عَمَلَهُ - وَمَنْ عَرَفَهَا وَعَمِلَ بِهَا صَلَحَ لَهُ
دِينُهُ - وَقَبِلَ مِنْهُ عَمَلُهُ وَلَمْ يَضُقْ بِهِ - مِمَّا هُوَ فِيهِ لَجْهَلٍ شَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ
جَهْلُهُ

فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَالْإِيمَانُ بِأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَحَقُّ فِي الْأَمْوَالِ الزَّكَاةُ - وَالْوَلَايَةُ
الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا - وَلَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ

فَقُلْتُ لَهُ هَلْ فِي الْوَلَايَةِ شَيْءٌ - دُونَ شَيْءٍ فَضْلٌ يُعْرِفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ قَالَ
نَعَمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا - أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ - وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ - مَاتَ مِيتَةً
جَاهِلِيَّةً - وَكَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - وَكَانَ عَلِيًّا ﷺ - وَقَالَ الْآخَرُونَ - كَانَ
مُعَاوِيَةَ ثُمَّ كَانَ الْحَسَنَ ﷺ - ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنَ ﷺ - وَقَالَ الْآخَرُونَ - يَزِيدُ
بْنُ مُعَاوِيَةَ وَحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ - وَلَا سِوَاءَ وَلَا سِوَاءَ قَالَ ثُمَّ سَكَتَ - ثُمَّ
قَالَ أَزِيدُكَ

فَقَالَ لَهُ حَكَمُ الْأَعْوَرُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ - ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ -
ثُمَّ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَبَا جَعْفَرٍ - وَكَانَتْ الشَّيْعَةُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ أَبُو
جَعْفَرٍ - وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّتِهِمْ - وَحَلَالَهُمْ وَحَرَامَهُمْ - حَتَّى
كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ - وَبَيَّنَّ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجَّتِهِمْ - وَحَلَالَهُمْ وَ

را از او نپذیرد و هر کس آنها را بداند و به آن عمل کند، دینش شایسته و عملش پذیرفته گردد و در آن روشی که دارد (آشنائی به ارکان اسلام و عمل به آنها) ندانستن هر کار دیگر برای او تنگی و فشار نیاورد.

در پاسخ فرمود: آنها شهادت به یگانگی خدا و ایمان به رسالت محمد ﷺ و اقرار به این است که هر چه از جانب خدا آورده حق است و در عهده داشتن حقی از فقرا در اموال که زکوة است و قبول ولایتی که خدا بدان فرمان داده یعنی ولایت آل محمد ﷺ، گوید: به آن حضرت گفتم: آیا در ولایت شرط مخصوصی است و فضیلتی که مستحق آن بدان شناخته شود؟

فرمود: آری، خدای عز و جل فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و پیامبرش و صاحب فرمان را اطاعت کنید (نساء / ۵۹)» و رسول خدا ﷺ فرموده است: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است، رسول خدا بود و علی امام و دیگران در برابر او معاویه را امام دانستند، سپس حسن علیّه بود و سپس حسین و دیگران گفتند یزید بن معاویه و حسین بن علی علیّه برابراند و در اینها برابری نبود (علی کجا و معاویه کجا حسین بن علی کجا و یزید کجا؟) سپس سکوت نمود و باز فرمود: آیا برایت توضیح بیشتر دهم؟

حکم اُعور گفت: آری قربانت گردم

فرمود: سپس علی بن حسین علیّه بود و پس از او محمد بن علی اباجعفر، شیعه پیش از ابی جعفر مناسک حج و حلال و حرام خود را هم نمی دانستند و علم آنها به جایی رسید که مردم به آنها نیازمند شدند، پس از این که آنها نیاز به مردم داشتند و همچنین است امروز، زمین بی امام نباشد و هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده و تو

حَرَامُهُمْ - حَتَّى صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ - مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ
إِلَى النَّاسِ - وَهَكَذَا يَكُونُ الْأَمْرُ - وَالْأَرْضُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِإِمَامٍ - وَمَنْ
مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ - مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً - وَأُخَوِّجُ مَا تَكُونُ إِلَى مَا
أَنْتَ عَلَيْهِ - إِذْ بَلَغْتَ نَفْسُكَ هَذِهِ - وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ - وَانْقَطَعَتْ
عَنْكَ الدُّنْيَا تَقُولُ - لَقَدْ كُنْتُ عَلَى أَمْرٍ حَسَنِ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَيْسَى بْنِ السَّرِيِّ أَبِي الْيَسَعِ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

١٤٩٣-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ
مُتَّى الْحَنَاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ - الْوَلَايَةِ وَالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ - وَصَوْمِ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَالْحَجِّ.

١٤٩٤-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ
فُضَيْلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ - الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ
وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ - مَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ.

از همه وقت به معرفت امام محتاج‌تری همان وقت که جانت به گلویت رسید (با دست اشاره به گلویش نمود) و دنیا از دست برود بگویی که: هر آینه من بر مذهب خوبی بودم (که اقرار به امام بر حق و پیروی از او داشتم)

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار است: ولایت و نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.

۸- امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و برای هیچ چیز آنچنان فریاد نشد که برای ولایت در روز غدیر شد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

توضیح: روز غدیر در حقیقت عید پیوند امت با ولایت و ادامه راه رهبری است از این رو مورخینی همچون ابن خلکان و ثعالبی و ابوریحان بیرونی این عید را یکی از اعیاد بزرگ اسلامی نام نهاده و زید بن ارقم می‌گوید در روز هیجدهم ذیحجه رسول خدا پس از بازگشت از مکه در سرزمین غدیر همه را متوقف کرد و پیام خداوند را به مردم ابلاغ کرد و حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود برگزید و رسول خدا پس از تمام کردن خطبه دستور داد که همگی با حضرت علی علیه السلام بیعت کنند و به او تبریک بگویند و از جمله بیعت‌کنندگان ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر بودند. این واقعه بزرگ تاریخی را حدود یکصد و بیست صحابی نقل کرده‌اند.

١٤٩٥-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عِيْسَى بْنِ السَّرِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - حَدَّثَنِي عَمَّا بُنِيَتْ عَلَيْهِ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ - إِذَا أَنَا أَخَذْتُ بِهَا زَكَى عَمَلِي - وَلَمْ يَضُرَّنِي جَهْلُ مَا جَهِلْتُ بَعْدَهُ - فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَحَقُّ فِي الْأَمْوَالِ مِنَ الزَّكَاةِ - وَالْوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهَا وَلَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله - فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ - مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ - مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ - وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَكَانَ عَلِيٌّ عليه السلام ثُمَّ صَارَ مِنْ بَعْدِهِ - الْحَسَنُ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ الْحُسَيْنُ - ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ - ثُمَّ هَكَذَا يَكُونُ الْأَمْرُ - إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ - وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً - وَأَخْوَجُ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ إِلَى.

١٤٩٦-١٠- عَنْهُ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ تَعْرِفُ مَوَدَّتِي لَكُمْ - وَانْقِطَاعِي إِلَيْكُمْ وَموالاتي إياكم - قَالَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ - فَقُلْتُ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةً - تُجِيبُنِي فِيهَا فَإِنِّي مَكْفُوفُ الْبَصَرِ - قَلِيلُ الْمَشْيِ وَلَا أَسْتَطِيعُ زِيَارَتَكُمْ كُلَّ حِينٍ - قَالَ هَاتِ حَاجَتَكَ قُلْتُ - أَخْبِرْنِي بِدِينِكَ

۹- عیسی بن سری گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: برای من بازگو از هر آنچه ارکان اسلام بر آن استوار است که چون من به آنها عمل کنم، کردارم پاک و درست باشد و ندانستن چیزی بعد از آن برایم زیان بار نباشد.

در پاسخ فرمود: آن شهادت به این است که شایسته پرستشی جز خدا نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است و اقرار به آنچه او از طرف خداوند آورده است و حق فقرا که زکات است و قبول ولایت ائمه‌ای که خدا عزوجل به آن فرمان داده یعنی ولایت آل محمد علیهم السلام زیرا رسول خدا فرمود: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، چون مردن جاهلیت مرده، خدای عز و جل فرموده: «خدا و رسول و صاحب فرمان خود را فرمان برید (نساء / ۵۲)» که صاحب الامر علی بود و پس از وی حسن و سپس بعد از او حسین و پس از او علی بن الحسین و سپس دنبال او محمد بن علی سپس کار بر این روش است، زمین اصلاح نشود جز به وجود امام، هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، چون مردن جاهلیت مرده است و بیشتر از همه وقت شما و معرفت امام، حاجت دارید وقتی که نفس به اینجا رسد - گوید با دست خود اشاره به سینه‌اش کرد - در این هنگام است که می‌گوید: من در مذهب خوبی بودم.

* * *

۱۰- ابی الجارود، گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: یا ابن رسول الله، شما دوستی من و دلدادگی و پیروی مرا نسبت به خود می‌دانید؟ فرمود: آری، گوید: پس گفتم: من از شما پرسشی دارم باید پاسخ مرا بدهید، من نایبنایم و کم رفتار و نمیتوانم هر وقت شما را دیدار کنم فرمود: حاجت خود را بگو،

الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهِ أَنْتَ وَ أَهْلُ بَيْتِكَ لِأَدِينِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 بِهِ - قَالَ إِنْ كُنْتَ أَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ - فَقَدْ أَغْضَمْتَ الْمَسْأَلَةَ - وَاللَّهُ
 لَا أُعْطِيَنَّكَ دِينِي وَ دِينَ آبَائِي - الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ - شَهَادَةٌ أَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ - وَ الْوَلَايَةَ لَوْلِيَّتَا وَ الْبَرَاءَةَ مِنْ عَدُوَّنَا - وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَ
 إِنْتِظَارَ قَائِمِنَا - وَ الْاجْتِهَادَ وَ الْوَرَعَ.

١٤٩٧-١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الدِّينِ -
 الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ - مَا لَا يَسْعُهُمْ جَهْلُهُ وَ لَا يَقْبَلُ
 مِنْهُمْ غَيْرُهُ - مَا هُوَ فَقَالَ أَعِذْ عَلَيَّ فَأَعَادَ عَلَيْهِ - فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ - وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ - وَ
 حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا - وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ سَكَتَ
 قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ - وَ الْوَلَايَةُ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ قَالَ - هَذَا الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَى
 الْعِبَادِ - وَ لَا يَسْأَلُ الرَّبُّ الْعِبَادَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - فَيَقُولُ أَلَا زِدْتَنِي عَلَى مَا
 افْتَرَضْتُ عَلَيْكَ - وَ لَكِنْ مَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ - إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَنَ
 سُنَنًا - حَسَنَةً جَمِيلَةً يَنْبَغِي لِلنَّاسِ الْأَخْذُ بِهَا.

گفتم: مرا از آن دیانتی که خود و خاندانت با آن برای خدای عز و جل دین داری می‌کنید مطلع کن تا من هم با همان روش، برای خدای عز و جل دین داری کنم.

فرمود: اگرچه سخنانی را مختصر کردی ولی پرسش مهمی کردی، به خدا من دین خود و پدرانم را که ما خدا را بدان دین داری کنیم به تو عطاء کنم، آن شهادت به این است که نیست شایسته پرستشی جز خدا و محمد رسول خدا ﷺ است و اقرار به آنچه که او از طرف خدا آورده و دوستی دوستان ما، و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم به امر خدا و انتظار قائم از خاندان ما و کوشش و اجتهاد و ورع.

۱۱- علی ابن ابی حمزه گوید: من شنیدم که ابی بصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسید، وی گفت: قربانت، به من خبر ده از دینی که خدای عز و جل بر مردم واجب کرده، آنچه که برایشان روا نیست ندانند و جز آن، از آنها پذیرفته نیست آن دین چیست؟ در پاسخ فرمود: دوباره بگو، دوباره برای او گفت.

در پاسخ فرمود: شهادت به اینکه جز خدا شایسته پرستشی نیست و محمد رسول خداست و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات و حج خانه کعبه برای هرکس که بتواند به آن راه یابد و روزه ماه رمضان، سپس اندکی خاموش شد و دوباره فرمود: ولایت، سپس فرمود: این است که خدا به بنده‌ها فرض کرده است پروردگار در روز رستاخیز بازپرسی نکند و بفرماید بر آنچه بر شما فرض کردم نیفزودی، ولی هرکس بر آن افزاید، خدا به پاداشش بیفزاید، به راستی رسول خدا روش‌های نیکو و زیبا نهاد که شایسته است مردم به آنها عمل کنند.

١٤٩٨-١٢ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُنْهُوْرٍ عَنْ
فَضَالَةَ ابْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي زَيْدٍ الْحَلَالِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ الْأَزْدِيِّ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى خَلْقِهِ خَمْسًا -
فَرَخَّصَ فِي أَرْبَعٍ - وَلَمْ يُرَخِّصْ فِي وَاحِدَةٍ.

١٤٩٩-١٣ - عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ:
دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - وَمَعَهُ صَحِيفَةٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام -
هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ - يَسْأَلُ عَنِ الدِّينِ الَّذِي - يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ فَقَالَ -
رَحِمَكَ اللَّهُ هَذَا الَّذِي أُرِيدُ - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام - شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا عليه السلام عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ - وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَالْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا
وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَالْوَرَعُ وَالْوَضَاعُ - وَانْتِظَارُ قَائِمِنَا فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً -
إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا.

١٥٠٠-١٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ
الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ:
دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَهُوَ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ -
فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - مَا حَوَّلَكَ إِلَى هَذَا الْمَنْزِلِ قَالَ - طَلَبُ الزُّهْدَةِ
فَقُلْتُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ أَلَا أَقْصُ عَلَيْكَ دِينِي - فَقَالَ بَلَى قُلْتُ أَدِينُ اللَّهَ
بِشَهَادَةٍ - أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

۱۲- عبدالحمید بن ابی العلاء ازدی، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به راستی خدای عز وجل بر خلقش پنج وظیفه واجب کرده است و نسبت به چهار تا از آنها (که نماز و روزه و زکوة و حج است) رخصتی داده ولی در یکی از آنها (یعنی ولایت) رخصتی نداده است.

توضیح: شاید علت این باشد که آن چهار تا در بعضی اوقات بخاطر عذری ساقط شود مثل نماز از حیض و زکات از مالی که به حد نصاب نرسیده و حج از غیر مستطیع و روزه از مسافر و مریض ولی ولایت در هیچ حال و هیچ شرایطی ساقط نمی شود زیرا عدم قبول ولایت مساوی است با نفی حکومت و ادامه رهبری و این اعتقاد به کفر بازگشت خواهد کرد.

۱۳- اسماعیل جعفی گوید: مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و دفتری با خود داشت، امام علیه السلام فرمود: این دفتر مردی است که برای مناظره آمد و سؤال دارد از دینی که عمل در آن پذیرفته است، آن مرد گفت: خدایت رحمت کند، همین را می خواهم. *بر تحقیق کتب و پیروی از راه حق*

امام باقر علیه السلام فرمود: گواهی به اینکه نیست شایسته پرستشی جز خدا، یگانه است، شریک ندارد و اینکه محمد بنده و رسول اوست و اقرار کنی بدانچه از طرف خدا آورده است و ولایت ما خانوداه و بیزاری از دشمن ما و تسلیم به امر ما و ورع و تواضع و انتظار قائم ما زیرا برای او حکومتی است که وقتی خدا بخواهد آن را بیاورد.

۱۴- عمرو بن حُرَیث گفت: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و آن حضرت در خانه برادرش عبدالله بن محمد بود، به او گفتم: قربانت، برای چه به این خانه آمدی؟ فرمود: برای تفریح، به او عرض کردم: قربانت، من دین

رَسُولُهُ - وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا - وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُورِ - وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ - وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحُجِّ
الْبَيْتِ - وَالْوَلَايَةِ الْعَلِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْوَلَايَةِ
لِلْحَسَنِ - وَالْحُسَيْنِ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - وَالْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ - وَلَكَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - وَأَنْتُمْ أُمَمِي عَلَيْهِ
أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ - وَأَدِينُ اللَّهَ بِهِ فَقَالَ يَا عَمْرُو - هَذَا وَاللَّهِ دِينُ
اللَّهِ وَدِينُ آبَائِي - الَّذِي أَدِينُ اللَّهَ بِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ - فَاتَّقِ اللَّهَ وَ
كُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ - وَلَا تَقُلْ إِنِّي هَدَيْتُ نَفْسِي بَلِ اللَّهُ هَدَاكَ - فَأَدِ
شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَلَيْكَ - وَلَا تَكُنْ مِمَّنْ إِذَا أَقْبَلَ طُعْنٌ فِي
عَيْنِهِ - وَإِذَا أَدْبَرَ طُعْنٌ فِي قَفَاهُ - وَلَا تَحْمِلِ النَّاسَ عَلَى كَاهِلِكَ - فَإِنَّكَ
أَوْشَكَ أَنْ تَحْمِلَ النَّاسَ عَلَى كَاهِلِكَ - أَنْ يُصَدِّعُوا شَعْبَ كَاهِلِكَ.

١٥٠١-١٥ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ ابْنِ
مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

أَلَا أَخْبَرُكَ بِالْإِسْلَامِ أَصْلِهِ وَفَرْعِهِ - وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ
فِدَاكَ قَالَ - أَمَّا أَصْلُهُ فَالصَّلَاةُ وَفَرْعُهُ الزَّكَاةُ - وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ
ثُمَّ قَالَ إِنْ شِئْتَ أَخْبَرْتُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ - قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ
الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ - وَالصَّدَقَةُ تَذْهَبُ بِالْخَطِيئَةِ - وَقِيَامُ الرَّجُلِ فِي
جَوْفِ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ - ثُمَّ قَرَأَ ﷺ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ.

خودم را برای شما نقل نکنم؟ فرمود: چرا، گفتم، برای خدا دین داری کنم به شهادت ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و به اینکه محمد ﷺ بنده و رسول اوست و به اینکه قیامت خواهد آمد و شکی در او نیست و خدا هر کس که در گور است زنده خواهد کرد و برای برپاداشتن نماز و دادن زکات و روزه در ماه رمضان و حج خانه کعبه و ولایت علی امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول خدا ﷺ و ولایت برای حسن و حسین و ولایت علی بن الحسین و ولایت محمد بن علی و برای شما بعد از او و به اینکه شما امامان من هستید بر این عقیده زنده باشم و بر آن بمیرم و خدا بدینصورت دینداری کنم فرمود: ای عمرو، سوگند به خدا که این دین خداست و دین پدران من است که خدا را در نهان و عیان بدان دین داری کنم، از خدا بپرهیز و زیانت را جز از سخن خیر نگهدار و مگو که من از طرف خود راهنمایی و هدایت شدم بلکه خداوند تو را هدایت فرموده است پس خدا را بخاطر آن نعمت ها را که به تو داده شکر کن و از آنها نباش که چون حاضر باشند مردم رو برو او را سرزنش کنند و در پشت سرش از او بدگویند و مردم را بر دوش خود مگیر (بر خود مسلط مکن بخاطر ترک تقیه) که اگر بر دوش خود بگیری بسا که استخوان آن را خرد کنند (یعنی تو را وادار به کارهای خلاف کنند)

۱۵- سلیمان بن خالد از امام باقر علیه السلام نقل می کند که: آیا به تو خبر ندهم به اصل و فرع و کنگره نیروی اسلام؟

گفتم: قربانت، چرا، فرمود: اصل آن نماز است و فرع آن زکات و کنگره نیروی آن جهاد، سپس فرمود: اگر بخواهی به تو خبر بدهم از همه ابواب خیر؟ گفتم: آری قربانت، فرمود: روزه سهر است از دوزخ؛ و صدقه و ذکر خداوند که گناه را از بین می برند، سپس این آیه را خواند: «پهلوهایشان را بستر خواب دوری گزیند و پروردگار خود را بخاطر بیم و امید بخوانند و به آنچه که به آنها روزیشان دادیم انفاق کنند (سجده / ۱۶)»

بَابُ أَنَّ الْإِسْلَامَ يُحَقِّنُ بِهِ الدِّمَ وَتُؤَدَّى بِهِ الْأَمَانَةُ وَأَنَّ الثَّوَابَ عَلَى الْإِيمَانِ.

١٥٠٢-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ الْقَاسِمِ الصَّيْرَفِيِّ شَرِيكَ الْمُفَضَّلِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْإِسْلَامُ يُحَقِّنُ بِهِ الدِّمَ - وَتُؤَدَّى بِهِ الْأَمَانَةُ - وَتُسْتَحَلُّ بِهِ الْفُرُوجُ - وَالثَّوَابُ عَلَى الْإِيمَانِ.

١٥٠٣-٢ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ وَعَمَلٌ - وَالْإِسْلَامُ إِقْرَارٌ بِلَا عَمَلٍ.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١٥٠٤-٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا - قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا - وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ فَقَالَ لِي أَلَا تَرَى أَنَّ الْإِيمَانَ غَيْرُ الْإِسْلَامِ.

اسلام حفظ جان و اداء امانت کند ولی ثواب آخرت مربوط به ایمان است

۱- امام صادق علیه السلام می فرمود:

به وسیله اسلام، جان محفوظ می ماند و ادای امانت شود و زناشوئی حلال گردد ولی ثواب آخرت مربوط به ایمان است.

۲- امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود:

ایمان، اقرار است همراه عمل ؛ و اسلام، اقرار است بدون عمل

توضیح: بین اسلام و ایمان فرق و تفاوت است اسلام ایمان زبانی و اقرار به شهادتین است و ایمان قلبی اعتقاد قلبی و عملی است در اینصورت قبول ولایت از شرایط اسلام است ولی از شرایط ایمان نیست خداوند در قرآن درباره قبیله (بنی اسد) که به مدینه آمدند و به پیامبر گفتند ما بر خلاف قبایل دیگر جنگ نکردیم و ایمان آوردیم آنها می خواستند بر پیامبر ممت گذارند خداوند آیه نازل کرد و فرمود: ای پیامبر به آنها بگو نگوئید ایمان آوردیم بلکه بگوئید اسلام آوردیم چون ایمان اعتقاد قلبی و عملی است که شما ندارید (قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا) اعراب (قوم بنی اسد) می گفتند ما ایمان آوردیم به آنها بگو نگوئید ایمان آوردیم بلکه بگوئید اسلام آوردیم (حجرات / ۱۴)».

۳- جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از قول خدای عز و جل: «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو شما ایمان نیاوردید ولی بگوئید مسلمان شدیم و هنوز ایمان در دل شما قرار نگرفته است» پس به من فرمود: نمی بینی که ایمان غیر از اسلام است.

١٥٠٥ - ٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمُطِ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ - مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَلَمْ يُجِبْهُ - ثُمَّ سَأَلَهُ فَلَمْ يُجِبْهُ - ثُمَّ اِلْتَقَى فِي الطَّرِيقِ - وَقَدْ أَزِفَ مِنَ الرَّجُلِ الرَّحِيلُ - فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَأَنَّهُ قَدْ أَزِفَ مِنْكَ رَحِيلُ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَالْقَنِي فِي الْبَيْتِ - فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ - عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ - الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ - شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحُجُّ الْبَيْتِ - وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الْإِسْلَامُ - وَقَالَ - الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ هَذَا الْأَمْرِ - مَعَ هَذَا فَإِنْ أَقْرَبَهَا وَلَمْ يَعْرِفْ هَذَا الْأَمْرَ - كَانَ مُسْلِمًا وَكَانَ ضَالًّا.

١٥٠٦ - ٥ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَتِ الْأَعْرَابُ - آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُمْ آمَنُوا - فَقَدْ كَذَبَ وَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُمْ - لَمْ يُسْلِمُوا فَقَدْ كَذَبَ.

۴- سفیان بن سمط گوید: مردی از امام صادق علیه السلام درباره اسلام و ایمان و فرق میان آنها پرسید حضرت به او پاسخ نداد، باز پرسید و به او پاسخ نداد و آن مرد در راه به امام صادق علیه السلام برخورد و نزدیک به کوچ کردن بود، امام صادق علیه السلام به او فرمود: مثل اینکه کوچ کردنت نزدیک است؟ گفت: آری، فرمود: در خانه، مرا دیدار کن.

مرد به خدمت آن حضرت رسید و از فرق میان اسلام و ایمان پرسید، حضرت فرمود: اسلام همان اقرار به زبان است که مردم مسلمان بر آنند. شهادت بر اینکه شایسته پرستش جز خدای یگانه نیست اوست که شریک ندارد و اینکه محمد بنده و رسول اوست و نیز برپا داشتن نماز و دادن زکوة و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان، این است اسلام، و فرمود:

ایمان، معرفت این امر است بدینصورت که به آنها اعتراف کند و چنانچه امر (امامت) را شناسد، مسلمان گمراهی است.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۵- ابوبصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو شما ایمان نیاوردید ولی بگوئید مسلمانییم» هر کس گمان برد که ایمان آورده محققاً دروغ گفته و هر کس هم گمان برد که مسلمان نبوده، دروغ گفته است.

۱۵۰۷-۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ قَاسِمِ شَرِيكِ الْمُفَضَّلِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْإِسْلَامُ يُحَقَّنُ بِهِ الدِّمُّ - وَ تُسَوَّدَى بِهِ الْأَمَانَةُ - وَ تُسْتَحَلُّ بِهِ الْفُرُوجُ - وَ الثَّوَابُ عَلَى الْإِيمَانِ.

بَابُ أَنَّ الْإِيمَانَ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ وَ الْإِسْلَامَ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانَ.

۱۵۰۸-۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ - أَهْمَا مُخْتَلِفَانِ فَقَالَ - إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ - وَ الْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ - فَقُلْتُ فَصِفْهُمَا لِي فَقَالَ - الْإِسْلَامُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ التَّصَدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِهِ حَقْنَتِ الدِّمَاءُ - وَ عَلَيْهِ جَرَّتِ الْمَنَاحِكُ وَ الْمَوَارِيثُ - وَ عَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ - وَ الْإِيمَانُ الْهُدَى وَ مَا يَثْبُتُ فِي الْقُلُوبِ - مِنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ وَ مَا ظَهَرَ مِنَ الْعَمَلِ بِهِ - وَ الْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ - إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ فِي الظَّاهِرِ وَ الْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فِي الْبَاطِنِ - وَ إِنْ اجْتَمَعَا فِي الْقَوْلِ وَ الصِّفَةِ.

۶- قاسم شریک مفضل، گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: با قبول اسلام، خون محفوظ و محترم می شود و امانت پرداخت می گردد با آن زناشویی حلال خواهد شد همانا ثواب در برابر ایمان است.

توضیح: ارتباط بین اسلام و ایمان به اینصورت است که هر مسلمانی مؤمن نیست ولی هر مؤمنی مسلمان است از این رو خداوند در قرآن کلمه ایمان را دو بار تکرار کرده فرموده است، یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله و رسوله «ای کسانی که ایمان آورده اید ایمان بیاورید مفسرین بر این باورند که تکرار ایمان به این خاطر است که ایمان اول یعنی اسلام و اقرار به زبان و ایمان دوم اقرار و ایمان به قلب است که به دنبالش عمل است و بیان خداوند بر این است که ای کسانی که با زبان ایمان آورده اید با قلب خود هم ایمان بیاورید و به دستورات الهی عمل کنید.

هرجا ایمان است اسلام هم هست ولی

اسلام همراه با ایمان نیست

مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

۱- سماعه، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به من خبر ده از اسلام و ایمان، که آیا این دو جدا هستند؟ فرمود: ایمان همه جا همراه اسلام است ولی اسلام همراه ایمان نیست، گفتم: آنها را برای من شرح دهید، فرمود: اسلام شهادت به یگانگی خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله است و به وسیله آن خون ها محفوظ می ماند و زناشویی وارث برپا می گردد و مسلمانان به ظاهر اسلام توجه کنند ولی ایمان: هدایت معنوی و عقیده ای است که در دل نسبت به اسلام ثابت است و عملی که بدان انجام می شود بدینصورت ایمان یک درجه برتر از اسلام است به راستی ایمان از نظر ظاهر با اسلام شریک است ولی اسلام در باطن با ایمان شریک نیست گرچه در بیان و شرح با هم جمع می شوند.

١٥٠٩- ٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْإِيمَانُ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ - وَالْإِسْلَامُ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ

١٥١٠- ٣- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ - وَلَا يُشَارِكُهُ الْإِسْلَامُ - إِنَّ الْإِيمَانَ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ - وَالْإِسْلَامُ مَا عَلَيْهِ الْمَنَاقِحُ وَالْمَوَارِيثُ وَحَقُّ الدِّمَاءِ - وَالْإِيمَانُ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ - وَالْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانَ.

١٥١١- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ عليه السلام قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْإِيمَانُ أَوْ الْإِسْلَامُ - فَإِنَّ مَنْ قَبِلْنَا يَقُولُونَ - إِنَّ الْإِسْلَامَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ - فَقَالَ الْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ - قُلْتُ فَأَوْجَدَنِي ذَلِكَ - قَالَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ أَخَذَتْ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مُتَعَمِّدًا - قَالَ قُلْتُ يُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا - قَالَ أَصَبْتَ قَالَ فَمَا تَقُولُ - فِيمَنْ أَخَذَتْ فِي الْكَعْبَةِ مُتَعَمِّدًا - قُلْتُ يُقْتَلُ قَالَ أَصَبْتَ أَلَا تَرَى - أَنَّ الْكَعْبَةَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَسْجِدِ - وَأَنَّ الْكَعْبَةَ تَشْرِكُ الْمَسْجِدَ وَالْمَسْجِدُ لَا يَشْرِكُ الْكَعْبَةَ - وَكَذَلِكَ الْإِيمَانُ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ وَالْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانَ.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان شریک با اسلام است، و اسلام شریک با ایمان نیست.

۳- فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:
براستی ایمان شریک با اسلام است و اسلام با او شریک نیست برای آنکه ایمان آن چیزی است که در دلها نشسته و اسلام پذیرش ظاهری است که با آن زناشویی و حفظ میراث و خون، حاصل می شود پس اسلام همراه ایمان نیست

۴- ابی الصباح کنانی، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام برتر اند، ایمان یا اسلام؟ زیرا کسانی که نزد ما هستند می گویند: اسلام برتر از ایمان است در پاسخ فرمود: ایمان بالاتر از اسلام است. گفتم: این مطلب را به من بفهمانید.

فرمود: چه می گویی درباره کسی که عمداً در مسجد الحرام حدثی از خود خارج کند؟ گفتم: به سختی او را بزنند، فرمود: درست گفتی. پس چه می گویی درباره کسی که در خانه کعبه حدثی عمداً صادر کند؟ گفتم: او را بکشند، فرمود: درست گفتی، نبینی که خانه کعبه برتر از مسجد است و خانه کعبه در احترام شریک مسجد است و مسجد شریک خانه کعبه نیست همچنین ایمان شریک و ملازم اسلام است و اسلام شریک ایمان نیست.

١٥١٢-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْإِيمَانُ مَا اسْتَقَرَّ فِي الْقَلْبِ - وَأَفْضَى بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ صَدَقَهُ الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ لِلَّهِ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِهِ - وَ الْإِسْلَامُ مَا ظَهَرَ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ - وَ هُوَ الَّذِي عَلَيْهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ مِنَ الْفِرَقِ كُلِّهَا - وَ بِهِ حَقِنَتِ الدِّمَاءُ - وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَوَارِيثُ - وَ جَازَ النِّكَاحُ وَ اجْتَمَعُوا عَلَى الصَّلَاةِ - وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ - فَخَرَجُوا بِذَلِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ أَضِيفُوا إِلَى الْإِيمَانِ - وَ الْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانُ - وَ الْإِيمَانُ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ - وَ هُمَا فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ يَجْتَمِعَانِ - كَمَا صَارَتِ الْكَعْبَةُ فِي الْمَسْجِدِ - وَ الْمَسْجِدُ لَيْسَ فِي الْكَعْبَةِ - وَ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ - وَ الْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانُ - وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا - قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا - وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ فَقُولُوا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَصْدَقُ الْقَوْلِ - قُلْتُ فَهَلْ لِلْمُؤْمِنِ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْلِمِ - فِي شَيْءٍ مِنَ الْفَضَائِلِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْحُدُودِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ

فَقَالَ لَا - هُمَا يَجْعَرِيَانِ فِي ذَلِكَ مَجْرَى وَاحِدٍ - وَلَكِنْ لِلْمُؤْمِنِ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْلِمِ - فِي أَعْمَالِهِمَا وَ مَا يَتَقَرَّبَانِ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قُلْتُ أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا وَ زَعَمْتَ أَنَّهُمْ

۵- حمرا بن اعین گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

ایمان چیزی است که در دل قرار می گیرد و بنده را به خدای عز و جل می کشاند و اطاعت و تسلیم فرمان خداوند در او باشد و اسلام گفتار و کردار ظاهر است که همه مسلمانان بر آنند از همه دستجات و مسلمین و به وسیله همین اسلام ظاهری است که جانها محفوظ و میراث تقسیم و زناشویی برپا می گردد و همه اتفاق دارند بر نماز و زکات و روزه و حج به همین جهت از کفر بیرونند و به ایمان نسبت دارند

اسلام شریک و ملازم ایمان نیست ولی ایمان شریک و ملازم اسلام است و این هر دو در گفتار و کردار باهم جمع می شوند چنانچه خانه کعبه در مسجد است ولی همه مسجد در خانه کعبه نیست

و همچنین ایمان شریک و ملازم اسلام و در حریم اسلام است ولی اسلام شریک و ملازم ایمان نیست و خدای عز و جل هم فرموده است: «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو ایمان نیاوردید بگویید مسلمان شدیم و هنوز ایمان در دلتان جای نگرفته است» (مجادل ۱۲) فرمود: کلام خداوند راست ترین گفتار است،

گفتم: آیا مؤمن برتری دارد بر مسلمان در چیزی از فضائل و احکام و حدود و غیر آنها؟

فرمود: نه، آنها در این باره یکسانند ولی مؤمن به مسلم برتری دارد در کردار و رفتار و نزدیک شدن به خداوند، گفتم: مگر همین نیست که خدای عز و جل فرماید: «هر که حسنه آورده ده برابر دارد» و تو معتقدی که همه اتفاق دارند بر نماز و زکات و روزه و حج با مؤمن؟

مُجْتَمِعُونَ عَلَى الصَّلَاةِ - وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ مَعَ الْمُؤْمِنِ
 قَالَ أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً
 فَاَلْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ يُضَاعِفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُمْ حَسَنَاتِهِمْ لِكُلِّ
 حَسَنَةٍ سَبْعُونَ ضِعْفًا - فَهَذَا فَضْلُ الْمُؤْمِنِ وَ يَزِيدُهُ اللَّهُ فِي حَسَنَاتِهِ عَلَى
 قَدْرِ صِحَّةِ إِيْمَانِهِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً - وَ يَفْعَلُ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِينَ مَا يَشَاءُ مِنْ
 الْخَيْرِ - قُلْتُ أَرَأَيْتَ مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ - أَلَيْسَ هُوَ دَاخِلًا فِي الْإِيْمَانِ.
 فَقَالَ لَا وَلَكِنَّهُ قَدْ أُضِيفَ إِلَى الْإِيْمَانِ - وَ خَرَجَ مِنَ الْكُفْرِ وَ سَأْضَرِبُ
 لَكَ مَثَلًا - تَغْقِلُ بِهِ فَضْلَ الْإِيْمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ - أَرَأَيْتَ لَوْ بَصُرْتَ
 رَجُلًا فِي الْمَسْجِدِ - أَكُنْتَ تَشْهَدُ أَنَّكَ رَأَيْتَهُ فِي الْكَعْبَةِ - قُلْتُ لَا
 يَجُوزُ لِي ذَلِكَ.

قَالَ فَلَوْ بَصُرْتَ رَجُلًا فِي الْكَعْبَةِ - أَكُنْتَ شَاهِدًا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ
 الْحَرَامَ - قُلْتُ نَعَمْ

قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ - قُلْتُ إِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى دُخُولِ الْكَعْبَةِ حَتَّى يَدْخُلَ
 الْمَسْجِدَ - فَقَالَ قَدْ أَصَبْتَ وَ أَحْسَنْتَ - ثُمَّ قَالَ كَذَلِكَ الْإِيْمَانُ وَ الْإِسْلَامُ.

فرمود: مگر نیست که خدای عز و جل فرماید: «خداوند چندین برابر بر او بیفزاید» پس مؤمنان باشند که خدای عز و جل برایشان حسنات را چند برابر کند برای هر حسنه هفتاد برابر، این است فضل مؤمن و خداوند به اندازه درستی ایمانش حسنات او را چند برابر کند و خداوند با مؤمن هر چه خواهد خوبی می کند گفتم: بفرمایید هر کس مسلمان شود مگر نه این است که در ایمان هم وارد شده است؟

فرمود: نه، ولی منسوب به ایمان شده و از کفر خارج گشته است اکنون برای تو مثلی بیاورم که فضل ایمان را در اسلام بفهمی.

اگر دیدی مردی در مسجد الحرام است، آیا گواهی می دهی که او را در کعبه دیده ای؟ گفتم: این شهادت برایم روا و جایز نیست، فرمود: اگر مردی را در خانه کعبه دیدی، آیا گواهی می دهی که وارد مسجد الحرام شده؟ گفتم: آری، فرمود: این چگونه است؟ گفتم: او نتواند وارد کعبه شود تا در مسجد در آید، فرمود: درست فهمیدی و خوب گفتی، سپس فرمود: ایمان و اسلام هم چنین است.

بَابُ آخِرِ مَنَّهُ وَفِيهِ أَنَّ الْإِسْلَامَ قَبْلَ الْإِيمَانِ

۱۵۱۳-۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ:

كَتَبْتُ مَعَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ - إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْإِيمَانِ مَا هُوَ - فَكَتَبَ إِلَيَّ مَعَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ - سَأَلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ - وَ الْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ - وَ عَقْدُ فِي الْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ - وَ الْإِيمَانُ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ وَ هُوَ دَارٌ - وَ كَذَلِكَ الْإِسْلَامُ دَارٌ وَ الْكُفْرُ دَارٌ - فَقَدْ يَكُونُ الْعَبْدُ مُسْلِمًا - قَبْلَ أَنْ يَكُونَ مُؤْمِنًا - وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ مُسْلِمًا - فَالْإِسْلَامُ قَبْلَ الْإِيمَانِ - وَ هُوَ يُشَارِكُ الْإِيمَانَ - فَإِذَا أَتَى الْعَبْدُ كَبِيرَةً مِنْ كِبَائِرِ الْمُعَاصِي - أَوْ صَغِيرَةً مِنْ صَغَائِرِ الْمُعَاصِي - الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا - كَانَ خَارِجًا مِنَ الْإِيمَانِ سَاقِطًا عَنْهُ اسْمُ الْإِيمَانِ - وَ ثَابِتًا عَلَيْهِ اسْمُ الْإِسْلَامِ - فَإِنْ تَابَ وَ اسْتَغْفَرَ عَادَ إِلَى دَارِ الْإِيمَانِ - وَ لَا يُخْرِجُهُ إِلَى الْكُفْرِ - إِلَّا الْجُحُودُ وَ الْإِسْتِحْلَالُ أَنْ يَقُولَ لِلْحَلَالِ هَذَا حَرَامٌ - وَ لِلْحَرَامِ هَذَا حَلَالٌ وَ دَانَ بِذَلِكَ - فَعِنْدَهَا يَكُونُ خَارِجًا مِنَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ - دَاخِلًا فِي الْكُفْرِ وَ كَانَ بِمِثْلِهِ مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ ثُمَّ دَخَلَ الْكَعْبَةَ - وَ أَحْدَثَ فِي الْكَعْبَةِ حَدَثًا - فَأَخْرَجَ عَنِ الْكَعْبَةِ وَ عَنِ الْحَرَمِ - فَضْرِبَتْ عَنْقُهُ وَ صَارَ إِلَى النَّارِ.

باب دیگری است از این باب به اینکه اسلام پیش از ایمان است

۱- عبد الرحیم قصیر، می گوید: به همراه عبد الملک بن اعین به امام صادق علیه السلام نوشتم و از آن حضرت پرسیدم که ایمان چیست؟ در پاسخ من نوشت که: - خدایت رحمت کند - از ایمان پرسیدی؟ ایمان همان اقرار به زبان و دل است،

ایمان اجزایی دارد به هم پیوسته و وابسته، همچون منزل (که سقف و دیوارش به هم پیوسته است) و همچنین اسلام مانند خانه‌ای و کوه هم مانند خانه‌ای است گاهی بنده‌یی مسلمان است پیش از آنکه مؤمن باشد ولی مؤمن بدون اسلام نمی‌شود، اسلام پیش از ایمان است و مقدمه آن و شریک با ایمان است، چون بنده‌یی گناه کبیره یا صغیره می‌کند که خداوند از آن نهی کرده است، از ایمان بیرون است و نام ایمان از او برداشته شود و نام اسلام بر او بماند و اگر توبه کرد و آمرزش خواست، به خانه ایمان برگردد و او را به سوی کفر نبرد جز انکار و تغییر حلال و حرام که حلال را حرام گرداند و حرام را حلال و به آن معتقد شود که در اینصورت است که از اسلام و ایمان بیرون رفته و در کفر وارد شده است، و چون کسی است که به حرم وارد شود و به درون کعبه برود و در آن حدثی از خود خارج سازد و از آنجا بیرونش آورند و گردنش را بزنند و به دوزخ رود.

١٥١٤-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ ابْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ - قُلْتُ لَهُ أَفَرَّقَ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ - قَالَ فَأَضْرِبْ لَكَ مَثَلَهُ - قَالَ قُلْتُ أَوْرِدْ ذَلِكَ قَالَ - مَثَلُ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ - مَثَلُ الْكَعْبَةِ الْحَرَامِ مِنَ الْحَرَمِ - قَدْ يَكُونُ فِي الْحَرَمِ وَلَا يَكُونُ فِي الْكَعْبَةِ وَلَا يَكُونُ فِي الْكَعْبَةِ حَتَّى يَكُونَ فِي الْحَرَمِ - وَقَدْ يَكُونُ مُسْلِمًا وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا - وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ مُسْلِمًا - قَالَ قُلْتُ فَيُخْرِجُ مِنَ الْإِيمَانِ شَيْءٌ - قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَيُصَيِّرُهُ إِلَى مَاذَا - قَالَ إِلَى الْإِسْلَامِ أَوْ الْكُفْرِ - وَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْكَعْبَةَ - فَأَقْلَتْ مِنْهُ بَوْلَهُ - أَخْرَجَ مِنَ الْكَعْبَةِ وَلَمْ يُخْرِجْ مِنَ الْحَرَمِ - فَغَسَلَ ثَوْبَهُ وَتَطَهَّرَ - ثُمَّ لَمْ يُنْعَمْ أَنْ يَدْخُلَ الْكَعْبَةَ - وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْكَعْبَةَ فَبَالَ فِيهَا مُعَانِدًا - أَخْرَجَ مِنَ الْكَعْبَةِ وَمِنَ الْحَرَمِ وَضَرَبَتْ عَنْقَهُ.

بَابُ

١٥١٥-١- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ آدَمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْإِنْسَانَ تَكَلَّمُوا فِي هَذَا الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ - وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ - هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ - مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ - هُنَّ

۲- سماعة بن مهران گوید: از او ایمان و اسلام را پرسیدم، گفتم: میان اسلام و ایمان فرقی هست؟ فرمود: آیا می‌خواهی برایت مثالی بزنم؟
 به او گفتم: برایم بیاور، فرمود: مثل ایمان و اسلام کعبه الحرام است نسبت به حرم، گاهی در حرم است و در کعبه نیست و در او وارد نشود مگر آنکه در حرم وارد شود و گاهی مسلمان باشد و مؤمن نیست و مؤمن نیست مگر آنکه مسلمان باشد، گفتم: چیزی از ایمان بیرون برد؟
 فرمود: آری، گفتم: او را به کجا برد؟

فرمود: به اسلام یا کفر و فرمود: اگر مردی در خانه کعبه وارد شود و بی اختیار ادرار کند از کعبه بیرونش کنند ولی از حرمش بیرون نکنند جامه‌اش بشوید و تطهیر کند و مانعش نشوند که به کعبه وارد شود و اگر مردی در خانه کعبه رود و عمداً در آن ادرار کند از کعبه و حرم هر دو بیرونش کنند و گردنش را بزنند.

توضیح: از این حدیث چنین استفاده می‌شود که عمل در ایمان دخیل است حال اگر انسان گناهی را بدون عمد انجام دهد از ایمان بیرون است ولی مسلمان است و با توبه، دامنش پاک خواهد شد و دوباره در ایمان وارد می‌شود ولی اگر گناهی را عمداً انجام دهد از اسلام و ایمان هر دو خارج است و مرتد می‌گردد که در اینصورت مرتد فطری محکوم به مرگ می‌شود.

باب دیگر

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: براستی مردمی درباره قرآن ندانسته سخن‌ها گفته‌اند و این است که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «اوست آن کسی که قرآن را بر تو نازل فرموده بعضی از آن آیات محکّمات اند که اصل و پایه قرآن تشکیل می‌دهند و بعضی متشابهات اند کسانی که کج دلد پیرو آنند که متشابه است و برای فتنه جویی تأویل تراشی می‌کنند در حالی که تأویل آن را جز خدا نمی‌داند» تا آخر آیه «و راسخان در علم که گویند

أَمْ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ - فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ - فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ - وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ - وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ الْآيَةَ فَالْمُنْسُوخَاتُ مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ - وَالْمُحْكَمَاتُ مِنَ النَّاسِخَاتِ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - بَعَثَ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ - أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَوْامِرَهُمْ إِلَى اللَّهِ وَخُذْهُ - وَأَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا - ثُمَّ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ - عَلَى ذَلِكَ - إِلَى أَنْ بَلَغُوا مُحَمَّدًا ﷺ فَدَعَاهُمْ إِلَى أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا - وَقَالَ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا - وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ - وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى - أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ - كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ - اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ - وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ - فَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ إِلَى قَوْمِهِمْ - بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَالْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - فَمَنْ آمَنَ مُخْلِصًا وَمَاتَ عَلَى ذَلِكَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِذَلِكَ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ - وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ يُعَذِّبُ عَبْدًا حَتَّى يُغْلِظَ عَلَيْهِ فِي الْقَتْلِ وَالْمَعَاصِي - الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا النَّارَ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا - فَلَمَّا اسْتَجَابَ لِكُلِّ نَبِيٍّ - مَنْ اسْتَجَابَ لَهُ مِنْ قَوْمِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - جَعَلَ لِكُلِّ نَبِيٍّ مِنْهُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَاجًا - وَالشَّرْعَةُ وَالْمِنْهَاجُ سَبِيلٌ وَسُنَّةٌ -

وَقَالَ اللَّهُ مُحَمَّدٌ ﷺ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ - كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ - وَأَمَرَ كُلَّ نَبِيٍّ بِالْأَخْذِ بِالسَّبِيلِ وَالسُّنَّةِ - وَكَانَ مِنْ

ما بدان ایمان داریم همه از نزد پروردگار ماست و یاد آور نشوند جز صاحبان خرد (آل عمران / ۷) پس آیاتی که نسخ شدند از متشابهات هستند و آیات محکمه از نسخ کننده‌ها، براستی خدای عز و جل نوح را بر قومش برانگیخت که خدا را پرستید و از او بهره‌یزید و مرا اطاعت کنید، سپس آنها را به پرستش خدای یگانه خواند و این که برای او شریکی نگیرید و سپس پیامبران را بر این روش مبعوث کرد تا به محمد ﷺ رسیدند و آنان را دعوت کرد که خدا را پرستند و شریک برای او نگیرند و فرمود: «در امور دین به شما همان سفارش را کردیم که به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم به این که دین را بر پا دارید و متفرق نشوید دعوت شما بر مشرکین گران خواهد بود خداوند هرکس را بخواهد به سوی خود برگزیند و هرکس به سوی او باز گردد به سوی خویش رهبری اش کند (شوری / ۱۳)» و پیامبران به سوی حرم خود مبعوث کرد براساس شهادت به یگانگی خدا و اقرار بدانچه از نزد خدا آورند و هرکس با اخلاص گروید و بر آن مُرد خدا او را به بهشت برد زیرا خداوند به هیچ وجه به بنده‌ها ستم نمی‌کند و این برای آن است که خدا بنده‌ای را عذاب نکند تا در قتل و هر گناهی که خدا آن را موجب دوزخ دانسته اصرار کند و چون گروهی از مؤمنان قومش دعوت او را پذیرفتند برای هر پیامبری شرعی و برنامه‌ای مقرر کرد برنامه همان راه روش است و به محمد ﷺ فرمود: «به راستی ما به تو وحی کردیم همانطور که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم (نساء / ۱۶۳)» و به هر پیامبری فرمان داد تا به راه و روشی کار کند، در ضمن روش و راهی که خدای عز و جل موسی را به آن فرمان داد این است که روز شنبه را برای آنها مقرر ساخت و هرکس شنبه را بزرگ شمرد و رواندانست که از بیم خدا در آن کاری حلال انجام دهد، خدا او را به بهشت برد و هرکس به حق شنبه بی‌توجهی کرد و در آن آنچه را خدا حرام کرده بود حلال دانست

السُّنَّةِ وَالسَّبِيلِ الَّتِي - أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا مُوسَى عليه السلام أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ السَّبْتَ - وَكَانَ مِنْ أَكْثَرِ السَّبْتِ - وَلَمْ يَسْتَحِلَّ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهِ - وَاسْتَحَلَّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ - مِنَ الْعَمَلِ الَّذِي نَهَاهُ اللَّهُ عَنْهُ فِيهِ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ - وَذَلِكَ حَيْثُ اسْتَحَلُّوا الْحَيْثَانِ - وَاسْتَبَسُّوهُمَا وَأَكَلُوهُمَا يَوْمَ السَّبْتِ - غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا - أَشْرَكُوا بِالرَّحْمَنِ وَلَا شَكُّوا فِي شَيْءٍ - مِمَّا جَاءَ بِهِ مُوسَى عليه السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ - فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ عِيسَى عليه السلام بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَالْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَجَعَلَ لَهُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ - فَهَدَمَتِ السَّبْتَ الَّذِي أَمَرُوا بِهِ - أَنْ يُعْظِمُوهُ قَبْلَ ذَلِكَ - وَعَامَّةً مَا كَانُوا عَلَيْهِ مِنَ السَّبِيلِ وَالسُّنَّةِ الَّتِي جَاءَ بِهَا مُوسَى - فَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ سَبِيلَ عِيسَى أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ - وَإِنْ كَانَ الَّذِي جَاءَ بِهِ النَّبِيُّونَ جَمِيعاً - أَنْ لَا يُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئاً.

ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا عليه السلام وَهُوَ بِمَكَّةَ عَشْرَ سِنِينَ - فَلَمْ يَمُتْ بِمَكَّةَ فِي تِلْكَ الْعَشْرِ سِنِينَ أَحَدٌ - يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا عليه السلام رَسُولُ اللَّهِ - إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِإِقْرَارِهِ - وَهُوَ إِيمَانُ التَّصَدِيقِ وَلَمْ يُعَذِّبِ اللَّهُ أَحَدًا - مِمَّنْ مَاتَ وَهُوَ مُتَّبِعٌ لِمُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَى ذَلِكَ - إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِالرَّحْمَنِ وَتَصَدِيقُ ذَلِكَ - أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ - فِي سُورَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَكَّةَ - وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

از کاری که خدا او را در آن نهی کرده بود خدای عز و جل او را به دوزخ برد و این برای آن بود که صید ماهی ها را در روز شنبه حلال شمردند و آنها را حبس نموده و خوردند و خدا به آنها خشم کرد بدون آنکه به خدا شرک آورده باشند و یا در چیزی که موسی علیه السلام آورده بود شک کرده باشند.

خدای عز و جل فرماید: «و محققاً شما شناختید آن کسانی را از شما که در شنبه تعدی کردند و ما به آنها گفتیم که میمون های رانده شده باشید (بقره / ۶۲)» سپس خدا عیسی را مبعوث کرد به شهادت لا اله الا الله و اقرار به آنچه از جانب خدا آورده و برای آنها شرع و برنامه ای معین کرد و قانون شنبه را که پیش از آن مأمور بودند احترام کنند از میان برداشت و همینطور آنچه را که بر عهده آنها بود از راه و روش که موسی برای آنها آورده بود همه را از میان برداشت و هر کس از راه عیسی علیه السلام پیروی نکرد، خدا او را به دوزخ برد و آنچه را که همه پیامبران آورده بودند این بود که برای خدا شریک نگیرید سپس خدا محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد و او ۱۰ سال در مکه زیست و در این ۱۰ سال هر کس که گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله داد خدا او را به خاطر اقرارش به تصدیق خداوند و پیامبر به بهشت برد و عذاب نکند مگر آنکه مشرک به خدای رحمان بود و تصدیق این مطلب را خدای عز و جل در سوره بنی اسرائیل در مکه بر آن حضرت نازل کرد: «و پروردگارت چنین مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید و تا آنجا که فرمود: به راستی او آگاه و بینا است (اسراء / ۲۳)» و در این آیات ادب و اندرز و آمرزش و نهی سبک و بر آنها وعده نداد و تهدیدی نسبت به آنچه که نهی کرده بود نفرمود و نسبت به چیز هایی نهی کرد و بر حذر نمود و سخت نگرفت و تهدید نکرد و فرمود: «فرزندان خود را از بیم

إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا أَدَبٌ وَ عِظَةٌ وَ تَعْلِيمٌ وَ نَهْيٌ خَفِيفٌ - وَ لَمْ يَعِدْ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَتَوَاعَدْ عَلَى إِجْتِرَاحِ شَيْءٍ - مِمَّا نَهَى عَنْهُ وَ أَنْزَلَ نَهْيًا عَنْ أَشْيَاءٍ - حَذَرَ عَلَيْهَا وَ لَمْ يُغْلِظْ فِيهَا - وَ لَمْ يَتَوَاعَدْ عَلَيْهَا وَ قَالَ وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ - نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ - إِنْ قَتَلْتُمْ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً - وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ - إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا - فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا - فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا - وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ - إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ - حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ - إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا - وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ - وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ - ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا - وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ - إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ - كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا - وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا - إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ - وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا - كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا - ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ - مِنَ الْحِكْمَةِ وَ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ - فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا وَ أَنْزَلَ فِي وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى فَأَنْذَرْتُمْكُمْ نَارًا تَلْظَى - لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى فَهَذَا مُشْرِكٌ وَ أَنْزَلَ فِي إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَ أَمَا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَ رَأَى ظَهْرَهُ - فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا وَ يَصْلَى سَعِيرًا - إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا - إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ بَلَى - فَهَذَا مُشْرِكٌ وَ أَنْزَلَ فِي سُورَةِ تَبَارَكَ - كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ - سَأَلَهُمْ

تهی دستی نکشید ما به آنها و شما روزی می‌دهیم زیرا کشتن آنان خطای بزرگی است (۳۲) نزدیک زنا نروید زیرا آن هرزگی بزرگی است و چه بد راهی است (۳۳) و نکشید نفس محترمی را از طرف خدا مگر به حق و حساب و هر کس به ستم کشته شود محققاً به ولی او تسلط (بر قصاص) دادیم او اسراف نکند بر کشتن به راستی که او یاری شده است (۳۴) به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به وجهی که برای او بهتر باشد تا برسد به بلوغ، به پیمان خود وفادار باشید زیرا پیمان مسئولیت دارد (۳۵) و چون کیل کنید پیمانه را پر کنید و با ترازوی درست جنس را بکشید، این بهتر و خوش عاقبت‌تر است (۳۶) دنبال چیزی که ندانی مرو، به راستی گوش و چشم و دل همه آنها مسؤولند (۳۷) روی زمین متکبرانه راه مرو زیرا تو زمین را نتوانی شکافت و به درازی کوه‌ها نتوانی رسید (۳۸) همه اینها نزد خدای تو بد است (۳۹) این است آنچه پروردگارت از حکمت به تو وحی کرده و با خدا معبود دیگری قرار مده تا در دوزخ سرزنش شده و مطرود بیفتی (اسراء / ۳۱ تا ۳۹)، و در سورة اللیل اذا یغشی نازل کرد: «من شما را بیم دهم از آتشی شعله‌ور که در آن در نگیرد جز شقی آنکه تکذیب کند و او را برگرداند» و مقصود از آن مشرک است و در سورة اذا السماء ان شقت نازل کرده: «اما کسی که نامه او را از پشت سرش به او دهند در آینده فریاد وای وای کشد و به دوزخ در افتد زیرا او در میان خاندانش شاد بود بر راستی او گمان می‌کرد که برگشت نکند، آری» مقصود از آن هم مشرک است، و در سورة تبارک نازل کرد: (۸): «هر آنگاه که فوجی در آن بر آن افکنده شوند خازنان دوزخ از آنها پرسند که بیم دهنده برای شما نیامد (۹) گویند چرا محققاً آمد برای ما بیم دهنده و او را تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نفرستاده» مقصود از اینها هم مشرکانند، و در سورة واقعه نازل کرد: (آیه ۲۹ - ۳۰): «و اما اگر از

خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ - فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا - مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ .
 فَهَؤُلَاءِ مُشْرِكُونَ وَانْزَلْ فِي الْوَاقِعَةِ - وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ
 الضَّالِّينَ - فَانْزَلْ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ فَهَؤُلَاءِ مُشْرِكُونَ وَانْزَلْ فِي
 الْحَاقَّةِ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ - فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّةً - وَلَمْ
 أَدْرِ مَا حِسَابِيَّةً - يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ - مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةُ إِلَىٰ قَوْلِهِ
 إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ فَهَذَا مُشْرِكٌ وَانْزَلْ فِي طُحْمٍ - وَبُرَزَتِ
 الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ - وَقِيلَ لَهُمْ أَئِنَّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ - مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ
 يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ - فَكُفُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ - وَجُنُودُ
 إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ جُنُودُ إِبْلِيسَ ذُرِّيَّتُهُ مِنَ الشَّيَاطِينِ - وَقَوْلُهُ وَمَا أَضَلَّنَا
 إِلَّا الْمُجْرِمُونَ - يَعْنِي الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ اقْتَدَوْا بِهِمْ هَؤُلَاءِ - فَاتَّبَعُوهُمْ عَلَىٰ
 شِرْكِهِمْ - وَهُمْ قَوْمٌ مُّحَمَّدٍ ﷺ لَيْسَ فِيهِمْ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَىٰ أَحَدٌ
 وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ كَذَّبَ
 أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ لَيْسَ فِيهِمْ الْيَهُودُ الَّذِينَ قَالُوا عِزُّنَا
 ابْنُ اللَّهِ - وَلَا النَّصَارَى الَّذِينَ قَالُوا الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ سَيَدْخُلُ اللَّهُ
 الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى النَّارَ - وَيَدْخُلُ كُلُّ قَوْمٍ بِأَعْمَالِهِمْ - وَقَوْلُهُمْ وَمَا
 أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ - إِذْ دَعَوْنَا إِلَىٰ سَبِيلِهِمْ .

ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ حِينَ جَمَعَهُمْ إِلَى النَّارِ
 قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ - رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا - فَأَتَيْهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا

مکذبان و گمراهان است، با آب جوشیده پذیرایی گردد و به دوزخ رود، اینها همه مشرکانند».

و در سورة الحاقه نازل فرمود: (۲۵): «و اما کسی که نامه عملش را به دست چپش دهند گوید ای کاش نامه به من نمی دادند (۲۶) و نمی دانستم حسابم چیست (۲۷) ای کاش کارم گذشته بود (۲۸) دارایی ام به درد من نخورد تا آن که فرماید به راستی او بود که ایمان به خدای بزرگ نداشت» این هم مشرک است، و در طسم: «دوزخ برای گمراهان آشکار شود (شعرا / ۹۰) (۹۱) به آنها گفته شود آنها را که پرستش می کردید کجایند؟ (۹۲) آیا شما را یاری کردند و یا یآوری جستند (۹۳) سپس در جهنم به رو افتاده شوند با هم سپاهیان ابلیس و با گمراهان (۹۴) و با لشگریان ابلیس همگی از نژاد و نسل او هستند» باز فرماید: «ما را جز مجرمینی گمراه نکردند» مقصود از آن همان مشرکانند که اینان به آنان اقتدا کردند و در شرک از آنها پیروی کردند و ایشان همان قوم محمد ﷺ احدی از یهود و نصاری در آنها نیست، مصدق آن، گفته خداوند عز و جل است: «پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند (ص / ۱۲): «اصحاب أیکه تکذیب کردند (شوری / ۱۷۶): «قوم لوت تکذیب کردند (شعراء / ۱۶۰) در میان آنها نبرد جز قوم یهود که گفت: عزیز پسر خدا است، و نه نصاری که گفتند: مسیح پسر خداست. محققاً خدا یهود و نصاری را به دوزخ خواهد برد و هر قومی را به خاطر کارشان به دوزخ برد، این است گفته آنها که گمراه نکرد ما را جز مجرمان، زیرا ما را به روش خودشان دعوت کردند. این است معنی قول خدای عز و جل درباره آنها چون همه را در دوزخ گرد آورد: «دسته های بعدی به دسته های نخست گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند آنها را در دوزخ دوچندان کن (اعراف / ۳۶)»

مِنَ النَّارِ وَ قَوْلُهُ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ - لَعَنْتُ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا إِدَارَكُوا فِيهَا
 جَمِيعاً بَرِئَ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ - وَ لَعَنَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً - يُرِيدُ بَعْضُهُمْ أَنْ
 يَخْرُجَ بَعْضاً رَجَاءَ الْفُلْجِ فَيَقْتُلُوا مِنْ عَظِيمٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ - وَ لَيْسَ بِأَوَانٍ
 بَلَوَى وَ لَا اخْتَبَارٍ - وَ لَا قَبُولِ مَعْذِرَةٍ وَ لَا تَحِينَ نَجَاةٍ - وَ الْآيَاتُ وَ
 أَشْبَاهُهَا مِمَّا نَزَلَ بِهِ بِمَكَّةَ - وَ لَا يُدْخِلُ اللَّهُ النَّارَ إِلَّا مُشْرِكاً - فَلَمَّا أَدْنَى
 اللَّهُ مُحَمَّدٍ ﷺ - فِي الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ - بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى
 خَمْسٍ - شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
 وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ - وَ حِجِّ الْبَيْتِ وَ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ
 وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْحُدُودَ وَ قِسْمَةَ الْفَرَائِضِ - وَ أَخْبَرَهُ بِالْمَعَاصِي الَّتِي أَوْجَبَ
 اللَّهُ عَلَيْهَا - وَ بِهَا النَّارُ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا - وَ أَنْزَلَ فِي بَيَانِ الْقَاتِلِ وَ مَنْ يَقْتُلُ
 مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً - فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا - وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ
 وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَاباً عَظِيماً - وَ لَا يَلْعَنُ اللَّهُ مُؤْمِناً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ
 اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعيراً - خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا
 وَ لَا نَصِيراً.

وَ كَيْفَ يَكُونُ فِي الْمَشِيئَةِ وَ قَدْ أُلْحِقَ بِهِ - حِينَ جَزَاهُ جَهَنَّمَ الْغَضَبَ وَ
 اللَّعْنَةَ - وَ قَدْ بَيَّنَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَلْعُونُونَ فِي كِتَابِهِ - وَ أَنْزَلَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ
 مَنْ أَكَلَهُ ظُلْماً - إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْماً - إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي
 بُطُونِهِمْ نَاراً - وَ سَيَصْلُونَ سَعيراً.

وَ ذَلِكَ أَنْ أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ - يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ النَّارُ تَلْتَهُ فِي

و فرموده خدا که: «چون هر امتی در جهنم وارد شوند همکار خود را لعنت کند تا همگی در آن گرد آیند» و از هم بی زاری جویند و همدیگر را لعنت کنند، برخی می خواهند به امید نجات و رستگاری نزد دیگران روند و از بزرگی عذابی که برای آنها رخ داده با دلیل بر آنها غلبه کنند ولی در آن موقع نه دیگر وقت آزمایش است و نه وقت پذیرفتن عذر و پوزش و نه وقت نجات.

و چون خدا به محمد ﷺ اجازه داد که از مکه به مدینه رفت اسلام را بر پنج پایه استوار کرد: ۱ - شهادت به یگانگی خداوند و اینکه حضرت محمد رسول ﷺ خداست.

۳- دادن زکات.

۲- برپا داشتن نماز.

۵- روزه گرفتن در ماه رمضان.

۴- حج خانه کعبه.

و حدود را بر او نازل کرد و تقسیم ارث را و به او خبر داد از گناہانی که خدا به وسیله آنها دوزخ را لازم کند برای هر کس که مرتکب آنها شود و در بیان قاتل نازل کرد: «و هر کس بر عتد مؤمنی را بکشد سزایش دوزخ است و در آن جاوید است و خدا به او غضب کند و او را لعنت کند و برای او عذاب بزرگی فراهم سازد (نساء / ۹۵) خدا مؤمن را لعنت نکند، خدای عز و جل فرموده است: «براستی خدا کافران را لعنت کند و برای آنها دوزخ را آماده سازد در آن جاوید بمانند و هیچگاه یآوری را نیابند (احزاب / ۶۵ و ۶۶)» و چگونه ممکن است کار قاتل موکول به خواسته ضرر باشد (کا اگر بخواهد او را عذاب کند یا او را ببخشد) در حالی که کیفر او جهنم قرار داده است و غضب و لعنت خود را به او رسانده و در کتاب خود او را از جمله لعن شدگان یاد کرده است. و درباره خوردن مال یتیم به ستم فرموده است: «به راستی کسانی که مال یتیمان را به ستم بخورند همانا در شکم خود آتش خورند و به یقین در

بَطْنِهِ - حَتَّى يَخْرُجَ لَهَبُ النَّارِ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَعْرِفَهُ كُلُّ أَهْلِ الْجَمْعِ - أَنَّهُ
 آكِلُ مَالِ الْيَتِيمِ - وَأَنْزَلَ فِي الْكَيْلِ وَبِلَ الْمُطَفِّفِينَ - وَلَمْ يَجْعَلِ الْوَيْلَ
 لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَمِّيَهُ كَافِرًا

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 وَأَنْزَلَ فِي الْعَهْدِ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ - وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
 أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ - وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ - وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ - وَالْخَلَاقُ النَّصِيبُ - فَمَنْ لَمْ
 يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي الْآخِرَةِ - فَبِأَيِّ شَيْءٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ - وَأَنْزَلَ بِالمَدِينَةِ
 الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً - وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ
 مُشْرِكٌ - وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فَلَمْ يُسَمِّ اللَّهَ الزَّانِي مُؤْمِنًا - وَلَا
 الزَّانِيَةَ مُؤْمِنَةً - *مركز تحقيقات كهنوتی علوم دینی*

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ يَمْتَرِي فِيهِ أَهْلُ الْعِلْمِ أَنَّهُ قَالَ - لَا يَزْنِي
 الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ
 مُؤْمِنٌ - فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ - خُلِعَ عَنْهُ الْإِيمَانُ كَخُلْعِ الْقَمِيصِ - وَأَنْزَلَ
 بِالمَدِينَةِ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ - ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
 فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً - وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا - وَأُولَئِكَ هُمُ
 الْفَاسِقُونَ - إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ - وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ - فَبَرَّاهُ اللَّهُ مَا كَانَ مُقِيمًا عَلَى الْفِرْيَةِ - مِنْ أَنْ يُسَمَّى بِالإِيمَانِ
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

جهنم وارد شوند (نساء / ۱۰) و این برای آن است که خورنده مال یتیم روز قیامت می آید و در شکمش آتش شعله ور است تا زبانه آتش از دهانش خارج شود تا اینکه همه اهل محشر او را بشناسند که مال یتیم خورده است و درباره کیل گفته: «وای بر کم فروشان (مطفین / ۲) و ویل را متوجه کسی نکرده جز آنکه او را کافر نامیده است، خدای عز و جل فرموده است: «وای بر کافران از حضور آنها در روز بزرگ (مریم / ۳۸)» و درباره عهد و پیمان فرموده: براستی کسانی که عهد و پیمان خدا را به بهای اندکی بفروشدند در آخرت بهره ای ندارند و خداوند در روز قیامت با آنها سخن نمی گوید و به آنها نگاه نمی کند و آنها را پاک نسازد و برایشان عذاب دردناکی است (آل عمران / ۷۶) و خلاق بمعنی بهره است و کسی که در آخرت بنده یی ندارد با چه وسیله یی داخل بهشت می شود؟ و در مدینه نازل فرمود: «مرد زنا کار در نیامیزد جز با زن زنا کار یا مشرکه و زن زانیه را در آغوش نکشد جز مرد زانی یا مشرک و این بر مؤمنان حرام است (نور / ۴)» خدا مرد زانی را مؤمن نامیده و زن زنا کار را مؤمنه نام نداده و رسول خدا فرموده است - اهل دانش در این گفته شک ندارند - که: زنا کار هنگام زنا کردن، مؤمن نیست، و دزد در هنگام دزدی مؤمن نیست، زیرا چون این کار زشت را مرتکب شود ایمان از او سلب شود مانند بیرون آوردن پیراهن از تن. و در مدینه نازل شده است: «و آنان کسانی که زنان پارسا را به زنا متهم کنند و سپس چهار گواه نیاورند هشتاد تازیانه به آنها بزنید و گواهی آنها را هرگز نپذیرید و آنان فاسقند جز کسانی که پس از آن باز گردند و اصلاح بشوند زیرا خدا آمرزنده و مهربان است (نور / ۵ و ۶)» پس خداوند او را تا زمانی که بر افتراء (و تهمت به آن زن پاکدامن) استوار باشد از ایمان برکنار خواهد بود.

وَجَعَلَهُ اللَّهُ مُنَافِقًا

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ وَجَعَلَهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ
أَوْلِيَاءِ إِبْلِيسَ - قَالَ إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ وَ
جَعَلَهُ مَلْعُونًا

فَقَالَ - إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ - الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ - يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ
وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَ لَيْسَتْ تَشْهَدُ الْجَوَارِحُ عَلَى
مُؤْمِنٍ - إِنَّمَا تَشْهَدُ عَلَى مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ - فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ
فَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ - فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ
كِتَابَهُمْ - وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا وَ سُورَةُ النُّورِ أُنْزِلَتْ بَعْدَ سُورَةِ النَّسَاءِ
وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - أُنْزَلَ عَلَيْهِ فِي سُورَةِ النَّسَاءِ
وَ اللَّاتِي يَأْتِيَنِ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ - فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً
مِنْكُمْ - فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ - حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ
يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا - وَ السَّبِيلُ الَّذِي

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - سُورَةُ أُنْزِلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا - وَ أُنْزِلْنَا فِيهَا آيَاتٍ
بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ - الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ
جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ - فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ - وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

خدای عز و جل فرموده: «آیا کسی که مؤمن است چون کسی باشد که اصلاً برابر نباشد (سجده / ۱۸) و خداوند، منافق را فاسق دانسته است، خدای عز و جل فرمود: «به راستی منافقان همان فاسقانند (توبه / ۲۷) و خدای عز و جل او را از دوستان ابلیس شمرده و فرموده است: «جز ابلیس که از طایفه جن بود و در امر پروردگار خود فاسق شد (کهف / ۴۸) و فرموده است و نیز او را ملعونش قرار داد و فرمود: «به راستی آن کسانی که زنان پارسا، و مؤمنه را متهم به زنا می کنند در دنیا و آخرت لعن شوند برای آنها عذابی بزرگ است روزی که زبان و دست و پایشان علیه آنها بخاطر کارشان شهادت دهند (نور / ۲۳ و ۲۴) بدیهی است که اعضاء و جوارح مؤمن علیه او گواهی ندهند بلکه بر کسی که فرمان عذاب برای او ثابت شده گواهی دهند و اما مؤمن نامه عملش را به دست راستش دهند، خدای عز و جل فرماید: «پس اما آن کسانی که نامه عملشان به دست راستشان دهند و نامه خود را بخوانند و به اندازه نخی به آنها ستم نشود (اسراء / ۷۴)» سورة نور بعد از سورة نساء نازل شده است و دلیلش این است که خدای عز و جل در سورة نساء نازل کرده است: «آن زنان که کار بد کنند چهار گواه از خودتان بگیرید و اگر به هرزگی آنها گواهی دادند آنها را در خانه ها زندانی کنید تا مرگ آنها را فرا رسد یا خدا برای آنها راه نجاتی فراهم کند (نساء / ۱۴)» و راهی که خدا برای نجات آنها فراهم کرد این است که فرمود: «سوره ای است که نازل کردیم و مقرر داشتیم و در آن آیات روشنی نازل کردیم شاید شما اندر زگیرید زن زنا کار و مرد زنا کار به هر کدام صد تازیانه بزنید و شما را نسبت به آنها در امر دین خدا، مهربانی دست ندهد اگر شما به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشید جمعی از مؤمنان گواه بر کیفر آنها باشند».

١٥١٦-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ عليه السلام كَانَ مُؤْمِنًا - قَالَ فَأَيْنَ فَرَائِضُ اللَّهِ - قَالَ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ - كَانَ
عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ - لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ كَلَامًا لَمْ يَنْزِلْ فِيهِ - صَوْمٌ
وَلَا صَلَاةٌ وَلَا حَلَالٌ وَلَا حَرَامٌ - قَالَ وَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ
عِنْدَنَا قَوْمًا يَقُولُونَ - إِذَا شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ عليه السلام فَهُوَ مُؤْمِنٌ - قَالَ فَلِمَ يُضْرَبُونَ الْحُدُودَ وَلِمَ تُقَطَّعُ أَيْدِيهِمْ - وَمَا
خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقًا - أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ - لِأَنَّ
الْمَلَائِكَةَ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِينَ - وَأَنَّ جَوَارِ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ - وَأَنَّ الْجَنَّةَ
لِلْمُؤْمِنِينَ - وَأَنَّ الْحُورَ الْعِينِ لِلْمُؤْمِنِينَ - ثُمَّ قَالَ فَمَا بَالُ مَنْ جَحَدَ
الْفَرَائِضَ كَانَ كَافِرًا.

١٥١٧-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ سَلَامِ الْجُعْفِيِّ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِيمَانِ، فَقَالَ: الْإِيمَانُ أَلَا يُطَاعُ
اللَّهُ فَلَا يَعْصَى.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود به امیر المؤمنین علیه السلام عرض شد: آیا هر کس به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی دهد مؤمن است؟ فرمود: پس واجبات خدا کجا است؟

علی می فرمود: اگر ایمان همان کلام بود (کلمه شهادتین) درباره آن روزه و نماز و حلال و حرامی نازل نمی شد،

من به امام باقر علیه السلام گفتم: براستی نزد ما جمعی هستند که می گویند همین قدر کسی به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی دهد، مؤمن است، فرمود:

چرا به گنهکار حد زنند و دستش را ببرند و آفریده ای نیست که نزد خدا از مؤمن گرامی تر باشد زیرا فرشته ها خدمتکار مؤمنان باشند، مؤمنان در پناه خدایند و بهشت از آن مؤمنان است و حور العین از آن مؤمنان است، سپس فرمود: پس چرا کسی که منکر واجبات الهیه است کافر است؟

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۳- سلام جعفری گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام از ایمان پرسیدم. فرمود: ایمان، آن است که خدا اطاعت شود و نافرمانی از او به عمل نیاید.

بَابُ فِي أَنَّ الْإِيمَانَ مَبْثُوثٌ لِجَوْلَاحِ الْبَدَنِ كُلِّهَا.

١٥١٨-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو الزُّبَيْرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ أَيُّهَا الْعَالِمُ أَخْبِرْنِي - أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ

قَالَ مَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بِهِ - قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ - الْإِيمَانُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - أَعْلَى الْأَعْمَالِ دَرَجَةً - وَأَشْرَفُهَا مَنْزِلَةً وَ أَسْنَاهَا حَقًّا - قَالَ قُلْتُ أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِيمَانِ - أَقُولُ هُوَ وَعَمَلٌ أَمْ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ

فَقَالَ الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ - وَالْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ - بِفَرْضٍ مِنَ اللَّهِ بَيِّنَ فِي كِتَابِهِ - وَاضِحٍ نُورُهُ ثَابِتَةٌ حُجَّتُهُ - يَشْهَدُ لَهُ بِهِ الْكِتَابُ وَ يَدْعُوهُ إِلَيْهِ

قَالَ قُلْتُ صِفْهُ لِي جُعِلَتْ فِدَاكَ حَتَّى أَفْهَمَهُ

قَالَ الْإِيمَانُ حَالَاتٌ وَ دَرَجَاتٌ وَ طَبَقَاتٌ وَ مَنَازِلٌ - فَمِنْهُ التَّامُّ الْمُنْتَهَى تَمَامُهُ - وَمِنْهُ النَّاقِصُ الْبَيِّنُ نَقْصَانُهُ - وَمِنْهُ الرَّاجِحُ الزَّائِدُ رُجْحَانُهُ قُلْتُ إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَتِمُّ وَ يَنْقُصُ وَ يَزِيدُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ

ایمان به همه اعضاء بدن، پخش است

ابو عمرو زیبری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای عالم! به من خبر ده که کدامیک از اعمال برتر است؟ فرمود: آن که خدا هیچ عملی را نپذیرد جز به همراه آن، گفتم: آن چیست؟

فرمود: ایمان به خدایی که شایسته پرستش جز او نیست او بلندترین درجه اعمال و شریف ترین مقام و والاترین بهره است، گفتم: آیا به من نهی فرمایید که ایمان گفتار است یا کردار یا گفتار بدون کردار.

فرمود: ایمان همه اش کردار است و گفتار هم بعضی از آن کردار است خدایش چنین مقرر داشته و در کتابش بیان فرموده بطور روشن و آشکار و حجتش ثابت و قرآن به آن گواهی دهد و به سوی خود دعوت کند. گفتم: قربانت گردم آن را برایم شرح ده تا بفهمم،

فرمود: ایمان حالات و طبقات و مراتبی دارد یکی در نهایت و تمامی و دیگری در نقصان روشن و سومی در رجحان فضاینده، گفتم: ایمان شکل کاملی دارد و کم و بیش می شود؟ فرمود: آری،

گفتم: این چگونه است،

قَالَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَوَارِحِ ابْنِ آدَمَ
 وَقَسَّمَهُ عَلَيْهَا وَفَرَّقَهُ فِيهَا - فَلَيْسَ مِنْ جَوَارِحِهِ جَارِحَةٌ - إِلَّا وَقَدْ
 وَكَلَّتْ مِنَ الْإِيمَانِ - بِغَيْرِ مَا وَكَلَّتْ بِهِ أُخْتُهَا - فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَعْقِلُ
 وَيَفْقَهُ وَيَفْهَمُ وَهُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ - الَّذِي لَا تَرُدُّ الْجَوَارِحُ - وَلَا تَصْدُرُ إِلَّا
 عَنْ رَأْيِهِ وَأَمْرِهِ - وَمِنْهَا عَيْنَاهُ اللَّتَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا - وَأُذُنَاهُ اللَّتَانِ يَسْمَعُ
 بِهِمَا - وَيَدَاهُ اللَّتَانِ يَبْطِشُ بِهِمَا - وَرِجْلَاهُ اللَّتَانِ يَمْشِي بِهِمَا - وَفَرْجُهُ
 الَّذِي الْبَاءُ مِنْ قَبْلِهِ - وَلِسَانُهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ - وَرَأْسُهُ الَّذِي فِيهِ
 وَجْهُهُ - فَلَيْسَ مِنْ هَذِهِ جَارِحَةٌ - إِلَّا وَقَدْ وَكَلَّتْ مِنَ الْإِيمَانِ - بِغَيْرِ مَا
 وَكَلَّتْ بِهِ أُخْتُهَا - بِفَرَضٍ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ إِسْمُهُ - يَنْطِقُ بِهِ الْكِتَابُ لَهَا وَ
 يَشْهَدُ بِهِ عَلَيْهَا - فَفَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ - غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى السَّمْعِ
 وَفَرَضَ عَلَى السَّمْعِ - غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ - وَفَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ
 غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى اللِّسَانِ - وَفَرَضَ عَلَى اللِّسَانِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى
 الْيَدَيْنِ - وَفَرَضَ عَلَى الْيَدَيْنِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الرَّجْلَيْنِ - وَفَرَضَ
 عَلَى الرَّجْلَيْنِ - غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الْفَرْجِ - وَفَرَضَ عَلَى الْفَرْجِ غَيْرَ مَا
 فَرَضَ عَلَى الْوَجْهِ - فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ - مِنَ الْإِيمَانِ فَالْإِقْرَارُ وَ
 الْمَعْرِفَةُ - وَالْعَقْدُ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمُ - بِأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ - إِلَّاهًا وَاحِدًا - لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا - وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُولُهُ - وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ كِتَابٍ .
 فَذَلِكَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِقْرَارِ - وَالْمَعْرِفَةِ وَهُوَ عَمَلُهُ وَ

فرمود: زیرا خدای تبارک و تعالی ایمان را بر همه اعضاء تن آدمی واجب کرده و بر آنها بخش کرده و تفریق نموده و هیچ عضوی نیست جز آنکه گماشته‌ای بر یک وظیفه ایمانی است غیر از آنچه عضو دیگر بر آن گماشته است.

توضیح: مراد سائل این است که آیا ایمان با گفتن شهادتین به دست می‌آید یا آنکه واجبات دیگر هم جزء ایمان است از پاسخ امام بدست می‌آید که گفتن شهادتین علامت اسلام است ولی ایمان همراهش کردار و عمل است و برای هر اعضاء وظیفه ایمانی است که باید انجام گیرد.

از جمله دل او است که با آن خردمندی دارد و می‌فهمد و می‌داند و فرمانده تن اوست و هیچ عضوی کاری نکند جز به رأی و فرمان او. از آن جمله دو چشم اوست که با آنها بیند و دو گوشش که با آنها بشنود و دو دستش که با آنها بکوبد و دو پایش که با آنها راه رود و فرجش که با آن عمل جنسی کند و زبانش که با آن سخن گوید و سرش که رویش در آن است، در میان اینها عضوی نیست جز آنکه یک وظیفه ایمانی دارد جز آنچه عضو دیگری وظیفه دارد و آن را خدای تبارک نام او را مقرر کرده و قرآنش بدان گویا و گواه است بر دل واجب شده جز آنچه بر گوش واجب گشته و بر گوش واجب شده جز آنچه بر دو چشم واجب است و بر دو چشم واجب است جز آنچه بر زبان واجب است و بر دو دست واجب است و بر دو دست واجب است جز آنچه بر دو پا واجب است و بر دو پا واجب است جز آنچه بر فرج واجب است بر فرج واجب است جز آنچه بر روی واجب است.

اما آنچه از ایمان که بر دل واجب است اقرار است و معرفت و عهده داری و رضا و تسلیم به اینکه نیست شایسته ستایشی جز خدای یگانه

هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ - وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا

وَقَالَ أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا بِأَفْوَاحِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَقَالَ إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ - أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ - فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ فَذَلِكَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِقْرَارِ وَالْمَعْرِفَةِ - وَهُوَ عَمَلُهُ وَهُوَ رَأْسُ الْإِيمَانِ - وَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى اللِّسَانِ الْقَوْلَ - وَالتَّعْبِيرَ عَنِ الْقَلْبِ بِمَا عَقَدَ عَلَيْهِ - وَأَقْرَبَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَقَالَ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا - وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَيْنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.

فَهَذَا - مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى اللِّسَانِ وَهُوَ عَمَلُهُ - وَفَرَضَ عَلَى السَّمْعِ أَنْ يَتَنَزَّهَ عَنِ الْإِسْتِمَاعِ - إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَأَنْ يُعْرِضَ عَمَّا - لَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ - وَالْإِصْغَاءِ إِلَى مَا أَشْخَطَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ فِي ذَلِكَ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ - أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ - حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ثُمَّ اسْتَشْنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَوْضِعَ النِّسْيَانِ - فَقَالَ وَإِنَّمَا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَقَالَ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ - فَيَسْتَمِعُونَ أَحْسَنَهُ - أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - الَّذِينَ

شریک ندارد، معبود یکتاست همسر و فرزندی نگرفته است و به این که محمد بنده و فرستاده اوست و اقرار به هر آنچه از طرف خدا آورده است از پیامبری یا کتابی، این است آنچه خدا بر دل واجب کرده از اقرار و معرفت و همین کردار وظیفه اوست و همین تفسیر قول خداست: «بجز کسی که مجبور به کفر شود ولی دلش به ایمان اقرار داشته باشد (نحل / ۱۰۶)» و باز فرماید: «و همانا به یاد خدا دل‌ها آرام گیرد (رعد / ۲۸)» و باز فرماید: «کسانی که با زبان خود ایمان آورده و دلشان ایمان نیاورده است (مائده / ۴۱)» (آیه چنین است: آنها که به زبان خود گفته‌اند ایمان داریم و دلشان ایمان ندارد) و فرموده است: «اگر آشکار کنید آنچه در دل دارید یا نهان کنید خدا با آن به حساب شما می‌رسد و بیمارزد هر کسی را که خواهد و عذاب کند هر کسی را که خواهد (بقره / ۲۸۴)» چنین است که خدای عز و جل بر دل واجب کرده از اقرار و معرفت و آن است کار دل و آن است سر ایمان و بر زبان واجب شده گفتار و اظهار از طرف دل به آنچه که پایبند و بدان مقرر است، خدای تبارک و تعالی فرموده است: «به مردم سخن نیکو گوئید (بقره / ۸۳)» و فرموده است: «گفتند به خدا و آنچه به ما و شما نازل شده ایمان آوردیم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم امر او هستیم (عنکبوت / ۴۶)» (این آیه در قرآن به این صورت نیست و در سوره بقره دنبال ما انزل الینا این است که و ما انزل الی ابراهیم و اسمعیل... الخ و در سوره عنکبوت بعد از آمنا - بالله نیست بلکه بالذی الینا است تا آخر - ظاهر این است که نسخه نویسان تغییر داده‌اند یا امام نقل به معنی کرده است یا هر دو آیه را ذکر کرده و از میان انداخته‌اند و در نسخه نعمانی همان آیه سوره بقره ذکر شده است - از مجلسی ره) این است آنچه خدا

هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ - وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ - وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَقَالَ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ - وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَقَالَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى السَّمْعِ مِنَ الْإِيمَانِ - أَنْ لَا يُضْغِيَ إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَهُ وَهُوَ عَمَلُهُ وَهُوَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ - وَأَنْ يُعْرِضَ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ - مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ وَهُوَ عَمَلُهُ وَهُوَ مِنَ الْإِيمَانِ

فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ فَهُمْ فَتَاهُمْ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ - وَأَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ - وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ

وَقَالَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ - وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا - وَتَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا وَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ - مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّيْنَةِ - إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ - ثُمَّ نَظَّمَ مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ وَاللِّسَانِ وَالسَّمْعِ وَالْبَصَرِ فِي آيَةٍ أُخْرَى

فَقَالَ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ - سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ يَغْنِي بِالْجُلُودِ الْفُرُوجُ وَالْأَفْخَادُ

وَقَالَ وَلَا تَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ - إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ

بر زبان فرض کرده است و آن کار او است و بر گوش فرض کرده است که خود را از آنچه خدا شنیدنش را حرام کرده برکنار دارد و از آنچه خدا بر او حلال ندانسته رو گرداند از نیوشیدن و از توجه بدانچه خدا عز و جل را به خشم آرد، خود را نگه دارد

و در این باره فرموده است: «و به تحقیق در قرآن بر شما نازل کرده است که هرگاه شنیدید که به آیات خدا کفر ورزند و آنها را به شوخی گیرند با آنها ننشینید تا در گفتگوی دیگری وارد شوند (نساء / ۱۴۰) سپس خدای عز و جل حال فراموشی را از آن جدا کرده و فرموده است: «و اگر پیشامد که شیطان تو را به فراموشی کشید پس از یادآوری مبادا با ستمکاران همنشین شوی (انعام / ۶۸) و فرمود: «مژده به بندگانم (۱۹) آن کسانی که می شنوند گفتار را و بهتر آن را پیروی می کنند، آنانند آن کسانی که خدا آنها را رهبری کند و آنانند همان خردمندان (زمر / ۱۸) و خدای عز و جل فرموده است: «به تحقیق که رستگار شدند مؤمنان (۲) آن کسانی که در نماز خود خشوع کنند (۳) و آن کسانی که از لغو رو گردانند (۴) و آن کسانی که همانها زکات را می دهند (مؤمنون / ۱) و فرموده: «و چون بیهوده شنیدند از آن رو گردانیدند و گفتند کردار ماها برای خودمان و کردهای شما برای خودتان (قصص / ۵۵)»

و فرمود: «و چون گذر کنند به بیهوده، کریمانه و ارجمند گذرند (فرقان / ۷۲)» این است آنچه خدا از ایمان به گوش فرض کرده و به دیده فرض کرده است که ننگرد بدانچه خدا بر او حرام کرده است و رو گرداند از آنچه خدا بر او روا نکرده است و این کردار ایمانی اوست، و خدای تبارک و تعالی فرماید: «بگو به مردان مؤمن دیده های خود را بپوشانند و فروج خود را حفظ کنند (نور / ۳۰)» آنها را نهی کرد از اینکه به

كُلُّ أَوْلِيكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.

فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعَيْنَيْنِ - مِنْ غَضِّ الْبَصَرِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ - وَهُوَ عَمَلُهُمَا وَهُوَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْيَدَيْنِ أَنْ لَا
يَبْطِشَ بِهِمَا - إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَأَنْ يَبْطِشَ بِهِمَا - إِلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ - وَفَرَضَ عَلَيْهِمَا مِنَ الصَّدَقَةِ - وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ - وَ الطَّهُّورِ لِلصَّلَاةِ

فَقَالَ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ - فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ
أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ - وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ
وَقَالَ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا - فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ -
فَشُدُّوا الوثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً - حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا
- فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْيَدَيْنِ - لِأَنَّ الضَّرْبَ مِنْ عِلَاجِهِمَا - وَ
فَرَضَ عَلَى الرَّجُلَيْنِ أَنْ لَا يَمْشِيَ بِهِمَا - إِلَى شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ - وَ
فَرَضَ عَلَيْهِمَا الْمَشْيَ إِلَى مَا يُرْضِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ

فَقَالَ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا - إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ - وَلَنْ تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا

وَقَالَ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ - إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ
لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

وَقَالَ فِيمَا شَهِدَتِ الْأَيْدِي وَالْأَرْجُلُ عَلَى أَنْفُسِهِمَا - وَ عَلَى أَرْبَابِهِمَا مِنْ
تَضْيِيعِهِمَا - لِمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ - وَ فَرَضَهُ - عَلَيْهِمَا الْيَوْمَ نَحْنُ نَحْنُ

عورات خود بنگرند و یا مردی به فرج برادر خود نگاه کند و باید فرج خود را از نظر دیگران نگهدارد و فرمود: «بگو به زنهای مؤمنه که دیده‌های خود را فروبندند و فروج خود را از اینکه به فرج همدیگر نگاه کنند حفظ کنند و نیز از اینکه دیگری به فرج آنها نگاه کند، فرمود: هر چه آیه در قرآن درباره حفظ فرج است منظور از آن حفظ از زنا است جز این آیه که مقصودش حفظ از نگاه است، سپس آنچه در دل و زبان و گوش و چشم فرض شده است در آیه دیگر منظم کرده و فرموده است: «شما پنهان نمی‌دارید به گوش و چشم و پوستان بر شما گواه شوند (فصلت/۲۲)»، مقصود از پوست فرج و ران است، و فرموده: «دنبال آنچه ندانی مرو زیرا گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولیت دارند (اسراء / ۳۶)» این است آنچه خداوند بر دو چشم فرض کرده از فرو بستن دیده از آنچه خدای عز و جل حرام کرده است و همان کردار اوست از ایمان، و خدا بر دو دست فرض کرده که بر آن چه که خدا حرام کرده دراز نشوند و دراز شوند بدان چه خدای عز و جل فرمان داده است و بر آنها فرض کرده صدقه و صله رحم و جهاد در راه خدا و وضوء برای نماز و فرموده است: «آیا کسانی که گرویدند، وقتی برخاستید برای نماز بشوید روی خود را و دو دست خود را تا ارنج و مسح بکشید به سرهای خود و پاهای خود تا دو کعب (مائده / ۶)» و فرمود: «چون برخوردی به آن کسانی که کافرند گردن بزنید و چون از کارشان انداختید سخت در بندشان کنید تا پس از آن منت کشند و رها شوند یا فدیة دهند تا اینکه جنگ به پایان رسد (محمد/۴)» این است که خدا بر دو دست فرض کرده است زیرا زدن، کار آنهاست و بر دو پا فرض کرده است که با آنها به سوی هیچ گناهی نروید و بر آنها فرض کرده است رفتن به سوی آنچه

عَلَى أَفْوَاهِهِمْ - وَتَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ - وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.
فَهَذَا أَيْضاً مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْيَدَيْنِ - وَعَلَى الرَّجْلَيْنِ وَهُوَ عَمَلُهُمَا وَ
هُوَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَفَرَضَ عَلَى الْوَجْهِ السُّجُودَ لَهُ - بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي
مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ

فَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا - ازْكَعُوا وَأُسْجُدُوا وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

فَهَذِهِ فَرِيضَةٌ جَامِعَةٌ عَلَى الْوَجْهِ - وَالْيَدَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ
وَقَالَ - فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ - فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا
وَقَالَ فِيمَا فَرَضَ عَلَى الْجَوَارِحِ - مِنَ الطَّهُورِ وَالصَّلَاةِ بِهَا - وَذَلِكَ أَنَّ
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - لَمَّا صَرَفَ نَبِيَّهُ ﷺ إِلَى الْكَعْبَةِ - عَنِ الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ - إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ
لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ فَسَمَّى الصَّلَاةَ إِيمَانًا - فَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا
لِجَوَارِحِهِ - مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ - مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
عَلَيْهَا - لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُسْتَكْمِلًا لِإِيمَانِهِ - وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ
وَمَنْ خَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى - مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا - لَقِيَ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ نَاقِصَ الْإِيمَانِ - قُلْتُ قَدْ فَهِمْتُ نُقْصَانَ الْإِيمَانِ وَتَمَامَهُ - فَمِنْ
أَيْنَ جَاءَتْ زِيَادَتُهُ

فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً مِنْهُمْ - مَنْ يَقُولُ

خدا عز و جل خشنود است و فرموده است: «در روی زمین از روی ناز و تکبر قدم بر مدار زیرا تو زمین را نشکافی و به بلندی کوه‌ها نرسی» (اسراء/۳۷) و فرمود: «آرام راه رو و آواز خود را فرو گیر زیرا دل خراش‌ترین آوازه‌ها بانگ خران است» (لقمان/۱۹) و درباره گواهی دادن دستها و پاها بر خودشان و صاحبانشان در موضوع ضایع کردن فرمان خدا عز و جل و فرض متوجه به آنها فرموده است: «امروز بر دهانشان مهر می‌نهم و دستهایشان با ما سخن گویند و پاهایشان گواهی دهند به آنچه انجام داده‌اند این هم از آن چیزها است که بر دستها و پاها واجب ساخت و همین عمل ایمانی آنهاست و این کردار آنهاست» (یس/۶۵)

و بر روی فرض کرده که برایش در شب و روز هنگام نماز سجده کند و فرموده است: «آیا آن کسانی که گرویدند رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب کنید شاید شما رستگار شوید» (حج/۷۷) این است کلیات فرض بر روی و دو دست و دو پا و در جای دیگر فرموده است: «به راستی مساجد از آن خداست پس با خدا دیگری را نخوانید» (جن/۱۸) و فرموده است در آنچه بر اعضا فرض کرده است از وضوء و نماز با آنها، چون که خدا عز و جل پیغمبرش را از بیت المقدس برگردانید به سوی خانه کعبه بر او فرو فرستاد که: «خدا کسی نیست که ایمان شما را تباه کند، زیرا خدا به مردم بسیار دل سوز و مهربان است» (بقره/۱۴۲) پس نماز را ایمان نامید و کسی که خدای عز و جل را ملاقات کند و وظائف لازم هر عضو خود را انجام داده باشد خدا را با ایمان کامل ملاقات کرده است و از اهل بهشت است و هر کس نسبت به وظیفه‌ای از آنها خیانت کرده باشد یا تعدی کرده باشد نسبت به آنچه خدای عز و جل فرمان داده است (یعنی بر خلاف عمل کرده باشد) خدا

أَيْكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا - فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا - وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ - وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ - فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ

وَقَالَ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ - إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى وَلَوْ كَانَ كُلُّهُمْ وَاحِدًا لَا زِيَادَةَ فِيهِ وَلَا نُقْصَانَ - لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِ - وَلَا اسْتَوَتْ النِّعَمُ فِيهِ وَلَا اسْتَوَى النَّاسُ وَبَطَلَ التَّفْضِيلُ وَلَكِنْ يَتِمُّ الْإِيمَانُ - دَخَلَ الْمُؤْمِنُونَ الْجَنَّةَ - وَبِالزِّيَادَةِ فِي الْإِيمَانِ - تَفَاضَلَ الْمُؤْمِنُونَ بِالدرَجَاتِ.

١٥١٩-٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ الْبَرْقِيِّ عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ - كُلُّهُ أَوْلِيكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ قَالَ يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ وَ الْبَصَرُ - عَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ وَ الْفُؤَادُ عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ.

١٥٢٠-٣ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ - شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَ مَا اسْتَقَرَّ فِي الْقُلُوبِ مِنْ

را با ایمان ناقص ملاقات می‌کند، گوید: گفتم: من کاستی و درستی ایمان را فهمیدم، از کجا افزودن ایمان پدید آید؟ فرمود: قول خدای عزوجل است: «و چون سوره‌ای نازل شود برخی از آن‌ها گویند این سوره به ایمان کدامیک از شماها افزود اما برای آنها که گرویدند ایمانشان بیافزاید و هم آنها خوش دل شوند (۱۲۷) و اما آن کسانی که دلشان بیمار است برپلیدی آنها بیفزاید» و فرمود: «ما داستان آنها را به درستی برای تو بسرائیم، به راستی آنها جوانانی بودند که به پروردگار خود گرویدند و بر هدایت آنها افزودیم».

اگر همه یکسان بودند و بیش و کمی نبود در ایمان بر یکدیگر برتری نداشتند و نعمت‌های ایمان برابر بود و مردم یکسان بودند و برتری در میان نبود ولی به ایمان درست مردم به بهشت روند و به فزونی ایمان مؤمنان در درجات نزد خدا بر هم برتری دارند و به کاستی ایمان تقصیر کاران به دوزخ در آیند.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۲- حسن بن هارون، گوید: امام صادق علیه السلام در این آیه به راستی که گوش و چشم و دل همه مورد بازخواست قرار می‌گیرند فرمود: گوش مسؤول است که چه شنیده و چشم مسؤول است از آنچه بدان نگاه کرده و دل از آنچه عهده دار آن بوده.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از ایمان؟ فرمود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و اقرار بدان چه از طرف خدا آورده و آنچه که در دل جا دارد از تصدیق به این معانی.

التَّصَدِيقِ بِذَلِكَ - قَالَ قُلْتُ الشَّهَادَةُ أَلَيْسَتْ عَمَلًا - قَالَ بَلَى قُلْتُ
الْعَمَلُ مِنَ الْإِيمَانِ - قَالَ نَعَمْ الْإِيمَانُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِعَمَلٍ - وَالْعَمَلُ مِنْهُ وَ
لَا يَثْبُتُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِعَمَلٍ.

١٥٢١ - ٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قُلْتُ لَهُ مَا الْإِسْلَامُ - فَقَالَ دِينَ اللَّهِ اسْمُهُ الْإِسْلَامُ - وَهُوَ دِينُ اللَّهِ قَبْلَ
أَنْ تَكُونُوا - حَيْثُ كُنْتُمْ وَبَعْدَ أَنْ تَكُونُوا - فَمَنْ أَقَرَّ بِدِينِ اللَّهِ فَهُوَ
مُسْلِمٌ - وَمَنْ عَمِلَ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ - فَهُوَ مُؤْمِنٌ.

١٥٢٢ - ٥ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شَوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ
ابْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ قال في نسخة قَالَ: كُنْتُ بِرَدْمِ رَسُو
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لَهُ سَلَامٌ إِنَّ خَيْثَمَةَ ابْنَ أَبِي خَيْثَمَةَ - يُحَدِّثُنَا
عَنْكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَنِ الْإِسْلَامِ - فَقُلْتَ لَهُ إِنَّ الْإِسْلَامَ مَنْ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا -
وَشَهِدَ شَهَادَتَنَا وَنَسَكَ نُسُكَنَا - وَوَالَى وَلِيَّنَا وَعَادَى عَدُوَّنَا - فَهُوَ
مُسْلِمٌ فَقَالَ صَدَقَ خَيْثَمَةُ - قُلْتُ وَسَأَلْتُكَ عَنِ الْإِيمَانِ - فَقُلْتَ الْإِيمَانُ
بِاللَّهِ وَالتَّصَدِيقُ بِكِتَابِ اللَّهِ - وَأَنْ لَا يُغْصَى اللَّهُ فَقَالَ صَدَقَ خَيْثَمَةُ.

گوید: گفتم: شهادت عملی نیست؟ فرمود: چرا.
گفتم: عمل هم از ایمان است؟ فرمود: آری، ایمان جز به کردار نیست و
کردار از ایمان است و ایمان پا بر جا نمی شود جز با کردار.

۴- یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید:

به آن حضرت گفتم: اسلام چیست؟

در پاسخ فرمود: نام دین خدا اسلام است و آن دین خدا بوده پیش از
آنکه شما به اینجا برسید و پس از آنکه در اینجا هستید، هر کس به دین
خدا اقرار کند مسلمان است و هر کس به آنچه خدای عز و جل فرموده
است عمل نماید مؤمن است.



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۵- ابی بصیر، گوید: من نزد امام باقر علیه السلام بودم که سلام به آن حضرت گفتم،
خیشمه پسر ابی خیشمه از شما برایمان نقل کرده است که معنی اسلام را از
شما پرسیده و در پاسخ او فرمودی: اسلام یعنی هر کسی که به قبله ما نماز
گذارد و شهادتین ما را ادا کند و عبادت ما را انجام دهد و دست ما را
دست بدارد و دشمن ما را دشمن بدارد، او مسلمان است، فرمود: خیشمه
راست گفته، گفتم: و معنی ایمان را از شما پرسیده و در پاسخ فرمودید:
ایمان به خدا و تصدیق به قرآن و ترک نافرمانی خداست، فرمود: خیشمه
راست گفته است.

١٥٢٣-٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِيمَانِ - فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - قَالَ قُلْتُ أَلَيْسَ هَذَا عَمَلٌ - قَالَ بَلَى قُلْتُ فَالْعَمَلُ مِنَ الْإِيمَانِ - قَالَ لَا يَثْبُتُ لَهُ الْإِيمَانُ - إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْعَمَلُ مِنْهُ.

١٥٢٤-٧- بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُيَسَّرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ الْعَالِمَ عليه السلام فَقَالَ - أَيُّهَا الْعَالِمُ أَخْبِرْنِي أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ - قَالَ مَا لَا يُقْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِهِ - فَقَالَ وَمَا ذَلِكَ قَالَ - الْإِيمَانُ بِاللَّهِ الَّذِي هُوَ أَعْلَى الْأَعْمَالِ دَرَجَةً - وَأَسْنَاهَا حَظًّا وَأَشْرَفُهَا مَنَزِلَةً قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ - أَقُولُ وَعَمَلٌ أَمْ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ - قَالَ الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ - وَالْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ بِفَرْضٍ مِنَ اللَّهِ بَيِّنُهُ فِي كِتَابِهِ وَاضِحٌ نُورُهُ ثَابِتَةٌ حُجَّتُهُ - يَشْهَدُ بِهِ الْكِتَابُ وَيَدْعُو إِلَيْهِ - قُلْتُ صِفْ لِي ذَلِكَ حَقًّا أَفْهَمَهُ - فَقَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ حَالَاتٌ وَدَرَجَاتٌ - وَطَبَقَاتٌ وَمَنَازِلٌ - فَمِنْهُ التَّامُّ الْمُنْتَهَى تَمَامُهُ - وَمِنْهُ النَّاقِصُ الْمُنْتَهَى نُقْصَانُهُ وَمِنْهُ الزَّائِدُ الرَّاجِعُ زِيَادَتُهُ - قُلْتُ وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَيَتِمُّ وَيَزِيدُ وَيَنْقُصُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ - قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَوَارِحِ بَنِي آدَمَ - وَقَسَّمَهُ عَلَيْهَا وَفَرَّقَهُ عَلَيْهَا - فَلَيْسَ مِنْ

۶- جمیل بن دراج، گوید: از امام صادق علیه السلام از ایمان پرسیدم، در پاسخ فرمود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله. گوید: گفتم: آیا این خود کرداری نیست؟ فرمود: چرا، گفتم: کردار هم از ایمان است؟ فرمود: اینان برای او پا بر جا نشود جز با کردار و کردار هم از ایمان است.

۷- حماد بن عمرو نصیبی، گوید: مردی از دانشمندان علیه السلام (گویا مراد موسی بن جعفر) پرسید، گفت: ای عالم بفرما چه عملی نزد خداوند بهتر است؟ فرمود: چیزی که هیچ عملی بدون آن پذیرفته نشود آن مرد گفت: آن چیست؟ فرمود: ایمان به خدا که بالاترین کارهاست در پایه خود و از همه بهره ورتر و شرافتمندتر است؟ گفتم: بفرمائید که ایمان گفتار است و کردار یا همان گفتار تنهاست؟ فرمود: همه ایمان کردار است و گفتار هم برخی از آن کردار است، این از طرف خدا مقرر شده و در قرآن آن را بطور واضح و روشن بیان کرده و دلیلش ثابت است، قرآن بدان گواه است و به آن دعوت کند، گفتم: آن را برایم شرح دهید تا بفهمم، فرمود: ایمان حالاتی است و درجاتی و طبقاتی و منازلی، یکی از آن در نهایت درستی و دیگری در نهایت کاستی و سومی در حال رجحان و برتری، گفتم: ایمان هم زیاد و کم دارد؟ فرمود: آری، گفتم: چگونه؟ فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضا تن آدمی واجب ساخته و بخش کرده است و هیچ عضوی نیست جز آنکه بر یک وظیفه ایمانی گماشته شده است غیر از وظیفه‌ای که عضو دیگر دارد.

جَوَارِحِهِمْ جَارِحَةٌ إِلَّا وَهِيَ - مُوَكَّلَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ بِغَيْرِ مَا وَكَلَتْ بِهِ
 أُخْتُهَا - فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَعْقِلُ وَ يَفْقَهُ وَ يَفْهَمُ - وَهُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي
 لَا تَوَرَّدُ الْجَوَارِحُ - وَلَا تَصْدُرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ وَأَمْرِهِ - وَمِنْهَا يَدَاهُ اللَّتَانِ
 يَبْطِشُ بِهِمَا - وَ رِجْلَاهُ اللَّتَانِ يَمْشِي بِهِمَا - وَ فَرْجُهُ الَّذِي الْبَاءُ مِنْ قَبْلِهِ
 وَ لِسَانُهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ الْكِتَابُ وَ يَشْهَدُ بِهِ عَلَيْهَا - وَ عَيْنَاهُ اللَّتَانِ
 يُبْصِرُ بِهِمَا - وَ أُذُنَاهُ اللَّتَانِ يَسْمَعُ بِهِمَا - وَ فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ غَيْرَ مَا
 فَرَضَ عَلَى اللِّسَانِ - وَ فَرَضَ عَلَى اللِّسَانِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ وَ
 فَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى السَّمْعِ وَ فَرَضَ عَلَى السَّمْعِ غَيْرَ
 مَا فَرَضَ عَلَى الْيَدَيْنِ - وَ فَرَضَ عَلَى الْيَدَيْنِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى
 الرَّجْلَيْنِ - وَ فَرَضَ عَلَى الرَّجْلَيْنِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الْفَرْجِ - وَ فَرَضَ
 عَلَى الْفَرْجِ غَيْرَ مَا فَرَضَ عَلَى الْوَجْهِ - فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ
 الْإِيمَانِ - فَالْإِقْرَارُ وَ الْمَعْرِفَةُ وَ التَّصْدِيقُ - وَ التَّسْلِيمُ وَ الْعَقْدُ وَ الرِّضَا -
 بِأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدُودُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - أَحَدًا صَمَدًا - لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ
 لَا وَلَدًا - وَ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ .

١٥٢٥-٨ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَشْعَثِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ
 ابْنِ حَفْصِ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ - وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ قَوْلِ الْمَرْجَةِ فِي الْكُفْرِ وَ
 الْإِيمَانِ - وَ قَالَ إِنَّهُمْ يَحْتَجُّونَ عَلَيْنَا وَ يَقُولُونَ - كَمَا أَنَّ الْكَافِرَ

از آن جمله است دلش که با آن خردمندی کند و بفهمد و بداند و آن فرمانده تن اوست که هیچ عضوی کاری نکند و نرود و نیاید جز به فرمان او و از آن جمله است دو دستش که با آنها بکوبد و دوپایش که با آنها راه برود و فرجش که با آن عمل جنسی کند و زبانش که قرآن بخواند و گواه او باشد و دو چشمش که با آنها بیند و دو گوشش که با آنها بشنود و واجب شده است بر دل جز آنچه که واجب شده است بر زبان واجب شده است غیر از آنچه واجب شد بر دو چشم واجب شده غیر از آنچه واجب شده بر گوش واجب شده بر دو دست غیر از آنچه واجب شده بر دو پا و واجب شده بر دو پا غیر از آنچه واجب شده بر فرج و واجب شده بر فرج غیر از آنچه که واجب شده بر دل واجب شده اقرار است و معرفت و تصدیق و تسلیم و عهده داری و رضایت به این که نیست شایسته ستایش جز خدای، یگانه‌ای که شریک ندارد، یکتاست و بی نیاز، همسری و فرزندی نگرفته است و به اینکه محمد ﷺ بنده و رسول اوست.

* * *

۸- محمد بن حفص خارجه گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود (در پاسخ اینکه مردی از او درباره گفتار مرجئه نسبت به معنی کفر و ایمان پرسیده

عِنْدَنَا هُوَ الْكَافِرُ عِنْدَ اللَّهِ - فَكَذَلِكَ نَجِدُ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَقَرَّ بِإِيمَانِهِ - أَنَّهُ
عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنٌ فَقَالَ - سُبْحَانَ اللَّهِ وَكَيْفَ يَسْتَوِي هَذَانِ - وَالْكَافِرُ إِقْرَارُ
مِنَ الْعَبْدِ فَلَا يُكَلَّفُ بَعْدَ إِقْرَارِهِ - بَيِّنَةٌ وَ الْإِيمَانُ دَعْوَى لَا تَجُوزُ - إِلَّا
بَبَيِّنَةٍ وَ بَيِّنَتُهُ عَمَلُهُ وَ نِيَّتُهُ - فَإِذَا اتَّفَقَا فَالْعَبْدُ عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنٌ - وَالْكَافِرُ
مَوْجُودٌ بِكُلِّ جِهَةٍ مِنْ هَذِهِ الْجِهَاتِ الثَّلَاثِ - مِنْ نِيَّةٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ
وَ الْأَحْكَامُ تَجْرِي عَلَى الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ - فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يَشْهَدُ لَهُ الْمُؤْمِنُونَ
بِالْإِيمَانِ - وَ يَجْرِي عَلَيْهِ أَحْكَامُ الْمُؤْمِنِينَ - وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ كَافِرٌ وَ قَدْ
أَصَابَ مَنْ أَجْرَى عَلَيْهِ - أَحْكَامُ الْمُؤْمِنِينَ بِظَاهِرِ قَوْلِهِ وَ عَمَلِهِ.

بَابُ السَّبْقِ إِلَى الْإِيمَانِ

مَرْكَزِ تَحْقِيقِ كَلِمَاتِ تَوْحِيدِ عِلْمِ سِدْقِ

١٥٢٦ - ١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو عَمْرٍو الزُّبَيْرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ إِنَّ لِلْإِيمَانِ دَرَجَاتٍ وَ مَنَازِلَ - يَتَفَاضَلُ الْمُؤْمِنُونَ فِيهَا عِنْدَ
اللَّهِ - قَالَ نَعَمْ قُلْتُ صِفْهُ لِي رَحِمَكَ اللَّهُ - حَتَّى أَفْهَمَهُ قَالَ - إِنَّ اللَّهَ سَبَقَ
بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ - كَمَا يُسَبِّقُ بَيْنَ الْخَيْلِ يَوْمَ الرِّهَانِ - ثُمَّ فَضَّلَهُمْ عَلَى
دَرَجَاتِهِمْ فِي السَّبْقِ إِلَيْهِ - فَجَعَلَ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ عَلَى دَرَجَةٍ سَبَقِهِ - لَا
يَنْقُصُهُ فِيهَا مِنْ حَقِّهِ - وَ لَا يَتَقَدَّمُ مَسْبُوقٌ سَابِقاً - وَ لَا مَفْضُولٌ
فَاضِلاً - تَفَاضَلَ بِذَلِكَ أَوَائِلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَوَاخِرُهَا - وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ

بود و گفته بود: آنها بر ما حجت می آورند و می گویند: چنانچه کسی که نزد ما کافر است نزد خدا هم کافر است، پس کسی که به حکم اقرارش ما او را مؤمن بدانیم نزد خدا هم باید مؤمن باشد) امام در پاسخ فرمود: سبحان الله چگونه این دو یکسانند؟ کفر به اعتراف خود بنده، محقق می شود و پس از اعتراف او به کفر، بیته و گواهی از او نخواهند، ولی ایمان دعوی اوست که ثابت نشود جز با بیته و دلیل و بیته او کردار و نیت با اقرار موافق باشند، بنده در نزد خدا مؤمن است ولی کفر به هریک از این سه وجه که نیت و گفتار و کردار است موجود شود، حکم طبق همان گفتار و کردار جاری می شود، چه بسیارند کسانی که مؤمنان به حسب ظاهر گواه ایمان آنها باشند و احکام مؤمنان بر آنها جاری است و نزد خدا کافرند و هرکس هم احکام مؤمنین را در ظاهر بر آنها جاری کرده است، درست رفته، به واسطه ظاهر گفتار و کردارش.

پیشی گرفتن در ایمان

۱- ابو عمرو زیبری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم برای ایمان درجات و مراتبی است که، مؤمنان به واسطه آنها نزد خدا تفاوت دارند؟ فرمود: آری، گفتم: خدا تو را رحمت کند آن را برای من شرح ده تا بفهمم، فرمود: خداوند مؤمنان را در میدان ایمان به مسابقه گرفته است چنانچه در روز اسب دوانی اسب ها را به مسابقه برانگیزند و سپس آنها را به نسبت درجاتشان در پیش روی، از نظر ایمان فضیلت بخشیده و هر کدام را به اندازه پایه پیش رویش مقام داده است از حق او نکامسته و مفضول را بر فاضل مقدم ندانسته است در این میدان رقابت این امت

لِلسَّابِقِ إِلَى الْإِيمَانِ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْبُوقِ - إِذَا لَلْحَقَّ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 أَوْلَهَا - نَعَمْ وَ لَتَقْدَمُوهُمْ إِذَا لَمْ يَكُنْ - لِمَنْ سَبَقَ إِلَى الْإِيمَانِ الْفَضْلُ عَلَى
 مَنْ أَبْطَأَ عَنْهُ - وَلَكِنْ بِدَرَجَاتِ الْإِيمَانِ قَدَّمَ اللَّهُ السَّابِقِينَ - وَ بِالْإِبْطَاءِ
 عَنِ الْإِيمَانِ آخَرَ اللَّهُ الْمُقْصِرِينَ - لِأَنَّا نَحْجِدُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْآخِرِينَ
 مَنْ هُوَ أَكْثَرُ عَمَلًا مِنَ الْأَوَّلِينَ - وَ أَكْثَرُهُمْ صَلَاةً وَ صَوْمًا - وَ حَجًّا
 وَ زَكَاةً وَ جِهَادًا وَ إِتْقَانًا - وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ سَوَابِقُ يُفْضَلُ بِهَا - الْمُؤْمِنُونَ
 بَعْضُهُمْ بَعْضًا عِنْدَ اللَّهِ - لَكَانَ الْآخِرُونَ بِكَثْرَةِ الْعَمَلِ - مُقَدَّمِينَ عَلَى
 الْأَوَّلِينَ - وَلَكِنْ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - أَنْ يُدْرِكَ آخِرُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ
 أَوْلَهَا - وَ يُقَدَّمَ فِيهَا مَنْ آخَرَ اللَّهُ - أَوْ يُؤَخَّرَ فِيهَا مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ - قُلْتُ
 أَخْبِرْنِي عَمَّا نَدَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ مِنَ الْإِسْتِثْبَاقِ
 إِلَى الْإِيمَانِ

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ - وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا
 كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ - أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ
 وَ قَالَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ
 وَ قَالَ وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ - وَ الَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ فَبَدَأَ بِالْمُهَاجِرِينَ
 الْأَوَّلِينَ عَلَى دَرَجَةٍ سَبَقَهُمْ - ثُمَّ ثَنَّى بِالْأَنْصَارِ ثُمَّ ثَلَّثَ بِالتَّابِعِينَ لَهُمْ
 بِإِحْسَانٍ - فَوَضَعَ كُلَّ قَوْمٍ عَلَى قَدَرِ دَرَجَاتِهِمْ وَ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ - ثُمَّ ذَكَرَ
 مَا فَضَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - بِهِ أَوْلِيَاءَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

نسبت به بعدیها برتری دارند امت بر پیشینیان آن.

و بخاطر عقب افتادگان از ایمان کوتاهی کنندگان را مؤخر داشته زیرا بعضی از مؤمنین متأخر را می بینیم که نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و انفاقشان از پیشینیان بیشتر است و اگر سوابق فضیلتی که مؤمنین بخاطر آن بر یکدیگر ترجیح پیدا می کنند نمی بود می بایست متأخرین بخاطر عمل بسیار خود، بر پیشینیان مقدم باشند ولی خداوند هرگز نخواسته شخصی که در پایین ترین درجات ایمان قرار دارد به درجه جلوتر برسد و آنکه خداوند او را مؤخر داشته مقدم شود یا آنکه را مقدم داشته مؤخر شود.

گفتم: به من خبر ده از آنچه خدای عز و جل به مضمون آن مؤمنین را برای مسابقه در ایمان دعوت کرده است، فرمود قول خدای عز و جل: «پیشی گیرید به سوی آمرزش از طرف پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن چون پهنای آسمان و زمین است، آماده شده برای کسانی که به خدا و رسولش گرویدند (حدید / ۲۱)». و فرمود: «آنکه در ایمان پیشی گرفتند آنان مقربان در گاهند (واقعه / ۱۰ - ۱۱)» و فرمود: «پیش روان نخست از مهاجر و انصار و آن کسانی که به احسان پیروی از آنها کردند خدا از آنها خوشنود و آنها هم از خدا خوشنودند (توبه / ۱۰۰)» پس خدا به مهاجرین نخستین امتیاز را داد آنگاه انصار و سپس تابعی از آنها را هر جمعی را در پایه و مقام خود مقرر کرد، سپس یاد آور شد آنچه را خداوند عز و جل توسط آن دوستانش را بر یکدیگر برتری قرار داد و فرمود: «بعضی از این رسولان بر یکدیگر فضیلت دادیم بعضی از آنها با خدا سخن گفت و درجات بعضی را بلندتر از دیگران قرار داد (بقره / ۲۵۳)» و فرمود:

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ - مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ
 اللَّهُ - وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ
 وَقَالَ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ
 وَقَالَ أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ - وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ
 أَكْبَرُ تَفْضِيلًا

وَقَالَ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَقَالَ وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ
 وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا - وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ
 وَقَالَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ - عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا - دَرَجَاتٍ مِنْهُ
 وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً

وَقَالَ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ - مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ - أُولَئِكَ أَعْظَمُ
 دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا - مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا

وَقَالَ - يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ - وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ
 قَالَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ - وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ -
 وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ - وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً - إِلَّا كُتِبَ
 لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ وَقَالَ وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ - مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ
 اللَّهِ وَقَالَ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا
 يَرَهُ. فَهَذَا ذِكْرُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ - وَمَنَازِلِهِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

«بعضی از پیامبران بر بعضی دیگر فضیلت دادیم» (اسراء / ۵۵) «باز فرمود: بنگر چگونه بعضی را بر بعضی دیگر فضیلت دادیم و درجات آخرت بیشتر و ترجیح آن بالاتر است» (اسراء / ۲۱) و فرموده: «آنان را درجاتی است نزد خدا» (آل عمران / ۱۶۳) و فرموده: «به هر صاحب فضلی بدهد فضل او را» (هود / ۳) و فرموده: «و آن کسانی که گرویدند و هجرت کردند و نبرد کردند در راه خدا به مال و جانشان درجه بزرگتری نزد خدا دارند» (توبه / ۲۰) و فرموده است: «خدا برتری داده مجاهدان را بر کناره گیران با مزد بزرگی» (۹۷) درجاتی از طرف خود و با آمرزش و رحمت (نساء / ۹۶) و فرموده: «یکسان نیست از شماها کسی که پیش از فتح اتفاق کرده و جنگیده آنان درجه بزرگتری دارند از کسانی که پس از آن اتفاق کردند و جنگیدند» (حدید / ۱۰) و فرموده: «و بلند کرده است خداوند آن کسانی که از شماها را که گرویدند و آن کسانی که دانش به آنها داده شده درجاتی» (مجادله / ۱۱) و فرموده: «این برای ایشان آن است که به در راه خدا تشنگی و رنج و گرسنگی نرسد و درجاتی که کافران را به خشم آورد قدم نهند و از دشمنی به مقصودی نرسند جز آنکه به سبب آن بر ایشان عمل شایسته‌ای نوشته شود» (توبه / ۱۲۰) و فرموده: «و آنچه پیش فرستید از خوبی برای خود آن را نزد خدا دریابید» (بقره / ۱۱۰) و فرمود: «پس هر کس ذره‌ای کار خیر کند آن را ببیند و هر کس ذره‌ای کار بد کند آن را ببیند» (زلزال / ۷ - ۸) این است درجات ایمان و مراتب آن نزد خدای عز و جل

بَابُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ.

١٥٢٧-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ أَبِي الْأَخْوَصِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الْإِيمَانَ - عَلَى سَبْعَةِ أَشْهُمٍ عَلَى الْبِرِّ وَ الصِّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا - وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ - ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ النَّاسِ - فَمَنْ جَعَلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةَ الْأَشْهُمَ فَهُوَ كَامِلٌ - مُحْتَمِلٌ وَ قَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ السَّهْمَ - وَ لِبَعْضِ السَّهْمَيْنِ وَ لِبَعْضِ الثَّلَاثَةِ - حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى السَّبْعَةِ - ثُمَّ قَالَ لَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ سَهْمَيْنِ - وَلَا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمَيْنِ ثَلَاثَةً - فَتَهْضُوهُمْ ثُمَّ قَالَ كَذَلِكَ - حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّبْعَةِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٥٢٨-٢- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْيَقْظَانِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ الضَّحَّاكِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا سَرَّاجٍ وَ كَانَ خَادِماً لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

بَعَثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَاجَةٍ - وَ هُوَ بِالْحِيرَةِ أَنَا وَ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ - قَالَ فَانْطَلَقْنَا فِيهَا ثُمَّ رَجَعْنَا مُغْتَمِينَ

قَالَ وَ كَانَ فِرَاشِي فِي الْحَائِرِ - الَّذِي كُنَّا فِيهِ نَزُولاً - فَجِئْتُ وَ أَنَا بِحَالٍ فَرَمَيْتُ بِنَفْسِي - فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذَا أَنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ أَقْبَلَ

درجات ایمان

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی خدای عزوجل ایمان را هفت قسم کرد: ۱- نیکوکاری ۲- راستگوئی ۳- یقین ۴- رضاء ۵- وفاء ۶- علم ۷- بردباری میان مردم پخش کرده، به هر کس این هفت سهم را داده او کامل است و حامل ایمان و به بعضی مردم یک سهم داده و به بعضی دو سهم و به بعضی سه سهم تا برسند به هفت سهم، سپس فرمود: به آنکه یک سهم داده، دو سهم تحمیل نکنید و نه بر آنکه دو سهم داده سه سهم، تا آنان را سنگین بار کنید سپس فرمود تا رسید به هفت سهم.

توضیح: خداوند به هر کس به اندازه استعداد و تحملش تکلیف کرده و از آنها باز خواست می‌نماید در اینصورت افراد در پذیرش ایمان مختلف اند شما هم باید به اندازه توانش از او توقع داشته باشید زیرا اگر بیش از اندازه به او تحمیل کنید او را خسته و رانده خواهید کرد.

۲- مردی به نام سراج که خدمتکار امام صادق علیه السلام بوده، گوید: زمانی که امام صادق علیه السلام در حیره (در نزدیکی کوفه بوده است) مرا با جمعی از غلامانش برای کاری فرستاد و شب با ناراحتی و خستگی برگشتم و خود را در بستر که در حیاط بود انداختم و دراز کشیدم در این میان امام صادق علیه السلام آمد و فرمود: نزد تو آمدم، من برخاستم و نشستم و آن حضرت بالای بستر من نشست و از کاری که مرا دنبال آن روانه کرده بود پرسید و من به او گزارش دادم و حمد خدا کرد و ذکر جمعی به میان آورد و من گفتم: قربانت، ما از آنها بیزاریم، آنها معتقد به عقیده ما نیستند، فرمود: آنها ما را دوست دارند و آنچه شما عقیده دارید، عقیده

قَالَ فَقَالَ - قَدْ أَتَيْنَاكَ أَوْ قَالَ جِئْنَاكَ - فَاسْتَوَيْتُ جَالِسًا وَ جَلَسَ عَلَى صَدْرٍ فِرَاشِي - فَسَأَلَنِي عَمَّا بَعَثَنِي لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ - فَحَمِدَ اللَّهُ ثُمَّ جَرَى ذِكْرُ قَوْمٍ - فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّا نَبْرَأُ مِنْهُمْ - إِنَّهُمْ لَا يَقُولُونَ مَا نَقُولُ
 قَالَ فَقَالَ يَتَوَلَّوْنَا وَلَا يَقُولُونَ مَا تَقُولُونَ تَبْرءُونَ مِنْهُمْ
 قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ - فَهُوَ ذَا عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ - فَيَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَبْرَأَ مِنْكُمْ

قَالَ قُلْتُ لَا جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ - وَهُوَ ذَا عِنْدَ اللَّهِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا
 أَفْتَرَاهُ إِطْرَحَنَا

قَالَ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا نَفْعَلُ

قَالَ فَتَوَلَّوْهُمْ وَلَا تَبْرءُوا مِنْهُمْ - إِنَّ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ لَهُ سَهْمٌ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَهْمَانِ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ أَرْبَعَةُ أَشْهُمٍ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ خَمْسَةُ أَشْهُمٍ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سِتَّةُ أَشْهُمٍ - وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَبْعَةُ أَشْهُمٍ - فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْمَلَ صَاحِبُ السَّهْمِ - عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ - وَلَا صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ - عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الثَّلَاثَةِ - وَلَا صَاحِبُ الثَّلَاثَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ - وَلَا صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْخَمْسَةِ - وَلَا صَاحِبُ الْخَمْسَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السِّتَّةِ - وَلَا صَاحِبُ السِّتَّةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّبْعَةِ - وَ سَأَضْرِبُ لَكَ مَثَلًا - إِنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ جَارٌ وَكَانَ نَصْرَانِيًّا فَدَعَاهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَزَيَّنَهُ لَهُ - فَأَجَابَهُ فَأَتَاهُ سُحَيْرًا - فَقَرَعَ عَلَيْهِ الْبَابَ

ندارند و شما از آنها بیزارید؟

گفتم: آری، فرمود: در این صورت نزد ما حقایقی است که نزد شما نیست، پس سزاوار است که ما هم از شما بیزار باشیم، گفتم: نه به خدا، قربانت؟ فرمود: اکنون خدا هم حقایقی می‌داند که ما نمی‌دانیم به نظر تو ما را دور می‌اندازد؟

گوید: گفتم: نه به خدا قربانت کردم، ما این کار را نکنیم؟ فرمود: آنها را دوست بدارید و از آنها بیزار نباشید زیرا بعضی از مسلمانان یک سهم دارند و بعضی دو سهم و بعضی سه سهم و بعضی از آنها چهار سهم و بعضی پنج سهم و بعضی شش سهم و بعضی هم هفت سهم و شایسته نیست آنکه یک سهم عقیده و ایمان دارد به آنکه دو سهم دارد وادار شود و نه آنکه دو سهم دارد بر آنکه سه سهم دارد وادار شود و نه آنکه چهار سهم دارد بر آنکه چهار سهم دارد وادار شود و نه آنکه پنج سهم دارد بر آنکه پنج سهم دارد وادار شود و نه آنکه شش سهم دارد بر آنکه شش سهم دارد وادار شود و نه آنکه شش سهم دارد بر آنکه هفت سهم دارد وادار شود، من برای مثلثی بزنم:

مرد مؤمنی همسایه نصرانی داشت او را به اسلام دعوت کرد و او هم

فَقَالَ لَهُ - مَنْ هَذَا قَالَ أَنَا فُلَانٌ - قَالَ وَ مَا حَاجَتُكَ

فَقَالَ - تَوَضَّأَ وَ الْبَسَ ثَوْبَيْكَ - وَ مُرِّبْنَا إِلَى الصَّلَاةِ

قَالَ - فَتَوَضَّأَ وَ لَبَسَ ثَوْبَيْهِ وَ خَرَجَ مَعَهُ - قَالَ فَصَلَّيَا مَا شَاءَ اللَّهُ

ثُمَّ صَلَّيَا الْفَجْرَ - ثُمَّ مَكَّثَا حَتَّى أَصْبَحَا - فَقَامَ الَّذِي كَانَ نَصْرَانِيًّا

يُرِيدُ مَنْزِلَهُ

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ أَتَيْنَ تَذَهَبُ - النَّهَارُ قَصِيرٌ وَ الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الظُّهْرِ

قَلِيلٌ - قَالَ فَجَلَسَ مَعَهُ إِلَى أَنْ صَلَّى الظُّهْرَ

ثُمَّ قَالَ وَ مَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ قَلِيلٌ - فَاحْتَبَسَهُ حَتَّى صَلَّى الْعَصْرَ -

قَالَ ثُمَّ قَامَ وَ أَرَادَ أَنْ يَنْصَرِفَ إِلَى مَنْزِلِهِ

فَقَالَ لَهُ إِنَّ هَذَا آخِرُ النَّهَارِ - وَ أَقَلُّ مِنْ أَوَّلِهِ - فَاحْتَبَسَهُ - حَتَّى صَلَّى

الْمَغْرِبَ - ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَنْصَرِفَ إِلَى مَنْزِلِهِ

فَقَالَ لَهُ إِنَّمَا بَقِيَتْ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ

قَالَ فَكَثَّ حَتَّى صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ - ثُمَّ تَفَرَّقَا فَلَمَّا كَانَ سُحَيْرٌ - غَدَا

عَلَيْهِ فَضَرَبَ عَلَيْهِ الْبَابَ

فَقَالَ مَنْ هَذَا قَالَ أَنَا فُلَانٌ - قَالَ وَ مَا حَاجَتُكَ قَالَ تَوَضَّأَ - وَ الْبَسَ

ثَوْبَيْكَ وَ أَخْرَجَ بِنَا فَصَلَّ - قَالَ أَطْلُبُ هَذَا الدِّينَ مَنْ هُوَ أَفْرَعُ مِنِّي -

وَ أَنَا إِنْسَانٌ مِسْكِينٌ وَ عَلِيٌّ عِيَالٌ

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَذْخَلَهُ فِي شَيْءٍ أَخْرَجَهُ مِنْهُ أَوْ قَالَ - أَذْخَلَهُ مِنْ

مِثْلِ زِهِ وَ أَخْرَجَهُ مِنْ مِثْلِ هَذَا....

پذیرفت، نزدیک سحر نزد آن تازه مسلمان رفت و در خانه‌اش را کوبید گفت: کیست؟ پاسخ داد: من فلانیم، گفت: چه کار داری؟ گفت: وضوء ساز و جامه بیوش تا برویم برای نماز، فرمود: وضوء ساخت و جامه‌های خود را پوشید و با او بیرون شد، فرمود: هر چه خدا خواسته بود نماز خواندند تا آنکه نماز صبح هم خواندند و ماندند تا صبح هم روشن شد، آن مرد مسیحی برخاست تا به خانه‌اش برود، آن مرد گفت: کجا می‌روی؟ روز کوتاه است و به روز چیزی نمانده، فرمود: با او نشست تا نماز ظهر را هم خواند، میان ظهر و عصر اندکی است و او را نگهداشت تا نماز عصر را هم خواند، فرمود: آن تازه مسلمان برخاست تا به منزلش برود، به او گفت: اکنون دیگر پایان روز است و از آغازش کمتر است و او را نگهداشت تا نماز مغرب را هم خواند و سپس خواست به منزلش برگردد باز هم به او گفت: یک نماز دیگر مانده، فرمود: ماند تا نماز عشاء را هم خواند و از هم جدا شدند و سحرگاه دیگر به دنبال او رفت و در خانه او را زد، گفت: کیست؟ پاسخ داد: من فلانیم، گفت: چه کاری داری؟ گفت: وضوء ساز و جامه در بر کن و بیا برویم نماز بخوانیم، گفت: برو برای این دین یک مرد بی‌کارتی از من پیدا کن، من مرد مستمندی هستم و عیال دارم.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: او را در دینی وارد کرد و از آن بیرونش آورد بخاطر آنکه او را تحت فشار گذاشت و بیش از طاقتش بر او تحمیل کرد و سبب شد که از دین اسلام دست بکشد و به آئین قبلی خود بازگردد.

بَابُ آخِرِ هِنَه.

١٥٢٩-١- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبَانَ عَنْ شِهَابٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَوْ عَلِمَ النَّاسُ كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - هَذَا الْخَلْقَ لَمْ يَلْمُ أَحَدٌ أَحَدًا - فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَكَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - خَلَقَ أَجْزَاءً بَلَغَ بِهَا تِسْعَةً وَ أَرْبَعِينَ جُزْءًا - ثُمَّ جَعَلَ الْأَجْزَاءَ أَعْشَارًا - فَجَعَلَ الْجُزْءَ عَشْرَةَ أَعْشَارٍ ثُمَّ قَسَمَهُ بَيْنَ الْخَلْقِ - فَجَعَلَ فِي رَجُلٍ عَشْرَ جُزْءٍ - وَ فِي آخِرِ عَشْرِي جُزْءٍ - حَتَّى بَلَغَ بِهِ جُزْءًا تَامًا - وَ فِي آخِرِ جُزْءٍ أَوْ عَشْرَ جُزْءٍ - وَ آخِرَ جُزْءٍ أَوْ عَشْرِي جُزْءٍ - وَ آخِرَ جُزْءٍ أَوْ ثَلَاثَةَ أَعْشَارٍ جُزْءٍ - حَتَّى بَلَغَ بِهِ جُزْءَيْنِ تَامَيْنِ - ثُمَّ بِحِسَابِ ذَلِكَ حَتَّى بَلَغَ - بِأَرْفَعِهِمْ تِسْعَةً وَ أَرْبَعِينَ جُزْءًا فَهِنْ لَمْ يَجْعَلْ فِيهِ إِلَّا عَشْرَ جُزْءٍ - لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَكُونَ مِثْلَ صَاحِبِ الْعَشْرَيْنِ - وَ كَذَلِكَ صَاحِبُ الْعَشْرَيْنِ - لَا يَكُونُ مِثْلَ صَاحِبِ الثَّلَاثَةِ الْأَعْشَارِ - وَ كَذَلِكَ مَنْ تَمَّ لَهُ جُزْءٌ - لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَكُونَ مِثْلَ صَاحِبِ الْجُزْءَيْنِ - وَ لَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - خَلَقَ هَذَا الْخَلْقَ عَلَى هَذَا - لَمْ يَلْمُ أَحَدٌ أَحَدًا.

قسمت دیگری از این باب

۱- شهاب، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم بدانند خدای تبارک و تعالی چگونه این مردم را آفرید، احدی احدی را سرزنش نمی کرد، من گفتم: اصلحک الله، مگر چگونه بوده است؟ فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی اجزائی آفرید تا آنها را به ۴۹ جزء رسانید و هر جزئی را ۱۰ بخش کرد تا جمعاً ۴۹۰ بخش شد.

و سپس آنها را میان مخلوق بخش کرد و به مردی یکدهم جزء داد و به دیگری دودهم تا به یک جزء کامل کند و به دیگری یک جزء و یک دهم داد و به دیگری یک جزء و دودهم و دیگری یک جزء و سه دهم تا رسید به دو جزء و سپس به همین حساب تا رسید به بالاترین که ۴۹ جزء باشد،

کسی که تنها یک دهم جزء دارد نمی تواند مانند صاحب دو دهم جزء باشد و نیز کسی که دارای دو دهم جزء باشد نتواند چون صاحب سه دهم جزء باشد و همینطور کسی که یک جزء تمام دارد نتواند مانند دارنده دو جزء باشد

و اگر مردم بدانند که خدای عز و جل مخلوقات را بر این وضع آفریده، کسی دیگری را سرزنش نخواهد کرد (البته مراد از سرزنش در جهت کسب فضائل و ترک مستحبات است نه در ترک واجبات و انجام محرمات)

١٥٣٠- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ الْخَرَّازِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَّاطِيِّ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلَمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مَرَقَاةٌ بَعْدَ مَرَقَاةٍ - فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْإِثْنَيْنِ لِمُصَاحِبِ الْوَاحِدِ - لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ - فَلَا تُسْقِطُ مَنْ هُوَ دُونَكَ - فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ - وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ - فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ - وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ - فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ.

١٥٣١- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَنَازِلَ - مِنْهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ وَمِنْهُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ - وَمِنْهُمْ عَلَى ثَلَاثٍ وَمِنْهُمْ عَلَى أَرْبَعٍ - وَمِنْهُمْ عَلَى خَمْسٍ وَمِنْهُمْ عَلَى سِتٍّ - وَمِنْهُمْ عَلَى سَبْعٍ فَلَوْ ذَهَبَتْ - تَحْمِلُ عَلَى صَاحِبِ الْوَاحِدَةِ اثْنَتَيْنِ لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى صَاحِبِ اثْنَتَيْنِ ثَلَاثًا لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى صَاحِبِ الثَّلَاثِ أَرْبَعًا لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى صَاحِبِ الْأَرْبَعِ خَمْسًا لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى صَاحِبِ الْخَمْسِ سِتًّا لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى صَاحِبِ السِّتِّ سَبْعًا لَمْ يَقْوَا - وَعَلَى هَذِهِ الدَّرَجَاتِ.

۲- عبدالعزیز قراطیسی، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای عبدالعزیز برستی ایمان ده درجه است چون نردبان پله به پله از آن بالا روند نباید آن که دو پله بالا است به آن که یک پله بالا است بگوید: تو ایمان نداری تا برسد به آن که در پله دهم است تو کسی را که از خودت پایین تر است دور نینداز تا آنکه بالاتر از تو است تو را دور بیندازد و چون دیدی کسی از تو یک درجه پایین است با ملایمت و نرمی او را به سوی خود بالا ببر و بر او آنچه که تحمل ندارد بار مکن تا او را بشکنی زیرا هر کس مؤمنی را بشکند بر او لازم است که آن را جبران کند.

* * *

۳- سدید، گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: به راستی مؤمنان درجات مختلفی دارند یکی دارای یک درجه و دیگری دو درجه و یکی سه درجه و یکی چهار درجه و یکی پنج درجه و یکی شش درجه و یکی هفت درجه و اگر تو بخواهی به صاحب یک درجه، دو درجه تحمیل کنی توانائی ندارد و اگر بر صاحب دو درجه سه درجه عرضه کنی توانائی ندارد و صاحب سه درجه چهار درجه را توانائی ندارد و صاحب چهار درجه پنج درجه را توانائی ندارد و صاحب پنج درجه شش درجه را توانائی ندارد و صاحب شش درجه هفت درجه را توانائی ندارد و همه درجات بر این وضع باشند.

١٥٣٢- ٤- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا أَنْتُمْ وَالْبَرَاءَةُ - يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ - إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ - وَبَعْضُهُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ - وَبَعْضُهُمْ أَنْفَذُ بَصَرًا مِنْ بَعْضٍ - وَهِيَ الدَّرَجَاتُ

بَابُ نِسْبَةِ الْإِسْلَامِ

١٥٣٣- ١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَا نُسَبِّحُ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً - لَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمِثْلِ ذَلِكَ - إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ - وَاليَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ - وَالتَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْعَمَلُ - وَالْعَمَلُ هُوَ الْأَدَاءُ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَأْخُذْ دِينَهُ عَنْ رَأْيِهِ - وَلَكِنْ أَتَاهُ مِنْ رَبِّهِ فَأَخَذَهُ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُرَى يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ وَ الْكَافِرَ يُرَى انْكَارُهُ فِي عَمَلِهِ - فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ فَاعْتَبِرُوا انْكَارَ الْكَافِرِينَ - وَ الْمُنَافِقِينَ بِأَعْمَالِهِمْ الْخَبِيثَةِ.

١٥٣٤- ٢- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِسْلَامُ عُمَرِيَانٌ - فِلِبَاسُهُ الْحَسِيَاءُ وَ زِينَتُهُ

۴- صباح بن سیابه، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شما با بیزاری چکار که از یکدیگر بیزاری جوئید همانا مؤمنین بعضی از بعضی دیگر برترند و بعضی از بعضی دیگر نمازش بیشتر است و بعضی نیز تیزبین تر است و همینطور است درجات انسان (که خداوند در این مورد فرماید: هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ)

نسبت اسلام

۱- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر آینه من نسبت و نژاد اسلام را به وجهی بیان کنم که هیچ کس پیش از من و بعد از من جز به مانند آن بیانی نداشته باشد. به راستی اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان یقین است و یقین همان تصدیق است و تصدیق همان اقرار است و اقرار هم کردار است و کردار هم انجام وظیفه است، به راستی مؤمن دینش را از رأی خود بدست نیاورده ولی از پروردگار برایش آمده و آن را دریافت کرده، همانا مؤمن یقینش در عملش دیده می شود و کافر هم انکارش در عملش دیده می شود سوگند به آنکه جانم به (مراد از اسلام در اینجا همان ایمان است زیرا اسلام بمعنی تسلیم و تسلیم به معنی یقین و اقرار کامل به اصول پنجگانه است) دست اوست که آنان امور دین خود را نفهمیدند، شما انکار کافران و منافقان را در کردارهای بد آنان بسنجید و تشخیص دهید.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام حقیقتی است لخت و برهنه، جامه اش حیاء

الْوَقَارُ - وَ مُرُوءَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ - وَ لِكُلِّ شَيْءٍ
 أَسَاسٌ - وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلُهُ.

١٥٣٥ - ٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 الْحَسَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ:
 قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْإِسْلَامَ فَجَعَلَ
 لَهُ عَرَصَةً - وَ جَعَلَ لَهُ نُورًا وَ جَعَلَ لَهُ حِصْنًا - وَ جَعَلَ لَهُ نَاصِرًا - فَأَمَّا
 عَرَصَتُهُ فَالْقُرْآنُ - وَ أَمَّا نُورُهُ فَالْحِكْمَةُ - وَ أَمَّا حِصْنُهُ فَالْمَعْرُوفُ - وَ
 أَمَّا أَنْصَارُهُ فَأَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي وَ شِيعَتُنَا - فَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَ شِيعَتَهُمْ وَ
 أَنْصَارَهُمْ - فَإِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا - فَنَسَبَنِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام
 لِأَهْلِ السَّمَاءِ - إِسْتَوْدَعَ اللَّهُ حُبِّي وَ حُبَّ أَهْلِ بَيْتِي
 وَ شِيعَتِهِمْ - فِي قُلُوبِ الْمَلَائِكَةِ - فَهُوَ عِنْدَهُمْ وَ دِيعَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 ثُمَّ هَبَطَ بِي إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ - فَنَسَبَنِي إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ - فَاسْتَوْدَعَ اللَّهُ
 عَزَّ وَ جَلَّ حُبِّي - وَ حُبَّ أَهْلِ بَيْتِي وَ شِيعَتِهِمْ - فِي قُلُوبِ مُؤْمِنِي أُمَّتِي
 فَمُؤْمِنُو أُمَّتِي يَحْفَظُونِ وَ دِيعَتِي - فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - أَلَا فُلُوكُمْ
 الرَّجُلُ مِنْ أُمَّتِي - عَبْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُمَرُ - أَيَّامَ الدُّنْيَا ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ
 جَلَّ - مُبْغِضًا لِأَهْلِ بَيْتِي وَ شِيعَتِي - مَا فَرَّجَ اللَّهُ صَدْرَهُ - إِلَّا عَنِ النِّفَاقِ.

است و زیورش وقار و مردانگیش کار خوب و ستونش ورع و پارسائی،
هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام دوستی ما خاندان است.

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: خدا اسلام را آفرید و برای آن میدانی ساخت و چراغی بر افروخت دژی بنا نهاد و یآوری برایش معین کرد اما میزان اسلام قرآن است و چراغ فروزانش حکمت و دژ و حصارش نیکی و یاورانش من و اهل بیت و شیعیانم می‌باشیم پس من و اهل بیتم و مستضعفان و یارانشان را دوست بدارید زیرا چون مرا به نزدیک‌ترین آسمان دنیا بالا بردند و جبرئیل مرا به اهل آسمان به نسب معرفی کرد خدا دوستی من و دوستی خاندانم و شیعیان آنها را در دل فرشته‌ها سپرد و آن در نزد آنان تا روز قیامت محفوظ است سپس مرا نزد اهل زمین فرود آورد و بر اهل زمین به نسب معرفی کرد خدای عز و جل دوستی من و دوستی خاندانم و شیعه آنها را در دل‌های مؤمنان امتم سپرد و مؤمنان امتم تا روز قیامت، سپرده‌ی مرا درباره خاندانم حفظ خواهند کرد همانا اگر مردی از امتم تا دنیا است عمر کند و خدا را بپرستد و عبادت کند ولی با بغض و نفرت و دشمنی با اهل بیت و شیعیان، خدا را ملاقات کند خداوند دلش را جز با نفاق نگشاید (یعنی مردم او را منافق و بی‌ایمان و دورو ببینند)

بَابُ خِصَالِ الْمُؤْمِنِ.

١٥٣٦- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِي خِصَالٍ - وَقُوراً عِنْدَ الْهَزَازِ صَبُوراً عِنْدَ الْبَلَاءِ - شَكُوراً عِنْدَ الرِّخَاءِ - قَانِعاً بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامِلُ لِلأَصْدِقَاءِ - بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ - إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ - وَ الْحِلْمَ وَزِيرُهُ وَ الْعَقْلَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَ الرِّفْقَ أَخُوهُ وَ الْبِرَّ وَالْيَدَّةَ.



١٥٣٧- ٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانُ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ - وَ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ - وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

١٥٣٨- ٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا - وَ لَا تَعْرِفُونَ حَتَّى

صفات مؤمن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

سزاوار است مؤمن دارای هشت خصلت باشد، ۱- هنگام سختی‌ها با وقار باشد ۲- هنگام گرفتاری شکیبیا باشد ۳- هنگام فراوانی نعمت شکر گزار باشد ۴- بدانچه خدا روزیش کرده قناعت کند ۵- بر دشمنان خود ستم نکند ۶- بار خود را بر دوستان نیفکند (به خاطر دوستان ستم و گناه نکند، برای دوستان فوق طاقت تحمل نکند - از مجلسی ره) ۷- تنش از او در رنج باشد ۸- مردم از طرف او در آسایش باشند همانا دانش دوست مؤمن و بردباری وزیر او و خرد فرمانده اوست، نرمش برادر او و نیکی پدر اوست.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۲- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ایمان چهار رکن دارد

۱- توکل بر خدا

۲- وا گذاشتن کارها به خدا

۳- خشنودی به قضای الهی

۴- تسلیم فرمان خدای عز و جل.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: تا صالح نباشید و تصدیق نکنید معرفت پیدا نکنید و تا معرفت پیدا نکنید باور نکنید تا چهار در را دریافت کنید که نخستشان درست نشود جز با پایانشان، صاحبان سه خصلت دیگر گمراه و بسیار آواره‌اند، به راستی خدای تبارک و تعالی نپذیرد جز کار خوب و

تُصَدِّقُوا - وَلَا تُصَدِّقُونَ حَتَّى تُسَلِّمُوا أَبْوَاباً أَرْبَعَةً - لَا يَصْلُحُ أَوْلَاهَا إِلَّا بِآخِرِهَا - ضَلَّ أَصْحَابُ الثَّلَاثَةِ وَ تَاهُوا تَيْهًا بَعِيداً - إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ - إِلَّا الْعَمَلَ الصَّالِحَ - وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا بِالْوَفَاءِ بِالشُّرُوطِ وَ الْعُهُودِ - وَ مَنْ وَفَى اللَّهَ بِشُرُوطِهِ - وَ اسْتَكْمَلَ مَا وَصَفَ فِي عَهْدِهِ نَالَ مَا عِنْدَهُ وَ اسْتَكْمَلَ وَعْدَهُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْبَرَ الْعِبَادَ بِطَرِيقِ الْهُدَى - وَ شَرَعَ لَهُمْ فِيهَا الْمَنَارَ - وَ أَخْبَرَهُمْ كَيْفَ يَسْلُكُونَ

فَقَالَ وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ - وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى وَ قَالَ إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُؤْمِناً - بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ﷺ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ - فَاتَ قَوْمٌ وَ مَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَهْتَدُوا - وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ آمَنُوا - وَ أَشْرَكُوا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُ مَنْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا اهْتَدَى - وَ مَنْ أَخَذَ فِي غَيْرِهَا سَلَكَ طَرِيقَ الرَّدَى - وَ صَلَّ اللَّهُ طَاعَةً وَ لِيَّ أَمْرِهِ - بِطَاعَةِ رَسُولِهِ ﷺ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ بِطَاعَتِهِ - فَمَنْ تَرَكَ طَاعَةَ وَ لَاةِ الْأَمْرِ - لَمْ يُطِعِ اللَّهَ وَ لَا رَسُولَهُ - وَ هُوَ الْإِقْرَارُ بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ - وَ اتِّمِسُوا الْبُيُوتَ الَّتِي - أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ فَإِنَّهُ قَدْ خَبَّرَكُمْ - أَنَّهُمْ رِجَالٌ لَا تُلْهِيمُهُمْ تِجَارَةً وَ لَا بَيْعٌ - عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ - وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْماً - تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ - إِنَّ اللَّهَ قَدْ اسْتَخْلَصَ الرُّسُلَ لِأَمْرِهِ ثُمَّ اسْتَخْلَصَهُمْ مُصَدِّقِينَ لِذَلِكَ فِي نُذْرِهِ -

وفاء به شرط و پیمان‌ها و هرکس به قرارهای خدا و آنچه را در پیمان خود شرح داده به کمال رسانید، به آنچه نزد اوست برسد و نویدش به حد کمال دریابد، به راستی خدای عز و جل بنده‌ها را به راه راست آگاه ساخته و چراغ حق را برای آنها برپا داشته و به آنها دستور داده که چگونه راه را بپیمایند پس فرموده است: «به راستی من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کار خوب کند، آنگاه هدایت پذیرد (طه/ ۸۲)» و باز فرموده: «و خدا فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد (مائده/ ۲۷)» هرکس از خدای عز و جل نسبت به آنچه فرمان داده، پرهیزد خدای عز و جل را ملاقات کند با ایمان به آنچه پیامبر آورده است، هیئات هیئات مردمی از دست رفته و مردند پیش آنکه هدایت شوند و گمان داشتند که گرویدند و مشرک شدند از آنجا که ندانستند، راست مطلب این است که هرکس از در وارد خانه‌ها شود به راه راست رود و هرکس جز آن را پوید، راه نابودی پیماید، خدا طاعت از ولی امر خود را به طاعت رسولش پیوسته و طاعت رسولش به طاعت خود، هرکس اطاعت ولی امر را رها کند، نه خدا را اطاعت کرده و نه رسولش را و همان است اقرار به آنچه از نزد خدا نازل شده است، زیور خود را در هر عبادتگاه برگیرید و بیابید آن خانه‌هایی که خدا اجازه داده بر افراشته گرداند و نامش در آنها برده شود، زیرا خدا خبر داده که «آنان بر راستی مردانی هستند که بازرگانی و فروش از یاد خدای عز و جل بازشان ندارد و نه از برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، بیم دارند از روزی که دل‌ها و دیده‌ها زیور رو شوند» بر راستی خدا رسولان را برای خود ویژه ساخت و سپس برای آنها در ابلاغ بیم‌هایش مصدق‌ها گماشت و فرمود: «و نیست امتی جز آنکه بیم دهنده‌ای در آن بوده و در گذشته (فاطر/ ۲۴) هرکس نادانی کرد گم شد و

فَقَالَ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ تَاهَ مَنْ جَهَلَ وَاهْتَدَى مَنْ أَبْصَرَ وَ
 عَقَلَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ - وَلَكِنْ تَعْمَى
 الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ وَكَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ يُبْصِرْ - وَكَيْفَ يُبْصِرُ
 مَنْ لَمْ يُنْذَرْ - اتَّبِعُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - وَأَقْرُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 وَاتَّبِعُوا آثَارَ الْهُدَى - فَإِنَّهُمْ عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَالتَّقَى - وَإِعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ
 أَنْكَرَ رَجُلٌ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ ﷺ وَأَقَرَّ بِمَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ لَمْ يُؤْمِنْ
 اقْتَصُوا الطَّرِيقَ بِالْتِمَاسِ الْمُنَارِ - وَالْتِمِسُوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْآثَارَ
 تَسْتَكْمِلُوا أَمْرَ دِينِكُمْ - وَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ.

١٥٣٩ - ٤ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ ﷺ
 قَالَ:

رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ - مَنِ الْقَوْمُ
 فَقَالُوا - مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ - قَالُوا
 الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ - وَ الشُّكْرُ عِنْدَ الرِّخَاءِ - وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ - فَقَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ - كَادُوا مِنَ الْفِقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ - إِنْ
 كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ - فَلَا تَبْنُوا مَالًا تَسْكُنُونَ - وَلَا تَجْمَعُوا مَالًا تَأْكُلُونَ وَ
 اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تَرْجِعُونَ..

هر کس بینایی و خردمندی کرد هدایت شد، زیرا خدای عز و جل فرماید: «براستی که آنها کور چشم نیستند ولی کور دلند (حج / ۴۶)» چگونه راه یابد کسی که نبیند؟ چگونه ببیند کسی که بیمناک نگردد؟ از رسول خدا ﷺ پیروی کنید و اعتراف کنید به آنچه از نزد خدا رسیده و پیروی کنید از آثار هدایت، زیرا آنان نشانه‌های امانت و تقوایند، و بدان که اگر کسی عیسی بن مریم را منکر باشد و به دیگر رسولان اقرار کند، مؤمن نباشد، راه را باز جوئید به جویاشدن چراغ و از پشت پرده‌ها آثار را جست و جو کنید تا امر دیتان را به کمال رسانید و به خدا پروردگار خود ایمان آورید.



۴- امام رضا ﷺ فرمود: در یکی از غزوات رسول خدا ﷺ گروهی را نزد آن حضرت بردند، فرمود: این مردم چه کسانی اند؟ در پاسخ گفتند: یک دسته مؤمنان، فرمود: ایمان شما تا به کجا رسیده؟ در پاسخ گفتند: به صبر هنگام بلا، و شکر هنگام فراوانی نعمت و آسایش و رضا و قضاء.

رسول خدا ﷺ فرمود: اینها صفات دانشمندانی است که خویشان دارند که از زیادی دانش به پیامبران نزدیک شده‌اند اگر چنان باشید که گفتید پس ساختمانی که در آن سکونت نمی‌کنید نسازید و چیزی که نمی‌خورید جمع نکنید و از خدائی که به سویش باز می‌گردید پروا ننمائید.

بَابُ

١٥٤-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَبِإِسَانِيْدٍ مُخْتَلِفَةٍ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:

خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي دَارِهِ - أَوْ قَالَ فِي الْقَصْرِ وَنَحْنُ مُجْتَمِعُونَ - ثُمَّ أَمَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - فَكُتِبَ فِي كِتَابٍ وَقُرِئَ عَلَى النَّاسِ وَرَوَى غَيْرُهُ أَنَّ ابْنَ الْكَوَّاءِ - سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ - وَالْكُفْرِ وَالنِّفَاقِ فَقَالَ - أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ - وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ - وَجَعَلَ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ - وَسِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَهُدًى لِمَنْ ائْتَمَّ بِهِ وَزِينَةً لِمَنْ تَجَلَّلَهُ وَعُذْرًا لِمَنْ ائْتَحَلَّهُ - وَعُرْوَةً لِمَنْ اِعْتَصَمَ بِهِ - وَحَبْلًا لِمَنْ اِسْتَمْسَكَ بِهِ - وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَنُورًا لِمَنْ اِسْتَضَاءَ بِهِ وَعَوْنًا لِمَنْ اِسْتَعَاثَ بِهِ - وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ - وَفُلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ - وَعِلْمًا لِمَنْ وَعَاهُ وَحَدِيثًا لِمَنْ رَوَى - وَحُكْمًا لِمَنْ قَضَى وَحِلْمًا لِمَنْ جَرَبَ وَلِبَاسًا لِمَنْ تَدَبَّرَ وَفَهْمًا لِمَنْ تَفَطَّنَ - وَيَقِينًا لِمَنْ عَقَلَ وَبَصِيرَةً لِمَنْ عَزَمَ وَآيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَ وَعِبْرَةً لِمَنْ اِتَّعَظَ - وَنَجَاةً لِمَنْ صَدَّقَ وَتُودَةً لِمَنْ أَصْلَحَ - وَزُلْفَى لِمَنْ اقْتَرَبَ وَثِقَةً لِمَنْ تَوَكَّلَ - وَرَحَاءً لِمَنْ فَوَّضَ وَسُبْقَةً

بخش دیگر

۱- اصبع بن نباته، گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه خود یا در ساختمان حکومتی کوفه در انجمن ما این خطبه را خواند و فرمان داد تا آن را بنویسند و برای مردم بخوانند و دیگری روایت کرده که به این کوا، از امیرالمؤمنین علیه السلام شرح اسلام و ایمان و کفر و نفاق را پرسید و آن حضرت در پاسخ فرمود: اما بعد، به راستی که خدای تبارک و تعالی اسلام را معین فرمود و دستورهای آن را برای هرکس در آن وارد شود آسان کرد و ارکانش را در برابر هرکس با آن نبرد کند عزیز ساخت، آن را عزت پیروانش قرار داد و صلح و سازش برای هرکس که در آن وارد شود و هدایت برای اقتدا کنندگان و زیور آنان که برای خود برگیرند و عذر برای آنان که بدان در آویزند و حلقه محکم برای هرکس بدان چنگ زند و رشته‌ای برای هرکس بدان بچسبند. برهان برای هرکس که به آن سخن گوید و نور برای هرکس که از آن روشنی خواهد و یاور هرکس که از آن یاری جوید و گواه برای هرکس که با آن بحث کند و پیروزی برای هرکس که آن را حجت خود سازد و دانش برای هرکس که آن را فرا گیرد و حدیث برای هرکس که آن را روایت کند و حکم قاطع برای هرکس که به آن دآوری کند و بردباری برای هرکس که تجربه اندوزد و جامه آبرو برای هرکس که تدبیر کند و فهم برای هرکس که زیرک باشد و یقین برای هرکس که خردمندی کند و بینائی برای هرکس که تصمیم گیرد و نشانه برای هرکسی که فراست جوید و عبرت برای هرکس که پند پذیرد و نجات برای هرکس که آن را درست شمرد و آرامش برای هرکس که به اصلاح بخواند و وسیله نزدیکی به خدا برای هرکس که تقرب خواهد و اعتماد برای هرکس که توکل دارد و آسودگی برای هرکس که کار خود به خدا واگذارد و جایزه برای هرکس که خوش

لِمَنْ أَحْسَنَ - وَ خَيْرًا لِمَنْ سَارَعَ وَ جُنَّةً لِمَنْ صَبَرَ - وَ لِبَاسًا لِمَنْ اتَّقَى وَ
 ظَهِيرًا لِمَنْ رَشَدَ - وَ كَهْفًا لِمَنْ آمَنَ وَ أَمَنَةً لِمَنْ أَسْلَمَ - وَ رَجَاءً لِمَنْ صَدَقَ
 وَ غِنًى لِمَنْ قَنَعَ - فَذَلِكَ الْحَقُّ سَبِيلُهُ الْهُدَى - وَ مَا تُرْتَبُ الْمَجْدُ وَ صِفَتُهُ
 الْحُسْنَى - فَهُوَ أَبْلَجُ الْمِنْهَاجِ مُشْرِقُ الْمَنَارِ - ذَاكِي الْمَصْبَاحِ رَفِيعُ الْغَايَةِ
 يَسِيرُ الْمِضْمَارِ جَامِعُ الْحَلَكَةِ - سَرِيعُ السَّبْقَةِ أَلِيمُ النَّقِمَةِ - كَامِلُ الْعُدَّةِ
 كَرِيمُ الْفُرْسَانِ - فَالْإِيمَانُ مِنْهَاجُهُ - وَ الصَّالِحَاتُ مَنَارُهُ وَ الْفِقْهُ
 مَصَابِيحُهُ - وَ الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ وَ الْمَوْتُ غَايَتُهُ - وَ الْقِيَامَةُ حَلَبَتُهُ وَ الْجَنَّةُ
 سُبْقَتُهُ - وَ النَّارُ نَقِمَتُهُ وَ التَّقْوَى عُدَّتُهُ - وَ الْمُحْسِنُونَ فُرْسَانُهُ - فَالْإِيمَانُ
 يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ - وَ الصَّالِحَاتِ يُعْمَرُ الْفِقْهُ - وَ بِالْفِقْهِ يُرْهَبُ
 الْمَوْتُ - وَ بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا - وَ بِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ - وَ بِالْقِيَامَةِ
 تُزَلَفُ الْجَنَّةُ - وَ الْجَنَّةُ حَشْرَةُ أَهْلِ النَّارِ - وَ النَّارُ مَوْعِظَةُ الْمُتَّقِينَ
 وَ التَّقْوَى سِنُّ الْإِيمَانِ.

بَابُ صِفَةِ الْإِيمَانِ.

١٥٤١ - ١ - بِالإِسْنَادِ الْأَوَّلِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي
 جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنِ الْإِيمَانِ - فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - جَعَلَ
 الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمٍ - عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ
 فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعٍ شُعَبٍ - عَلَى الشَّوْقِ وَ الْإِشْفَاقِ وَ الزُّهْدِ

رفتاری کند و خیر برای هرکس که نشتابد و سپر برای هرکس که شکیباید باشد و لباس برای هرکس که تقوی ورزد و پشت برای هرکس که رشد یابد و پناه برای هرکس که می‌گردد و آسودگی برای هرکس که روی به خدا کند و امیدواری برای هرکس که راست گوید و بی نیازی برای هرکس که قناعت ورزد، پس حق این است، روشش رهبری است، و اثرش بزرگواری، و وصفش خوبی، آن برنامه‌ای است روشن، و چراغ، گاهی تابان است و فروزان، هدفش بسیار بلند است، و میدان مسابقه‌اش (مدت عمر مسلمان) کوتاه و از شرکت کنندگان آمار و مسابقه‌اش باشید که جایزه را زود خواهد داد، انتقامش دردناک، و ساز و برگش کامل، و سواران آن ارجمند، ایمان، برنامه آن است، و اعمال خوب، چراغگاه آن، چراغ‌هایش، فهم دین است، و دنیا، میدان مسابقه آن و مرگ پایان آن است، و روز رستاخیز انجمن مسابقه گزاز دانش و جایزه آن است، و دوزخ انتقام مخالفت آن، تقوی ساز و برگش باشد، و نیکوکاران سواران آن، با ایمان به اعمال خود پی برتند و با اعمال شایسته و خوب، فهم رسا و آباد شود، و با فهم رسا از مرگ بهراسند و با مرگ، دنیا به پایان رسد و با دنیا (یعنی اعمال صالحه در آن) از روز رستاخیز می‌توان گذشت و با گذشت از روز قیامت به بهشت نزدیک می‌توان شد، بهشت مایه افسوس اهل دوزخ است، و دوزخ پند است برای پرهیزکاران و پرهیزکاری و تقوی بنیاد ایمان است.

وصف ایمان

- ۱- امام باقر علیه السلام فرمود: از امیر المؤمنین از ایمان سؤال شد. در پاسخ فرمود: به راستی خدای عز و جل ایمان را بر چهار پایه استوار فرموده: ۱- صبر
- ۲- یقین ۳- عدالت ۴- جهاد - صبردارای چهار شعبه است شوق -

وَالْتَرَقُّبِ - فَمَنْ إِشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ - سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ - وَمَنْ أَشْفَقَ
 مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ - وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ
 الْمُصِيبَاتُ - وَمَنْ رَاقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ - وَالْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ
 شُعَبٍ - تَبَصُّرَةِ الْفِطْنَةِ - وَتَأَوُّلِ الْحِكْمَةِ - وَمَعْرِفَةِ الْعِبَرَةِ وَسُنَّةِ
 الْأَوَّلِينَ - فَمَنْ أَبْصَرَ الْفِطْنَةَ عَرَفَ الْحِكْمَةَ - وَمَنْ تَأَوَّلَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ
 الْعِبَرَةَ - وَمَنْ عَرَفَ الْعِبَرَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ - وَمَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ - فَكَأَنَّمَا
 كَانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ - وَاهْتَدَى إِلَى الَّتِي هِيَ أَقْوَمُ - وَنَظَرَ إِلَى مَنْ نَجَا بِمَا
 نَجَا - وَمَنْ هَلَكَ بِمَا هَلَكَ - وَإِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ مَنْ أَهْلَكَ بِمَعْصِيَتِهِ - وَأَنْجَى
 مَنْ أَنْجَى بِطَاعَتِهِ - وَالْعَدْلُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ - غَامِضِ الْفَهْمِ وَغَمْرِ
 الْعِلْمِ - وَزَهْرَةِ الْحُكْمِ وَرَوْضَةِ الْحِلْمِ فَمَنْ فَهَمَ فَسَّرَ جَمِيعَ الْعِلْمِ - وَمَنْ
 عِلِمَ عَرَفَ شَرَائِعَ الْحُكْمِ - وَمَنْ حَلِمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ - وَعَاشَ فِي
 النَّاسِ حَمِيداً - وَالْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ - عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ
 عَنِ الْمُنْكَرِ - وَالصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَشَتَّانِ الْفَاسِقِينَ - فَمَنْ أَمَرَ
 بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهَرَ الْمُؤْمِنِ - وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ - أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ
 وَأَمِنَ كَيْدَهُ - وَمَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى الَّذِي عَلَيْهِ - وَمَنْ شَتَّى
 الْفَاسِقِينَ غَضِبَ لِلَّهِ - وَمَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ - فَذَلِكَ الْإِيمَانُ وَ
 دَعَائِمُهُ وَشُعْبَتُهُ.

نگرانی - زهد - مراقبت هر کس شوق بهشت دارد از هوس رانی‌ها خودداری کند و هر کس از دوزخ نگران است از هر چه حرام است رو را بگرداند و هر کس در دنیا بی رغبت است، مصیبت‌ها بر او آسان شود و هر کس مراقب مرگ است به کارهای خوب شتابد و یقین دارای چهار شعبه است: ۱- زیرکی و روشن بینی ۲- رسیدن به واقعیتهای و حقایق ۳- عبرت شناسی ۴- توجه به روش پیشینیان هر کس که تیز هوش است سنجش درست را بفهمد و هر کس نسبت به آینده سنجش درستی دارد عبرت گیرد، و هر کس عبرت گیرد روش گذشتگان را بشناسد، و هر کس روش گذشتگان را شناخت گویا با آنها زندگی کرده و به آنچه درست‌تر باشد رهبری و هدایت شود و نگاه کند هر کس نجات یافته به چه وسیله نجات یافته و هر کس هلاک شده برای چه هلاک شده و همانا خدا هر کس را هلاک کرده برای گناه او بوده و هر کس را نجات بخشیده بخاطر اطاعت او بوده است و عدالت چهار شعبه دارد ۱- دقت در فهمیدن ۲- رسیدن به حقیقت علم ۳- داوری روشن ۴- شکیبایی - هر کس بفهمد تمام علوم را تفسیر کند و هر کس بداند، دستورهای صدور حکم را بشناسد و هر کس بردبار باشد، در کار خود کوتاهی نکند و میان مردم ستوده زندگی کند. و جهاد دارای چهار شعبه است: ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- راستگویی در دو حال ۴- دشمنی با بدکاران هر کس امر به معروف کند پشت مؤمن را نیرو بخشد و هر کس نهی از منکر کند بینی منافق را به خاک مالد و از نیرنگش آسوده شود و هر کس همه جا راست گوید آنچه به عهده او بوده انجام داده و هر کس با بدکاران دشمنی ورزد برای خدا خشم نموده و هر کس برای خدا خشم نماید خدا هم بخاطر او خشم نماید این است ایمان و پایه‌ها و شعبه‌های آن

بَابُ فَضْلِ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ

١٥٤٢-١- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَخَا جُعْفٍ إِنَّ الْإِيمَانَ - أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ - وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ.

١٥٤٣-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَالحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ - وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ - وََالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ - وَمَا قُسِمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ.

١٥٤٤-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ الْإِيمَانَ عَلَى الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ كَمَا فَضَّلَ الْكَعْبَةَ عَلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

برتری ایمان بر اسلام و یقین بر ایمان

۱- جابر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای برادر جعفر، به راستی ایمان از اسلام برتر است و یقین از ایمان برتر و چیزی کمیاب تر از یقین نیست.

۲- و شاء، گوید: از ابی الحسن علیه السلام شنیدم فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان است، و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است؛ میان مردم چیزی کمتر از یقین پخش نشده است.

توضیح: کلمه تقوی به معنی پرهیز از گناه است و تقوی دارای دو شاخه است یکی تقوی مثبت که انسان وقتی در محیط لغزنده قرار گرفت نلغزد و آلوده به گناه نشود و دیگر تقوی منفی که انسان کاری کند که ابزار گناه را در وجود خود از بین ببرد چشم را از بین ببرد تا نبیند و گوش را کر کند تا نشنود و یا رهبانیت را اختیار کند و از مردم کناره گیری نماید که همه اینها در شرع مقدس اسلام حرام و نارواست شاعران به این تقوای مثبت و منفی در گفتار خود اشاره کرده اند مثلاً شاعر وقتی از دست دل و دیده خود فریاد می کند که چشم هر چه را که بیند دل به دنبال او می رود می گوید:

بسازم خنجری نیشش ز بولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

یا آنکه سعدی از عابدی سخن می گوید که بخاطر دوری از گناه از شهر خارج می شود و غاری را برای زندگی انتخاب می کند و وقتی به او اعتراض می کنند که چرا به شهر نمی آیی پاسخ می دهد که:

در آنجا چون پری رویان نغزند چو گل بسیار شد پیلان بلغزند

در حالی که اگر تقوی داشته باشد نمی گذارد دل به دنبال چشم برود و یا در برابر زیبا رویان به زانو در آید و خود را بیازد بلکه مانند حضرت یوسف همچنان مقاوم و استوار در برابر خواسته نامشروع نفس خود، می ایستد.

۳- حمران بن أعین، گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی خدا ایمان را یک درجه بر اسلام برتری داده چنانچه کعبه را بر مسجد الحرام برتری داده.

١٥٤٥- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ - قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ - وَالْإِيمَانُ عَلَى الْإِسْلَامِ دَرَجَةٌ - قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَالتَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ - قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَالْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَى دَرَجَةٌ - قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ - فَمَا أَوْتِيَ النَّاسُ أَقْلٌ مِنَ الْيَقِينِ - وَ إِنَّمَا تَمَسَّكْتُمْ بِأَذْنَى الْإِسْلَامِ - فَإِيَّاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ مِنْ أَيْدِيكُمْ.

١٥٤٦- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ﷺ - عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ فَقَالَ -:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ وَالْإِيمَانُ فَوْقَهُ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ - وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ - وَلَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ - قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ الْيَقِينُ - قَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِلَّهِ - وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ - قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ ذَلِكَ قَالَ - هَكَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ.

١٥٤٧- ٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرِّضَا ﷺ قَالَ:

الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ - وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ.

۴- ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابامحمد، اسلام خود درجه‌ای دارد؟ گفتم: آری.

فرمود: ایمان یک درجه بالای ایمان است؟ گفتم: آری. فرمود: تقوی یک درجه برتر از ایمان است؟ گفتم: آری. فرمود: یقین یک درجه بالای تقوی است؟ گفتم: آری. فرمود: به مردم چیزی کمتر از یقین داده نشده و همانا شما به کمترین مقام اسلام چسبیده‌اید، مبادا از دست شما به در رود.

۵- یونس گوید: از امام رضا علیه السلام پیرامون ایمان و اسلام پرسیدم.

در پاسخ فرمود: امام باقر علیه السلام فرموده است: همانا دین فقط اسلام است و ایمان یک درجه بالاتر از آن است و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است، میان مردم چیزی پخش نشده که کمتر از یقین باشد. گفتم: یقین چه چیز است؟ فرمود: توکل بر خدا و تسلیم او شدن و رضا به قضای الهی و واگذار کردن کار به او؛ گفتم: تفسیر این چیست؟ فرمود: امام باقر علیه السلام چنین فرمود.

توضیح: چون فهم مسائل از درک حقایق ناتوان بوده حضرت شرح مسائل را به او نگفته بلکه تنها به ذکر کلام جد بزرگوارش اکتفا کرده است و وقتی راوی بعید دانسته که این سخنان تفسیر یقین باشد امام در پاسخ فرموده این تفسیر امام باقر علیه السلام است.

۶- امام رضا علیه السلام فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان، و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است، و میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده.

بَابُ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ.

١٥٤٨-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ ابْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَّافِرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ - إِذْ لَقِيَهُ رَكْبٌ فَقَالُوا - السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - فَقَالَ مَا أَنْتُمْ - فَقَالُوا - نَحْنُ مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ فَمَا حَقِيقَةُ إِيْمَانِكُمْ - قَالُوا الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ - وَالتَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عُلَمَاءُ حُكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْبِيَاءُ - فَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ - فَلَا تَسْتَبُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ - وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ - وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

مرکز تحقیقات کتب و ترمیم و اسناد

١٥٤٩-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَائِشِيِّ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى بِالنَّاسِ الصُّبْحَ - فَنَظَرَ إِلَى شَابٍّ فِي الْمَسْجِدِ - وَهُوَ يَخْفِقُ وَ يَهْوِي بِرَأْسِهِ - مُضْطَرّاً لَوْنُهُ قَدْ نَحِفَ جِسْمُهُ وَ غَارَتْ عَيْنَاهُ فِي رَأْسِهِ - فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا فَلَانُ - قَالَ أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِناً - فَعَجِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ قَوْلِهِ - وَقَالَ إِنَّ لِكُلِّ يَقِينٍ حَقِيقَةً - فَمَا حَقِيقَةُ يَقِينِكَ - فَقَالَ إِنَّ يَقِينِي يَا

حقیقت ایمان و یقین

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: در این میان که رسول خدا در سفری بود، جمعی شتر سوار به آن حضرت برخوردند و گفتند: درود باد بر تو یا رسول الله، فرمود: شما کیستید؟ گفتند ما مؤمنینیم یا رسول الله، فرمود: حقیقت ایمان چیست؟ گفتند: رضا به قضای خدا، واگذاری خود به خدا، تسلیم به امر خدا، رسول خدا فرمود: (اینها که گفتید) دانشمندان و حکیمانی باشند که به خاطر حکمت به پیامبران نزدیک شده‌اند پس اگر شما راست می‌گویید، ساختمانی که در آن نمی‌نشینید مسازید و آنچه را که نمی‌خورید جمع کنید و از خدایی پروا داشته باشید که به سوی او بر می‌گردید.

۲- اسحق بن عمار، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: براستی رسول خدا نماز صبح را با مردم خواند و به جوانی در مسجد نگاه کرد که چرت می‌زد و سر به زیر داشت، رنگش زرد بود و تنش لاغر و دیده‌هایش به گودی فرو رفته بود، پس رسول خدا به او فرمود: ای فلانی، چگونه صبح کردی؟ گفت: یا رسول الله، در حال یقین صبح کردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله از گفته او در شگفت شد و فرمود: برای هر یقینی حقیقتی است، حقیقت یقین تو چیست؟ در پاسخ گفت: یا رسول الله همان یقین من است که مرا افسرده کرده و شبم را به بیخوابی کشیده و روز گرمم را به تحمل تشنگی (روزه)، جانم از دنیا و آنچه در آن است به تنگ آمده و روگردان است تا آنجا که گویا می‌بینم عرش پروردگارم برای رسیدن به حساب برپاست، و همه مردم برای آن محشور شده‌اند و من در میان آنها هستم،

رَسُولَ اللَّهِ - هُوَ الَّذِي أَحْزَنَنِي وَأَسْهَرَ لَيْلِي - وَأَظْلَمَ هَوَاجِرِي فَعَزَفْتُ
نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا - حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي وَقَدْ نُصِبَ
لِلْحِسَابِ وَحُشِرَ الْخَلَائِقُ لِذَلِكَ - وَأَنَا فِيهِمْ وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ
- يَتَنَعَّمُونَ فِي الْجَنَّةِ وَيَتَعَارَفُونَ - وَعَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِثُونَ وَكَأَنِّي أَنْظُرُ
إِلَى أَهْلِ النَّارِ - وَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ مُضْطَرِخُونَ - وَكَأَنِّي الْآنَ أَسْمَعُ
زَفِيرَ النَّارِ - يَدُورُ فِي مَسَامِعِي - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ - هَذَا
عَبْدُ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ - ثُمَّ قَالَ لَهُ الزَّمْ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ - فَقَالَ الشَّابُّ
أَدْعُ اللَّهَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ - أَنْ أَرْزُقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ - فَدَعَا لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فَاسْتَشْهِدَ بَعْدَ
تِسْعَةِ نَفَرٍ وَكَانَ هُوَ الْعَاشِرَ

مركز تحقيقات کتب نور علی مردم ساری

١٥٥٠ - ٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

اسْتَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَارِثَةَ بْنَ مَالِكٍ بْنِ النُّعْمَانِ الْأَنْصَارِيَّ
فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَنْتَ يَا حَارِثَةُ بْنُ مَالِكٍ - فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُؤْمِنٌ
حَقًّا - فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةٌ فَمَا حَقِيقَةُ قَوْلِكَ
فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَزَفْتُ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا - فَأَسْهَرَتْ لَيْلِي وَأَظْلَمَتْ
هَوَاجِرِي - وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي - وَقَدْ وُضِعَ لِلْحِسَابِ وَكَأَنِّي
أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ - يَتَزَاوَرُونَ فِي الْجَنَّةِ - وَكَأَنِّي أَسْمَعُ عَوَاءَ أَهْلِ النَّارِ

گویا می‌نگرم به اهل بهشت که غرق در نعمتند و با هم تعارف می‌کنند و بر پستی‌ها تکیه زده‌اند و گویا نگاه می‌کنند و دوزخیان که در آن، زیر شکنجه‌اند و فریاد میکشند، گویا من هم اکنون نعره آتش دوزخ را می‌شنوم که در گوشم می‌چرخد و می‌چرخد، رسول خدا به اصحابش فرمود: این بنده‌ای است که خدا دلش را با ایمان روشن کرده، سپس به او فرمود: بدان چه بر آنی بحسب، عرض کرد یا رسول الله برای من دعا کن که به همراه تو شربت شهادت نوشم، رسول خدا ﷺ برایش دعا کرد و درنگی نکرد که در یکی از غزوات پیامبر به جبهه جهاد رفت و پس از نه تن دیگر شهید شد، و او نفر دهم بود.



* * *

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ با حارثه بن مالک بن نعمان انصاری رو به رو شد و به او فرمود: ای حارثه بن مالک، چگونه‌ای؟ گفت: یا رسول الله، مؤمن، رسول خدا ﷺ به او فرمود: هر چیزی حقیقتی دارد، حقیقت گفتار تو چیست؟

گفت: یا رسول الله دلم از دنیا کنده شده، شب رانخواهم و روز گرما را به تشنگی گذرانم و گویا می‌نگرم که عرش پروردگارم برای حساب برپا شده، گویا می‌بینم بهشتیان در بهشت همدیگر را می‌بینند و گویا فریاد

فِي النَّارِ - فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - عَبْدُ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ - أَبْصَرْتَ
فَأَثْبُتَ فَقَالَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي الشَّهَادَةَ مَعَكَ
فَقَالَ - اللَّهُمَّ أَرْزُقْ حَارِثَةَ الشَّهَادَةِ - فَلَمْ يَلْبَثْ إِلَّا أَيَّامًا حَتَّى بَعَثَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَرِيَّةً - فَبَعَثَهُ فِيهَا فِقَاتِلَ فَقُتِلَ تِسْعَةً - أَوْ ثَمَانِيَةً ثُمَّ قُتِلَ.
وَفِي رِوَايَةِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ أُشْتُشَهِدَ مَعَ جَعْفَرِ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ بَعْدَ تِسْعَةِ نَفَرٍ وَكَانَ هُوَ الْعَاشِرَ.

١٥٥١ - ٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً - وَعَلَى كُلِّ
صَوَابٍ نُورًا.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

بَابُ التَّفَكُّرِ.

١٥٥٢ - ١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ نَبِّهْ بِالتَّفَكُّرِ قَلْبَكَ - وَجَافِ عَنِ اللَّيْلِ
جَنْبَكَ - وَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ.

دوزخیان را می‌شنوم، رسول خدا ﷺ فرمود: بنده‌ای است که خدا دلش را روشن کرده، آگاه گشتی و بر آن پا برجا باش، عرض کردم: یا رسول الله، از خدا بخواه که به همراه تو شهادت را روزیم کند فرمود: خدایا، شهادت را روزی حارثه کن، چند روزی درنگ نکرد که رسول خدا دسته‌ای را به جهاد فرستاد و او را با آنها روانه کرد و نبرد کرد، و پس از کشتن هشت نفر خود شهید شد.

در روایت ابی بصیر است که به همراه جعفر بن ابی طالب پس از نه نفر کشته شد و او دهمین شهید بود.

۴- امیر المؤمنین علیؑ فرمود: با هر حقی، حقیقتی است و با هر چیز درستی، نوری است.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

توضیح: ممکن است مراد از حقیقت دلیل عقلی باشد و از نور دلیل نقلی که عبارت از قرآن و سنت است.

تفکر و اندیشه

۱- امیر المؤمنین علیؑ می‌فرمود: دلت را با اندیشه آگاه ساز، شب هنگام، پهلوی را از بستر خواب دور بدار و از خدا و پروردگارت پرهیز کن.

١٥٥٣-٢- عَالِيُّ بْنُ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ
عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقَلِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّا يَزُوي النَّاسُ - أَنْ تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ
لَيْلَةٍ - قُلْتُ كَيْفَ يَتَفَكَّرُ قَالَ - يَمُرُّ بِالْخَرَبَةِ أَوْ بِالْدَّارِ - فَيَقُولُ أَيْنَ
سَاكِنُوكَ أَيْنَ بَانُوكَ - مَا بِأَلْكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ.

١٥٥٤-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ
أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْ مَانَ التَّفَكُّرُ - فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ.

١٥٥٥-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ لَيْسَ الْعِبَادَةُ - كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ
الصَّوْمِ - إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

١٥٥٦-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ حَمَّادٍ
عَنْ رَبِيعٍ قَالَ عليه السلام:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَ
الْعَمَلِ بِهِ.

۲- حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: این که مردم روایت می کنند که یک ساعت تفکر از یک شب عبادت بهتر است، چگونه بیندیشند؟

فرمود: از ویرانه ای می گذرد و بگوید: کجایند کسانی که در تو سکونت داشتند؟ کجایند آنها که تو را ساختند؟ چه شده است تو را که سخن نمی گوئی؟

توضیح: امام ارزش اندیشیدن و برتری آن بر عبادت تأیید فرموده زیرا چه بسا یک ساعت اندیشه سبب ترک گناهان و توبه او می شود مانند فضیل بن عیاض سردسته دزدان که همه را به زانو در آورده بود ولی لحظه ای فکر و اندیشه پیرامون خود سبب توبه و نجاتش شد بهترین دلیل بر ارزش تفکر و اندیشه و برتری بر عبادت کورکورانه است از این رو پیشوایان معصوم در سخنان خود مکرراً فرموده اند «تفکر ساعة افضل من عبادة سبعين او ستين سنة» یک ساعت اندیشه و تفکر ارزشش از هفتاد یا شصت سال عبادت ناآگاهانه بهتر است.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین عبادت ادامه تفکر درباره خدا و نیروی اوست (البته تفکر درباره مخلوقات الهی و نظام دقیقی که در آنها به کار رفته بسیار سودمند است).

۴- معمر بن خلاد، گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم می فرمود: عبادت (منحصر) به نماز و روزه بسیار نیست، همانا عبادت به تفکر در کار خدای عز و جل است.

۵- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اندیشه و فکر انسان را به نیکی و عمل به آن می کشاند (آشنا شدن به معارف دین و عمل به واجبات و مستحبات و دوری از گناه و حل مشکلات مردم است)

بَابُ الْمَكَارِمِ

١٥٥٧- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمَكَارِمُ عَشْرٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ - فَلْتَكُنْ فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ - وَلَا تَكُونُ فِي وَلَدِهِ وَتَكُونُ فِي الْوَلَدِ - وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ - وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ قِيلَ - وَمَا هُنَّ قَالَ صِدْقُ الْبَاسِ وَصِدْقُ اللِّسَانِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ - وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ وَإِطْعَامُ السَّائِلِ وَالمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ - وَالتَّذَمُّمُ لِلْجَارِ وَالتَّذَمُّمُ لِلصَّاحِبِ وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته‌های اسلامی

١٥٥٨- ٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - فَاُمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ - فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ - وَاعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ وَإِنْ لَا تَكُنْ فِيكُمْ - فَاسْأَلُوا اللَّهَ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا - قَالَ فَذَكَرَهَا عَشْرَةً - الْيَقِينُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ - وَ الشُّكْرُ وَ الْحِلْمُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءُ وَ الْغَيْرَةُ وَ الشَّجَاعَةُ - وَ الْمُرُوءَةُ قَالَ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ بَعْدَ هَذِهِ الْخِصَالِ الْعَشْرَةِ - وَ زَادَ فِيهَا الصِّدْقَ وَادَاءَ الْأَمَانَةِ.

مکارم اخلاق

۱- عبدالله بن مسکان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مکارم ده چیز است اگر می توانی آنها را داشته باش زیرا آنها گاهی در پدری است که در فرزند نیست یا در فرزندان است و در پدر نیست و یا در بنده ای است که در آزاد نیست گفته شد که: آنها چیستند؟ فرمود: به راستی نومید بودن (از آنچه در دست دیگر است) و راستگوئی و پرداخت امانت و صله رحم و پذیرائی از مهمان و اطعام سائل (به هنگام غذا خواستن) و دادن پاداش و جبران نیکی ها و مراعات حال همسایه و هم صحبت با رفیق و اساس همه آن نیکی ها، حیا و شرم انسان است.



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عز و جل رسولانش را به مکارم اخلاق اختصاص داد بهتر است که شما، خود را بیازمایید، اگر در شما وجود دارند، خدا را سپاس گزارید و بدانید که این از خیر و خوبی است و اگر در شما نباشند از خدا خواهش کنید و به آنها میل داشته باشید سپس آنها را ده چیز شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، خوش خلقی، سخاوت، غیرت، شجاعت، مروت، گوید: برخی این ده خصلت را روایت کرده اند و به آنها راستی و ادای امانت نیز افزوده ام.

١٥٥٩- ٣- عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبَّادٍ قَالَ بَكَرٌ وَأُظُنِّي قَدْ سَمِعْتُهُ مِنْ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا لَنُحِبُّ مَنْ كَانَ عَاقِلًا - فَهَمًّا فَقِيهًا حَلِيمًا مُدَارِيًا صَبُورًا صَدُوقًا وَفِيًّا - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ - وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ قَالَ - هُنَّ الْوَرَعُ وَ الْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ - وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ - وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ - وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ.

١٥٦٠- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِرْتَضَى لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا - فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ.

١٥٦١- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٌ - الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ - وَتَفْوِيضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ - وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: ما کسی را دوست داریم که خردمند و بافهم و بردبار و مداراکن و شکیبا و راستگو و باوفا باشد، زیرا خدای عز و جل پیامبران را به مکارم اخلاق مخصوص گردانید (یعنی اخلاق بد را از آنها زدود) هر کس که دارای مکارم اخلاق باشد خدای عز و جل را بر آن سپاس گوید، و هر کس در او نباشد به درگاه خدا زاری کند و آنها را از او بخواهد.

(راوی) گوید: گفتم: قربانت، آنها چیستند؟ فرمود: آنها عبارتند از ورع و قناعت و صبر و شکر و حلم و حیا و سخاوت و شجاعت و غیرت و خوش رفتاری و راستگویی و ادای امانت.



۴- امام صادق علیه السلام فرمود: خدا برای شما، اسلام را دین پسندیده قرار داد، شما با او به سخاوت و خوش اخلاقی رفتار کنید.

۵- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ایمان را چهار رکن است: رضا به قضاء الهی - توکل بر خدا - واگذاری کار به خدا - تسلیم فرمان او.

١٥٦٢-٦- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
ابْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ قَالَ:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ - وَلَوْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ خَطَايَا لَمْ
تَنْقُصْهُ - الصِّدْقُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ.

١٥٦٣-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ رِجَالِكُمْ - قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ
قَالَ - إِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجَالِكُمُ التَّقِيُّ - النَّقِيُّ السَّمْعِ الْكَفِيُّ.

باب فضل اليقين.

١٥٦٤-١- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ
الْمُثَنَّى بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ - قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا حَدُّ التَّوَكُّلِ - قَالَ
الْيَقِينُ قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْيَقِينِ - قَالَ أَلَّا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً.

١٥٦٥-٢- عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي
وَلَادٍ الْحَنَاطِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

مِنْ صِحَّةِ يَقِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ - أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ - وَلَا
يُلُومَهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِهِ اللَّهُ - فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصُ حَرِيصٍ

۶- از مردی هاشمی که گفت: چهارده چیز است که در هر کس باشد اسلامش کامل است اگر از فرق سر تا پایش خطا باشد از قدر او نکاهد: راستگوئی - حیاء - خوش خلقی - شکرگزاری (صاحب این اخلاق خطا نورزد).

۷- جابر، از رسول خدا ﷺ فرمود:

آیا شما را خبر ندهم از بهترین مردمانتان؟ گفتیم: چرا، یا رسول الله؟ فرمود: به راستی از بهترین مردان، مرد پرهیزکار، پاکیزه، با سخاوت، و احسان کننده به پدر و مادر خود و عیال خود را ناگزیر به پناهندگی به مردم نسازد.



برتری یقین

بزرگوارترین مردم

۱- ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگوارترین مردم کسی است که چیزی نیست جز اینکه حدی دارد؛ گوید: به آن حضرت گفتم: قربانت، حد توکل چیست؟

فرمود: یقین است؛ گفتم: حد یقین چیست؟

فرمود: این است که با وجود خدا از چیزی نترسی.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه‌های درستی یقین این است که مردم را با خشم خدا خشنود نساخته و آنچه که خداوند به او نداده سرزنش ننماید، زیرا رزق را حرص حریص فراهم نکند و نخواستن

وَلَا يَرُدُّهُ كَرَاهِيَةُ كَارِهِ - وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ - كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ - لَا ذَرْكَهُ رِزْقُهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ - ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بِعَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ - جَعَلَ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ - وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ - فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ.

١٥٦٦ - ٣ - إِبْنُ مَخْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ.

١٥٦٧ - ٤ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَى الْمُنِيرِ لَا يَحْدُ أَحَدُكُمْ طَعْمَ الْإِيمَانِ - حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ - وَ مَا أَخْطَاهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

١٥٦٨ - ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - جَلَسَ إِلَى حَائِطٍ مَائِلٍ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَا تَقْعُدْ تَحْتَ هَذَا الْحَائِطِ - فَإِنَّهُ مُغَوَّرٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - حَرَسَ إِمْرًا أَجَلُهُ فَلَمَّا قَامَ سَقَطَ الْحَائِطُ - قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - مِمَّا يَفْعَلُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ وَ هَذَا الْيَقِينُ.

ناخواه برنگرداند. و اگر یکی از شماها مانند گریز از مرگ از روزی خود گریزد، روزی او را در یابد چنانچه مرگ او را در یابد، سپس فرمود:

خدا به عدل و داد خود خرمی و آسایش را در یقین و رضا مقرر داشته و غم و اندوه را در شک و نارضایتی.

۳- هشام بن سالم، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: عمل اندک پیوسته با یقین، نزد خداوند بهتر است از کردار بسیار بی یقین.



۴- امیر المؤمنین علیه السلام در منبر فرمود: هیچکدامتان مره ایمن را نپوشیده تا بداند آنچه باید به او برسد از او، نگذرد و آنچه از او باید بگذرد، به او نرسد.

۵- امیر المؤمنین علیه السلام زیر دیوار کجی نشسته بود و میان مردم قضاوت می کرد، یکی از آنان گفت: زیر این دیوار که شکسته و معیوب است نشینید.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مرد را اجلش نگهدار است (زیرا زمان مرگ هر کس نزد خدا معین است) و چون برخاست، آن دیوار فرو ریخت، امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین مانند این کارها را می کرد و این از یقین آن حضرت بود.

١٥٦٩-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ - فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا فَقَالَ أَمَّا إِنَّهُ مَا كَانَ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً - وَإِنَّمَا كَانَ أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا - مَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ لَمْ يَضْحَكْ سِنَةً - وَمَنْ أَيْقَنَ بِالحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ - وَمَنْ أَيْقَنَ بِالقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ.

١٥٧٠-٧- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ - حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ - لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ - وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ - وَأَنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

١٥٧١-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ

ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ قَيْسٍ الهمداني قَالَ نَظَرْتُ يَوْمًا فِي الْحَرْبِ - إِلَى رَجُلٍ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ فَحَرَّكَتُ فَرَسِي - فَإِذَا هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ - فَقَالَ نَعَمْ يَا سَعِيدُ بْنُ قَيْسٍ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ - إِلَّا وَلَهُ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ - وَوَاقِيَةٌ مَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ - مِنْ أَنْ يَسْقُطَ مِنْ رَأْسِ جَبَلٍ أَوْ يَقَعَ فِي بئرٍ - فَإِذَا نَزَلَ الْقَضَاءُ خَلِيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ.

۶- صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزوجل: «و اما آن دیوار از آن دو پسر بچه یتیم در این شهر بود که زیر آن گنجی داشتند (کف / ۸۲)» پرسیدم فرمود: آن گنجینه طلا و نقره نبود، همانا چهار کلمه پند بود که:

- ۱- شایسته پرستش جز من نیست
- ۲- هر کس یقین به مرگ دارد خنده دندان نم نکند
- ۳- هر کس یقین به حساب (روز قیامت) دارد، دلش شاد نباشد
- ۴- هر کس یقین به تقدیر دارد جز از خدا نترسد.

* * *

۷- امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مره ایمان را نپشت تا بداند که آنچه به او رسیده از او نگذرد و آنچه از او گذشته به او نرسد؛ و این که زیان بخش و سود بخش تنها خدای عزوجل است.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

* * *

۸- سعید بن قیس همدانی، گفت: یک روز جنگی، به مردی نگاه کردم که تنها دو جامه به تن داشت، اسب به سوی او تاختم، دیدم امیر المؤمنین علیه السلام است گفتم: در چنین جایی (با این جامه)؟ فرمود: آری، ای سعید بن قیس، مطلب درست آن است که هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از طرف خدا نگهبان است و دو فرشته پاینده او هستند که او را نگه می دارند از اینکه از سر کوه و یا در چاهی بیفتد و چون قضا نازل شود او را با آن چه رخ دهد رها کنند.

١٥٧٢- ٩- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ قَالَ سَمِعْتُ
أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ فِي الْكَزْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهَا كَانَ فِيهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ
وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالقَدَرِ كَيْفَ يَحْزَنُ - وَ عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَ
تَقَلُّبَهَا بِأَهْلِهَا - كَيْفَ يَرْكُنُ إِلَيْهَا - وَ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ - أَنْ لَا
يَتَّهِمَ اللَّهَ فِي قَضَائِهِ وَ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِي رِزْقِهِ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أُرِيدُ
أَنْ أَكْتُبَهُ قَالَ فَضْرَبَ وَ اللَّهُ يَدَهُ إِلَى الدَّوَاةِ - لِيَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيَّ
فَتَنَاولْتُ يَدَهُ فَقَبَّلْتُهَا وَ أَخَذْتُ الدَّوَاةَ فَكَتَبْتُه.

١٥٧٣- ١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ الْعُرْزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ قَنْبَرٌ غُلَامٌ عَلِيٌّ - مُحِبٌّ عَلِيًّا عليه السلام حُبًّا شَدِيدًا - فَإِذَا خَرَجَ عَلِيٌّ عليه السلام
خَرَجَ عَلَى أَثَرِهِ بِالسَّيْفِ - فَرَأَاهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ - يَا قَنْبَرُ مَا لَكَ فَقَالَ
جِئْتُ لِأُمِّسِّي خَلْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - قَالَ وَنَحَكَ أَمِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ
تَحَرُّسُنِي - أَوْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ - لَا بَلْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ -
إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَطِيعُونَ لِي شَيْئًا - إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ
فَارْجِعْ فَرَجِعَ.

۹- علی بن اسباط، گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خدای عزوجل فرماید: «و زیر آن گنجی برای آن دو بود» این گنج عبارت بود از: بسم الله الرحمن الرحیم سپس فرمود: در شگفتم از کسی که یقین دارد به تقدیر، چگونه افسرده شود، و در شگفتم از کسی که دنیا و زیر و رو شدن آن را بر اهلش ببیند چگونه به آن اعتماد کند، سزاوار است کسی که از طرف خدا عقلی دارد، خدا را متهم به قضای او نکند و در رساندن روزی او را به کندی نسبت ندهد، من گفتم: قربانت، می خواهم آن را بنویسم، به خدا دستش را برد که دوات نزد من نهد، من دستش را گرفتم و بوسیدم و دوات را گرفتم و حدیث را نوشتم.



۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: قبر غلام حضرت علی علیه السلام، علی علیه السلام را بسیار دوست می داشت و چون علی علیه السلام بیرون می رفت، با شمشیر دنبال آن حضرت می رفت، یک شب او را دید فرمود: ای قبر، چه قصد داری؟ گفتم: دنبال شما آمدم یا امیر المؤمنین، فرمود: وای بر تو، مرا از اهل آسمان می ترسانی یا از اهل زمین؟ فرمود: نه از اهل زمین، فرمود: اهل زمین درباره من کاری نتوانند جز به اذن و اجازه خداوند پس برگرد سپس او برگشت.

١٥٧٤- ١١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ ذَكْرَةَ قَالَ:
 قِيلَ لِلرِّضَا عليه السلام إِنَّكَ تَتَكَلَّمُ بِهَذَا الْكَلَامِ - وَالسَّيْفُ يَقْطُرُ دَمًا فَقَالَ إِنَّ
 لِلَّهِ وَادِيًا مِنْ ذَهَبٍ - حَمَاهُ بِأَضْعَفِ خَلْقِهِ النَّمْلِ - فَلَوْ رَامَهُ الْبَحَّاتِيُّ لَمْ
 تَصِلْ إِلَيْهِ.

بَابُ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ.

١٥٧٥- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ
 أَشْيَاحِ بَنِي النَّجَّاشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنْ اللَّهِ - فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ - وَلَا
 يَرْضَى عَبْدٌ عَنْ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ - أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ - فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٥٧٦- ٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
 عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ - أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

١٥٧٧- ٣- عَنْهُ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي
 حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنْ اللَّهِ - رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ
 اللَّهِ - فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ - لَمْ يَقْضِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ - فِيمَا
 أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ - إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ.

۱۱- به امام رضا علیه السلام گفته شد: آیا شما این سخن را می گوئید با اینکه از شمشیر خون می چکد؟ (یعنی با اینکه هارون الرشید مصمم کشتن مخالفین خویش است شما مدعی امامت هستید) حضرت فرمود: برای خدا یک بیابانی است از طلا که با ناتوان ترین خلق خود - مورچه - آن را نگه داشته است و اگر شتر خراسانی آهنگ آن نماید به آن نخواهد رسید.

توضیح: گویا امام می خواهد با این مثال شخص سائل را به قدرت خداوند از طریق غیر عادی متوجه سازد به اینکه خداوند این چنین توانائی را دارد که به مورچه ناتوان قدرتی دهد که به شتران نیرومند ندهد.

رضا به قضاء الهی

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

سَرِّ طاعت خدا صبر است و رضای از خدا نسبت بدانچه بنده دوست داشته یا ناپسند داشته است و هیچ بنده ای از خدا راضی نباشد در آنچه خوش دارد یا بد دارد جز آنکه برای او بهتر است در آنچه خوب و یا ناپسند دانسته است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی داناترین مردم به خدا راضی ترین آنان است به قضاء و قدر خدای عزوجل.

۳- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: صبر و رضا از خدا سَرِّ طاعت خداست و هر کس صبر کند از خدا در آنچه بر او مقرر کرده نسبت به آنچه خواهد یا نخواهد، راضی باشد خدای عزوجل بر او حکم نکند در آنچه خواهد یا نخواهد جز آنچه را که خیر او باشد.

١٥٧٨- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيقِيِّ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَاداً - لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ - إِلَّا بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَالصِّحَّةِ فِي الْبَدَنِ - فَأَبْلَوْهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ - فَيَصْلَحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ - وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَاداً - لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ - وَ الْمُسْكِنَةِ وَ السُّقْمِ فِي أَبْدَانِهِمْ - فَأَبْلَوْهُمْ بِالْفَاقَةِ وَ الْمُسْكِنَةِ وَ السُّقْمِ - فَيَصْلَحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ - وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ - أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ - وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ - لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي - فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِيذِ وَسَادِهِ - فَيَتَجَدَّدُ لِي اللَّيَالِي - فَيُتَعَبُّ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي - فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةِ وَ اللَّيْلَتَيْنِ - نَظْرًا مَنِي لَّهُ وَ إِتْقَاءً عَلَيْهِ - فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ - وَ هُوَ مَاقَتٌ لِنَفْسِهِ زَارِيٌّ عَلَيْهَا - وَ لَوْ أُخْلِيَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي - لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ - فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ - فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ - مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ - وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ - وَ جَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ - فَيَتَبَاعَدُ مِنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ - فَلَا يَسْتَكِلِ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمْ - الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي - فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهِدُوا وَ أَتَعَبُوا أَنْفُسَهُمْ - وَ أَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي - كَانُوا مُقْصِرِينَ غَيْرَ بِالْغِنَى فِي عِبَادَتِهِمْ - كُنْهَ

۴- رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عزوجل فرماید: به راستی بعضی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی هستند که امر دینشان جز با توان‌گری و وسعت در زندگی و تندرستی درست نشود من آنها را به وسعت در زندگی می‌آزمایم تا آخر دینشان اصلاح شود و بعضی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی هستند که امر دینشان جز با نداری و مستمندی و بیماری در تنشان درست نشود، من آنها را بی‌آزمایم و گرفتار نداری و مستمندی و بیماری کنم تا امر دینشان درست شود، من داناتریم به آنچه که امر دین بنده‌های مؤمنم با آن درست می‌شود و به راستی بعضی از بنده‌های من در پرستش من کوشا و در رنج است، از خواب و بستر با لذت، برمی‌خیزد و در شب‌ها برای من نماز شب می‌خواند و خود را در عبادت من، به رنج اندازد و من یک شب و دو شب چرت را بر او مستولی می‌سازم تا بامداد بخواهد سپس از خواب برخیزد و خود را دشمن دارد و زبون شناسد و اگر او برای هر آنچه از عبادت من خواهد رها کنم، از آن خودبین گردد و خودبینی او را به فتنه کشد و از این راه بدو حالی دست دهد که هلاک شود بخاطر عجب او به کردارهایش و از خود راضی بودنش تا آنجا که گمان برد بر عابدان برتری داشته و از تقصیر در عبادت خود وارهیده در این صورت از من دور شود و گمان دارد که به من نزدیک می‌شود، نباید آنها که عمل می‌کنند به اعمال خود تکیه کنند، همان اعمالی که برای درک ثواب از من می‌کنند، زیرا اگر آنها خود را در رنج اندازند و عمرشان را در عبادت من به سر برند باز هم در پرستش من تقصیر کارند و به کینه عبادت من نرسند در آنچه جویند از کرامت و نعمت من در بهشت و درجات بلند در جوار من ولی باید به رحمت من اعتماد کنند و

عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي - مِنْ كَرَامَتِي وَ النِّعَمِ فِي جَنَاتِي - وَ رَفِيعِ
 دَرَجَاتِي الْعُلَى فِي جَوَارِي - وَ لَكِنْ فَبِرَحْمَتِي فَلْيُثِقُوا - وَ بِفَضْلِي
 فَلْيَفْرَحُوا - وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا - فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ
 تَدَارِكُهُمْ - وَ مِنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي - وَ مَغْفِرَتِي تُلَبِّسُهُمْ عَفْوِي، فَإِنِّي أَنَا
 اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسْمِيَت.

١٥٧٩- ٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ
 صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:
 يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ - أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِي رِزْقِهِ - وَلَا يَسْتَهْمَهُ
 فِي قَضَائِهِ.



١٥٨٠- ٦ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ
 عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَمْرِو بْنِ نُهَيْكٍ بَيَّاعِ الْهَرَوِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - عَبْدِي الْمُؤْمِنَ لَا أَصْرِفُهُ فِي شَيْءٍ - إِلَّا جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ -
 فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي - وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَانِي أَكْثَبُهُ
 يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصِّدِّيقِينَ عِنْدِي.

١٥٨١- ٧ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
 عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَنَّ فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى بْنُ
 عِمْرَانَ - مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ - فَإِنِّي إِنَّمَا

به فضل و بخشش من شاد باشند و به حسن ظن و خوشبینی به من اطمینان کنند، زیرا در این صورت رحمت من آنان را جبران کند و بخشش من به همراه رضوانم به آنها برسد و آمرزش من به آنها جامه عفو بپوشاند، زیرا منم خدای بخشاینده و مهربان و بدان نامیده شدم.

* * *

۵- امام کاظم علیه السلام فرمود: سزاوار است هر کس خدا را شناخته، او را در رسانیدن روزیش به کندی نسبت ندهد و او را در حکم و قضایش متهم نسازد.



* * *

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل فرموده است: بنده مؤمنم را به هیچ چیزی متمایل نکنم جز آنکه آن را خبر او سازم، باید به قضایم راضی باشد و بر بلایم صبر کند و نعمت هایم را شکر گوید تا نام او را در ردیف صدیقان بنویسم.

* * *

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: در آنچه خدای عز و جل به موسی بن عمران وحی کرد این بود که: ای موسی، من هیچ آفریده ای را نیافریدم که نزد من محبوبتر باشد از بنده مؤمنم، به راستی من او را گرفتار می کنم برای

أَبْتَلِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ - وَأَعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ - وَأُزَوِّي عَنْهُ مَا هُوَ شَرٌّ لَهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ - وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِي - فَلْيَضِرْ عَلَيَّ بَلَائِي - وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلْيَرْضَ بِقَضَائِي - أَكْتُبُهُ فِي الصِّدِّيقِينَ عِنْدِي - إِذَا عَمِلَ بِرِضَائِي وَأَطَاعَ أَمْرِي.

١٥٨٢-٨- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِبْنِ أَبِي يَعْقُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ - لَا يَقْضِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قَضَاءً - إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ قُرِضَ بِالْمَقَارِيضِ - كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ - وَمَغَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ.

١٥٨٣-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْنِ سِنَانٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلِّمَ - لِمَا قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ - وَعَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَمَنْ سَخِطَ الْقَضَاءُ - مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَخْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ.

١٥٨٤-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - الزُّهْدُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ - وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ - وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَذْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا.

آنچه که خیر اوست و عافیت می‌دهم برای آنچه که خیر اوست و آنچه برای او بد است از او دریغ می‌دارم باز هم برای آنچه که خیر اوست، من داناترم بدانچه بنده من با آن اصلاح شود، باید بر بلای من صبر کند و به نعمت‌های من شکر گوید و باید راضی به قضای من باشد تا نام او را در شمار صدیقان بنویسم وقتی با رضای من کار کند و امر مرا اطاعت نماید.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

من در شگفتم از مرد مسلمان، خدای عز و جل چیزی برای او مقدر نکند جز اینکه خیر اوست و اگر با مقراض او را ببرند و قطعه قطعه کنند خیر اوست و اگر مشارق و مغارب را هم مالک شود، خیر اوست.

۹- امام باقر علیه السلام فرمود:

سزاوارترین خلق خدا که تسلیم شود به آنچه که خدا مقدر کرده است، کسی است که خدای عز و جل را شناخته، هر کس راضی به قضاء است قضاء بر سر او بیاید و خدا اجر بزرگ به او بدهد و هر کس بدخواه قضاء است قضاء بر او بگذرد و خدا اجر او را ساقط کند.

۱۰- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

زهد ده جزء است، بالاترین درجه زهد کم‌ترین درجه ورع است، و بالاترین درجه ورع کمترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین کمترین درجه رضا است.

١٥٨٥-١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَقِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ - كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا - وَهُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ - وَ يُحَقِّرُ مَنَزَلَتَهُ وَ الْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ - وَ أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ - إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ.

١٥٨٦-١٢- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْلَمُ الْمُؤْمِنُ بِأَنَّهُ مُؤْمِنٌ - قَالَ بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرِّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ - مِنْ سُرُورٍ أَوْ سَخَطٍ.

١٥٨٧-١٣- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْقُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ لَشَيْءٍ قَدْ مَضَى - لَوْ كَانَ غَيْرُهُ.

بَابُ التَّفْوِيضِ إِلَى اللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ عَلَيْهِ.

١٥٨٨-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام مَا إِعْتَصَمَ بِي عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي - عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نِسْبَتِهِ - ثُمَّ تَكِيدُهُ السَّمَاوَاتُ

۱۱- از امام صادق علیه السلام که حسن بن علی به عبدالله بن جعفر برخورد و به او فرمود: ای عبدالله، چگونه مؤمن مؤمن باشد با این که از قسمت مقدر خشمگین است و خود را زبون یابد با این که خدا بر او چنین حکمی کرده است، من ضامنم که هر کس در پندار دلش جز رضا نباشد به درگاه خدا هر دعائی که کند مستجاب شود.

* * *

۱۲- ابن سنان از کسی که نامش را برد از امام صادق علیه السلام گوید: به آن حضرت گفتم: چگونه مؤمن بداند که مؤمن است؟ فرمود: با تسلیم در برابر خدا و رضا به آنچه که بر او وارد شود از مایه شادی یا خشم.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

* * *

۱۳- از امام صادق علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هر چه واقع می شد نمی فرمود: کاش جز آن واقع شده بود.

واگذاری کار به خدا و توکل بر او

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل به داود علیه السلام وحی کرد: هیچکدام از بندگان بدون توجه به مخلوقاتم به من پناهنده نشود که من بدانم قصد او همین است و سپس همه آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست برای او

وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ - إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنِهِنَّ - وَمَا إِعْتَصَمَ
عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي - عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَسَبِهِ - إِلَّا قَطَعْتُ
أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ يَدَيْهِ - وَأَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ
وَلَمْ أَبَالِ بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ.

١٥٨٩-٢- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي
حَفْصِ الْأَعَشَى عَنْ عُمَرَ وَعُمَرَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

خَرَجْتُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى - هَذَا الْحَائِطِ - فَاتَّكَأْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَجُلٌ عَلَيْهِ
ثَوْبَانِ أَبْيَضَانِ - يَنْظُرُ فِي ثُجَاهِ وَجْهِي - ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - مَا
لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا - أَعَلَى الدُّنْيَا فَرَزَقُ اللَّهُ حَاضِرُ اللَّبَرِّ وَالْفَاجِرِ -
قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ - وَإِنَّهُ لَكَمَا تَقُولُ قَالَ - فَعَلَى الْآخِرَةِ فَوَعْدُ
صَادِقٍ - يَحْكُمُ فِيهِ مَلِكٌ قَاهِرٌ أَوْ قَالَ - قَادِرٌ - قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ -
وَإِنَّهُ لَكَمَا تَقُولُ فَقَالَ مِمَّ حُزْنُكَ - قُلْتُ مِمَّا نَتَخَوَّفُ مِنْ فِتْنَةِ ابْنِ الزُّبَيْرِ
- وَمَا فِيهِ النَّاسُ قَالَ فَضَحِكَ - ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - هَلْ رَأَيْتَ
أَحَدًا دَعَا اللَّهَ فَلَمْ يُجِبْهُ - قُلْتُ لَا قَالَ فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا - تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ
فَلَمْ يَكْفِهِ - قُلْتُ لَا قَالَ فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا - سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ قُلْتُ لَا -
ثُمَّ غَابَ عَنِّي

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ مِثْلَهُ.

توطئه کنند جز آنکه من برای او راه چاره از آنها را فراهم کنم و هیچ کدام از بندگانم به دیگری پناهنده نشود که من بدانم قصدش همین است جز آنکه همه وسائل آسمانی و زمینی را از او بگیرم و زمین را از زیر پایش فرو برم و به هر وادی هلاکت باری که افتد با کی ندارم.

۲- امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: من بیرون رفتم تا به این دیوار رسیدم و بر آن تکیه زدم به ناگاه مردی که دو جامه سفید دربرداشت در برابرم ایستاد و به من نگاه کرد، سپس گفت: ای علی بن الحسین علیه السلام، چرا تو را افسرده می بینم؟ آیا اندوهت برای دنیا است؟ که روزی خدا در آن برای هر خوش کردار و بد کرداری آماده است، گفتم: من برای دنیا غمی ندارم، زیرا چنان است که تو می گویی، گفت برای آخرت غم می خوری؟ آنها وعده ای است راست و سلطانی قاهر در آن حکم فرماست گفتم: بر آن غم ندارم، زیرا آنها چنان است که می گویی، پس گفت: غمت برای چیست؟ گفتم: می ترسم از فتنه ابن زبیر و وصفی که مردم پیدا می کنند او خندید و سپس گفت: ای علی بن الحسین علیه السلام، آیا دیده ای که کسی از خدا چیزی بخواهد و او نپذیرد؟ گفتم: نه، گفت: آیا دیده ای کسی که بر خدا توکل کند و او را کفایت نکند؟ گفتم: نه، گفت: آیا دیده ای کسی از خدا چیزی بخواهد و به او ندهد؟ گفتم: نه، سپس از چشمم پنهان شد.

توضیح: این زبیر همان عبد الله بن زبیر است که دشمن ترین افراد به اهل بیت بود و گویند علت دشمنی پدرش با حضرت علی علیه السلام تسلیم نشدن حضرت به خواسته او و سرانجام تحریک و برپا کردن جنگ جمل توسط او بود و خود حضرت فرمود: همیشه زبیر با ما خاندان رسالت بود، تا آنکه جوجه دلش بزرگ شد و مانع از این کار شد گفته اند سال ۶۴ پس از شهادت امام حسین علیه السلام ابن زبیر مردم مکه را به دعوت و بیعت با خود فرا خواند و یزید لشکری برای سرکوبی او فرستاد و او به حرم خداوند پناه برد و لشکریان حرم را محاصره کردند و گلوله باران نمودند تا آنکه خبر مرگ یزید رسید و اورهائی یافت سرانجام به دستور عبد الملک مروان توسط حجاج به دار آویخته شد.

١٥٩٠- ٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُودَانِ - فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ مِثْلَهُ.

١٥٩١- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ - قَبِلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - أَقْبَلَ اللَّهُ قَبْلَ مَا يُحِبُّ وَمَنْ إِعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَصَمَهُ اللَّهُ - وَمَنْ أَقْبَلَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَعَصَمَهُ - لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ - أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً نَزَلَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ - فَشَمِلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ كَانَتْ فِي حِزْبِ اللَّهِ - بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ - لَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ.

١٥٩٢- ٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ - مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا - فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا - تَسْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

بی نیازی و عزت به هر طرف می چرخند، و چون به محل توکل برسند، وطن کنند. (زیرا بی نیازی و عزت همراه با توکلند زیرا شخصی که بخدا تکیه سازد به مخلوق رو نمی آورد و از مردم، خود را بی نیاز می داند)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر بنده ای به سوی آنچه خدای عز و جل دوست دارد رو کند و خدا هم به آنچه او دوست دارد، رو آورد و هر کس در پناه خدا باشد خدا او را پناه دهد و کسی که خدا پناهِش داده با ک ندارد که آسمان بر زمین افتد، یا بلائی فرود آید که همه مردم زمین را در بر گیرد، او به وسیله تقوی در حزب خداست و از هر بلائی محفوظ است؛ آیا چنین نیست که خدای عز و جل می فرماید: «به راستی متقیان در مقام امنی باشند» (دخان / ۵۱)».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۵- علی بن سواد گوید: از امام کاظم علیه السلام از تفسیر قول خدای عز و جل: «هر

کس بر خدا توکل کند او را بس است» (طلاق / ۳) پرسیدم

فرمود: توکل بر خدا درجاتی دارد، یکی آنکه در همه کار خود، بر او توکل کنی و هر چه با تو کند راضی باشی و بدانی در خیر خواهی تو کوتاهی نکند و بدانی که اختیار با اوست، پس بر خدا توکل کن و همه کارهای خود را به او واگذار در کارهای خود و دیگران (که از نزدیکان تو هستند) و به او اعتماد داشته باش.

وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ - فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ
وَتَقْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا.

١٥٩٣-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً
عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثًا لَمْ يُمْتَعْ ثَلَاثًا - مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ
وَمَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ - وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ
الْكِفَايَةَ - ثُمَّ قَالَ أَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ وَقَالَ لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَقَالَ (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ).

١٥٩٤-٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ قَالَ:

كُنَّا فِي مَجْلِسٍ نَطْلُبُ فِيهِ الْعِلْمَ - وَقَدْ نَفَدَتْ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ
فَقَالَ لِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا - مَنْ تُوَمِّلُ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ - فَقُلْتُ فَلَانًا فَقَالَ
إِذَا وَاللَّهِ لَا تُسَعَّفُ حَاجَتُكَ - وَلَا يَبْلُغُكَ أَمْلُكَ وَلَا تُنْجَحُ طَلِبَتُكَ
قُلْتُ وَمَا عَلَّمَكَ رَحِمَكَ اللَّهُ - قَالَ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَدَّثَنِي أَنَّهُ قَرَأَ فِي
بَعْضِ الْكُتُبِ - أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ - وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَ
مَجْدِي - وَارْتِفَاعِي عَلَى عَرْشِي - لَأَقْطَعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مُؤَمِّلٍ مِنَ النَّاسِ
غَيْرِي بِالْيَأْسِ - وَلَأَكْثُوْنَهُ ثَوْبَ الْمَذَلَّةِ عِنْدَ النَّاسِ - وَلَأُنْجِيَنَّهُ مِنْ

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس را سه چیز دادند از سه چیز دریغ نکردند: به هر کس دعا دادند برایش اجابت قرار دادند؛ به هر کس شکرگزاری دادند به او فراوانی نعمت دادند؛ به هر کس توکل داده شد، کفایت کار به او عطا شد. سپس فرمود: آیا قرآن را خوانده‌ای که می‌فرماید: «و هر کس بر خدا توکل کند او را بس است» و فرموده: «اگر شکر کنید، بر نعمت شما بیفزایم (ابراهم / ۷)» و فرموده: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم (مؤمن / ۶۰)».

* * *

۷- حسین بن علوان، گوید: ما در مجلسی بودیم که دانش می‌آموختیم و هزینه و مخارج سفرم تمام شده بود و یکی از یارانم به من گفت: برای این گرفتاری که به تو رسیده به چه کسی امیدواری؟ گفتم: فلانی، گفت: به خدا سوگند که حاجت روا نخواهی شد و به آرزویت نخواهی رسید، گفتم خدایت رحمت کند، از کجا دانستی؟ گفت: به راستی امام صادق علیه السلام به من فرمود: که در یکی از کتابها خوانده است که خدای تبارک و تعالی می‌فرمود: به عزت و جلال و مجد و رفعتم و بر عرشم سوگند که هر کس به غیر من امید بندد امیدش را قطع می‌کنم و نزد مردم بر او جامه خواری می‌پوشانم و بیقین او را از نزدیک خود دور می‌کنم و از فضل خود کنار زنم، آیا در سختی‌ها امید به جز من دارد؟ با اینکه همه سختی‌ها به دست من است؟ به دیگری توجه دارد و با اندیشه در دیگران را می‌کوبد با اینکه کلیدهای هر در به دست من است و همه درها بسته است و در خانه من باز است برای هر کس دعا کند، کیست که در

قُرْبِي - وَ لَا بُعْدَتَهُ مِنْ فَضْلِي - أَيَوْمِلُ غَيْرِي فِي الشَّدَائِدِ - وَ الشَّدَائِدُ
بِيَدِي - وَ يَرْجُو غَيْرِي وَ يَقْرَعُ بِالْفِكْرِ بَابَ غَيْرِي - وَ بِيَدِي مَفَاتِيحُ
الْأَبْوَابِ وَ هِيَ مُغْلَقَةٌ - وَ بَابِي مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَانِي - فَمَنْ ذَا الَّذِي أَمَلَنِي
لِنَوَائِبِهِ فَقَطَعْتُهُ دُونَهَا - وَ مَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِغَضَبِي فَقَطَعْتُ رَجَاءَهُ
مِنِّْي - جَعَلْتُ آمَالَ عِبَادِي عِنْدِي مَحْفُوظَةً - فَلَمْ يَرْضَوْا بِحِفْظِي وَ
مَلَأَتْ سَمَاوَاتِي - مِمَّنْ لَا يَمَلُّ مِنْ تَسْبِيحِي - وَ أَمَرْتُهُمْ أَنْ لَا يُغْلِقُوا
الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي - فَلَمْ يَثِقُوا بِقَوْلِي - أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ مَنْ طَرَقَتْهُ
نَائِبَةٌ مِنْ نَوَائِبِي - أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ كَشْفَهَا أَحَدٌ غَيْرِي - إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِي - فَمَا
لِي أَرَاهُ لَا هِيَا عَنِّي - أُعْطِيتُهُ جُودِي مَا لَمْ يَسْأَلْنِي - ثُمَّ انْتَزَعْتُهُ عَنْهُ فَلَمْ
يَسْأَلْنِي رَدَّهُ - وَ سَأَلَ غَيْرِي أَفِيرَانِي أَبَدًا بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ - ثُمَّ أَسْأَلُ
فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي - أَتَجِيزُ أَنَا فَيُخْلِنِي عِبْدِي - أَوْ لَيْسَ الْجُودُ وَ الْكَرَمُ
لِي - أَوْ لَيْسَ الْعَفْوُ وَ الرَّحْمَةُ بِيَدِي - أَوْ لَيْسَ أَنَا مَحَلُّ الْأَمْالِ - فَمَنْ
يَقْطَعُهَا دُونِي - أَفَلَا يَخْشَى الْمُؤْمِلُونَ أَنْ يُؤْمِلُوا غَيْرِي - فَلَوْ أَنَّ أَهْلَ
سَمَاوَاتِي وَ أَهْلَ أَرْضِي - أَمَلُوا جَمِيعًا ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ - مِثْلَ مَا
أَمَلَ الْجَمِيعُ - مَا انْتَقَصَ مِنْ مُلْكِي - مِثْلَ عُضْوِ ذَرَّةٍ وَ كَيْفَ يَنْقُصُ
مُلْكُ أَنَا قَيِّمُهُ - فَيَا بُؤْسًا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي وَ يَا بُؤْسًا لِمَنْ عَصَانِي
وَ لَمْ يُرَاقِبْنِي.

گرفتاری‌های خود به من آرزومند است و من راه آنها را بر او بریده‌ام؟ کیست برای امر بزرگی به من امیدوار شده و من امید او را بریده‌ام؟ من آرزوهای بندگانم را نزد خود نگه داشته‌ام؟ و آنان به نگهداری من رضایت ندادند و آسمانهای خود را پر کردم از کسانی که از تسبیح من خسته و گرفته نشوند و به آنها فرمان دادم که درهای میان من و میان بنده‌ها را نبندند و به گفته من اعتماد نکردند، آیا نمی‌دانید هر کس گرفتار یکی از پیش آمدهای بد من شد، احدی جز به اجازه من نتواند آن را برطرف کند؟ او را چه شده که از من روگردان است؟ به وجود خودم چیز هائی به او دادم که از من نخواسته بود، سپس از او باز گرفتم و او از من نخواست که آنها را به او بازگردانم و از دیگری خواست، آیا معتقدی که من نخواسته می‌دهم و از من بخواهم و ندهم؟ آیا من بخلم که بنده‌ام مرا بخیل می‌شمارد؟ آیا خود و کرم خاص من نیست؟ آیا عفو و رحمت به دستم نیست؟ من محل آرزوهای نیستم؟ کیست که جز من آنها را دریغ دارد؟ آیا آرزومندانی که به دیگری آرزو دارند نمی‌ترسند؟ اگر همه مردم روی زمین آرزو کنند و به هر کدام هر چه آرزو کنند بدهم، از ملک من به اندازه عضو یک مورچه کم نشود چگونه ملکی کم شود که من سرپرست آنم؟ افسوس و دریغ بر آنان که از رحمت من ناامیدند و افسوس بر کسی که مرا نافرمانی کند و مرا در نظر نگیرد.

١٥٩٥-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ بْنِ يَعْقُوبَ الرَّوَاجِنِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ - بَيْنَبَعٍ وَ قَدْ نَفِدَتْ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ - فَقَالَ لِي بَعْضُ وَلَدِ الْحُسَيْنِ - مَنْ تَوَمَّلْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ فَقُلْتُ مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - فَقَالَ إِذَا لَا تُقْضَى حَاجَتُكَ - ثُمَّ لَا تُنْجَحُ طَلِبَتُكَ قُلْتُ - وَلَمْ ذَاكَ قَالَ لِأَنِّي قَدْ وَجَدْتُ - فِي بَعْضِ كُتُبِ آبَائِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَهُ فَقُلْتُ - يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أُمَلِّ عَلَيَّ فَأَمْلَاهُ عَلَيَّ فَقُلْتُ - لَا وَاللَّهِ مَا أَسْأَلُهُ حَاجَةً بَعْدَهَا

بَابُ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ

مركز تحقیات کتب و ترمیم و اسناد

١٥٩٦-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مَنصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ أَوْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ - قَالَ كَانَ فِيهَا الْأَعَاجِيبُ - وَكَانَ أَعْجَبَ مَا كَانَ فِيهَا أَنْ قَالَ لِابْنِهِ - خَفِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خِيفَةً - لَوْ جِئْتَهُ بِإِثْمِ الثَّقَلَيْنِ لَعَذَّبَكَ وَ أَرْجُ اللَّهَ - رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَانَ أَبِي يَقُولُ - إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَافِيَ قَلْبِهِ نُورَانِ - نُورٌ خِيفَةٍ وَ نُورٌ رَجَاءٍ - لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا - وَ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا.

۸- از سعید بن عبد الرحمن که گوید: من با موسی بن عبد الله (بن حسن) در ینبع بودم و مخارج سفرم تمام شده بود، یکی از فرزندان حسین علیه السلام به من گفت: برای رفع این گرفتاری به چه کسی امیدواری؟ گفتم: به موسی بن عبدالله، گفت: در این صورت، حاجت روا نیستی و کامیاب نخواهی شد، گفتم: برای چه؟ گفت: برای آنکه من در یکی از کتب پدرانم دیده‌ام که خدای عز و جل می‌فرماید:

و مانند همان حدیث هفت را بیان کرد، و من گفتم یا بن رسول الله آن را برای من بگو تا بنویسم و آن را بر من املاء کرد، من گفتم: نه به خدا پس از این از او حاجتی نخواهم.



بیم و امید

۱- حارث ابن مغیره یا پدرش، از امام صادق علیه السلام گوید: به او گفتم: در وصیت لقمان چه بود؟

فرمود: در آن مطالب شگفت‌انگیز بسیاری بود و عجیب‌تر از همه این بود که به پسرش گفت: از خدای عز و جل چنان بترس که اگر همه کردار نیک جن و انس را بیاوری کیفرت می‌کند و چنان به او امیدوار باش که اگر همه گناه جن و انس را هم بیاوری به تو رحم می‌کند، سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم بارها می‌فرمود: به راستی هیچ بنده‌ای مؤمن نیست جز آنکه در دلش دو نور است، نور ترس از خدا و نور امید که اگر این را وزن کنند از آن بیش نیست و اگر آن را وزن کنند از این بیش نیست.

۱۵۹۷-۲- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ - وَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ - فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ - وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ - ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ - فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ.

۱۵۹۸-۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ - أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

۱۵۹۹-۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ - وَمَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا.

۱۶۰۰-۵- عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ ذَكْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي - وَ يَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ - حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ - هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يَتَرَجَّحُونَ فِي الْأَمَانِيِّ كَذَبُوا لَيْسُوا بِرَاجِينَ - إِنَّ مَنْ رَجَا شَيْئاً طَلَبَهُ - وَمَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ.

۲- اسحاق ابن عمار گوید: امام صادق علیه السلام به او فرمود:

ای اسحاق، از خدا ترس که گویا او را به چشم می بینی و اگر تو او را نبینی او تو را می بیند و اگر معتقدی تو را نمی بیند محققاً کافری و اگر معتقدی تو را می بیند و در برابر او گناه می کنی او را پست ترین بینندگان خود داشته ای (زیرا هیچ بنده ای در حضور مولای خود اینچنین گستاخانه عمل نمی کند)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس از خدا ترسد، خدا هر چیز را از او بترساند؛ و هرکس از خدا ترسد خدا او را از هر چیز بترساند.

۴- فرمود:

هرکس خدا را بشناسد از او بترسد و هرکس از خدا بترسد، دل از دنیا برکند.

۵- ابن ابی نجران، از کسی که نامش را برد، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردمی گناه می کنند و می گویند: امیدواریم و همواره چنین کنند تا مرگشان برسد.

در پاسخ فرمود: اینان مردمی باشند که دل به آرزوهای بیجا خوش کنند، دروغ گویند، امیدوار نیستند، هرکس امید چیزی را دارد آن را خواهد و جوید و هرکس از چیزی ترسد از آن گریزد.

١٦٠١-٦- وَرَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

- إِنَّ قَوْمًا مِنْ مَوَالِيكَ - يُلْمُونَ بِالْمَعَاصِي وَ يَقُولُونَ نَرْجُو - فَقَالَ
كَذِبُوا لَيْسُوا لَنَا بِمَوَالٍ - أُولَئِكَ قَوْمٌ تَرَجَّحَتْ بِهِمُ الْأُمَانِيُّ - مَنْ رَجَا
شَيْئًا عَمِلَ لَهُ - وَمَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ.

١٦٠٢-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَغُضِ أَصْحَابِهِ عَنْ
صَالِحِ بْنِ حَمْزَةَ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ مِنَ الْعِبَادَةِ شِدَّةَ الْخَوْفِ مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ
يَقُولُ اللَّهُ - إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ وَ قَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ - فَلَا
تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِي وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ حُبَّ الشَّرَفِ وَ الذِّكْرِ - لَا يَكُونَانِ
فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ.

١٦٠٣-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ قَالَ:

إِنَّ رَجُلًا رَكِبَ الْبَحْرَ بِأَهْلِهِ فَكُسِرَ بِهِمْ - فَلَمْ يَنْجُ مِمَّنْ كَانَ فِي السَّفِينَةِ -
إِلَّا امْرَأَةُ الرَّجُلِ - فَإِنَّهَا نَجَتْ عَلَى لَوْحٍ مِنَ الْأَوَاحِ السَّفِينَةِ حَتَّى أَجَاءَتْ
عَلَى جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ - وَ كَانَ فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ رَجُلٌ - يَقْطَعُ
الطَّرِيقَ وَ لَمْ يَدْعُ لِلَّهِ حُرْمَةً - إِلَّا إِنْتَهَكَهَا فَلَمْ يَعْلَمْ إِلَّا

۶- مردی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به راستی جمعی از دوستان مرتکب گناه می شوند و می گویند ما امیدواریم. فرمود: دروغ می گویند، دوستان و پیروان مان هستند، آنان مردمی هستند به آرزوهای بیجا دل خوش دارند، هر کس به چیزی امید دارد برای آن کار کند و هر کس از چیزی ترسد از آن گریزد.

* * *

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی سخت ترسیدن از خدای عزوجل، عبادت است، خدا می فرماید: «همانا دانشمندانند که از خدا ترسند (فاطر / ۲۸)» خدا جل شأنه فرماید: «از مردم نترسید بلکه از من بترسید (مائدة / ۴۴)» و فرمود: «هر کس از خدا بترسد برای او گشایشی فراهم کند (طلاق / ۲)» گوید که: امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی حب مقام و شهرت در دل های ترسان و بیمناک نباشد.

* * *

۸- علی ابن الحسین علیه السلام فرمود: مردی با خاندان خود به سفر دریا رفت، بطور اتفاق کشتی آنها شکست و از سرنشینان کشتی جز همسر آن مرد نجات نیافت، او بر تخته پاره ای از کشتی نشست و موج او را به یکی از جزیره ها برد، در آن جزیره مردی راهزن بود که همه کارهای ناشایسته را کرده و همه حرامهای خدا را انجام داده بود، ناگهان مشاهده کرد آن زن بالای

وَالْمَرْأَةُ قَائِمَةٌ عَلَى رَأْسِهِ - فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنْسِيَّةٌ أَمْ جِنِّيَّةٌ
فَقَالَتْ إِنْسِيَّةٌ فَلَمْ يَكَلِّمْهَا كَلِمَةً - حَتَّى جَلَسَ مِنْهَا مَجْلِسَ الرَّجُلِ مِنْ
أَهْلِهِ - فَلَمَّا أَنْ هَمَّ بِهَا اضْطَرَبَتْ - فَقَالَ لَهَا مَا لَكَ تَضْطَرِبِينَ - فَقَالَتْ
أَفَرَّقُ مِنْ هَذَا - وَأُومَاتُ بِيَدِهَا إِلَى السَّمَاءِ - قَالَ فَصَنَعْتَ مِنْ هَذَا
شَيْئًا - قَالَتْ لَا وَعِزَّتِي - قَالَ فَأَنْتِ تَفَرِّقِينَ مِنْهُ هَذَا الْفَرَقَ - وَلَمْ
تَصْنَعِي مِنْ هَذَا شَيْئًا - وَإِنَّمَا اسْتَكْرَهْكَ اسْتِكْرَاهًا - فَأَنَا وَاللَّهِ أَوْلَى
بِهَذَا الْفَرَقِ - وَالْخَوْفِ وَأَحَقُّ مِنْكَ - قَالَ فَقَامَ وَلَمْ يُحَدِّثْ شَيْئًا - وَ
رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَلَيْسَتْ لَهُ هِمَّةٌ - إِلَّا التَّوْبَةُ وَالْمَرَا جَعَةُ - فَبَيْنَا هُوَ يَمْشِي إِذْ
صَادَفَهُ رَاهِبٌ يَمْشِي فِي الطَّرِيقِ - فَحَمِيَتْ عَلَيْهِمَا الشَّمْسُ - فَقَالَ
الرَّاهِبُ لِلشَّابِّ - ادْعُ اللَّهَ يُظِلَّنَا بِغَمَامَةٍ - فَقَدْ حَمَيْتُ عَلَيْنَا الشَّمْسُ -
فَقَالَ الشَّابُّ مَا أَعْلَمُ أَنَّ لِي عِنْدَ رَبِّي حَسَنَةً - فَأَتَجَسَّرَ عَلَى أَنْ أَسْأَلَهُ
شَيْئًا - قَالَ فَأَدْعُو أَنَا وَتُؤَمِّنُ أَنْتَ - قَالَ نَعَمْ فَأَقْبَلَ الرَّاهِبُ يَدْعُو وَ
الشَّابُّ يُؤَمِّنُ - فَكَانَ بِأَسْرَعٍ مِنْ أَنْ أَظْلَتَهُمَا غَمَامَةٌ - فَشَيَا تَحْتَهُمَا مَلِيًّا
مِنَ النَّهَارِ - ثُمَّ تَفَرَّقَتِ الْجَادَّةُ جَادَّتَيْنِ - فَأَخَذَ الشَّابُّ فِي وَاحِدَةٍ - وَ
أَخَذَ الرَّاهِبُ فِي وَاحِدَةٍ - فَإِذَا السَّحَابَةُ - مَعَ الشَّابِّ فَقَالَ - الرَّاهِبُ
أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي - لَكَ اسْتُجِيبَ وَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي - فَأَخْبَرَنِي مَا قِصَّتُكَ
فَأَخْبَرَهُ بِخَبَرِ الْمَرْأَةِ فَقَالَ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى حَيْثُ دَخَلَكَ الْخَوْفُ، كَيْفَ
تَكُونُ فِي مُسْتَقْبَلٍ ..

سرش قرار دارد، سربه سوی او برداشت و گفت: آدمیزاد هستی یا پری؟ گفت: آدمیزادم، با او سخنی نگفت و مانند شوهر در کنارش نشست و چون آهنگ او کرد، آن زن به خود لرزید، آن راهزن گفت: چرا برخود می لرزی؟ در پاسخ گفت: از این می ترسم، با دست خود اشاره به آسمان کرد، آن مرد گفت: چنین کاری کرده ای؟ گفت: نه به عزت او سوگند، مرد راهزن گفت: تو چنین از خدا می ترسی با اینکه هیچ کار زشتی نکرده ای و من اکنون تو را به زور بر آن داشتم، به خدا که من خود سزاوارترم به این ترس و هراس، فرمود: کاری نکرده برخاست و نزد خاندان خود رفت و همتی جز توبه و بازگشت نداشت، در این میان که می رفت، راهبی رهگذر به او برخورد و به همراه هم می رفتند و آفتاب آنها را می سوزاند، راهب به آن جوان گفت: دعا کن تا خدا ابری فرستد که بر ما سایه اندازد زیرا اگر چنین باشد، آفتاب ما را می سوزاند، آن جوان گفت: من برای خود در درگاه خدا حسیه ای نمی دانم که جرأت کنم از او چیزی بخواهم، راهب گفت: پس من دعا می کنم و تو آمین بگو، گفت: بسیار خوب و راهب شروع به دعا کرد و جوان آمین گفت و ناگهان ابری بر آنها سایه انداخت و زیر سایه آن مقدار بسیاری از روز، راه رفتند تا راه آنها جدا شد و دوراه شد و آن جوان از یک راه رفت و راهب از راهی دیگر، به ناگاه آن ابر بالای سر آن جوان رفت، راهب گفت: تو از من بهتری، دعا برای تو اجابت شده و برای من اجابت نشده، داستان خود را به من بگو، او خبر آن زن را گزارش داد، به او گفت: آنچه گناه در گذشته کرده ای، برایت آمرزیده شده، برای ترسی که به دلت افتاده باید بنگری که در آینده چگونه ای؟

۱۶۰۴-۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ مِمَّا حُفِظَ مِنْ خُطْبِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ - إِنَّ لَكُمْ مَعَالِمَ فَانْتَهُوا إِلَى مَعَالِمِكُمْ - وَ إِنَّ لَكُمْ نِهَآيَةً فَانْتَهُوا إِلَى نِهَآيَتِكُمْ - أَلَا إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ - بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ صَانِعٌ فِيهِ - وَ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ قَاضٍ فِيهِ - فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ - وَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ - وَ فِي الشَّيْبَةِ قَبْلَ الْكِبَرِ - وَ فِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ - فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ - مَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ مُسْتَعْتَبٍ - وَ مَا بَعْدَهَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةُ أَوْ النَّارُ.



۱۶۰۵-۱۰- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ:

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ - وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُ - وَ يَعْلَمُ مَا يَعْمَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ - فَيُخْجِزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ - وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى.

۱۶۰۶-۱۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي سَارَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا - حَتَّى يَكُونَ

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: از سخنرانیهای پیامبر که ضبط شده این است که فرمود: ای مردم برای شما نشانه‌هایی است (از قرآن و سنت و عقل) به نشانه‌های خود برسید و به راستی برای شما پایانی است پس به پایان خود برسید، همانا مؤمن میان دو ترس قرار دارد: میان عمر گذشته‌ای که نداند خدا در آن چه کند و میان عمر مانده‌ای که نداند خدا برای او در آن چه مقدر کرده است؟ باید بنده مؤمن از خود برای خود بگیرد و از دنیایش سرای دیگر و از جوانیش برای پیری و در زندگی پیش از مردن، بدان که جان محمد به دست اوست، پس از دنیا جای عذرخواهی و تلافی نیست و پس از آن خانه‌ای نیست جز بهشت و دوزخ.



۱۰- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل فرماید: «و از آن هرکس از مقام پروردگارش بترسد، در بهشت است» فرمود: هر که بداند که خدا او را می‌بیند و هر چه گوید می‌شنود و هر چه از خوب و بد کند می‌داند و این عقیده او را از کردار زشت بازدارد و هم اوست که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوا باز داشته است.



۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن، مؤمن نباشد تا ترسان و امیدوار باشد و

خَائِفًا رَاجِيًا - وَلَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا - حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا
يَخَافُ وَيَرْجُو.

١٦٠٧-١٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ
عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ - ذَنْبٍ قَدْ مَضَى لَا يَذَرِي مَا صَنَعَ اللَّهُ فِيهِ
وَعُمْرٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَذَرِي مَا يَكْتَسِبُ فِيهِ مِنَ الْمَهَالِكِ - فَهُوَ لَا يُصْبِحُ إِلَّا
خَائِفًا - وَلَا يُصَلِّحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ.

١٦٠٨-١٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ - إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ - نُورٌ
خِيفَةٌ وَنُورٌ رَجَاءٌ - لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا - وَلَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ
عَلَى هَذَا.

بَابُ حُسْنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

١٦٠٩-١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ
عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَى
أَعْمَالِهِمْ - الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي - فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهِدُوا وَاتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ

ترسان و امید وار نباشد تا کار کند برای آنچه می ترسد و امید دارد.

* * *

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن میان دو ترس است،

۱- گناه گذشته که نداند خدا با او چه کند

۲- عمری که باقیمانده و نداند چه گناهایی که هلاکت اوست انجام خواهد داد پس او صبح و شب ترسان است و جز ترس او را اصلاح نکند و (چون ترس سبب توبه او از گناهان گذشته می شود و سبب خواهد شد که در آینده در کارهای خود بیندیشد)



۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: بارها پدرم می فرمود: راست مطلب این است که هیچ بنده مؤمنی نیست جز اینکه در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید، اگر این را بکشد بر آن افزون نیست و اگر آن را بکشد بر آن افزون نیست.

حسن ظن و خوشبینی به خداوند

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید: کسانی که برای درک ثواب تلاش می کنند به کار خود تکیه می کنند، زیرا که آنها اگر همه عمر بکوشند و در راه من خود را به رنج افکنند باز هم تقصیر کارند و در

أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقَصِّرِينَ - غَيْرَ بَالِغِينَ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ
عِبَادَتِي - فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي - وَ النَّعِيمِ فِي جَنَّتِي - وَ رَفِيعِ
الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جَوَارِي - وَلَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَ فَضْلِي فَلْيَرْجُوا
وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا - فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تُدْرِكُهُمْ - وَ مِنِّي
يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي - وَ مَغْفِرَتِي تُلْبِسُهُمْ عَفْوِي - فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ - وَ بِذَلِكَ تَسْمِيَتْ.

١٦١٠ - ٢ - إِبْنُ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ:

وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ - وَهُوَ عَلَى مِنْبَرِهِ - وَ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ
ظَنِّهِ بِاللَّهِ - وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حُسْنِ خُلُقِهِ - وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ
الْمُؤْمِنِينَ - وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا - بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ
الِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ - وَ تَقْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ - وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ
اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ - وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ
بِاللَّهِ - إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ - لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ - بِيَدِهِ
الْخَيْرَاتُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ - قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ
ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ - فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ.

عبادت خود به کنه بندگی من نرسند نسبت به آنچه از من می‌طلبند از کرامت و نعمتم در بهشت و درجات بلندی که در جوار من است ولی باید به رحمت من تکیه کنند و به فضل من امیدوار باشند و به خوش بینی نسبت به هم اعتماد کنند زیرا در این صورت رحمت من آنها را در بر گیرد و بخشش و رضوان من به آنها برسد و آمرزشم لباس گذشت بر آنها بپوشاند زیرا من خدای رحمن و رحیمم و بدین صفات نامیده شده‌ام.

* * *

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر خود فرموده است: سوگند به آنکه جز او شایسته پرستش نیست به هیچ مؤمنی هرگز خیر دنیا و آخرت داده نشده جز به وسیله حسن ظن او به خدا و امیدواری او و خوش خلقی او و خود داری از بد گوئی و غیبت مؤمنان و سوگند به آنکه جز او شایسته پرستش نیست خدا هیچ مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نکند جز به خاطر بد گمانی او به خدا و تقصیر در امیدواری و بد خلقی و غیبت از مؤمنین، سوگند به آنکه جز او شایسته پرستش نیست، هیچ بنده مؤمنی خوش گمانی به خدا نکند جز آنکه خدا به اندازه آن با او رفتار کند، زیرا کریم است و هر چه بدست او است و شرم دارد که بنده مؤمنش گمان خوبی به او ببرد و او گمان و امید او را بر نیاورد، به خدا خوش گمان باشید و به او تمایل نشان دهید.

* * *

١٦١١-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
ابْنِ بَرِيعٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ - فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي
الْمُؤْمِنِ بِي - إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا.

١٦١٢-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ
ابْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ - أَنْ لَا تَرْجُو إِلَّا اللَّهَ
وَلَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ.

بَابُ الْإِعْتِرَافِ بِالتَّقْصِيرِ.

١٦١٣-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:
قَالَ لِبَعْضٍ وَلَدِهِ يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ - لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ
حَدِّ التَّقْصِيرِ - فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَاعَتِهِ - فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبَدُ
حَقَّ عِبَادَتِهِ.

١٦١٤-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ بَعْضِ الْعِرَاقِيِّينَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:
قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَالْأَتَقْصِيرِ.

۳- امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا خوش گمان باش، زیرا خدای عز و جل می‌فرماید:

من با گمان بنده مؤمن خود همراهم، اگر خوب است خوب پیش آید و اگر بد است بد پیش آید.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: خوش بینی به خدا این است که جز به خداوند امید نداشته باشی و جز از گناهت نترسی.

باب اعتراف به تقصیر

۱- امام کاظم علیه السلام به یکی از فرزندان علیه السلام فرمود: ای پسر جان، بر تو باد به کوشش، مبادا خود را در عبادت. طاعت خدای عز و جل بی تقصیر بدانی، زیرا خداوند چنانچه شایسته است پرستش نشود.

۲- جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: خدایت از کاستی و تقصیر بیرون نبرد. (یعنی خدایت تو را توفیق دهد که عبادت خودت را همیشه ناقص شماری و خود را مقصر بدانی)

١٦١٥-٣- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:
 إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً - ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ
 يُقْبَلْ مِنْهُ - فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتَيْتُ إِلَّا مِنْكَ - وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ - قَالَ
 فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ - ذَمُّكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ
 أَرْبَعِينَ سَنَةً.

١٦١٦-٤- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنِ الْفَضْلِ
 ابْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ أَكْثَرُ مَنْ أَنْ تَقُولَ - اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِنَ الْمَعَارِينِ - وَلَا تُخْرِجَنِي مِنَ
 التَّقْصِيرِ - قَالَ قُلْتُ أَمَّا الْمَعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ - أَنَّ الرَّجُلَ يُعَارُ الدِّينَ ثُمَّ
 يُخْرَجُ مِنْهُ - فَمَا مَعْنَى لَا تُخْرِجَنِي مِنَ التَّقْصِيرِ - فَقَالَ كُلُّ عَمَلٍ تُرِيدُ بِهِ
 اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - فَكُنْ فِيهِ مُقْصِرًا عِنْدَ نَفْسِكَ - فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي
 أَعْمَالِهِمْ - فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ مُقْصِرُونَ - إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ
 اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

بَابُ الطَّاعَةِ وَالتَّقْوَى

١٦١٧-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدٍ أَخِي
 عَرَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 لَا تَذْهَبْ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ - فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا - إِلَّا مَنْ أَطَاعَ
 اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

۳- ابوالحسن علیه السلام فرمود: مردی در بنی اسرائیل چهل سال خدا را عبادت کرد و سپس یک قربانی تقدیم داشت و از او پذیرفته نشد، با خود گفت: این کار از طرف تو بوده و خود مقصری زیرا غیر تو گناهکاری نیست خداوند به او وحی کرد، که: این نکوهشی که از خود کردی از پرستش چهل سالهات بهتر است.

* * *

۴- از فضل بن یونس، از ابوالحسن علیه السلام گوید: فرمود: بسیار بگو که: بار خدایا مرا از عاریه داران (ایمان) قرار مده و از تقصیر خود بیرونم مبر، گوید: گفتم: عاریه داران ایمان را دانستم، آن مردی است که دین را عاریه دارد و سپس از آن بیرون رود و آن را واگذارد، معنی اینکه مرا از مقصران مکن چیست؟ در پاسخ فرمود: هر کاری را برای خدای عز و جل کنی خود را مقصر دان، زیرا همه مردم در کردار خود میان خودشان و خدا مقصر اند جز کسی که خدایش او را معصوم سازد.

فرمان بری و پرهیز

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: هر مذهبی شما را با خود نبرد به خدا شیعه ما نیست جز کسی که طاعت خدای عز و جل کند

توضیح: امام باقر علیه السلام با این بیان تمام عقاید و افکار باطلی که در شیعه رواج داشته و دارد از بین می برد بدینصورت که کسانی که بر امام حسین می گریند بدون طاعت خداوند به سعادت آن جهان می رسند امام علیه السلام فرمود: اینها اندیشه های باطل و انحرافی است.

١٦١٨-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَاصِمِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ - فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ - وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ - وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ - وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ - وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ - أَلَا وَ إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي - أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ - وَ لَا يَحْمِلُ أَحَدُكُمْ إِسْتِبْطَاءَ شَيْءٍ - مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ - فَإِنَّهُ لَا يَذَرُكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.

١٦١٩-٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النُّضَرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سِنْدٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَيْكُنِّي مِنَ انْتَحَلَ الشَّيْعَ - أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ - فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ - وَ مَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَاضُّعِ - وَ التَّخَشُّعِ وَ الْأَمَانَةِ وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ الصَّوْمِ وَ الصَّلَاةِ وَ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ - وَ التَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ - وَ الْغَارِمِينَ وَ الْإِيْتَامَ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ - وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ - وَ كَانُوا أَمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ - قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ - فَقَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ - حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ

۲- رسول خدا ﷺ در سخنرانی حجة الوداعش فرمود: ای مردم، به خدا هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از دوزخ دور کند جز آنچه که به شما فرمان دادم و هیچ چیزی نیست که شما را به دوزخ نزدیک و از بهشت دور کند جز آنچه که شما را از آن نهی کردم، همانا جبرئیل در دلم افکند که هیچ کس نمیرد تا روزی خود را، بطور کامل بگیرد، از خدا بهره‌یزد و در طلب روزی آرام باشید (حریص مباشید) و دیر رسیدن روزی شمارا وادار به کارهای حرام نکند، زیرا آنچه نزد خدا است جز با طاعت او به دست نمی‌آید.

۳- جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر، آیا کسی که دعوی شیعه‌گری می‌کند برایش کافی است که دم از دوستی ما بزند؟ به خدا شیعه مانباشد جز کسی که از خدا بهره‌یزد و او را فرمان برد، شیعه‌های ما شناخته نمی‌شوند جز به نشانه تواضع و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی کردن به پدر و مادر و واریسی حال همسایگان، از درویشان و مستمندان و بدهکاران و یتیمان و راستگویی و خواندن قرآن و بازداشتن زبان از مردم خبر به نیکی از آنها و آنها امانت نگه دار فامیل خود باشند. به این صفات جابر گوید: من گفتم: یا بن رسول الله، امروز ما کسی را به این صفات نمی‌شناسیم، فرمود: ای جابر، مبادا روشهای مردم تو را به این عقیده کشاند که برای مرد همین بس باشد که گوید: من علی را دوست دارم و پیرو اویم ولی در کار دین فعالیت نمی‌کنم پس اگر بگویند: من رسول خدا ﷺ را دوست دارم و رسول خدا ﷺ بهتر از علی علیه السلام است و سپس پیروی از شیوه او نکند و به روش او کار نکند دوستی او برای وی سودی نداشته‌باشد، از خدا بهره‌یز و برای

يَقُولَ - أَحَبُّ عَلَيًّا وَآتَوَلَّاهُ - ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا - فَلَوْ قَالَ إِنِّي
أَحَبُّ رَسُولِ اللَّهِ - فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ﷺ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ
وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ - مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ
اللَّهِ - لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ - أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ -
وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَتْقَاهُمْ وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ - يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا يَتَّقَرَّبُ إِلَى
اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَمَا مَعَنَاءَ بَرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ وَلَا عَلَى اللَّهِ
لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ - مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ - وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا
فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ - وَمَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ.

١٦٢٠ - ٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ
جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ - فَيَأْتُونَ بَابَ الْجَنَّةِ
فَيَضْرِبُونَهُ - فَيَقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ - نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَيَقَالُ لَهُمْ
عَلَى مَا صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ - وَنَصْبِرُ عَنْ
مَعَاصِي اللَّهِ - فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقُوا - أَدْخِلُوهُمْ الْجَنَّةَ وَهُوَ قَوْلُ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

١٦٢١ - ٥ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى - وَكَيْفَ
يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ.

خدا کار کن، به راستی میان خدا و کسی خویشی نیست و دوست‌ترین بنده‌های خدا عز و جل و ارجمندترین آنها نزد او با تقواترین و مطیع‌ترین آنهاست نسبت به او، ای جابر به خدا سوگند که جز با طاعت و فرمانبرداری نتوان به خدا نزدیک شد و همراه ما برات آزادی از جهنم نیست و هیچ کس بر خدا حجتی ندارد، هر کس مطیع خداست، دوست ماست و هر کس خدا را نافرمانی کند دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل کردن به تقوی و اطاعت از خدا میسر نشود.

* * *

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت شود، یک دسته مردم برخیزند و پشت در بهشت قرار گیرند و آنرا بگویند، به آنها گویند: شما کیانید؟ گویند: ما اهل صبریم، گویند: بر چه صبر کردید؟ گویند بر طاعت خدا و از نافرمانی او صبر کردیم، پس خدای عز و جل فرماید: راست گویند، آنانرا به بهشت برید و این است معنی قول خدای عز و جل: «همانا به صابران مزدشان بی حساب پرداخت شود» (زمر / ۱۰).

* * *

۵- امیر المؤمنین علیه السلام بارها می‌فرمود: علمی که با تقوی همراه باشد کم نیست پس چگونه عمل پذیرفته شده کم است؟

* * *

١٦٢٢-٦- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ - كُونُوا التَّمْرِقَةَ الْوُسْطَى - يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي - فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ سَعْدٌ - جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا الْغَالِي - قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا - فَلَيْسَ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُمْ - قَالَ فَمَا التَّالِي قَالَ - الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ - يُبَلِّغُهُ الْخَيْرَ يُؤْجِرُ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا - فَقَالَ وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ - وَلَا بَيْنُنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ - وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ - وَلَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ - فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَّعَهُ وَلَا يَسْتُنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَنَفَّعْهُ وَلَا يَتُنَا - وَ يَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا - وَ يَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا.

مرکز تحقیات کتب و ترمیم اسناد

١٦٢٣-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ أَنَا - مَا أَضْعَفَ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ - اسْتَغْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي - إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى - قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى - قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعِمُ طَعَامَهُ - وَ يَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ يُوْطِئُ رَحْلَهُ - فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ - فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى - وَ يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ عِنْدَهُ - فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ - لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ.

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه شیعه، - شیعه آل محمد علیهم السلام - شما لنگرگاه میانه باشید (در کارها و عقیده خود میانه‌رو باشید و از افراط و تفریط پرهیزید تا الگوی دیگران باشید) و آنکه غلو کرده (و از حد میانه خارج شده) به سوی شما برگردد و آنکه عقب مانده خود را به شما رساند. مردی از انصار به نام سعد عرض کرد: قربانت، غالی چیست؟ فرمود: مردمی درباره ما چیزهایی گویند که خود درباره خویش نگوییم، آنان از ما نیستند و ما از آنان نیستیم، گفت: عقب مانده کیست؟ فرمود: آنکه دنبال خیر گردد، به او خیر را برساند تا اجر برد، سپس رو به ما کرد و فرمود: به خدا با ما از طرف خدا برائت از دوزخ نیست و ما را با خدا خویشاوندی نیست و ما را بر خدا حجتی نیست، ما به خدا نزدیک نشویم جز با اطاعت او، هرکدام از شما که مطیع خدا باشد ولایت ما، برای او سودمند است و هرکدام از شما گنهگار باشد ولایت ما، او را سودی ندهد، وای بر شما، فریب نخورید، وای بر شما، فریب نخورید.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۷- مُفَضَّل ابن عمر، گوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم، که صحبت از اعمال به میان آمد، من گفتم: چه بسیار کم است عمل من . فرمود: خاموش شو، از خدا آمرزش بخواه، سپس به من فرمود: کم کار با تقوی بهتر از پرکار بی تقواست، گفتم: چگونه پرکار بی تقوا است؟ فرمود: چرا، چون مردی که نان ده است و با همسایه‌ها می‌سازد و رفت و آمد دارد و چون دری از حرام بر او باز شود به سوی آن رود، این کار بی تقواست و دیگری است که اینها را ندارد ولی چون دری از حرام به روی او گشوده شود در آن وارد نشود و خودداری کند.

١٦٢٤-٨- الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُشْتَرِقِ عَنْ مُحَسِّنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا نَقَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا - مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى - إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ - وَأَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ - وَآنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ.

بَابُ الْوَرَعِ

١٦٢٥-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ بْنِ هِلَالٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ إِنِّي لَا أَتَقَاكَ إِلَّا فِي السَّنِينَ - فَأَخْبَرَنِي بِشَيْءٍ آخُذُ بِهِ - فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ - وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَاعْلَمْ - أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ إِجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ.

١٦٢٦-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَدِيدِ ابْنِ حَكِيمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَصُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ.

١٦٢٧-٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ:

وَعَظَّنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَمَرَ وَزَهَّدَ ثُمَّ قَالَ - عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ - لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل هیچ بنده‌ای را از خواری گناه به عزت تقوی منتقل نکند جز اینکه بدون مال بی نیازش کند و بدون فامیل عزیزش سازد و مانوس و سرگرمش کند بدون آدمیزاد (یعنی او را با خود انس دهد).

* * *

ورع

۱- عمرو بن سعید بن هلال ثقفی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من هر از چند سال یکبار شما را ملاقات می‌کنم، به من چیزی بفرمایید که به آن عمل کنم. فرمود: به تو سفارش می‌کنم به تقوای از خدا و ورع و کوشش و بدان که کوشش بی ورع سودمند نیست.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

* * *

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: از خدا پرهیز کنید و دین خود را با ورع نگه دارید.

* * *

۳- یزید بن خلیفه، گفت: امام صادق علیه السلام ما را نصیحت کرد و دستور داد و ما را به زهد فرمان داد و سپس فرمود: بر شما باد به ورع زیرا به آنچه نزد خدا است، نمی‌توان رسید جز به وسیله ورع.

١٦٢٨-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ.

١٦٢٩-٥- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الصَّقَلِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعَ.

١٦٣٠-٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ ابْنِ بَرِيعٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ - لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا نَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيكَ - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَمَا الَّذِي تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيَّ - فَقَالَ لَا يَزَالُ يَكُونُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الرَّجُلِ الْكَلَامُ - فَيَقُولُ جَعْفَرِيُّ خَبِيثٌ فَقَالَ يُعِيرُكُمْ النَّاسُ بِي - فَقَالَ لَهُ أَبُو الصَّبَّاحِ نَعَمْ قَالَ - فَقَالَ مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ - إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ إِشْتَدَّ وَرَعُهُ - وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ وَرَجَا ثَوَابَهُ - فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي.

١٦٣١-٧- حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي سَارَةَ الْغَزَّالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِبْنُ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ - تَكُنْ مِنَ أَوْرَعَ النَّاسِ.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: کوشش بی ورع سود نبخشد.

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: سخت ترین عبادت ورع است.

۶- ابوالصباح کنعانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما از مردم درباره شما چه چیزهایی می بینیم؟ (و زخم زبانها می شنویم)
امام صادق علیه السلام فرمود: هروقت بین من و دیگری سخن به میان می آید درباره ما از مردم چه می بینی؟ گفت: او می گوید جعفری خبیث، سپس فرمود که: مردم شما را به خاطر من سرزنش می کنند؟ ابوالصباح گفت: آری فرمود: به خدا کسانی از شما که از جعفر پیروی می نمایند چقدر اندکند یاور من تنها کسی است که ورعش شدید باشد و برای آفریننده خود کار کند و امید ثواب او را دارد، اینانند یاران من.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرماید: ای آدمیزاده، از آنچه بر تو حرام کردم کناره گیری کن تا از پارساترین مردم باشی.

١٦٣٢-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 سُلَيْمَانَ الْمُنْقَرِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ م
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ - الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ
 مُحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

١٦٣٣-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ
 أَبِي أُسَامَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ
 وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ - وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ
 وَ كُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ - وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا
 شَيْنًا - وَ عَلَيْكُمْ بِطَوْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ - فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ
 الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ - هَتَفَ ابْنُ لَيْسٍ مِنْ - خَلْفِهِ وَ قَالَ - يَا وَيْلَهُ أَطَاعَ وَ
 عَصَيْتُ - وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتَ .

١٦٣٤-١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي زَيْدٍ
 عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ فَرَحَّبَ بِهِ وَ
 قَرَّبَ مِنْ مَجْلِسِهِ - ثُمَّ قَالَ يَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ مِنَّا وَ لَا كَرَامَةٌ مَنْ
 كَانَ فِي مِصْرٍ - فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ - أَحَدٌ
 أَوْرَعَ مِنْهُ.

۸- حفص ابن غیاث، گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم پارسا ترین مردم کیست؟
فرمود: آنکه از هر چه خدای عز و جل حرام کرده است بر حذر باشد.

* * *

۹- از ابی اسامه که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: بر تو باد به تقوای از خدا
و به پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش اخلاقی و
خوش همسایگی، شما مردم را به غیر زبان به دین دعوت کنید و زیور
مذهب باشید نه ننگ آن، بر شما باد به طولانی کردن رکوع و سجود، زیرا
هر کدام شما رکوع و سجود را طول دهد شیطان به دنبالش فریاد کشد و
گوید: وای بر من، آدمی فرمان برد و من نافرمانی کردم، او سجده کرد و
من سر باز زدم.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۰- از علی بن ابی زید از پدرش، گفت: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که
عیسی بن عبدالله قمی نزد او آمد و به او خوش آمد گفت و او را نزد
خود نشانید و سپس فرمود: ای عیسی بن عبدالله، از مانیت و شرافتی
ندارد کسی که در شهری باشد که صد هزار تن در آن باشند و در آن شهر
از او پارسا تر باشد.

* * *

١٦٣٥-١١- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ
عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْصِنِي - قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ
الاجْتِهَادِ - وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ.

١٦٣٦-١٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ
أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ - فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْكُمْ بِالْوَرَعِ - كَانَ لَهُ
عِنْدَ اللَّهِ فَرْجاً - وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ
فَأُولَئِكَ - مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ - وَ الصِّدِّيقِينَ وَ
الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ - وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا فَمِنَّا النَّبِيُّ وَ مِنَّا الصِّدِّيقُ
وَ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ.

١٦٣٧-١٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا - حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعاً مُرِيداً - أَلَا وَ إِنَّا
مِنْ إِتِّبَاعِ أَمْرِنَا - وَ إِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ - يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ وَ كَبِّدُوا
أَعْدَاءَنَا - بِهِ يَنْعَشُكُمْ اللَّهُ.

۱۱- عمرو بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به من سفارشی کن.

فرمود: تو را سفارش کنم به تقوی نسبت به خدا و به پارسائی و کوشش و بدان که کوشش بی پارسایی سودمند نیست.

۱۲- ابی الصباح کنانی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسایی یاری دهید، زیرا هر کدام شما خدای عزوجل را به پارسائی ملاقات کند برایش نزد خداوند گشایشی باشد و به راستی خدای عزوجل فرماید: «آنهائی که خدا و رسولش را اطاعت کنند همدم پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکانی باشند که خداوند نعمتشان داده و چه خوب رفیقانی هستند» - نساء / ۶۰

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: ما مردی را مؤمن ندانیم تا همه اوامر ما را پیروی کند و خواهان آن باشد، همانا یکی از پیروی امر ما و خواست آن، ورع است. خود را بدان بیارایید، خدا شما را بیامرزد و با ورع بردشمنان ما پیروز شوید و آنها را در تنگنا گذارید، خدا شما را نجات خواهد داد.

١٦٣٨- ١٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ - لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ - وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ.

١٦٣٩- ١٥- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ حَمْزَةَ الْعَلَوِيِّ قَالَ:

أَخْبَرَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ﷺ قَالَ كَثِيرًا مَا كُنْتُ أَسْمَعُ أَبِي يَقُولُ - لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَا تَتَحَدَّثُ الْمُخَدَّرَاتُ بِوَرَعِهِ فِي خُدُورِهِنَّ - وَ لَيْسَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا مَنْ هُوَ فِي قَرْيَةٍ - فِيهَا عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ - فِيهِمْ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ أَوْرَعُ مِنْهُ.

بَابُ الْعِفَّةِ

١٦٤٠- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ - مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ.

١٦٤١- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ ابْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةَ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ.

۱۴- فرمود: با غیر زبان مردم را به دین دعوت کنید، آنها باید ورع و پارسائی و تلاش و نماز و کار خیر شما را ببینند، زیرا اینها خود دعوت کننده باشند.

۱۵- امام کاظم علیه السلام فرمود: من بسیار شنیده‌ام که پدرم می‌فرمود: از شیعیان مانیت کسی که (به پارسائی و تقوی شهرت پیدا کند) که زنان و پرده‌نشینان در پشت پرده‌های خود از پارسائی او نگویند. (زیرا زنان هر قدر هم عقیف و پرده‌نشین و در حجاب باشند ولی به هنگام آمدن در کوچه و بازار بهتر از حال مردان عقیف و خوددار با خبر می‌شوند)، از دوستان مانیت کسی که در یک شهری که ده هزار مرد دارد زندگی کند و از خلق خدا کسی از او پارساتر باشد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

عفت

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: خدا چیزی بهتر از عفت در شکم و فرج، پرستش نشده.

۲- فرمود: بهترین عبادت، عفت شکم و فرج است.

١٦٤٢-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ.

١٦٤٣-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ - وَلَكِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا آكُلَ إِلَّا حَلَالًا - قَالَ فَقَالَ لَهُ أَيُّ الْإِجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ.

١٦٤٤-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ - الْأَجُوفَانِ الْبَطْنُ وَالْفَرْجُ.

١٦٤٥-٦- وَبِإِسْنَادِهِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَلَاثٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي - الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ - وَمَضَلَّاتُ الْفِتَنِ - وَشَهْوَةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ.

١٦٤٦-٧- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ - مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ.

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بهترین عبادت عفت است.

۴- مردی به امام باقر علیه السلام گفت: من کم کار و کم روزه گیرم ولی امیدوارم که جز حلال نخورم. امام فرمود: چه کوشش بهتر از عفت شکم و فرج است؟

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین چیزی که اتم را به دوزخ می کشاند دو چیز است شکم و فرج.



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از خود از سه چیز بر اتم بیمناکم:

الف - گمراهی پس از معرفت

ب - فتنه های گمراه کننده

ج - شهوت شکم و فرج.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: عبادتی بهتر از عفت شکم و فرج نیست.

١٦٤٧-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَثُورِ بْنِ حَارِثٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ - مِنْ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَفَرْجٍ.

بَابُ اجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ

١٦٤٨-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - يَرَاهُ وَ
يَسْمَعُ مَا يَقُولُهُ - وَيَفْعَلُهُ مِنْ - خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ - فَيَخْجُزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ
مِنَ الْأَعْمَالِ - فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ - وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى.

١٦٤٩-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ
الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرَ ثَلَاثٍ - عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ - وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.

١٦٥٠-٣- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى عليه السلام - يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ
الْمُتَّقِرُونَ - بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي - فَإِنِّي أُبَيِّحُهُمْ جَنَاتٍ عَدْنٍ - لَا
أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا.

۸- باز فرمود: هیچ عبادتی نزد خداوند بهتر از عفت در شکم و فرج نیست.

توضیح: بدیهی است که شکمخوارگی و زنیارگی در محیط اجتماع با حقوق بسیاری برخورد می‌کند و چه بسا که مفسد زیانباری به دنبال دارد زیرا شخص می‌خواهد شکم و چشم خود را قانع و راضی سازد.

پرهیز از محرمات

۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «و برای هر کس که از مقام پروردگار خود بترسد و بهشت است (رحمن/۴۶)» فرمود: هر کس بداند خدای عز و جل او را می‌بیند و هر چه از خوبی و بدی بگوید و انجام دهد می‌شنود و آگاه است و این دانش او را از کردار زشت باز دارد، هم اوست که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوای نفس باز داشته است.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

هر چشمی در روز رستاخیز گریان است جز سه چشم،
الف - چشمی که در راه خدا بیداری کشیده
ب - چشمی که از ترس خدا اشک ریخته
ج - چشمی که از آنچه خدا حرام کرده بسته.

۳- امام صادق علیه السلام، فرموده در آنچه خدای عز و جل به موسی گفت این بود که: ای موسی، هیچ کس به من، مانند خودداری از محرمات تقرب نجست همانا من برای آنها بهشت عدل را مباح گردانم و دیگری را با آنها شریک نسازم.

١٦٥١-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ - ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ - لَا أَغْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ - وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ - وَإِنْ كَانَ مِنْهُ وَ لَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ - فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا - وَإِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا.

١٦٥٢-٥- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ - فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا قَالَ أَمَا وَاللَّهِ إِنْ كَانَتْ - أَعْمَالُهُمْ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الْقَبَاطِيِّ - وَلَكِنْ كَانُوا إِذَا عَرَضَ لَهُمُ الْحَرَامُ - لَمْ يَدْعُوهُ.

١٦٥٣-٦- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ مَخَافَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ أَرْضَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

بَابُ أَذَلِّ الْقَرَائِصِ.

١٦٥٤-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ - فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: سخت‌ترین چیزی که خدا بر مخلوق خود واجب کرده این است که از خدا بسیار یاد کنند سپس فرمود: مقصود این نیست که بسیار بگویند: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر، گرچه آن هم از ذکر خداست ولی مقصودم یاد خداست در آنچه حلال کرده تا اگر اطاعت است انجام دهد و اگر گناه است رها سازد.

توضیح: هرچند که پیرامون حیط اعمال حسنه و کفر گناه بحث‌هایی نموده‌اند به اینکه احباط عبارت از ابطال و بی اثر شدن حسنات و کارهای خوب توسط گناه است و تکفیر عبارت از اسقاط گناه و بی اثر شدن آن توسط حسنات است ولی باید گفت منظور از کردارهای خوب مثل مهمان نوازی و صله رحم و غیره مانند غبار و ذرات کوچکی است در برابر نور خورشید همانطوریکه این ذرات محو و نابود می‌شوند این اعمال خوب هم در برابر گناهان محو و نابود می‌شوند.

۵- سلیمان بن خالد، گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از تفسیر قول خدای عزوجل: «و به کارهایی که انجام داده‌اند بپردازیم و آنها را غباری پراکنده سازیم (فرقان / ۲۳)»

فرمود: همانا به خدا سوگند کردارشان سفیدتر از جامه‌های سپید و نازک مصری بود ولی چون حرامی جلوشان جلوه می‌کرد از انجام آن باکی نداشتند.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس گناهی را بخاطر ترس از خداوند ترک کند خدا روز قیامت او را بخشنود سازد.

ادای واجبات الهی

۱- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: هرکس به آنچه که خداوند بر او واجب کرده عمل نماید از بهترین مردم است.

١٦٥٥-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا قَالَ إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ.

١٦٥٦-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي السَّفَاتِجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا قَالَ إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ - وَصَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ - وَرَابِطُوا عَلَى الْأَثَمَةِ: وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي السَّفَاتِجِ وَزَادَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ.

١٦٥٧-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسَ.

١٦٥٨-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ.

۲- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «صبر کنید و با صبر غلبه کنید و مرز داری نمائید» (آل عمران / ۲۰۰) فرمود: صبر کنید در انجام واجبات (یعنی انجام واجبات که برای انسان سخت و مشکل است تحمل نمائید)

* * *

۳- از آن حضرت در تفسیر قول خدای عز و جل: «صبر کنید و با صبر غلبه کنید و مرز داری کنید» فرمود: صبر کنید بر واجبات و با صبر غلبه کنید بر مصیبت‌ها و با ائمه و پیشوایان معصوم پیوند داشته باشید (زیرا اسلام و ایمان توسط ایشان سبب دور ماندن از دسترس بدعت گذاران خواهد بود) و این بهترین مرزداری از دین است.
در روایت ابی السفّاتج این جمله را هم افزوده است که: پرهیزد نسبت به خدا پروردگار خود در آنچه بر شما واجب کرده است.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

* * *

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا پرهیزکارترین مردم باشی.

* * *

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند می‌فرماید: بنده من دوستی مرا جلب نکند به چیزی که محبوب‌تر باشد نزد من، از عمل به آنچه که بر او واجب کرده‌ام.

بَابُ اسْتِوَاءِ الْعَمَلِ وَ الْمَدْلُومَةِ عَلَيْهِ.

۱-۱۶۵۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ - فَلْيَدُمَّ عَلَيْهِ سَنَةً - ثُمَّ
يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ - وَ ذَلِكَ أَنْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يَكُونُ فِيهَا فِي
عَامِهِ ذَلِكَ - مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ.

۲-۱۶۶۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ.

۳-۱۶۶۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَّالَةَ
بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ نَجْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - مِنْ عَمَلٍ يُدَاوِمُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ.

۴-۱۶۶۲- عَنْهُ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ إِنِّي لِأَحِبُّ أَنْ أَدَاوِمَ عَلَى الْعَمَلِ
وَإِنْ قَلَّ.

استواری در عمل و ادامه آن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مردی کاری انجام دهد که تا یک سال ادامه داشته باشد و سپس اگر بخواهد عمل دیگری را انجام دهد زیرا در یک سال شب قدر است (که در آن خیر و برکات است) که خداوند خواسته است.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: محبوب ترین عمل نزد خدای عز و جل عملی است که بنده ای آن را ادامه دهد گرچه کم باشد.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۳- باز فرمود: چیزی نزد خدای عز و جل محبوب تر از عملی که ادامه داده شود نیست گرچه اندک باشد.

۴- علی بن الحسین علیه السلام بارها می فرمود: به راستی من دوست دارم پیگیر کاری باشم هر چند که کم باشد.

١٦٦٣- ٥- عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ إِنِّي لِأَحَبُّ أَنْ أَقْدِمَ - عَلَى رَبِّي وَ عَمَلِي مُسْتَوٍ.

١٦٦٤- ٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاكَ أَنْ تَفْرِضَ عَلَى نَفْسِكَ - فَرِيضَةً فَتُفَارِقَهَا اثْنَيْ عَشَرَ هَلَالًا.



بَابُ الْعِبَادَةِ

مركز تحقیات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١٦٦٥- ١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ - تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ غِنًى - وَ لَا أَكِلَكَ إِلَى طَلَبِكَ - وَ عَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَكَ - وَ أَمْلَأُ قَلْبَكَ خَوْفًا مِنِّي وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي - أَمْلَأُ قَلْبَكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا - ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَ أَكِلَكَ إِلَى طَلَبِكَ.

۵- علی بن الحسین علیه السلام بارها می فرمود: من دوست دارم که بر پروردگارم وارد شوم در حالی که عملم برابر باشد (هر روز نسبت به روز قبل کمتر نباشد)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: مبادا بر خود کاری را لازم گردانی و تا ۱۲ ماه از آن دست برداری.

توضیح: مقصود آن است که نباید خود را به طاعتی متعهد گردانی (مثل نماز شب) و پس از مدتی دست از آن برداری.



عبادت

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است: ای آدمی زاده، تنها مرا عبادت کن تا دلت را از بی نیازی پر کنم و تو را به خود واگذارم و بر من است نیازمندی را از تو بردارم و دلت را از ترس خود پر کنم و اگر دل به عبادت من ندهی، دلت را از توجه به دنیا پر کنم و در نیاز را به روی تو ببندم و تو را به خود واگذارم.

١٦٦٦-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي - فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَنَعَّمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ.

١٦٦٧-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ - فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ - وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا - فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا - عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ.

١٦٦٨-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ شَاذَانَ بْنِ الْخَلِيلِ قَالَ وَكُتِبَتْ مِنْ كِتَابِهِ بِإِسْنَادٍ لَهُ يَرْفَعُهُ إِلَى عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِبَادَةُ - قَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوُجُوهِ - الَّتِي يُطَاعُ اللَّهُ مِنْهَا أَمَّا إِنَّكَ يَا عِيسَى - لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَعْرِفَ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ - قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - وَمَا مَعْرِفَةُ النَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ - قَالَ فَقَالَ أَلَيْسَ تَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ - مُوَطَّنًا نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ فِي طَاعَتِهِ - فَيَمُضِي ذَلِكَ الْإِمَامُ وَيَأْتِي إِمَامٌ آخَرٌ - فَتَوَطَّنُ نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ فِي طَاعَتِهِ - قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ - هَذَا مَعْرِفَةُ النَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: ای بنده‌های راستگوی من در دنیا از نعمت عبادتم برخوردار باشید که آخرت هم از آن نعمت برخوردار خواهید بود (زیرا صدیقان و مقربان درگاه خداوند از عبادت لذت برند و به وسیله آن نیرومند شوند و در نزد آنها اینکار بزرگترین لذت روحی است)

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت است و آن را در آغوش کشد و در دل دوست دارد و با تن آن را انجام دهد و برای آن خود را فارغ سازد (دل به کار دیگری مشغول نسازد) چنین شخصی باک ندارد که در دنیا به سختی زندگی کند یا در رفاه باشد.

۴- عیسی بن عبد الله به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قربانت گردم، عبادت چیست؟ فرمود: خوش نیتی در طاعت از راههایی که خدا اطاعت شود، همانا ای عیسی، تو مؤمن نباشی تا آنکه ناسخ را از منسوخ بشناسی. گوید: گفتم: معرفت ناسخ و منسوخ چیست؟ فرمود:

تو نیستی که با امامی دل به اطاعت او دادی و نیت خوب داری و آن امام می‌میرد و امام دیگری می‌آید و به او دل می‌سپاری و نیت خوب داری که از او فرمان ببری. گفتم: چرا؟

فرمود: این است شناخت ناسخ از منسوخ

توضیح: حسن نیت در طاعت به این معنی است که عبادت درست و صحیح آن است که با نیت پاک و درست و به دور از هر گونه ریا و بدعت انجام گیرد تا خدا راضی باشد و معنی ناسخ و منسوخ در قرآن که می‌فرماید: «آیه‌ای را نسخ می‌کنیم جز آن که بهتر یا مانند آن بیاوریم» (بقره / ۱۰۱) این آیه تفسیر شده است به این که امامی را نبریم جز آنکه امام دیگری را بهتر یا مانند او بیاوریم

١٦٦٩-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ - قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا - فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ -
وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ -
وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ - فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ - وَهِيَ
أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

١٦٧٠-٦- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا أَقْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى - وَأَقْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ
الْمُسْكِنَةِ - وَأَقْبَحُ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ - ثُمَّ يَدْعُ عِبَادَتَهُ.

١٦٧١-٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ
عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ - فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ.

بَابُ النِّيَّةِ.

١٦٧٢-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي
حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:
لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: عبادت در سه وجه است:

- ۱- مردمی که خدای عز و جل را از ترس عبادت می کنند، که این عبادت بنده ها است.
- ۲- مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند، که این عبادت مزدوران است؛
- ۳- مردمی که خدای عز و جل را بخاطر دوستی او عبادت می کنند که این عبادت آزاده ها است و این بهترین عبادت است.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه زشت است فقر بعد از ثروت مندی و چه زشت است گناه بعد از خواری و درویشی و زشت تر از آن خطا کاری پس از مستمندی و زشت تر از آن کسی است که خدا را عبادت کند و سپس او را رها سازد.

۷- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه که خدا بر او واجب کرده عمل کند او از عابدترین مردم است.

نیت

۱- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: عملی جز به وسیله نیت نباشد. (زیرا عمل بدون نیت و قصد قربت به خداوند ارزش ندارد).

١٦٧٣- ٢- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ - وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ
 عَمَلِهِ - وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ.

١٦٧٤- ٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ
 سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ - لَيَقُولُ يَا رَبِّ أَرْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنْ
 الْبِرِّ وَ وَجْهِ الْخَيْرِ - فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنْهُ - بِصِدْقِ نِيَّةِ كَتَبَ
 اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ - مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ - إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.

١٦٧٥- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرِو عَنْ حَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَدِّ الْعِبَادَةِ - الَّتِي إِذَا فَعَلَهَا فَاعِلُهَا كَانَ
 مُؤَدِيًّا - فَقَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ.

١٦٧٦- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعِنَقَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ - لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي
 الدُّنْيَا - أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَغْصُوا اللَّهَ أَبَدًا - وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي
 الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا - أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا -
 فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ - ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى - قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى
 شَاكِلَتِهِ قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ.

۲- رسول خدا ﷺ فرمود: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عمل اوست و هرکس براساس نیت خود کار می‌کند.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: براستی بنده مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا به من (مال و ثروت) بده تا صرف کارهای خیر کنم و چون خدا بداند که راست گوید، به او همان اجر را بنویسد که اگر آن کار را می‌کرد می‌نوشت براستی خدا واسع و کریم است. (شاید این حدیث توضیحی باشد برای حدیث دیگری که می‌فرماید: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست.

۴- ابی بصیر، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از عبادتی که چون انجام دهد وظیفه خود را به پایان رسانده؟ و فرمود: حسن نیت به طاعت است.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا دوزخیان در دوزخ جاویدند زیرا در دنیا نیت داشتند که اگر جاوید بمانند در آن همیشه خدا را نافرمانی کنند و همانا اهل بهشت در آن جاویدند برای آنکه در دنیا نیت داشتند که اگر همیشه در آن بمانند از خدا فرمان برند پس هر دو بخاطر نیت، جاوید بمانند، سپس قول خدای تعالی را خواند: «هرکس براساس روش خود عمل می‌کند (اسراء / ۸۴)»

فرمود: طبق نیت خود

بَابُ

١٦٧٧- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ
الْأَخْوَلِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً - ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ - فَمَنْ
صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى - وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ
ضَلَّ - وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ - أَمَا إِنِّي أَصَلِّي وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ
وَأُضْحِكُ وَأُبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ مِنْهَاجِي - وَسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَقَالَ
كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً - وَكَفَى بِالْيَقِينِ غِنًى - وَكَفَى بِالْعِبَادَةِ شُغْلًا.

١٦٧٨- ٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِكُلِّ أَحَدٍ شِرَّةٌ وَلِكُلِّ شِرَّةٍ فِتْرَةٌ - فَطُوبَى لِمَنْ كَانَتْ
فِتْرَتُهُ إِلَى خَيْرٍ.

بَابُ الْاِقْتِصَادِ فِي الْعِبَادَةِ.

١٦٧٩- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ - فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِسِرْفَةٍ - وَلَا
تُكْرِهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ - فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْبِتِّ - الَّذِي لَا

باب دیگر

۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

همانا برای عبادتی جنبشی است و سپس به سستی و آرامش گراید: هرکس شور عبادتش به سوی سنت من باشد هدایت شده و هرکس مخالف سنت من عمل کند گمراه گشته و عملش او را به هلاکت کشاند همانا من نماز می خوانم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار می کنم و می خندم و می گریم در اینصورت هرکس از روش من روگردان باشد از من نیست آنگاه فرمود: برای پند، مرگ کافی است و برای بی نیازی، یقین کافی است و برای سرگرمی و اشتغال به کار، عبادت کافیست.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس را شور و حرکتی است، و هر حرکتی سستی به دنبال دارد خوشابه حال کسی که حرکتش به سوی خیر باشد.

اقتصاد و میانه روی در عبادت

۱- رسول خدا ﷺ فرمود: براستی این دین محکم و متین است پس با آرامش در آن وارد شوید و عبادت را به بندهای خدا تحمیل نکنید تا چون سوار درمانده ای باشید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی را بر جای گذاشته.

سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى.

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ مُقَرِّنٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مِثْلَهُ.

١٦٨٠- ٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ

جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تُكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ.

١٦٨١- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا - فَعَمِلَ

عَمَلًا قَلِيلاً جَزَاهُ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرِ - وَلَمْ يَتَعَظَّمْهُ أَنْ يَجْزِيَ بِالْقَلِيلِ

الْكَثِيرَ لَهُ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته و نشری

١٦٨٢- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ

الْجَهْمِ عَنْ مَنصُورٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ بِي أَبِي وَأَنَا بِالطَّوَّافِ - وَأَنَا حَدَّثْتُ وَقَدْ اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ - فَرَأَانِي

وَأَنَا أَتَّصَابُ عَرَقًا - فَقَالَ لِي يَا جَعْفَرُ يَا بُنَيَّ - إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا -

أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَرَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: عبادت را بر خود با کراهت تحمیل مکنید (یعنی تا شوق و رغبت دارید به عبادت پردازید و چون کسل شوید، آن را کنار گذارید تا درمانده از آن نگردید)

توضیح: شاید امام می خواهد بگوید: طوری به مستحبات رو نکنید که شما را خسته و درمانده سازد و شما را از شور و شوق بیندازد بنده مؤمن باید عبادت را با شور و شوق انجام دهد و چون خسته شد خود را به کارهای دیگری مشغول سازد.

۳- حنّان بن سدير، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: براستی خدای عزوجل چون بنده ای را دوست دارد و آن بنده کار کمی هم کند پاداش بزرگ به او دهد و بخاطر کار که پاداش زیاد داده بر او بزرگ و سنگین نباشد.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۴- فرمود: پدرم در طواف بر من گذشت، من جوانی نورس بودم و در عبادت کوشش می کردم، مرا دید که عرق می ریزم، به من فرمود: ای جعفر، پسرم براستی خدا چون بنده ای را دوست بدارد او را به بهشت می برد و بخاطر عبادت اندکش از او راضی است.

١٦٨٣- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَحْتَرِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ - فَقَالَ لِي أَبِي عليه السلام يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ - فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ.

١٦٨٤- ٦- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ إِبْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ - فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ - وَ لَا تُبَغِّضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ - فَإِنَّ الْمُنْبَتَّ يَغْنِي الْمُرْطَ - لَا ظَهْرًا أَبْقَى وَلَا أَرْضًا قَطَعَ - فاعْمَلْ عَمَلَ مَنْ يَرْجُو أَنْ يَمُوتَ هَرْمًا وَ أَحْذَرْ حَذَرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ غَدًا.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

بَابُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ.

١٦٨٥- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ - كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.

۵- فرمود: من جوان بودم و در عبادت رنج می کشیدم، پدرم به من فرمود: پسر جانم، کمتر از آن که می بینم عبادت کن، زیرا خدای عز و جل چون بنده ای را دوست داشته باشد به عملی اندک از او راضی باشد.

* * *

۶- رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی، این دین محکم و متین است، به آرامی در آن وارد شو عبادت پروردگارت را مبغوض خود مگردان زیرا کسی که در راندن مرکب زیاده روی کرده نه مرکب باقی گذاشته و نه راه را پیموده پس مانند کسی عمل کن که امید دارد در پیری بمیرد و پرهیز کن مانند کسی که می ترسد فردا بمیرد (یعنی مستحبات را به آرامش انجام ده و فکر کن که تا پیری راه زیادی در پیش داری و از محرمات دوری کن به این خیال که فردا می میری)

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

کسی که به او عملی برسد، ثوابی از طرف خدا دارد

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بشنود کاری دارای ثواب است و آن کار را بکند، آن ثواب را ببرد اگر چه آن طور که به او رسیده نباشد.

* * *

١٦٨٦-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عِمْرَانَ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ - فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ إِيَّامَ ذَلِكَ الثَّوَابِ - أَوْ تَبِعَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.

بَابُ الصَّبْرِ

١٦٨٧-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ.

١٦٨٨-٢- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمِثْلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ - فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ - كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.

١٦٨٩-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا حَفْصُ إِنَّ مَنْ صَبَرَ صَبَرَ قَلِيلاً - وَإِنْ مَنْ جَزَعَ جَزَعَ قَلِيلاً - ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ - فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله - فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرَّفْقِ - فَقَالَ وَ إَصْبِرْ عَلَى مَا

۲- محمد بن مروان، گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: به هر کس از طرف خدا در برابر عملش به او ثوابی برسد و آن کار را به امید آن ثواب انجام دهد آن ثواب را به او دهند گرچه حدیث آن طور که به او رسیده نباشد.

توضیح: به مضمون این دو روایت روایت دیگری هم وارد شده که این روایات به اخبار من بلغ معروف اند و نتیجه آنها تسامع در ادله سنن است و خلاصه روایات این است که اگر بشنود عملی دارای ثواب است چنین پاداشی خداوند به او خواهد داد زیرا خداوند بر اساس اعتقاد او عمل می کند و آن پاداش را به او می دهد هر چند که چنین چیزی نرسیده باشد زیرا لطف و کرم خداوند فراوان است و هیچگاه امید بنده ای را از بین نمی برد و نا امیدش نمی کند.



صبر و شکیبایی

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: شکیبایی و صبر سر ایمان است.

۲- فرمود: صبر از ایمان چون سر است نسبت به تن، و چون سر برود، تن هم برود، و همچنین صبر که رفت ایمان هم رفته است.

۳- امام صادق علیه السلام به حفص بن غیاث فرمود: ای حفص، هر کس صبر کند، اندکی صبر کرده و هر کس بی تابی کند، اندکی بی تابی کرده، سپس

يَقُولُونَ - وَ أَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا - وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ
 قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِدْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ فَإِذَا الَّذِي بَيْتُكَ وَ
 بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ - كَانَتْهُ - وَلِيٌّ حَمِيمٌ - وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا - وَ مَا
 يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - حَتَّى نَالُوهُ بِالْعِظَائِمِ وَ
 رَمَوْهُ بِهَا - فَضَاقَ صَدْرُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ - وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ
 يَضِيقُ صَدْرُكَ - بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ - وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ
 ثُمَّ كَذَّبُوهُ وَ رَمَوْهُ - فَحَزِنَ لِدَٰلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ
 لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ - فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ - وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ
 اللَّهِ يَجْحَدُونَ - وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ - فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا -
 وَ أَوْذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا فَأَلْزَمَ النَّبِيُّ ﷺ نَفْسَهُ الصَّبْرَ - فَتَعَدَّوْا فذَكَرَ
 اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذَّبُوهُ - فَقَالَ قَدْ صَبَرْتُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي - وَ
 عِرْضِي وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَىٰ ذِكْرِ إِلَهِي - فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لَقَدْ خَلَقْنَا
 السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ - وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ - وَ مَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ -
 فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ فَصَبَرَ النَّبِيُّ ﷺ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ - ثُمَّ بُشِّرَ فِي
 عِثْرَتِهِ بِالْأُمَّةِ - وَ وُصِفُوا بِالصَّبْرِ فَقَالَ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً
 يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا - لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَايَاتِنَا يُوقِنُونَ - فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ ﷺ
 - الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ - فَشَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ
 لَهُ - فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ
 - بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ - وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا

فرمود: بر تو باد که در کارت صبر پیشه کنی، زیرا خدا محمد ﷺ را مبعوث کرد و او را به صبر و نرمش فرمان داد و فرمود: «بر آنچه می‌گویند صبر کن و به خوشی از آنها کناره‌گیری کن (مزل / ۱۰)» (۱۱) مرا با نعمت خوردگانی که تو را تکذیب کنند و اگذار و فرمود: «بدی را با آنچه نیکوتر است دفع کن تا دشمنی میان شما به دوستی تبدیل شود (فصلت / ۳۵)» (۳۶) و این خصلت ندارند جز کسانی که صبر کنند و به آن برنخورند به آن جز صاحب بهره فراوان پس رسول خدا ﷺ صبر کرد تا به او وصله‌های بزرگی چسباندند (و او را به سحر و جنون و دروغ متهم کردند) پس سینه او تنگ شد و خدای عز و جل به او فرمود: «و به یقین می‌دانیم از آنچه که می‌گویند دل تنگ شده‌ای (حجر / ۹۷)» (۹۸) با ستایش پروردگار خود را تسبیح‌گوی و از سجده‌گزاران باش (حجر / ۹۸) سپس تکذیبش کردند و به همین خاطر غمگین شد و خداوند فرمود: «ما می‌دانیم که سخنان آنها تو را غمگین می‌کند آنها تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه ستمگران آیات خدا را انکار می‌کنند (انعام / ۳۳)» پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و بر این صبر کردند تا یاری ما به آنها رسید (انعام / ۳۴) پس پیامبر خود را به صبر و شکیانی ملزم کرد و آنها از حد خود تجاوز کردند و خدا را به زبان آورده و او را تکذیب کردند و پیامبر فرمود: درباره خود و خاندانم صبر کردم ولی نسبت به خدای خود صبر ندارم خداوند به او فرمود: «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست در شش روز آفریدم و هیچ خستگی به ما نرسد و به آنچه می‌گویند صبر کن (ق / ۳۸)» و پیامبر در همه احوال صبر کرد تا مژده عترتش را به او دادند و آنها را هم توصیف به صبر کردند و خداوند فرمود: «ما بفرمان خود بعضی از افراد بنی اسرائیل را پیشوای مردم قرار دادیم تا بفرمان ما هدایت و رهبری نمایند، آنها کسانی بودند که در راه حق صبر

يَعْرِشُونَ فَقَالَ ﷺ إِنَّهُ بُشْرَى وَإِنْتِقَامٌ - فَأَبَاحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قِتَالَ
 الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ وَ
 أَحْضَرُوهُمْ - وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ
 - فَقَتَلَهُمُ اللَّهُ عَلَى يَدَيَّ - رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَحْبَائِهِ - وَجَعَلَ لَهُ ثَوَابَ
 صَبْرِهِ - مَعَ مَا إِدْخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ - فَمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ
 الدُّنْيَا - حَتَّى يَقْرَأَ اللَّهُ لَهُ عَسِيَّتَهُ فِي أَعْدَائِهِ - مَعَ مَا يَدْخُرُ لَهُ
 فِي الْآخِرَةِ.

١٦٩٠ - ٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
 أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ السَّرَّاجِ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمِزْلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ - وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ
 لَا صَبْرَ لَهُ.

١٦٩١ - ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
 فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمِزْلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ - فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ
 الْجَسَدُ - كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.

١٦٩٢ - ٦ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ - إِنْ نَابَتْهُ

کردند و به آیات و نشانه‌های ما بمقام یقینی رسیدند (سجده / ۲۴) در این هنگام پیامبر فرمود: صبر از ایمان مانند سر است نسبت به تن پس خدا هم از صبر او شکر گزاری کرد و فرمود: «که کلمه نیکو پروردگارت درباره فرزندان اسرائیل بخاطر صبری که کرده بودند انجام گرفت و آنچه که فرعون و قومش می‌ساختند واژگون کردیم (اعراف / ۱۳۶) رسول خدا ﷺ فرمود: این مژده و انتقام است و خدای عزوجل برای او نبرد با مشرکان را مباح کرد و فرمود: «مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و بگیرید و محاصره شان کنید و در هر کمین گاهی را بر سر راهشان بنشینید (توبه / ۶)» باز فرمود: «آنها در هر کجا برخورد کردید و دست یافتید بکشید (بقره / ۱۹۱)» پس خداوند آنها را به دست پیامبر و یارانش بکشت و آنها را پاداش صبرش قرار داد علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرد پس هر کس صبر کند و به حساب خدا گذارد از دنیا نرود تا آنکه خداوند چشمانش را به سرکوبی دشمنان روشن گرداند علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است.

۴- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: نسبت صبر به ایمان همچون نسبت سر است به تن و کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت صبر به ایمان چون سر است نسبت به تن، چون سر رود تن رفته است، همچنین وقتی صبر نباشد، ایمان رفته است.

۶- ابی بصیر، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: به راستی آزاده در حال آزاد است، اگر گرفتاری برایش پیش آید

نَائِبَةٌ صَبْرَهَا - وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ - وَإِنْ أُسِرَ وَقُهِرَ
وَأُسْتُبْدِلَ بِالْيُسْرِ عُسْرًا - كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ الْأَمِينُ - ﷺ لَمْ
يَضُرُّ حُرِّيَّتَهُ - أَنْ أُسْتُعِيدَ وَقُهِرَ وَأُسِرَ وَلَمْ تَضُرُّهُ - ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَ
وَحْشَتُهُ وَمَا نَالَهُ - أَنْ مَنْ اللَّهَ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ - الْعَاقِيَ لَهُ عَبْدًا بَعْدَ
إِذْ كَانَ لَهُ مَالِكًا - فَأَرْسَلَهُ وَرَحِمَ بِهِ أُمَّةٌ - وَكَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعَقِّبُ
خَيْرًا - فَاصْبِرُوا وَوَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ - عَلَى الصَّبْرِ تُوجَرُوا.

١٦٩٣-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِمْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمُكَارِهِ وَالصَّبْرِ - فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ
الْجَنَّةَ - وَجَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ - فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ
لَذَّتَهَا - وَشَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ.

١٦٩٤-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْحُومٍ عَنْ
أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ - كَانَتْ الصَّلَاةُ عَنْ يَمِينِهِ - وَالزَّكَاةُ عَنْ
يَسَارِهِ - وَالْبِرُّ مُطْلُوعًا عَلَيْهِ - وَتَتَحَيَّ الصَّبْرُ نَاحِيَةً - فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ
الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ - يَلْيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَالَ الصَّبْرُ - لِلصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْبِرِّ
دُونَكُمْ صَاحِبَكُمْ - فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْهُ فَأَنَا دُونُهُ.

صبر کند و اگر مصائب و ناراحتی‌ها بر او حمله‌ور شود او را نشکنند اگرچه اسیر شود و مقهور گردد و به جای رفاه او سختی جایگزین شود، چنانچه یوسف علیه السلام صدیق و امین بود، اینکه او را به بندگی گرفتند و اسیر و مقهور شد آزادیش را لکه دار نکرد و تاریکی چاه و هراس از آن به او زبانی نرسانید تا اینکه خدا بر او منت نهاد و آن جبار سرکش را بنده او ساخت پس از آنکه مالک او بود، خدا او را رسول خود نمود و به وسیله او به امتی رحم کند چنین است صبر که خیر به دنبال دارد، شما هم صبر کنید و دل به صبر سپارید تا اجر ببرید.

* * *

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت در میان ناگواری‌ها و صبر است، هرکس در این دنیا در برابر ناگواری‌ها صبر کند به بهشت خواهد رفت و دوزخ در میان لذت‌ها و شهوت‌ها است، هرکس دنبال لذت و شهوت خود رود، سر از دوزخ درآورد.

* * *

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: چون مؤمن داخل قبر شود نماز طرف راست و زکات طرف چپ او باشد و احسان بر سر او سایه افکند و صبر در گوشه‌ای است، چون دو فرشته بر او در آیند که متصدی سؤال و جواب اویند، صبر، به نماز و زکات و احسان، گوید: مراقب رفیق خود باشید و اگر درمانده شدید من یاور او هستم.

١٦٩٥-٩- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْمَسْجِدَ - فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ كَثِيبٍ حَزِينٍ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - مَا لَكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُصِيبْتُ بِأَبِي وَأُمِّي وَأَخِي وَأَخْشَى أَنْ أَكُونَ قَدْ وَجِلْتُ - فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالصَّبْرِ تَقْدَمَ عَلَيْهِ غَدًا - وَالصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ - فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ - وَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ.

١٦٩٦-١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي مَا حَبَسَكَ عَنِ الْحَجِّ - قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - وَقَعَ عَلَيَّ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَذَهَبَ مَالِي - وَدَيْنِي الَّذِي قَدْ لَزِمَنِي - هُوَ أَعْظَمُ مِنْ ذَهَابِ مَالِي - فَلَوْ لَا أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا - أَخْرَجَنِي مَا قَدَرْتُ أَنْ أَخْرُجَ فَقَالَ لِي إِنْ تَصَبَّرْتَ تُغْتَبَطَ وَإِلَّا - تَصَبَّرَ يُنْفِذِ اللَّهُ مَقَادِيرَهُ - رَاضِيًا كُنْتُ أَمْ كَارِهًا.

١٦٩٧-١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد وارد شد ناگاه مردی را بر در مسجد دید که غم زده و سر در گریبان دارد، امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: تو را چه می شود؟ عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، پدر و مادر و برادرم مرده اند و می ترسم دق کنم.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: بر تو باد به تقوی نسبت به خدا و به صبر، تا فردا با آن پیش وی روی (و پاداش آن را ببینی) آگاه باش که خیر در کارها مانند سر است نسبت به تن، چون سر از تن جدا شود، تن فاسد گردد و چون در کارها صبر نباشد، همه کارها فاسد گردد.

* * *

۱۰- سماعة بن مهران، گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام به من فرمود: چه چیزی تو را از حج بازداشت؟ گفتم: بدهکاری بسیاری بر عهده ام افتاده و مالم از دست رفته و بدهکاری که گردنگیرم شده از رفتن مالم دشوارتر است و اگر یکی از دوستان مرا از خانه بیرون نمی آورد نمی توانستم بیرون بیایم.

حضرت فرمود: اگر صبر کنی مورد شکر قرارگیری و اگر صبر نکنی خدا آنچه مقدر است اجرا کند، چه بخواهی یا نخواهی.

* * *

۱۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو نوع است: صبر در مصیبت که خوب و خوشایند است و بهتر از آن صبر و خودداری از آنچه که خداوند بر تو

الْمُصِيبَةِ - حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ - الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ عَلَيْكَ - وَ الذِّكْرُ ذِكْرَانِ - ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ
و أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً.

١٦٩٨-١٢ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ
عَنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ - لَا يُتَالُ الْمَلِكُ فِيهِ إِلَّا
بِالْقَتْلِ وَ التَّجْبُرِ - وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَ الْبُخْلِ - وَ لَا الْمَحَبَّةُ إِلَّا
بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَ اتِّبَاعِ الْهَوَى - فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى
الْفَقْرِ - وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى - وَ صَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى
الْمَحَبَّةِ - وَ صَبَرَ عَلَى الذُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ - آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ
صَدِيقاً - مِمَّنْ صَدَّقَ بِي.

١٦٩٩-١٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ
عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنُصُورٍ عَنْ عِيسَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَفْزَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - الْوَفَاةُ
ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ - يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي - حِينَ
حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَ بِمَا ذَكَرَ - أَنْ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ يَا بُنَيَّ - اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ
إِنْ كَانَ مُرّاً.

حرام کرده است ؛ و ذکر نیز بر دو گونه است: ذکر خدای عز و جل در وقت مصیبت و برتر از آن ذکر خدا در برابر آنچه او بر تو حرام کرده است به این خاطر که مانع تو از کار حرام شود.

۱۲- رسول خدا ﷺ فرمود: به یقین زمانی بیاید که به ملک و سلطنت نرسند جز با کشتار و دیکتاتوری و زور و به توانگری نرسند جز به وسیله غصب مال مردم و بخل، و به دوستی یکدیگر نرسند جز به وسیله بیرون بردن از دین و پیروی از هوای نفس، هر کس چنین زمانی را درک کند و به فقر صبر نماید با اینکه توان توانگری را داشته باشد و بردشمنی مردم صبر کند با اینکه بر دوستی توانائی داشته باشد و بر ذلت صبر کند با اینکه بر عزت توانا باشد، خدا ثواب پنجاه صدیقی که مرا تصدیق کرده‌اند به او می‌دهد.

۱۳- امام باقر علیه السلام فرمود: وفات پدرم علی بن الحسین علیه السلام فرارسید، مرا به سینه‌اش چسبانید و فرمود: پسر من تو را وصیت می‌کنم به آنچه که پدرم هنگام مرگش مرا وصیت کرد و به آنچه که یاد آور شد پدرش به او وصیت کرده بود پسر من به خاطر حق صبر کن گرچه تلخ باشد.

۱۷۰۰- ۱۴- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ - حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَفْضَلُ الصَّابِرِينَ -
الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ.

۱۷۰۱- ۱۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى قَالَ أَخْبَرَنِي يَحْيَى بْنُ
سُلَيْمٍ الطَّائِفِيُّ قَالَ:

أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ شَمْرِ الْيَمَانِيُّ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ - وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ - وَ صَبْرٌ
عَنِ الْمَعْصِيَةِ - فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا - كَتَبَ
اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِائَةِ دَرَجَةٍ - مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ - كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى
الْأَرْضِ - وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ - كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ
الدَّرَجَةِ - إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ - وَ مَنْ صَبَرَ
عَنِ الْمَعْصِيَةِ - كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةِ دَرَجَةٍ - مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى
الدَّرَجَةِ - كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ.

۱۷۰۲- ۱۶- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:
أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ آتِيَ الْمُفْضِلَ وَأُعْزِيَهُ بِإِسْمَاعِيلَ - وَقَالَ أَقْرِي
الْمُفْضِلَ السَّلَامَ - وَقُلْ لَهُ - إِنَّا قَدْ أَصَبْنَا بِإِسْمَاعِيلَ فَصَبَرْنَا - فَاصْبِرْ كَمَا
صَبَرْنَا - إِنَّا أَرَدْنَا أَمْرًا - وَ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرًا - فَسَلَّمْنَا لِأَمْرِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ.

۱۴- فرمود: صبر دو نوع است: صبر بر بلاء که نیکو و زیباست و بهترین این دو صبر، پرهیز از کارهای حرام است.

۱۵- رسول خدا ﷺ فرمود: صبر سه قسم است: صبر بر مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه.

هرکس در مصیبت صبر کند تا پاسخی تسلی بخش برایش باشد خداوند برای او سیصد درجه ثواب نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر همانند فاصله میان آسمان و زمین است و هرکس بر طاعت صبر کند خدا برایش ششصد درجه ثواب نویسد که فاصله میان درجه‌ای تا درجه دیگر همانند فاصله عمق زمین است تا عرش و هرکس بر معصیت صبر کند، خدا برایش نهصد درجه ثواب می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر از عمق زمین تا پایان عرش باشد.

۱۶- یونس بن یعقوب، گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمان داد نزد مفضل بروم و او را به اسماعیل (فرزندش) تسلیت گویم و فرمود: به مفضل سلام برسان، و به او بگو: ما به غم مرگ اسماعیل گرفتار شدیم و صبر کردیم، تو هم مانند ما صبر کن، ما چیزی قصد کردیم و خدا عز و جل چیزی دیگر و ما به امر خدا عز و جل دل نهادیم.

١٧٠٣-١٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ - كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ.

١٧٠٤-١٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ - فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا - وَابْتُلَى قَوْمًا بِالمَصَائِبِ فَصَبَرُوا - فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً.

١٧٠٥-١٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي مُسَافِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا قَالَ اصْبِرُوا عَلَى المَصَائِبِ وَ فِي رِوَايَةِ إِبْنِ أَبِي يَعْقُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ صَابِرُوا عَلَى المَصَائِبِ.

١٧٠٦-٢٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَدِّهِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: لَوْ لَا أَنَّ الصَّبْرَ خُلِقَ قَبْلَ البَلَاءِ لَتَفَطَّرَ الْمُؤْمِنُ - كَمَا تَتَفَطَّرُ السَّبِيضَةُ عَلَى الصَّفَا.

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی گرفتار گردد و در برابر آن صبر کند اجر او مانند اجر هزار شهید است.

۱۸- فرمود: خدای عز و جل بر مردمی نعمت داد و شکر نکردند و برای آنها وبال شد و مردمی را گرفتار کرد و صبر کردند و برای آنها نعمت شد.

۱۹- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «شما که ایمان آورده‌اید صبر کنید و با صبر بر مشکلات غلبه کنید» (ال عمران / ۲۰۰) فرمود: بر مصیبت‌ها صبر کنید و در روایت ابن ابی یعقوب فرمود: در مصائب صبور باشید و با هم همدردی نمائید

۲۰- و فرمود: اگر صبر پیش از بلاء آفریده نشده بود، مؤمن می‌ترکید همچون ترکیدن تخم بر روی سنگ خارا

١٧٠٧-٢١- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي قَرْضًا - فَمَنْ أَقْرَضَنِي مِنْهَا قَرْضًا - أُعْطِيَتْهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَ مَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ - وَ مَنْ لَمْ يُقْرِضْنِي مِنْهَا قَرْضًا - فَأَخَذْتُ مِنْهُ شَيْئًا قَسْرًا - فَصَبَرَ أُعْطِيَتْهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ - لَوْ أُعْطِيَتْ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ مَلَائِكَتِي - لَرَضُوا بِهَا مِنِّي قَالَ - ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ - قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ - أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ - فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ - وَ رَحْمَةُ اثْنَتَيْنِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ثَلَاثٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَذَا لِمَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا قَسْرًا.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١٧٠٨-٢٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ آدَمَ عَنْ شَرِيكَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مُرُوءَةُ الصَّبْرِ فِي حَالِ الْحَاجَةِ - وَ الْفَاقَةِ وَ التَّعَفُّفِ وَ الْغِنَى - أَكْثَرُ مِنْ مُرُوءَةِ الْإِعْطَاءِ.

١٧٠٩-٢٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام يَرْحَمُكَ اللَّهُ مَا الصَّبْرُ الْجَمِيلُ - قَالَ ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ.

۲۱- رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل فرماید: براستی من دنیا را میان بنده هایم برای قرض دادن بنا نهادم پس هرکس از آن به من قرض دهد (مثل دادن صدقه و کمک به گرفتاران) بهره او ده تا هفتصد برابر دهم و آنچه بخواهم می دهم و هرکس به من قرض ندهد بی اختیار از او می گیرم و هرکس بر آن صبر کند، سه خصلت به او می دهم که اگر یکی از آنها را به فرشته های خودم بدهم از من خوشنود شوند.

(راوی) گوید: سپس امام صادق علیه السلام این گفته خداوند عز و جل را خواند: «آن کسانی که چون مصیبتی به آنها رسد گویند ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم» (بقره / ۱۷۵) «(۱۷۶) برای آنها رحمت هایی است از طرف پروردگارشان» دین یکی از آن سه خصلت است و رحمت دومی آنها و هدایت سومی آنهاست سپس امام صادق علیه السلام فرمود: این از آن کسی است که خدا چیزی بی اختیار و برخلاف میلش از او گرفته باشد.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۲۲- امام باقر علیه السلام فرمود: مردانگی و صبر در حال نیازمندی و نداری و آبروداری و بی نیازی (رنج بردن) بیشتر از مردانگی بخشش است.

۲۳- جابر، گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: یرحمک الله، صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبری که در آن شکایت نزد مردم نباشد.

١٧١٠- ٢٤- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ
عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَا يُعِدُّ الصَّبْرَ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ يَعْجِزُ.

١٧١١- ٢٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا صَبْرٌ وَشِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِنَّا- قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ
أَصْبَرَ مِنْكُمْ- قَالَ لِأَنَّا نَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ- وَشِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا
لَا يَعْلَمُونَ.

بَابُ الشُّكْرِ

مركز تحقیقات کتب و ترمیم و اسناد

١٧١٢- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ- لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ
الْمُحْتَسِبِ- وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ- كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ- وَ
الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ- كَأَجْرِ الْمُحْرُومِ الْقَانِعِ.

١٧١٣- ٢- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ- فَخَزَنَ عَنْهُ
بَابَ الزِّيَادَةِ.

۲۴ - امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام فرمود:

کسی که برای ناگواری‌های روزگار خود را آماده صبر نکند، درمانده و ناتوان گردد.

* * *

۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: ما بردباریم و شیعیان ما از ما بردبارترند. گفتم:

قربانت، چگونه شیعه ما از شما صبرشان بیشتر است؟

فرمود: برای آنکه ما دانسته صبر می‌کنیم و شیعه ما بر آنچه ندانند صبر می‌کنند.



شکر گزاری

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خورنده شکرگزار اجرش مانند روزه دار خدا جوست و تسندرست شکرگزار، اجرش مانند اجر گرفتار دردمند شکیباست و بخشنده شکرگزار، اجرش مانند قناعت کار محروم است.

توضیح: بر اساس گفته مرحوم طبرسی (ره) شکر عالی‌ترین و بالاترین اعمال و عبادت است و قدردانی از نعمتهای الهی با بیان و کردار است که باید نخست این نعمت را شناخت سپس در برابر آن شادمان بود و دیگر رفتاری که در برابر این نعمت برای انسان به وجود می‌آید که خود مایه شادمانی کار دین می‌شود.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بر بنده‌ای دری از شکر نگشاید که دری

از افزایش آن بسته شود (زیرا پس از شکرگزاری افزایش خواهد یافت)

١٧١٤-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَكْتُوبٌ فِي التَّوَرَاةِ - أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ - وَأَنْعِمُ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ -
فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ - وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ
فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ.

١٧١٥-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ٨ قَالَ:
الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ - مِنَ الْأَجْرِ مَا لِلْمُبْتَلَى الصَّابِرِ - وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ
مِنَ الْأَجْرِ - كَالْمُحْرُومِ الْقَانِعِ.

١٧١٦-٥- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ فَضْلِ
الْبَقْبَاقِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ
فَحَدِّثْ قَالَ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْكَ بِمَا فَضَّلَكَ - وَأَعْطَاكَ وَأَحْسَنَ إِلَيْكَ
ثُمَّ قَالَ فَحَدِّثْ بِدِينِهِ - وَمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ.

١٧١٧-٦- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهْبِ بْنِ حَفْصٍ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ - يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تَتَعَبُ
نَفْسَكَ - وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ - فَقَالَ

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است: هر کس به تو نعمتی داد او را شکر گزار و کسی که از تو سپاس گزاری کرد به او نعمت ده زیرا با سپاس گزاری، نعمت نابود نمی شود و با ناسپاسی پایدار نخواهد ماند زیرا سپاسگزاری مایه افزایش نعمت و امنیت است.

* * *

۴- امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود: تندرست سپاسگزار پاداش دردمند شکمیا را دارد و بخشنده شکرگزار اجرش مانند قناعت پیشه محروم است.

* * *



۵- فضل بن بقیاق، می گوید: از امام باقر علیه السلام از قول خدای عز و جل پرسیدم: «و اما از نعمت پروردگار باز گو» (ضحی / ۲۲) فرمود: یعنی آن کسی که به تو برتریت داد و احسان کرد به تو همت داده است سپس فرمود: دین او و آنچه که خدا به او داده و احسان کرده باز گو.

* * *

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج نزد عایشه بود، عایشه به او گفت: یا رسول الله، چرا خود را رنج می دهی با اینکه خداوند تو را به خاطر آنچه که از قبل و بعد کرده ای تو را بخشیده است.

يَا عَائِشَةُ - أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا - قَالَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ - فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى - طَه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ..

١٧١٨-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ جَهْمٍ عَنْ أَبِي الْيَقْظَانِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ - الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ - وَ الْإِسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ - وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ.

١٧١٩-٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ - يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ.

١٧٢٠-٩- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا سَمِعَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ - فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ - فَتَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ.

فرمود: ای عایشه، نباید بنده‌ای شاکر باشیم؟ و گفت: رسول خدا ﷺ را شیوه آن بود که بر نوک انگشتان پاهایش برای عبادت ایستاد، پس خدا آیه نازل فرمود: «ای طه (پیامبر) مآقر آن را بر تو نازل نکردیم تا در رنج افتی».

توضیح: مراد از بخشش گناهان پیامبر توسط خداوند شاید مراد این باشد که خداوند گناهان امت را از قبل و بعد به خاطر وجود و خواسته او خواهد بخشید یا آنکه خداوند گناهان مشرکان را بخاطر آزار به تو بعد از فتح مکه و (اعلام) عفو عمومی خواهد بخشید بدیهی است که پیامبر نه قبلاً گناهی کرده و نه بعد خواهد کرد زیرا کسی که از علل و معلول جهان آگاهی دارد هرگز گناه و خطا و اشتباهی نخواهد کرد و این است معنی عصمت.

۷- عبیدالله بن ولید، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: سه چیز است که با وجود آنها چیزی زیان را نمی‌رساند: دعاء در موقع گرفتاری، و آمرزش خواهی هنگام گناه، و سپاسگزاری هنگام نعمت.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس سپاسگزار شد فزونی داده شود، زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «و اگر شکر کنید به شکر تان بیفزایم (ابراہیم / ۷)»

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند نعمتی را به بنده‌ی خود نداد که آن را از عمق دل بشناسد و آشکارا خدا را سپاس گوید تا سخنش تمام شود، جز آنکه دستور به فزونی آن داده شود.

١٧٢١- ١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ - وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

١٧٢٢- ١١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُبَيْنَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ - أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا.

١٧٢٣- ١٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ لِلشُّكْرِ حَدٌّ - إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِراً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ - يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلِ وَمَالٍ - وَإِنْ كَانَ فِيهَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ - أَدَّاهُ وَمِنْهُ قَوْلُهُ جَلَّ وَعَزَّ - سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا - وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى - رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكاً - وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَقَوْلُهُ - رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ - وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ - وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً.

۱۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: شکر نعمت، دوری از حرامها است و نهایت شکر، گفتن الحمد لله رب العالمین است.

۱۱ - امام صادق علیه السلام می فرمود:
هر شکر نعمتی گرچه بزرگ باشد، چنین است که خدای را بر آن سپاس گوئی.

۱۲ - ابی بصیر، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا برای شکر خداوند اندازه ای است که چون بنده آن را انجام دهد شاگرد باشد؟
فرمود: آری، گفتم: آن چیست؟ فرمود: خدا را در هر نعمتی که به مال و خانواده او واده شکر گزار باشد و اگر برای خداوند در نعمتی که به مال او داده حق باشد بپردازد و به حساب است قول خدای عز و جل «منزه باد خدائی که این (مرکوب) را مسخر ما کرد که ما تاب آن را نداشتیم» (زخرف / ۱۳) و باز گفته خداوند که فرمود: «خدایا مرا به منزلی مبارک فرود آور که تو بهترین منزل دهندگانی (مؤمنون / ۹۲)» و باز گفته دیگری از خداوند که فرمود: «خدایا مرا به دوستی و راستی در آور و به درستی و راستی بر آور و برای من از نزد خود تسلط پیروز مندانه مقرر دار» (اسراء / ۸۰)»

١٧٢٤-١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ
شَكَرَهُ- وَكَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ.

١٧٢٥-١٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجُمَالِ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ لِي مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ - بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ - فَقَالَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا.

١٧٢٦-١٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَّارَ عَنْ
الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ - فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا.

١٧٢٧-١٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ
أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ الشَّرْبَةَ - مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ
اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ - ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ - فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيُسَمِّي -
ثُمَّ يَشْرَبُ فَيَنْحِيهِ - وَهُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ - ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ
يُنْحِيهِ - فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ - ثُمَّ يُنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ - فَيُوجِبُ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ.

۱۳- معمر بن خلاء، گوید: شنیدم ابوالحسن علیه السلام می فرمود: هر کس خدا را بر نعمتی حمد کند او را شکر کرده و حمد از آن نعمت برتر است.
(یعنی توفیق شکر گزاردن بر هر نعمت خود، نعمت بهتری است)

* * *

۱۴- صفوان جمال، گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: خدا هر نعمتی به بنده ای دهد، خرد یا بزرگ و آن بنده بگوید: الحمد لله، شکرش را ادا کرده است.

* * *

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خداوند به او نعمتی دهد و آن را از دل بفهمد، شکرش را ادا کرده است.

* * *

۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: برآستی مردی از شما شربت آبی می نوشد و خدا به وسیله آن بهشت را بر او واجب می سازد، سپس فرمود: او جام را بر دهانش می گیرد و بسم الله می گوید و سپس آن را می نوشد آنگاه از خود دور می سازد با اینکه میل به خوردن دارد پس خدا را حمد می کند و باز می نوشد و دوباره از خود دور می سازد و حمد خدا را می گوید سپس باز می آشامد و از خود دور می کند و حمد خدا را می گوید و خداوند به این وسیله بهشت را بر او واجب می سازد.

١٧٢٨-١٧- ابن أبي عمير عن الحسن بن عطية عن عمر بن يزيد قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام - إني سألت الله عز وجل -

أن يرزقني مالا فرزقني - وإني سألت الله أن يرزقني ولداً فرزقني ولداً - وسألته أن يرزقني داراً فرزقني - وقد خفت أن يكون ذلك استدراجاً - فقال أما والله مع الحمد فلا.

١٧٢٩-١٨- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الوشاء عن حماد بن عثمان قال:

خرج أبو عبد الله عليه السلام من المسجد - وقد ضاعت دابته فقال - لئن ردها الله عليّ - لأشكرن الله حق شكره - قال فما لبث أن أتى بها فقال الحمد لله فقال له قائل - جعلت فداك اليس قلت - لأشكرن الله حق شكره - فقال أبو عبد الله عليه السلام ألم تسمعي قلت الحمد لله.

١٧٣٠-١٩- محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن القاسم بن يحيى

عن جده الحسن بن راشد عن المثنى الحنطي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله ﷺ إذا ورد عليه أمر يسره قال الحمد لله على هذه النعمة وإذا ورد عليه أمر يغتم به قال - الحمد لله على كل حال.

١٧٣١-٢٠- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي أيوب الخزاز عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال:

تقول ثلاث مرات - إذا نظرت إلى المبتلى من غير أن تسمعه - الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به - ولو شاء فعل قال - من قال ذلك لم يصبه ذلك البلاء أبداً.

۱۷- عمر بن یزید، می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به راستی من از خدای عز و جل خواستم که به من مالی دهد و او داد آنگاه فرزندی طلب کردم، و او روزی کرد سپس از او خواستم خانه‌ای به من دهد، او خانه‌ای را به من داد، و ترسیدم که مرا نعمت گیر کند. و استدراجی در کار باشد. در پاسخ فرمود: اما بر خدا که با حمد کردن و شکر گزاری از نعمت می‌بخشد چنین نیست که استدراجی باشد.

توضیح: استدراج به این معنی است که خداوند به بنده خود هر گناهی که کند نعمتی به او دهد و تو را از یاد خود ببرد. و آنگاه به تدریج آن را از او بگیرد و او را به کیفر رساند و این است معنی قول خداوند که فرماید: سنستد رجهم من حیث لا یعلمون

۱۸- حماد بن عثمان، می گوید: امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون شد و مرکبش گم شده بود، فرمود: اگر خدا آن را به من برگرداند، خدا را آنطور که شایسته است شکر گزارم. گوید: دیری نپائید که مرکب حضرت را آوردند و او فرمود: الحمد لله.

شخصی به او گفت: قربانت، فرمودید که شکر خدا گزارم چنان که شایسته اوست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: نشنیدی که گفتم: الحمد لله؟

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون کاری برایش پیش می‌آمد که شادش می‌کرد، می‌فرمود: خدا را بر این نعمت حمد گویم و چون کار غم‌ناکی بر او روی می‌آورد می‌فرمود: خدا را به هر حال حمد می‌گویم. توضیح: مرحوم مجلسی (ره) پنج نوع شکر را در برابر مصیبت نقل می‌کند ۱- شکر بر مصیبتی که مصیبت بزرگتری را دفع کند مثل خراب شدن خانه و سالم ماندن اهلش ۲- هر بلائی که سبب کفاره گناهی شود ۳- مصیبتی که به مال انسان برسد ولی دین شخص سالم بماند ۴- بلائی که مقدر است پیش آید و چون بیاید و بگذرد باید خدا را شکر گفت ۵- هر بلائی که سبب ثواب آخرت شود.

۲۰- امام باقر علیه السلام فرمود: چون نگاه تو به گرفتاری افتاد، طوری که او نشنود و دل شکسته نگردد سه بار بگو: حمد خداوندی را سزااست که مرا به آنچه که تو را گرفتار ساخته گرفتار نکرده است و اگر می‌خواست می‌کرد سپس فرمود: هر کس این سخن را بگوید بلائی به او نرسد.

١٧٣٢- ٢١- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ
أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا مِنْ عَبْدٍ يَرَى مُبْتَلًى فَيَقُولُ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَدَلَ عَنِّي مَا ابْتَلَاكَ
بِهِ - وَ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْعَافِيَةِ - اللَّهُمَّ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَهُ بِهِ - إِلَّا لَمْ يُبْتَلْ
بِذَلِكَ الْبَلَاءِ.

١٧٣٣- ٢٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ
خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ وَقَدْ ابْتُلِيَ - وَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَقُلْ - اللَّهُمَّ إِنِّي لَا
أَسْخَرُ وَلَا أَفْخَرُ - وَلَكِنْ أَحْمَدُكَ عَلَى عَظِيمِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ.

١٧٣٤- ٢٣- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمرَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ - وَلَا تُسْمِعُوهُمْ
فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُهُمْ.

١٧٣٥- ٢٤- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ - إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ
سَجَدَاتٍ - فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ - إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئاً
لَمْ تَصْنَعْهُ - فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي - جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ - فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا - لِكُلِّ بَشَرٍ سَجْدَةٌ.

۲۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که گرفتاری را ببیند و بگوید: «سپاس خدائی را سزااست که آنچه را که تو به آن گرفتار کرد از من برداشت و مرا بر تو به عافیت برتری داد، بار خدایا، به من عافیت بخش از آنچه او را بدان گرفتار کردی» خداوند او را به آن بلا گرفتار نخواهد ساخت.

* * *

۲۲- امام صادق علیه السلام فرمود: چون مردی گرفتار را دیدی و خدا به تو نعمت عافیت داده بگو: «بار خدایا، نه من مسخره کنم و نه بر خودم بیالم ولی تو را بر بزرگترین نعمت‌ها که به من داده‌ای (سلامتی و تندرستی) سپاسگزارم»

* * *

۲۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون گرفتاران را دیدید، خدا را حمد و سپاس گوئید طوری که آنها نشنوند و افسرده نگردند.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

* * *

۲۴- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفری بر پشت شتر ماده خود سوار بود ناگهان پیاده شد و پنج بار سجده کرد و چون سوار شد گفتند: یا رسول الله، دیدم کاری کردی که نمی‌کردی؟ فرمود: آری، جبرئیل نزد من آمد و از طرف خدای عز و جل به من مژده هائی داد و من در برابر خداوند برای هر مژده‌ای یک سجده کردم.

١٧٣٦- ٢٥- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ - فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ - فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ - وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى النَّزُولِ لِلشَّهْرَةِ - فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ - وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ - ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهَ - عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ.

١٧٣٧- ٢٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ:

كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ - إِذْ ثَنَى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ - فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَأَطَالَ - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَرَكِبَ دَابَّتَهُ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ - فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةَ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ - فَأَخْبَيْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي.

١٧٣٨- ٢٧- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ فِيمَا أَعْلَمُ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَى مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى - أَشْكُرُنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ - يَا رَبِّ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ - وَلَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ - إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ - يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي.

۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شماها نعمت خدای عز و جل را به یاد آورد صورت خود را بر خاک گذارد و خدا را شکر گوید و اگر سوار باشد، پیاده شود و صورت بر خاک نهد و اگر از بیم شهرت نتواند که پیاده شود، صورت خود را بر زین نهد و اگر نتواند چهره خود را به کف دست گذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او بخشیده است سپاس گوید.

۲۶ - هشام بن أحمر، می گوید: من به همراه ابی الحسن علیه السلام در اطراف مدینه گردش می کردم، ناگهان پای از مرکب خود به پائین نهاد و به سجده افتاد و سجده را طولانی کرد، سپس سر را برداشت و سوار مرکبش شد، گفتم: قربانت، سجده را بسیار طول دادی؟
فرمود: من به یاد نعمتی افتادم که خدا به من عطا کرده و دوست داشتم که پروردگارم را شکر گویم.



۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه خدای عز و جل به موسی علیه السلام وحی کرد این بود که فرمود: ای موسی، حق شکر مرا به جای آور، عرض کرد: پروردگارا، چگونه حق شکرت را به جا آورم در صورتی که هر شکری که تو را گویم خود نعمتی است که تو به من داده ای؟ فرمود: ای موسی، اکنون که دانستی شکر گزاریت از طرف ماست مرا همانطور که سزاوارم شکر گفتی.

توضیح: باید توجه داشت که شکر نعمت الهی در برابر هر نعمت غیر ممکن است زیرا نعمت های الهی بیش است و نمی توان بر هر یک از آنها شکری گفت علاوه بر این شکر، هر نعمتی خود نعمت دیگری است در این صورت شاید مراد خداوند از وحی خود به موسی این باشد که باید انسان تمام کارهای خود را از خدا بداند و او را سپاس گوید که این سپاس است گسترده و فراگیر در همه کارها و رفتارهای خود.

١٧٣٩-٢٨- ابن أبي عمير عن ابن رئاب عن إسماعيل بن الفضل قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام إذا أصبحت وأمسيت فقل عشر مرات - اللهم ما أصبحت بي من نعمة أو غافية - من دين أو دنيا فثك وحداك لا شريك لك - لك الحمد ولك الشكر بها علي - يا رب حتى ترضى و بعد الرضا - فإنك إذا قلت ذلك - كنت قد أدت شكر ما أنعم الله به عليك - في ذلك اليوم وفي تلك الليلة.

١٧٤٠-٢٩- ابن أبي عمير عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان نوح عليه السلام يقول ذلك إذا أصبح - فسمي بذلك عبدا شكورا وقال قال رسول الله صلى الله عليه وآله من صدق الله نجيا.

١٧٤١-٣٠- علي بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن سفيان ابن عيينة عن عمارة الدهني قال:

سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول إن الله يحب كل قلب حزين ويحب كل عبد شكور - يقول الله تبارك وتعالى - لعبده من عباده يوم القيامة - أشكرت فلانا؟ فيقول: بل شكرتك يا رب فيقول: لم تشكرني إذ لم تشكره، ثم قال: أشكركم الله أشكركم للناس.

۲۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: ده بار بگو: «بار خدایا هرچه در هر صبح و شام در نعمت هایت در صبح و شام در دین و دنیا دارم از توست تو یگانه‌ای و شریکی نداری حمد و شکر برای توست بخاطر نعمتی که به من دادی» زیرا چون تو چنین گفتی شکر هرچه را خدا در آن روز و شب به تو داده به انجام رسانده‌ای.

* * *

۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت نوح، بخاطر آنکه هر بامداد شکر خداوند را می‌گفت بنده بسیار سپاسگزار نامیده شد (و در قرآن، خداوند او را به لقب عبداً شکوراً) نامید و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس با خدا راست باشد و دل و زبانش با هم همراه گردد نجات یابد (چنانچه که نوح در میان قوم خود نجات یافت)

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

* * *

۳۰ - علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمود: به راستی خداوند هر دل افسرده و غمگین و هر بنده شکرگزاری را دوست دارد روز قیامت خداوند به یکی از بندگانش می‌فرماید: آیا تو فلانی را شکر کردی؟ در پاسخ می‌گوید: بلکه من تو را شکر کردم، پس خدا می‌فرماید: مرا سپاس نگفتی چون آن بنده را سپاس نگفتی، سپس فرمود: قدر دان‌ترین شما نسبت به مردم شکرگزارترین شما نسبت به خداست.

بَابُ حُسْنِ الْخُلُقِ.

١٧٤٢- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.

١٧٤٣- ٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ إِمْرِي - يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.



١٧٤٤- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِيمَانُهُ - وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ - ذَنْبًا لَمْ يَنْقُصْهُ ذَلِكَ - قَالَ وَهُوَ الصِّدْقُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ - وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ.

١٧٤٥- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَنَبَةَ الْعَابِدِ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا يَقْدَمُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى - مِنْ أَنْ يَسَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ.

خوش خلقی

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: کاملترین مؤمنان در ایمان خوش خلق ترین آنهاست.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت، در ترازوی کارهای انسان بهتر از حسن خلق گذاشته نمی شود.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چهار چیز داشته باشد، ایمانش کامل است و اگر غرق در گناه باشد چیزی از او نکاهد آنها عبارتند از: راست گوئی برگرداندن امانت به صاحبش و شرم و حیا و اخلاق نیکو.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن پس از انجام واجباتش هیچ عملی در پیشگاه خداوند دوست داشتنی تر از اخلاق نیکو و رفتار خوب نسبت به مردم نیست.

١٧٤٦- ٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ صَاحِبَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ - لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

١٧٤٧- ٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْثَرُ مَا تَلَجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ - تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ.

١٧٤٨- ٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ وَ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يَمِثُّ الْخَطِيئَةَ - كَمَا تَمِثُّ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.

١٧٤٩- ٨- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَغْمُرَانِ - الدِّيَارَ وَزَيْدَانَ فِي الْأَعْمَارِ.

١٧٥٠- ٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ

حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ عليه السلام -

الْخُلُقُ الْحَسَنُ يَمِثُّ الْخَطِيئَةَ - كَمَا تَمِثُّ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.

۵- رسول خدا ﷺ فرمود: به راستی آنکس که اخلاق نیکو دارد اجرش مانند روزه دار شب زنده دار است.

۶- رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین وسیله‌ای که امت را به بهشت می‌برد تقوی الهی و اخلاق نیکوست.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: همانطور که خورشید یخ را آب می‌کند اخلاق نیکو هم گناه را آب می‌کند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: نیکوکاری و خوش رفتاری خانه‌ها را آباد می‌کند و بر عمرها بیفزاید.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی به یکی از پیامبرانش وحی کرد که رفتار نیکو گناه را آب می‌کند همانطور که خورشید یخ را آب می‌کند.

١٧٥١- ١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 هَلَكَ رَجُلٌ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأَتَى الْحَقَّارِينَ فَأِذَا بِهِمْ لَمْ يَحْفَرُوا شَيْئاً -
 وَشَكَّوْا ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَعْمَلُ حَدِيدُنَا
 فِي الْأَرْضِ - فَكَأَنَّمَا نَضْرِبُ بِهِ فِي الصَّفَا - فَقَالَ وَلَمْ يَنْوَكَانَ صَاحِبُكُمْ
 لِحَسَنِ الْخُلُقِ - ائْتُونِي بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَتَوْهُ بِهِ - فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ - ثُمَّ
 رَشَهُ عَلَى الْأَرْضِ رَشّاً - ثُمَّ قَالَ احْفَرُوا قَالَ فَحَفَرَ الْحَقَّارُونَ فَكَأَنَّمَا كَانَ
 رَمَلاً يَتَهَايَلُ عَلَيْهِمْ.

١٧٥٢- ١١- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الْخُلُقَ مَنِيحَةٌ - يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقَهُ - فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَمِنْهُ نِيَّةٌ -
 فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ - فَقَالَ صَاحِبُ السَّجِيَّةِ - هُوَ مَجْبُولٌ لَا يَسْتَطِيعُ
 غَيْرَهُ - وَصَاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ تَصَبُّراً - فَهُوَ أَفْضَلُهُمَا.

١٧٥٣- ١٢- وَعَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُعْطِي الْعَبْدَ - مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا
 يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - يَغْدُو عَلَيْهِ وَيَرْوَحُ.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد و برای خاکسپاریش نزد گورکن‌ها آمدند و بر خلاف انتظار گوری نکنده بودند از این رو برای عرض شکایت به نزد پیامبر رفتند، گورکنان گفتند: یا رسول الله، ابزار آهین ما در زمین کارگر نیست، گویا آنها را به سنگ خارا می‌زنیم، پیامبر فرمود: چرا؟ با این که این رفیق شما خوش رفتار بود پس جام آب را برای من بیاورید، آن را برایش آوردند و دستش را در آن فرو برد و سپس آن را بر زمین پاشید، سپس فرمود: اکنون بکنید. گورکن‌ها کردند و با تعجب مشاهده کردند که ریگ‌ها روی هم می‌ریزند و زمین کاملاً نرم شده است.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: براستی اخلاق خوب هدیه‌ای است از طرف خداوند که پروردگار آن را به بندگان خود بخشیده است. بعضی از آنها غریزی و فطری است و بعضی دیگر مربوط به نیت و تصمیم شخص است که باید در خود پرورد. گفتم: کدامیک از این دو بهتر است، فرمود: آن که غریزی است که غیر آن نمی‌تواند انجام دهد و آنکه مربوط به نیت و تلاش در پرورش اوست باید خود را به صبر بر طاعت وادار سازد پس این بهتر است.

توضیح: بعضی از خلقیات انسان فطری است مانند سخاوت و حیا و بعضی اکتسابی است مانند راستگویی و امانت داری که انسان با تلاش و تمرین می‌تواند چنین صفات ارزنده انسانی را در خود پرورد و مانند دسته اول آنها را ملکه و ذاتی خود بسازد به طوری که هیچگاه نتواند آنها را ترک گوید و خلاف آنها عمل کند.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی ثوابی که خداوند به بنده خوش رفتار می‌دهد مانند ثوابی است که به بنده مجاهد می‌دهد که در راه خدا جهاد و مبارزه نماید و از پای نیفتد.

١٧٥٤-١٣- عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ الْقَابُوسِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعَارَ أَعْدَاءَهُ - أَخْلَقَ مِنْ أَخْلَاقِ أَوْلِيَائِهِ لِيَعِيشَ أَوْلِيَائُهُ مَعَ أَعْدَائِهِ فِي دَوْلَاتِهِمْ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمَا تَرَكُوا - وَلِيًّا لِلَّهِ إِلَّا قَتَلُوهُ.

١٧٥٥-١٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذَا خَالَطْتَ النَّاسَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ - أَنْ لَا تُخَالِطَ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ - إِلَّا كَانَتْ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَا فَعَلْ - فَإِنَّ الْعَبْدَ يَكُونُ فِيهِ بَعْضُ التَّقْصِيرِ مِنَ الْعِبَادَةِ - وَيَكُونُ لَهُ حُسْنُ خُلُقٍ - فَيُبَلِّغُهُ اللَّهُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ سبحانه

١٧٥٦-١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَخْرِ السَّقَاءِ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا بَحْرُ حُسْنِ الْخُلُقِ يُسْرُ - ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِحَدِيثٍ - مَا هُوَ فِي يَدَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ - قُلْتُ بَلَى قَالَ بَيْنَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ جَاءَتْ جَارِيَةٌ - لِبَعْضِ الْأَنْصَارِ وَهُوَ قَائِمٌ - فَأَخَذَتْ بِطَرْفِ ثَوْبِهِ - فَقَامَ لَهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَلَمْ تَقُلْ شَيْئًا - وَلَمْ يَقُلْ لَهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله شَيْئًا - حَتَّى فَعَلْتُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَقَامَ

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی پاره‌ای از خلیات خوب دوستانش را به دشمنانش می‌دهد تا دوستانش بتوانند در حکومت و فرمان روایی دشمنانش به راحتی زندگی کنند و اگر چنین نبود دشمنان همه دوستان خدا را می‌کشتند.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی با مردم آمیزش می‌کنی اگر بتوانی با کسی نیامیزی و معاشرت نکنی جز آنکه بالادست او باشی (در نیکی و خوبی از او بالاتر باشی) زیرا گاهی بنده در عبادت خود کوتاهی و تقصیر می‌کند و خداوند به خاطر خوش رفتارش او را به درجه روزه دار شب زنده دار می‌رساند.

۱۵- بحر سقاء، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای بحر، خوش خلقی توان گری است، سپس فرمود: آیا مایلی برایت داستانی نقل کنم که مردم مدینه آن را می‌دانند؟

گفتم: چرا فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود، دختری از انصار آمد و خود او هم ایستاده بود، آن دخترک گوشه جامه رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشید، پیامبر صلی الله علیه و آله به‌خاطر او برخاست ولی آن دخترک چیزی نگفت و پیامبر هم به او چیزی نگفت، تا سه بار این کار را تکرار کرد برای بار چهارم برای آن دخترک برخاست در حالی که آن دختر پشت سرش بود و آن دختر رشته‌ای از جامه رسول خدا صلی الله علیه و آله را برگرفت و برگشت، مردم به او گفتند: خدا با تو چنین و چنان کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را سرپا نگه داشتی و حرفی به او نزدی و او هم به تو

لَهَا النَّبِيُّ فِي الرَّابِعَةِ وَهِيَ خَلْفَهُ - فَأَخَذَتْ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَ
لَهَا النَّاسُ فَعَلَ اللَّهُ بِكَ وَفَعَلَ - حَبَسَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -
لَا تَقُولِينَ لَهُ شَيْئاً وَلَا هُوَ يَقُولُ لَكَ شَيْئاً - مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ إِلَيْهِ -
قَالَتْ إِنَّ لَنَا مَرِيضاً فَأَرْسَلَنِي أَهْلِي - لَأَخْذَ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ لِيَسْتَشْفِيَ
بِهَا - فَلَمَّا أَرَدْتُ أَخْذَهَا رَأَيْتُ فَقَامَ - فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ أَنْ أَخْذَهَا - وَهُوَ
يَرَانِي وَأَكْرَهُ أَنْ أَسْتَأْمِرَهُ فِي أَخْذِهَا - فَأَخَذْتُهَا.

١٧٥٧-١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفَاضِلُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً - الْمُوْطَّئُونَ أَكْنَافاً
الَّذِينَ يَأْلَفُونَ - وَيُؤْلَفُونَ وَتُوطَأُ رِحَالُهُمْ.

١٧٥٨-١٧ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَلَا خَيْرَ - فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ
وَلَا يُؤْلَفُ.

١٧٥٩-١٨ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يَبْلُغُ بِصَاحِبِهِ - دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

چیزی نفرمود از رسول خدا ﷺ چه می خواستی؟ گفت: ما در خانه بیماری داریم و خانواده ام مرا فرستادند تا رشته ای از جامه رسول خدا ﷺ برگیرم و بیمارم شفا یابد چون خواستم رشته را بردارم و او برخاست و مرا دید شرم کردم که در برابر دیدگان او رشته را بردارم ولی برای بار چهارم آن را برداشتم و از طرف دیگر نخواستم به او تکلیف کنم که این کار برایم انجام دهد.

* * *

۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین شماها خوش اخلاق ترین شماست که کرامت مآب و مهمان نوازند آنها کسانی اند که با مردم انس گیرند و مردم هم با آنها انس گیرند و روی فرشتان می نشینند.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱۷- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مؤمن اهل معاشرت است و کسی که میل ندارد با دیگران رفت و آمد کند دیگران هم انس و الفت نگیرند و در این کار خیری هم وجود ندارد.

* * *

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه دار شب زنده دار می رساند.

بَابُ حُسْنِ الْبَشْرِ

۱۷۶۰- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ - بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوَاهُ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ - وَحُسْنِ الْبَشْرِ وَرَوَاهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَّا أَنَّهُ قَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ.

۱۷۶۱- ۲- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِشَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ - أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ - الْإِثْقَاقُ مِنَ إِقْتَارٍ - وَالْبَشَرُ لِجَمِيعِ الْعَالَمِ - وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ.

۱۷۶۲- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ - فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي - فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ - اِلْقَ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ.

۱۷۶۳- ۴- عَنْهُ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ - قَالَ ثَلَاثٌ جَنَاحُكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبَشَرٍ حَسَنِ.

خوشروئی

۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

شما توان آن را ندارید که با ثروت خود برای همه مردم گشایش و راحتی در زندگی به وجود آورید پس با چهره باز با آنها برخورد کنید و از روایت دیگر بجای پسران عبد المطلب پسران هاشم است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که هر کس یکی از آنها را برای خدا

بجای آورد بهشت را بر او واجب سازد

۱- انفاق در موقع تنگ دستی

۲- خوشروئی با مردم

۳- انصاف و داوری به حق (یعنی زبان را به حق بگشاید هر چند به زیان او باشد)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا ﷺ فرمود و عرض کرد: یا

رسول الله، به من سفارشی کن، حضرت از جمله سفارشات خود به او فرمود: با برادرت با روی باز برخورد کن.

۴- یکی از اصحاب گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اندازه خوش

خلقی چیست؟ فرمود: فروتن و خوش سخن باشی و با برادرت با خوش روئی برخورد کنی.

١٧٦٤-٥- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ فَضِيلٍ قَالَ:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنُ الْبَشْرِ - يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَ يُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ
وَالْبُخْلُ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ - يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ وَ يُدْخِلَانِ النَّارَ.

١٧٦٥-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى سَمَاعَةَ عَنْ
أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُسْنُ الْبَشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ.

بَابُ الصِّدْقِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

١٧٦٦-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا - إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى
الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ.

١٧٦٧-٢- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ - فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا هَجَرَ بِالصَّلَاةِ وَ
الصَّوْمِ - حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ - وَلَكِنْ اخْتَبِرُوا هُمْ - عِنْدَ صِدْقِ
الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

۵- فضیل (از امام باقر یا امام صادق علیه السلام) نقل می کند که می فرمود:
کارهای خیر و خوش روئی انسان را به بهشت می برند و بخل و ترش روئی
انسان را از خدا دور می سازند و به دوزخ می برند.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوش روئی کینه را از دل می برد.

راستی و پرداخت امانت

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی خدای عز و جل پیامبری را نفرستاد جز به
راستگویی و پرداخت امانت به نیکوکار و بدکار. (یعنی هر پیامبری این
دو صفت در برنامه تعلیمات او بوده که باید به مردم بگوید و آنها را
اینطور بار آورد)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: به نماز خواندن و روزه گرفتن مردم فریب نخورید،
زیرا بسا انسان شیفته نماز و روزه می شود تا آنجا که اگر آن را ترک کند
به وحشت می افتد ولی آنها را به راستی و اداء امانت بیازمائید (زیرا گاهی
اوقات انسان بخاطر ترس از مردم یا مسائل دیگر مادی انسان به نماز و
روزه می پردازد نه به خاطر ترس از خداوند و اصلاح کردن خود)

۱۷۶۸-۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُتَّى الْحَنَاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَّى عَمَلُهُ.

۱۷۶۹-۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فِي أَوَّلِ دَخَلَةٍ دَخَلْتُ عَلَيْهِ - تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ.

۱۷۷۰-۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَغْفُورٍ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ قَالَ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذَا أَتَيْتَ عَبْدَ اللَّهِ فَأَقْرِئْهُ السَّلَامَ - وَقُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ - أَنْظِرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عليه السلام عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَالْزَمَهُ - فَإِنَّ عَلِيًّا عليه السلام إِنَّمَا بَلَغَ - مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

۱۷۷۱-۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا فَضِيلُ إِنَّ الصَّادِقَ أَوَّلُ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - يَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ وَتُصَدِّقُهُ نَفْسُهُ - تَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس زبانش راست است کردارش هم پاک است.

۴- عمرو بن ابی المقدام گوید: نخستین بار که خدمت امام باقر علیه السلام رفتم به من فرمود: راستگوئی را قبل از حدیث یاد بگیرید.

۵- ابی کهمس، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عبدالله بن ابی یعفور به شما سلام می‌رساند، فرمود: بر تو و بر او سلام باد چون نزد عبدالله رفتی، سلام مرا به او برسان و به او بگو که جعفر بن محمد به تو می‌گوید: بنگر در آنچه که علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله تقرب یافت ملازمش باش و به آنها عمل کن زیرا علی علیه السلام بخاطر راستگوئی و امانت داری به آن مقام رسید.

۶- از فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای فضیل، نخستین کسی که راستگو را تصدیق می‌کند خداوند عز و جل است، می‌داند که او راستگوست و خودش هم خود را تصدیق می‌کند و می‌داند که راستگوست.

١٧٧٢-٧- ابنُ أبي عميرٍ عن منصورِ بنِ حازمٍ عن أبي عبد الله عليه السلام قال:
 إِنَّمَا سُمِّيَ إِسْمَاعِيلُ صَادِقَ الْوَعْدِ - لِأَنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فِي مَكَانٍ فانتظره في
 ذَلِكَ الْمَكَانِ سَنَةً - فَسَمَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَادِقَ الْوَعْدِ
 ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ أَتَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ - فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ مَا زِلْتُ مُنْتَظِرًا لَكَ.

١٧٧٣-٨- أبو علي الأشعري عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر الخزاز عن
 جده الربيع بن سعد قال:
 قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا رَبِيعُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ - حَتَّى يَكُتِبَهُ
 اللَّهُ صِدِّيقًا.

١٧٧٤-٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ
 الصَّادِقِينَ - وَ يَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَاذِبِينَ - فَإِذَا صَدَقَ
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَ وَبَرَّ - وَإِذَا كَذَبَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَذَبَ وَ
 فَجَرَ.

١٧٧٥-١٠- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ - لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْاجْتِهَادَ وَ
 الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا اسماعیل را صادق الوعد نامیده شد برای آنکه در مکانی با مردی وعده گذاشت و تا یکسال در آنجا انتظار او را کشید از این رو خداوند او را صادق الوعد نامید، سپس آن مرد آمد و اسماعیل به او فرمود: من همیشه در انتظار تو بودم.

توضیح: مفسران در تفسیر خود درباره اسماعیل اختلاف دارند طبرسی او را اسماعیل بن ابراهیم می داند و بعضی او را اسماعیل بن حزقیل می دانند ولی هرکس که باشد قرآن در سوره مریم از اسماعیل پیامبر یاد می کند و او را بخاطر داشتن چنین صفتی از او ستایش می نماید.

۸- ربیع بن سعد از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: ای ربیع، به راستی مردی راست می گوید تا آنجا که خدا او را صدیق (بسیار راستگو) نام می برد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۹- ابی بصیر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به راستی بنده‌ای راست می گوید تا آنجا که نزد خدا از راستگویان نام برده می شود و دروغ می گوید تا آنجا که نزد خداوند از دروغگویان به حساب می آید و چون راست گوید، خداوند عز و جل فرماید، راست گفت و خوب کرد و چون دروغ گوید خدای عز و جل فرماید دروغ گفت و بدکاری کرد.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را به کارهای خوب تبلیغ کنید نه با زبان بلکه با عمل خود، آنها را به نیکوکاری دعوت کنید تا مردم شما را به راستگوئی و تقوی بنگرند.

١٧٧٦-١١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ:
 قَالَ أَبُو الْوَلِيدِ حَسَنُ بْنُ زِيَادٍ الصِّيقَلُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ صَدَقَ
 لِسَانُهُ زَكَّى عَمَلُهُ - وَمَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ - وَمَنْ حَسُنَ بَرُّهُ
 بِأَهْلِ بَيْتِهِ مُدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ.

١٧٧٧-١٢ - عَنْهُ عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ
 ذَلِكَ شَيْءٌ إِعْتَادَهُ - فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ - وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى
 صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ.

بَابُ الْحَيَاءِ

مركز تحقیات کتب و ترمیم و اسناد

١٧٧٨-١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ
 عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ - وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ.

١٧٧٩-٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْنِ
 مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصِّيقَلِ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْحَيَاءُ وَالْعَفَافُ وَالْعِيُّ أَعْنِي عِيَّ اللِّسَانِ لَا عِيَّ
 الْقَلْبِ - مِنَ الْإِيمَانِ.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس زبانش راستگوست کردارش هم پاک است و هرکس خوش نیت است به روزیش افزوده می شود و هرکس با خانواده خود خوش رفتار است عمرش طولانی خواهد شد.

* * *

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: به طول دادن رکوع و سجود مرد، نگاه نکنید زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و اگر آن را رها سازد بترسد ولی به راستگوئی و امانت پردازی او بنگرید.



حیا و شرم

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است (پس شخص باحیا در بهشت خواهد بود)

* * *

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: حیا و عفت و کم گوئی و کندی زبان نه کندی دل از ایمان باشند. (شاید مراد حضرت از کند زبانی کم گوئی است که از نشانه های ایمان است زیرا شخص پر حرف و پر چانه از خلاف گوئی برکنار نیست و کندی دل همراه با جهل و شک و تردید است که بسیار ناپسند است)

١٧٨٠- ٣- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُضْعَبِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ
الْعَوَّامِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ.

١٧٨١- ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ يَحْيَى أَخِي دَارِمٍ
عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:
الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ - فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ.

١٧٨٢- ٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ بْنِ يَظْطِينَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ كَثِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ.

١٧٨٣- ٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَيَاءُ حَيَاءٌ إِنْ حَيَاءٌ عَقْلٍ وَحَيَاءٌ حَقٌّ - فَحَيَاءُ الْعَقْلِ
هُوَ الْعِلْمُ - وَحَيَاءُ الْحَقِّ هُوَ الْجَهْلُ.

١٧٨٤- ٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا -
بَدَّهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ الصِّدْقُ وَالْحَيَاءُ - وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس کم روست کم دانش است (زیرا از پرسیدن خجالت می کشد و نمی پرسد و لذا آگاهی نمی یابد و مشکلاتش حل نمی شود)

۴- امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود: حیا و ایمان دو دوست و همراه و به یک رشته بسته شده اند و چون یکی از آنها رفت، دیگری هم می رود.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حیا ندارد ایمان ندارد.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حیا دو حیاست: یکی حیا خردمندانه و یکی حیا احمقانه، حیا خردمندانه دانش است و حیا احمقانه همان نادانی است.

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چهار خصلت داشته باشد و از سر تا پا غرق در گناه باشد خداوند همه آن گناهان را به حسنه تبدیل خواهد کرد:

- ۱- راستگوئی
- ۲- حیا
- ۳- خوش خلقی
- ۴- شکرگزاری

توضیح: مرحوم مجلسی درباره تبدیل گناه به حسنه که قرآن در آیه ۷۰ از سوره فرقان به آن اشاره دارد مطالبی ذکر کرده که خلاصه آن این است:

۱- گناهان قبل با توبه محو می شود و از بین می رود و بجایش اطاعت و فرمانبرداری می آید

۲- روحیه گناهکاری از آنها محو می شود و روحیه اطاعت بجایش می آید

۳- خدا به او توفیق انجام کارهای خوب می دهد بجای کارهای زشت گذشته او

۴- بجای هر کیفری ثوابی برای او ثبت می شود و در قیامت به او بنمایانند و نشان دهند.

بَابُ الْعَفْوِ

۱۷۸۵-۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي خُطْبَتِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ - وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ - وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ - وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ.

۱۷۸۶-۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ غُرَّةِ بْنِ دِينَارٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّعِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُدْلِكُمْ عَلَى خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ - وَ تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ.

۱۷۸۷-۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نُشَيْبِ اللَّفَّائِفِيِّ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ - وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ - وَ تَحْلُمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ.

بخشش و گذشت

۱- رسول خدا ﷺ فرمود: آیا به شما خبر ندهم از بهترین اخلاق دنیا و آخرت؟

- ۱- گذشت از هرکس که به تو ستم کرده
- ۲- پیوستن با کسی که از تو بریده
- ۳- نیکی و احسان به کسی که به تو بدی کرده
- ۴- بخشیدن کسی که تو را محروم ساخته است.



۲- رسول خدا ﷺ فرمود: آیا شما را راهنمایی نکنم به بهترین اخلاق دنیا و آخرت؟

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

- ۱- پیوند با کسی که از تو بریده است
- ۲- بخشش کسی که تو را محروم ساخته است
- ۳- گذشت از کسی که به تو ستم کرده است

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از صفات خوب در دنیا و آخرتند

- ۱- گذشت از کسی که به تو ستم کرده
- ۲- پیوستن با کسی که از تو بریده
- ۳- خویشتن داری زمانی که با تو به نادانی رفتار شود.

١٧٨٨- ٤- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الشَّامِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ - ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ - قَالَ فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ - فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ - وَمَا كَانَ فَضْلُكُمْ فَيَقُولُونَ - كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَنُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا - وَنَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا قَالَ فَيَقَالُ لَهُمْ - صَدَقْتُمْ أَذْخُلُوا الْجَنَّةَ.

١٧٨٩- ٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَهْمِ بْنِ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي رِيَّادٍ الشُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ - لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا - فَتَعَاَفَوْا يُعِزَّكُمْ اللَّهُ.

١٧٩٠- ٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ - وَأَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ.

١٧٩١- ٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ مُعْتَبِرٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فِي حَائِطٍ لَهُ يَضْرُمُ - فَتَنَظَرْتُ إِلَى غُلَامٍ لَهُ قَدْ أَخَذَ كَارَةً - مِنْ تَمْرِ فَرَمَى بِهَا وَرَاءَ الْحَائِطِ - فَأَتَيْتُهُ وَأَخَذْتُهُ

۴- ابی حمزه ثمالی، گوید: علی بن الحسین علیه السلام فرمود: چون روز رستاخیز شود، خدای تبارک و تعالی اولین و آخرین را در یک سرزمین گرد آورد، سپس جارچی فریاد کشد که جایند اهل فضل؟ پس پیشاهنگان مردم برخیزند و فرشته‌ها آنان را دیدار کنند و بگویند فضل شما چه بوده است؟ در پاسخ گویند: پیوستیم به کسی که از ما برید و بخشش کردیم به هرکس که ما را محروم ساخت و گذشتیم از کسی که به ما ستم کرد سپس به آنها گفته شود راست گفتید اکنون داخل بهشت شوید.

* * *

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر شما باد به گذشت، زیرا گذشت جز بر عزت بنده نیفزاید از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز بدارد.

در تفسیر کبیر علوم اسلامی

* * *

۷- معتب می گوید: امام کاظم علیه السلام در باغ خرمایش بود و شاخه‌ها را می برید یکی از غلامان حضرت را دیدم دسته‌ای از خوشه‌های خرما را گرفت

وَذَهَبْتُ بِهِ إِلَيْهِ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي وَجَدْتُ هَذَا وَهَذِهِ الْكَارَةُ
فَقَالَ لِلْغُلَامِ يَا فَلَانُ قَالَ لَبَّيْكَ - قَالَ أَتَجُوعُ قَالَ لَا يَا سَيِّدِي - قَالَ
فَتَعْرِى قَالَ لَا يَا سَيِّدِي - قَالَ فَلَايَ شَيْءٍ أَخَذْتُ هَذِهِ - قَالَ إِشْتَهَيْتُ
ذَلِكَ - قَالَ إِذْهَبْ فِيهِ لَكَ وَقَالَ خَلُّوا عَنْهُ.

١٧٩٢-٨ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ مَا اِلْتَقَتْ فِئْتَانِ قَطُّ - إِلَّا نُصِرَ
أَعْظَمُهُمَا عَفْوًا.

١٧٩٣-٩ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ
بَكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَى بِالْهُدَايَةِ - الَّتِي سَمَّيْتُ الشَّاةَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لَهَا مَا
حَمَلَكِ عَلَى مَا صَنَعْتَ - فَقَالَتْ قُلْتُ إِنْ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّهُ - وَإِنْ كَانَ
مَلِكًا أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْهُ - قَالَ فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنْهَا.

١٧٩٤-١٠ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ
عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا - الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَ
أَعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ، وَالصَّلَاةُ لِمَنْ قَطَعَهُ..

و آن را پشت دیوار باغ انداخت، من آمدم و آن شخص را گرفتم و نزد حضرت آوردم و گفتم: قربانت، من این غلام را دیدم که این خوشه‌ها را برداشته بود حضرت رو به غلام کرد و فرمود: ای فلانی! گفت: لبیک، فرمود: گرسنه‌ای؟ گفت، نه‌ای آقایم، فرمود: پس چرا این خوشه‌ها را برداشتی؟ گفت: دلم میل به آن داشت. فرمود: برو این خوشه‌ها را برای خود بردار و بعد فرمود: او را رها کنید.

۸- ابن فضال، گفت: شنیدم ابوالحسن (امام رضاع) می‌فرمود: دولشکر به هم نریزند جز آنکه هر کدام که گذشت بیشتری داشته باشند پیروز می‌شوند.

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی آن زن یهودیه را که گوشت گوسفندی را مسموم کرده بود تا پیامبر را مسموم سازد به حضورش آوردند به او فرمود: چرا چنین کاری کردی؟ پاسخ گفت: با خود گفتم: اگر این پیامبر است او را زیان نمی‌رساند و اگر پادشاه است مردم را از شر او آسوده کرده‌ام، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از او در گذشت.

۱۰- فرمود: سه چیز است که خدا به وسیله آنها جز بر عزت مسلمان نیفزاید:

- ۱- گذشت از کسی که به او ستم کرده
- ۲- بخشش به کسی که او را محروم ساخته
- ۳- پیوند با کسی که از او بریده است.

بَابُ كَظْمِ الْغَيْظِ

١٧٩٥-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِذُلِّ نَفْسِي حُمَرِ النَّعَمِ وَمَا تَجَرَّعْتُ جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ - مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ لَا أَكْفِي بِهَا صَاحِبَهَا.

١٧٩٦-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نِعْمَ الْجُرْعَةُ الْغَيْظُ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا - فَإِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لِمَنْ عَظِيمَ الْبَلَاءِ - وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١٧٩٧-٣- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

إِصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النَّعَمِ - فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلِ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ.

١٧٩٨-٤- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ثَابِتِ مَوْلَى آلِ حَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَظْمُ الْغَيْظِ عَنِ الْعَدُوِّ فِي دَوْلَاتِهِمْ تَقِيَّةٌ - حَزْمٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ وَ تَحَرُّزٌ مِنَ التَّعَرُّضِ - لِبَلَاءٍ فِي الدُّنْيَا وَ مُعَانَدَةٌ الْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَاتِهِمْ

فرو بردن خشم

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام می فرمود: من دوست ندارم بجای فروتنیم شتران سرخ موی داشته باشم و هیچ جرعه‌ای ننوشیدم که نزد دوستدارتر باشد از جرعه خشمی که طرف را به آن کیفر نکرده باشم.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: چه خوب جرعه‌ای است خشم برای کسی که بر آن صبر کند، زیرا پاداش بزرگ برای بلای بزرگ است و خدا مردمی را دوست ندارد جز آنکه آنها را گرفتار کند.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۳- امام کاظم علیه السلام فرمود: بر دشمنان نعمتی که خدا به تو داده (یعنی حسودان) صبر کن، زیرا کسی که بخاطر تو خدا را نافرمانی کند هرگز نتوانی بهتر از اطاعت خدا نسبت به او تلافی کنی.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: فرو بردن خشم از دشمن، هنگام تسلط او تقيه و احتیاطی است برای کسی که دور اندیشی کند و در معرض بلای دنیا قرار نگیرد و مبارزه و دشنام به دشمنان در زمان قدرت و توانایی بدون رعایت تقيه و احتیاط ترک دستور خداوند است پس با مردم مدارا کنید

وَمُمَاطَتُهُمْ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرْكُ أَمْرِ اللَّهِ - فَجَامِلُوا النَّاسَ يَسْمَنُ ذَلِكَ لَكُمْ
عِنْدَهُمْ - وَلَا تُعَادُواهُمْ فَتَحْمِلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ فَتَذِلُّوا.

١٧٩٩-٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ حُصَيْنٍ السُّكُونِيِّ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا - زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِزًّا
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْغَافِينَ
عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَأَثَابَهُ اللَّهُ مَكَانَ غَيْظِهِ ذَلِكَ.

١٨٠٠-٦ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ
عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ:
حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَلَوْ شَاءَ أَنْ يُمَضِّيه
أَمْضَاهُ - أَمَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِضَاهُ.

١٨٠١-٧ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ إِبْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَالِبِ
بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُنْذِرٍ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:
مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمْضَائِهِ - حَسَا اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ.

١٨٠٢-٨ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ
عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
قَالَ لِي يَا زَيْدُ اصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النِّعَمِ - فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى

تا عمل شما در نزد آنها سبب شود که از شما به نیکی یاد کنند و با آنها دشمنی نکنید که بر خود مسلطشان سازید تا شما را خوار و زبون کنند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو برد جز این که خدای عز و جل بر عزت او در دنیا آخرت بیفزاید و خدای عز و جل فرموده است: «و آن کسانی که خشم خود را فرو برند و از مردم در گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد (آل عمران / ۱۲۸) و خدا به جای این خشم به او ثواب خواهد داد.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خشم خود را فرو برد در صورتی که می‌توانست آن را اجرا کند و انتقام گیرد خداوند روز قیامت دلش را پر از رضای خود سازد.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس خشم خود را فرو برد و بر انجام آن توانا باشد، خداوند روز قیامت دلش را پر از آرامش و ایمان کند.

۸- زید شحام گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای زید، بر دشمنان نعمت‌های خود (حسودان) صبر کن، زیرا کسی که درباره تو خدا را نافرمانی کرده بهتر از این است که خدا را درباره او فرمان بری، ای زید،

اللَّهِ فِيكَ - بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ - يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ إِصْطَفَى
الْإِسْلَامَ وَاخْتَارَهُ - فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ.

١٨٠٣-٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَفْصِ بْنِ
السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ السَّبِيلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - جُرْعَتَانِ
جُرْعَةٌ غَيْظٍ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ - وَجُرْعَةٌ مُصِيبَةٍ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ.

١٨٠٤-١٠ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي أَبِي يَا بُنَيَّ مَا مِنْ شَيْءٍ أَقْرَبَ لِعَيْنِ أَبِيكَ - مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ عَاقِبَتُهَا
صَبْرٌ - وَمَا مِنْ شَيْءٍ يَسُرُّنِي - أَنْ لِي بِذَلِكَ نَفْسِي حُمُرَ النَّعَمِ.

١٨٠٥-١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ
مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِصْبِرُوا عَلَى أَعْدَاءِ النَّعَمِ - فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلٍ
مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ.

١٨٠٦-١٢ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَلَادٍ عَنِ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِذَلِكَ نَفْسِي حُمُرَ النَّعَمِ - وَمَا تَجَرَّعْتُ مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبَّ
إِلَيَّ - مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ لَا أَكْفِي بِهَا صَاحِبَهَا.

به راستی خدا اسلام را برگزید و شما را اختیار کرد پس با سخاوت و خوش خلقی با او خوش رفتاری و معاشرت کنید.

توضیح: در رفاقت و دوستی هر چه با میل دوست بهتر رفتار شود ارکان دوستی محکم تر و پایدارتر خواهد بود با سخاوت و خوش خلقی دوست خود را راضی نگه دارید اگر این دو صفت داشته باشید دوستی شما پایدارتر خواهد بود.

۹- رسول خدا ﷺ فرمود: دوست ترین راه به سوی خدای عز و جل نوشیدن دو جرعه است

۱- جرعه خشمی که با بردباریش برگردانند

۲- جرعه مصیبتی که با صبر درمانش کنند.

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم به من فرمود: پسرم: چیزی مانند جرعه خشمی که با صبر و شکیبائی پایان پذیرد چشمان مرا روشن نخواهد کرد و چیزی شادم نکند که به جای خواری نفسم، گله شتران سرخ موی داشته باشم.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: در برابر دشمنان نعمت ها (حسودان) صبر کنید زیرا آنکس که درباره تو خدا را نافرمانی کرده بهتر از این است که درباره او خدا را فرمان بری. (این حدیث مشابه به حدیث شماره ۸ است جز اینکه حدیث شماره ۸ دنباله دارد)

۱۲- علی بن الحسین فرمود: دوست ندارم در برابر خواری نفس اماره ام، گله شتران سرخ موی داشته باشم و جرعه ای محبوب تر از جرعه خشمی که صاحبش را مجازات کنم ننوشم.

١٨٠٧-١٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُتْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا الْعَبْدُ - أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ جُرْعَةٍ - غَيْظٍ يَتَجَرَّعُهَا عِنْدَ تَرَدُّدِهَا فِي قَلْبِهِ - إِمَّا بِصَبْرٍ وَإِمَّا بِحِلْمٍ.

بَابُ الْحِلْمِ.

١٨٠٨-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ اللَّهِ قَالَ:

سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا - حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا وَإِنَّ الرَّجُلَ كَانَ إِذَا تَعَبَّدَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ - لَمْ يُعَدَّ عَابِدًا حَتَّى يَصُمْتَ قَبْلَ ذَلِكَ عَشْرَ سِنِينَ.

١٨٠٩-٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ إِبْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

الْمُؤْمِنُ خَلَطَ عَمَلَهُ بِالْحِلْمِ - يَجْلِسُ لِيَعْلَمَ وَ يَنْطِقُ لِيَفْهَمَ - لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ الْأَصْدِقَاءَ - وَلَا يَكْتُمُ شَهَادَتَهُ الْأَعْدَاءَ - وَلَا يَفْعَلُ شَيْئًا مِنَ الْحَقِّ رِيَاءً وَلَا يَتْرُكُهُ حِيَاءً - إِنْ زُكِّيَ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ - وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ - لَا يَغْرُهُ قَوْلُ مَنْ جَهِلَهُ - وَ يَخْشَى إِحْصَاءَ مَا قَدْ عَمِلَهُ.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: جرعه‌ای نیست که بنده بنوشد و نزد خدا خوش تر باشد از جرعه خشمی که آن را بنوشد هنگامی که به وسیله صبر و شکیبائی و یا بردباری در دلش می‌چرخد. (مراد از گردش جرعه در دل، هیجانی است که برای شخص خشمگین دست می‌دهد که با خود می‌اندیشد که مجازات کنم و یا در گذرم)

حلم و بردباری

۱- امام رضا علیه السلام فرمود: مرد، عابد نباشد تا بردبار باشد و وقتی مردی در بنی اسرائیل به عبادت و امید دل بسته بود او را عابد نمی‌گفتند تا آنکه ده سال پیش از آن، ساکت و خاموش باشد.

توضیح: حلم و بردباری همان خویشتن داری و انتقاد پذیری است که در هر کس که باشد او را در کارها موفق می‌سازد و یک رهبر و مدیر خوب، زمانی موفق است که انتقادها را بپذیرد و با ضعف‌های خود آشنا گردد و خود را اصلاح سازد از این رو قرآن در بیان خود، از شرح صدر سخن می‌گوید و پیامبرش را بخاطر داشتن این صفت بارز، می‌ستاید زیرا شرح صدر که عبارت از گشایش و سعه صدر است همان خویشتن داری در برابر ناملازمات و ایرادات و انتقادات است.

۲- ابو حمزه، می‌گوید: مؤمن، کردارش را با بردباری به هم می‌آمیزد و می‌نشیند تا بیاموزد و می‌گوید تا بفهمد و تشخیص امانتی را که نزدش به امانت سپرده‌اند، به کسی نمی‌گوید و شهادت خویش را از دشمنانش پنهان نمی‌کند و به نفع آنها شهادت می‌دهد و هیچ کار خوبی را به قصد خود نمائی انجام نمی‌دهد و از روی شرمساری آن را ترک نمی‌گوید اگر او راستایش کنند از سخنان آنها واهمه دارد و نسبت به آنچه که آنها نمی‌دانند از خدا آمرزش می‌طلبد و سخنان دیگران و ستایش آنان او را مغرور نمی‌سازد و از نتیجه کارهای خود نزد خداوند می‌ترسد.

١٨١٠-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْنِ فَضَالٍ عَنْ إِبْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ - أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ
عِنْدَ غَضَبِهِ.

١٨١١-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ - الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ.

١٨١٢-٥- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَفْصٍ الْعَوْسِيِّ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا أَعَزَّ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ - وَلَا أَدْلَ بِحِلْمٍ قَطُّ.

١٨١٣-٦- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كُنْ بِالْحِلْمِ نَاصِراً - وَقَالَ إِذَا لَمْ تَكُنْ
حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ.

١٨١٤-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ
حَفْصِ بْنِ أَبِي عَائِشَةَ قَالَ:
بَعَثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام غُلَامًا لَهُ فِي حَاجَةٍ فَأَبْطَأَ - فَخَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
عَلَى أَثَرِهِ - لَمَّا أَبْطَأَ فَوَجَدَهُ نَائِمًا - فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ يُرَوِّحُهُ حَتَّى انْتَبَهَ -
فَلَمَّا تَنَبَّهَ قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا فُلَانُ وَاللَّهِ مَا ذَلِكَ لَكَ - تَنَامُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ -
لَكَ اللَّيْلُ وَلَنَا مِنْكَ النَّهَارُ.

۳- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: واقع مطلب این است که من از مردی که هنگام خشم، بردباریش او را دریابد خوشم می آید.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی خدای عز و جل شخص با حیای بردبار را دوست می دارد.

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
خداوند هرگز نادانی را به خاطر جهلش عزیز نکرده و شخص بردباری را به خاطر بردباریش هرگز خوار ننموده است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:
حلم برای یاری مرد بردبار کافی است و فرمود: اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار کن.

۷- امام صادق علیه السلام یکی از غلامان خود را دنبال کاری فرستاد و دیر کرد، امام به دنبالش رفت، او را دید که خوابیده است، بالای سرش نشست و بادش زد تا بیدار شد، چون بیدار شد، امام صادق علیه السلام به او فرمود:
ای فلانی، به خدا تو حق نداری که هم شب بخوابی و هم روز را، شب برای تو و روز برای ماست.

١٨١٥-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ - الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.

١٨١٦-٩- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُنَازَعَةٌ نَزَلَ مَلَكَانِ فَيَقُولَانِ لِلسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتُ وَ قُلْتُ وَأَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ - سَتُجْزَى بِمَا قُلْتَ وَ يَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا - صَبَرْتَ وَ حَلُمْتَ سَيَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ أَنْ أَتَمَمْتَ ذَلِكَ قَالَ: فَأَنْ رَدَّ الْحَلِيمُ عَلَيْهِ ارْتَفَعَ الْمَلَكَانِ..



بَابُ الصَّمْتِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ.

١٨١٧-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:
قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْحِلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ - إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ - إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ - إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.

١٨١٨-٢- عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّمَا شِيعَتُنَا الْخُرُسُ.

۸- رسول خدا ﷺ فرمود: براستی خداوند شخص با حیای بردبار و پارسای عفت جو را دوست می‌دارد.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

چون میان دو کس جنگی درگیرد، دو فرشته فرود می‌آیند، و به آنکه سفیه و بی‌خرد است می‌گویند: هر چه خواستی گفتی و خودت لایق آنچه که گفتی هستی و کیفر رفتار خود را خواهی دید و به شخص بردبار می‌گویند، صبر و بردباری کردی، به یقین خدا تو را پیامرزد اگر حکم و بردباری خود را به پایان رسانی خداوند تو را می‌آمرزد سپس فرمود: اگر شخص بردبار او را پاسخ ناشایسته دهد آن دو فرشته بالا روند.



خاموشی و نگهداری زبان

۱- امام رضا علیه السلام فرمود: از نشانه‌های فقاقت (در دین) بردباری و دانش و خاموشی است، به راستی خاموشی دری است از درهای حکمت، به راستی خاموشی محبت می‌آورد و راهنمای هر کار خوبی است.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: همانا شیعیان ما بی‌زبانند. (که می‌گویند ولی گزیده گو هستند)

١٨١٩-٣- عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْجَوَانِي قَالَ:
شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ لِمَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ سَالِمٌ وَوَضَعَ
يَدَهُ عَلَى شَفَتَيْهِ وَقَالَ - يَا سَالِمُ احْفَظْ لِسَانَكَ تَسْلَمَ - وَلَا تَحْمِلِ النَّاسَ
عَلَى رِقَابِنَا.

١٨٢٠-٤- عَنْهُ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ:
حَضَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ - أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ
إِحْفَظْ لِسَانَكَ تُعَزَّ - وَلَا تُمْكِنِ النَّاسَ مِنْ قِيَادِكَ - فَتَذِلَّ رَقَبَتَكَ.

١٨٢١-٥- عَنْهُ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِرَجُلٍ أَتَاهُ - أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَمْرٍ يُدْخِلُكَ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ
- قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ أَنْبِلْ مِمَّا أَنْبَلَكَ اللَّهُ قَالَ - فَإِنْ كُنْتُ أَخْوَجَ
مِمَّنْ أَنْبَلَهُ - قَالَ فَانْصُرِ الْمَظْلُومَ قَالَ - وَإِنْ كُنْتُ أضعَفُ مِمَّنْ أَنْصَرُهُ -
قَالَ فَاصْنَعْ لِلْأَخْرَقِ يَغْنِي أَشْرُ عَلَيْهِ - قَالَ فَإِنْ كُنْتُ أَخْرَقَ مِمَّنْ أَصْنَعُ
لَهُ - قَالَ فَاصْمِتْ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ - أَمَا يَسُرُّكَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ
خَصْلَةٌ - مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَجْرُكَ إِلَى الْجَنَّةِ.

١٨٢٢-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
إِبْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ - إِنْ كُنْتَ رَعِمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فِضَّةٍ - فَإِنَّ
السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ.

۳- ابو علی جوانی، گفت: امام صادق علیه السلام را دیدم انگشت بالای لبهای خود گذاشته و به غلامش سالم می فرماید:

ای سالم، زبانت را نگهدار تا سالم بمانی و مردم را بر دوش ما سوار نکنی (یعنی آنچه که صلاح نیست به مردم مگو تا بر ما بشورانی بلکه تقیه را پیشه کن)

۴- عثمان بن عیسی، گوید: در حضور ابوالحسن علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: به من سفارشی فرما.

در پاسخ او فرمود: زبانت را نگه دار تا عزیز باشی و مهار خود را به دست مردم مده تا خود را خوار و زیون کنی.

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی که نزدش آمده بود فرمود: آیا نمی خواهی تو را به کاری راهنمایی کنم که خداوند به خاطر آن، تو را به بهشت برد؟ گفت: آری یا رسول الله، حضرت فرمود: از آنچه خدا به تو داده بده، گفت: اگر خود نیازمندتر باشم چکنم؟ فرمود: ستم دیده ای را یاری کن، گفت: اگر ناتوان تر از آن ستم دیده باشم چکنم؟ فرمود: کاری برای نادان بی خرد کن یعنی او را راهنمایی کن، گفت: اگر خودم از او نادانتر باشم؟ فرمود: زبانت را جز از کارهای خوب خاموش بدار، آیا شادمان نیستی که یکی از این صفتها در تو باشد و تو را به بهشت بکشاند.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان به پسرش گفت: ای پسر! اگر تو فکر کنی که سخن از نقره است، به راستی که خموشی از طلاست.

١٨٢٣-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلْبِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْسِكْ لِسَانَكَ - فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى
نَفْسِكَ - ثُمَّ قَالَ وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ - حَتَّى يَخْزُنَ مِنْ لِسَانِهِ.

١٨٢٤-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ
جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ
الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ قَالَ يَغْنِي كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ.

١٨٢٥-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلْبِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ.

١٨٢٦-١٠- يُونُسُ عَنْ مُشْنَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَقُولُ كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ - يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ
إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ - مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ - فَاخْتِمِ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمُ
عَلَى ذَهَبِكَ وَ وَرِقِّكَ.

١٨٢٧-١١- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو
ابْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
كَانَ الْمَسِيحُ ﷺ يَقُولُ - لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ
فَإِنَّ الَّذِينَ يُكْثِرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ - قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ
وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ.

۷- رسول خدا ﷺ فرمود: زبانت را نگهدار که این کمکی است که به خود می‌کنی، سپس فرمود: هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نشناسد تا زبان خود را نگه بدارد.

۸- امام صادق (ع) در تفسیر خدای عز و جل فرمود: «آیا آن کسانی که به آنها گفته شد دستهای خود را نگهدارید ندیدی» فرمود: یعنی زبان خود را نگهدارید.

۹- رسول خدا ﷺ فرمود: نجات مؤمن در نگهداشتن زبان است.



مرکز تحقیقات کهن‌پژوهی اسلامی

۱۰- ابوذر (ره) می‌گفت:

ای دانشجو، به راستی این زبان کلید خیر است و کلید شر، همانطور که بر طلا و نقره دست مهر می‌ورزی زبان خود را مهر کنی.

۱۱- امام صادق (ع) فرمود: حضرت مسیح (ع) همیشه می‌فرمود: بجز ذکر خدا سخن بسیار نگوئید زیرا آنان که جز در ذکر بسیار سخن گویند دل‌هایشان سخت است ولی نمی‌دانند.

١٨٢٨-١٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَكُلُّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسَدِ - يُكْفِّرُ اللِّسَانَ يَقُولُ نَشَدْتُكَ اللَّهُ أَنْ نُعَذَّبَ فِيكَ.

١٨٢٩-١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ - كُلُّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ - فَيَقُولُونَ بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا - وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا وَ يُنَاشِدُونَهُ - وَ يَقُولُونَ إِنَّمَا نُثَابُ وَ نُعَاقَبُ بِكَ.

١٨٣٠-١٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ قَيْسِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ - قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ - قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ - وَيُحَكِّكَ وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ فِي النَّارِ - إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: روزی نیست جز آنکه عضوی از اعضای تن در برابر زبان کرنش کند و بگوید: تو را به خدا مبادا به خاطر تو عذاب بکشم.

۱۳- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: زبان آدمی زاده هر بامداد بر همه اندام تنش سر می کشد و می گوید: چگونه صبح کردید؟ گویند: اگر تو ما را به خوشی رها کنی خویم و می گویند: خدا را نسبت به ما به یاد آور و سوگندش دهند و گویند ما به سبب تو ثواب و کیفر بینیم.



۱۴- مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، به من سفارش کن. فرمود: زیانت را نگه دار، گفت: یا رسول الله، به من سفارشی کن، فرمود: زیانت را نگهدار، گفت: یا رسول الله، به من سفارشی کن، فرمود: زیانت را نگه دار، وای بر تو، آیا این نیست که کارها و محصولات درو شده زبان مردم سبب برو افتادن آنها در آتش خواهد بود؟

١٨٣١-١٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لَمْ يَحْسُبْ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ - كَثُرَتْ خَطَايَاهُ وَ حَضَرَ عَذَابُهُ.

١٨٣٢-١٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَذِّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ - لَا يُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ - فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذِّبْ بِهِ شَيْئًا - فَيُقَالُ لَهُ خَرَجْتَ مِنْكَ كَلِمَةً - فَبَلَغْتَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا - فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَأَنْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامُ - وَأَنْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجَ الْحَرَامَ وَ عِزِّي وَ جَلَالِي لِأَعَذِّبَنَّكَ بِعَذَابٍ - لَا أَعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ جَوَارِحِكَ.

١٨٣٣-١٧- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ شَوْمٌ فِي اللِّسَانِ.

١٨٣٤-١٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ الْوَشَاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ كَانَ الرَّجُلُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا أَرَادَ الْعِبَادَةَ صَمَتَ قَبْلَ ذَلِكَ عَشْرَ سِنِينَ.

۱۵- رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس سخنش را نتیجه رفتارش نداند خطاهای او بسیار و عذابش فرا خواهد رسید.

۱۶- رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند زبان را کیفری کند که هیچکدام از اعضای دیگر چنین عذابی را نکند و زبان می گوید: پروردگارا مرا عذابی کردی که چیزی را چنان عذاب نکردی، در پاسخ او گفته شود: از تو یک سخن در آمد و به تمامی جهان رسید و توسط آن، خونهای ارزشمندی ریخته شد و مال زیادی غارت شد و ناموس محترمی بر باد رفت، به عزت و جلال سوگند هر آینه به عذابی گرفتارت کنم که هیچ عضوی را چنان عذاب نکرده باشم.



مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱۷- رسول خدا ﷺ فرمود: اگر در چیزی شوم و زشتی باشد بیقین در زبان است.

۱۸- و شاء، گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم می فرمود: هر مردی از بنی اسرائیل می خواست عابد شود، پیش از آن، ده سال راه خاموشی را می پیمود (یعنی سخن به گزاف نمی گفت)

١٨٣٥-١٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْغِفَارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ رَأَى مَوْضِعَ كَلَامِهِ مِنْ عَمَلِهِ - قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَغْنِيهِ.

١٨٣٦-٢٠- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ مَنصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ - عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ - مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِللسَانَةِ.

١٨٣٧-٢١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ

عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتُبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِتًا - فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا.

بَابُ الْمَدَارَاةِ

١٨٣٨-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ - وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ - وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ - وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ.

۱۹- رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس سخنش را در رفتارش ببیند، کم گوید جز آنچه در آن سودمند باشد.

۲۰- امام صادق علیه السلام فرمود: در حکمت آل داود است: بر عهده ی خردمند است که آشنا به زمان خود باشد آن را بشناسد و به کار خود سرگرم بوده و زبانش را حفظ کند.

۲۱- امام صادق علیه السلام فرمود: تا زمانی که بنده مؤمن خاموش باشد درباره اش نیکو کار نوشته شود و چون سخن گوید: نیکو کار یابد کردار نوشته می شود.



توضیح: باید دانست که خاموشی بدون هدف خوب نیست و تعریفی ندارد بلکه خاموشی زمانی نیکوست که برای هدفی مناسب به کار گرفته شود سکوت و خاموشی که برای حل مشکلات باشد مناسب است و سکوت در برابر ظلم و بی عدالتی بسیار ناپسند است.

مدارا و سازگاری

رسول خدا ﷺ فرمود: سه چیز است که در هر کس نباشد هیچ کارش تمام نیست:

۱- پرهیزکاری که او را از نافرمانیهای خدا باز دارد،

۲- اخلاقی که به سبب آن با مردم بسازد

۳- و بردباری که جاهل نادانی را از خود دور سازد.

١٨٣٩- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ:

سَمِعْتُ جَعْفَرًا عليه السلام يَقُولُ جَاءَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ - يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يَقْرِئُكَ السَّلَامَ - وَ يَقُولُ لَكَ دَارَ خَلْقِي.

١٨٤٠- ٣- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهٖ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى أَكُتُمُ مَكْتُومَ سِرِّي فِي سَرِيرَتِكَ - وَأُظْهِرُ فِي عَلَانِيَتِكَ الْمُدَارَةَ عَنِّي - لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ مِنْ خَلْقِي - وَلَا تَسْتَسِيبْ لِي عِنْدَهُمْ بِإِظْهَارِ مَكْتُومِ سِرِّي - فَتَشْرِكَ عَدُوَّكَ وَعَدُوِّي فِي سَيِّئِي.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته‌های اسلامی

١٨٤١- ٤- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ - كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ.

١٨٤٢- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُدَارَةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ - وَالرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ - ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام خَالِطُوا الْأَبْرَارَ سِرًّا

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا محمد، پروردگارت سلامت می‌رساند و می‌فرماید: با مخلوقات من سازگاری و مدارا کن.

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است از جمله مناجات خداوند با موسی بن عمران این بود که ای موسی: راز نهفته‌ام را در باطن خویش پوشیده بدار و در عیان با دشمن من و دشمن خود، از آفریده‌هایم سازگاری کن و با اظهار راز نهانم آنان را به دشنام و بدگوئیم مکشان تا در دشنام دادن من شریک دشمن خود و من گردی.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم به من فرمان سازگاری با مردم داده چنانچه فرمان به انجام واجباتم را داده است.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سازگاری با مردم نیمی از ایمان است و نرمش با آنان نیمی از زندگی، سپس امام صادق علیه السلام فرمود: با نیکان، نهانی آمیزش کنید و با بدکاران، به صورت آشکار ولی به آنها حمله نکنید تا به شما ستم کنند زیرا زمانی برای شما پیش می‌آید که دین

وَ خَالِطُوا الثُّجَّارَ جَهَاراً - وَ لَا تَمِيلُوا عَلَيْهِمْ فَيَظْلِمُوكُمْ - فَإِنَّهُ سَيَأْتِي
عَلَيْكُمْ زَمَانٌ - لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ - إِلَّا مَنْ ظَنُّوا أَنَّهُ أَبْلَهُ
وَ صَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ لَهُ: إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ.

١٨٤٣- ٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ
ابْنِ مَثُورٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ قَوْماً مِنَ النَّاسِ قَلَّتْ مُدَارَاتُهُمْ لِلنَّاسِ -
فَأَنْفُوا مِنْ قُرَيْشٍ وَ أَيْمِ اللَّهِ مَا كَانَ بِأَحْسَابِهِمْ بَأْسٌ - وَ إِنَّ قَوْماً مِنْ غَيْرِ
قُرَيْشٍ - حَسُنَتْ مُدَارَاتُهُمْ فَأُلْحِقُوا بِالْبَيْتِ الرَّفِيعِ - قَالَ ثُمَّ قَالَ مَنْ
كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ - فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً
وَ يَكْفُونَ عَنْهُ أَيْدِي كَثِيرَةٍ

بَابُ الرَّفْقِ

١٨٤٤- ١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلاً - وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ.

١٨٤٥- ٢- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَنْ قُسِمَ لَهُ الرَّفْقُ - قُسِمَ لَهُ الْإِيمَانُ.

داری در آن نجات نیابد جز کسی که گمان برند ابله است و خود را آماده کند که به او بگویند ابله و بی عقل است.

۶- «حذیفة بن منصور»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به راستی جمعی از مردم قرشی نژاد با مردم، کم سازگاری کردند و از قریش رانده شدند در صورتی که به خدا سوگند که از نظر خانوادگی عیبی نداشتند و به راستی جمعی از آنها که از نژاد قریش نبودند با مردم خوب سازگاری کردند و به خاندان عالی مرتبه پیوستند، گوید: سپس فرمود: هرکس دستش را از مردم دریغ دارد از آنها یک دست دریغ داشته ولی مردم از او دست‌ها دریغ داشته‌اند.



نرمش و مدارا

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

راستی برای هر چیزی قفلی است، و قفل ایمان نرمش و مداراست.

توضیح: شاید از کلام امام چنین استفاده شود که شیطان دزد ایمان است و با باز کردن این قفل، شیطان انسان را به راه‌های ناهموار می کشاند زیرا با مهر و ناسزاگویی و تباهی‌های دیگر، انسان به راه‌های ناهموار کشیده می شود و ایمانش بر باد می رود.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: به هرکس نرمش داده شد از ایمان هم بهره مند شد.

١٨٤٦- ٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَفِيقٌ - يُحِبُّ الرِّفْقَ فَمَنْ رَفَقَ بِعِبَادِهِ - تَسْلِيلُهُ أَضْغَانَهُمْ وَمُضَادَّتُهُمْ لَهْوَاهُمْ وَقُلُوبَهُمْ - وَ مِنْ رَفَقِهِ بِهِمْ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ عَلَى الْأَمْرِ - يُرِيدُ إِزَالَتَهُمْ عَنْهُ رِفْقًا بِهِمْ - لِكَيْلَا يُلْقَى عَلَيْهِمْ عُرَى الْإِيمَانِ - وَ مُثَاقَلَتُهُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فَيَضَعُوهَا - فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ نَسَخَ الْأَمْرَ بِالْآخِرِ - فَصَارَ مَنْسُوخًا.

١٨٤٧- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرِّفْقُ يَمْنُ وَالْخُرْقُ شُوْمٌ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته شده

١٨٤٨- ٥- عَنْهُ عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ - يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ - مَا لَا يُعْطَى عَلَى الْعُنْفِ.

١٨٤٩- ٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِثْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يَوْضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ - وَلَا نَزَعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی نرمش را دوست دارد و از نرمش او با بنده هاست که کینه‌ها را از سینه‌های آنها بیرون کشد و آنها را مخالف هوس و خواسته دلشان سازد و از رفق وی به آنان است که آن را به امری واگذارد که بخواهد آن را از میان بردارد برای نرمش با آنها تا حلقه‌های ایمان به تن آنها ننشیند و یکباره بار آنها سنگین نشود و نتوان گردند و چون این را خواهد امری را به امر دیگری نسخ کند و آن فرمان اول منسوخ شود.

توضیح: محتمل است که خداوند به پیامبران و اوصیای خود دستور داده که با کافران و منافقان با نرمی و ملایمت رفتار کنند تا با کار خود، دل‌های آنها را نرم سازند و کینه را از دل‌هایشان بیرون برند.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نرمش میمنت دارد و سختگیری شوم است.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی خدای عز و جل نرم و ملایم است و نرمش و مدارائی را دوست دارد و به نرمش عوض و اثری دهد که به سختگیری و خشونت نمی‌دهد.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نرمش را بر چیزی نگذارند جز آنکه آن را زیور بخشد و از چیزی برندارند جز آنکه نازیبایش کند.

١٨٥٠-٧- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:

إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْبَرَكَهَ - وَمَنْ يُحَرِّمِ الرَّفْقَ يُحَرِّمِ الْخَيْرَ.

١٨٥١-٨- عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ ذَكْرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

مَا زُوِيَ الرَّفْقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتٍ - إِلَّا زُوِيَ عَنْهُمْ الْخَيْرُ.

١٨٥٢-٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادٍ بْنِ أَرْقَمَ الْكُوفِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

أَيُّمَا أَهْلٍ بَيْتٍ أُعْطُوا حَظُّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ - فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ - وَالرَّفْقُ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ - وَالرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ - وَالتَّبَذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ.

١٨٥٣-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ قَالَ:

قَالَ لِي وَجَرَى بَيْنِي وَبَيْنَ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ كَلَامٌ - فَقَالَ لِي أَرْفُقْ بِهِمْ - فَإِنْ كُفِّرَ أَحَدُهُمْ فِي غَضَبِهِ - وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ كَانَ كُفْرُهُ فِي غَضَبِهِ.

۷- پیامبر ﷺ فرمود: به راستی مدارا و در نر می فزونی و برکت است، هر کس از نر می محروم است از خیر محروم باشد.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: از هر خانواده‌ای که از مدارا و نر می دور شود خیر و سعادت هم از آنها دور خواهد گشت.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: هر خاندانی که بهره خود را از نر می گرفتند خداوند روزی آنها را وسعت داد، و نر می در تقدیر زندگی از وسعت مال بهتر است و با میانه روی در ماندگی نباشد و با ولخرجی چیزی باقی نماند، به راستی خدای عز و جل مدارا کننده است و کسی که نر می و مدارائی به خرج دهد خداوند او را دوست دارد.

۱۰- هشام بن احمر گوید: مرا با مردی از قوم عثمان سخنی در گرفت (با یکی از مخالفین حضرت) حضرت ابوالحسن به من فرمود: با آنها نر می کن زیرا هر کدامشان به محض اینکه خشم گیرند به کفر رو کنند و خیری در کسی نباشد که کفر او در خشم اوست.

۱۸۵۴-۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:
الرِّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ.

۱۸۵۵-۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعِينُ عَلَيْهِ - فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا - فَإِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ مُجْدِبَةً فَانْجُوا عَنْهَا - وَإِنْ كَانَتْ مُخْصِبَةً فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا.

۱۸۵۶-۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَوْ كَانَ الرِّفْقُ خَلْقًا يُرَى - مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْهُ.

۱۸۵۷-۱۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ ابْنِ مَيْمُونٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ مِنْ رَفْقِهِ بِكُمْ - تَسْلِيلُ أَضْغَانِكُمْ وَ مُضَادَّةُ قُلُوبِكُمْ - وَ إِنَّهُ لَيُرِيدُ تَحْوِيلَ الْعَبْدِ عَنِ الْأَمْرِ - فَيَتْرُكُهُ عَلَيْهِ حَتَّى يُحَوِّلَهُ بِالنَّاسِخِ - كَرَاهِيَةَ تَثَاقُلِ الْحَقِّ عَلَيْهِ.

۱۱- امام کاظم علیه السلام فرمود: نرمی و لطف، نیمی از زندگی است.

۱۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی خداوند مدارا و نرمی را دوست دارد و به آن کمک می‌کند و چون بر این مرکب‌های لاغر سوار شوید آنها را به منزلگاه معین خود ببرید (استراحت دهید) اگر سرزمین خشک و بی گیاه باشد زود خود را نجات دهید و بگذرید و اگر فراوانی و خوشی باشد در آن جایشان دهید (مقصود این است که نرمش با حیوانات خوب و مناسب است و باید رعایت کرد).



۱۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر نرمی و مدارائی با چشم دیده می‌شد، آفریده‌ای از آن زیباتر و نیکوتر نبود.

۱۴- یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق ع) فرمود: به راستی خدا ملایم است و ملایمت را دوست دارد و از نرمش و لطف به شماست که کینه‌های شما را خرد خرد بیرون آورد و جدائی دل‌ها را براندازد و به راستی که می‌خواهد بنده را از دستوری برگرداند و او را واگذارد تا با ناسخی آن را دگرگون کند که مبادا حق بر او سنگینی کند.

١٨٥٨-١٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا إِصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَعْظَمُهَا أَجْراً وَأَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ.

١٨٥٩-١٦ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُمَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ

بَابُ التَّوَاضُّعِ

١٨٦٠-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَرْسَلَ النَّجَاشِيُّ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَأَصْحَابِهِ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ وَهُوَ فِي بَيْتٍ لَهُ - جَالِسٌ عَلَى التَّرَابِ وَعَلَيْهِ - خُلْقَانُ الثِّيَابِ - قَالَ فَقَالَ جَعْفَرُ عليه السلام فَأَشْفَقْنَا مِنْهُ حِينَ رَأَيْنَاهُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ - فَلَمَّا رَأَى مَا بَيْنَا وَتَغَيَّرَ وَجْهُنَا - قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَصَرَ مُحَمَّدًا - وَأَقَرَّ عَيْنَهُ إِلَّا أَبَشَّرَكُمْ فَقُلْتُ - بَلَى أَيُّهَا الْمَلِكُ فَقَالَ - إِنَّهُ جَاءَنِي السَّاعَةُ مِنْ مَحْوِ أَرْضِكُمْ عَيْنٌ مِنْ عُيُونِي - هُنَاكَ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ نَصَرَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ وَأَهْلَكَ عَدُوَّهُ وَأَسَرَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ - وَفُلَانٌ اتَّقُوا بِوَادٍ يُقَالُ لَهُ - بَذْرُ كَثِيرٍ الْأَرَاكِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ - حَيْثُ كُنْتُ أَرْعَى

۱۵- رسول خدا ﷺ فرمود: دو کس با هم همراهی و همدلی نکنند جز آنکس که نزد خداوند نر می او با رفیقش بیشتر است از این رو پاداشش بزرگ تر و محبوبیتش بیشتر خواهد بود.

۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در کار خود نرمش کند، آنچه که از مردم بخواهد به آن می رسد.

تواضع و فروتنی

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: نجاشی (پادشاه حبشه) نزد جعفر بن ابی طالب و یارانش فرستاد (که از فشار کفار قریش به حبشه گریخته بودند) آنها بر نجاشی وارد شدند و او را در خانه اش روی خاک نشسته یافتند که جامه های کهنه بر تن داشت فرمود: جعفر گفته: چون او را با این حال دیدیم از او نگران شدیم (که مبادا بر ما خشم کرده و خود را به این وضع در آورده باشد) چون چهره رنگ پریده ما را دید گفت:

سپاس خدائی را سزا است که محمد را یاری کرد و چشمش را روشن ساخت، آیا به شما یک مرده ای ندهم؟ گفتم: پادشاهها چرا، گفت: اکنون یکی از دیده بان های من از سرزمین شما آمد و به من گزارش داد که خدای عز وجل محمد را یاری کرده و دشمن او را نابود ساخته و فلان و فلان و فلان در هنگام برخورد با مسلمانان در دره ای به نام (بدر) اسیر شدند، آن دره درخت اراک فراوان دارد و گویا هم اکنون من بدو نگاه می کنم، چون در آنجا برای آقای خودم که از بنی ضمره بود چوپانی می کردم، جعفر در پاسخ او گفت: پادشاهها پس چرا بر خاک نشسته و

لِسَيِّدِي هُنَاكَ - وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي ضَمْرَةَ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ - أَيُّهَا الْمَلِكُ فَمَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ - وَ عَلَيْكَ هَذِهِ الْخُلُقَانُ فَقَالَ لَهُ - يَا جَعْفَرُ إِنَّا نَحْجِدُ فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ - عَلَى عِيسَى عليه السلام أَنْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ - أَنْ يُحَدِّثُوا لَهُ تَوَاضُعًا - عِنْدَ مَا يُحَدِّثُ لَهُمْ مِنْ نِعْمَةٍ - فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلَّ لِي نِعْمَةً - بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله أَخَذْتُ لِلَّهِ هَذَا التَّوَاضُعَ - فَلَمَّا بَلَغَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله قَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ الصَّدَقَةَ - تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةً فَتَصَدَّقُوا بِرُحْمِكُمْ اللَّهُ - وَ إِنَّ التَّوَاضُعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً - فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ وَ إِنَّ الْعَفْوَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ عِزًّا - فَاعْفُوا يُعِزَّكُمُ اللَّهُ.

١٨٦١-٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ - فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ - وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ.

١٨٦٢-٣ - إِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَفْطَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَشِيَّةَ خَمِيسٍ فِي مَسْجِدِ قُبَا - فَقَالَ هَلْ مِنْ شَرَابٍ فَأَتَاهُ أَوْسُ بْنُ خُوَلِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ بِعُسٍّ مَخِيضٍ بِعَسَلٍ - فَلَمَّا وَضَعَهُ عَلَى فِيهِ نَحَّاهُ - ثُمَّ قَالَ شَرَابَانِ يُكْتَنَى بِأَحَدِهِمَا مِنْ صَاحِبِهِ لَا أَشْرَبُهُ وَلَا أُحَرِّمُهُ وَلَكِنْ أَتَوَاضَعُ لِلَّهِ - فَإِنْ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ

جامه کهنه در بر کرده‌ای (یعنی این مژده مایه شادی و جشن و شادمانی است)

گفت: ای جعفر، ما در آنچه خدا به عیسی فرو فرستاده در یافتیم که از حق خدا بر بنده‌ها این است که فروتنی کنند هنگامی که خداوند نعمتی برای آنها فرستد، چون خدای عز و جل به وسیله محمد ﷺ برایم نعمتی آورد من این تواضع و فروتنی را بخاطر خداوند پیشه کردم چون به پیامبر رسید به یارانش فرمود: به راستی صدقه مایه فزونی است پس صدقه دهید خداوندگار رحمت کند و به راستی تواضع و فروتنی مایه بلندی مقام است، تواضع کنید تا خدایتان شما را بلند کند و به راستی گذشت برای صاحبش سبب عزت است، گذشت کنید تا خدا را عزیزدارید.



۲- معاویه بن عمار، از امام صادق علیه السلام، نقل می‌کند: شنیدم که می‌فرمود: به راستی در آسمان دو فرشته‌اند که بر بنده گماشته شده‌اند هر کس برای خدا تواضع کند او را بالا برند و زمینه احترام برایش فراهم سازند و هر کس تکبر و گردن کشی کند او را پست و بی مقدار سازند.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک شب پنجشنبه در مسجد قبا افطار کرد و فرمود: نوشابه‌ای هست؟ «اوس بن خولی انصاری» قدحی آمیخته از دوغ با عسل برایش آورد و چون آن را به لب گرفت دورش کرد، سپس فرمود: دو نوشیدنی است که یکی از آنها بس است، نه آن را می‌نوشم و نه آن را حرام می‌کنم ولی برای خدا تواضع می‌نمایم، زیرا هر کس برای خدا تواضع کند، خدایش او را بالا برد و هر کس بزرگی ورزد،

اللَّهُ - وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ - وَ مَنْ اِقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ
وَ مَنْ بَذَرَ حَرَمَهُ اللَّهُ - وَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ.

١٨٦٣- ٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ
دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ وَقَالَ:
مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ - أَظْلَمَهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ.

١٨٦٤- ٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَلَاءِ
بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَذْكُرُ أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ - يُخَيِّرُكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا رَسُولًا - مُتَوَاضِعًا أَوْ مَلِكًا رَسُولًا - قَالَ
فَنَظَرَ إِلَى جَبْرِئِيلَ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَنْ تَوَاضَعَ - فَقَالَ عَبْدًا مُتَوَاضِعًا
رَسُولًا - فَقَالَ الرَّسُولُ - مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئًا - قَالَ وَ
مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ.

١٨٦٥- ٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ - وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى
مَنْ تَلَقَى - وَ أَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا - وَ أَنْ لَا تُحِبَّ أَنْ
تُحَمَّدَ عَلَى التَّقْوَى.

خدایش او را بی مقدار گرداند و هر کس در زندگی میانه روی کند
خدایش روزی دهد و هر کس ولخرجی کند، خداوند محرومش سازد و
هر کس بسیار به یاد مرگ باشد خداوند او را دوست دارد.

۴- داود حمّار از امام صادق علیه السلام اینگونه روایت کرده که فرمود:
هر کس از خدا بسیار یاد کند خداوند او را در بهشت خود زیر سایه
قرارش دهد.

۵- محمد بن مسلم، گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: فرشته‌ای نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: خدای عز و جل تو را مخیر کرده که بنده و رسولی
متواضع باشی یا پادشاه و رسول باشی فرمود: پیامبر نگاهی به جبرئیل کرد
و او با دست اشاره کرد که تواضع پیشه کن، در پاسخ آن فرشته فرمود:
بنده متواضعی هستم با مقام رسالت، آن فرشته که پیام آورده بود گفت:
به هر حال از درجه‌ای که نزد پروردگارت داری چیزی کم نشود، امام
باقر علیه السلام فرمود: کلید همه گنجینه‌های زمین همراه او بود (یعنی با آن فرشته
که آورده بود به پیغمبر صلی الله علیه و آله بدهد و او نپذیرفت).

۶- از تواضع این است که در نشستن به پایین مجلس راضی باشی و به هر
کس برخورد کنی سلام دهی بحث و مجادله را طول ندهی گرچه حق با
تو باشد و خوش نداشته باشی که تو را به تقوی بستانند.

١٨٦٦-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام - أَنْ يَا مُوسَى أَتَذَرِي لِمَ إِصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي - قَالَ يَا رَبِّ وَلِمَ ذَاكَ - قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ - أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلْبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِبَطْنٍ - فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذِلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ - يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَضَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ - أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ.

١٨٦٧-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - عَلَى الْمُجَذَّمِينَ وَهُوَ رَاكِبٌ حِمَارَهُ - وَهُمْ يَتَغَدَّوْنَ فَدَعَاؤُهُ إِلَى الْغَدَاءِ - فَقَالَ أَمَا إِنِّي لَوْلَا أَنِّي صَائِمٌ - لَفَعَلْتُ فَلَمَّا صَارَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَمَرَ بِطَعَامٍ - فَصْنَعَ وَأَمَرَ أَنْ يَتَنَوَّقُوا فِيهِ - ثُمَّ دَعَاهُمْ فَتَغَدَّوْا عِنْدَهُ - وَتَغَدَّى مَعَهُمْ.

١٨٦٨-٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ يَجْلِسَ الرَّجُلُ دُونَ شَرَفِهِ.

١٨٦٩-١٠- عَنْهُ عَنْ إِبْنِ فَضَالٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ - قَدْ اشْتَرَى لِعِيَالِهِ

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: خدا به موسی علیه السلام وحی فرمود: که ای موسی، می دانی چرا تو را در برابر همه مخلوقاتم تو را برای سخن گفتن برگزیدم؟ عرض کرد: پروردگارا برای چه بوده است؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد که ای موسی، به راستی من بنده هایم را زیر و رو کردم و در میان آنها چون تو کسی که خود را خوار و زبون من داند نیافتم، ای موسی، تو وقتی می خواهی نماز بخوانی صورت را بر خاک گذار.

* * *

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام عبورش بر جذامیان افتاد در حالی که او بر الاغی سوار بود و آنها صبحانه می خوردند و امام را به طرف صبحانه دعوت کردند حضرت فرمود: اگر روزه دار نبودم این کار را می کردم و چون به خانه خود رفتم، فرمان داد خوراکی خوبی فراهم سازند و برای صبحانه از آنها دعوت کرد و خود با آنها صبحانه خورد.

* * *

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی از تواضع است که مردی در جائی بنشیند که پست تر از مقام و شرف او باشد.

۱۰- امام صادق علیه السلام به مردی از اهل مدینه نگریست که چیزی برای خانواده خود خریده و با خود می برد چون امام را دید شرمنده شد، امام صادق علیه السلام به او فرمود: آن را برای خانواده خود خریدی و به دوش کشیدی تا برایشان

شَيْئًا وَهُوَ يَحْمِلُهُ - فَلَمَّا رَأَاهُ الرَّجُلُ اسْتَحْيَا مِنْهُ - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :
 اشْتَرَيْتَهُ لِعِيَالِكَ وَحَمَلْتَهُ إِلَيْهِمْ - أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ لَأَخْبَيْتُ أَنْ
 أَشْتَرِيَ لِعِيَالِي الشَّيْءَ ثُمَّ أَحْمِلَهُ إِلَيْهِمْ .

١٨٧٠-١١ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ
 اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ - كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ .

١٨٧١-١٢ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ قَالَ :

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فِي السَّنَةِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
عليه السلام - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - مَا لَكَ ذَمَحْتَ كَيْشًا وَنَحَرَ فَلَانُ بَدَنَةً - فَقَالَ
 يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ نُوحًا عليه السلام كَانَ فِي السَّفِينَةِ وَكَانَ فِيهَا مَا شَاءَ اللَّهُ - وَكَانَتْ
 السَّفِينَةُ مَأْمُورَةً فَطَافَتْ بِالْبَيْتِ - وَهُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ وَخَلَى سَبِيلَهَا
 نُوحٌ عليه السلام فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْجِبَالِ - أَنِّي وَاضِعٌ سَفِينَةَ نُوحٍ
 عَبْدِي عَلَى جَبَلٍ مِنْكُمْ - فَتَطَاوَلْتُ وَشَمَخْتُ وَتَوَاضَعَ الْجُودِيُّ - وَهُوَ
 جَبَلٌ عِنْدَكُمْ فَضْرَبَتِ السَّفِينَةُ بِجَوْجُوهَا الْجَبَلَ - قَالَ فَقَالَ نُوحٌ عليه السلام عِنْدَ
 ذَلِكَ - يَا مَارِي أَتَقِنُ وَهُوَ بِالسُّرْيَانِيَّةِ يَا رَبِّ أَصْلَحْ - قَالَ فَظَنَنْتُ أَنَّ
 أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَرَّضَ بِنَفْسِهِ .

بیری، به خدا سوگند اگر مردم مدینه خرده گیر نبودند (که به من اعتراض کنند) من هم دوست داشتم برای خانواده خود چیزی بخرم و ببرم.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: در آنچه خدای عز و جل به داود وحی کرد این بود که: ای داود نزدیکترین مردم به خداوند متواضعانند و دورترین آنها به خدا متکبرانند.

۱۲- ابی بصیر، گوید: در آن زمان امام صادق علیه السلام وفات کرده بود بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و عرض کردم قربانت گردم چرا شما گوسفندی را کشتید در صورتی که فلانی شتری را کشت؟
در پاسخ فرمود: ای ابا محمد، به راستی نوح در کشتی بود و آنچه خدا خواسته بود در آن کشتی بود و آن کشتی تحت فرمان خداوند گرد خانه کعبه چرخید و آن طواف نساء بود و نوح جلو آن را رها کرد و خدای عز و جل به کوهها وحی کرد که من کشتی نوح بنده خود را بر یکی از شماها فرود می آورم، آنها سرافرازی کردند و خود را بالا گرفتند، کوه جودی تواضع و فروتنی کرد و آن کوهی است در نزد شما و کشتی سینه خود را به آن نهاد و در این هنگام نوح علیه السلام به زبان سریانی به او فرمود: یا ماری اتقن یعنی خداوند اصلاح کن راوی گوید: من پنداشتم که امام کاظم علیه السلام به خود اشاره کرد (یعنی بیان کرد که منظورش از کشتن گوسفند تواضع بوده است همانطور که پیامبر دوغ مخلوط به عسل را بخاطر تواضع ننوشت).

١٨٧٢-١٣ - عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

قَالَ التَّوَّاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ - مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قُلْتُ مَا حَدُّ التَّوَّاضِعِ - الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ مُتَوَاضِعاً فَقَالَ التَّوَّاضِعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا - أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ - قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ - إِلَّا مِثْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ - إِنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَأَهَا بِالْحُسْنَةِ - كَاطِمُ الْغَيْظِ عَافٍ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

بَابُ الْحُبِّ فِي اللَّهِ وَالبُغْضِ فِي اللَّهِ.

١٨٧٣-١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ لِلَّهِ - وَ أُعْطِيَ لِلَّهِ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ.

١٨٧٤-٢ - ابْنُ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيْمَانِ - أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ - وَ تُعْطِيَ فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ.

۱۳- امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع این است که به مردم احترام کنی و به مردم آن را بدهی که دوست داری به تو بدهند. و در روایت دیگر گوید: گفتم: اندازه تواضعی که چون بنده‌ای آن را بجا آورد متواضع خواهد بود؟ در پاسخ فرمود: تواضع درجاتی دارد از آن جمله این که مرد قدر و منزلت خود را بداند و با دلی سالم خود را به جایگاه خود بنشاند و نخواهد به کسی چیزی دهد جز آنچه بخواهد به او داده شود، اگر بدی از کسی دید به خوبی آن را جبران کند و خشم خود را فرو برد، از مردم بگذرد که خدا نیکوکاران دوست می‌دارد.

دوستی و دشمنی در راه خدا

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمن بدارد و برای خدا ببخشد، او از کسانی است که ایمانش کامل است.

۲- باز فرمود: از محکم‌ترین نمونه‌های ایمان این است که: برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و در راه خدا ببخشی و در راه خدا دریغ ورزی.

١٨٧٥-٣- ابن محبوب عن أبي جعفر محمد بن النعمان الأخول صاحب الطاق عن سلام بن المستنير عن أبي جعفر عليه السلام قال:

قال رسول الله ﷺ وُدُّ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَكْثَرِ شُعَبِ الْإِيمَانِ - أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ - وَأَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ - فَهُوَ مِنْ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ.

١٨٧٦-٤- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ - فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ نُورٌ وَجُوهَهُمْ - وَنُورٌ أَجْسَادُهُمْ وَنُورٌ مَنَابِرُهُمْ - كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرِفُوا بِهِ - فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٨٧٧-٥- علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حريز عن فضيل بن يسار قال:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ - أَمِنْ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ - ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ - وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ - وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ.

۳- رسول خدا ﷺ فرمود:

دوستی مؤمن با مؤمن در راه خدا از بزرگ‌ترین نمونه‌های ایمان است، همانا هر کس برای خدا دوستی کند و برای خدا دشمنی بورزد و برای خدا ببخشد و برای خدا دریغ بدارد از برگزیدگان خداوند است.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

آنان که بخاطر خدا با یکدیگر دوستی کنند، روز قیامت بر فراز منبرهایی از نورند، نور چهره و نور تن و نور منبرهایشان همه چیز را روشن می‌سازد تا آنکه بدان شناخته شوند و گویند: ایمانند که در راه خدا با یکدیگر دوستی ورزند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۵- فضیل بن یسار، گوید: از امام صادق علیه السلام از حب و بغض که از ایمانند پرسیدم؟

در پاسخ فرمود: مگر ایمان غیر از حب و بغض است؟ سپس این آیه را قرائت فرمود: «خداوند ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دلتان بیاراست و کفر و نافرمانی را در نظرتان منفور و ناپسند قرار داد آنان از هدایت یافتگانند (حجرات / ۷)»

١٨٧٨-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى فِيمَا أَعْلَمَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُدْرِكٍ الطَّائِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ - أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ - فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ - وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ - وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ - وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ - وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ - وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ - وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ - وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرِّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

١٨٧٩-٧- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ جَبَلَةَ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: نَزَلَتْ فِيهِ مِثْرَةٌ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - عَلَى أَرْضٍ زَبْرَجْدَةٍ خَضِرَاءَ - فِي ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ يَمِينِهِ - وَكِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ وَجُوهُهُمْ أَشَدُّ بَيَاضاً وَأَضْوَأُ مِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ - يَغِيْطُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ - وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ يَقُولُ النَّاسُ - مَنْ هَؤُلَاءِ فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ.

۶- رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود:

کدام یک از حلقه‌های ایمان محکم‌ترند؟ گفتند: خدا و رسولش دانا‌ترند و بعضی‌ها گفتند، نماز و بعضی گفتند زکات و بعضی گفتند: روزه و بعضی گفتند حج و عمره است و بعضی گفتند: جهاد، رسول خدا ﷺ فرمود: برای آنچه گفتید: فضیلتی است ولی آنچه گفتید پاسخ سؤال من نیست بدانید محکم‌ترین حلقه‌های ایمان دوستی و دشمنی در راه خدا و پیروی از اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خداست.

۷- رسول خدا ﷺ فرمود:

کسانی که در راه خدا با یکدیگر دوستی کنند روز قیامت بر روی زمین از زیر جد سبز زیر سایه عرش خدا سمت راست او باشند، هر دو دست او راست است، چهره‌هایشان از آفتاب تابان سپیدتر و روشن‌تر است، هر فرشته مقرب و هر پیامبر مرسل، به مقام آنها رشک برند و مردم می‌گویند اینها کیانند؟ به آنها گفته می‌شود اینها به خاطر خدا با یکدیگر دوست اند.

توضیح: تعبیر از دست، در خداوند بصورت مجاز و استعاره است و مراد از آن نعمت و قدرت خداوند است که در آنها نقصان و کاهشی وجود ندارد و مقصود از سایه عرش کرامت و رحمت است.

١٨٨٠-٨- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ - قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ - أَيُّنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ قَالَ - فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ - اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ - قَالَ فَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ - إِلَى أَيُّنَ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ - قَالَ فَيَقُولُونَ فَأَيُّ ضَرْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ - فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ - قَالَ فَيَقُولُونَ وَأَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ - قَالُوا كُنَّا نَحِبُّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضُ فِي اللَّهِ - قَالَ فَيَقُولُونَ نَعَمْ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.

١٨٨١-٩- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنٍ عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ - عِلْمُهُ بِاللَّهِ وَ مَنْ يُحِبُّ وَ مَنْ يُبْغِضُ.

١٨٨٢-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَحَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُمْ وَ مَا يَعْرِفُ - مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِحُبِّكُمْ - وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُبْغِضُكُمْ - وَ مَا يَعْرِفُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ - فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ بِبُغْضِكُمُ النَّارَ.

۸- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: چون خدای عز و جل اولین و آخرین را گرد آورد یک جارچی برخیزد و فریاد زند که همه مردم بشنوند او می گوید: کجایند کسانی که بخاطر خدا با هم دوست بودند؟ جلو صف های مردم برخیزند و به آنها گفته شود: بی حساب به بهشت داخل شوید فرمود: فرشته ها به آنها برخوردند و به آنها بگویند: به کجا می روید؟ پاسخ دهند: بی حساب به بهشت، می گویند: شما چه گروهی از مردمید؟ در پاسخ می گویند: ما آنهائیم که بخاطر خداوند با هم دوست بودیم فرمود: می گویند: کردار شماها چه بوده؟ جواب گویند: دوستی و دشمنی ما در راه خداوند بوده گویند چه خوب است مزد کارگران.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از نشانه های مؤمن اند:

۱- خداشناسی

۲- شناختن کسانی که بخاطر خداوند دوست بدارند

۳- شناختن کسانی که بخاطر خداوند دشمن بدارند.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی مردی که شماها (شیعیان) را دوست بدارد و عقیده شما را نفهمد و خدا او را به وسیله دوستی شما به بهشت برد و شخصی که شما را دشمن بدارد و عقیده شما را نفهمد و خدا بخاطر دشمنی با شما او را به دوزخ و جهنم برد.

توضیح: شاید مقصود مستضعفین شیعه باشند که دانشمندان شیعه دوست می دارند ولی از مقام معرفت آنها آگاهی ندارند و به همین خاطر به بهشت می روند و ممکن است گاهی اوقات دشمن علما و صالحان شوند و به همین خاطر به دوزخ روند.

١٨٨٣-١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا - فَانْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ - فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ - وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَبِكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ - وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ - وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ - فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ - وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

١٨٨٤-١٢- عَنْهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْوَاسِطِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ - لِأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِثَّاهُ - وَإِنْ كَانَ الْمُحِبُّوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ - وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ - لِأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِثَّاهُ - وَإِنْ كَانَ الْمُبْغِضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

١٨٨٥-١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بَشِيرِ الْكِنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَدْ يَكُونُ حُبُّ فِي اللَّهِ وَرَسُولِهِ - وَحُبُّ فِي الدُّنْيَا فَمَا كَانَ فِي اللَّهِ وَرَسُولِهِ - فَثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ فِي الدُّنْيَا - فَلَيْسَ بِشَيْءٍ.

١٨٨٦-١٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَلْتَقِيَانِ - فَأَفْضَلُهُمَا أَشَدُّهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ.

۱۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه بخواهی بدانی که خیری در دوست، به دلت نگاه کن، اگر اهل عبادت کنندگان خدا را دوست دارد و گنه کاران را دشمن، بدان که در تو خیری است و خدا دوست دارد و اگر اهل طاعت خدا را دشمن دارد و اهل گناه را دوست بدارد، بدان که در تو خیری نیست و خدا تو را دشمن بدارد و هرکس همراه دوست خود خواهد بود.

* * *

۱۲- امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردی دیگری را بخاطر خداوند دوست بداری خداوند بخاطر دوستیش به او ثواب می دهد گر چه آنکس را که دوست داشته در علم خداوند اهل دوزخ باشد و اگر مردی دیگری را بخاطر خدا دشمن بدارد، خداوند وی را بخاطر دشمنی با او، ثواب دهد اگر چه در علم خداوند او اهل بهشت باشد.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

بسا دوستی برای خدا و رسول است و بسا برای دنیا، آنچه برای خدا و رسول است، ثوابش بر عهده خداست و آنچه برای دنیا است اثری ندارد.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی دو مسلمان به هم بر می خورند بهترشان آن کسی است که رفیق خود را بیشتر دوست بدارد.

١٨٨٧-١٥ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَابْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا اتَّقَى مُؤْمِنَانِ قَطُّ إِلَّا كَانَ - أَفْضَلُهُمَا أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِأَخِيهِ.

١٨٨٨-١٦ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ السَّبِيعِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ - وَلَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ.

بَابُ ذَمِّ الدُّنْيَا وَالزُّهْدِ فِيهَا.

١٨٨٩-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ الْخَرِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ - وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا - وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ.

١٨٩٠-٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعًا عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ - وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا - ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ - حَتَّى لَا يُبَالِيَ مِنْ أَكْلِ الدُّنْيَا - ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ - حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا.

۱۵- باز فرمود: هرگز دو مؤمن به هم برنخورند جز آنکس که برادرش را بیشتر دوست بدارد بهتر است.

۱۶- باز فرمود: هرکس به خاطر دین دوستی و دشمنی نکند، دین ندارد. (یعنی دینش کامل نیست چون بسیاری از مردم دوستی و دشمنی آنها بخاطر خداوند نیست)

نکوهش دنیا و زهد در آن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس نسبت به دنیا زاهد و بی میل باشد، خدا حکمت را در دلش قرار دهد و زیانش را به آن گویا کند و او را به عیب‌های دنیا بینا سازد و درد و درمان آن را به او بفهماند و او را از دنیا سالم برد و به بهشت واردش سازد.

توضیح: واژه زهد چیزی است که دانشمندان پیرامون آن سخن‌ها گفته‌اند این سینه در تعریف زهد می‌گوید *الْمَغْرَضُ عَنِ الدُّنْيَا وَ لَذَاتِهَا يُخَصُّ بِاسْمِ الزَّاهِدِ* - کسی که از دنیا و لذت و خوشی آن بگذرد زاهد است و مجلسی از قول پیامبر نقل می‌کند که وقتی حضرت از فرشته الهی معنی زهد پرسید فرشته آسمانی در پاسخ فرمود: زاهد کسی است که هر چه خداوند دوست دارد او هم دوست می‌دارد و هر چه خوش آیند او نیست و بدش می‌آید زاهد هم بدش می‌آید از حلال دنیا کناره می‌گیرد و به سوی گناه نمی‌رود زیرا در حلالش حساب و در گناهش کیفر است و از کاری که به دردش نیاید گریزان است در این صورت زهد امتیازی است برای انسان نه اینکه همه مردم باید زاهد باشند و از خوشی‌ها چشم‌پوشی کنند زیرا نعمت‌های دنیا خداوند برای بندگان خود آفریده که باید از راه صحیح از او بهره برداری کنند نه از راه گناه.

۲- امام صادق علیه السلام می‌فرمود: همه خوبی‌ها را در منزل نهاده‌اند و کلید آن را از زهد در دنیا ساختند، سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مرد، شیرینی ایمان را در دل نچشد تا پروائی نداشته باشد که دنیا به کام کیست و چه کسی آن را می‌خورد، سپس امام صادق علیه السلام فرمود: شناخت شیرینی ایمان بر شما حرام است تا به دنیا بی‌میل شوند.

١٨٩١-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ مِنْ أَعْوَنِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ - الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا.

١٨٩٢-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام

عَنِ الزُّهْدِ فَقَالَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ - فَأَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ - وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ - وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَذْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا - أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِكَيْلَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ - وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ.

١٨٩٣-٥- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْمُنْقَرِي عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ - أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ - وَإِنَّمَا أَرَادُوا بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا - لِتَفْرَغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ.

١٨٩٤-٦- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاعِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ - زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا - أَمَا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا - لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

از بهترین اخلاق که به دین کمک می‌کند، زهد در دنیا است.

۴- مردی از علی بن الحسین علیه السلام از زهد پرسید، فرمود:

زهد ۱۰ چیز است و بالاترین درجه زهد پست‌ترین درجه ورع است و بالاترین درجه ورع پست‌ترین درجه یقین است و بالاترین درجه یقین پست‌ترین درجه رضا است، همانا تمامی زهد در یک آیه قرآن است آنجا که خدا می‌فرماید: «تا آنکه بر آنچه از دست رفته افسوس نخورید و به آنچه به شما رسیده شادمان مباشید (حدید / ۲۳)»



۵- امام رضا علیه السلام فرمود:

هر دلی که در آن شک یا شرک باشد، بی ارزش است و پیامبران و اوصیاء و یاران خداوند که خواستار زهد شدند برای این بود که دلشان نسبت به دنیا فارغ و جدا باشد زیرا محبت دنیا و آخرت در یکجا جمع نمی‌شود.

۶- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علامت مشتاق به ثواب آخرت بی رغبتی او نسبت به دنیای فریبکار است همانا بی رغبتی او نسبت به دنیا از آنچه که خداوند برای او قسمت کرده کاهش ندهد اگرچه زهد ورزد، و حرص و حریص به متاع دنیا

قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ فِيهَا وَ إِن زَهْدَ - وَ إِن حِرْصَ الْحَرِيسِ عَلَى
عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَ إِن حَرَصَ - فَالْمَغْبُونُ مِنْ
حُرْمِ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ.

١٨٩٥-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ عَنْ
طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا اعْجَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِنْهَا جَائِعًا خَائِفًا.

١٨٩٦-٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ
جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

خَرَجَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله - وَ هُوَ مُحْرَرُونَ فَأَتَاهُ مَلِكٌ - وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ
الْأَرْضِ - فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ - يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ
إِفْتَحْ وَ خُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ - مِنْ غَيْرِ أَنْ تُنْقَصَ شَيْئًا عِنْدِي - فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ - وَ هَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ
فَقَالَ الْمَلِكُ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ مَلِكٍ
يَقُولُهُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ - حِينَ أُعْطِيَتْ الْمَفَاتِيحُ.

١٨٩٧-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِجَدِّي - أَسَكَ مُلْقًى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا - فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ
كَمْ يُسَاوِي هَذَا - فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا

قسمت او را نفزاید گرچه حرص ورزد، مغبون کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد.

۷- باز فرمود: رسول خدا ﷺ چیزی را جز گرسنگی و ترس از خدا او را خوشحال نمی ساخت و خوشش نمی آمد.

۸- باز فرمود:

روزی پیامبر غمزه بیرون رفت فرشته ای که کلیدهای گنجینه های زمین همراهش بود نزد او آمد و به او گفت: ای محمد، اینها کلیدهای گنج های زمین است، پروردگارت می فرماید: باز کن و هر چه می خواهی از آنها بردار بی آنکه چیزی از آنها نزد من کم شود، رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و کسی که خرد ندارد برای آن جمع می کند، آن فرشته گفت: بدان که تو را به راستی مبعوث کرده، به راستی من این سخن را از فرشته ای شنیدم که در آسمان چهارم بود هنگامی که این کلیدها را به من دادند.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ به یک بزغاله گوش بریده که مرده بود و بر زیاله دانی افتاده بود گذر کرد و به اصحاب خود فرمود: این چقدر می ارزد؟ در پاسخ گفتند: اگر این زنده بود شاید یک درهم هم نمی ارزید،

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ - لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا
الْمَجْدِيِّ عَلَى أَهْلِهِ.

١٨٩٨ - ١٠ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا - زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ - وَبَصَّرَهُ
عُيُوبَهَا وَمَنْ أُوْتِيَهُنَّ - فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَقَالَ لَمْ يَطْلُبْ
أَحَدٌ الْحَقَّ بَبَابٍ - أَفْضَلَ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا - وَهُوَ ضِدُّ لِمَا طَلَبَ أَعْدَاءُ
الْحَقِّ - قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مِمَّا ذَا - قَالَ مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا - وَقَالَ أَلَا مِنْ
صَبَّارٍ كَرِيمٍ - فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ قَلِيلٌ - أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا طَعْمَ
الْإِيمَانِ - حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا قَالَ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِذَا
تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا - سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ وَ - كَانَ عِنْدَ أَهْلِ
الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُوِلَطَ - وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ - فَلَمْ
يَسْتَغْلُوا بِغَيْرِهِ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْقَلْبَ إِذَا صَفَا ضَاقَتْ - بِهِ
الْأَرْضُ حَتَّى يَسْمُوَ.

١٨٩٩ - ١١ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ
الزُّهْرِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ بْنِ شِهَابٍ قَالَ:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست هر آینه دنیا نزد خداوند از این بزرگاله مرده بی ارزش تر است.

۱۰- باز فرمود: هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد او را نسبت به دنیا بی میل قرار می‌دهد و در دیانت فهمیده سازد و به عیوب دنیا بینایش کند و به هرکس این خصلت‌ها داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده، و فرمود: هیچ کس حق را از دری نجسته که از در زهد در دنیا بهتر باشد و آن ضد است نسبت به آنچه را که دشمنان حق می‌جویند، گفتم: قربانت گردم، آنها از چه راهی می‌جویند؟ فرمود: از تمایل به دنیا، و فرمود: آیا شخص پر صبر ارجمندی وجود ندارد، به راستی این دنیا چند روز اندک بیش نیست، همانا بر شما حرام است که مزه ایمان را بچشید تا نسبت به دنیا بی میل و زاهد شوید.

گویید: و شنیدم امام صادق ﷺ می‌فرمود:

هرگاه مؤمن خود را از دنیا کنار کشد مقامش بالا رود و شیرینی دوستی خدا را دریابد و نزد دنیا داران به دیوانه ماند و همانا به دین مردم حب خدا آمیخته و به کاری جز آن دست نیندازند.

گویید: شنیدم می‌فرمود: زمانی که دل صفا پیدا کند زمین برایش تنگ خواهد شد تا آنجا که پرواز کند.

۱۱- از علی بن الحسین ﷺ پرسیدند کدام عمل نزد خدای عز و جل بهتر است؟ در پاسخ فرمود: هیچ عملی بعد از شناخت خدای عز و جل و شناخت

فَقَالَ مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ - وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا - وَ إِنَّ لِدَٰلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً وَ لِلْمَعَاصِي شُعْبًا فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ - وَ هِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ - وَ الْحِرْصُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوَاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهَا - فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا - وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ - فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ - فَدَخَلَ ذَٰلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - وَ ذَٰلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ - مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ - ثُمَّ الْحَسَدُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ - حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ - فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَٰلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ - وَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ الْكَلَامِ - وَ حُبُّ الْعُلُوِّ وَ الثَّرْوَةِ - فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ - فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا - فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَٰلِكَ - حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ - وَ الدُّنْيَا دُنْيَاءَانِ - دُنْيَا بَلَاحٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٍ.

١٩٠٠-١٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ - وَ فِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا - فَأَضِرُّوا بِالدُّنْيَا - فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ.

رسول خدا بهتر از بغض دنیا نیست و به راستی برای آن شعبه هائی است و برای گناهان شعبه‌های بسیاری است نخستین نافرمانی از خدا کبر بود و آن نافرمانی شیطان بود زمانی که گردنکشی کرد و از کافران شد و دیگر، حرص است که گناه آدم و حوا است هنگامی که خدای عز و جل به آنها فرمود: «از هرچه بخواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد» (بقره / ۲۵) و آنها از چیزی که به آن نیاز نداشتند استفاده کردند و این حرص در نژاد آنها تا روز قیامت بر جای ماند و این برای آن است که بیشتر چیزی که آدمی زاده می‌جوید آن است که بدان نیازی ندارد، و دیگر حسد است که گناه پسر آدم است هنگامی که به برادرش حسد برد و او را کشت و از این نافرمانی‌ها دوستی زنان و دوستی دنیا و دوستی ریاست و راحت طلبی و حب سخنگویی و آقائی و ثروتمند شدن منشعب شد و هفت خصلت شدند و همه در دوستی دنیا جمع شدند و پیامبران و دانشمندان پس از دانستن آن گفتند: دوستی دنیا منشأ هر گناهی است، دنیا دو دنیا است، یکی برای رفع ضرورت زندگی و دیگر دنیای ملعون و نفرین شده.

* * *

۱۲- رسول خدا ﷺ فرمود:

به راستی دنیا خواهی، زیان زدن به آخرت است و آخرت جوئی زیان زدن به دنیا است شما به دنیا زیان زنید که آن به زیان رسانیدن سزاوارتر است.

١٩٠١-١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام حَدِّثْنِي بِمَا أَنْتَفَعُ بِهِ فَقَالَ - يَا أَبَا عُبَيْدَةَ أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ - فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ - إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا.

١٩٠٢-١٤- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ دَاوُدَ الْأَبْرَارِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَلَكٌ يُنَادِي كُلَّ يَوْمٍ - إِنَّ آدَمَ لِدِلِّ الْمَوْتِ - وَاجْمَعْ لِلْفَنَاءِ وَابْنِ لِلْخَرَابِ.

١٩٠٣-١٥- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ اِرْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً - وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ اِرْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً - وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ - فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ - وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا - أَلَا وَكُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا - الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ - أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا - اِتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا - وَالتُّرَابَ فِرَاشًا - وَالْمَاءَ طِيبًا - وَقَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا - أَلَا وَمَنْ اِشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ - سَلَكَ عَنِ الشَّهَوَاتِ - وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ - رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ - وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا - هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ - أَلَا إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَمَنْ - رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخَلَّدِينَ - وَكَمَنْ رَأَى أَهْلَ النَّارِ فِي النَّارِ مُعَذِّبِينَ - شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ

۱۳- ابی عبیده حذاء، گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: برای من حدیثی بیان کن که از آن سود برم.

فرمود: ای ابا عبیده، از مرگ، بسیار یاد کن زیرا اگر آدمی از مرگ بسیار یاد کند نسبت به دنیا بی میل می شود.

۱۴- امام باقر علیه السلام فرمود:

فرشته ای است که هر روز فریاد می زند و می گوید ای آدمی بزی برای زیاد شدن و برای از بین رفتن جمع کن و برای خراب شدن بساز.

۱۵- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

به راستی دنیا پشت کرده و می رود و آخرت روی کرده و می آید و برای هر کدام فرزندان است، شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید همانا از زاهدان دنیا و از علاقه مندان به آخرت باشید همانا زاهدان زمین را بستر کنند و خاک را زیر سر نهند و آب بوی خوش و عطر آنهاست و بخوبی دل از دنیا بریده اند. هر کس شوق بهشت را دارد از شهوات دل بردارد و هر کس از دوزخ می هراسد دور محرمات نرود و هر کس از دنیا روگردان است هر مصیبتی بر او آسان شود.

همانا برای خدا بنده هائی است که گویا اهل بهشت را جاودانه در بهشت دیده و اهل دوزخ را در دوزخ گرفتار عذاب دیده اند و مردم از شر آنها در امانند دلشان غمگین است عفت نفس دارند حاجاتشان سبک و مختصر است. چند روزی صبر کردند تا به استراحت طولانی

وَقُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ - أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ - وَحَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ - صَبَرُوا أَيَّامًا
 قَلِيلَةً فَصَارُوا بِعُثْبَى رَاحَةً طَوِيلَةً - أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ -
 تَجْرِي دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ - وَهُمْ يَجْأَرُونَ إِلَى رَبِّهِمْ - يَسْعَوْنَ فِي
 فَكَأِكَ رِقَابِهِمْ - وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ - عُلَمَاءُ بَرَرَةٍ أَتَقِيَاءُ - كَانَتْهُمْ الْقِدَاحُ
 قَدْ بَرَاهُمُ الْخَوْفُ مِنَ الْعِبَادَةِ - يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَقُولُ - مَرَضَى وَمَا
 بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ - أَمْ خُولِطُوا فَقَدْ خَالَطَ الْقَوْمَ - أَمْرٌ عَظِيمٌ مِنْ ذِكْرِ
 النَّارِ وَمَا فِيهَا.

١٩٠٤-١٦ - عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:
 دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ إِنِّي لَمَحْزُونٌ - وَإِنِّي لَمَشْغُولُ
 الْقَلْبِ - قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا شُغْلُكَ - وَمَا حُزْنُ قَلْبِكَ فَقَالَ - يَا
 جَابِرُ إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ - صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ - شَغَلَ قَلْبُهُ عَمَّا
 سِوَاهُ - يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا - وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا - هَلْ هِيَ إِلَّا
 طَعَامٌ أَكَلْتَهُ - أَوْ ثَوْبٌ لَبِستَهُ - أَوْ امْرَأَةٌ أَصْبَتَهَا - يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ
 لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا - وَلَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمُ الْآخِرَةَ - يَا
 جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ - وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ - وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا
 أَهْلُ غَفْلَةٍ - وَكَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءُ أَهْلُ فِكْرَةٍ وَعِبْرَةٍ - لَمْ يُصِمْهُمْ
 عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ إِسْمُهُ - مَا سَمِعُوا بِآذَانِهِمْ - وَلَمْ يُعْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ - مَا
 رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ - فَفَازُوا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ - كَمَا فَازُوا بِذَلِكَ

قیامت رسیدند اما در شب به صف ایستاده‌اند و اشک بر چهره ایشان جاری است و به پروردگارشان پناه برند و در آزاد شدن خود بکوشند روز بردباران، دانشمندان، نیکان و متقیان باشند، گویا چوبه تیری هستند که ترس از خدا آنها را سرتا پا تراشیده و لاغر و نزار کرده است از پرستش و عبادت، بیننده به آنها می‌نگرد و می‌گوید: بیمارانند و آن مردم را بیماری نیست یا گویند: دیوانه‌اند؟ بیقین ترس بزرگی از یاد دوزخ و آنچه در آن است در نهاد آنها آمیخته شده است.

۱۶- جابر، گوید: نزد امام باقر علیه السلام رفتم، فرمود: ای جابر، به خدا من افسرده‌ام و به راستی دلم مشغول است، گفتم: قربانت، چه گرفتاری و غمی در دل داری؟ فرمود: ای جابر، هر کس در دلش دین صاف و خالص خداوند وارد شود دلش از آنچه جز آن است منصرف گردد، ای جابر، دنیا چیست؟ امید داری دنیا چه باشد و به کجا برسد؟ آیا دنیا به جز از خوراکی است که خوردی، یا جامه‌ای که پوشیدی، یا زنی که به آن رسیدی؟

ای جابر، بر راستی مؤمنان به ماندن در دنیا اطمینان نکردند و از رسیدن به آخرت ایمن نگشتند ای جابر آخرت خانه ثابت است و دنیا خانه نابودی ولی اهل دنیا غافل‌اند و گویا همان مردم با ایمانند که فقیه و بافهم و اهل اندیشه و عبرتند، آنچه به گوش شنوند آنها را از یاد خدای عز و جل کر نکنند و آنچه از زیور و آرایش دنیا بینند، آنان را کور نسازد و به ثواب آخرت رساند چنانچه بدین مقام از دانش و علم کامیاب شدند.

ای جابر، بدان که اهل تقوی کم هزینه‌ترین مردمند و نسبت به تو از همه بیشتر یاری دهند تا به آنها تذکر دهی که یاریت کنند و اگر فراموش کنی به یادت آورند فرمان خدا را گویند و بر فرمان خداوند پا

الْعِلْمُ - وَاعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى - أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مَعُونَةً
وَأَكْثَرُهُمْ لَكَ مَعُونَةً - تَذَكَّرْ فَيُعِينُونَكَ وَإِنْ نَسِيتَ ذَكَرُوكَ قَوَّالُونَ
بِأَمْرِ اللَّهِ قَوَّامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ - وَوَحَشُوا
الدُّنْيَا لِبَطَاعَةِ مَلِكِهِمْ - وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَإِلَى مَحَبَّتِهِ
بِقُلُوبِهِمْ وَعَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ - لِعَظِيمِ شَأْنِهِ فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا -
كَمَنْزِلٍ نَزَلَتْهُ ثُمَّ إِنْ تَحَلَّتْ عَنْهُ - أَوْ كَمَالٍ وَجَدَتْهُ فِي مَنَامِكَ - فَاسْتَيْقَظْتَ
وَلَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ - إِنْيَا خَرَبْتُ لَكَ هَذَا مَثَلًا - لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ
اللُّبِّ وَالْعِلْمِ بِاللَّهِ كَفَى الظُّلَالِ - يَا جَابِرُ فَاحْفَظْ مَا اسْتَرَعَاكَ اللَّهُ -
جَلَّ وَعَزَّ مِنْ دِينِهِ وَحِكْمَتِهِ - وَلَا تَسْأَلَنَّ عَمَّا لَكَ عِنْدَهُ - إِلَّا مَا لَهُ عِنْدَ
نَفْسِكَ - فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِ مَا وَصَفْتُ لَكَ - فَتَحَوَّلْ إِلَى دَارِ
الْمُسْتَعْتَبِ - فَلَعَمْرِي لَرُبِّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرِ - قَدْ شَقِيَ بِهِ - حِينَ أَتَاهُ
وَلَرُبِّ كَارِهٍِ لِأَمْرِ قَدْ سَعِدَ بِهِ حِينَ - أَتَاهُ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَلِيُخَصِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ).

١٩٠٥ - ١٧ - عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:
قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ - جَزَى اللَّهُ الدُّنْيَا عَنِّي مَذْمَةً - بَعْدَ رَغِيفَيْنِ مِنَ
الشَّعِيرِ - أَتَغْدِي بِأَحَدِهِمَا وَاتَّعَشَى بِالْآخِرِ - وَبَعْدَ شَمْلَتِي الصُّوفِ أَتَرُرُ
بِأَحَدَاهُمَا - وَأَتَرْدِي بِالْآخِرَى.

فشاری و ایستادگی دارند برای دوستی با پروردگارشان دل از همه چیز کنده‌اند و برای فرمان بری مالک خود از دنیا در هراسند و به سوی خدای عز و جل و به دوستی او از دل نگریسته‌اند و دانسته‌اند که همین را باید در نظر داشت که مقامش بزرگوار است، پس دنیا را چون باراندازی دان که در آن بار انداخته و سپس کوچ خواهی کرد یا چون مالی که در خواب بینی و چون بیدار شوی چیزی از آن با تو نباشد، براستی من این را برای مثال با تو گفتم، زیرا دنیا در نظر خردمندان و خداشناسان همچون سایه بعد از ظهر بی پایه است ای جابر آنچه خداوند از دین و حکمتش به تو سپرده حفظ کن و از آنچه نزد خدا داری مپرس جز آنکه از او نزد توست.

اگر دنیا بجز آنچه برای تو ستودم باشد (یعنی در نظر تو غیر از آن جلوه کرده و تو را به خود مطمئن ساخته است) باید نقل مکان کنی و به عذر خواهی روی آوری و از کار خود استغفار کنی، به جان خودم سوگند بسا کسی به چیزی حریص و آزمند است که چون به دستش آید بدان بدبخت شود، و بسا شخصی که چیزی را ناخوش دارد و چون به آن برسد مایه سعادتش گردد. و این است گفتار خدای عز و جل: «تا خدا مؤمنان را تصفیه کند و کافران را کاهش دهد (آل عمران / ۱۴۱)»

۱۷- ابوذر (رحمة الله) خدا دنیا را از طرف من نکوهش کند پس از دو قرص نان جو که گفت: که یکی را صبحانه و دیگری را شام سازم و پس از دو پارچه پشمین که یکی را به کمر بندم تا لنگ من باشد و دیگری را ردای دوش خود سازم.

١٩٠٦-١٨- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ
كَأَنَّ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئًا - إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَ يَضُرُّ شَرُّهُ - إِلَّا
مَنْ رَحِمَ اللَّهُ - يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ لَا يَشْغَلُكَ أَهْلٌ - وَلَا مَالٌ عَنْ نَفْسِكَ
أَنْتَ يَوْمَ تُفَارِقُهُمْ كَضَيْفٍ بَتَّ فِيهِمْ - ثُمَّ غَدَوْتَ عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ
وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ - كَمَنْزِلٍ تَحَوَّلَتْ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ - وَ مَا بَيْنَ الْمَوْتِ وَ
الْبَعْثِ - إِلَّا كَنَوْمَةٍ نَمَتَهَا - ثُمَّ اسْتَيْقَظَتْ مِنْهَا - يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ قَدِمَ
لِقَامِكَ - بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَإِنَّكَ مُثَابٌ بِعَمَلِكَ - كَمَا تَدِينُ
تُدَانُ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ.



١٩٠٧-١٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى
عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا - إِنَّمَا مَثَلِي وَ مَثَلُهَا - كَمَثَلِ الرَّائِبِ
رُفِعَتْ لَهُ - شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ - تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا.

١٩٠٨-٢٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ عُمَيْرٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا - كَمَثَلِ دُودَةٍ الْقَرَزِ - كُلَّمَا
إِزْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا - كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ - حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: ابوذر (ره) در سخنرانی خود می گفت: ای دانشجو، گویا هیچ چیز در دنیا نبوده جز آنکه خویش به مردم سود دهد و بدش زیان برساند جز به کسی که خدایش مهرورزد (برای رفع شر و زیان آن)، ای دانشجو مبادا خانواده و مال دنیا تو را از خویش بازدارند، تو در روزی که از آنها جدا شوی چون مهمانی باشی که شب را نزد آنها گذرانیده و بامدادان از نزد آنها به سوی دیگری بسیج کرده ای، دنیا و آخرت چون منزلی است که از آن به منزل دیگری نقل مکان می کنی و میان مردن و زنده شدن جز خوابی بیش نیست که بعد بیدار شوی، ای دانشجو! برای ایستادن در برابر خدای عزوجل طاعتی پیش فرست زیرا تو ای دانشجو بخاطر کارت ثواب می بری و همانطور عملی که انجام می دهی پاداش می بینی.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مرا با دنیا چکار است؟ همانا مثل من با او همچون شتر سواری است که در روز گرمی درختها برایش برپا شده و او در زیر درخت استراحت کوتاهی کرده باشد سپس برود و آن را برجا گذارد.

۲۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

مثل حریص در دنیا چون کرم ابریشم است و هر آنچه بیشتر بر خود می تند دیرتر می تواند از آن خارج شود تا آنکه از غم گرفتاری بمیرد امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه لقمان به پسرش پند داد این بود که: ای پسر!

قَالَ - وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَانَ فِيَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ - يَا بُنَيَّ إِنَّ
النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ - لِأَوْلَادِهِمْ فَلَمْ يَبْقَ مَا جَمَعُوا - وَلَمْ يَسْبِقَ مَنْ
جَمَعُوا لَهُ - وَإِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأْجَرٌ - قَدْ أَمَرْتُ بِعَمَلٍ - وَوَعَدْتُ عَلَيْهِ
أَجْرًا - فَأَوْفِ عَمَلَكَ وَاسْتَوْفِ أَجْرَكَ - وَلَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمِثْلَةِ
شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ - فَأَكَلَتْ حَتَّى سَمِنَتْ فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ
سِمَنِهَا - وَلَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا - بِمِثْلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ - جُرْتَ عَلَيْهَا وَ
تَرَكَتَهَا - وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ - أَخْرِبَهَا وَلَا تَعْمُرْهَا - فَإِنَّكَ لَمْ
تُؤْمَرْ بِعِمَارَتِهَا - وَاعْلَمْ أَنَّكَ سَتُسْأَلُ غَدًا - إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ
وَجَلَّ عَنْ أَرْبَعٍ - شَبَابِكَ فِيمَا أَهْلَيْتَهُ - وَعُمْرِكَ فِيمَا أَفْنَيْتَهُ - وَمَالِكَ مِمَّا
اِكْتَسَبْتَهُ وَفِيمَا أَنْفَقْتَهُ - فَتَاهَبْ لِذَلِكَ وَاعِدِّ لَهُ جَوَابًا - وَلَا تَأْسَ عَلَى مَا
فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا - فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بِقَاوُءٍ - وَكَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ
بِلَاوُءٍ - فَخُذْ حِذْرَكَ وَجِدِّ فِي أَمْرِكَ - وَاكْشِفِ الْغِطَاءَ عَنْ وَجْهِكَ - وَ
تَعَرَّضْ لِمَعْرُوفِ رَبِّكَ - وَجِدِّ التَّوْبَةَ فِي قَلْبِكَ - وَاكْمُشْ فِي فِرَاغِكَ
قَبْلَ أَنْ يُقْصَدَ قَصْدُكَ - وَيُقْضَى قِضَاؤُكَ وَيُحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا تُرِيدُ.

١٩٠٩ - ٢١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ ابْنِ
أَبِي يَعْقُورٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهٖ مُوسَى عليه السلام يَا
مُوسَى - لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا رُكُونَ الظَّالِمِينَ - وَرُكُونَ مَنْ اِتَّخَذَهَا أَبًا

مردم پیش از تو برای فرزندان خود اموالی را جمع کردند ولی نه اموال جمع شده باقی ماند و نه فرزندی که بخاطرش اینهمه زحمت کشیده بودند و همانا تو بنده مزدوری هستی که به کاری گمارده شدی و مزدی به تو وعده داده شده کارت را به پایان رسان و مزدت را دریافت کن و در این دنیا چون گوسفندی مباش که در کشتزار سبزی رها شود و بخورد تا فربه شود و مرگش در فربهی فرا رسد، دنیا را چون پلی دان که به روی جوئی بنا شده و از آن بگذری و سپس واگذاری و تا آخر عمر به سویش باز نمی گردی، آنرا ویران کن و آبادش مساز که تو مأمور به آباد کردنش نیستی و بدان تو فردا که در برابر خدای عز و جل قرار گرفتی از چهار چیز بازخواست می شوی: جوانیت که در چه کاری سر کردی؟ عمرت که در چه کاری به کار گرفتی؟ دارائیت که از کجا آوردی و به کجا خرج کردی؟ برای آن آماده باش و پاسخی برایش فراهم کن و در آنچه که در دنیا از دست دادی افسوس مخور زیرا در دنیا دوامی ندارد و هیچ کس از بلایش ایمن نباشد پس آماده باش و در کار خود کوشا باش و پرده غفلت از چهره خود بردار و متوجه بخشش و احسان پروردگار خود باش و در وقت توبه را زنده نگه دار و به هنگام فراغت به سوی آن بشتاب پیش از آنکه مرگ تو را در برگیرد و میان تو و خواسته هایت پرده بیفتد.

* * *

۲۱ - امام صادق علیه السلام می فرمود:

در آنچه خدای عز و جل بدان با موسی علیه السلام سخن گفت این بود: که ای موسی، به مانند ستمکاران به دنیا تکیه مکن و نه چون کسانی باش که آن را پدر و مادر خود گرفتند، ای موسی، اگر بحال خود رهایت کنم که به

وَأَمَّا - يَا مُوسَى لَوْ وَكَلْتُكَ إِلَى نَفْسِكَ - لَتَنظَرَهَا إِذَا لَغَلَبَ عَلَيْكَ حُبُّ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا - يَا مُوسَى نَافِسٌ فِي الْخَيْرِ أَهْلُهُ - وَاسْتَبَقَهُمْ إِلَيْهِ - فَإِنَّ الْخَيْرَ كَاسِمِهِ - وَاتْرُكْ مِنَ الدُّنْيَا - مَا بِكَ الْغِنَى عَنْهُ وَلَا تَنْظُرْ عَيْنُكَ إِلَى كُلِّ مَفْتُونٍ بِهَا - وَمُوكِلٍ إِلَى نَفْسِهِ - وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدْوُهَا حُبُّ الدُّنْيَا - وَلَا تَغْبِطُ أَحَدًا بِكَثْرَةِ الْمَالِ - فَإِنَّ مَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ - تَكْثُرُ الذُّنُوبُ لِوَاجِبِ الْحَقُّوقِ - وَلَا تَغْبِطَنَّ أَحَدًا بِرِضَى النَّاسِ عَنْهُ - حَتَّى تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ رَاضٍ عَنْهُ - وَلَا تَغْبِطَنَّ مَخْلُوقًا بِطَاعَةِ النَّاسِ لَهُ - فَإِنَّ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُ - وَاتِّبَاعَهُمْ إِيَّاهُ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ - هَلَاكٌ لَهُ وَلِمَنِ اتَّبَعَهُ.

١٩١٠ - ٢٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام - إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا - كَمَثَلِ الْحَيَّةِ - مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا - وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّاقِعُ - يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ - وَيَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ.

١٩١١ - ٢٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَعْظُمُهُ - أَوْصِيكَ وَنَفْسِي بِتَقْوَى - مَنْ لَا تَحِلُّ مَعْصِيَتُهُ - وَلَا يُزْجَى غَيْرُهُ - وَلَا الْغِنَى إِلَّا بِهِ - فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ - وَقَوِيَ وَشَبِعَ

آن بنگری محبت و علاقه به دنیا بر تو چیره خواهد شد ای موسی! در کار خیر با اهل خود مسابقه بگذار و بر آنها پیشی گیر زیرا کار خیر مانند نامش نیکوست و آنچه از دنیا که از آن بی نیازی و اگذار و چشمان خود را به فریب خورده‌های دنیا و کسانی که به خود واگذار شده‌اند مدوز و بدان که آغاز هر فتنه و فساد دلبستگی به دنیا است و برای فراوانی مال به کسی رشک موز، زیرا با فراوانی مال، گناه فراوان خواهد شد، نظر به حقوق واجبه و کسی که مردم از او خشنودند غبطه مخور تا بدانی که خدا هم از او راضی و خشنود است، مبادا در آفریده و مخلوقی رشک بری که مردم از او فرمان برند زیرا پیروی ناحق مردم از او، سبب نابودی او و پیروانش خواهد شد



۲۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که حکایت دنیا همچون مار است که وقتی دست می‌کشی چقدر نرم است ولی در درون او سم کشنده‌ای است مردم خردمند از آن می‌پرهیزند و کودک نادان شیفته آن می‌شود

۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از یارانش به عنوان موعظه و نصیحت نوشت: تو و خودم را سفارش می‌کنم به تقوای کسی که مخالفش سزاوار نیست و امید و توانگری جز توسط او صورت

وَرَوِيَ - وَرُفِعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا - فَبَدَنَتْهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ
وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ - فَأَطْفَأَ بِضَوْءِ قَلْبِهِ - مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ
الدُّنْيَا - فَقَدَّرَ حَرَامَهَا - وَجَانَبَ شُبُهَاتِهَا - وَأَضَرَّ وَاللَّهِ بِالْحَلَالِ
الصَّافِي - إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ - مِنْهُ يَشُدُّ بِهَا صُلْبُهُ - وَثَوْبِ
يُوَارِي بِهِ عَوْرَتَهُ - مِنْ أَغْلَظِ مَا يَجِدُ وَأَخْشَنِهِ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ فِيمَا لَا بُدَّ
لَهُ مِنْهُ - ثِقَةٌ وَلَا رَجَاءٌ فَوَقَعَتْ ثِقَتُهُ - وَرَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ
فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ - حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ - وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ
فَأَبْدَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ - قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَشِدَّةً فِي عَقْلِهِ - وَمَا ذُخِرَ لَهُ فِي
الْآخِرَةِ أَكْثَرُ - فَارْفُضِ الدُّنْيَا - فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي - وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ
وَيُذِلُّ الرِّقَابَ - فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ - وَلَا تَقُلْ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ
فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ - حَتَّى أَتَاهُمْ
أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ - فَتَقْلُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ - إِلَى قُبُورِهِمْ
الْمُظْلِمَةِ الضَّيِّقَةِ - وَقَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَوْلَادُ وَالْأَهْلُونَ - فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ
بِقَلْبٍ مُنِيبٍ - مِنْ رَفُضِ الدُّنْيَا وَعَزْمٍ - لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَلَا
إِنْخِرَالٌ - أَعَانَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ عَلَى طَاعَتِهِ - وَفَقَّنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ لِمَرْضَاتِهِ.

١٩١٢ - ٢٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَغَيْرِهِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ
زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ - كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ - إِزْدَادَ

نمی‌گیرد زیرا هر کس خداوند او را تقوی داد عزیز و توانمند شد و سیر بخورد و سیر بنوشد و عقل خود را از دنیا داران بر کند، تنش با دنیا داران است و دل و خردش نگران سرای دیگر با تابش دلش آنچه را دیده‌اش از دل بری‌های دنیا ببیند خاموش و خنثی کند، حرامش را پلید شمارد و از شبهه ناکش کناره کشد و به خدا همان حلال پاکش را هم از دست بدهد جز آنچه از آن ناچار است از پاره نانی که تنش را نیرو دهد و جامه‌ای که عورتش را بپوشاند، آن هم از درشت‌ترین خوراکی و ناهموارترین لباسی که به دستش برسد و برای او در آنچه از آن چاره‌ای نیست باز هم اعتماد و امیدی نیست بلکه اعتماد و امیدش به آفریننده همه چیز است، پس تلاش کند و بکوشد و تنش را در رنج اندازد تا استخوان‌هایش نمایان شود و دیدگانش به گودی افتد (لاغر شود) و در عوض خداوند بر عقلش بیفزاید و آنچه که خداوند در آخرت برایش اندوخته است دنیا را رها کند زیرا دوستی دنیا کور و کر کند و لال نماید و مردم را خوار سازد، آنچه از عمرت به جا مانده در یاب و مگو فردا یا پس فردا، همانا آنها که پیش از شما بودند و برای دل دادن به آرزوهای بیجا و پس انداختن کارهای آخرت هلاک شدند تا آنکه فرمان کوچ خدا ناگهان سر رسید و مرگ به سراغشان آمد در حالی که آنها غافل بودند سپس به سوی گورهای تنگ و تاریک خود رهسپار شدند و فرزندان و خانواده‌اش او را رها کردند پس با دلی آگاه از هم برید و دنیا را ترک نمود با تصمیمی که در آن شکست نیست به سوی خدا رهسپار شد خداوند من و تو را برای طاعتش یاری فرماید و ما بر رضایت خودش موفق بدارد.

عَطَشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ
 سَمِعْتُ الرِّضَا (ع) يَقُولُ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) لِلْحَوَارِيِّينَ يَا بَنِي
 إِسْرَائِيلَ - لَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنَ الدُّنْيَا - كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا
 عَلَى مَا فَاتَهُمْ - مِنْ دِينِهِمْ إِذَا أَصَابُوا دُنْيَاهُمْ.

بَابُ

١٩١٣-١ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 الْوَشَاءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي - وَعُلُؤِي وَ
 اِرْتِفَاعِ مَكَانِي - لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ - إِلَّا كَفَفْتُ عَلَيْهِ
 ضَيْعَتَهُ - وَضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَهُ - وَكُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ
 تِجَارَةٍ كُلِّ تَاجِرٍ.

١٩١٤-٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ
 رَزِينٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ:
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي - وَبَهَائِي وَعُلُؤِي
 اِرْتِفَاعِي - لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ هَوَايَ - عَلَى هَوَاهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ

شخص تشنه از آن بیشتر بنوشد تشنگی اش بیشتر شود تا او را نابود سازد.

۲۵ - و شاء، گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام به حواریین خود پرگفت: ای بنی اسرائیل بر آنچه از دنیا از دست داده‌اید تأسف مخورید چنانکه دنیا داران بدانچه از دینشان از دست دهند افسوس نخورند هرگاه به دنیای خود برسند.

پیرامون آنچه که قبلاً گذشت

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی خدای عز و جل می‌فرماید: سوگند به عزت و جلال و بزرگی و موقعیت بلندم، هیچ بنده‌ای خواست مرا بر دل خواه خود انتخاب نکند جز اینکه سرگردانی را از او بازدارم و آسمانها و زمین را عهده دار روزیش سازم و خود در پشت پرده توجه به تجارتش نمایم (یعنی بجای تجارت هر تاجری به او سود برسانم زیرا هر تاجری برای سود دنیا یا آخرتش تلاش می‌کند و چون او برای من از همه دست کشیده، منم بهره تجارت او یا هدف بالاتر از بهره در تجارت به او سود برسانم.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

خدای عز و جل فرمود: سوگند به عزت و جلال و بزرگی و شرف و موقعیت بلندم که هیچ بنده‌ای مرا بر خواست خود در کارهای دنیا

الدُّنْيَا - إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ - وَهَمَّتْهُ فِي آخِرَتِهِ - وَضَمَنْتُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَةً وَكُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ..

بَابُ الْقَنَاعَةِ

١٩١٥- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ عَمْرِو بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِيَّاكَ أَنْ تُطْمَحَ بِصَرَكَ - إِلَى مَنْ فَوْقَكَ - فَكُنْ بِمَا قَالَ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لِنَبِيِّهِ عليه السلام فَلَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ وَقَالَ
وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ - إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ - زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ - فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَإِنَّمَا كَانَ قُوَّةُ
الشَّعِيرِ - وَحُلْوَاهُ الثَّمَرِ - وَقُوْدُهُ السَّعْفُ إِذَا وَجَدَهُ.

١٩١٦- ٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ
سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام مَنْ سَأَلَنَا أُعْطِينَاهُ - وَمَنْ اسْتَغْنَى أُغْنَاهُ اللَّهُ.

١٩١٧- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيُسْرِ - مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ - بِالْيُسْرِ
مِنَ الْعَمَلِ.

برنگزیند جز آنکه بی نیازیش را در وجود خودش قرار دهم و همتش را متوجه آخرت سازم به آسمان و زمین عهده دار روزیش گردانم و خودم برایش از پس تجارت هر تاجری باشم.

قناعت

۱- «عمرو بن هلال»، گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: مبادا به بالادست خود چشم بدوزی که آنچه خداوند در این باره به پیامبرش فرموده کافی است: «از مالها و فرزندانسان به شگفتی افتی (توبه / ۵۶)» «چشمان خود را به چیز هایی که رونق زندگی دنیا است و گروهی از مردم از آنها بهره مند کردیم مینداز (طه / ۱۳۱)» و اگر در این باره شک و تردیدی یافتید زندگی رسول خدا را به یاد آور که خوراکش نان جوین و حلواش خرما و سوختش شاخه درخت خرما بود.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از ما خواهش کند به او می‌بخشیم و هرکس بی نیازی خواهد خدایش او را بی نیاز سازد.

۳- امام صادق علیه السلام، فرمود: هرکس از خدا به در آمد کم راضی باشد، خدا از او به اعمال کم راضی است.

١٩١٨-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَكْتُوبٌ فِي التَّوَرَةِ - إِنَّ آدَمَ كُنْ كَيْفَ شِئْتَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ - مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ - قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَالِ - خَفَّتْ مَسْئُوتُهُ - وَزَكَتْ مَكْسَبَتُهُ وَخَرَجَ مِنْ حَدِّ الْفُجُورِ.

١٩١٩-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَمْ يَقْنَعْهُ مِنَ الرِّزْقِ إِلَّا الْكَثِيرُ - لَمْ يَكْفِهِ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا الْكَثِيرُ وَمَنْ كَفَاهُ مِنَ الرِّزْقِ الْقَلِيلُ - فَإِنَّهُ يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ الْقَلِيلُ.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١٩٢٠-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ آدَمَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ - فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ - وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ.

١٩٢١-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِشْتَدَّتْ حَالُ رَجُلٍ - مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ

۴- باز فرمود:

در تورات نوشته است: آدمی زاده هر جور که باشد به همان صورت پاداش بیند هر کس به روزی اندک قانع باشد خداوند عمل کوچک او را بپذیرد و هر کس به حلال اندک راضی باشد هزینه‌اش سبک شود و کسبش پاکیزه گردد و از جرگه بدکاران بیرون رود.

۵- امام رضا علیه السلام فرمود:

هر کس که جز روزی بسیار قانع نکند، جز کردار بسیارش کافی نباشد و هر کس به روزی اندک قانع باشد کردار اندک هم برای او کافی است.



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام همچنین فرمود: آدمی زاده، اگر به روزی کم در دنیا قانع باشی آسانترین چیزی که در آن است تو را بس است و اگر زیاده خواهی پس براستی هر آنچه در دنیا است تو را کافی نیست و اگر همه دنیا را هم به کسی دهند نیازش بیشتر شود زیرا هر کس مالش بیشتر شود حرصش هم افزون تر گردد.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: وضع زندگی یکی از اصحاب پیامبر سخت شد،

لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلْتَهُ - فَجَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ - مَنْ سَأَلَنَا أُعْطِينَاهُ - وَمَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ - فَقَالَ الرَّجُلُ مَا يَعْني غَيْرِي - فَرَجَعَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَعْلَمَهَا - فَقَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَشَرٌ فَأَعْلِمَهُ فَأَتَاهُ - فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَنْ سَأَلَنَا أُعْطِينَاهُ وَمَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ - حَتَّى فَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ ثَلَاثًا - ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ فَاسْتَعَارَ مِعْوَلًا - ثُمَّ أَتَى الْجَبَلَ فَصَعِدَهُ فَقَطَعَ حَطْبًا ثُمَّ جَاءَ بِهِ - فَبَاعَهُ بِنِصْفِ مِدٍّ مِنْ دَقِيقٍ - فَرَجَعَ بِهِ فَأَكَلَهُ - ثُمَّ ذَهَبَ مِنَ الْغَدِ - فَجَاءَ بِأَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ فَبَاعَهُ - فَلَمْ يَزَلْ يَعْمَلُ وَيَجْمَعُ - حَتَّى اشْتَرَى مِعْوَلًا - ثُمَّ جَمَعَ حَتَّى اشْتَرَى بَكْرَيْنِ - وَغُلَامًا ثُمَّ أَثْرَى حَتَّى أَيْسَرَ - فَجَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَعْلَمَهُ - كَيْفَ جَاءَ يَسْأَلُهُ - وَكَيْفَ سَمِعَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ قُلْتُ لَكَ مَنْ سَأَلَنَا أُعْطِينَاهُ - وَمَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ.

١٩٢٢-٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْقُرَاطِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ - فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ - أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِ غَيْرِهِ.

١٩٢٣-٩ - عَنْهُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ - فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ.

همسرش به او گفت: کاش می‌رفتی نزد رسول خدا ﷺ و از او چیزی می‌خواستی، به نزد پیامبر آمد خود حضرت او را دید، فرمود: هرکس از ما چیزی بخواهد به او می‌بخشیم و هرکس نخواهد خدایش او را بی‌نیاز کند، آن مرد با خود گفت: مقصودش جز من نیست، نزد زنش بازگشت و جریان را به او خبر داد زنش گفت: رسول خدا ﷺ هم بشر است و از حال تو خبر ندارد برو و حال خود را به او بگو، آمد نزد آن حضرت و تا چشم رسول خدا ﷺ به او افتاد فرمود: هرکس از ما چیزی بخواهد به او می‌بخشیم و هرکس نخواهد خدا او را بی‌نیاز خواهد کرد و تا سه بار آن مرد رفت و آمد کرد و سپس رفت و تبری را قرض گرفت و به کوه رفت و بالای آن آمد و هیزمی برید و آن را آورد و فروخت به نیم مد (نیم کیلو تقریباً) آرد و آن را برد و خورد، سپس فردا رفت و هیزم بیشتری آورد و فروخت و پیوسته کار کرد و جمع کرد تا یک تبری خرید و سپس جمع کرد تا دو شتر نر و غلامی خرید و توانگر شد و به زندگی رسید، پس از آن، آمد نزد پیامبر و به او خبر داد که چگونه آمد و خواهشی کرد و چه از او شنید؟ (باز هم) پیامبر ﷺ فرمود: هرکس از ما چیزی بخواهد به او می‌بخشیم و هرکس نخواهد خدا او را بی‌نیاز خواهد کرد.

۸- رسول خدا ﷺ فرمود:

هرکس بخواهد بی‌نیازترین مردم باشد باید به آنچه در دست خداست اعتمادش بیشتر باشد از آنچه که در دست دیگران است.

۹- امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) فرمود: هرکس به آنچه خدایش روزی کند، قناعت ورزد، از بی‌نیازترین مردم است.

١٩٢٤-١٠- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ:

شَكَارَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ يَطْلُبُ فَيُصِيبُ وَلَا يَقْنَعُ
وَتُنَازِعُهُ نَفْسُهُ إِلَى مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ - وَقَالَ عَلَّمَنِي شَيْئاً أَنْتَفَعُ بِهِ - فَقَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - إِنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ يُغْنِيكَ - فَأَذْنِي مَا فِيهَا يُغْنِيكَ
وَإِنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ لَا يُغْنِيكَ - فَكُلْ مَا فِيهَا لَا يُغْنِيكَ.

١٩٢٥-١١- عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ - كَانَ أَيْسَرُ
مَا فِيهَا يَكْفِيهِ - وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ - لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ
يَكْفِيهِ.



باب الكفاف

١٩٢٦-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي
عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنْ
مِنْ أَغْبَطَ أَوْلِيَائِي عِنْدِي - رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ - ذَا حَظٍّ مِنْ صَلَاةٍ -
أَحْسَنَ عِبَادَةِ رَبِّهِ بِالْغَيْبِ - وَكَانَ غَامِضًا فِي النَّاسِ - جُعِلَ رِزْقُهُ
كَفَافًا - فَصَبَرَ عَلَيْهِ عَجَلَتْ مَنِيَّتُهُ - فَقُلْ تَرَاتُّهُ وَقُلْتُ بَوَاكِيه.

۱۰- مردی به امام صادق علیه السلام شکایت کرد که در طلب روزی است و به آن می‌رسد ولی قانع نمی‌شود و نفسش بیشتر از او می‌خواهد از حضرت خواست او را نصیحتی کند تا آرام گیرد حضرت به او فرمود: اگر آنچه تو را کافیت بی‌نیازت کند، کمتر چیزی که در این جهان است تو را بی‌نیاز خواهد کرد و اگر تو را کفایت نکند بی‌نیازت نخواهد ساخت پس هر چیزی که در دنیا است تو را بی‌نیاز نخواهد ساخت.

۱۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرکس از دنیا بدانچه او را کفایت کند خشنود باشد کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند و کسی که از دنیا به آنچه که او را کافی است راضی نیست در دنیا چیزی نخواهد بود که او را راضی کند.



کافی بودن روزی

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل فرماید: برآستی رشک آورترین دوستانم نزد من مردی است سبک حال (یعنی بدون تشریفات) خدا خود در پنهان عبادت می‌کند و گمنام به سر می‌برد و روزی او به اندازه نیاز و رفع ضرورت باشد و بر آن شکیباً بوده و مرگش زود رس باشد و بعد از خود ارث کمی بر جای گذارد و گریه کنندگان بر مرگ او کم باشند.

١٩٢٧-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ - وَكَانَ عَيْشُهُ كِفَافًا.

١٩٢٨-٣- النَّوْفَلِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ - وَمَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا
وَآلَ مُحَمَّدٍ - الْعَفَافَ وَالْكَفَافَ - وَارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
- الْمَالَ وَالْوَلَدَ.

١٩٢٩-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:
مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - بِرَاعِيٍ إِبِلٍ فَبَعَثَ يَسْتَسْقِيهِ - فَقَالَ أَمَّا مَا فِي
ضُرُوعِهَا فَصَبُوحُ الْحَيِّ وَأَمَّا مَا فِي آيَتِنَا فَغَبُوقُهُمْ - فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ - اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ - ثُمَّ مَرَّ بِرَاعِيٍ غَنَمٍ - فَبَعَثَ إِلَيْهِ
يَسْتَسْقِيهِ - فَحَلَبَ لَهُ مَا فِي ضُرُوعِهَا - وَأَكْفَأَ مَا فِي إِنْائِهِ فِي إِنْاءٍ -
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - وَبَعَثَ إِلَيْهِ بِشَاةٍ وَقَالَ - هَذَا مَا عِنْدَنَا - وَإِنْ أَحْبَبْتَ
أَنْ نَزِيدَكَ زِدْنَاكَ - قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكَفَافَ -
فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ - يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعَوْتَ لِلَّذِي - رَدَّكَ بِدُعَائِهِ
عَامَّتُنَا نُحِبُّهُ - وَدَعَوْتَ لِلَّذِي أَسْعَفَكَ بِحَاجَتِكَ - بِدُعَائِهِ كُلُّنَا نَكْرَهُهُ -
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - إِنَّ مَا قُلَّ وَكَثُرَ خَيْرٌ - مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى اللَّهُمَّ -
ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ.

۲- رسول خدا ﷺ فرمود:

خوشا به حال مسلمانی که زندگی اش به اندازه نیازش باشد.

۳- رسول خدا ﷺ فرمود:

خدایا به محمد و آل محمد و دوستانشان پا کدامنمی و به اندازه نیاز روزی ده و به دشمنان آنها مال و فرزند عطا فرما.

۴- علی بن الحسین ﷺ فرمود: رسول خدا ﷺ بر شتر چرانی گذر کرد

شخصی را برای شیر نزد او فرستاد او در پاسخ گفت: آن چه در پستان شترهاست صبحانه قبیله است و آنچه در ظرف هاست شام آنهاست، رسول خدا ﷺ فرمود: خدایا مال و اولادش را زیاد کن، و به گوسفند چرانی گذر کرد و از او شیری برای نوشیدن خواست، او آنچه شیر در پستان گوسفندان بود دوشید و در ظرف رسول خدا ﷺ ریخت و گوسفندی هم نزد آن حضرت فرستاد و گفت: این است آنچه نزد ماست و اگر هم بخواهید بیشتر بدهیم، گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: خدایا به اندازه نیاز به او روزی ده، یکی از اصحاب به وی گفت: یا رسول الله، برای آنکس که تو را رد کرد، دعایی کردی که ما همه آن را دوست داریم و برای آنکه حاجت برآورد دعایی کردی که ما همه بد می دانیم، رسول خدا ﷺ در پاسخ فرمود: براستی آنچه کم باشد و به اندازه نیاز بهتر است از زیادی که دل را به خود مشغول دارد خدایا به محمد و آل محمد به اندازه نیاز روزی کن.

١٩٣٠- ٥- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - يَحْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ - إِنْ قَرَّتْ عَلَيْهِ وَذَلِكَ أَقْرَبُ لَهُ مِنِّي - وَيَفْرَحُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ وَسَّعَتْ عَلَيْهِ - وَذَلِكَ أَبْعَدُ لَهُ مِنِّي.

١٩٣١- ٦- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنْ مِنْ أَغْبَطَ أَوْلِيَائِي عِنْدِي - عَبْدًا مُؤْمِنًا ذَا حَظٍّ مِنْ صَالِحٍ - أَحْسَنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ وَعَبَدَ اللَّهَ فِي السَّرِيرَةِ - وَكَانَ غَامِضًا فِي النَّاسِ - فَلَمْ يُشْرُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ - فَكَانَ رِزْقَهُ كِفَافًا، فَصِيرَ عَلَيْهِ فَعَجَّلَتْ بِهِ الْمَنِيَّةُ فَقَلَّ تَرَاتِهِ وَقَلَّتْ بَوَاكِيهِ..

بَابُ تَعْجِيلِ فِعْلِ الْخَيْرِ

١٩٣٢- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ قَالَ حَدَّثَنِي حَمْزَةُ بْنُ حُمْرَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ - فَلَا يُؤَخِّرْهُ - فَإِنَّ الْعَبْدَ رُبَّمَا صَلَّى الصَّلَاةَ - أَوْ صَامَ الْيَوْمَ فَيُقَالُ لَهُ - اِعْمَلْ مَا شِئْتَ بَعْدَهَا - فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عز و جل می فرماید: بنده مؤمنم غمناک شود اگر بر او تنگ گیرم و این تنگی روزی او را به من نزدیکتر سازد و بنده مؤمنم شاد می شود اگر به او وسعت روزی دهم و آن وی را از من دورتر خواهد کرد.

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدای عز و جل فرماید: براستی رشک آورترین دوستانم نزد من بندهای است مؤمن که از پاکی و خوبی بهرمند است، پروردگارش را خوب عبادت کند و در نهانی خدا را پرستش نماید و میان مردم گمنام زندگی کند و انگشت نما نباشد، روزی او به اندازه رفع حاجت باشد و بر آن صبر کند و مرگ او زود فرا رسد و ارث او اندک باشد و گریه کنندگان بر او کم باشند.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

شتاب در کارهای خوب

۱- حمزة بن حمران گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

هر گاه یکی از شما آهنگ کار نیکی کرد آن را عقب میندازید زیرا چه بسا بندهای نمازی گزارد و یا روزی را روزه بدارد و به او گفته شود، از این پس هر کاری که خواهی بکن که خداوند گناهان گذشته ات را آمرزیده است و مراقب آینده ات باش.

١٩٣٣-٢- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام افْتَحُوا نَهَارَكُمْ بِخَيْرٍ - وَامْلُوا عَلَى حَفَظَتِكُمْ فِي
أَوَّلِهِ - خَيْرًا وَفِي آخِرِهِ خَيْرًا - يُغْفِرَ لَكُمْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

١٩٣٤-٣- عَنْهُ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يَقُولُ إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ - فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ.

١٩٣٥-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ - مَا يُعَجَّلُ.

١٩٣٦-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرِ بْنِ بَسَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ - فَلَا تُؤَخِّرْهُ - فَإِنَّ الْعَبْدَ يَصُومُ الْيَوْمَ الْحَارَّ
يُرِيدُ - مَا عِنْدَ اللَّهِ فَيُعْتَقُهُ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّارِ - وَلَا تَسْتَقِلَّ مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَوْ شِقَ تَمْرَةٍ.

١٩٣٧-٦- عَنْهُ عَنْ إِبْنِ فَضَّالٍ عَنْ إِبْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ هَمَّ بِخَيْرٍ فَلْيُعَجِّلْهُ وَلَا يُؤَخِّرْهُ - فَإِنَّ الْعَبْدَ رُبَّمَا عَمِلَ الْعَمَلَ فَيَقُولُ
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ غَفَرْتُ لَكَ - وَلَا أَكْتُبُ عَلَيْكَ شَيْئًا أَبَدًا - وَ
مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَا يَعْملْهَا - فَإِنَّهُ رُبَّمَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ - فَيَرَاهُ اللَّهُ
سُبْحَانَهُ فَيَقُولُ - لَا وَعِزِّي وَجَلَالِي - لَا أَغْفِرُ لَكَ بَعْدَهَا أَبَدًا.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: روز خدا را به کارهای نیک آغاز کنید و در اول و آخر روز، بر فرشتگان مأمور خود، برای نوشتن کارهای نیک عرضه کنید تا در این میان اگر خدا خواهد برای شما آمرزشی باشد.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم همیشه می فرمود: چون آهنگ کار نیکی کردی شتاب کن، زیرا تو نمی دانی چه پیش خواهد آمد.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
براستی خداوند کار نیکی را دوست دارد که در آن شتاب شود.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:
چون قصد خیری کردی، آن را عقب مینداز زیرا بنده به قصد ثواب در روز گرمی روزه می دارد و همین کار سبب می شود که او را از آتش دوزخ برهاند و نباید هر چه که با آن به خدای عز و جل نزدیک شود کم شمارد گرچه تکه خرمایی باشد (که در راه خدا خیرات کند).

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:
هر کس آهنگ کار نیکی کند باید بر آن بشتابد و آن را به تأخیر نیندازد، زیرا چه بسا که بنده کاری کند و خدای تبارک و تعالی می فرماید: من تو را آمرزیدم و هرگز بر تو چیزی نمی نویسم و هر کس قصد گناهی کند باید آن را انجام ندهد زیرا چه بسا بنده ای کار زشتی می کند و خداوند او را می بیند و می فرماید: نه، سوگند به عزت و جلالم، تو را پس از آن هرگز نیامرزم.

١٩٣٨-٧- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا هَمَمْتَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ - فَلَا تُؤَخِّرْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - رُبَّمَا أَطَّلَعَ
عَلَى الْعَبْدِ - وَهُوَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الطَّاعَةِ - فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي - لَا
أُعَذِّبُكَ بَعْدَهَا أَبَدًا - وَإِذَا هَمَمْتَ بِسَيِّئَةٍ فَلَا تَعْمَلْهَا - فَإِنَّهُ رُبَّمَا أَطَّلَعَ
اللَّهُ عَلَى الْعَبْدِ - وَهُوَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْمَعْصِيَةِ - فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي -
لَا أَغْفِرُ لَكَ بَعْدَهَا أَبَدًا.

١٩٣٩-٨- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي
جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ أَوْ صِلَةٍ - فَإِنَّ عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ شَيْطَانَيْنِ فَلْيُبَادِرْ لَا
يَكْفَاهُ عَنْ ذَلِكَ.

١٩٤٠-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي
الْجَارُودِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيُعَجِّلْهُ - فَإِنْ كُلَّ
شَيْءٍ فِيهِ تَأْخِيرٌ - فَإِنَّ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَظْرَةً.

١٩٤١-١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنِ الْعَلَاءِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ ثَقَلَ الْخَيْرَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا - كَثَقَلَهُ فِي
مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - خَفَّفَ الشَّرَّ عَلَى أَهْلِ
الدُّنْيَا - كَخَفَّفْتَهُ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: چون قصد کار خیری کردی آن را به تأخیر مینداز، زیرا خدای عز و جل بسا که به بنده‌ای توجه کند، و او در حال طاعتی است، پس می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم پس از این هرگز تو را کیفر ندهم چون تصمیم معصیتی داشتی آن را انجام مده زیرا چه بسا خداوند به بنده‌ای توجه کند که در حال انجام گناه است، پس می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم که بعد از آن، هرگز تو را نیامرزم.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما قصد خیر یا رساندن نفعی به غیر کرد از سمت راست و چپش دو شیطان هستند باید شتاب کند تا مبادا او را از آن کار خیر، باز دارند.

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس قصد کار خیری کند باید به سوی آن بشتابد زیرا هر کار خیری که در آن تأخیر بیفتد فرصتی برای شیطان پیدا می‌شود (تا وی را از آن کار منصرف سازد).

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود: براستی خداوند کار خیر را بر مردم دنیا سنگین قرار داده همانند سنگینی آن در ترازوی عملشان در روز قیامت و خدای عز و جل کار شر را بر مردم دنیا سبک و آسان کرده مانند سبکی آن در ترازوی عملشان در قیامت.

توضیح: سبک وزنی و سنگین وزنی عمل، اشاره است به کلام خداوند در قرآن که می‌فرماید: «اما کسی که کار نیکش در میزان، سنگینی کند زندگی‌اش در آسایش و خوشی پسندیده خواهد بود و برای کسی که کارش سبک وزن است ناپسند بوده و جایگاهش در سیاهچال جهنم است (القارعه / ۶ تا ۹)»

بَابُ الْإِنْصَافِ وَالْعَدْلِ.

١٩٤٢-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ وَ طَهَّرَتْ سَجِيَّتُهُ - وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ - وَ حَسُنَتْ عِلَاقَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ - وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ - وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ.

١٩٤٣-٢- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ يَضْمَنْ لِي أَرْبَعَةً بِأَرْبَعَةٍ - أَبْيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ - أَنْفَقَ وَ لَا تَخَفَ فَقْرًا - وَ أَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ - وَ أَتْرِكِ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا - وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ.

١٩٤٤-٣- عَنْهُ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ جَارُودِ أَبِي الْمُثَنِّدِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ - إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ - حَتَّى لَا تَرْضَى بِشَيْءٍ - إِلَّا رَضِيتَ لَهُمْ مِثْلَهُ - وَ مُوَاسَاتُكَ الْأَخَ فِي الْمَالِ - وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ - لَيْسَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ - وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَطْ - وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ - أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ

انصاف و عدالت

۱- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخر خطبه خود می فرمود: خوشا به حال کسی که رفتارش نیکو و طبعش پاک و باطنش شایسته و ظاهرش نیکوست، زیادی مالش را ببخشد و از پرگوئی خودداری کند و میان خود و مردم به انصاف دآوری کند.

* * *

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

کیست که برای انجام چهار عمل در برابر چهار خانه در بهشت ضامن شود: انفاق کن و از فقر ترس، سلام و درود را در جهان منتشر کن، نزاع و جدال را ترک کن گرچه حق با تو باشد و میان خودت و مردم به حق دآوری کن.

* * *

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: سرور اعمال سه چیز است:

۱- انصاف دادنت به مردم تا آنجا که هرچه تو را خشنود سازد همانند او برای مردم بخواهی

۲- هم دردی و مواسات با برادرانت در مال و یاد خدا در هر حال

۳- و آن گفتن سبحان الله والحمد لله و الله اکبر چون فرمان خداوند به تو رسید عمل کنی و چون تو را از کاری نهی کند ترک نمایی.

وَجَلَّ بِهِ - أَخَذَتْ بِهِ أَوْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ - نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ تَرَكَتُهُ.

١٩٤٥ - ٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ يَحْيَى بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْمِشَمِيِّ عَنْ رُومِيِّ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ أَلَّا إِنَّهُ - مَنْ يُنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ - لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا.

١٩٤٦ - ٥ - عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثَةٌ هُمْ أَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ - رَجُلٌ لَمْ تَدْعُهُ قُدْرَةٌ فِي حَالِ غَضَبِهِ - إِلَى أَنْ يَحْيِفَ عَلَى مَنْ تَحْتَ يَدِهِ - وَ رَجُلٌ مَشَى بَيْنَ اثْنَيْنِ - فَلَمْ يَمِلْ مَعَ أَحَدِهِمَا عَلَى الْآخِرِ بِشَعِيرَةٍ - وَ رَجُلٌ قَالَ بِالْحَقِّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ.

١٩٤٧ - ٦ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْحَسَنِ الْبَرَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي حَدِيثٍ لَهُ أَلَّا أَخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ - فَذَكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ أَوْهَمًا - إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ.

۴- امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن کلام خود فرمود:
به هوش باشید که هرکس به مردم انصاف دهد خدا جز بر
عزتش نیفزاید.

* * *

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس در روز قیامت از همه مخلوقات به خدای
عز و جل نزدیک ترند تا از حساب مردم فارغ شود
۱- مردی که در حال غضب از قدرت خود، نسبت به زیر دستش
سوء استفاده نکند و به او ستم ننماید
۲- مردی که میان دو نفر میانجی گردد و راه برود و به اندازه یک جو
از یک نفر طرفداری نکند
۳- مردی که درست گوید در آنچه که به سود او و آنچه که به
زیان اوست.

* * *

۶- امام صادق علیه السلام در حدیث دیگر فرمود:
آیا شما را خبر ندهم به سخت ترین چیزی که خداوند آن را برای
مخلوقات خود واجب کرده آنگاه سه چیز را بیان کرد که نخستین آنها
انصاف در داوری نسبت به مردم بود.

* * *

١٩٤٨-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ
 وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ - وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

١٩٤٩-٨- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْحَسَنِ
 الْبَرَّازِ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَلَا أَخْبِرُكَ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ
 ثَلَاثٌ قُلْتُ بَلَى قَالَ - إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ - وَ مُوَاسَاةُ أَخَاكَ وَ
 ذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ - أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ - وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ إِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ - وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ جَلَّ وَ
 عَزَّ - فِي كُلِّ مَوْطِنٍ - إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٩٥٠-٩- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أُبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ - أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ خِصَالِ
 ثَلَاثٍ يُحَرِّمُهَا - قِيلَ وَ مَا هُنَّ قَالَ - الْمَوَاسَاةُ فِي ذَاتِ يَدِهِ - وَ الْإِنْصَافُ
 مِنْ نَفْسِهِ - وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا - أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ - سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ - وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ - وَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ
 مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ.

۷- رسول خدا ﷺ فرمود:

سرور اعمال مردم عبارت است از انصاف دادن به مردم از طرف خود و همدردی با برادر دینی‌ات در راه خدا و ذکر خدای عز و جل در هر حال.

۸- حسن بزاز می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا به تو خبر ندهم از سخت‌ترین چیزی که خدا بر مخلوقاتش واجب کرده است؟ (تا سه بار)، گفتم: چرا، فرمود: حق دادن به مردم از طرف خودت و هم‌دردی با برادرت و ذکر خدا در هر جا، اما به راستی من نمی‌گویم که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر است و اگر چه آن هم ذکر خداست منظور ذکر خدای عز و جل است در هر جا هرگاه بررسی به طاعتی یا معصیتی.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن به چیزی امتحان نشده که برایش سخت‌تر باشد از سه خصلت که از آن محروم است، گفته شد که آنها چیست؟ فرمود:

۱- همدردی و همراهی و شرکت در تنخواهی که در دست دارد

۲- حق دادن به مردم از طرف خودش

۳- بسیار ذکر خدا گفتن، من نمی‌گویم: همان سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله است ولی ذکر خدا در برابر آنچه که بر او حلال کرده است و در آنچه که به هنگام برخورد بر او حرام کرده است.

١٩٥١-١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَبِي الْبِلَادِ رَفَعَهُ قَالَ:

جَاءَ أَغْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ - وَهُوَ يُرِيدُ بَعْضَ غَزَوَاتِهِ - فَأَخَذَ بِغَرَزِ رَاحِلَتِهِ فَقَالَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ - مَا أَحْبَبْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأَتِيَهُ إِلَيْهِمْ - وَ مَا كَرِهْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ - فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ - خَلِّ سَبِيلَ الرَّاحِلَةِ.

١٩٥٢-١١- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

الْعَدْلُ أَخْلَى مِنَ الْمَاءِ - يُصِيبُهُ الظَّمَانُ - مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ إِذَا عُدِلَ فِيهِ - وَإِنْ قَلَّ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٩٥٣-١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ - رُضِيَ بِهِ حَكْمًا لغيرِهِ.

١٩٥٤-١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عِمْرَانَ بْنِ مِيثَمٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَى آدَمَ ﷺ - أَنِّي سَأَجْمَعُ لَكَ الْكَلَامَ - فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ قَالَ - يَا رَبِّ وَمَا هُنَّ قَالَ - وَاحِدَةٌ لِي وَوَاحِدَةٌ لَكَ - وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ - قَالَ يَا رَبِّ بَيْنَهُنَّ

۱۰- گوید: یک نفر اعرابی به نزد پیامبر ﷺ آمد، آن حضرت می‌خواست به یکی از جنگها برود، اعرابی رکاب مرکب او را گرفت و گفت: یا رسول الله! به من عملی بیاموز که با آن به بهشت روم. حضرت در پاسخ او فرمود: هرچه را دوست داری که مردم با تو کنند، تو نیز با آنها انجام ده و هرچه را نپسندی که مردم با تو کنند با آنها مکن، جلو مرکب را رها کن.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: عدالت شیرین تر از آبی است که به کام تشنه رسد. عدالت چقدر وسیع است وقتی در کاری عدالت شود هرچند که آن کار کوچک باشد.



۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس در حق مردم انصاف دهد (گرچه به زیانش باشد) برای داوری بین مردم برگزیده شود.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل به آدم وحی کرد که من همه سخنان را در چهار کلمه برایت جمع کردم، عرض کرد: پروردگارا، آنها کدامند؟ فرمود: یکی از آن من و یکی از آن توست و یکی میان من و توست و یکی میان تو و مردم است، عرض کرد: پروردگارا، آنها را بیان کن تا بدانم، فرمود: آنکه از آن من است، مرا عبادت کن و هیچ چیز را شریک من قرار مده، آنکه از آن توست من تو را به کردارت پیاداش دهم به صورتی که به آن نیازمندتری و اما آنکه میان من و توست، بر

لِي - حَتَّى أَعْلَمَهُنَّ قَالَ - أَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي - لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئاً - وَأَمَّا
الَّتِي لَكَ - فَأَجْزِيكَ بِعَمَلِكَ - أَخُوجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ - وَأَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَ
بَيْنَكَ - فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ - وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ
فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ - وَ تَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ .

١٩٥٥ - ١٤ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَالِبِ
ابْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَوْحِ ابْنِ أُخْتِ الْمُعَلَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا - فَإِنَّكُمْ تَعِيبُونَ عَلَى قَوْمٍ لَا يَعْدِلُونَ .

١٩٥٦ - ١٥ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهَادَةِ - وَالْأَمْنُ مِنَ الزُّبْدِ - وَأَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ .

١٩٥٧ - ١٦ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
مِهْرَانَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ - أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِي
ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ - يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ - رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا
هُوَ سَائِلُهُمْ - وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رَجُلًا وَلَمْ يُؤَخِّرْ رَجُلًا - حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ
لِلَّهِ رِضًا - وَ رَجُلٌ لَمْ يَعْيبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِعَيْبٍ - حَتَّى يَنْتَفِي ذَلِكَ الْعَيْبُ
عَنْ نَفْسِهِ - فَإِنَّهُ لَا يَنْتَفِي مِنْهَا عَيْبًا - إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ - وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا
بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ .

عهده‌ی توست که دعا کنی و بر من است که بپذیرم و اما آنکه میان تو و مردم است آن است که برای مردم کاری را بپسندی که برای خود می‌پسندی و بد بدانی کاری را که برای خود بد بدانی.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

از خدا بپرهیزید و عدالت ورزید زیرا خود شما از مردمی ایراد می‌گیرید که عدالت نمی‌ورزند.

۱۵- و باز فرمود: عدالت از شکر شیرین‌تر و از کره نرم‌تر و از مشک خوش‌بو تر است.



۱۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سه خصلت است که در هر کس که باشد یا هر کس یکی از آن را داشته باشد در سایه عرش خداست روزی که جز سایه او سایه‌ای نیست.

۱- مردی که به مردم دهد آنچه را که از آنها می‌خواهد.

۲- مردی که گامی پیش و پس نگذارد تا مطمئن شود که خداوند راضی است.

۳- مردی که برادر مسلمانش را به عیبی وصف نکند تا بداند که آن عیب در خودش نیست، زیرا هیچ عیبی از خود دور نکند جز آنکه عیبی دیگر در خویش یابد و برای انسان همین قدر کافی است که به خود پردازد نه به دیگران.

١٩٥٨-١٧ - عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْغِفَارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ - وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ
 نَفْسِهِ - فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا.

١٩٥٩-١٨ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ
 نَافِعٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ عَنْ يُونُسَ الْبَزَّازِ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا تَدَارَأُ اثْنَانِ فِي أَمْرٍ قَطُّ - فَأَعْطَى أَحَدُهُمَا
 النِّصْفَ صَاحِبَهُ - فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ إِلَّا أُدِيلَ مِنْهُ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي
 جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا - إِلَّا ثَلَاثَةٌ أَحَدُهُمْ - مَنْ حَكَمَ فِي
 نَفْسِهِ بِالْحَقِّ.

١٩٦٠-١٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظُّمَأُنُ - مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ إِذَا عُدِلَ
 فِيهِ وَإِنْ قَلَّ.

۱۷- رسول خدا ﷺ فرمود:

هرکس از مال خود با فقیر مواسات کند و از طرف خود به مردم حق بدهد او به حق، مؤمن باشد.

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

دو تن هرگز با هم به ستیز برنخیزند وقتی یکی از آنها به دیگری انصاف دهد و او را نپذیرد جز آنکه او را مغلوب سازد.



۱۹- امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی برای خدا بهشتی است که جز سه کس وارد آن نشوند یکی از آنها کسی است که درباره خود به حق داوری کند.

۲۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

عدالت شیرین تر از آبی است که به تشنه برسد و چقدر وسیع است عدالت هرگاه به عدالت عمل شود گرچه در موضوع کوچکی باشد.

بَابُ الْإِسْتِغْنَاءِ عَنِ النَّاسِ.

١٩٦١- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ - وَعِزُّهُ إِسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ.

١٩٦٢- ٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ - أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ شَيْئاً - إِلَّا أَعْطَاهُ
فَلْيَنَاسُ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ - وَلَا يَكُونَ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا عِنْدَ اللَّهِ - فَإِذَا عَلِمَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ - لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ.

١٩٦٣- ٣- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ - قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ - عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ
وَمَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ - وَرَدَّ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فِي جَمِيعِ
أُمُورِهِ اسْتَجَابَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ.

١٩٦٤- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ - اسْتِلابٌ لِلْعِزِّ

بی نیازی از مردم

۱- امام صادق علیه السلام، فرمود:

شرافت مؤمن به شب زنده داری است و عزت او به بی نیازی وی از مردم.

۲- فرمود: هرگاه یکی از شماها از خدای خود چیزی را بخواهد که به او بدهد باید از مردم ناامید شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد و چون خداوند در دلش چنین ببیند هرچه را خواهد به او دهد.



۳- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

همه خیر را در بریدن طمع از مردم دیدند و هرکس هیچ امیدی به مردم نداشته باشد و کارش را به خدا واگذارد خداوند خواسته او را برآورده سازد.

۴- امام صادق علیه السلام می فرمود:

بحاجت خواستن از مردم برباد دادن عزت و بردن حیاست و ناامیدی از هرچه که در دست مردم است، عزت مؤمن در دینش می باشد و طمع، فقر و نیازی است حاضر و آماده.

وَمَذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ - وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ - عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ -
وَالطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.

١٩٦٥-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام جُعِلَتْ فِدَاكَ - أَكْتُبُ لِي إِلَى إِسْمَاعِيلَ بْنِ دَاوُدَ الْكَاتِبِ - لَعَلِّي أَصِيبُ مِنْهُ قَالَ - أَنَا أَضْنُ بِكَ أَنْ تَطْلُبَ مِثْلَ هَذَا - وَشِبْهَهُ وَلَكِنْ عَوَّلَ عَلَى مَالِي.

١٩٦٦-٦- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ نَجْمِ بْنِ حُطَيْمٍ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ - عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ - أَوْ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ حَاتِمٍ إِذَا مَا عَزَمْتَ الْيَأْسَ الْفَيْتَهُ الْغَنَى إِذَا عَرَفْتَهُ النَّفْسَ وَالطَّمَعُ الْفَقْرُ

١٩٦٧-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ - الْاِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الْاِسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ - فَيَكُونَ اِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ - فِي لِسَانِكَ كَلَامُكَ وَ حُسْنُ بَشْرِكَ - وَ يَكُونَ اِسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ - فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَ بَقَاءِ عِزِّكَ

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَهُ.

۵- احمد بن محمد بن ابی نصر، گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: قربانت، برایم بنویس به اسماعیل بن داود کاتب، شاید چیزی از او به من برسد فرمود: برایم تأسف آور است که چون تویی از او و مانند او حاجتی بخواهد ولی تو به ثروت من تکیه کن (یعنی اگر حاجت مالی داری از مال من بگیر).

* * *

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: ناامیدی از آنچه که در دست مردم است عزت مؤمن در دینش می باشد، آیا نشنیدی قول حاتم را:
چه نومیدی گرفتی بی نیازی یافتی در خود
اگر قدرش بدانی چون طمع فقری است اندر جان

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

* * *

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:
امیرالمؤمنین علیه السلام بارها می فرمود: باید در دلت احتیاج مردم و استغناء از آنها با هم جمع شود، احتیاج به آنها در همان خوش صحبتی و خوش برخوردی است و بی نیازی از آنها در حفظ آبرو و عزت است.

* * *

بَابُ صَلَاةِ الرَّحِمِ

١٩٦٨-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ- وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ- إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا قَالَ فَقَالَ هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ- أَمَرَ بِصِلَتِهَا وَعَظَّمَهَا- أَلَا تَرَى أَنَّهُ جَعَلَهَا مِنْهُ.

١٩٦٩-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ بَلَّغْنِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ- أَهْلُ بَيْتِي أَبَوَا إِلَّا تَوَثُّبًا عَلَيَّ- وَقَطِيعَةً لِي وَشَتِيمَةً- فَأَرْفُضُهُمْ قَالَ- إِذَا يَرْفُضُكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا- قَالَ فَكَيْفَ أُصْنَعُ- قَالَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ- وَتُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ- وَتَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ- فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ- كَانَ لَكَ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ظَهِيرٌ.

١٩٧٠-٣- وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحْمَةً فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً- وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.

صله رحم

۱- جمیل بن دراج، گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عز و جل پرسیدم: «و به پرهیز از خدایی که بازخواست شما به خاطر او و نیز بخاطر خویشاوندان است زیرا خداوند مراقب شماست» - نساء / ۲
در پاسخ فرمود: مقصود ارحام: عموم مردم است، زیرا خدای عز و جل وصل کردن آن دستور داده و بزرگش داشته مگر نمی بینی که آنرا در ردیف نام خود قرار داده است

۲- امام جعفر صادق فرمود:
مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، خاندان من تصمیم گرفته اند به من حمله کنند و از من ببرند و دشنام دهند آیا حق دارم که آنها را ترک کنم؟
فرمود: در این صورت خدا همه شماها را ترک خواهد گفت:
عرض کرد: پس چه کنم؟
فرمود: با هر کس از تو برید پیوند و به هر کس از تو دریغ کرد ببخش و از هر کس به تو ستم کرد در گذر، چون وقتی چنین کنی خداوند تو را یاری می دهد.

۳- امام رضا علیه السلام فرمود: مردی که سه سال از عمرش باقیمانده صله رحم کند عمرش سی سال می سازد و خداوند هر چه خواهد می کند.

١٩٧١-٤- وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَطَّابِ الْأَعْمُورِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام صَلََةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَتَنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ
 الْبَلَاءَ وَتَيْسِّرُ الْحِسَابَ وَتَنْسِي فِي الْأَجَلِ..

١٩٧٢-٥- وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ
 أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ - وَمَنْ فِي
 أَصْلَابِ الرِّجَالِ - وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ -
 وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ - فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ.

١٩٧٣-٦- وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 قَالَ:

صَلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ - وَتُسَمِّحُ الْكَفَّ وَتُطَيِّبُ النَّفْسَ
 وَتَزِيدُ فِي الرِّزْقِ - وَتَنْسِي فِي الْأَجَلِ.

١٩٧٤-٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ - تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي -
 وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي - وَهِيَ رَحِمُ آلِ مُحَمَّدٍ - وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ -
 الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَرَحِمُ كُلِّ ذِي رَحِمٍ.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود:

صله ارحام عمل را پاک می کند و بر اموال بیفزاید و بلا را دفع کند و حساب را آسان سازد و مرگ را به تأخیر اندازد.

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به حاضر و غائب اتم و آنان که در پشت مردان و رحم زنانند تا قیامت سفارش می کنم که صله رحم کنند اگر چه تا یک سال راه از او دور باشند، زیرا این کار از دیانت است.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: صله ارحام اخلاق را نیکو و دست را با سخاوت و نفس را پاکیزه گرداند و روزی را زیاد و مرگ را به تأخیر اندازد.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی رحم به عرش آویخته و می گوید: بار خدایا پیوند هر کس به من پیوندد و بیر از هر کس که از من ببرد و این رحم آل محمد است و همان است که خدای عز و جل فرماید: «کسانی که پیوند زنند آنچه را خدا فرمان به پیوست آن داده (رعد / ۲۷)» و رحم هر خویشاوندی، (آویختن رحم به عرش کنایه از درخواست شخص از حق خود در حضور پروردگار است)

١٩٧٥-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوَّلُ نَاطِقٍ مِنَ الْجَوَارِحِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ تَقُولُ - يَا رَبِّ مَنْ وَصَّلَنِي فِي الدُّنْيَا - فَصِلْ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَمَنْ قَطَعَنِي فِي الدُّنْيَا - فَاقْطَعْ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ.

١٩٧٦-٩- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَلِّ رَحِمَكَ وَتَوَّ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ - وَأَفْضَلُ مَا تُوصِلُ بِهِ الرَّحِمَ - كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا - وَصِلَةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ.

١٩٧٧-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: مرکز تحقیقات کتب و ترمیم و اسناد قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْعَرْشِ - تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَّلَنِي - وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي.

١٩٧٨-١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ ابْنِ بَزِيعٍ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ حَافَتَا الصِّرَاطِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ - فَإِذَا مَرَّ الْوُصُولُ لِلرَّحِمِ الْمُؤَدِّي لِلْأَمَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ - وَإِذَا مَرَّ الْخَائِنُ لِلْأَمَانَةِ - الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَمْ يَنْفَعَهُ مَعَهَا عَمَلٌ - وَتَكْفَأُ بِهِ الصِّرَاطُ فِي النَّارِ.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین سخنگوی اعضاء تن در روز قیامت رحم است، گوید: پروردگارا هرکس در دنیا پیوند زده امروز میان او و خودت پیوند برقرار ساز و هرکس در دنیا مرا بریده امروز از او ببر (و رحمت خود را از او دریغ دار)

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

صله رحم کن و لو به یک جرعه آب باشد و بهتر چیزی که با آن صله رحم شود جلوگیری از آزار اوست، صله رحم مرگ را به تأخیر اندازد و دوستی خانوداه را به ارمغان آورد.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

رحم روز قیامت به عرش آویزان است و می گوید: بار خدایا هرکس به من پیوست با او پیوند و هرکس از من برید از او ببر.

۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

رحم و امانت روز قیامت در دو طرف صراط قرار دارند چون صله رحم کنند و امانتدار بخواهند بگذرند و در بهشت قرار گیرند و چون قطع کننده رحم و خائن به امانت بخواهند بگذرند و به جهنم افتند و با وجود این دو گناه، هیچ چیزی نمی تواند برای آنها سودمند باشد.

١٩٧٩-١٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ قُرْطٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ - وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ - وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ - وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ.

١٩٨٠-١٣- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَطَّابِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ - وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ - وَ تُنْسِي لَهُ فِي عُمْرِهِ - وَ تُوسِّعُ فِي رِزْقِهِ - وَ تُحِبُّ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ - فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَصِلْ رَحْمَهُ.

١٩٨١-١٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَكَمِ الْحَنَاطِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَلَّةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ - يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ.

١٩٨٢-١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَاباً صَلَّةُ الرَّحِمِ.

۱۲- امام باقر علیه السلام، فرمود:

صله رحم اخلاق را نیکو و دست را باز و نفس را پاکیزه و بر روزی بيفزاید و مرگ را به تأخیر اندازد.

۱۳- و باز فرمود:

صله رحم کارها را پاک و بلا را دور سازد و اموال را برکت دهد و عمر را طولانی کند و روزی را وسعت دهد و نزد خانواده محبوبیت آورد پس باید از خدا پروا کرد و صله رحم نمود.



مرکز تحقیقات علوم دینی

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

صله رحم و خوش همسایگی، خانه‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند.

۱۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چیزی که ثواب آن از هر چیزی زودتر رسد صله رحم است.

١٩٨٣-١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الشَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَرَّهُ النَّسَاءُ فِي الْأَجَلِ - وَالزِّيَادَةُ فِي الرِّزْقِ - فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ.

١٩٨٤-١٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا نَعْلَمُ شَيْئًا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ - إِلَّا صَلَاةَ الرَّحِمِ حَتَّى إِنْ الرَّجُلُ يَكُونُ أَجَلُهُ - ثَلَاثَ سِنِينَ فَيَكُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً - فَيَجْعَلُهَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَيَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً - فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ - فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً - وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام مِثْلَهُ.

١٩٨٥-١٨ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ

جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يُرِيدُ الْبَصْرَةَ نَزَلَ بِالرَّبْدَةِ - فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ مُحَارِبٍ - فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي تَحَمَّلْتُ فِي قَوْمِي هَمَالَةً وَ إِنِّي سَأَلْتُ فِي طَوَائِفِ مِنْهُمْ الْمُوَاسَاةَ وَ الْمَعُونَةَ - فَسَبَقْتُ إِلَيَّ أَلْسِنَتُهُمْ بِالنَّكَدِ - فَرُؤُهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَعُونَتِي - وَ حُثُّهُمْ عَلَى مُوَاسَاتِي - فَقَالَ أَيْنَ هُمْ فَقَالَ هَؤُلَاءِ فَرِيقٌ - مِنْهُمْ حَيْثُ تَرَى قَالَ - فَنَصَّ رَاحِلَتَهُ

۱۶- رسول خدا ﷺ فرمود:

چیزی که ثوابش از هر چیزی زودتر رسد صله رحم است پس صله رحم کن.

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

ما جز صله رحم که عمر را طولانی می کند چیزی را نمی دانیم تا آنجا که مردی که ۳ سال به عمرش مانده با صله رحم خداوند ۳۰ سال به عمرش می افزاید و آن ۳ سال را سی و سه سال کند و مردی که عمرش ۳۳ سال است و قطع رحم کند خداوند ۳۰ سال از عمرش کم می کند و به ۳ سال می رساند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۸- امام باقر علیه السلام فرمود: چون امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون شد و آهنگ بصره داشت در ریزه (محلی است نزدیک مدینه و مدفن ابی ذر غفاری) فرود آمد و مردی از تیره محارب نزد او آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین علیه السلام من در تیره خودم غرامتی را به عهده گرفتم و من از هر گروهی از آنها که درخواست همراهی و کمک کردم مرا رد نمودند و سرزنش کردند به آنها بفرما مرا کمک دهند و به همراهی من تشویق کن، فرمود: کجایند؟ فرمود: اینها را که می بینی یک دسته از آنها بگویند: شتر خود را به حرکت درآورد و مانند شتر مرغی می رفت و برخی از اصحاب آن

فَادَلَّتْ كَأَنَّهَا ظَلِيمٌ - فَادَلَّتْ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فِي طَلِبِهَا - فَلَأْيَا بِلَايٍ مَا
لُحِقَتْ - فَانْتَهَى إِلَى الْقَوْمِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ - وَسَأَلَهُمْ مَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ مُوَاسَاةِ
صَاحِبِهِمْ - فَشَكَّوهُ وَشَكَاهُمْ - فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَصَلَ إِمْرُؤُ
عَشِيرَتِهِ - فَإِنَّهُمْ أَوْلَى بِرِّهِ وَذَاتِ يَدِهِ - وَوَصَلَتِ الْعَشِيرَةُ أَخَاهَا إِنْ
عَثَرَ بِهِ دَهْرٌ - وَادْبَرَتْ عَنْهُ دُنْيَا - فَإِنَّ الْمُتَوَاصِلِينَ الْمُتَبَاذِلِينَ
مَأْجُورُونَ - وَإِنَّ الْمُتَقَاطِعِينَ الْمُتَدَابِرِينَ مَوْزُورُونَ - قَالَ ثُمَّ بَعَثَ
رَاحِلَتَهُ وَقَالَ حَلْ.

١٩٨٦-١٩ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى

عَنْ يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَنْ يَرْغَبَ الْمَرْءُ عَنْ عَشِيرَتِهِ - وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ
وَلَدٍ - وَ عَنْ مَوَدَّتِهِمْ وَ كَرَامَتِهِمْ - وَ دِفَاعِهِمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ - هُمْ
أَشَدُّ النَّاسِ حِيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ - وَ أَعْظَفُهُمْ عَلَيْهِ وَ أَلْمَهُمْ لِشَعَثِهِ - إِنْ
أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ - أَوْ نَزَلَ بِهِ بَعْضُ مَكَارِهِ الْأُمُورِ - وَ مَنْ يَقْبِضُ يَدَهُ
عَنْ عَشِيرَتِهِ - فَإِنَّمَا يَقْبِضُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً - وَ تَقْبِضُ عَنْهُ مِنْهُمْ
أَيْدِي كَثِيرَةٌ - وَ مَنْ يُلِنْ حَاشِيَتَهُ يَعْرِفُ صَدِيقَهُ مِنْهُ الْمَوَدَّةَ
وَ مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ - إِذَا وَجَدَهُ يُخْلِفِ اللَّهُ لَهُ - مَا أَنْفَقَ فِي دُنْيَاهُ
وَ يُضَاعِفُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ - وَ لِسَانُ الصِّدْقِ لِلْمَرْءِ - يَجْعَلُهُ اللَّهُ فِي النَّاسِ
خَيْرًا - مِنَ الْمَالِ يَأْكُلُهُ وَ يُورِثُهُ - لَا يَزِدَادَنَّ أَحَدُكُمْ كِبَرًا وَ عِظَمًا - فِي

حضرت که به دنبال او رفتند به کندی به او رسیدند امام خود را به آنها رسانید و بر آنها سلام کرد و پرسید برای چه از همراهی صاحب خود دریغ دارید؟ آنها از وی شکایت کردند و او هم از آنها شکایت کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: باید هر مرد با عشیره خود پیوند داشته باشد و به آنها رسیدگی کند، زیرا آنها به احسان و مال سزاوارترند و هر عشیره باید به برادر خود پیوندد و رسیدگی کند در وقتی که روزگار او را به زمین زد و دنیا به او پشت کرد، زیرا آنها که به هم صله رحم کنند و به یکدیگر بخشش نمایند مأجورند و آنها که از هم ببرند و به هم پشت کنند گنهکار و سنگین بارند سپس مرکب خود را برانگیخت و فرمود برو.

۱۹- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

نباید مرد از عشیره خود اگرچه ثروتمند و دارای فرزند باشد روگردان باشد و نه از کرامت آنها و نه از دفاع آنها با دست و زبانشان رو را بگرداند، آنان از همه مردم، سختتر اطرافش باشند و پشت او را داشته و با او از همه مهربانتر باشند و اگر مصیبتی یا پریشانی پیش آید مشکل او را بهتر حل کنند و هر کس دست از فامیل خود بردارد از آنها یک دست گرفته شده و از خود او، دستهای بسیار و هر کس نرمی و فروتنی کند دوستش از او مهر بیند، هر کس دارا باشد و دست به احسان زند خدایش در دنیا به او عوض دهد و در آخرت چند برابر به او خواهد داد، نام نیکو خداوند برایش برجای می‌گذارد بهتر است از ثروتی که خود خورد یا به ارث گذارد، مبادا یکی از شماها تکبر و بزرگی ورزد و از عشیره و تبار خود دوری گزیند، بخاطر آنکه مال فراوانی دارد، مبادا یکی از شماها از برادر خود کناره گیری و دوری ورزد بخاطر آنکه از او

نَفْسِهِ وَنَأْيًا عَنْ عَشِيرَتِهِ - إِنْ كَانَ مُوسِرًا فِي الْمَالِ - وَلَا يَزْدَادَنَّ أَحَدُكُمْ فِي أَخِيهِ زُهْدًا - وَلَا مِنْهُ بُغْدًا - إِذَا لَمْ يَرِ مِنْهُ مُرُوءَةٌ - وَكَانَ مُعْوزًا فِي الْمَالِ - وَلَا يَغْفُلُ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ بِهَا - الْخِصَاصَةُ أَنْ يَسُدَّهَا بِمَا لَا يَنْفَعُهُ - إِنْ أُمْسَكَهُ وَلَا يَضُرَّهُ إِنْ اسْتَهْلَكَهُ.

١٩٨٧-٢٠ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنْ آلَ فُلَانٍ يَبْرُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَتَوَاصَلُونَ فَقَالَ - إِذَا تَنَمَّى أَمْوَالُهُمْ وَيَتَمُونُ - فَلَا يَزَالُونَ فِي ذَلِكَ حَتَّى يَتَقَاطِعُوا - فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ انْقَشَعَ عَنْهُمْ.

١٩٨٨-٢١ - عَنْهُ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ زِيَادِ الْقُنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنْ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَجَرَةً - وَلَا يَكُونُونَ بَرَرَةً فَيَصِلُونَ أَرْحَامَهُمْ فَتَنَمَّى أَمْوَالُهُمْ وَتَطُولُ أَعْمَالُهُمْ، فَكَيْفَ إِذَا كَانُوا أَبْرَارًا بَرَرَةً..

١٩٨٩-٢٢ - وَعَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَتَوَبَّاتُ السَّلِيمِ - يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ - وَالْأَرْحَامَ إِنْ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.

پذیرایی ندیده و از مال دنیا دست تنگ است، مبادا یکی از شماها از این نکته غفلت کند که چون خویشاوند او حاجتمند است حاجت او را روا کند بگونه‌ای که اگر نگهش بدارد سودی ندهد و اگر از دستش بدهد به او زیانی نرسد.

* * *

۲۰ - سلیمان بن هلال، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: که قبیله وی نسبت به یکدیگر نیکی و صله رحم کنند.

فرمود: در این صورت مالشان زیاد شود و خود نیز افزون شوند و همیشه چنین باشند تا با هم قطع رحم کنند و چون از هم بریدند در این صورت برکت از آنها سلب شود.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۲۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به راستی گاهی مردمی بدکارند و خوب نیستند و صله رحم می‌کنند پس مالشان برکت پیدا می‌کند و عمرشان زیاد می‌شود در اینصورت چگونه خواهد بود وقتی خوش رفتار و نیکوکار باشند؟

* * *

۲۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

صله رحم کنید هرچند با سلامی باشد، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «از خدائی که بنام وی درخواست دارید و از قطع رحم، پروا کنید که خداوند مراقب شماست (نساء / ۲)»

١٩٩٠- ٢٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

وَقَعَ بَيْنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَبَيْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ كَلَامٌ - حَتَّى وَقَعَتِ الضَّوْضَاءُ بَيْنَهُمْ - وَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَافْتَرَقَا عَشِيَّتَهُمَا - بِذَلِكَ وَغَدَوْتُ فِي حَاجَةٍ - فَإِذَا أَنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَلَى بَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَهُوَ يَقُولُ - يَا جَارِيَّةُ قُولِي لِأَبِي مُحَمَّدٍ - يَخْرُجُ قَالَ فَخَرَجَ فَقَالَ - يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا بَكَرَ بِكَ فَقَالَ - إِنِّي تَلَوْتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - الْبَارِحَةَ فَأَقْلَقْتَنِي قَالَ وَمَا هِيَ - قَالَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ ذِكْرُهُ - الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ - أَنْ يُوَصَّلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ - فَقَالَ صَدَقْتَ لَكَ أُنِّي لَمْ أَقْرَأُ - هَذِهِ الْآيَةُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ - قَطُّ فَأَعْتَنَّا وَبَكِيَا.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١٩٩١- ٢٤- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنْ لِي ابْنٌ عَمَّ أَصْلَهُ فَيَقْطَعُنِي - وَأَصْلُهُ فَيَقْطَعُنِي - حَتَّى لَقَدْ هَمَمْتُ لِقَطِيعَتِهِ إِيَّايَ - أَنْ أَقْطَعَهُ أَتَأْذَنُ لِي قِطْعَهُ قَالَ إِنَّكَ إِذَا وَصَلْتَهُ وَقَطَعَكَ - وَصَلَكُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعاً - وَإِنْ قَطَعْتَهُ وَقَطَعَكَ قَطَعَكُمَا اللَّهُ.

١٩٩٢- ٢٥- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ - أَنِّي قَدْ أَذَلْتُ رَقَبَتِي فِي رَحْمِي - وَأَنِّي لَا أَبَادِرُ أَهْلَ بَيْتِي - أَصْلَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْنُوا عَنِّي.

۲۳ - صفوان جمال، گوید: میان امام صادق علیه السلام و عبدالله بن الحسن بحثی در گرفت تا به سر و صدا کشید و مردم اطراف آنها جمع شدند و وقت شب با این وضع از هم جدا شدند و صبح که برای کاری از خانه بیرون رفتم به امام صادق برخورد نمودم که درب خانه عبدالله بن حسن ایستاده است و می‌فرماید: ای کنیزک، به ابی محمد (کنیه عبدالله است) بگو بیرون بیاید، گوید: بیرون آمد و گفت: یا ابا عبدالله در این وقت صبح برای چه بیرون آمدی؟ در پاسخ فرمود: من دیشب آیه‌ای از قرآن خدای عز و جل را خواندم و مرا پریشان کرد، گفت: آن آیه چه بود؟ فرمود: قول خدای عز و جل: «آن کسانی که پیوند زنند به آن پیوندی که خدا فرمان داده از خدای خود بیم داشته و از سختی حساب بترسند (رعد / ۲۱)» در پاسخ گفت: راست فرمودی، گویا من این آیه از قرآن را نخوانده‌ام پس همدیگر را در آغوش کشیدند و گریستند.

توضیح: عبدالله بن حسن همان کسی است که از امام صادق علیه السلام می‌خواست به فرزندش محمد بن عبدالله بیعت کند و حضرت با نصیحت می‌خواست او را از راه کفر و گناه باز دارد و بیان جریان برخورد به آیه برای آگاه ساختن او بوده نه نیاز به یادآوری آیه قرآنی و پریشانی حضرت هم بخاطر او بوده و این حدیث کاملاً دلالت دارد بر اینکه نباید قطع رحم کرد هرچند که خویشاوند در راه فسق و گمراهی باشد.

۲۴ - عبدالله بن سنان، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: عموزاده‌ای دارم که هر چه به او می‌پیوندم او از من می‌برد تا آنکه تصمیم گرفتم که اگر از من برد من هم از او ببرم آیا اجازه می‌فرمائید؟ فرمود: براستی که هرگاه با او پیوندی و او از تو ببرد خدای عز و جل بین شما پیوند زند و اگر تو از او ببری و او هم از تو ببرد، خدا هم از هر دو شما خواهد برید.

۲۵ - داود بن فرقد، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: دوست دارم

١٩٩٣-٢٦- عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأُمَّةِ عليهم السلام لَمُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ - اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ
 وَصَلَنِي - وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي - ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي أَرْحَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ - ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ.

١٩٩٤-٢٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ
 بُكَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ
 اللَّهُ بِهِ - أَنْ يُوصَلَ فَقَالَ قَرَابَتُكَ.

١٩٩٥-٢٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ
 هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَدُرَيْشَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ قَالَ -
 نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ - وَقَدْ تَكُونُ فِي قَرَابَتِكَ - ثُمَّ
 قَالَ فَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَقُولُ لِلشَّيْءِ - إِنَّهُ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ.

١٩٩٦-٢٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ
 أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ - وَأَنْ يَبْسُطَ لَهُ فِي
 رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ - فَإِنَّ الرَّحِمَ لَهَا لِسَانُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ذَلِكَ - تَقُولُ يَا
 رَبِّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي - وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي - فَالرَّجُلُ لَيَرَى بِسَبِيلِ
 خَيْرٍ - إِذَا أَتَتْهُ الرَّحِمُ الَّتِي قَطَعَهَا - فَتَهْوِي بِهِ إِلَى أَسْفَلِ قَعْرِ فِي النَّارِ.

خداوند بداند که من در برابر خویشانم فروتنی می‌کنم و پیش دستی‌کنم نسبت به خاندانم و با آنها صله رحم کنم پیش از آنکه از من بی‌نیاز شوند.

۲۶ - امام رضا علیه السلام فرمود: به راستی رحم آل محمد که امامند علیهم السلام به عرش آویخته و می‌گویند: بار خدایا پیوند هر کس که به من پیوندد و ببر از هر کس که از من ببرد سپس این حالت در رحم و خویشی با مؤمنان هم جاری است بعد این آیه را خواند: «و پرهیزید نسبت به خدائی که از او باز خواست شوید و نیز نسبت به ارحام (نساء / ۱)»

۲۷ - عمر بن یزید، گویند: از امام صادق علیه السلام از قول خدا عزوجل پرسیدم: «کسانی که می‌پیوندند بخاطر آنچه که خداوند دستور به پیوستنش داده (صله رحم) و از خدای خود بیمنا کند (زهد / ۲۱)» در پاسخ فرمود: خویشان توست.



۲۸ - عمر بن یزید، گویند: به امام صادق علیه السلام گفتم: «آن کسانی که پیوندند به آنچه که خدا دستور داده به پیوستنش داده» فرمود: درباره خویشی آل محمد علیهم السلام نازل شده و نسبت به خویشان تو هم می‌باشد، سپس فرمود: مبادا تو از کسانی باشی که درباره هر چیزی گویند که: نسبت به خصوص مورد است.

۲۹ - امام زین العابدین فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد خدا عمرش را دراز کند و روزیش را وسعت دهد، باید صله رحم کند، زیرا رحم را در روز قیامت زبان تیز و برانی دارد که می‌گوید: پروردگارا پیوند زن مرا با کسی که با من پیوند زند و ببر از کسی که از من بریده است، مردی در روش خوبی دیده شود و چون رحم آید راه او را ببرد و او را به پائین‌ترین قعر دوزخ بیفکند.

١٩٩٧-٣٠- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْجَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - تَكُونُ لِي الْقَرَابَةُ عَلَى غَيْرِ أَمْرِي - أَلَهُمْ عَلَى حَقٍّ قَالَ - نَعَمْ حَقُّ الرَّحِمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ - وَإِذَا كَانُوا عَلَى أَمْرِكَ - كَانَ لَهُمْ حَقَّانِ - حَقُّ الرَّحِمِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ.

١٩٩٨-٣١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ صَلَةَ الرَّحِمِ وَالْبِرَّ - لِيَهْوَتَانِ الْحِسَابَ - وَ يَعْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ - فَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ - وَ بَرُّوا بِإِخْوَانِكُمْ - وَ لَوْ بِحُسْنِ السَّلَامِ وَ رَدِّ الْجَوَابِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١٩٩٩-٣٢- عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَلَةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ هِيَ مَنْسَأَةٌ فِي الْعُمُرِ - وَ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوْءِ وَ صَدَقَةُ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.

٢٠٠٠-٣٣- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ صَلَةَ الرَّحِمِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ - وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ - وَ تُيسِّرُ الْحِسَابَ - وَ تَدْفَعُ الْبَلَاةَ - وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

۳۰- جهنم بن حمید، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من خویشانی دارم که هم مذهبیم نیستند، آیا حقّی بر من دارند؟
فرمود: آری خویشاوندی را چیزی قطع نکند و اگر همدین تو باشند دو حق پیدا کنند حق خویشاوندی و حق اسلام.

* * *

۳۱- امام صادق علیه السلام می فرمود:
به راستی صله رحم و احسان حساب را آسان کنند و از گناهان ننگه دارند، با خویشان خود صله رحم کنید و به برادران خود احسان کنید ولو به سلام کردن و جواب دادن خوب باشد.



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

* * *

۳۲- امام صادق علیه السلام فرمود:
صله رحم روز قیامت حساب را آسان و عمر را دراز کند و از مرگ بد حفظ نماید و صدقه دادن در شب، خشم خدا را خاموش کند.

* * *

۳۳- امام صادق علیه السلام فرمود علیه السلام:
به راستی صله رحم کردارها را پاک نماید و به اموال برکت دهد و حساب را آسان کند و بلا را بزداید و روزی را زیاد کند.

بَابُ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ.

٢٠٠١- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى وَعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ الْحَنَاطِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا مَا هَذَا الْإِحْسَانُ فَقَالَ - الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا - وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئاً - مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ - وَإِنْ كَانَا مُسْتَغْنَيْنِ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا - أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا قَالَ - إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ - وَلَا تَنْهَرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ - قَالَ وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيماً قَالَ إِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا - غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا - فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ - قَالَ وَ اخْفِضْ لَهُمَا - جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ قَالَ لَا تَمْلَأُ عَيْنَيْكَ - مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ - وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا - وَلَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا - وَلَا تَقْدِّمَ قُدَّامَهُمَا.

٢٠٠٢- ٢- إِبْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ نَافِعٍ الْبَجَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنْ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي - فَقَالَ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئاً - وَإِنْ حُرِّقْتَ بِالنَّارِ وَ عَذِّبْتَ إِلَّا وَ قَلْبِكَ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ - وَ وَالِدَيْكَ فَأَطِيعَهُمَا - وَ بَرَّهُمَا حَيَّيْنِ كَانَا أَوْ مَيِّتَيْنِ - وَ إِنْ أَمَرَكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ - فَافْعَلْ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ.

نیکی به پدر و مادر

۱- اَبی ولّاد حنّاط (گندم فروش)، گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزّوجلّ: «و به پدر و مادر خود نیکی کنید (اسراء / ۲۳) پرسیدم این احسان چیست؟ فرمود: احسان این است که به خوبی با آنها برخورد کنی و آنها را ناگزیر نسازی که آنچه که نیاز دارند از تو بخواهند گرچه توانگر باشند (یعنی نیاز آنها را نگفته فراهم کنی) مگر نه این است که خدای عزّوجلّ می فرماید: «هرگز به نیکی نرسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (آل عمران / ۹۲)»

گوید: سپس امام صادق علیه السلام فرمود: و اما قول خدای عزّوجلّ: «اگر چنانچه یکی از آنها یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند به آنها اف مگو و با آنها درشتی مکن» فرمود: یعنی اگر تو را به تنگ آورند به آنها مگو اف و اگر تو را زدند با آنها درشتی مکن، فرمود: «و به آنها با احترام سخن بگو» فرمود: یعنی اگر تو را زدند به آنها بگو: خدا شما را پیامزد، این است گفتار کریمانه و محترمانه، فرمود: «از روی مهربانی در برابر آنها زبونی و فروتنی کن» فرمود: یعنی چشم به آنها خیره مکن و جز با مهر و دلسوزی به آنها منگر و صدای خود را از صدای آنها بلندتر مکن و دست را بالای دست آنها قرار مده و بر آنها پیشی مگیر.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، به من سفارشی فرما، در پاسخ فرمود: چیزی را با خدا شریک قرار مده گرچه به آتش سوخته و شکنجه شوی جز آنکه دلت وابسته به ایمان به خدای واحد باشد و پدر و مادر خود را فرمانبر و به آنها احسان کن چه زنده باشند و چه مرده و اگر به تو فرمان دهند که از خانواده و ثروت خود دست بردار آنها را کنار گذار این کار انجام ده که از ایمان است.

٢٠٠٣-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْءٌ مِثْلُ الْكُبَّةِ - فَيَدْفَعُ فِي ظَهْرِ الْمُؤْمِنِ - فَيَدْخُلُهُ
الْجَنَّةَ - فَيُقَالُ هَذَا الْبِرُّ.

٢٠٠٤-٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مَنُصُورِ بْنِ حَازِمٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قُلْتُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ - قَالَ الصَّلَاةُ لَوَقْتِهَا - وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ
وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٢٠٠٥-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ عَنْ دُرُوشْتَ بْنِ أَبِي مَنُصُورٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:
سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ - قَالَ لَا يُسَمِّيهِ
بِاسْمِهِ - وَلَا يَمِشِي بَيْنَ يَدَيْهِ - وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَيَسْتَسَبُّ لَهُ.

٢٠٠٦-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
بَخْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ وَ أَنَا عِنْدَهُ لِعَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ - فِي قَوْلِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ - وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا فَظَنَنَّا أَنَّهَا الْآيَةُ الَّتِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ
وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ - وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا فَلَمَّا كَانَ بَعْدُ
سَأَلْتُهُ فَقَالَ - هِيَ الَّتِي فِي لُقْمَانَ - وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا
وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي - مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

روز قیامت چیزی چون گلوله می آید و به پشت مؤمن می خورد تا او را داخل بهشت کند و به او گفته می شود این احسان است.

۴- منصور بن حازم، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام عمل بالاتر است؟ فرمود: نماز در وقت و احسان به پدر و مادر و جهاد در راه خدای عزوجل.

۵- امام کاظم علیه السلام فرمود: مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید، حق پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را بانام نخواند و جلو او راه نرود و پیش از وی ننشیند و سبب دشنام به او نشود (کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند).

۶- راوی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که به عبدالواحد انصاری درباره احسان به والدین که در پیرامون گفتار خدای عزوجل «و به پدر و مادر نیکی کنید» می فرمود: ما تصور کردیم بیانات آن حضرت در تفسیر آیه ای است که راجع به سفارش پدر و مادر در سوره بنی اسرائیل نازل شده است، که فرمود: «پروردگارت حتی حکم کرده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید (بنی اسرائیل / ۲۳)» پس از این من در مورد این آیه از آن حضرت پرسیدم، در پاسخ فرمود: آن آیه ای که مورد استناد من بوده است، آیه ای است که در سوره لقمان است (نه آیه بنی اسرائیل) درباره پدر و مادر به انسان سفارش به نیکی کرده «سپس دنباله آیه فرمود: و اگر با تو به سختی مبارزه کردند و اگر از تو خواستند که چیزی را شریک من سازی از آنها پیروی مکن» این جمله دوم سوره لقمان «اگر یا تو مبارزه کنند که چیزی را با من شریک سازی و خود ندانی از آنها

فَقَالَ إِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ - مِنْ أَنْ يَأْمُرَ بِصَلَاتِهِمَا - وَحَقَّهِمَا عَلَى كُلِّ حَالٍ
وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي - مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ - فَقَالَ لَا بَلْ يَأْمُرُ
بِصَلَاتِهِمَا - وَإِنْ جَاهَدَاهُ عَلَى الشِّرْكِ - مَا زَادَ حَقَّهُمَا إِلَّا عِظْمًا.

٢٠٠٧-٧- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ - حَيَّيْنِ وَ
مَيِّتَيْنِ - يُصَلِّيَ عَنْهُمَا - وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا - وَيَحُجَّ عَنْهُمَا - وَيَصُومَ
عَنْهُمَا - فَيَكُونَنَّ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا - وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ - فَيَزِيدَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا
بِرِّهِ - وَصَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا.

٢٠٠٨-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ﷺ أَدْعُو لَوَالِدَيَّ - إِذَا كَانَا لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ -
قَالَ أَدْعُ لَهُمَا وَتَصَدَّقْ عَنْهُمَا - وَإِنْ كَانَا حَيَّيْنِ لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَدَارِهِمَا -
فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ - لَا بِالْعُقُوقِ.

٢٠٠٩-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُّ - قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ
مَنْ قَالَ أُمُّكَ - قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ - قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ.

فرمان مبر «این بزرگترین و مهم‌تر است از دستور به پیوست و وصله به آنها سپس امام علیه السلام فرمود: نه، بلکه در این جمله فرمان می‌دهد به وصله و احترام و حق پدر و مادر اگرچه فرزند را به شرک وادارند و این جز به عظمت آنها نیفزاید (زیرا وقتی در حال وادار کردن به شرک رعایت حق آنها لازم باشد در موقع هدایت فرزند لازم‌تر است).

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: چه مانعی است برای مردی از شما که به پدر و مادرش احسان کند، زنده باشند یا مرده که از طرف آنها نماز بخواند و از طرف آنها صدقه بدهد و از طرف آنها حج کند و از طرف آنها روزه بدارد تا ثواب آنچه را که کرده است از آن آنها باشد و مانند آنها هم به خود او بدهند و خدای عز و جل بر احسان وصله او خیر فراوانی بیفزاید.

۸- معمر بن خلاد، گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم آیا من برای پدر و مادرم که مذهب حق را نشانند باید دعا کنم؟
فرمود: برای آنها دعا کن و از طرف آنها صدقه بده و اگر زنده‌اند و به مذهب حق نیستند با آنها سازش و مدارا کن، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود: به راستی خدا مرا به رحمت و مهربانی فرستاده نه به بی‌مهری و ناسپاسی.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور پیامبر آمد و گفت به چه کسی احسان کنم فرمود: به مادرت گفت: بعد به چه کسی فرمود: به مادرت عرض کرد: سپس به چه کسی: فرمود: به مادرت گفت: بعد به چه کسی گفت: به پدرت.

٢٠١٠-١٠- أبو علي الأشعري عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر عن عمرو ابن شمر عن جابر عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - إِنِّي رَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ نَشِيطٌ - قَالَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَإِنَّكَ إِنْ تُقْتَلَ تَكُنْ حَيًّا - عِنْدَ اللَّهِ تُرْزَقُ - وَإِنْ تَمُتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُكَ عَلَى اللَّهِ وَإِنْ رَجَعْتَ - رَجَعْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلِدْتَ - قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - إِنْ لِي وَالِدَيْنِ كَبِيرَيْنِ - يَزْعُمَانِ أَنَّهُمَا يَأْنَسَانِ بِي - وَيَكْرَهُانِ خُرُوجِي - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقِرَّ مَعَ وَالِدَيْكَ - فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ - لَأَنْسَهُمَا بِكَ يَوْمًا وَلَيْلَةً - خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ.

٢٠١١-١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ:

كُنْتُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمْتُ - وَحَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ إِنِّي كُنْتُ عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَإِنِّي أَسْلَمْتُ - فَقَالَ وَ أَيْ شَيْءٍ رَأَيْتَ فِي الْإِسْلَامِ - قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ - وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلَنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ فَقَالَ لَقَدْ هَدَاكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اهْدِهِ ثَلَاثًا - سَلْ عَمَّا شِئْتَ يَا بُنَيَّ فَقُلْتُ - إِنَّ أَبِي وَ أُمِّي عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَ أَهْلَ بَيْتِي - وَ أُمِّي مَكْفُوفَةُ الْبَصَرِ - فَأَكُونُ مَعَهُمْ وَ أَكُلُ فِي آنِيَّتِهِمْ - فَقَالَ يَا أَكُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ - فَقُلْتُ لَا وَ لَا يَمْسُونَهُ - فَقَالَ لَا بَأْسَ فَاَنْظُرْ أُمَّكَ فَبَرَّهَا - فَإِذَا مَاتَتْ فَلَا تَكْلِهَإِلَى غَيْرِكَ - كُنْ

۱۰- فرمود: مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله! به راستی من عشق به جهاد دارم و در آن با نشاط و نیرومندم.
پیامبر فرمود: پس در راه خدا جهاد کن زیرا اگر کشته شوی پیش خدا زنده‌ای و روزی خوری و اگر در راه بمیری اجر تو بر عهده خداست و اگر برگردی از گناهان پاک شده‌ای همانند روزی که زاییده شده‌ی عرض کرد: یا رسول الله، به راستی برای من پدر و مادر پیری است که به من علاقه دارند و خوش ندارند که از نزد آنها بخاطر جهاد بروم، رسول خدا ﷺ فرمود: پس با پدر و مادرت بمان که سوگند به کسی که جانم در دست اوست که یک شبانه روز انس با آنها بهتر است از جهاد یک سال. (این در صورتی است که جهاد بر شخص واجب نشده باشد وگرنه این کار بر نظر پدر و مادر مقدم است).

۱۱- زکریا بن ابراهیم می‌گوید: من نصرانی بودم و مسلمان شدم و به حج رفتم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به آن حضرت گفتم: براستی من مسیحی بودم و واقعاً مسلمان شدم فرمود: در اسلام چه خوبی دیدی و چه دلیلی در دست داشتی که اسلام را برگزیدی؟ گفتم: قول خدای عزوجل: «نبودی که تو بدانی چیست کتاب و ایمان؟ ولی ما آن را نوری ساختیم که هر کس را که بخواهیم به آن هدایت کنیم (شوری / ۵۲)» فرمود: براستی که خدا تو را هدایت کرده است، سپس فرمود: خداوند او را هدایت فرمای پس! پرس هر چه که خواهی.

گفتم: پدر و مادرم و فامیلم همه مسیحی و مادرم نابیناست، آیا من با آنها باشم و در ظرف آنها غذا بخورم؟
فرمود: آنها گوشت خوک می‌خورند؟

أَنْتَ الَّذِي تَقُومُ بِشَأْنِهَا - وَلَا تُخْبِرَنَّ أَحَدًا - أَنْكَ أَتَيْتَنِي حَتَّى تَأْتِيَنِي بِنِي
 - إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ - فَأَتَيْتُهُ بِنِي وَ النَّاسُ حَوْلَهُ - كَأَنَّهُ مُعَلِّمٌ صَبِيَّانِ هَذَا
 يَسْأَلُهُ وَ هَذَا يَسْأَلُهُ - فَلَمَّا قَدِمْتُ الْكُوفَةَ أَلْطَفْتُ لِأُمِّي - وَ كُنْتُ
 أُطْعِمُهَا وَ أَقْلِي - ثَوْبَهَا وَ رَأْسَهَا وَ أَخْدُمُهَا - فَقَالَتْ لِي يَا بُنَيَّ مَا - كُنْتَ
 تَصْنَعُ بِي هَذَا وَ أَنْتَ عَلَى دِينِي - فَمَا الَّذِي أَرَى مِنْكَ - مُنْذُ هَاجَرْتَ
 فَدَخَلْتَ فِي الْحَنِيفِيَّةِ - فَقُلْتُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ نَبِيَّتَا أَمَرَنِي بِهَذَا - فَقَالَتْ
 هَذَا الرَّجُلُ هُوَ نَبِيٌّ - فَقُلْتُ لَا وَ لَكِنَّهُ ابْنُ نَبِيٍّ - فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ إِنْ هَذَا
 نَبِيٌّ - إِنْ هَذِهِ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ - فَقُلْتُ يَا أُمُّهُ إِنَّهُ لَيْسَ يَكُونُ بَعْدَ نَبِيَّتَانَا
 نَبِيٌّ - وَ لَكِنَّهُ ابْنُهُ فَقَالَتْ - يَا بُنَيَّ دِينُكَ خَيْرٌ دِينٍ - إِعْرِضْهُ عَلَيَّ
 فَعَرَضْتُهُ عَلَيْهَا - فَدَخَلْتُ فِي الْإِسْلَامِ وَ عَلَّمْتُهَا - فَصَلَّتِ الظُّهْرَ وَ
 الْعَصْرَ - وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ - ثُمَّ عَرَضَ لَهَا عَارِضٌ فِي اللَّيْلِ
 فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ أَعِدْ عَلَيَّ - مَا عَلَّمْتَنِي فَأَعِدْتُهُ عَلَيْهَا - فَأَقَرَّتْ بِهِ وَ
 مَاتَتْ - فَلَمَّا أَصْبَحَتْ كَانَ الْمُسْلِمُونَ - الَّذِينَ غَسَلُوهَا - وَ كُنْتُ أَنَا
 الَّذِي صَلَّيْتُ عَلَيْهَا - وَ نَزَلْتُ فِي قَبْرِهَا.

١٢-٢٠١٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ
 عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ جَمِيعًا عَنْ
 سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ حَيَّانَ قَالَ:

خَبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِرِّ إِسْمَاعِيلَ ابْنِي بِي - فَقَالَ لَقَدْ كُنْتُ أَحِبُّهُ
 وَ قَدْ إِرْدَدْتُ لَهُ حُبًّا - إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَتْهُ - أُخْتُ لَهُ مِنْ

گفتم: نه بلکه دست به آن نمی زنند، فرمود: با کی ندارد، به مادرت توجه کن و به او احسان نما و چون او بمیرد او را به دیگری وا مگذار خودت به کارش اقدام کن و به کسی مگو که نزد من آمده ای تا در منا انشاء الله نزد من بیایی، گوید: در منا نزد آن حضرت رفتم و مردم دور او جمع شده بودند و او هم مانند یک معلم با آنها رفتار می کرد، این یک پرسشی می کرد و آن یک چیزی می پرسید، و چون به کوفه برگشتم به مادرم مهربانی کردم و به دست خودم به او خوراک می دادم و لباسش را عوض می کردم و او را تمیز می نمودم.

مادرم به من گفت: پسر جانم، آن وقت که تو هم کیش من بودی با من چنین رفتاری نمی کردی پس چی شده است که با من چنین رفتاری داری؟ تو از وقتی مهاجرت کردی و مسلمان شدی این کار را با من می کنی؟ گفتم: یکی از فرزندان پیامبر به ما چنین دستور داده، گفت: این مرد پیامبر است؟ گفتم: نه، پیامبر زاده است، گفت: پسر جانم، او پیامبر است، اینها سفارش های پیامبران است من گفتم: ای مادر، به راستی مطلب این است که پس از پیامبر مسلمانان، دیگر پیامبری نیست ولی این پسر آن پیامبر است، گفت: پسر جان، دین تو بهترین دین است، آن را به من عرضه کن، من آن را به او عرضه کردم و او هم اسلام آورد و من دستورهای اسلام را به او آموختم و او نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خواند، سپس در شب برای او حادثه یی رخ داد و به من گفت: ای پسر جانم، آن چه بر من آموختی برایم بازگو، من برای او بازگفتم و او بدان اعتراف کرد و مُرد و چون صبح شد مسلمانان آمدند و او را غسل دادند و خود بر او نماز خواندم و به خاکش سپردم.

۱۲- عمار بن حیان، می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرزندم اسماعیل با من خوش رفتار است در پاسخ فرمود: من هم او را دوست می داشتم اکنون

الرِّضَاعَةَ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا - وَبَسَطَ مِلْحَفَتَهُ لَهَا - فَأَجْلَسَهَا عَلَيْهَا -
ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَدِّثُهَا وَيَضْحَكُ فِي وَجْهِهَا - ثُمَّ قَامَتْ وَذَهَبَتْ وَجَاءَ
أَخُوهَا - فَلَمْ يَصْنَعْ بِهِ مَا صَنَعَ بِهَا - فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ
بِأُخْتِهِ - مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ وَهُوَ رَجُلٌ - فَقَالَ لِأَنَّهُمَا كَانَتْ أَبَرَّ بَوَالِدِيهَا مِنْهُ.

٢٠١٣-١٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ
عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ أَبِي قَدْ كَبِرَ جَدًّا وَضَعْفَ - فَتَحْنُ نَحْمِلُهُ إِذَا
أَرَادَ الْحَاجَةَ - فَقَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ - فَافْعَلْ وَلَقِمْهُ
بِيَدِكَ - فَإِنَّهُ جُنَّةٌ لَكَ غَدًا.

٢٠١٤-١٤ - عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ
جَابِرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ - لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ لِي أَبَوَيْنِ مُخَالَفَيْنِ - فَقَالَ
بَرَّهُمَا - كَمَا تَبَرُّ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ يَتَوَلَّانَا.

٢٠١٥-١٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ عُنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً - أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى
الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ - وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ - وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ
كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ.

دوستی ام نسبت به او زیادتر شده همانا خواهر رضاعی رسول خدا ﷺ نزد آن حضرت آمد و چون او را دید شاد شد و ردای خود را برای او پهن کرد و او را روی آن نشانید، رو به او کرد و با او سخن گفت و بر روی او لبخند زد سپس آن دخترک برخاست و رفت و برادرش آمد ولی پیامبر چنین رفتاری با او نکرد به او عرض شد: یا رسول الله با خواهرش رفتاری و لطفی داشتی که با او نداشتی با این که او مرد است، در پاسخ فرمود که: آن دخترک نسبت به پدر و مادر خود بیشتر از آن برادر احسان و احترام می کند.

۱۳- ابراهیم بن شعیب می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: پدرم بی اندازه پیر و ناتوان شده و برای قضای حاجت او او را بر دوش می کشم. در پاسخ فرمود: اگر بتوانی این کار را بکن و به دست خود لقمه را به دهانش بگذاری، زیرا این خدمت تو به او برای بهشت به ارمغان می آورد.

۱۴- جابر می گوید: شنیدم مردی به امام صادق علیه السلام گفت: برایم پدر و مادری است که مخالف مذهب من است با او چه کار کنم؟ در پاسخ فرمود: به آنها احسان کن همانطور که به مسلمانان احسان می کنی.

۱۵- امام باقر علیه السلام فرمود:

سه چیز است که خدای عز و جل اجازه مخالفت در آنها نداده است:

- ۱- ادای امانت به خوش کردار و بدکردار،
- ۲- وفای به عهد و پیمان، برای خوش کردار و بدکردار،
- ۳- احسان به پدر و مادر چه خوش کردار باشند و چه بدکردار.

٢٠١٦-١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنَ السُّنَّةِ وَالْبِرِّ أَنْ - يُكْنَى الرَّجُلُ بِاسْمِ أَبِيهِ.

٢٠١٧-١٧ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ سَالِمِ بْنِ مَكْرَمٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ وَسَأَلَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله عَنْ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ - ابْرُرْ أُمَّكَ ابْرُرْ أُمَّكَ ابْرُرْ أُمَّكَ - ابْرُرْ أَبَاكَ ابْرُرْ أَبَاكَ ابْرُرْ أَبَاكَ - وَبَدَأَ بِالْأُمِّ قَبْلَ الْأَبِ.

٢٠١٨-١٨ - الْوَشَاءُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ إِنِّي قَدْ وَلَدْتُ بِنْتًا - وَرَبَّيْتُهَا حَتَّى إِذَا بَلَغَتْ - فَأَلْبَسْتُهَا وَحَلَيْتُهَا - ثُمَّ جِئْتُ بِهَا إِلَى قَلِيبٍ - فَدَفَعْتُهَا فِي جَوْفِهِ وَكَانَ آخِرُ مَا سَمِعْتُ مِنْهَا - وَهِيَ تَقُولُ يَا أَبَتَاهُ - فَمَا كَفَّارَةُ ذَلِكَ قَالَ لَكَ أُمُّ حَيَّةٌ - قَالَ لَا قَالَ فَلَكَ خَالَةُ حَيَّةٌ - قَالَ نَعَمْ قَالَ - فَأَبْرُرْهَا فَإِنَّهَا بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ - يُكْفِّرُ عَنْكَ مَا صَنَعْتَ - قَالَ أَبُو خَدِيجَةَ - فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى كَانَ هَذَا فَقَالَ - كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ - وَكَانُوا يَقْتُلُونَ الْبَنَاتِ مَخَافَةَ أَنْ يُسَبِّحْنَ فَيَلِدْنَ فِي قَوْمٍ آخَرِينَ.

۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: از سنت و احسان به پدر و مادر این است که مرد به نام پدرش برای فرزند کنیه انتخاب کند.

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از احسان به پدر و مادر، پرسید حضرت فرمود: با مادر خود خوش رفتاری کن و سه بار این را تکرار کرد آنگاه فرمود: به پدرت هم احسان و نیکی کن.

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من دختری آورده‌ام و او را بزرگ کردم تا بالغ شد و چون به حد بلوغ رسید، جامه در بر او کردم و او را زیور نمودم و بر سر چاهی آوردم و او را در میان آن چاه پرت کردم و آخر سخنی که از او شنیدم این بود که ای پدر! کفاره این بدکرداری چیست؟ فرمود:

آیا مادرت زنده است؟ گفت: نه، فرمود: آیا خاله ات زنده است؟ عرض کرد: آری، فرمود: به او احسان و نیکی کن، زیرا خاله به جای مادر است و شاید این خدمت به خاله کفاره و جبران کاری شود که کرده‌ای. ابو خدیجه (راوی حدیث) گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: این حادثه در چه دورانی بوده است؟ فرمود: در دوران جاهلیت که عادت داشتند دخترها را می‌کشتند از ترس اینکه مبادا اسیر شوند و در میان قبیله‌ای دیگر، فرزند به دنیا بیاورند.

٢٠١٩-١٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام هَلْ يَجْزِي الْوَلَدُ وَالِدَهُ - فَقَالَ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا فِي خَصْلَتَيْنِ يَكُونُ الْوَالِدُ - مَمْلُوكًا فَيَشْتَرِيهِ إِنَّهُ فَيُعْتِقَهُ - أَوْ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ - فَيَقْضِيهِ عَنْهُ.

٢٠٢٠-٢٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ إِنِّي رَجُلٌ شَابٌّ - نَشِيطٌ وَأُحِبُّ الْجِهَادَ - وَلِي وَالِدَةٌ تَكْرَهُ ذَلِكَ - فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ - ارْجِعْ فَكُنْ مَعَ وَالِدَتِكَ - فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا - لَا تُسْهَأُ بِكَ لَيْلَةٌ خَيْرٌ - مِنْ جِهَادِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ سَنَةً.

٢٠٢١-٢١- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ السَّعْبَ لَيَكُونُ بَارًّا - بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا - ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا ذُيُونَهُمَا - وَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُمُهُ اللَّهُ عَاقًا - وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا - فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍّ بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنَهُمَا وَاسْتَغْفَرَ لَهُمَا كَتَبَهُ اللَّهُ بَارًّا.

۱۹- سدید می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا فرزند، مزدی و پاداشی به پدرش می دهد؟

فرمود: جزایی برای پدر به عهده ندارد مگر در دو مورد:
یکی اینکه پدر، مملوک باشد و پسر او را بخرد که آزادش کند. و دیگر
اینکه بر عهده پدر وامی باشد، باید فرزند آن را از طرف او بردارد.

۲۰- جابر، گوید: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

من جوانی با نشاطم و دوست دارم جهاد کنم ولی مادری دارم که آن را بد می داند و خواهان آن نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: برگرد و با مادر خود باش، سوگند به خدائی که مرا به نبوت برانگیخته است، یک شب با مادر خود مأنوس باشی بهتر است از یک سال جهاد در راه خدا.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۲۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

همانا بنده ای نسبت به پدر و مادرش تا زنده اند خوش رفتار و نیکو کار است سپس آنها می میرند و او بدهی آنها را پرداخت نمی کند و برای آنها آمرزش نمی خواهد لذا خداوند او را عاق ناشناس بنویسد و بنده ای دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود عاق آنها شده است به آنها نیکی نمی کند ولی وقتی آنها مردند بدهی آنها را می پردازد و برای آنها آمرزش می خواهد و خداوند او را به عنوان مرد نیکوکار می پذیرد.

بَابُ الْإِهْتِمَامِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَالنَّصِيحَةِ لَهُمْ وَتَفْعِهِمْ

۲۰۲۲-۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ - بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

۲۰۲۳-۲- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْسَكُ النَّاسَ نُسْكَاً - أَنْصَحُهُمْ جَنِيّاً
وَأَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ.

۲۰۲۴-۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ شُعْبَانَ بْنِ عُثَيْنَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ - فَلَنْ تَلْقَاهُ
بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.

۲۰۲۵-۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْنِ مَخْثُوبٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ - فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

توجه به کار مسلمانان و نصیحت و خیرخواهی و سودرسانی به آنها

۱- رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس صبح کند و توجهی به کار مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست.

۲- رسول خدا ﷺ فرمود:
عابدترین مردم، کسی است که: خیر خواه تر و دل پاک تر برای همه
مسلمانان باشد.



پژوهشگاه تخصصی علوم اسلامی

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:
بر تو باد که برای خدا نسبت به خلق او خیر خواه باشی و اندرز گویی که
هرگز خدا را به عملی بهتر از آن برخورد نکنی.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که توجهی به کار مسلمانان نداشته باشد
مسلمان نیست.

٢٠٢٦-٥- عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَمِّهِ عَاصِمِ الْكُوزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ - فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا - يُنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ - فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

٢٠٢٧-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ - فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ - مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ - وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ سُورًا.

٧

٢٠٢٨-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ:

حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ - قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

٢٠٢٩-٨- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى بْنِ الْوَلِيدِ الْحَنَاطِ عَنْ فِطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةً مَاءٍ - أَوْ نَارٍ أَوْجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةَ.

۵- پیامبر ﷺ فرمود:

هرکس صبح کند و توجهی به کارهای مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست، و هرکس فریاد کمک خواهی مسلمانی را بشنود و به او پاسخ نگوید و داد خواهیش نکند مسلمان نیست.

۶- رسول خدا ﷺ فرمود: مخلوقات عیال خدایند، و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که به عیال خود سود رساند و برای خاندانی سرور و شادی فراهم آورد.



۷- امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا ﷺ از محبوب ترین مردم نزد خدا سؤال شد فرمود: سودمندترین مردم برای مردم.

۸- رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس جلوی گسترش آتش یا جلوی تجاوز آب را نسبت به مسلمانان بگیرد بهشت بر او واجب است.

٢٠٣٠-٩- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا - وَلَا تَقُولُوا إِلَّا خَيْرًا - حَتَّى تَعْلَمُوا مَا هُوَ.

٢٠٣١-١٠- عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ - مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ.

٢٠٣٢-١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ قَالَ نَفَاعًا.

بَابُ إِجْلَالِ الْكَبِيرِ

٢٠٣٣-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ - إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ.

٢٠٣٤-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ - كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا.

۹- امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: «وگفتارتان برای مردم خوش باشد» (بقره / ۸۳) درباره مردم، خوب بگویید و نگوئید جز خوبی تا آنکه بدانید حقیقت مطلب چیست؟

* * *

۱۰- امام باقر علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «با مردم به نیکی سخن گوئید» فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم درباره شما بگویند درباره مردم بگوئید.

* * *

۱۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «و خداوند مرا مبارک ساخت در هر کجا که باشم» فرمود: یعنی بسیار سودمند ساخت.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

احترام سالخوردهگان و پیران

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و به کودکان ما رحم ننماید.

* * *

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

از ما نیست آن که بزرگ ما را احترام نکند و به خردسالان ما مهر نوردد.

٢٠٣٥-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ عَنْ
الْوَصَافِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَظِّمُوا كِبَارَكُمْ - وَصِلُوا أَرْحَامَكُمْ - وَ لَيْسَ
تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ - أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ.

بَابُ أَخَوَةِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ

٢٠٣٦-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ
الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَأُمٍّ - وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى
رَجُلٍ مِنْهُمْ - عَرَقُ سَهْرٍ لَهُ الْآخَرُونَ.

٢٠٣٧-٢- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ
قَالَ:

تَقَبَّضْتُ بَيْنَ يَدَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رُبَّمَا حَزَنْتُ مِنْ غَيْرِ
مُصِيبَةٍ - تُصِيبُنِي أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي - حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ أَهْلِي فِي وَجْهِهِ وَ
صَدِيقِي - فَقَالَ نَعَمْ يَا جَابِرُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
طِينَةِ الْجَنَانِ - وَأَجْرَى فِيهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ - فَلِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو
الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ - فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدٍ مِنْ
الْبُلْدَانِ - حُزْنٌ حَزَنْتَ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

سالمندان خود را احترام کنید و با نزدیکان و خویشان خود پیوند زنید و هیچ صله رحمی بهتر از آزار نرساندن به آنها نیست.

اهل ایمان برادر یکدیگرند

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنان برادر یکدیگرند، فرزندان یک پدر و مادرند، چون از مردیشان رگی زده شود (و به خواب نرود) دیگران برایش بی خواب شوند.



۲- جابر جعفری گوید: در برابر امام باقر علیه السلام دلم گرفته شد و عرض کردم: چه بسا مواردی که به من مصیبت و ناراحتی می رسد اندوهگین می شوم تا آنجا که خانواده و یارانم آن را در چهره من می بینند فرمود: ای جابر، براستی خدای عزوجل مؤمن را از طینت بهشت آفریده و از نسیم روح خویش در آن دمیده به همین خاطر مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است (چون سرشت و طینت بجای پدر و نسیم بجای مادر است و هرگاه به یکی از آن ارواح، در شهری آسیبی رسد، این روح هم غمگین می شود چون که از جنس همان است).

٢٠٣٨-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ
ابْنِ عَقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ - عَيْنُهُ وَدَلِيلُهُ - لَا يَخُونُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ - وَلَا يَغُشُّهُ وَلَا
يَعِدُّهُ عِدَةً فِيْخْلِفُهُ.

٢٠٣٩-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ

سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ - إِنْ
إِشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ - وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ - وَأَزْوَاحُهُمَا مِنْ
رُوحٍ وَاحِدَةٍ - وَإِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً - بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ
شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٠٤٠-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ
مُتَّى الْحَنَاطِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ - هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرْآتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا
يَخُونُهُ وَلَا يَخْدَعُهُ - وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ.

٢٠٤١-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ - فَقَالَ لِي تُحِبُّهُ فَقُلْتُ
نَعَمْ - فَقَالَ لِي وَلِمَ لَا تُحِبُّهُ - وَهُوَ أَخُوكَ وَ شَرِيكَكَ فِي دِينِكَ - وَ عَوْنُكَ
عَلَى عَدُوِّكَ - وَ رِزْقُهُ عَلَى غَيْرِكَ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن برادر مؤمن است، چشم و رهنمای اوست، نسبت به او خیانت و ستم روا ندارد و او را فریب ندهد و به او وعده خلافی ندهد.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن برادر مؤمن است، و در حکم یک تنند که چون یکی دردمند شود اعضای دیگری هم احساس درد کنند روحشان از یک روح است و به راستی پیوستگی روح مؤمن به روح خدا بیشتر از پرتو خورشید است.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است، او چشم و آینه و راهنمای اوست نسبت به او خیانت نکند و فریبش ندهد و به او ستم ننماید و او را دروغگو نشمارد و پشت سر او بدش نگوید.

۶- حفص بن بختری گفت: من خدمت امام صادق علیه السلام بودم و مردی نزد آن حضرت آمد، آن حضرت به من فرمود: او را دوست داری؟ گفتم: آری، به من فرمود: چرا دوستش نداشته باشی، او برادر و هم مذهب توست و در برابر دشمن کمک کار توست و روزیش بر عهده دیگری است.

٢٠٤٢-٧- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ
بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ - لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ - وَأَجْرَى فِي صُورِهِمْ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ فَلِذَلِكَ
هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَأُمٍّ.

٢٠٤٣-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحَجَّالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
عُقَبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخُو الْمُؤْمِنِ - عَيْتُهُ وَدَلِيلُهُ - لَا يَخُونُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ - وَلَا
يَغْشَاهُ وَلَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهَا.

٢٠٤٤-٩- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ
جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ خَدَمُ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ - قُلْتُ وَكَيْفَ يَكُونُونَ
خَدَمًا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ - قَالَ يُفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْحَدِيثَ.

٢٠٤٥-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ
عِيسَى جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ نَفَرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - خَرَجُوا إِلَى سَفَرٍ لَهُمْ -
فَضَلُّوا الطَّرِيقَ فَأَصَابَهُمْ عَطَشٌ شَدِيدٌ - فَتَكَفَّفُوا وَلَزِمُوا أَصُولَ

۷- امام باقر علیه السلام فرمود:

مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است، زیرا خداوند عزوجل مؤمنان را از سرشت بهشت آفریده و در پیکرهایشان از نسیم بهشت دمیده، از این رو مؤمنین برادر پدر و مادری یکدیگرند.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن برادر مؤمن است، چشم او رهنمای اوست نسبت به او خیانت و نیرنگ و ستم روا ندارد، گولش نزنند و به او وعده خلاف ندهند.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنین خدمتگزار یکدیگرند، گفتم: چگونه خدمتگزار یکدیگرند؟ فرمود: برای هم سودمندند تا آخر حدیث.

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

گروهی از مسلمانان با هم به سفر رفتند و راه را گم کردند و به شدت تشنه شدند و کفن در بر کردند و به ریشه‌های درخت (که رطوبت کمی داشت) چسبیدند ناگهان پیرمردی سفید پوش نزد آنها آمد و گفت:

الشَّجَرِ - فَجَاءَهُمْ شَيْخٌ وَ عَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيْضٌ - فَقَالَ قُومُوا فَلَا بَأْسَ عَلَيْكُمْ فَهَذَا الْمَاءُ - فَقَامُوا وَ شَرِبُوا وَ ارْتَوَوْا - فَقَالُوا مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ - فَقَالَ أَنَا مِنَ الْجَنِّ - الَّذِينَ بَايَعُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ - عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ - فَلَمْ تَكُونُوا تَضَيِّعُوا بِحَضْرَتِي.

٢٠٤٦-١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ - لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ - وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَحْرِمُهُ - قَالَ رَبِيعٌ فَسَأَلَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا بِالْمَدِينَةِ فَقَالَ - سَمِعْتُ فَضِيلاً يَقُولُ ذَلِكَ - قَالَ فَقُلْتُ لَهُ نَعَمْ فَقَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ - الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَغْشَاهُ - وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَحْرِمُهُ.

بَابُ فِيمَا يُوجِبُ الْحَقَّ لِمَنْ اِنْتَحَلَ الْإِيمَانَ وَ يَنْقُصُهُ

٢٠٤٧-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنْ إِيْمَانٍ مَنْ يَلْزِمُنَا حَقُّهُ وَ أَخُوَّتُهُ كَيْفَ هُوَ وَ بِمَا يَثْبُتُ وَ بِمَا يَنْبُطُ - فَقَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ قَدْ يُتَّخَذُ عَلَى

برخیزید، با کی بر شما نیست، این هم آب، برخاستند و نوشیدند و سیراب شدند، پس گفتند: خدا تو را رحمت کند تو کیستی؟ گفت: من از طایفه جنّ هستم که با رسول خدا ﷺ بیعت کردند و به راستی من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، چشم و رهنمای اوست پس شما نباید در حضور من نابود شوید.

۱۱- امام صادق (ع) فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نکند و تنهایش نگذارد ((و غیبت او نکند و به او خیانت نرزد و محرومش نکند)) ربعی (که راوی از فضیل بن یسار است) گوید: مردی از هم مذهبیان ما در مدینه از من پرسید، تو خود شنیدی که فضیل بن یسار این را می گفت؟ به او گفتم: که امام صادق (ع) می فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نکند و فریش ندهد و او را تنها نگذارد و غیبتش را نکند و به او خیانت نرزد و محرومش نسازد.

در بیان معرفی آن کس که خود را به ایمان نسبت دهد و از حق او بکاهد

۱- «مُسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ»، گوید: شنیدم شخصی از امام صادق (ع) پرسید ایمان کسی که حق او و برادریش بر عهده‌ی ماست چگونه است و از چه راه ثابت شود و با چه وسیله‌ای نابود می شود؟ امام فرمود: ایمان از دو راه به دست می آید راه اول آنکه از جانب دوستت برای تو آشکار می شود

وَجَهَيْنِ - أَمَا أَحَدُهُمَا فَهُوَ الَّذِي يَظْهَرُ لَكَ - مِنْ صَاحِبِكَ فَإِذَا ظَهَرَ لَكَ مِنْهُ - مِثْلُ الَّذِي تَقُولُ بِهِ أَنْتَ - حَقَّتْ وَلَا يَتُّهُ وَأُخُوَّتُهُ - إِلَّا أَنْ يَجِيءَ مِنْهُ نَقْضٌ - لِلَّذِي وَصَفَ مِنْ نَفْسِهِ وَأَظْهَرَهُ لَكَ - فَإِنْ جَاءَ مِنْهُ مَا تَسْتَدِلُّ بِهِ - عَلَى نَقْضِ الَّذِي أَظْهَرَ لَكَ - خَرَجَ عِنْدَكَ مِمَّا وَصَفَ لَكَ وَأَظْهَرَ - وَكَانَ لِمَا أَظْهَرَ لَكَ نَاقِضًا - إِلَّا أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّهُ - إِنَّمَا عَمِلَ ذَلِكَ تَقِيَّةً - وَمَعَ ذَلِكَ يُنْظَرُ فِيهِ - فَإِنْ كَانَ لَيْسَ مِمَّا يُمَكِّنُ - أَنْ تَكُونَ التَّقِيَّةُ فِي مِثْلِهِ - لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ ذَلِكَ - لِأَنَّ التَّقِيَّةَ مَوَاضِعَ - مَنْ أَرَاهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا لَمْ تَسْتَقِمْ لَهُ - وَتَفْسِيرُ مَا يَتَّقَى مِثْلُ أَنْ يَكُونَ - قَوْمٌ سَوَاءٌ ظَاهِرُ حُكْمِهِمْ وَفِعْلِهِمْ - عَلَى غَيْرِ حُكْمِ الْحَقِّ وَفِعْلِهِ - فَكُلُّ شَيْءٍ يَعْمَلُ الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ - لِمَكَانِ التَّقِيَّةِ مِمَّا لَا يُؤَدِّي إِلَى الْفَسَادِ - فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ جَائِزٌ.

بَابُ فِي أَنَّ التَّوَاخِيَّ لَمْ يَقْعُ عَلَى الدِّينِ وَلِنَّمَا هُوَ التَّخَارُفُ.

٢٠٤٨ - ١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمْ تَتَوَاخَوْا عَلَى هَذَا الْأَمْرِ - وَإِنَّمَا تَعَارَفْتُمْ عَلَيْهِ.

٢٠٤٩ - ٢ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْنِ مُسْكَانَ وَ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمْ تَتَوَاخَوْا عَلَى هَذَا الْأَمْرِ - وَإِنَّمَا تَعَارَفْتُمْ عَلَيْهِ.

پس هرگاه مثل عقیده خودت از رفیقت برای تو آشکار شد حق دوستی و برادری او ثابت می شود مگر اینکه سخنی گوید که بر خلاف آن صورتی باشد که خود را به آن معرفی و وصف نموده است و اگر از او جریانی به دست آید که برای تو دلیل باشد بر نقض آنچه به تو اظهار کرده از آنچه برای تو از ایمان خود وصف نموده و اظهار داشته بیرون رود و ناقض اظهار اولی خود باشد مگر این که مدعی شود که این عمل خلاف، از روی تقیه انجام داده است و با این دعوی هم باید در حال او تأمل و اندیشه کرد اگر از کسانی باشد که تقیه درباره او و امثال او زمینه ندارد، دعوی تقیه او پذیرفته نشود، زیرا برای تقیه موارد مخصوصی است، هر کس از محل خود آن را ذائل کند، برای او درست نباشد و تفسیر آنچه در آن تقیه روا بود مثل این است که مردم بدی بر حکمرانی مسلط شدند و کار آنها بر خلاف حق است و بر خلاف کردار به حق، پس هر کاری شخص مؤمن در میان آنها از روی تقیه به جا آورد از آنچه که به فساد و تباهی در دین نکشاند روا خواهد بود.

در اینکه برادری بر پایه دین واقع نشده و از روی تعارف بوده است

- ۱- امام باقر علیه السلام فرمود: شما در حقیقت در این امر (تشیع) برادری نکردید بلکه همدیگر را شناختید و تعارف کردید.
- ۲- امام صادق علیه السلام فرمود: شما در این کار واقعاً برادری نکردید بلکه یکدیگر را شناختید و تعارف کردید.

بَابُ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ وَ أَذَى حَقِّهِ.

٢٠٥٠- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُشْبِعَ جَوْعَتَهُ وَيُوَارِيَ عَوْرَتَهُ وَيُفْرِجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ وَيَقْضِيَ دَيْنَهُ - فَإِذَا مَاتَ خَلَفَهُ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ.

٢٠٥١- ٢- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ الْهَجَرِيِّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ - قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مِمَّا مِنْهُمْ حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ - إِنْ ضَيَّعَ مِنْهَا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ - وَطَاعَتِهِ وَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ نَصِيبٍ - قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هِيَ - قَالَ يَا مُعَلَّى إِنِّي عَلَيْكَ شَفِيقٌ - أَخَافُ أَنْ تُضَيِّعَ - وَلَا تَحْفَظَ وَتَعْلَمَ وَلَا تَعْمَلَ - قَالَ قُلْتُ لَهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ - قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ - وَتَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ - وَالْحَقُّ الثَّانِي أَنْ تَحْتَنِبَ سَخَطَهُ - وَتَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَتُطِيعَ أَمْرَهُ - وَالْحَقُّ الثَّالِثُ أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ - وَمَالِكَ وَلِسَانِكَ - وَيَدِكَ وَرِجْلِكَ - وَالْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ - عَيْنَهُ وَدَلِيلَهُ وَمِرَاتَهُ - وَالْحَقُّ الْخَامِسُ - أَنْ لَا تَشْبَعَ وَتَجُوعَ - وَلَا تَرْوَى وَيَظْمَأَ - وَلَا تَلْبَسَ وَيَعْرَى - وَالْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ

حق مؤمن بر برادرش و ادای حق او

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

از حق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را، سیر کند و عورتش را بپوشاند و گرفتاری او بر طرف نماید و قرضش را بپردازد و چون بمیرد به جای او سرپرست خانواده اش باشد.

۲- «مُعَلِّی بْنُ خُنَیْسٍ» می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: برای او هفت حق واجب است که همه آنها بر شخص واجب است و اگر یکی از آنها را تباه و بی اجر گذارد از ولایت و اطاعت خدا بیرون است و برای خداوند هیچ بهره ای از بندگی و اطاعت در او نیست، به او گفتم: قربانت، آن چیست؟ فرمود: ای معلی، به راستی من بر تو نگرانم و می ترسم که آنها را تباه گردانی و نگهداری نکنی و بدانی و به کار نبندی، گوید: به او گفتم: لا حول و لا قوة الا بالله، فرمود: آسان ترین آنها این است

۱- آنچه برای خود دوست می داری برای دوست هم دوست بداری و آنچه برای خود نپسندی برای دوست هم نپسندی.

۲- از خشم او کناره گیری کنی و خشنودی او را بخواهی و فرمان او را ببری.

۳- با جان و مال و دست و زبان خود، او را یاری نمائی.

۴- چشم و راهنما و آینه او باشی.

۵- سیر نباشی و او گرسنه باشد سیراب باشی و او تشنه بماند، پوشیده

باشی و او برهنه باشد.

يَكُونُ لَكَ خَادِمٌ - وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ خَادِمٌ - فَوَاجِبٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ -
 فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَيَصْنَعَ طَعَامَهُ - وَيُمَهِّدَ فِرَاشَهُ - وَالْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبَرِّ
 قَسَمَهُ - وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ - وَ تَعُودَ مَرِيضَهُ - وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ - وَ إِذَا
 عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً - تُبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا - وَ لَا تُلْجِئُهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا - وَ
 لَكِنْ تُبَادِرُهُ مُبَادَرَةً - فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَ لَا يَسْتَكْ بِوَلَايَتِهِ وَ
 وَلَا يَتَّهُ بِوَلَايَتِكَ.

٢٠٥٢ - ٣ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ سَيْفٍ عَنْ
 عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا - يَسْأَلُونَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَشْيَاءَ
 وَ أَمَرُونِي أَنْ أَسْأَلَهُ - عَنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ - فَسَأَلْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي -
 فَلَمَّا جِئْتُ لِأَوْدِعَهُ - فَقُلْتُ سَأَلْتُكَ فَلَمْ تُجِبْنِي - فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ
 تَكْفُرُوا إِنِّي مِنْ أَشَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ - ثَلَاثًا إِنْصَافَ الْمَرْءِ مِنْ
 نَفْسِهِ حَتَّى لَا يَرْضَى لِأَخِيهِ مِنْ نَفْسِهِ - إِلَّا بِمَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ مِنْهُ - وَ
 مُوَاسَاةَ الْأَخِ فِي الْمَالِ - وَ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ - لَيْسَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ - وَ لَكِنْ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَدَعُهُ.

٢٠٥٣ - ٤ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُرَازِمٍ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ - مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.

۶- اگر برای تو خدمتکاری است و برای برادرت نیست، خدمتکار خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و خوراک او را درست کند و بستر او را پهن نماید.

۷- به سوگند او وفادار باشی، دعوت او را پذیری، اگر بیمار شد به دیدارش روی و در جنازه او حاضر شوی و هرگاه بدانی او را حاجتی است حاجت او را برآورده سازی و او را ناگزیر نسازی که از تو بخواهد بلکه پیش دستی کنی و هرگاه چنین کردی دوستی خود را به دوستی او پیوسته ساخته‌ای و دوستی او را به دوستی خود.

۳- «عَبْدُ الْأَعْلَى بْنِ أَعَيْنٍ» گوید: (بعضی) از اصحاب ما نوشتند و چیزهایی از امام صادق علیه السلام پرسیدند و به من دستور دادند که از آن حضرت حق مسلمان را بر برادرش پرسم، پرسیدم و به من پاسخی نداد، چون آمدم با او خدا حافظی کنم،

به او گفتم: پرسیدم و جواب ندادید؟ فرمود: مَنْ مَنَى تَرَسَمَ شِمَا كَافِرٍ شوید، برآستی از سخت‌ترین چیزها که خدا بر مخلوق خود واجب کرده سه چیز است:

۱- عدالت و ورزی مرد، از طرف خودش، تا اینکه نپسندد برای برادرش از طرف خود، جز آنچه پسندد برای خودش از طرف او.

۲- همراهی برادر با مال و دارائی.

۳- ذکر خدا در هر حال که نه لفظ سبحان الله و الحمد لله است ولی در برابر آنچه که خدا حرام کرده یاد خدا کند و آن را کنار گذارد.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا با چیزی عبادت نشود که بهتر از ادای حق مؤمن باشد.

٢٠٥٤- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ
الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ - أَنْ لَا يَشْبَعَ وَيَجُوعَ أَخُوهُ - وَلَا يَرَوَى وَلَا
يَعْطَشُ أَخُوهُ - وَلَا يَكْتَسِي وَيَغْرَى أَخُوهُ - فَمَا أَكْثَرُ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى
أَخِيهِ الْمُسْلِمِ - وَقَالَ أَحَبُّ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ - مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ - وَإِذَا
إِخْتَبَجْتَ فَسَلُهُ - وَإِنْ سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ - لَا تَمْلُهُ خَيْرًا وَلَا يَمْلُهُ لَكَ - كُنْ لَهُ
ظَهْرًا فَإِنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ - إِذَا غَابَ فَأَحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ - وَإِذَا شَهِدَ فزُرْهُ وَ
أَجَلْهُ وَأَكْرِمْهُ - فَإِنَّهُ مِنْكَ وَأَنْتَ مِنْهُ - فَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ عَاتِبًا - فَلَا
تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسْأَلَ سَمِيحَتَهُ - وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ - وَإِنْ أُبْثِلِيَ
فَاعْضُدْهُ - وَإِنْ تُمَحِّلَ لَهُ فَأَعِنْهُ - وَإِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ - أَفٍ انْقَطَعَ مَا
بَيْنَهُمَا مِنَ الْوَلَايَةِ - وَإِذَا قَالَ أَنْتَ عَدُوِّي كَفَرَا أَحَدُهُمَا - فَإِذَا اتَّهَمَهُ
إِنَّمَاتُ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ - كَمَا يَنْبَأُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ - وَقَالَ بَلَّغْنِي أَنَّهُ قَالَ - إِنَّ
الْمُؤْمِنَ لَيَزْهَرُ نُورُهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ - كَمَا تَزْهَرُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ
وَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ وَلِيُّ اللَّهِ - يُعِينُهُ وَيَصْنَعُ لَهُ - وَلَا يَقُولُ عَلَيْهِ إِلَّا
الْحَقَّ - وَلَا يَخَافُ غَيْرَهُ.

٢٠٥٥- ٦- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
عُقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْحَقِّ - أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ
وَيَعُودَهُ إِذَا مَرِضَ - وَيَنْصَحَ لَهُ إِذَا غَابَ - وَيُسَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: حق مسلمان بر مسلمان این است که خود سیر نباشد و برادرش گرسنه، و خود سیراب نباشد و برادرش تشنه، و خود پوشیده نباشد و برادرش عریان و برهنه، پس چقدر بزرگ است حق مسلمان بر برادر مسلمانش و فرمود: دوست بدار، برای برادر مسلمانانت آنچه را برای خود دوست می‌داری و هر گاه نیازمند شدی از او کمک بخواه و اگر از تو کمک خواست به او کمک کن، از هیچ کار خوبی درباره او دل تنگ و خسته مشو، و او از هیچ کار خوبی برای تو دل تنگ و خسته نشود، در غیاب او پشتیبانش باش که او هم پشتیبان توست و چون حاضر باشد او را دیدار و او را احترام کن زیرا او از تو و تو از اوئی و چون از تو بدش آید از او دوری مکن تا گذشت او را خواستار شوی، و اگر به او خیری رسد خدا را سپاس گزار و اگر گرفتار شود، زیربازویش را بگیر و اگر برای او دامی نهادند و سخن چینی کردند، به او کمک کن و اگر مردی به برادرش بگوید وای بر تو، دوستی معنوی میان آنها بریده شود و وقتی به او بگوید: تو دشمن منی، یکی از آنها کافر باشد و اگر او را متهم سازد و به او تهمت زند ایمان در دلش آب شود همچون نمک در آب، و گفت: به من رسیده است که فرمود: به راستی مؤمن است که نورش برای اهل آسمان می‌درخشد چنانچه ستاره‌های آسمان برای اهل زمین می‌درخشند و فرمود: به راستی مؤمن دوست خداست که خدایش کمک کند و برای او بسازد و مؤمن برای خدا جز حق و راستی نگوید و از جز او نترسد.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: حق مسلمان بر برادر مسلمانش این است که: هر گاه به او برخورد سلامش کند، و هر وقت بیمار شد او را عیادت کند، و

وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَاَهُ - وَيَتَّبَعُهُ إِذَا مَاتَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ مِثْلَهُ.

٥٦-٢٠-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنصُورٍ بْنِ يُونُسَ عَنْ
أَبِي الْمَأْمُونِ الْحَارِثِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِّ
الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - الْمَوَدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ - وَالْمَوَاسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ
وَالْخَلْفَ لَهُ فِي أَهْلِهِ - وَالنُّصْرَةَ لَهُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ - وَإِنْ كَانَ نَافِلَةً فِي
الْمُسْلِمِينَ - وَكَانَ غَائِبًا أَخَذَ لَهُ بِنَصِيْبِهِ - وَإِذَا مَاتَ الزِّيَارَةَ إِلَى قَبْرِهِ
وَأَنْ لَا يَظْلِمَهُ وَأَنْ لَا يَغُشَّه - وَأَنْ لَا يَخُونَهُ وَأَنْ لَا يَخْذُلَهُ - وَأَنْ لَا
يُكَذِّبَهُ وَأَنْ لَا يَقُولَ لَهُ أَفٌّ - وَإِذَا قَالَ لَهُ أَفٌّ فَلَيْسَ - بَيْنَهُمَا وَلَا يَتُّ - وَإِذَا
قَالَ لَهُ - أَنْتَ عَدُوِّي فَقَدْ كَفَرَا أَحَدُهُمَا - وَإِذَا اتَّهَمَهُ إِثْمًا الْإِيمَانُ فِي
قَلْبِهِ - كَمَا يَنْثَأُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.

٥٧-٢٠-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
أَبِي عَلِيٍّ صَاحِبِ الْكِلَالِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَعَرَضَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا كَانَ
سَأَلَنِي الذَّهَابَ مَعَهُ فِي حَاجَةٍ - فَأَشَارَ إِلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْعَ.

وقتی غایب شد برای او خیر خواهی کند، و چون عطسه زد به او دعای خیر کند (یرحمک الله) بگوید، و چون از او دعوت کرد او را اجابت کند، و وقتی مُرد از او تشییع کند.

۷- اَبی مَأْمُونِ حَارِثِی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود:

به راستی از حق مؤمن بر مؤمن این است که او را از دل دوست بدارد و با او در مال همراهی کند و به جای او از خانواده اش سرپرستی نماید و بر کسی که به او ستم نماید او را یاری دهد و اگر در میان مسلمانان بهره ای داشته باشد برادرش دریافت کند و چون بمیرد قبر او را زیارت کند و به او ستم نکند و او را فریب ندهد و به او خیانت نورزد و او را رها نسازد و او را دروغگو نشمارد و به او اِف نگوید و اگر به او اِف گوید میان آنها دوستی و رابطه معنوی برجا نماند و هر گاه به او بگوید: تو دشمن من، یکی از آنها کافر شود و هر گاه او را متهم سازد، ایمان در دلش آب شود مانند ذوب شدن نمک در آب.

۸- اَبَانِ بْنِ تَغْلِبٍ می گوید: با امام صادق علیه السلام طواف می کردم، مردی از اصحاب جلوی مرا گرفت، او از من خواسته بود به همراه او برای کاری بروم و به من اشاره کرد، من بد داشتم که طواف با امام صادق علیه السلام را رها کنم و با او بروم، در این میان که طواف می کردم ناگهان باز به من اشاره کرد، امام صادق علیه السلام او را دید و گفت:

ای اَبان، این مرد تو را می خواهد؟ گفتم: آری، فرمود: او کیست؟ گفتم: از یاران است، فرمود: با تو هم عقیده است؟ گفتم: آری، فرمود:

وَأَذْهَبَ إِلَيْهِ - فَبَيْنَا أَنَا أَطُوفُ إِذَا أَشَارَ إِلَيَّ أَيْضًا - فَرَأَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ يَا أَبَانَ إِيَّاكَ يُرِيدُ هَذَا - قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَنْ هُوَ قُلْتُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا - قَالَ هُوَ عَلَى مِثْلِ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ - قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَاذْهَبْ إِلَيْهِ - قُلْتُ فَأَقْطَعُ الطَّوْافَ - قَالَ نَعَمْ قُلْتُ - وَإِنْ كَانَ طَوَافُ الْفَرِيضَةِ - قَالَ نَعَمْ قَالَ فَذَهَبْتُ مَعَهُ - ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدُ فَسَأَلْتُهُ - فَقُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - فَقَالَ يَا أَبَانَ دَعُهُ لَا تَرُدَّهُ - قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَلَمْ أَزَلْ أُرِدُّهُ عَلَيْهِ - فَقَالَ يَا أَبَانَ تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ - ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي - فَقَالَ يَا أَبَانَ أَمَا تَعْلَمُ - أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ ذَكَرَ الْمُؤَثِّرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ - قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَقَالَ أَمَّا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْثِرْهُ بَعْدَهُ إِنَّمَا أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ إِنَّمَا تُؤْثِرُهُ إِذَا أَنْتَ أُعْطِيتَهُ مِنْ النِّصْفِ الْآخَرِ. *بزرگداشت کتب و ترمذی در علوم اسلامی*

٢٠٥٨ - ٩ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي مَتَّصُورٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَا وَابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ طَلْحَةَ - فَقَالَ ابْتِدَاءً مِنْهُ يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِتُّ خِصَالٍ - مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ عَنْ يَمِينِ اللَّهِ فَقَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ - وَ مَا هُنَّ جُعِلْتُ فِدَاكَ - قَالَ يُحِبُّ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ - وَ يَكْرَهُ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ - مَا يَكْرَهُ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ

برو نزد او، گفتم: طوافم را رها کنم؟ فرمود: آری، گفتم: و اگر چه طواف واجب باشد؟ فرمود: آری، گوید: با او رفتم، پس از آن به نزد حضرت بازگشتم و از او پرسیدم، گفتم: به من خبر دهید از حق مؤمن بر مؤمن، فرمود: ای أبان، آن را میخواه، گفتم: چرا، قربانت آن را می‌خواهم و پیوسته اصرار کردم، پس فرمود: ای أبان، تا آنجا حق دارد که نیمی از مالت را به او بدهی، سپس به من نگاه کرد و دید چه حالی به من دست داده، پس فرمود: مگر نمی‌دانی خداوند از کسانی یاد کرده که دیگران را برخود ترجیح داده‌اند؟ عرض کردم: چرا قربانت، فرمود: اگر تو مالت را با او قسمت کنی او را برخود مقدم نداشتی، بلکه با او برابر شده‌ای ترجیح او بر خود زمانی است که از نصف دیگر که بهره‌توست به او بدهی.

۹- «عِیْسَى بْنِ أَبِي مَنصُورٍ» گوید: من با ابْنِ أَبِي یَعْفُورٍ و «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ» خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و آن حضرت آغاز سخن کرد و فرمود: ای پسر ابی یعفور، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: شش خصلت است که در هر کس باشد در برابر خدا عزوجل و در طرف راست او خواهد بود، پسر ابی یعفور گفت: قربانت، آنها چیستند؟ فرمود: مرد مسلمان برای برادرش نخواهد جز آنچه را که برای خود می‌خواهد و برای برادرش بد ندارد آنچه را که برای عزیزترین خاندانش بد ندارد و به پاکی و خلوص با او دوستی کند، پسر ابی یعفور گریست و گفت: چگونه با او به پاکی و خلوص دوستی کند؟ فرمود: ای پسر ابی یعفور، چون در دل او این مقام را داشته باشد (که برای او بخواهد هر چه را برای عزیزترین خاندانش می‌خواهد... الخ) توجهش به او باشد و در نتیجه با غم و شادی او شریک گردد، برای شادی او شاد شود اگر او شاد است و بر اندوه او

وَيُنَاصِحُهُ الْوَلَايَةَ - فَبَكَى ابْنُ أَبِي يَغْفُورٍ وَقَالَ - كَيْفَ يُنَاصِحُهُ
 الْوَلَايَةَ - قَالَ يَا ابْنَ أَبِي يَغْفُورٍ - إِذَا كَانَ مِنْهُ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ بَشَّهَهُ
 فَفَرِحَ لِفَرَحِهِ إِنْ هُوَ فَرِحَ - وَحَزَنَ لِحُزْنِهِ إِنْ هُوَ حَزَنَ - وَإِنْ كَانَ عِنْدَهُ مَا
 يُفَرِّجُ عَنْهُ - فَرَّجَ عَنْهُ وَإِلَّا دَعَا اللَّهَ لَهُ - قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 ثَلَاثٌ لَكُمْ وَثَلَاثٌ لَنَا - أَنْ تَعْرِفُوا فَضْلَنَا - وَأَنْ تَطُثُوا عَقِبَنَا - وَأَنْ
 تَنْتَظِرُوا عَاقِبَتَنَا - فَمَنْ كَانَ هَكَذَا - كَانَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ
 فَيَسْتَضِيءُ بِنُورِهِمْ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْهُمْ - وَأَمَّا الَّذِينَ عَنْ يَمِينِ اللَّهِ - فَلَوْ
 أَنَّهُمْ يَرَاهُمْ مَنْ دُونَهُمْ - لَمْ يَهْنِثُهُمُ الْعَيْشُ مِمَّا يَرَوْنَ مِنْ فَضْلِهِمْ - فَقَالَ
 ابْنُ أَبِي يَغْفُورٍ - وَمَا لَهُمْ لَا يَرَوْنَ وَهُمْ عَنْ يَمِينِ اللَّهِ - فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي
 يَغْفُورٍ - إِنَّهُمْ مُحْجُوبُونَ بِنُورِ اللَّهِ - أَمَا بَلَغَكَ الْحَدِيثُ أَنَّ
 رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ خَلْقًا عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ -
 وَ عَنْ يَمِينِ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ أَبْيَضُ مِنَ الثَّلْجِ - وَأَضْوَاءُ مِنَ الشَّمْسِ
 الضَّاحِيَةِ - يَسْأَلُ السَّائِلُ مَا هَؤُلَاءِ - فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تَحَابُّوا فِي
 جَلَالِ اللَّهِ.

٢٠٥٩ - ١٠ - عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ - فَسَأَلَهُ كَيْفَ مَنْ خَلَفْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ
 فَأَحْسَنَ الشَّاءِ - وَزَكَّى وَأَطْرَى - فَقَالَ لَهُ كَيْفَ عِبَادَةُ أَغْنِيَانِهِمْ عَلَى

اندوه می خورد اگر او افسرده است و اگر چیزی که مایه گشایش کار او باشد در دست داشته باشد، کار او را گشایش می دهد و اگر نه برای او دعا کند، گوید: سپس امام صادق علیه السلام فرمود: سه تا از آن شماسست و سه تا هم راجع به ماست، فضیلت ما را درست بفهمید، دنبال ما گام بردارید، در انتظار انجام کار ما باشید، هر کس چنین باشد در پیشگاه خدای عزوجل است و به نور آنها تابنده شود آنها که در درجه پائین تر از آنهایند و اما آن کسانی که در جناح راست خدایند اگر کسانی که پائین از درجه آنهایند را بنگرد از فضل و برتری آنها زندگی برایشان ناگوار و تلخ گردد.

ابن ابی یعفور گفت: چه باکی دارند که آنها را در جناح راست خدا نیستند؟ در پاسخ فرمود: ای پسر ابی یعفور، به راستی که آنها به نور خدا در پس پرده اند (یعنی چشم از دیدار آنها خیره می شود و نمی تواند آنها را ببیند) آیا به تو این حدیث نرسیده که رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها می فرمود: بر راستی برای خدا از طرف راست عرش در برابر خدا و در جناح راست خدا خلقی است که چهره آنها از برف سفیدتر است و از آفتاب ظهر هنگام، تابان تر است، سؤال کننده می پرسید، اینان کیانند؟ و جواب می شنید: اینانند آن کسانی که در جلال خدا با یکدیگر دوستی دارند.

۱۰- محمد بن عجلان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم و مردی وارد شد و سلام کرد و آن حضرت از او پرسید، برادرانی را که از آنها جدا شدی چگونه اند؟ گوید: آن مرد آنان را به خوبی ستود و به پاکی از آنها یاد کرد و بسیار تعریف نمود، حضرت به او فرمود: چگونه ثروتمندان از بینوایان عیادت کنند؟ در پاسخ گفت: اندکی، امام فرمود: چقدر توانگران

فَقَرَأْتَهُمْ - فَقَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ - وَكَيْفَ مُشَاهِدَةٌ أَغْنِيَاءَهُمْ لِفُقَرَائِهِمْ - قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ - فَكَيْفَ صَلَّةٌ أَغْنِيَاءَهُمْ لِفُقَرَائِهِمْ - فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ فَقَالَ إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا - قُلْ مَا هِيَ فَيَمْنُ عِنْدَنَا - قَالَ فَقَالَ فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ.

٢٠٦٠-١١ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ :

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ عِنْدَنَا كَثِيرٌ - فَقَالَ فَهَلْ يَعْطِفُ الْغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ - وَهَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَيَتَوَاسَوْنَ فَقُلْتُ لَا - فَقَالَ لَيْسَ هَؤُلَاءِ شِيعَةً - الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا.

٢٠٦١-١٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ عَظِّمُوا أَصْحَابَكُمْ وَاقْرَءُوهُمْ - وَلَا يَسْتَجْهَمُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا - وَلَا تَضَارُّوا وَلَا تَحَاسَدُوا - وَإِيَّاكُمْ وَالْبُخْلَ - كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ.

٢٠٦٢-١٣ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ :

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام أَيُّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ - فَيُدْخِلُ يَدَهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ - فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا - فَقَالَ أَبُو

از بینوایان سرکشی و ملاقات می‌کنند؟ در پاسخ گفت: اندکی، امام علیه السلام فرمود: چگونه توانگران از مستمندان دستگیری می‌کنند و از مال خود به آنها می‌دهند؟ در پاسخ گفت: شما اخلاق و صفاتی را یاد آوری می‌کنید که در مردم ما بسیار کم است، امام علیه السلام فرمود: پس تو چگونه معتقدی که اینها شیعه‌اند.

* * *

۱۱- ابی اسماعیل می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: قربانت، ما شیعیان بسیار داریم فرمود: آیا توانگران به مستمندان مهربانی و توجه می‌کنند؟ خوش کرداران از بد کاران گذشت دارند؟ با هم همراهی می‌کنند؟ عرض کردم: نه، فرمود: اینها شیعه نیستند، شیعه کسی است که چنین کند.



* * *

۱۲- امام باقر علیه السلام بارها می‌فرمود: یاران خود را بزرگ‌شمارید و آنان را احترام کنید و به یکدیگر ترشروئی و زیان نرسانید و نسبت به هم جسور نباشید و از بخل پرهیزید تا بنده‌های با اخلاص به حساب آئید.

* * *

۱۳- امام باقر علیه السلام به سعید بن حسن فرمود: آیا یکی از شماها نزد برادرش می‌رود و دست در کیسه او می‌کند و آنچه را می‌خواهد بر می‌دارد و او جلوش را نمی‌گیرد عرض کردم: من در میان خودمان چنین چیزی را سراغ ندارم، امام باقر علیه السلام فرمود: در این صورت چیزی در بین نیست (یعنی از ایمان خبری نیست) گفتم: پس در

جَعْفَرٍ عليه السلام فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ - فَاهْلَاكَ إِذَا فَقَالَ - إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا
أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ.

٢٠٦٣ - ١٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ رَفَعَهُ
عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ - سَبْعُونَ حَقًّا لَا أُخْبِرُكَ إِلَّا
بِسَبْعَةٍ - فَإِنِّي عَلَيْكَ مُشْفِقٌ أَخْشَى إِلَّا تَحْتَمِلَ - فَقُلْتُ بَلَى إِنِ شَاءَ اللَّهُ -
فَقَالَ لَا تَشْبَعُ وَ يَجُوعُ - وَلَا تَكْتَسِي وَ يَغْرَى - وَ تَكُونُ دَكِيلَهُ وَ قَيْصَهُ
الَّذِي يَلْبَسُهُ - وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَتَكَلَّمُ بِهِ - وَ تُحِبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ - وَ
إِنِ كَانَتْ لَكَ جَارِيَةٌ - بَعَثَهَا لِيَتَهَدَّ فِرَاشَهُ - وَ تَسْعَى فِي حَوَائِجِهِ بِاللَّيْلِ
وَ النَّهَارِ - فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ - وَصَلْتَ وَ لَا يَتَكَ بِوَلَايَتِنَا - وَ وَلَا يَتَنَا
بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

٢٠٦٤ - ١٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي
الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ - لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَخُونُهُ - وَ يَحِقُّ عَلَى
الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ - فِي التَّوَاصُلِ وَ التَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ - وَ الْمُوَاسَاةِ
لِأَهْلِ الْحَاجَةِ - وَ تَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ - حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمْ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ مُتَرَاحِمِينَ - مُغْتَمِّينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ - مِنْ
أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ - مَعَشْرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - عليه السلام.

این صورت هلاکت است، فرمود: براستی هنوز خرد این مردم کامل نشده (و آداب و رسوم دینی یاد نگرفته‌اند).

۱۴- معلى بن خنيس مى‌گويد: از امام صادق عليه السلام درباره حق مؤمن پرسيدم فرمود: هفتاد حق است که جز هفت نوع آن را به تو نگويم زیرا من نسبت به تو مهربان و درباره تو نگرانم و مى‌ترسم تحمل نکنی، گفتم: آری انشاء الله، فرمود: سير نياشى و او گرسنه و تو خود جامه نپوشی و او برهنه، و تورهنما و پيراهن تن او و زبان گويای او باشی و برای او دوست بداری هر چه را که برای خود دوست مى‌داری و اگر خدمتکاری داری او را بفرستی تا بستر او را مرتب کند و در انجام خواسته او شب و روز گوش باشد چون چنین کردی ولایت خود را به ولایت ما پيوسته ساخته و ولایت ما را به ولایت خدای عزوجل.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۵- امام صادق عليه السلام فرمود:

تنها نگذارد و به او خیانت نکند و سزاوار است که در پیوستگی و کمک به هم بکوشند و نسبت به هم مهر ورزند و نیازمندان را همراهی کند تا آنطور که خدا فرموده است باشید آنجا که مى‌فرماید: «به یکدیگر مهربانند (فتح / ۲۹)» با هم مهربانند و از اینکه خدمتی از آنان از دست رفته نگران و اندوهگین اند بر همان روش باشند که گروه انصار در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.

۲۰۶۵-۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا - أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ - وَحَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ - إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ

بَابُ التَّرَاحُمِ وَالتَّعَاطُفِ

۲۰۶۶-۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً - مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ - مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ - تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَأَخْيَرَهُ

۲۰۶۷-۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ كَلْبِ بْنِ الصَّيْدَاوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا - وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً - كَمَا أَمَرَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

۲۰۶۸-۳- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا - وَتَرَاحَمُوا وَتَعَاطَفُوا.

۱۶- بر عهده‌ی مسلمان است که چون بخواهد به مسافرت رود برادران خود را آگاه سازد و بر عهده‌ی برادران است که چون او بازگشت به دیدارش روند.

مهرورزی و دلسوزی به یکدیگر

۱- امام صادق علیه السلام به یاران می‌فرمود:

از خدا بپرهیزید و برادرانی خوش‌رفتار باشید، در راه خدا به هم دوستی کنید، و پیوند داشته باشید و به هم مهربانی کنید، به دیدار هم بروید و با هم به خوبی برخورد کنید و ولایت ما را به هم یاد آوری کنید و آن را زنده نگه دارید.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

پیوستگی و خوش‌رفتاری و مهربانی داشته باشید و به هم مهر بورزید همان‌طور که خداوند به شما دستور داده است.

۳- امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

به هم پیوستگی و نیکی و مهربانی کنید و دلسوز هم باشید.

٢٠٦٩-٤- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ - فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ - وَ
الْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ - وَ تَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا
أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ مَتَرَاهِمِينَ - مُغْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ
مِنْ أَمْرِهِمْ - عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ - عَلَى عَهْدِ
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

بَابُ زِيَارَةِ الْإِخْوَانِ.

٢٠٧٠-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ زَارَ أَخَاهُ لِلَّهِ - لَا لِغَيْرِهِ الْيَمَاسِ مَوْعِدِ اللَّهِ - وَتَنَجَّزَ مَا عِنْدَ اللَّهِ وَكَلَّ
اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ - يُنَادُونَهُ أَلَا طِبْتُ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ.

٢٠٧١-٢- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ:
دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَوْدَعُهُ فَقَالَ يَا خَيْثَمَةُ - أَبْلُغْ مَنْ تَرَى
مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ - وَأَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ - وَأَنْ يَعُودَ غَنِيَّهُمْ
عَلَى فَقِيرِهِمْ - وَقَوِيَّهُمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ - وَأَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ جَنَازَةٌ
مَيِّتِهِمْ - وَأَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بُيُوتِهِمْ - فَإِنَّ لِقَاءَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا حَيَاةٌ لَأَمْرِنَا
رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرِنَا - يَا خَيْثَمَةُ أَبْلُغْ مَوَالِينَا - أَنَا لَا نُغْنِي عَنْهُمْ

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

بر مسلمانان سزاوار است که پیوستگی و کمک به هم و مهر ورزی و همراهی با نیازمندان تا همانطور باشید که خداوند به شما دستور داده است: «مهربانند در میان خودشان» (فتح / ۲۹) به هم مهر بورزید و بخاطر کمکی که از دست داده‌اید غمناک باشید و بر همان روشی باشید که انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.

دیدار برادران

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس به دیدار برادر دینی خود برود، تنها برای خدا نه چیز دیگر و بخاطر وعده خداوند و دریافت آنچه نزد اوست خداوند هفتاد هزار فرشته بر او گمارد که فریاد کشند: هان! پاک گشتی و بهشت گوارای تو باد.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۲- خیمه می‌گوید: نزد امام باقر علیه السلام رفتم تا با او خدا حافظی کنم فرمود: ای خیمه، هر کدام از دوستان ما را که دیدی سلام برسان و به آنها به تقویٰ خدای بزرگ سفارش کن و اینکه توانگران به مستمندان توجه کنند و توانایان بر ناتوانان و زنده آنها بر جنازه مردگان حاضر شوند و در خانه‌های خود با یکدیگر ملاقات کنند زیرا برخورد آنها با یکدیگر مایه زنده ساختن فرمان ماست، خدا رحمت کند بنده‌ای را که کار ما را زنده نگه دارد، ای خیمه، به دوستان این پیام را برسان که ما از طرف خدا هیچ کار و چاره سازی برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم جز به عمل و رفتار و به راستی که آنها به دوستی و ولایت ما نرسند جز به ورع و

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ - وَأَنَّهُمْ لَنُيَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ - وَأَنَّ أَشَدَّ
النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

٢٠٧٢-٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ
الْيَمَانِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَهْبَطَ إِلَى
الْأَرْضِ مَلَكًا - فَأَقْبَلَ ذَلِكَ الْمَلِكُ يَمْشِي - حَتَّى وَقَعَ إِلَى بَابٍ - عَلَيْهِ
رَجُلٌ يَسْتَأْذِنُ عَلَى رَبِّ الدَّارِ - فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ - مَا حَاجَّتُكَ إِلَى رَبِّ هَذِهِ
الدَّارِ - قَالَ أَخِي مُسْلِمٌ زُرْتُهُ فِي اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَالَ لَهُ الْمَلِكُ مَا
جَاءَ بِكَ إِلَّا ذَاكَ - فَقَالَ مَا جَاءَ بِي إِلَّا ذَاكَ - فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ -
وَهُوَ يَقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ - وَجَبَتْ لَكَ الْجَنَّةُ وَقَالَ الْمَلِكُ - إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - أَيُّمَا مُسْلِمٍ زَارَ مُسْلِمًا - فَلَيْسَ إِيَّاهُ زَارٌ - إِيَّايَ زَارٌ وَ
ثَوَابُهُ عَلَيَّ الْجَنَّةُ.

٢٠٧٣-٤ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ النَّهْدِيِّ عَنْ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِيَّايَ زُرْتَ وَثَوَابُكَ عَلَيَّ -
وَلَسْتُ أَرْضَى لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ.

پارسائی و به راستی با حسرت‌ترین در روز قیامت کسی است که عدالت و داد را برای دیگران شرح دهد و خودش بر خلاف آن عمل کند.

۳- رسول خدا ﷺ فرمود:

جبرئیل برای ما باز گفت که خداوند عزوجل فرشته‌ای را به زمین فرستاد و آن فرشته آمد و آغاز رفتن نمود تا گذرش بر دری افتاد که مردی بر آن ایستاده و از صاحب خانه اجازه ورود می‌خواست، آن فرشته به وی گفت: چه نیازی به صاحب این خانه داری؟ در پاسخ گفت: برادر دینی من است و بخاطر خداوند از او ملاقات می‌کنم، آن فرشته به وی گفت: تو تنها برای همین آمدی؟ در پاسخ گفت: جز برای این کار نیامدم، به او گفت: من پیک خدایم و خداوند به تو و او سلام می‌رساند و می‌فرماید: بهشت برای تو واجب است، سپس گفت: خدای عزوجل می‌فرماید: هر مسلمانی که به دیدار مسلمان دیگر رود تنها او را دیدار نکرده بلکه مرا نیز دیدار کرده است و اجر او بر من بهشت است.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بخاطر رضای خدا برادرش را دیدار کند، خدای عزوجل می‌فرماید: پس مرا دیدار کردی و اجرت بر من است و من برای تو ثوابی کمتر از بهشت نپسندم.

٢٠٧٤-٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي جَانِبِ الْمِصْرِ - ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ فَهُوَ زَوْرُهُ - وَحَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ.

٢٠٧٥-٦ - عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي بَيْتِهِ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْتَ ضَيْفِي وَزَائِرِي - عَلَيَّ قِرَاكَ وَقَدْ أُوجِبْتُ - لَكَ الْجَنَّةُ بِحُبِّكَ إِيَّاهُ.

٢٠٧٦-٧ - عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي غُرَّةٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ فِي مَرَضٍ أَوْ صِحَّةٍ لَا يَأْتِيهِ خِدَاعًا وَلَا اسْتِبْدَالًا - وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ - يُنَادُونَ فِي قَفَاهُ أَنْ - طِبْتَ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ - فَأَنْتُمْ زَوَارُ اللَّهِ - وَأَنْتُمْ وَقَدْ الرَّحْمَنُ حَتَّى يَأْتِيَ مَنْزِلَهُ - فَقَالَ لَهُ يُسِيرُ جُعِلَتْ فِدَاكَ - وَإِنْ كَانَ الْمَكَانُ بَعِيدًا - قَالَ نَعَمْ يَا يُسِيرُ وَإِنْ كَانَ الْمَكَانُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ - فَإِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ وَالْمَلَائِكَةُ كَثِيرَةٌ - يُشَيِّعُونَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ.

٢٠٧٧-٨ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّهْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ وَ لِلَّهِ - جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَخْطُرُ بَيْنَ قَبَاطِيٍّ مِنْ نُورٍ - وَلَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ لَهُ - حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

۵- امام صادق علیه السلام می فرمود: هر کس بخاطر رضای خداوند به دیدار برادر دینی خود که در آن سوی شهر است برود او زائر خداست و بر خدا سزاوار است که زائر خود را گرامی بدارد.

۶- امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس از برادر خود در خانه او دیدن کند، خدای عز و جل فرماید: تو مهمان و زائر من هستی، بر عهده من است از تو پذیرایی کنم و من بهشت را بر تو واجب کردم برای آنکه او را دوستداری.

۷- امام صادق علیه السلام می فرمود:

هر کس بخاطر رضای خدا برادر دینی خود را در سلامتی و بیماری بدون فریب و چشم داشتن دیدار کند خداوند بر او هفتاد هزار فرشته بگمارد که به دنبالش فریاد کشند که خوش باش و گوارا باد بر تو بهشت که شما زائران خدائید و شما واردین بر حضرت رحمانید تا بیاید به خانه خود، «یسیر» به آن حضرت گفت: قربانت گردم، و اگر چه جای او دور باشد؟ فرمود: آری ای یسیر، و اگر چه یک سال راه باشد زیرا خدا بخشنده است و فرشته های بسیاری او را همراهی کنند تا به خانه اش برگردد.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بخاطر خدا و در راه او از برادر دینی خود دیدار کند روز قیامت در میان پارچه هایی از نور بیاید و گام بردارد و بر هر چیزی که

فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَرْحَبًا - وَإِذَا قَالَ مَرْحَبًا - أَجْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْعَطِيَّةَ.

٢٠٧٨-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ عَنْ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - زَائِرًا أَخَاهُ لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ - الْتِمَّاسَ وَجْهِ اللَّهِ - رَغْبَةً فِيمَا عِنْدَهُ - وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُتَادُونَهُ مِنْ خَلْفِهِ - إِلَى أَنْ يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ - أَلَا طِبْتُ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ.

٢٠٧٩-١٠- الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا زَارَ مُسْلِمٌ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ - فِي اللَّهِ وَ لِلَّهِ إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْهَا الزَّائِرُ طِبْتُ وَ طَابَتْ - لَكَ الْجَنَّةُ.

٢٠٨٠-١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَنَسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَنَّةً - لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ - وَ رَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ.

بگذرد بر او می‌تابد تا در برابر خدای عزوجل بایستد و خدا به او فرماید:
خوشامدی، و چون خدا خوشامد گوید عطای او را زیاد سازد.

۹- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی که چون بنده مسلمانی از خانه‌اش بیرون بیاید و از برادرش برای
خدا نه برای چیز دیگری دیدن کند و در طلب رضای خدا باشد و شوق
دریافت آنچه که نزد خداست خداوند بر او هفتاد هزار فرشته بگمارد که
به دنبالش به راه افتند تا به منزلش برسند و فریاد کشند که خوش باش و
بهشت بر تو گوارا باد.



۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ مسلمانی از برادر مسلمانش را در راه رضای خدا و برای خدا دیدن
نکند جز آنکه خدای عزوجل فریاد زند: ای زائر! خوش باش و بهشت
گوارایت باد.

۱۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

برای خدای عزوجل بهشتی است که در آن درنیاید جز سه کس:

۱- مردی که درباره خود به حق داوری کند.

۲- مردی که برادر مؤمن خود را برای رضای خدا دیدار کند.

۳- مردی که در راه رضای خدا برادر مؤمن خود را انتخاب کند.

٢٠٨١-١٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
 بَزْرِجٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُمَيْتَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُخْرَجُ إِلَى أَخِيهِ - يَزُورُهُ فَيُؤَكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ - مَلَكًا
 فَيَضَعُ جَنَاحًا فِي الْأَرْضِ - وَجَنَاحًا فِي السَّمَاءِ يُظِلُّهُ - فَإِذَا دَخَلَ إِلَى
 مَنْزِلِهِ - نَادَى الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُعْظِمُ - لِحَقِّي الْمَتَّبِعُ
 لِآثَارِ نَبِيِّي - حَقٌّ عَلَيَّ إِعْظَامُكَ - سَلَنِي أُعْطِكَ أَذْعَنِي أُجِبْكَ - أَسْكُتُ
 أَبْتَدِثُكَ - فَإِذَا انْصَرَفَ شَيْعَةُ الْمَلِكِ - يُظِلُّهُ بِجَنَاحِهِ حَتَّى يَدْخُلَ إِلَى
 مَنْزِلِهِ - ثُمَّ يُنَادِيهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُعْظِمُ لِحَقِّي - حَقٌّ عَلَيَّ
 إِكْرَامُكَ - قَدْ أَوْجَبْتُ لَكَ جَنَّتِي - وَشَفَعْتُكَ فِي عِبَادِي.

٢٠٨٢-١٣- صَالِحُ بْنُ عُمَيْتَةَ عَنْ عُمَيْتَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَزِيَارَةِ الْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ خَيْرٌ - مِنْ عِتْقِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ - وَمَنْ
 أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً - وَفِي كُلِّ عَضْوٍ عَضْوًا مِنَ النَّارِ - حَتَّى أَنْ الْفَرْجَ
 يَبْقَى الْفَرْجَ.

٢٠٨٣-١٤- صَالِحُ بْنُ عُمَيْتَةَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا ثَلَاثَةِ مُؤْمِنِينَ - اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ - يَأْمَنُونَ بِوَائِقِهِ - وَلَا يَخَافُونَ
 غَوَائِلَهُ - وَ يَرْجُونَ مَا عِنْدَهُ - إِنَّ دَعْوَا اللَّهَ أَجَابَهُمْ - وَإِنْ سَأَلُوا
 أُعْطَاهُمْ - وَإِنْ اسْتَزَادُوا زَادَهُمْ - وَإِنْ سَكَتُوا ابْتَدَأَهُمْ.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی مؤمن برای زیارت برادرش خارج می شود خدای عزوجل بر او فرشته ای می گمارد و آن فرشته یک پر را بر زمین می گسترد و پری دیگر بر فراز آسمان تا او را سایه اندازد و چون به خانه اش وارد شود خداوند او را صدا زند: ای بنده ای که حق مرا بزرگ شمردی و از روش پیامبرم پیروی کردی بر عهده من است که تو را بزرگوار شمارم، بخواه از من، تا به توبه هم، مرا بخوان تا تو را اجابت کنم، خاموش باش، تا من به سود تو آغاز کنم و چون برگردد، فرشته ای که با پر خود، بر او سایه افکنده بود او را همراهی کند تا به خانه اش برسد سپس خداوند او را صدا زند ای بنده ای که حقم را بزرگ شمردی بر عهده من است که تو را گرامی بدارم، من بهشت را بر تو واجب کردم و تو را شفیع بنده های خود ساختم.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

دیدار از مؤمن در راه رضای خدا بهتر است از آزاد کردن ده بنده مؤمن و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند هر عضو از او یک عضو آزاد کننده را از دوزخ نگهداری کند تا آنجا که فرج هم نگهدار فرج باشد.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر سه تن مؤمنی که نزد برادر دینی خود جمع شوند که از بلای او ایمن باشند و از شر او بیمی نداشته باشند و به آنچه که نزد اوست امیدوار باشند اگر خدا را بخوانند به آنها پاسخ می دهد و اگر از او چیزی بخواهند بیشتر به آنها خواهد داد و اگر سکوت کنند خداوند به نفع و سود آنها آغاز خواهد کرد.

٢٠٨٤-١٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا حمزة يَقُولُ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عليه السلام يَقُولُ مَنْ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ
 لِلَّهِ لَا لغيرِهِ - يَطْلُبُ بِهِ ثَوَابَ اللَّهِ - وَتَنْجِزُ مَا وَعَدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ -
 وَكُلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ - مِنْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ -
 حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ يُنَادُونَهُ - أَلَا طِبْتَ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ - تَبَوَّاتِ مِنَ
 الْجَنَّةِ مَنْزِلًا.

٢٠٨٥-١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِقَاءُ الْأَخْوَانِ مُغْنِمٌ جَسِيمٌ وَإِنْ قُلُّوا.

بَابُ الْمُصَافَحَةِ.

٢٠٨٦-١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ
 عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ:

كُنْتُ زَمِيلَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَكُنْتُ أَبْدَأُ بِالرُّكُوبِ - ثُمَّ يَرْكَبُ هُوَ
 فَإِذَا اسْتَوَيْنَا سَلَّمَ وَسَاءَلَ مُسَاءَلَةً - رَجُلٍ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ وَ
 صَافَحَ - قَالَ وَكَانَ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ قَبْلِي - فَإِذَا اسْتَوَيْتُ أَنَا وَهُوَ عَلَى
 الْأَرْضِ - سَلَّمَ وَسَاءَلَ مُسَاءَلَةً مَنْ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ - فَقُلْتُ يَا ابْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ - إِنَّكَ لَتَفْعَلُ شَيْئًا مَا يَفْعَلُهُ أَحَدٌ مِنْ قِبَلِنَا - وَإِنْ فَعَلَ مَرَّةً

۱۵- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کس برای رضایت خدا نه بخاطر چیز دیگر به دیدار برادر مؤمنش برود که اجر و ثواب خداوند را بطلبد و وفای او را خواستار باشد خداوند هفتاد هزار فرشته را بر او گمارد تا او را در رفت و برگشت به خانه همراهی کنند و فریاد برآورند همان پاک و خوش باش و بهشت برایت گوارا باد.

* * *

۱۶- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

دیدار برادران غنیمت و نعمت بزرگی است اگرچه اندک باشند (چنین برادرانی کمیابند)



دست به هم دادن و فشردن

۱- ابی عبیده می گوید: من هم کجاوه امام باقر علیه السلام بودم اول من سوار می شدم و بعد او سوار می شد و چون در کجاوه جا به جا می شدیم همچون مردی که سالها او را ندیده ام سلام می کرد و احوال پرسشی می نمود و دست می داد و مصافحه می کرد و چون پیاده می شدیم، آن حضرت پیش از من پیاده می شد و چون روی زمین قرار می گرفتیم حضرت سلام می کرد و مانند کسی که سالها دوست خود را ندیده است احوال پرسشی می کرد گفتم: یا بن رسول الله، شما کاری می کنید که کسانی که نزد ما هستند این کار را نمی کنند و اگر یک بار هم بکنند زیاد است

فَكثِيرٌ - فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ مَا فِي الْمَصَافَحَةِ - إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقِيَانِ فَيُصَافِحُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ - فَلَا تَزَالُ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا - كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ - وَاللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى يَفْتَرِقَا.

٢٠٨٧-٢ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَاطِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا وَتَصَافَحَا - أَدْخَلَ اللَّهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَصَافَحَ أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ.

٢٠٨٨-٣ - ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ أَيُّوبَ عَنِ السَّمِيدِعِ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا - أَدْخَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَأَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ فَإِذَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِوَجْهِهِ عَلَيْهَا تَحَاتَّتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ - كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ.

٢٠٨٩-٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا - أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَتَسَاقَطَتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ - كَمَا يَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ.

امام فرمود: مگر تو نمی دانی در مصافحه چه فضیلتی است؟ به راستی دو مؤمن به هم بر می خورند و یکی با دیگری دست می دهد و مصافحه می کند و مانند ریزش برگ درختان، گناهان آنها فرو می ریزد و خدا به هر دو نظر دارد تا از هم جدا شوند.

* * *

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی که هر گاه دو مؤمن به هم بر می خورند و مصافحه می کنند، خداوند دست خود میان دو دست آنها قرار می دهد و با هر کدام که بیشتر رفیق دیگر خود را دوست دارد مصافحه می کند.



۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

چون دو مؤمن به هم بر می خورند و به هم دست می دهند، خداوند عزوجل دست خود را میان دست آنها قرار می دهد و روی بدان یک تن می کند که رفیقش را بیشتر دوست دارد، و چون خدای عزوجل روی به آنها کند، گناهان آنها، مانند برگ درخت، می ریزد.

* * *

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

چون دو مؤمن به هم بر می خورند و به هم دست می دهند، خدای عزوجل رو به سوی آنها می کند و گناهان آنها را می ریزد، همانطور که برگ درختان، می ریزد.

٢٠٩-٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:

زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فِي شِقِّ مَحْمِلٍ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ - فَزَلَّ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ - فَلَمَّا قَضَى حَاجَتَهُ وَعَادَ - قَالَ هَاتِ يَدَكَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ فَنَاولْتُهُ يَدِي فَغَمَزَهَا - حَتَّى وَجَدْتُ الْأَذَى فِي أَصَابِعِي - ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ - لَقِيَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَصَافَحَهُ - وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ فِي أَصَابِعِهِ - إِلَّا تَنَائَرَتْ عَنْهُمَا ذُنُوبُهُمَا - كَمَا يَتَنَائَرُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ - فِي الْيَوْمِ الشَّائِي.

٢٠٩١-٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا مَالِكُ أَنْتُمْ شَبَّعْتَنَا - أَلَا تَرَى أَنَّكَ تُفْرِطُ فِي أَمْرِنَا - إِنَّهُ لَا يُقَدَّرُ عَلَى صِفَةِ اللَّهِ - فَكَمَا لَا يُقَدَّرُ عَلَى صِفَةِ اللَّهِ كَذَلِكَ لَا يُقَدَّرُ عَلَى صِفَتِنَا - وَكَمَا لَا يُقَدَّرُ عَلَى صِفَتِنَا - كَذَلِكَ لَا يُقَدَّرُ عَلَى صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَلْقَى الْمُؤْمِنَ فَيُصَافِحُهُ - فَلَا يَزَالُ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا - وَالدُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا - كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ - حَتَّى يَقْتَرِقَا فَكَيْفَ يُقَدَّرُ - عَلَى صِفَةِ مَنْ هُوَ كَذَلِكَ.

٢٠٩٢-٧ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَحَطَطْنَا الرَّحْلَ - ثُمَّ مَشَى قَلِيلًا ثُمَّ جَاءَ - فَأَخَذَ

۵- ابی عبیده حذاء، می گوید: از مدینه تا مکه در یک کجاوه با امام باقر علیه السلام بودم در بین راه برای قضاء و حاجت پیاده شد و چون قضای حاجت کرد و برگشت گفت: دست خود را به من بده ای ابی عبیده، من دستم را به آن حضرت دادم و آن را فشرد تا درد آن در انگشتان خود حس کردم سپس فرمود: ای ابا عبیده، مسلمانی نباشد که به برادر خود رسد و با او دست دهد و انگشتان خود را با انگشتان او درهم کند، جز آنکه گناهان آنها مانند ریزش برگ درختان، در زمستان بریزد.

* * *

۶- مالک جهنی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای مالک، شما شیعه ما هستید، نمی دانی که در کار ما تقصیر می کنی، به راستی که توانائی بر کار وصف خدا نیست و چنانچه توانائی بر کار و وصف خدا نیست، توانائی بر کار و وصف مخصوص ما هم نیست و چنانچه توانائی بر کار و وصف مخصوص ما نیست، توانائی بر کار و وصف مؤمن هم نیست، به راستی مؤمنی به مؤمن دیگر بر می خورد و به او دست می دهد و پیوسته خدا به آنها نگاه می کند و گناهان آنها را فرو می ریزد همانطور که برگ درختان می ریزد. چگونه توانائی است بر وصف آنکه چنین است.

* * *

۷- ابی حمزه می گوید: من با امام باقر علیه السلام هم کجاوه شدم و بار را بر زمین

بِيَدِي فَغَمَزَهَا غَمَزَةً شَدِيدَةً - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - أَوْ مَا كُنْتُ مَعَكَ فِي
 الْحَمْلِ - فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ - إِذَا جَالَ جَوْلَةً ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ أَخِيهِ
 نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ - فَلَمْ يَزَلْ مُقْبِلًا عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ - وَ يَقُولُ
 لِلذُّنُوبِ تَحَاتَّ عَنْهُمَا - فَتَتَحَاتَّ يَا أَبَا هَمزَةَ - كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ
 الشَّجَرِ - فَيَفْتَرِقَانِ وَ مَا عَلَيْهِمَا مِنْ ذَنْبٍ.

٢٠٩٣-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الْمُصَافِحَةِ - فَقَالَ دَوْرٌ نُخْلَةٍ.

٢٠٩٤-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
 عَمْرِو بْنِ الْأَفَرَقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِينَ إِذَا تَوَارَى - أَحَدُهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ بِشَجَرَةٍ - ثُمَّ
 الْتَقِيَا أَنْ يَتَصَافِحَا.

٢٠٩٥-١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ - فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَلْيُصَافِحْهُ فَإِنَّ
 اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ - الْمَلَائِكَةَ فَاصْنَعُوا صُنْعَ الْمَلَائِكَةِ.

گزاردیم، سپس اندکی راه رفت و برگشت و دست مرا گرفت و آن را به سختی فشرد، به آن حضرت عرض کردم: قربانت، مگر من با شما در کجاوه نبودم؟

فرمود: مگر تو نمی‌دانی که چون مؤمن گردش کند و سپس دست برادرش را بگیرد، خدا به آنها با لطف خود نگاه می‌کند و پیوسته متوجه آنها می‌شود و به گناهان دستور می‌دهد که همچون برگ درختان، فرو ریزند و جدا شوند.

۸- هشام بن سالم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از اندازه جدائی که مصافحه و دست دادن؟ فرمود:
به اندازه گردش دور یک نخل خرماست.



۹- امام باقر علیه السلام فرمود:

برای مؤمنان شایسته است که چون یکی از آنها از رفیقش بخاطر وجود درختی جدا شد و سپس به هم برخورد نمودند به هم دست دهند و مصافحه کنند.

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرگاه یکی از شما به برادرش برخورد کند باید به او سلام گوید و به او دست دهد، زیرا خدای عز و جل بدین روش فرشته‌ها را گرامی داشته، شما هم کار فرشته‌ها را بکنید.

٢٠٩٦-١١- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَيْمٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَاقُوا بِالسَّلَامِ وَالتَّصَافِحِ - وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالِاسْتِغْفَارِ.

٢٠٩٧-١٢- عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ رَزِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ الْمُسْلِمُونَ إِذَا غَزَوْا - مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَرُّوا بِمَكَانٍ كَثِيرِ الشَّجَرِ - ثُمَّ خَرَجُوا إِلَى الْفَضَاءِ - نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ فَتَصَافَحُوا.

٢٠٩٨-١٣- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْجَهْمِ الْهَلَالِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَافَعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ - فَالَّذِي يَلْزَمُ التَّصَافِحَ - أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الَّذِي يَدَعُ - أَلَا وَإِنَّ الذُّنُوبَ لَتَتَحَاتُّ - فِيمَا بَيْنَهُمْ حَتَّى لَا يَبْقَى ذَنْبٌ.

٢٠٩٩-١٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَنَظَرَ إِلَيَّ بِوَجْهِ قَاطِبٍ - فَقُلْتُ مَا الَّذِي غَيَّرَكَ لِي - قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِإِخْوَانِكَ - بَلَّغَنِي يَا إِسْحَاقُ أَنَّكَ أَقْعَدْتَ بَيْتَكَ بَوَّاباً - يَرُدُّ عَنْكَ فَقَرَاءَ الشَّيْعَةِ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي خِفْتُ الشُّهْرَةَ - فَقَالَ أَفَلَا خِفْتَ الْبَلِيَّةَ - أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ - إِذَا

۱۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

هرگاه به هم برخوردید با سلام و دست دادن به هم آغاز کنید و چون از هم جدا شوید، با آمرزش خواهی برای هم از یکدیگر جدا شوید.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

شیوه مسلمانان چنین بود که هرگاه با رسول خدا ﷺ به جنگی می رفتند و از جای پر درختی می گذشتند و سپس از آنجا به فضای بازی بیرون می شدند، به هم نگاه می کردند و دست یکدیگر را می فشردند و مصافحه می کردند.

۱۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه مردی به رفیق خود دست دهد، آنکه دستش را نگه دارد اجر بزرگ تری دارد از آنکه دست خود را از میان دست او می کشد، همانا به راستی که گناهان آنها آنچنان فرو می ریزد که دیگر گناهی بر جای نماند.

۱۴- اسحاق بن عمار می گوید: من خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم با حضرت با ترشروئی به من نگریست به او عرض کردم چه چیزی تو را این چنین خشمگین ساخته است فرمود:

آنچه تو را نسبت به برادرانت دگرگون ساخته است، ای اسحق، به من خبر رسیده که تو دریانانی به در خانه خود نشاندی تا فقراء شیعه را از تو برانند، من گفتم: قربانت، به راستی من از شهرت ترسیدم، فرمود: از شهرت می ترسی و از بلا نمی ترسی؟ آیا نمی دانی که چون مؤمنان به هم بر می خورند و به هم دست می دهند و مصافحه می کنند، خدای عزوجل

التَّقِيَا فَتَصَافَحَا - أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - الرَّحْمَةَ عَلَيْهِمَا - فَكَانَتْ تِسْعَةً وَ
تِسْعُونَ - لِأَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ - فَإِذَا تَوَافَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ - فَإِذَا
قَعَدَا يَتَحَدَّثَانِ - قَالَ الْحَفْظَةُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ - اِعْتَزِلُوا بِنَا فَلَعَلَّ لَهَا سِرًّا
و - قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا - فَقُلْتُ أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - مَا يُلْفِظُ
مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنْ كَانَتْ الْحَفْظَةُ لَا
تَسْمَعُ - فَإِنَّ عَالِمَ السِّرِّ يَسْمَعُ وَيَرَى.

٢١٠ - ١٥ - عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَيُّمَنَ بْنِ مُحَرِّزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - رَجُلًا قَطُّ فَزَعَّ يَدَهُ - حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي
يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ.



٢١٠ - ١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُوصَفُ - وَكَيْفَ يُوصَفُ وَقَالَ فِي
كِتَابِهِ - وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ فَلَا يُوصَفُ بِقَدَرٍ إِلَّا كَانَ أَعْظَمَ مِنْ
ذَلِكَ - وَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَا يُوصَفُ - وَكَيْفَ يُوصَفُ عَبْدٌ - اِحْتَجَبَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ بِسَبْعٍ - وَجَعَلَ طَاعَتَهُ فِي الْأَرْضِ كَطَاعَتِهِ فِي السَّمَاءِ - فَقَالَ
وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ - وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَمَنْ أَطَاعَ هَذَا
فَقَدْ أَطَاعَنِي - وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي - وَفَوَّضَ إِلَيْهِ وَإِنَّا لَا نُوصَفُ
وَكَيفَ يُوصَفُ قَوْمٌ - رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَهُوَ الشُّكُّ - وَالْمُؤْمِنُ لَا

رحمت خود را به سوی آنها می‌فرستد و نود و نه قسمت از آن رفیقی باشد که رفیق خود را بیشتر دوست دارد و چون دوستی برابر باشند رحمت خدا آنها را فرا گیرد و چون با هم بنشینند و صحبت و گفتگو کنند، نگهبانان فرشته آنها به هم گویند: باید ما به کناری برویم، شاید اینها با هم گفتار محرمانه‌ای دارند و خدا بر آنها پرده کشیده است، من گفتم: مگر این نیست که خدای عز و جلّ می‌فرماید: «به گفتاری دم نزنند جز آنکه نزد او رقیب و عتید باشند (ق / ۱۸)؟» فرمود: ای اسحاق، اگر نگهبانان وی سخن آنها را نشنوند، به راستی که دانای اسرار (خداوند) بشنود و ببیند.

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با مردی مصافحه نکرد که دست خود را از دست او بیرون بکشد و ادامه داد تا او دست خود را از دست آن حضرت بیرون کشد.



۱۶- «زُراه» می‌گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: به راستی خدای عز و جلّ به وصف در نیاید و چگونه به وصف در آید با این که در کتاب خود فرماید: «خداوند چنانکه شایسته اندازه است اندازه نکردند (انعام / ۲۱)» خداوند به هیچ اندازه وصف نشود جز آنکه از آن بزرگ‌تر است و به راستی پیامبر هم وصف نشود و چگونه بنده‌ای را بتوان وصف کرد که خدا در پس هفت حجاب است و طاعت او را در زمین چون طاعت خود (در آسمان) لازم دانسته و فرموده است: «و آنچه را که پیامبر برای شما آورد بپذیرید و از هر چه منع‌تان کرد کنار کشید (حشر / ۷)» و هر کس این پیامبر را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر کس او را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده، و دین را به او وا گذاشت و به راستی ما را هم ناتوان وصف کرده و چگونه وصف

يُوصَفُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَلْقَى أَخَاهُ فَيُصَافِحُهُ فَلَا يَزَالُ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا
وَالذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا - كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ.

٢١٠٢-١٧ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ
عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِذَا لْتَقَى الْمُؤْمِنَانِ فَتَصَافَحَا - أَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ
عَلَيْهِمَا - وَتَتَحَاتُّ الذُّنُوبُ عَنْ وُجُوهِهِمَا - حَتَّى يَفْتَرِقَا.

٢١٠٣-١٨ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَصَافَحُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ.

٢١٠٤-١٩ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
إِبْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَقِيَ النَّبِيُّ عليه السلام حُذِيفَةَ - فَمَدَّ النَّبِيُّ عليه السلام يَدَهُ فَكَفَّ حُذِيفَةُ يَدَهُ - فَقَالَ
النَّبِيُّ عليه السلام يَا حُذِيفَةُ بَسَطْتُ يَدِي إِلَيْكَ - فَكَفَفْتَ يَدَكَ عَنِّي - فَقَالَ
حُذِيفَةُ - يَا رَسُولَ اللَّهِ بِيَدِكَ الرَّغْبَةُ - وَلَكِنِّي كُنْتُ جُنُبًا - فَلَمْ أَحِبَّ أَنْ
تَمَسَّ يَدِي يَدَكَ وَ أَنَا جُنُبٌ - فَقَالَ النَّبِيُّ عليه السلام أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُسْلِمِينَ إِذَا
الْتَقَوْا فَتَصَافَحَا - تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُمَا كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ.

شوند مردمی که خدا پلیدی را از آنها برداشته و آن شک و تردید است و مؤمن هم وصف نشود و به راستی مؤمن به برادرش برخورد و به او دست دهد و پیوسته خدا به آنها نگاه کند و گناهان آنها را همچون برگ درختان بریزد.

* * *

۱۷- ابی عبیده، می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: چون دو مؤمن به هم برسند و با هم دست بدهند، خدا به آنها توجه می کند و گناهان را از چهره آنها می ریزد تا از هم جدا شوند.

* * *



۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: مصافحه کنید زیرا مصافحه کینه و حسد را از میان می برد.

* * *

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله حذیفه را ملاقات کرد و دست به سوی او دراز کرد و حذیفه دست خود را کشید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای حذیفه، دست به سوی دراز کردم و تو دست خود را کشیدی، حذیفه عرض کرد: یا رسول الله، شوق فراوان به دست شما فراهم است ولی من جنب (نا پاک) بودم و نخواستم در جنابت دستم به دست شما برخورد کند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا نمی دانی که چون دو مسلمان به هم برخوردند و به هم دست بدهند، گناهانشان می ریزد همانطور که برگ، از درخت می ریزد.

٢١٠٥-٢٠- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ - وَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ قَدْرَ نَبِيِّهِ - وَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ قَدْرَ الْمُؤْمِنِ - إِنَّهُ لَيَلْقَى أَخَاهُ فَيُصَافِحُهُ - فَيَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا - وَالدُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا - كَمَا تَتَحَاتُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ - عَنِ الشَّجَرِ.

٢١٠٦-٢١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ مُصَافِحَةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ - مِنْ مُصَافِحَةِ الْمَلَائِكَةِ.

بَابُ الْمَعَانِقَةِ.

مركز تحقیات کتب نور علی مردم سیدی

٢١٠٧-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام قَالَا:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَرَجَ إِلَى أَخِيهِ - يَزُورُهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ - كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٍ - وَ مُحِيتَ عَنْهُ سَيِّئَةٌ - وَ رُفِعَتْ لَهُ دَرَجَةٌ - وَ إِذَا طَرَقَ الْبَابَ فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ - فَإِذَا التَّقِيَا وَ تَصَافَحَا وَ تَعَانَقَا - أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ - ثُمَّ بَاهَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ - فَيَقُولُ أَنْظَرُوا إِلَى عَبْدِي تَزَاوَرَا وَ تَحَابَّا فِي حَقِّ عَلِيٍّ أَلَّا أُعَذِّبَهُمَا بِالنَّارِ بَعْدَ هَذَا الْمَوْقِفِ - فَإِذَا انْصَرَفَ شَيْعَةُ الْمَلَائِكَةِ - عَدَدَ نَفْسِهِ وَ خُطَاهُ وَ كَلَامِهِ - يَحْفَظُونَهُ - مِنْ

۲۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی کسی قدر خدای عزوجل را نمی داند و نیز قدر پیامبر و مؤمن را به راستی که او اگر به برادر مؤمن خود برخورد نماید و به او دست دهد خداوند به آنها نظر می کند و گناه را از چهره آنها فرو می ریزد تا از هم جدا شوند مانند بادی تند که برگ درختان را می ریزد.

۲۱- رفاعه می گوید: شنیدم امام علیه السلام می فرمود:

مصافحه مؤمن بهتر است از مصافحه او با فرشته ها.

در آغوش گرفتن یکدیگر



۱- امام باقر و امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر مؤمنی که به سوی برادرش بیرون رود و او را دیدار کند و معرفت او را بشناسد هر گامی که بر می دارد خداوند حسنه ای در نامه عملش می نویسد و گناهی از او بر می دارد و درجه ای از او بالا می برد و چون در خانه را بکوبد، درهای آسمان به رویش باز می شوند و چون به هم برسند و به هم دست بدهند و یکدیگر را در آغوش کشند، خداوند به آنها رو می کند و فرشته ها به آنها می بالند و می فرماید: نگاه کنید به این دو بنده من که در راه من از یکدیگر دیدار کردند و به هم دوستی نمودند، بر من سزا است که پس از این کلماتش آنها را به آتش شکنجه نکنم و چون برگردد به شماره نفس کشیدن و گام ها و فرشتگان او را بدرقه کنند و تا فردای آن شب او را از بلای دنیا و آسیب های آخرت دور نگهدارند و

بَلَاءِ الدُّنْيَا - وَبَوَائِقِ الْآخِرَةِ إِلَى مِثْلِ تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنْ قَابِلٍ - فَإِنْ مَاتَ
فِيمَا بَيْنَهُمَا - أُعْغِيَ مِنَ الْحِسَابِ - وَإِنْ كَانَ الْمَزُورُ يَعْرِفُ مِنْ حَقِّ الزَّائِرِ
مَا عَرَفَهُ الزَّائِرُ مِنْ حَقِّ الْمَزُورِ - كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ.

٢١٠٨ - ٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا اِعْتَنَقُوا - غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ فَإِذَا اِلْتَزَمَا لَا يُرِيدَانِ بِذَلِكَ -
إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ وَلَا يُرِيدَانِ غَرَضًا - مِنْ أَغْرَاضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا - مَغْفُورًا
لَكُمَا فَاسْتَأْنَفَا - فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَى الْمُسَاءَلَةِ - قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهَا
لِبَعْضٍ - تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرًّا - وَقَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا - قَالَ إِسْحَاقُ
فَقُلْتُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَا يُكْتَبُ عَلَيْهِمَا - لَفْظُهُمَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ قَالَ فَتَنَفَّسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
الصُّعْدَاءُ - ثُمَّ بَكَى حَتَّى اخْضَلَّتْ دُمُوعُهُ لِحْيَتَهُ - وَقَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ
اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِنَّمَا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ - إِذَا اِلْتَقَيْنَا
إِجْلَالًا لَهُمَا - وَإِنَّهُ وَإِنْ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا - وَلَا تَعْرِفُ
كَلَامَهُمَا - فَإِنَّهُ يَعْرِفُهُ وَيَحْفَظُهُ عَلَيْهِمَا - عَالِمُ السِّرِّ وَأَخْفَى.

اگر در این میان از دنیا برود، از حساب، معاف شود، و اگر دیدار شونده هم حق دیدار کننده را بشناسد آنچه را دیدار کننده از حق او شناخته او هم همانند اجر او را دارد.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی دو مؤمن هرگاه یکدیگر را در آغوش کشند رحمت الهی آنها را در بر گیرد و هرگاه به هم چسبند و از آن جز رضای خدا نخواهند و غرض دنیوی نداشته باشند، به آنها گفته می شود: آمرزیده اید و زندگی را از سر گیرید، و چون برای پرسش و پاسخ در برابر هم قرار گیرند، فرشته ها به هم می گویند: از آنها دور شوید که با هم رازی دارند و خدا بر آنها پرده انداخته است.

اسحق می گوید: عرض کردم: قربانت، هر سخنی که گویند، نوشته نشود با این که خدای عزوجل فرماید: «هیچ گفته ای به زبان نیاورد جز آنکه رقیب و عتیدی نزد او باشند» گویند: امام صادق علیه السلام آه عمیقی کشید و سپس گریست تا آنکه اشکش ریشش را خیس کرد و فرمود: ای اسحق، به راستی خدای تبارک و تعالی همانا به فرشته فرمان داده که هرگاه دو مؤمن به هم برخورد کنند به احترام آنها از هم دور شوند هرچند فرشتگان لفظ آنها را ننویسند و سخن آنها را نفهمند، به راستی که خداوند به اسرار پنهان آنها آگاه است و اسرار آنها را حفظ خواهد کرد.

بَابُ التَّقْبِيلِ

٢١٠٩-١- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لَكُمْ نُوراً - تُعْرِفُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا - حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ قَبْلَهُ فِي مَوْضِعِ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ.

٢١١٠-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَقْبَلُ رَأْسُ أَحَدٍ وَلَا يَدُهُ - إِلَّا يَدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَوْ مَنْ أَرَادَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

٢١١١-٣- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدِ النَّزِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَرْزُوقٍ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَتَنَاوَلْتُ يَدَهُ فَقَبَّلْتُهَا - فَقَالَ أَمَا إِنَّهَا لَا تَصْلُحُ - إِلَّا لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ.

٢١١٢-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحَجَّالِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - نَاوِلْنِي يَدَكَ أَقْبِلُهَا فَأَعْطَانِيهَا - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَأْسَكَ - ففَعَلَ فَقَبَّلْتُهَا فَقُلْتُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلَاكَ - فَقَالَ أَقْسَمْتُ أَقْسَمْتُ أَقْسَمْتُ - ثَلَاثاً وَبَقِيَ شَيْءٌ وَبَقِيَ شَيْءٌ - وَبَقِيَ شَيْءٌ.

بوسیدن یکدیگر

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی برای شما شیعیان نوری است که به وسیله آن در دنیا شناخته می‌شوید تا اینکه هرگاه یکی از شماها به برادر خود برخورد کند و محل نور او که در پیشانی است ببوسد.

توضیح: شناخت شیعیان از سیمای ظاهری آنها براساس گفته خداوند است که می‌فرماید: در چهره آنها نشانه و اثری است از سجده پروردگار خود که سجده گاهشان نورانی و درخشان است.



۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

سر و دست کسی بوسیده نشود مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله یا کسی که مانند رسول خدا باشد (مثل ائمه معصومین علیهم السلام).

۳- علی بن مزید می‌گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و دست او را گرفتم و بوسیدم، فرمود: این کار شاید جز برای پیامبر یا وصی پیامبر.

۴- یونس بن یعقوب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: دست را بده ببوسم و به من داد، گفتم: قربانت سرت را و چنان کرد و من آنرا بوسیدم. گفتم: قربانت، پایت را، پس حضرت سه بار فرمود: تو را سوگند می‌دهم (که از بوسیدن پا بگذری) سپس سه بار فرمود: آیا چیزی باقیمانده؟ (آیا جایی غیر از سر و دست سزاوار بوسیدن است؟).

٢١١٣-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْعُمَرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ قَبَّلَ لِلرَّحِمِ ذَا قَرَابَةٍ - فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ - وَقُبْلَةُ الْأَخِ عَلَى الْخَدِّ وَقُبْلَةُ الْإِمَامِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ.

٢١١٤-٦- وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ - إِلَّا لِلزَّوْجَةِ أَوْ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

بَابُ تَذَاكُرِ الْأَخْوَانِ.

٢١١٥-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ سَمِعْتُ الرُّسُلَ بَيْنَهُمْ - الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ - إِنْ ذُكِرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ - إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ - وَإِذَا ذُكِرَ عَدُوُّنَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ.

٢١١٦-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزْرِجٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ - إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَأَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ - فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشَدْتُمْ وَنَجَوْتُمْ وَإِنْ تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَهَلَكْتُمْ - فَخُذُوا بِهَا وَأَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ.

۵- اَبی الحسن علیه السلام فرمود:

هر کس بخاطر خویشاوندی، فامیل خود را ببوسد با کی بر او نیست و نیز بوسیدن گونه برادر نسبی و دینی و بوسه امام میان دو چشمان اوست.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

بوسه بر لب نباشد جز برای همسر یا فرزند خردسال.

مذاکره و گفتگو با برادران

۱- علی بن اَبی حمزه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

شیعیان ما در میان خود مهربانند، کسانی هستند که چون تنها باشند خدا را یاد کنند به راستی چون از ما یاد شود، خدا یاد شده و چون از دشمن ما یاد شود از شیطان یاد شده است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

به دیدن هم بروید، زیرا دیدار یکدیگر سبب زنده کردن دل های شماست و یاد نمودن احادیث ماست و احادیث ما، شما را به یکدیگر مهربان می سازند و اگر بدان عمل کنید، هدایت می شوید و نجات می یابید و اگر آنها را وا گذارید، گمراه و هلاک شوید، به آنها عمل کنید که من ضامن نجات شمایم.

٢١١٧-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مَتَّصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ عَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي مَرَرْتُ بِقَاصٍ يَقْصُ - وَهُوَ يَقُولُ هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشُقُّ بِهِ جَلِيسٌ - قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَخْطَأْتُ أَسْتَاهُهُمُ الْحُفْرَةَ - إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ - سِوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ - فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ - يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ قَالُوا اقْفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ - فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ - فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرْضَاهُمْ - وَشَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ وَتَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ - فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشُقُّ بِهِ جَلِيسٌ.

٢١١٨-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُسْتَوْرِدِ النَّخَعِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ - لِيُطْلِعُونَ إِلَى الْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةِ وَهُمْ يَذْكُرُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ - قَالَ فَتَقُولُ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى هَؤُلَاءِ - فِي قُلُوبِهِمْ وَكَثْرَةِ عَدُوِّهِمْ - يَصِفُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ فَتَقُولُ الطَّائِفَةُ الْأُخْرَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ - ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ - وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

٢١١٩-٥- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُبَسَّرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي أَتَخْلُونَ - وَتَتَحَدَّثُونَ وَتَقُولُونَ مَا شِئْتُمْ - فَقُلْتُ إِي وَاللَّهِ إِنَّا

۳- عَبَادُ بَنِ کَثِیر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من به یک قصه گو برخورد نمودم که قصه می گفت: و او چنین می گفت که: این مجلسی است که هر کس در آن نشیند شقی نگردد، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هیئات هیئات به خطا رفتند، به راستی برای خدا فرشته هائی است گشتی جز کرام الکاتبین و چون به مردی رسند که ذکر محمد و آل محمد کنند، گویند: بایستید، به تحقیق که به حاجت خود رسیدید و بنشینند و با آنها فقه آموزند و چون برخیزند بیماران آنان را عیادت کنند و سر مرده آنها حاضر شوند و از غائبین آنها بازرسی و احوال پرسی کنند، این است آن مجلسی که هر که در آن نشیند شقی نگردد.



۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی بعضی از فرشته ها که در آسمانند به یک و دو و سه نفر از کسانی که فضیلت آل محمد را بیان می کنند سرکشی می کنند و می گویند: آیا نمی بینید اینان را که با تعداد اندک خود و زیادی دشمنانشان فضل آل محمد را توصیف می کنند، فرمود: دسته ای دیگر از فرشته ها، در پاسخ آنها می گویند: این فضل خداست که به هر کس خواهد بدهد و خدا صاحب فضل بزرگی است.

۵- میسر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: آیا خلوت می کنید و حدیث

لَنَخْلُو - وَتَتَحَدَّثُ وَنَقُولُ مَا شِئْنَا - فَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي مَعَكُمْ
فِي بَعْضِ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ - أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّ رِيحَكُمْ
وَأَرْوَا حَكْمَكُمْ - وَإِنَّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ مَلَائِكَتِهِ - فَأَعِينُوا
بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ.

٢١٢٠ - ٦ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعْدٍ
عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - فَصَاعِداً إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ -
فَإِنْ دَعَوْا بِخَيْرٍ آمَنُوا - وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ - دَعَوْا اللَّهَ لِيَصْرِفَهُ
عَنْهُمْ - وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشْفَعُوا - إِلَى اللَّهِ وَسَأَلُوهُ قَضَاءَهَا وَمَا
اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَاهِلِينَ - إِلَّا حَضَرَهُمْ عَشْرَةٌ أَضْعَافِهِمْ مِنَ
الشَّيَاطِينِ - فَإِنْ تَكَلَّمُوا تَكَلَّمَ الشَّيْطَانُ بِنَحْوِ كَلَامِهِمْ - وَإِذَا ضَحِكُوا
ضَحِكُوا مَعَهُمْ - وَإِذَا نَالُوا مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ نَالُوا مَعَهُمْ - فَمَنْ أُبْتُلِيَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ - فَإِذَا خَاضُوا فِي ذَلِكَ فَلْيَقُمْ - وَلَا يَكُنْ شَرِكَ شَيْطَانٍ وَلَا
جَلِيسَهُ - فَإِنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ - وَلَعْنَتُهُ لَا يَرُدُّهَا
شَيْءٌ - ثُمَّ قَالَ عليه السلام فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُنْكَزْ بِقَلْبِهِ وَلْيَقُمْ - وَلَوْ حَلَبَ شَاةٍ
أَوْ فُوقَ نَاقَةٍ.

می گوئید و هر چه خواهید می گوئید؟ گفتم: آری، به خدا به راستی ما جلسه سزی تشکیل می دهیم و حدیث می گوئیم و هر چه خواهیم می گوئیم، فرمود: همانا به خدا من دوست داشتم که در بعضی از این جاهای خلوت، با شما باشم همانا به خدا که من بوی و ارواح شما را دوست دارم، شما بر دین خدا و دین فرشته هائید شما با تقوی و تلاش خود، ما را یاری نمایید.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه سه نفر یا بیشتر از مؤمنین جلسه ای تشکیل دهند به همان تعداد فرشته ها حاضر شوند اگر دعای خیر کنند، آنها آمین گویند، و اگر از بدی به خدا پناه برند فرشته ها دعا کنند تا خداوند بدی را از آنها بردارد و اگر حاجتی خواهند، فرشته ها به درگاه خدا شفاعت کنند و از خدا بخواهند آن را بر آورده سازد و هرگاه سه نفر از منکرین (ولایت آل محمد علیهم السلام) یا بیشتر جلسه کنند ده برابر آنها شیاطین حاضر شوند و اگر سخن گویند، شیطان ها همانند آنها، سخن گویند و اگر بخندند آنها هم با آنها بخندند و اگر عیب دوستان خدا کنند، آنها هم با ایشان عیبجویی کنند، اگر کسی از مؤمنان دچار مجلس آنها شد و در این باره مشغول صحبت شدند، باید برخیزد و شریک و هم نشین شیطان نشود، زیرا چیزی در برابر خشم خدا نایستد و چیزی لعنت خدا را برنگرداند، سپس فرمود علیه السلام اگر نتواند برخیزد، باید از دل انکار کند هر چند به اندازه دوشیدن گوسفند یا شتر باشد.

٢١٢١-٧- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَخْفُوظٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ لَيْسَ شَيْءٌ أَنْكَى لِإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ - مِنْ زِيَارَةِ الْأَخْوَانِ فِي اللَّهِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ - قَالَ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقِيَانِ فَيَذْكُرَانِ اللَّهَ ثُمَّ يَذْكُرَانِ - فَضَلْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ - فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ إِبْلِيسُ مُضْغَةً لَحْمٍ - إِلَّا تَخَدَّدُ حَتَّى إِنَّ رُوحَهُ لَتَسْتَغِيثُ - مِنْ شِدَّةِ مَا يَجِدُ مِنَ الْأَلَمِ - فَتَحْسُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ خُزَّانُ الْجَنَانِ فَيَلْعَنُونَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ إِلَّا لَعِنَهُ فَيَقَعُ خَاسِئًا حَيْرًا مَذْخُورًا.

بَابُ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

٢١٢٢-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيْسَى جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي - وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ.

٢١٢٣-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يُكْنَى أَبَا مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ - حَسَنَةٌ وَ صَرْفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عَبْدَ اللَّهَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهَ - مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.

۷- اَبی المَغْرَا، گوید: شنیدم ابوالحسن علیه السلام می فرمود:

چیزی برای شیطان و لشکرهای او کشنده تر از این نیست که برادران دینی، برای رضایت خداوند به دیدار هم روند، فرمود: به راستی وقتی دو نفر مؤمن به هم برمی خورند و ذکر خدا می گویند و فضل ما خانواده بیان می کنند در چهره شیطان گوشتی باقی نماند، مگر آنکه فرد ریزد و روحش از سختی دردی که می کشد فریادرس می خواهد و فرشته های آسمان و خازنان بهشت آن را بفهمند و به او لعنت کنند تا آنکه هیچ فرشته مقربی نماند جز آنکه او را لعنت کند و درمانده و رانده گردد.

شاد کردن مؤمنان

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

هر کس مؤمنی را شاد نماید مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

لبخند مردی در روی برادرش، حسنه است و دور کردن غبار اندوه از چهره او حسنه است و خداوند به چیزی پرستش نشده که دوست داشتنی تر از شاد کردن دل مؤمن باشد.

٢١٢٤- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَّافِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - بِهِ عَبْدَهُ مُوسَى عليه السلام قَالَ إِنَّ لِي عِبَاداً أُبِيحُهُمْ جَنَّتِي - وَأَحْكَمُهُمْ فِيهَا قَالَ - يَا رَبِّ وَمَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تُبِيحُهُمْ جَنَّتَكَ وَتُحْكَمُهُمْ فِيهَا - قَالَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُوراً ثُمَّ قَالَ إِنَّ مُؤْمِناً كَانَ فِي مَمْلَكَةِ جَبَّارٍ - فَوَلَعَ بِهِ فَهَرَبَ مِنْهُ إِلَى دَارِ الشِّرْكِ فَتَزَلَّ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ - فَأَظْلَمَهُ وَأَرْفَقَهُ وَأَضَافَهُ - فَلَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ - أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ - وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْ كَانَ لَكَ فِي جَنَّتِي - مَسْكَنٌ لَأَسْكَنْتُكَ فِيهَا - وَلَكِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَى مَنْ مَاتَ بِمُشْرِكاً - وَلَكِنْ يَا نَارُ هِدْيَةٍ - وَلَا تُؤْذِيهِ وَيُؤْتِي بِرِزْقِهِ - طَرَفِي النَّهَارِ - قُلْتُ مِنَ الْجَنَّةِ - قَالَ مَنْ حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ.

٢١٢٥- ٤- عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِدْخَالُ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

٢١٢٦- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَى دَاوُدَ عليه السلام إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِي

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی آنچه خدای عزوجل با بنده خود موسیٰ با راز سخن گفت فرمود: (ای موسیٰ) به راستی برای من بنده هایی است که بهشت را برایشان مباح سازم و به آنان در استفاده از آنها اختیار دهم، عرض کردم: پروردگارا، اینان کیانند که تو بهشت را بر آنها مباح کنی و آنها را در آن صاحب اختیار سازی؟ فرمود: هر کس مؤمنی را شاد کند.

سپس فرمود: مؤمنی که در کشور جبّاری بود، آن جبّار او را تکذیب می کرد و کوچک می شمرد بناچار به کشور مشرکان گریخت و به مرد مشرکی وارد شد مشرک او را زیر سایه یی جا داد و با او به نرمی رفتار می کرد و او را مهمان نمود و چون مرگ آن مشرک فرا رسید، خدا به او وحی کرد: به عزت و جلالم سوگند، اگر برایت در بهشت جایی بود، تو را در آن بهشت جای می دادم ولی بهشت بر کسی که مشرک بمیرد حرام است، ولی ای آتش، او را بترسان ولی میازار و هر بامداد و شامگاه روزی او می رسد گفتم: از بهشت؟ فرمود: از هر کسی که خدا خواهد.

۴- علی بن الحسین علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دوست ترین کارها نزد خدای عزوجل، شاد کردن مؤمن است.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عزوجل به داود علیه السلام وحی کرد که: به راستی اگر بنده ای از بندگانم حسنه ای انجام دهد من بهشت را بر او مباح می سازم، داود عرض

لِيَأْتِيَنِي بِالْحَسَنَةِ فَأُبَيِّحُهَا جَنَّتِي - فَقَالَ دَاوُدُ - يَا رَبِّ وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ
قَالَ يُدْخِلُ عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ - سُرُوراً وَلَوْ بِثَمَرَةٍ قَالَ دَاوُدُ - يَا رَبِّ
حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ - أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَاءُهُ مِنْكَ.

٢١٢٧-٦ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ
حَمَّادٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ - سُرُوراً أَنَّهُ عَلَيْهِ أُدْخِلَهُ فَقَطُّ بَلْ
وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلْ وَاللَّهِ - عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

٢١٢٨-٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ
جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى
الْمُؤْمِنِ - شَبْعَةً مُسْلِمٍ أَوْ قِضَاءً دَيْنِهِ.

٢١٢٩-٨ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ
عَنْ سَدِيدِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْرِهِ -
خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ يَقْدُمِ أَمَامَةٍ - كُلَّمَا رَأَى الْمُؤْمِنُ هَوَلاً - مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ - الْمِثَالُ لَا تَفْرَعُ وَلَا تَحْزَنُ - وَأَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَ
الْكَرَامَةِ - مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَقِفَ - بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

کرد: پروردگارا، این حسنه چیست؟ فرمود: دل بنده مؤمنم را شاد سازد اگرچه با یک خرما باشد، داود عرض کرد: پروردگارا، سزا است هر کس تو را شناسد، و امید خود را از تو قطع نکند.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

نپندارد یکی از شماها که مؤمنی را شاد کرده است تنها او را شاد کرده، بلکه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز شاد کرده است.

۷- ابی الجارود می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

به راستی دوست ترین کارها به درگاه خداوند عزوجل شاد کردن دل مؤمن یا سیر کردن شکم مسلمانی یا پرداختن بدهکاری اوست.

۸- امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

چون خدا مؤمن را از قبرش برانگیزد، با او نمونه ای از قبر بیرون آید و جلو او باشد و هر جا که مؤمن یکی از صحنه های وحشتناک قیامت را ببیند آن نمونه می گوید: ترس و غم مخور شادی تو را مژده باد به کرامت از طرف خدای عزوجل تا آنکه در برابر خدای عزوجل بایستد و از او حساب آسانی بکشد و فرماید: او را به بهشت برند و آن نمونه جلوه او باشد، مؤمن به او گوید: خدایت رحمت کند، چه خوب کسی بودی که از گورم بیرون آمدی و پیوسته مرا به شادی و کرامت از طرف خدا مژده

فِيْحَاسِبُهُ حِسَاباً يَسِيرًا - وَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ - وَ الْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ
 الْمُؤْمِنُ - يَرْحَمُكَ اللَّهُ نِعَمَ الْخَارِجُ - خَرَجْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي - وَ مَا زِلْتَ
 تُبَشِّرُنِي بِالشُّرُورِ - وَ الْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ - فَيَقُولُ مَنْ
 أَنْتَ - فَيَقُولُ أَنَا الشُّرُورُ الَّذِي - كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ - فِي
 الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ.

٢١٣٠-٩ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُنْهُوْرٍ قَالَ:
 كَانَ النَّجَاشِيُّ وَ هُوَ رَجُلٌ - مِنَ الدَّهَاقِينَ عَامِلًا عَلَى الْأَهْوَازِ
 وَ فَارِسَ فَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ عَمَلِهِ - لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ فِي دِيْوَانِ
 النَّجَاشِيِّ عَلَيَّ خَرَاجًا - وَ هُوَ مُؤْمِنٌ يَدِينُ بِطَاعَتِكَ - فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ
 تَكْتُبَ لِي إِلَيْهِ كِتَابًا - قَالَ فَكُتِبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ - سُرَّ أَخَاكَ يُسْرُّكَ اللَّهُ - قَالَ فَلَمَّا وَرَدَ الْكِتَابُ عَلَيْهِ - دَخَلَ
 عَلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَجْلِسِهِ - فَلَمَّا خَلَا نَاولَهُ الْكِتَابَ وَ قَالَ - هَذَا كِتَابُ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَبَّلَهُ وَ وَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ - وَ قَالَ لَهُ مَا حَاجَتُكَ - قَالَ
 خَرَجْتُ عَلَيَّ فِي دِيْوَانِكَ - فَقَالَ لَهُ وَ كَمْ هُوَ قَالَ - عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ
 فَدَعَا كَاتِبَهُ وَ أَمَرَهُ بِأَدَائِهَا عَنْهُ - ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْهَا - وَ أَمَرَ أَنْ يُشْبِثَهَا لَهُ
 لِقَابِلٍ - ثُمَّ قَالَ لَهُ سَرَرْتُكَ - فَقَالَ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ - ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِمَرْكَبٍ وَ
 جَارِيَةٍ - وَ غُلَامٍ وَ أَمَرَ لَهُ بِتَخْتٍ ثِيَابٍ - فِي كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ - هَلْ
 سَرَرْتُكَ فَيَقُولُ - نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَكُلَّمَا قَالَ نَعَمْ زَادَهُ - حَتَّى فَرَغَ ثُمَّ

می دادی تا آن را به چشم دیدم و به او می گوید: تو کیستی؟ می گوید: من همان شادیم که به دل برادر مؤمن خود در دنیا وارد ساختی، خدای عزوجل مرا از آن آفریده تا به تو مرده دهم.

۹- محمد بن جمهور، می گوید: نجاشی که یک دهقانی بود، حاکم اهواز و فارس شد، یکی از کارمندانش به امام صادق علیه السلام گفت: در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مردی است مؤمن و فرمانبر، شما اگر صلاح می دانی برای من نامه ای به او بنویس، گوید: امام صادق علیه السلام به او نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم، برادر خود را شاد کن تا خدا شادت کند، گوید: چون نامه به او رسید، در مجلس کار خود بود و چون تنها شد، نامه را به او داد و گفت: این نامه امام صادق علیه السلام است، آن را بوسید و بر دو چشم نهاد و به او گفت: چه حاجتی داری؟ گفت: خراجی که در دفترت به عهده من است، به او گفت: چه مقدار است؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی دفتر خود را خواست و به او دستور داد تا از طرف او بپردازد و آن را از دفتر بیرون آورد و دستور داد برای سال آینده هم برابر همین مبلغ برای او بنویسد، سپس به او گفت: من تو را شاد کردم؟ پاسخ داد: آری قربانت، سپس فرمان داد یک مرکب سواری و یک کنیز و یک غلام به او دادند با یک دست جامه و در عطای هر کدام می گفت: آیا تو را شاد کردم؟ و او جواب می داد: آری قربانت، و هر چه می گفت: آری، برای او می افزود تا بخشش او پایان یافت و سپس به او گفت: همه فرش این اتاق را هم که من در آن نشسته ام با خود ببر چون که نامه آقای

قَالَ لَهُ - اِحْمِلْ فُرْشَ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي - كُنْتُ جَالِساً فِيهِ حِينَ دَفَعْتَ إِلَيَّ كِتَابَ مَوْلَايَ الَّذِي نَاوَلْتَنِي فِيهِ - وَارْفَعْ إِلَيَّ حَوَائِجَكَ قَالَ - فَفَعَلَ وَخَرَجَ الرَّجُلُ - فَصَارَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَعْدَ ذَلِكَ - فَحَدَّثَهُ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ - عَلَى جِهَتِهِ فَجَعَلَ يُسَرُّ بِمَا فَعَلَ - فَقَالَ الرَّجُلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - كَأَنَّهُ قَدْ سَرَّكَ مَا فَعَلَ بِي - فَقَالَ إِي وَ اللَّهِ لَقَدْ سَرَّ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ.

٢١٣١ - ١٠ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ أَبِي الْيَقْطَانِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - قَالَ فَقَالَ حَقُّ الْمُؤْمِنِ - عَلَى الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ - لَوْ حَدَّثْتُكُمْ لَكَفَرْتُمْ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ - خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ مَنْ قَبْرِهِ - يَقُولُ لَهُ أَبْشِرْ بِالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ وَ السُّرُورِ - فَيَقُولُ لَهُ بَشِّرْكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ - قَالَ ثُمَّ يَمْضِي مَعَهُ يُبَشِّرُهُ - بِمِثْلِ مَا قَالَ وَ إِذَا مَرَّ بِهَوْلِ - قَالَ لَيْسَ هَذَا لَكَ - وَ إِذَا مَرَّ بِخَيْرٍ قَالَ هَذَا لَكَ - فَلَا يَزَالُ مَعَهُ يُؤْمِنُهُ - مِمَّا يَخَافُ وَ يُبَشِّرُهُ بِمَا يُحِبُّ - حَتَّى يَقِفَ مَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ - اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا أَمَرَهُ إِلَى الْجَنَّةِ - قَالَ لَهُ الْمِثَالُ أَبْشِرْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - قَدْ أَمَرَ بِكَ إِلَى الْجَنَّةِ - قَالَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ - تُبَشِّرُنِي مِنْ حِينَ خَرَجْتُ مِنْ قَبْرِي - وَ أَنْسَتَنِي فِي طَرِيقِي - وَ خَبَرْتَنِي عَنْ رَبِّي - قَالَ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي - كُنْتُ تُدْخِلُهُ عَلَى إِخْوَانِكَ - فِي الدُّنْيَا خُلِقْتُ مِنْهُ - لِأَبَشِّرَكَ وَ أُونِسَ

مرا در اینجا به من دادی و هر حاجتی به من داری به من اظهار کن و برسان، گوید: این کار را کرد و آن مرد بیرون شد و پس از آن خدمت امام صادق علیه السلام رسید و به او همه را بازگفت و آن حضرت هم به خاطر کار او شاد شد، آن مرد گفت:

ای پسر رسول خدا، گویا کاری که با من کرده، شما را شاد نمود؟ فرمود: آری، خدا و رسولش را هم شاد کرد.

۱۰- أَبَانِ بْنِ تَغْلِبٍ، گوید: از امام صادق علیه السلام از حق مؤمن بر مؤمن پرسیدم فرمود: حق مؤمن بر مؤمن بزرگتر از اینهاست، اگر بر شما بازگویم کافر می شوید، به راستی چون مؤمن از گورش بیرون آید با او نمونه ای از گور درآید و به او می گوید: مژده باد تو را از طرف خدا، کرامت و شادی، در پاسخش می گوید: خدا تو را مژده خوب بدهد، فرمود:

سپس با او می رود و بانچه گفت، پیوسته او را مژده می دهد و چون به جای ترسناکی بگذرد به او گوید: این از برای تو نیست و چون به نقطه خوبی گذر کند گوید: این از آن توست و پیوسته با اوست، از آنچه بیم دارد و به او آرامش و بدانچه دوست دارد مژده دهد تا با او در برابر خدای عزوجل قرار گیرد و هرگاه فرمان بهشت به او دهد، آن نمونه به او گوید: مژده باد تو را که خدای عزوجل فرمان بهشت داد، فرمود: به او می گوید: تو کیستی که به من مژده دادی از وقتی که از گورم به در آمدم و در راه به من آرامش دادی و از طرف پروردگارم مرا خبر خوش دادی؟ گوید: من همان شادی هستم که تو بر دل برادران خود در دنیا انداختی از

وَحُشَّتَكَ: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ مِثْلَهُ.

٢١٣٢-١١ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ - سُرُورُ الَّذِي تُدْخِلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ - تَطَرُّدُ عَنْهُ جَوْعَتُهُ - أَوْ تَكْشِيفُ عَنْهُ كُرْبَتُهُ.

٢١٣٣-١٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مُسْكِينٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا - خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ الشُّرُورَ - خَلْقًا فَيَلْقَاهُ عِنْدَ مَوْتِهِ - فَيَقُولُ لَهُ أَبَشِرْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ - بِكَرَامَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ - ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ - حَتَّى يَدْخُلَهُ قَبْرُهُ رَيْلِقَاهُ - فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ - فَإِذَا بُعِثَ يَلْقَاهُ - فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ - ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ عِنْدَ كُلِّ هَوْلٍ - يُبَشِّرُهُ وَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ - فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا الشُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَهُ عَلَى فُلَانٍ.

٢١٣٤-١٣ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

كَانَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ - وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ - بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا - بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَذَا ثَوَابُ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ الشُّرُورَ - فَقُلْتُ

آن آفریده شدم تا به تو مژده دهم و تو را از نگرانی نجات دهم.

۱۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

دوست‌ترین کارها نزد خداوند، شاد کردن مؤمن است، گرسنگی را از او دور سازی و گرفتاری را از او برداری.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را شاد کند، خدای عزوجل از آن شادی مخلوقی آفریند که هنگام مرگش او را دیدار کند و به او گوید: ای دوست خدا، مژده گیر به کرامت و احترام از طرف خدا و رضوان، سپس پیوسته با اوست تا در گورش در آید و مانند آن را به وی می‌گوید: و چون مبعوث شود، او را برخورد کند و مانند آن را به وی گوید، سپس پیوسته با اوست در برابر هر چیز ترسناکی، او را مژده دهد و مانند آن، به وی گوید، مؤمن به او می‌گوید، تو کیستی؟ خدا تو را رحمت کند، در پاسخ می‌گوید: من همان شادی هستم که در دل فلان کس وارد کردی.

۱۳- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ، گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام بود و این آیه را خواند «کسانی که مردان و زنان مؤمن را به غیر از آنچه که کرده‌اند (بدون گناه) آزار دهند متحمل بهتان و گناه بزرگی شده‌اند (احزاب / ۵۸)» گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

جَعَلْتُ فِدَاكَ عَشْرَ حَسَنَاتٍ - فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَ أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ.

٢١٣٥- ١٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ إِبْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَدْخَلَ الشُّرُورَ عَلَى مُؤْمِنٍ - فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَنْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - فَقَدْ وَصَلَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ - وَكَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ كَرِبًا.

٢١٣٦- ١٥ - عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَتَّصُورٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا - فَسَرَّهُ سِرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

٢١٣٧- ١٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِدْخَالُ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ إِشْبَاعُ جَوْعَتِهِ - أَوْ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ - أَوْ قَضَاءُ دِينِهِ.

بَابُ قَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ.

٢١٣٨- ١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَكَّارِ بْنِ كَرْدَمٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ اسْمَعْ مَا أَقُولُ لَكَ - وَاعْلَمْ أَنَّهُ الْحَقُّ - وَافْعَلْهُ

پس چه ثوابی دارد آنکه آن مؤمن را شاد کند؟ من گفتم: قربانت، ده حسنه، فرمود: آری به خدا و هزار هزار حسنه.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را شاد کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد کرده و هر کس وسیله شادی رسول خدا صلی الله علیه و آله را فراهم آورده، آن را به خدا پیوسته و چنین است کسی که مؤمنی را گرفتار و اندوهناک سازد (یعنی رسول خدا و بلکه خدا را آزرده است).

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به مسلمانی برخورد کند و او را شاد سازد، خدای عزوجل او را شاد کند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

از دوست‌ترین اعمال به درگاه خدای عزوجل شادی رساندن به مؤمن است سیر کردن او از گرسنگی، گشودن گره مشکلات او یا پرداختن بدهی او.

برآوردن خواسته مؤمن

۱- مُفَضَّل می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای مفضل، آنچه به تو می‌گویم بشنو و آن را به کار گیر و به برادران بزرگوار خود سفارش کن تا انجام دهند گفتم: قربانت گردم، برادران

وَأَخْبَرُ بِهِ عَلَيْهِ إِخْوَانِكَ - قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا عَلَيْهِ إِخْوَانِي - قَالَ
الرَّاغِبُونَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ - قَالَ ثُمَّ قَالَ وَمَنْ قَضَى لِأَخِيهِ
الْمُؤْمِنِ - حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ
مِنْ ذَلِكَ - أَوْ لَهَا الْجَنَّةُ وَمِنْ ذَلِكَ أَنْ يُدْخَلَ قَرَابَتَهُ - وَمَعَارِفَهُ وَإِخْوَانَهُ
الْجَنَّةَ - بَعْدَ أَنْ لَا يَكُونُوا نَصَابًا - وَكَانَ الْمُفْضَلُ إِذَا سَأَلَ الْحَاجَةَ - أَخَا
مِنْ إِخْوَانِهِ قَالَ لَهُ - أَمَا تَشْتَهِي أَنْ تَكُونَ مِنْ عَلَيْهِ الْإِخْوَانِ.

٢١٣٩-٢ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ - انْتَجَبَهُمْ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ فَقَرَاءِ
شِيعَتِنَا - لِيُثَبِّتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ الْجَنَّةِ - فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ
فَكُنْ - ثُمَّ قَالَ لَنَا وَاللَّهِ رَبُّ نَعْبُدُهُ - لَا نَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

٢١٤٠-٣ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ صَدَقَةَ الْأَحْذَبِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ - مِنْ عِثْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ - وَخَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ
فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ
مِثْلَ الْحَدِيثَيْنِ.

بزرگوارم کیانند؟ فرمود: آنان که علاقمند به برآوردن حوائج برادران خود می‌باشند، سپس فرمود: هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خدای عزوجل روز قیامت صد هزار حاجت او را برآورده کند که نخستین آنها بهشت است و دیگر آنکه خویشان و آشنایانش و برادرانش را به بهشت برد، بشرط آنکه دشمن ائمه نباشند، و شیوه مفضل این بود که هر وقت از یکی از برادران دینی خود تقاضای حاجتی می‌کرد به او می‌گفت: نمی‌خواهی که از برادران بزرگوار باشی؟

* * *

۲- به مفضل فرمود علیه السلام که: به راستی خدای عزوجل در آفریده‌های خود خلقی آفریده که آنها را برای برآورده کردن خواسته‌های شیعه‌های مستمند ما برگزیده تا در برابر آن، بهشت به آنها دهد، اگر بتوانی از آنها باشی از آنها باش، سپس فرمود: به خدا برای ما پروردگاری است که او را پرستش کنیم و چیزی را شریک او نسازیم.

* * *

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

برآوردن حاجت مؤمن، بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر است از تقدیم هزار اسب در راه خدا (یعنی فرستادن آنها به جهاد)

* * *

٢١٤١-٤- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ - أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً - كُلُّ حَجَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا - مِائَةَ أَلْفٍ.

٢١٤٢-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - جُعِلَتْ فِدَاكَ الْمُؤْمِنُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَاكَ - قَالَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى أَخَاهُ فِي حَاجَةٍ - فَإِنَّمَا ذَلِكَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ - سَاقَهَا إِلَيْهِ وَ سَبَّهَا لَهُ - فَإِنْ قَضَى حَاجَتَهُ - كَانَ قَدْ قَبِلَ الرَّحْمَةَ بِقَبُولِهَا - وَإِنْ رَدَّ عَنْ حَاجَتِهِ - وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا - فَإِنَّمَا رَدَّ عَنْ نَفْسِهِ - رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ - سَاقَهَا إِلَيْهِ وَ سَبَّهَا لَهُ وَ ذَخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ الرَّحْمَةَ - إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَكُونَ - الْمَرْدُودُ عَنْ حَاجَتِهِ هُوَ الْحَاكِمُ فِيهَا - إِنْ شَاءَ صَرَفَهَا إِلَى نَفْسِهِ - وَ إِنْ شَاءَ صَرَفَهَا إِلَى غَيْرِهِ - يَا إِسْمَاعِيلُ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ - وَهُوَ الْحَاكِمُ فِي رَحْمَةِ مِنَ اللَّهِ - قَدْ شَرِعتْ لَهُ فَإِلَى مَنْ تَرَى يَصْرِفُهَا - قُلْتُ لَا أَظُنُّ يَصْرِفُهَا عَنْ نَفْسِهِ - قَالَ لَا تَظُنُّ وَلَكِنْ اسْتَيْقِنُ - فَإِنَّهُ لَنْ يَرُدَّهَا عَنْ نَفْسِهِ - يَا إِسْمَاعِيلُ مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ فِي حَاجَةٍ - يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ - سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعاً - يَنْهَشُ إِبْهَامَهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - مَغْفُوراً لَهُ أَوْ مُعَذَّباً.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

بر آوردن حاجت مرد مؤمن نزد خداوند پسندیده تر است از بیست حجی که در راه هر یک از آنها صد هزار دینار خرج شود.

۵- اِسْمَاعِیلُ بْنُ عَمَّارٍ صَیْرَفِی می گوید: من به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت،

مؤمن برای مؤمن رحمت است؟ فرمود: آری، گفتم:

چگونه؟ فرمود: هر مؤمنی که برای حاجتی نزد برادر دینی خود رود رحمتی است که خدا به سوی او کشانیده و برای او فراهم کرده و اگر حاجتش را بر آورد، رحمت را پذیرفته، و اگر حاجت او را رد کند، رحمت خدای عزوجل را که به سوی او کشانده و برای او فراهم ساخته بود از خود دور ساخته و خداوند عزوجل این رحمت را تا روز قیامت برای آن کسی که حاجت او رد شده ذخیره ساخته تا درباره آن قضاوت کند، اگر خواهد آن را به خود برگرداند و اگر خواهد به دیگری برساند، ای اسماعیل، چون روز قیامت شود و او در رحمت خدا حاکم گردد که

به او اجازه داده شده به نظر تو آن را به چه کسی برگرداند؟

گفتم: گمان ندارم که آن را از خود برگرداند، فرمود: گمان مدار بلکه یقین داشته باش که آن را هرگز از خود برنگرداند، ای اسماعیل، هر کس برادرش در حاجتی که دارد به او مراجعه کرد و او می توانست بر آورده نسازد ولی بر آورده نکرد خداوند در گورش ماری را بر او بگمارد که تا روز رستاخیز انگشت بزرگ او را به دندان خود بگزد و بجود، خواه آمرزیده شود و خواه کیفر گردد.

٢١٤٣-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ أَسْبُوعاً - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ - سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ - وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ - وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ - قَالَ وَزَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ - وَقَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَاجَةٍ - قَالَ ثُمَّ قَالَ وَقَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَطَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا.

٢١٤٤-٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا قَضَى مُسْلِمٌ مُسْلِمًا حَاجَةً - إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيَّ ثَوَابُكَ وَلَا أَرْضَى لَكَ - بِدُورِ الْجَنَّةِ.

٢١٤٥-٨- عَنْهُ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا وَاحِدًا - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ - وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ - وَرَفَعَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ - حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَلْتَزِمِ - فَتَحَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ - قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ - هَذَا الْفَضْلُ كُلُّهُ فِي الطَّوَافِ - قَالَ نَعَمْ وَ أَخْبِرُكَ بِأَفْضَلٍ مِنْ ذَلِكَ - قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُسْلِمِ - أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ - وَ طَوَافٍ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به خانه (خانه کعبه) یک هفته طواف کند، خدای عزوجل برای او شش هزار حسنه بنویسد و از او شش هزار سیئه محو کند و شش هزار درجه از او بالا برد.

گوید: اسحاق بن عمار این را هم اضافه کرده که فرمود: و شش هزار حاجت او را برآورده سازد.

گوید: سپس فرمود: و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از طواف و طواف و تا ده بر شمرد.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ مسلمانی حاجت مسلمانی را برآورده نیازد جز اینکه خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد: بر من است مزد تو و کمتر از بهشت را برایت نپسندم.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به این خانه (یعنی خانه کعبه) طوافی کند، خدای عزوجل برای او شش هزار حسنه بنویسد و از او شش هزار سیئه محو کند و شش هزار درجه از او بالا برد و چون نزد ملتزم (قسمتی از دیوار پشت خانه کعبه) رسد، خدا هفت در، از بهشت به روی او بگشاید، من به او گفتم: قربانت گردم این همه فضیلت در طواف است؟ فرمود: آری و من تو را به بهتر از آن خبر دهم، برآوردن حاجت مسلمانی بهتر است از طواف و طواف تا برسد به ده طواف.

٢١٤٦- ٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ الْخَارِقِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - يَطْلُبُ
بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ - حَتَّى تُقْضَى لَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ - بِذَلِكَ مِثْلَ
أَجْرِ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ - وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ
وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ - وَ مَنْ مَشَى فِيهَا بِنِيَّةٍ - وَلَمْ تُقْضَ كَتَبَ
اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ - مِثْلَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ فَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ.

٢١٤٧- ١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ الْحَسَنِ
بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَنَافَسُوا فِي الْمَعْرُوفِ لِأَخْوَانِكُمْ - وَ كُونُوا
مِنْ أَهْلِهِ - فَإِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ - الْمَعْرُوفُ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ اصْطَنَعَ
الْمَعْرُوفَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَمُوتُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ -
فَيُؤَكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكََيْنِ - وَاحِدًا عَنْ يَمِينِهِ وَ آخَرَ عَنْ شِمَالِهِ -
يَسْتَغْفِرَانِ لَهُ رَبَّهُ - وَ يَدْعُوَانِ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ - ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ لَرَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَسْرُ بِقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ - إِذَا وَصَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ
صَاحِبِ الْحَاجَةِ.

۹- اِثْرَاهِيْمُ خَارِقِي، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

هر کس در انجام حاجت برادر مؤمن خود راه برود و مزد خود را از خدا بخواهد تا حاجتش برآورده شود خدای عزوجل برای او در برابر آن، چون مزد یک حج و یک عمره پذیرفته شده را بنویسد و روزه دو ماه از ماه های محرم و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام، و هر کس با نیت الهی برای آن تلاش کند ولی انجام نگیرد خدا در برابرش برای او یک حج پذیرفته بنویسد پس در انجام کار خیر کوشا باشید.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

در کار خوب با برادران خود رقابت کنید و اهل آن باشید، زیرا برای بهشت، دری است که آن را «معروف» گویند و از آن در کسی وارد نشود جز آنکه در دنیا خوبی کرده باشد، زیرا بنده ای که برای برآوردن حاجت برادر مؤمن خود تلاش کند خدای عزوجل دو فرشته بر او بگمارد، یکی از طرف راست و دیگری از طرف چپش تا از خدا آمرزش بخواهند و برای برآوردن حاجتش دعا کنند، سپس فرمود:

به خدا که رسولش صلی الله علیه و آله شادتر است به برآوردن حاجت مؤمن وقتی که خبرش از طرف صاحب حاجت به او برسد.

٢١٤٨-١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
وَاللَّهِ لَأَنْ أَحُجَّ حَجَّةً - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ رَقَبَةً - وَ رَقَبَةً وَ رَقَبَةً وَ
مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا - حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا - حَتَّى بَلَغَ السَّبْعِينَ
وَ لَأَنْ أَعُولَ أَهْلَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - أَسَدُّ جُوعَتِهِمْ وَ أَكْثَوُ عَوْرَتِهِمْ
فَأَكْفُ وَ جُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَحُجَّ حَجَّةً - وَ حَجَّةً وَ
حَجَّةً وَ مِثْلَهَا حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا وَ مِثْلَهَا حَتَّى بَلَغَ السَّبْعِينَ.

٢١٤٩-١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ صَاحِبِ
الشَّعِيرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ مِنْ عِبَادِي مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ
بِالْحَسَنَةِ فَأُحْكِمُهُ فِي الْجَنَّةِ - فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَ مَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ - قَالَ
يَمْشِي مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - فِي قَضَاءٍ حَاجَتِهِ قُضِيَتْ أَوْ لَمْ تُقْضَ.

٢١٥٠-١٣- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ - فَإِنَّمَا هِيَ
رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - سَاقَهَا إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَ ذَلِكَ - فَقَدْ وَصَلَهُ
بِوَلَايَتِنَا وَ هُوَ - مَوْصُولٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ - وَ إِنْ رَدَّهُ عَنْ حَاجَتِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ
عَلَى قَضَائِهَا - سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا مِنْ نَارٍ - يَنْهَشُهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ - مَغْفُورًا لَهُ أَوْ مُعَذَّبًا - فَإِنْ عَذَرَهُ الطَّالِبُ كَانَ أَسْوَأَ حَالًا.

۱۱- امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا اگر من حجّی کنم، دوست تر دارم از اینکه بنده‌ای را آزاد کنم و باز هم بنده‌ای و بنده‌ای و مانند آن تا برسد به ده برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد. و اگر یک خاندان مسلمان را مخارج بدهم، شکم آنها را سیر کنم و عورت آنها را بپوشانم و آبروی آنها را از مردم حفظ کنم برایم بهتر است از اینکه حجّی انجام دهم و باز هم حجّی (و حجّی) و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده حجّ و مانند آن و مانند آن تا برسد به هفتاد حجّ.

۱۲- محمد بن قیس، از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: خدای عزّوجلّ به موسی علیه السلام وحی کرد که: به راستی برخی از بندگانم با خوش کرداری به من نزدیک شوند تا به جایی که او را در بهشت انتخاب کنم و او را حاکم سازم. موسی علیه السلام عرض کرد: بار خدایا این حسنه چیست؟ در پاسخ فرمود: کسی که برای برآوردن حاجت مؤمن تلاش کند خواه موفق شود یا نشود.

۱۳- علی بن جعفر، گوید: شنیدم ابوالحسن علیه السلام می‌فرمود: هر کس برای عرض حاجتی نزد برادر مؤمنش بیاید همانا آن حاجت رحمتی است از طرف خدای تبارک و تعالی که به سوی او روانه کرده و اگر آن را بپذیرد به ولایت ما پیوسته و اگر او با آنکه در روا کردن آن حاجت، تواناست بی‌نتیجه برگرداند، خداوند در گورش مار آتشی بر او مسلط سازد که تا قیامت او را بگزد خواه آمرزیده باشد یا معذب و اگر حاجتخواه عذر او را بپذیرد بد حال تر باشد. (یعنی علاوه بر مار آتشی در قبر، عذاب بیشتری به او برساند زیرا صاحب حاجت بزرگواری کرده و عذر او را پذیرفته است)

٢١٥١-١٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
بَزْرِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرَدُّ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ - فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فِيهِمْ بِهَا قَلْبُهُ -
فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمُ الْجَنَّةَ..

بَابُ السَّغْيِ فِي حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ

٢١٥٢-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ مَشَى الرَّجُلُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - يُكْتَبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ
وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ - وَيُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ - قَالَ وَلَا
أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ - وَيَعْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ - وَأَفْضَلُ مِنْ إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ فِي
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

مرکز تحقیقات کتب و ترمیم و اسناد

٢١٥٣-٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ - يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ
النَّاسِ - هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا -
فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٢١٥٤-٣- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّادِ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ - أَظَلَّهُ اللَّهُ بِخُمْسَةِ وَ
سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ - وَلَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً - وَحَطَّ

۱۴- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی مؤمن حاجتمندی برای برآورده شدن حاجتش، به شخصی مراجعه می‌کند که نمی‌تواند انجام دهد ولی او تلاش خود را می‌کند به یقین خداوند بخاطر همت و دلبستگی او، برای برآوردن حاجت برادر مؤمن خود، او را به بهشت می‌برد.

کوشش در حاجت مؤمن

۱- محمد بن مروان، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

مردی که در انجام حاجت برادر مؤمنش گام برمی‌دارد ده حسنه برایش می‌نویسند و ده سیئه از او محو می‌گردد و ده درجه از او بالا می‌رود، گوید: به نظرم جز این نفرموده که برابر آزاد کردن ده بنده است و بهتر است از اعتکاف یک ماه در مسجد الحرام.

مرکز تحقیقات قرآنی و حدیثی

۲- معمر بن خلاد، گوید: شنیدم ابوالحسن علیه السلام می‌فرمود:

به راستی برای خدا بنده هائی است در زمین که برای برآوردن خواسته‌های مردم تلاش می‌کنند آنان در روز قیامت آسوده‌اند، و هرکس وسیله شادی مؤمنی را فراهم سازد، خدا دلش را در روز قیامت شاد کند.

۳- ابی عبیده حذاء، می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس در انجام حاجت برادر مسلمانش راه رود، خداوند توسط هفتاد و پنج هزار فرشته بر او سایه افکند و گامی برندارد جز این که خدا

عَنْهَا سَيِّئَةً - وَيَرْفَعُ لَهُ بِهَا دَرَجَةً - فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ حَاجَتِهِ - كَتَبَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا - أَجْرَ حَاجٍ وَمُعْتَمِرٍ.

٢١٥٥ - ٤ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ
صَدَقَةَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ حُلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَأَنْ أَمْشِيَ فِي حَاجَةٍ أَخِي مُسْلِمٍ - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ -
وَأَهْلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ - مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةٍ.

٢١٥٦ - ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْشِي لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ - إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ
بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٍ - وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ - وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً
وَزِيدَ بَعْدَ ذَلِكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ - وَشُفِّعَ فِي عَشْرِ حَاجَاتٍ.

٢١٥٧ - ٦ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى
عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ - طَلَبَ وَجْهَ اللَّهِ - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
لَهُ أَلْفَ أَلْفٍ حَسَنَةٍ - يَغْفِرُ فِيهَا لِأَقَارِبِهِ وَجِيرَانِهِ - وَإِخْوَانِهِ وَ
مَعَارِفِهِ - وَمَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا - فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ
لَهُ - أَدْخُلِ النَّارَ فَنُ وَجَدْتَهُ فِيهَا - صَنَعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا
فَأَخْرَجَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبًا.

برایش حسنه‌ای بنویسد و گناهی از او بریزد و درجه‌ای بالایش برد و چون از حاجت او فارغ شود، خدای عزوجل برای او مزد کسی که حج و عمره کرده بنویسد.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر من در انجام حاجت برادر مسلمانم قدم بردارم برایم دوست داشتنی تر است از اینکه هزار بنده را آزاد کنم و در راه خدا هزار اسب با زین و لگام زیر پای جهادگران قرار دهم.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ مؤمنی نیست که برای برادر مؤمنش در انجام حاجتی دوندگی کند جز اینکه خدای عزوجل برای هر گامی برایش حسنه‌ای بنویسد و سیئه‌ای فرو ریزد و درجه‌ای بالا برد و پس از آن ده حسنه برایش افزوده شود و در ده حاجت وساطتش پذیرفته گردد.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس در انجام حاجت برادر مسلمانش بکوشد و رضای خدا بخواهد، خدای عزوجل برای او هزار حسنه بنویسد که در ضمن آن، خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان باشند و هرکس در دنیا به او خوبی کرده، آمرزیده شود و چون روز رستاخیز فرا رسد، به او گفته شود که به دوزخ برو و هرکس را دیدی که در دنیا به تو خوبی کرده، به اجازه خدای عزوجل او را بیرون بیاور جز اینکه دشمن اهل بیت باشد.

٢١٥٨-٧- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ - فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرَى اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاءَهَا - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً - وَ إِعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا - وَ إِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَلَمْ يُجِرِ اللَّهُ قَضَاءَهَا عَلَى يَدَيْهِ - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً.

٢١٥٩-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُنْ بِالْمَرْءِ إِعْتَادًا عَلَى أَخِيهِ - أَنْ يُنْزَلَ بِهِ حَاجَتُهُ.

٢١٦٠-٩- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

كُنْتُ جَالِسًا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ - يُقَالُ لَهُ مَيْمُونٌ فَشَكَا إِلَيْهِ - تَعَذُّرَ الْكِرَاءِ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي - قُمْ فَأَعِنْ أَخَاكَ - فَقُمْتُ مَعَهُ فَيَسَّرَ اللَّهُ كِرَاءَهُ - فَرَجَعْتُ إِلَى مَجْلِسِي - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا صَنَعْتَ فِي حَاجَةِ أَخِيكَ - فَقُلْتُ قَضَاهَا اللَّهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي - فَقَالَ أَمَا إِنَّكَ أَنْ تُعِينَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَوَافِ أَسْبُوعٍ بِالْبَيْتِ مُبْتَدِئًا - ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَجُلًا - أَتَى الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي - أَعِنِّي عَلَى قَضَاءِ حَاجَةٍ - فَانْتَعَلَ وَقَامَ مَعَهُ - فَمَرَّ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ لَهُ - أَيْنَ كُنْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس در انجام حاجت برادر مؤمنش بکوشد و تلاش کند و حاجت او را برآورده سازد خدای عزوجل برایش یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آنها را بنویسد و اگر در انجام آن بکوشد ولی به نتیجه‌ای نرسد خدای عزوجل برای او یک حج و یک عمره بنویسد.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

برای مرد در اظهار اعتماد به برادر دینی خود، همین قدر کافیست که برای رفع حاجت خود به او مراجعه کند.

۹- صفوان جمال، گوید: من با امام صادق علیه السلام نشسته بودم، به ناگاه مردی از اهل مکه به نام میمون وارد شد و در حضور حضرت از نداشتن کرایه بدهکاری خود، شکوه کرد، آن حضرت به من فرمود: بر خیز، به برادر خود کمک کن، من با او برخاستم و کرایه بدهی او را فراهم کردم و به مجلس خود بازگشتم.

امام صادق علیه السلام فرمود: با حاجت برادرت چه کردی؟ گفتم: خدا آن را برآورده ساخت، پدر و مادرم قربانت، پس فرمود: همانا به راستی که کمکت به برادر مسلمانان نزد دوست داشتنی‌تر از این است که یک هفته طواف خانه کعبه کنی سپس فرمود:

مردی نزد حسن بن علی علیه السلام آمد و عرض کرد: پدر و مادرم قربانت، مرا برای برآوردن حاجتی کمک کن، آن حضرت نعلین خود را به پا کرد و با او برخاست و برحسین علیه السلام گذر کرد که ایستاده بود و نماز می‌خواند،

تَسْتَعِينُهُ عَلَى حَاجَتِكَ قَالَ - قَدْ فَعَلْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي - فَذَكَرَ أَنَّهُ
مُعْتَكِفٌ فَقَالَ لَهُ - أَمَا إِنَّهُ لَوْ أَعَانَكَ - كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ إِعْتِكَافِهِ شَهْرًا.

٢١٦١-١٠ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِثْنِ
سِنَانٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْسِبُهُمْ إِلَيَّ
الْطَّفُّهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.

٢١٦٢-١١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عُمَارَةَ قَالَ:

كَانَ حَمَّادُ بْنُ أَبِي حَنِيْفَةَ إِذَا لَقِيَني - قَالَ كَرَّرُ عَلَيَّ حَدِيثَكَ فَأَحَدِيْهُ قُلْتُ
رَوَيْنَا أَنَّ عَابِدَ بْنَ إِسْرَائِيلَ كَانَ إِذَا بَلَغَ الْغَايَةَ فِي الْعِبَادَةِ - صَارَ مَشَاءً
فِي حَوَائِجِ النَّاسِ عَانِيًا بِمَا يُصْلِحُهُمْ.

بَابُ تَفْرِيجِ كَرْبِ الْمُؤْمِنِ.

٢١٦٣-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِثْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ
الشَّعَّامِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ أَغَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ اللَّهْثَانَ عِنْدَ
جَهْدِهِ فَنَفْسَ كُرْبَتِهِ - وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ
بِذَلِكَ - ثِنْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ - يُعَجَّلُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةٌ يُصْلِحُ
بِهَا أَمْرَ مَعِيشَتِهِ - وَ يَدَّخِرُ لَهُ إِحْدَى وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً - لِأَفْزَاعِ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَ أَهْوَالِهِ.

به آن مرد فرمود: کجا بودی که ابی عبدالله الحسین علیه السلام را برای حاجت خود به یاری طلبی؟ گفت: - پدر و مادرم قربانت باد همین کار را کردم در پاسخ فرمود که: معتكف است، به آن مرد فرمود: همانا راستش این است که اگر به تو کمک کرده بود برای او بهتر از اعتکاف یک ماه بود.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرماید:

خلق، عیال مانند و دوست ترین آنها نزد من، مهربان ترین و کوشاترین آنها در برآوردن حاجت های مردم است.

۱۱- ابی عماره، گوید: هرگاه حماد بن ابی حنیفه به من بر می خورد می گفتم: حدیث را برایم تکرار کن، من هم برای او باز می گفتم، گویم: برای ما روایت شده که یک عابد بنی اسرائیل چون به پایان عبادت می رسید و دوران آن را طی می کرد، کارگزار حوائج مردم می شد و متوجه اصلاح کارهای آنها می گردید.

حل گرفتاری مؤمن

۱- زید شحام، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

هرکس به داد برادر مؤمن گرفتار تشنه کام خود برسد در وقتی که پایداری از او گرفته شده است و گرفتاری او را برطرف کند و برای انجام حاجتش به او کمک کند، خدای عزوجل بخاطر این کار برای او هفتاد و دو رحمت از طرف خداوند برایش بنویسد یکی از آنها بزودی در دنیا به او دهد و بخاطر آن کار زندگیش را اصلاح کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای ترک و هراس او از قیامت ذخیره سازد.

٢١٦٤-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوَالِي عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا نَفْسَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - عَنْهُ ثَلَاثًا وَ
 سَبْعِينَ كُرْبَةً - وَاحِدَةً فِي الدُّنْيَا وَثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ - كُرْبَةً عِنْدَ كُرْبِهِ
 الْعَظْمَى - قَالَ حَيْثُ يَتَشَاغَلُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ.

٢١٦٥-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ عَنْ
 مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً - نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ
 كَرْبَ الْآخِرَةِ - وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ هُوَ ثَلَجُ الْفُؤَادِ - وَ مَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ
 جُوعٍ - أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ - وَ مَنْ سَقَاهُ شَرْبَةً - سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ
 الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢١٦٦-٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ
 الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ - فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٢١٦٧-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ
 بْنِ صَالِحٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً - وَ هُوَ
 مُعْسِرٌ يَسَّرَ اللَّهُ لَهُ - حَوَائِجَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - قَالَ وَ مَنْ سَتَرَ عَلَى
 مُؤْمِنٍ عَوْرَةً - يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً - مِنْ عَوْرَاتِ

۲- امام صادق علیه السلام می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مؤمنی را کمک کند، خدای عز و جل هفتاد و سه گرفتاری را از او رفع کند، یکی در دنیا و هفتاد و دو گرفتاری هنگام گرفتاری بزرگ او، فرمود: آنجا که هر کس به خود مشغول است.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس یک گرفتاری را از مؤمنی برطرف کند، خدا گرفتاری های روز قیامت را از او برطرف کند و از گورش دل شاد و آسوده بر آید و هر کس مؤمنی را خوراکی دهد، خدا به او از میوه های بهشت بخوراند و هر کس او را سیراب کند، خداوند او را از شراب بهشتی سربسته بنوشاند.

۴- امام رضا علیه السلام فرمود:

هر کس به مؤمنی گشایش در زندگی دهد، خدا روز قیامت گره را از دلش بگشاید.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر مؤمنی که برای رفع تنگدستی برادر مؤمن خود، تلاش کند و آن را اصلاح نماید خدا حوائج دنیا و آخرتش را آسان سازد آنگاه فرمود: و هر کس عیبی را از مؤمنی پوشاند که از آن بیم دارد خدا هفتاد عیب از عیب های دنیا و آخرتش را بپوشاند سپس فرمود: تا زمانی که مؤمن در مسیر کمک به برادر مؤمن خویش است خداوند در راه کمک به اوست از پند و اندرزها سود ببرد و میل به انجام کارهای خیر داشته باشید.

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - قَالَ وَاللَّهِ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ - مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ - فَانْتَفِعُوا بِالْعِظَةِ وَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ.

بَابُ إِطْعَامِ الْمُؤْمِنِ.

٢١٦٨-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَشْبَعَ مُؤْمِنًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ - وَمَنْ أَشْبَعَ كَافِرًا - كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَمْلَأَ جَوْفَهُ مِنَ الزَّقُّومِ - مُؤْمِنًا كَانَ أَوْ كَافِرًا.

٢١٦٩-٢ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ - قُلْتُ وَمَا الْأَفْقُ - قَالَ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ.

٢١٧٠-٣ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ - فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ الْفِرْدَوْسِ - وَجَنَّةِ عَدْنٍ وَطُوبَى (وَأَشَجَرَةٍ) - تَخْرُجُ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا دُنْيَا بِيَدِهِ..

باب اطعام مؤمن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب است و هر کس کافری را سیر کند بر خدا لازم است که دلش را از زقوم (جهنم) پر کند، خواه مؤمن باشد خواه کافر.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر من مسلمانی را اطعام کنم، نزد من دوست داشتنی تر است از خوراک دادن افقی از مردم عرض کردم: افق چقدر است؟ فرمود: صد هزار یا بیشتر.

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس سه تن از مسلمانان را اطعام کند، خدایش از سه بهشت در ملکوت آسمانها اطعام کند: فردوس و بهشت و عدن و طوبی، درختی که از جنت عدن برآید و پروردگار ما، آن را به دست خود کاشته. (یعنی آن را تنها به قدرت خود بدون اسباب دیگری آفریده)

٢١٧١-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ
الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ بَيْتَهُ مُؤْمِنِينَ - فَيُطْعِمُهُمَا شِبَعَهُمَا إِلَّا - كَانَ ذَلِكَ
أَفْضَلَ مِنْ عِتْقِ نَسَمَةٍ .

٢١٧٢-٥- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ - أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ - وَ مَنْ سَقَى
مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَأٍ - سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ .

٢١٧٣-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَشْبَعَهُ - لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ - مَا لَهُ مِنْ
الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ - لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ - إِلَّا اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ - ثُمَّ قَالَ مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ - إِطْعَامُ الْمُسْلِمِ السَّغْبَانِ - ثُمَّ تَلَا
قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَوْ إِطْعَامُ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ - يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ - أَوْ
مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ .

٢١٧٤-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ - مِنْ حَيْثُ يَقْدِرُ عَلَى
الْمَاءِ - أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شَرْبَةٍ - سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ - وَإِنْ سَقَاهُ مِنْ
حَيْثُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ - فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ عَشْرَ رِقَابٍ - مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ .

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی نیست که دو تن مؤمن را به خانه خود آورد و آنها را با خوراک سیر سازد جز اینکه این کار برایش از آزاد کردن بنده بهتر باشد.

۵- ای بن الحسین علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را در گرسنگی اطعام کند، خداوند از میوه‌های بهشت به او بخوراند و هر کس مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند از شراب سر بسته بهشت به او بنوشاند.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمن را اطعام کند تا سیرش سازد، هیچ کس اندازه‌مزدی که در آخرت دارد نداند، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل جز خدا پروردگار جهانیان، سپس فرمود:

از اسباب آمرزش، اطعام مسلمان گرسنه است، سپس قول خدای عزوجل را خواند: «یا اطعام یتیم خویشاوند، یا گرسنه خاک نشین، در روز قحطی و گرسنگی (بلد / ۱۴ - ۱۶)».

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

هر کس شربت آبی را به مؤمنی بنوشاند که بدان تواناست، خدایش به هر شربتی هفتاد هزار حسنه به او دهد و اگر به او آبی را بنوشاند در جائی که توانائی به آن ندارد (برایش بسیار دشوار است) مثل این است که ده بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد ساخته است.

٢١٧٥-٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ الصَّحَّافِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَتُحِبُّ إِخْوَانَكَ يَا حُسَيْنُ - قُلْتُ نَعَمْ قَالَ تَنْفَعُ فَقَرَاءَهُمْ - قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَا إِنَّهُ يَحِقُّ عَلَيْكَ - أَنْ تُحِبَّ مَنْ يُحِبُّ اللَّهُ أَمَا وَاللَّهِ لَا تَنْفَعُ مِنْهُمْ أَحَدًا حَتَّى تُحِبَّهُ - أَتَدْعُوهُمْ إِلَى مَنَزِلِكَ - قُلْتُ نَعَمْ مَا آكُلُ إِلَّا وَمَعِيَ - مِنْهُمْ الرَّجُلَانِ وَالثَّلَاثَةُ - وَالْأَقْلُ وَالْأَكْثَرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَا إِنْ فَضَّلَهُمْ عَلَيْكَ - أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَطْعِمُهُمْ طَعَامِي - وَأَوْطِئُهُمْ رَحْلِي وَيَكُونُ فَضْلُهُمْ عَلَيَّ أَعْظَمَ - قَالَ نَعَمْ إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا مَنَزِلَكَ - دَخَلُوا بِمَغْفِرَتِكَ وَمَغْفِرَةِ عِيَالِكَ - وَإِذَا خَرَجُوا مِنْ مَنَزِلِكَ - خَرَجُوا بِذُنُوبِكَ وَذُنُوبِ عِيَالِكَ.

٢١٧٦-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَائِسِيِّ قَالَ: ذَكَرَ أَصْحَابُنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ مَا أَتَغَدَّى وَلَا أَتَعَشَّى إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ الْإِثْنَانِ - وَالثَّلَاثَةُ وَأَقْلُ وَأَكْثَرُ - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فَضْلُهُمْ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ - كَيْفَ وَأَنَا أَطْعِمُهُمْ طَعَامِي - وَأَنْفِقُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَالِي - وَأُخْدِمُهُمْ عِيَالِي فَقَالَ - إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا عَلَيْكَ دَخَلُوا بِرِزْقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرٍ وَإِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ.

۸- حسین بن نعیم صحاف می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حسین، برادرانت را دوست داری؟ گفتم: آری، فرمود: همانا راستش این است بر تو سزاوار است که دوست بداری هر کس که خدا را دوست می دارد، همانا به خدا هیچ کدام آنها را سود نرسانی تا او را دوست بداری، آیا آنها را به خانه ات دعوت می کنی؟ گفتم: آری، من غذا نمی خورم تا دو سه مرد یا کم و بیش به همراه من باشند، پس امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فضل ایشان بر تو بیش تر است از فضل تو برایشان، پس من گفتم: قربانت، آنها را از طعام خود بخورانم و فرشم را زیر پای آنها بیندازم و فضل آنها بیش از من باشد؟ فرمود: آری زیرا وقتی آنها به منزلت در آیند، آمرزش برایت بیاورند و آمرزش برای خانواده است و چون از خانه ات بیرون آیند، گناهان تو و خاندانت را از بین ببرند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۹- ابی محمد وابشی، گوید: نزد امام صادق علیه السلام از اصحاب ما (شیعیان) یاد شد و من گفتم: صبحانه و شامی نخورم جز آنکه دو سه تن یا بیش و کم از آنها همراهم باشند، امام صادق علیه السلام فرمود: فضل آن میهمانان بر تو که میزبانی، بیشتر است از فضل تو بر آنان، گفتم: قربانت گردم، چگونه با اینکه من از طعام خودم به آنها می خورانم و از مالم برای آنها خرج می کنم و عیالم به آنها خدمت می کند؟ فرمود: برای آنکه چون آنها بر تو وارد شوند، روزی بسیاری از طرف خدای عزوجل برای تو می آورند و چون بیرون روند با آمرزش تو بیرون روند.

٢١٧٧- ١٠- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَقْرِنٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مُسْلِمًا - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَفْقًا - مِنَ النَّاسِ قُلْتُ
وَكَمْ الْأَفْقُ - فَقَالَ عَشْرَةُ آلَافٍ.

٢١٧٨- ١١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ أَطْعَمَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ - كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
مِثْلُ مَنْ أَطْعَمَ فِتْنَامًا مِنَ النَّاسِ - قُلْتُ وَمَا الْفِتْنَامُ مِنَ النَّاسِ - قَالَ مِائَةُ
أَلْفٍ مِنَ النَّاسِ.

٢١٧٩- ١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ:
قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مَنَعَكَ أَنْ تُعْتِقَ كُلَّ يَوْمٍ نَسَمَةً - قُلْتُ لَا
يَحْتَمِلُ مَالِي ذَلِكَ - قَالَ تُطْعِمُ كُلَّ يَوْمٍ مُسْلِمًا - فَقُلْتُ مُوسِرًا أَوْ
مُغْسِرًا قَالَ - فَقَالَ إِنَّ الْمُسِرَّ قَدْ يَشْتَهِي الطَّعَامَ.

٢١٨٠- ١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أَكَلَةٌ يَأْكُلُهَا أَخِي الْمُسْلِمُ عِنْدِي - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ رَقَبَةً.

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر من یک مرد مسلمان را اطعام کنم، برایم بهتر است از اینکه یک اُفق از مردم را اطعام کنم گفتم: اُفق چه اندازه است؟ فرمود: ده هزار.

۱۱- ربیع گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس برادر دینی خود را اطعام کند، مزد کسی را دارد که گروهائی از مردم را اطعام کرده باشد گفتم: گروهان از مردم چقدر است؟ فرمود: صد هزار.

۱۲- سدید صیرفی، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

چرا هر روز یک بنده را آزاد نکنی؟ گفتم: دارائی من به آن نرسد فرمود: هر روز یک مسلمانی را اطعام کن، گفتم: دارا باشد یا ندار؟ فرمود: گاهی ثروتمند هم به غذا نیاز دارد.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

خوراکی که برادر مسلمانم نزد من بخورد برایم دوست داشتنی تر است از آزاد کردن یک بنده.

٢١٨١-١٤- عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَأَنْ أُشْبِعَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِي - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَدْخُلَ سُوقَكُمْ - هَذَا
فَأَبْتَعَ مِنْهَا رَأْسًا فَأَعْتَقَهُ.

٢١٨٢-١٥- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَأَنْ آخُذَ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ - وَأَدْخُلَ إِلَى سُوقِكُمْ هَذَا - فَأَبْتَعَ بِهَا الطَّعَامَ وَ
أَجْمَعَ نَفَرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً.

٢١٨٣-١٦- عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سُئِلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام مَا يَغْدِلُ عَتَقَ رَقَبَةٍ - قَالَ إِطْعَامُ رَجُلٍ مُسْلِمٍ.

٢١٨٤-١٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَرَى شَيْئًا يَغْدِلُ زِيَارَةَ الْمُؤْمِنِ - إِلَّا إِطْعَامُهُ وَ
حَقُّ عَلَى اللَّهِ - أَنْ يُطْعِمَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا - مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ.

٢١٨٥-١٨- مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ
عُقْبَةَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَأَنْ أَطْعِمَ مُؤْمِنًا مُحْتَاجًا - أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَزُورَهُ - وَلَأَنْ أَزُورَهُ أَحَبُّ
إِلَيَّ - مِنْ أَنْ أُعْتِقَ عَشْرَ رِقَابٍ.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر آینه اگر مردی از برادرانم را سیر کنم برایم دوست داشتنی تر است از اینکه در این بازار شما بیایم و بنده‌ای را بخرم و آزاد سازم.

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر ۵ درهم بردارم و در بازار بیایم و خوراکی بخرم و چند تن از مسلمانان را به دور او جمع کنم نزد من بهتر است از اینکه یک بنده را آزاد کنم.

۱۶- از امام باقر علیه السلام پرسیدند، با آزاد کردن بنده چه چیز برابر است؟ فرمود: غذا دادن به یک مسلمان.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

من چیزی را نمی‌بینم که برابر زیارت مؤمن باشد جز اطعام او و بر خدا سزاوار است که هر کس مؤمن را اطعام کند، او را از طعام بهشت بخوراند.

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مؤمن محتاجی را اطعام کنم، برایم دوست داشتنی تر است از اینکه او را دیدار کنم و اگر او را دیدار کنم، برایم دوست داشتنی تر است از اینکه ده بنده را آزاد کنم.

٢١٨٦-١٩- صالح بن عقیبة عن عبد الله بن محمد و يزيد بن عبد الملك عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مُوسِرًا - كَانَ لَهُ يَغْدِلُ رَقَبَةً - مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ يُنْقِذُهُ مِنَ الذَّبْحِ - وَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مُحْتَاجًا - كَانَ لَهُ يَغْدِلُ مِائَةَ رَقَبَةٍ - مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ يُنْقِذُهَا مِنَ الذَّبْحِ صالح بن عقیبة عن نصر بن قابوس عن أبي عبد الله عليه السلام قال لا طعام مؤمن أحب إليّ - من عِثْقِ عَشْرِ رِقَابٍ وَ عَشْرِ حِجَجٍ - قَالَ قُلْتُ عَشْرِ رِقَابٍ وَ عَشْرِ حِجَجٍ - قَالَ فَقَالَ يَا نَصْرُ إِنْ لَمْ تُطْعِمُوهُ مَاتَ - أَوْ تَدُلُّونَهُ فَيَجِيءُ إِلَى نَاصِبٍ فَيَسْأَلُهُ وَ الْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ مَسْأَلَةِ نَاصِبٍ - يَا نَصْرُ مَنْ أَحْيَا مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا - فَإِنْ لَمْ تُطْعِمُوهُ فَقَدْ أَمُتُّمُوهُ - وَ إِنْ أَطْعَمْتُمُوهُ فَقَدْ أَحْيَيْتُمُوهُ.

باب مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا

٢١٨٧-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَسَا أَخَاهُ كِسْوَةَ شِتَاءٍ أَوْ صَيْفٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ - أَنْ يَكْسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ وَ أَنْ يُهَوِّنَ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ - وَ أَنْ يُوسِّعَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ وَ أَنْ يُلْقَى الْمَلَائِكَةُ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ بِالْبُشْرَى - وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا - يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس مؤمن ثروتمندی را اطعام کند، اجرش برابر است با آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل که او را از مرگ نجات دهد و هرکس مؤمن نیازمندی را اطعام کند، برابر است با آنکه صد تن از فرزندان اسماعیل را از مرگ نجات دهد.

۲۰- نصر بن قابوس می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

اطعام یک مؤمن نزد مؤمن، محبوب تر است از آزاد کردن ده بنده و از ده حج، گوید: گفتم: از ده بنده و ده حج؟ در پاسخ فرمود: ای نصر، اگر او را اطعام نکنید و بمیرد یا خوارش کنید و برود به در خانه یک ناصبی دشمن اهل بیت و از او گدایی کند، برایش مردن بهتر است از گدایی از ناصبی. ای نصر، هرکس مؤمنی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است، اگر به او غذا ندهید او را کشته‌اید و اگر به او غذا دهید او را زنده ساخته‌اید.

کسی که مؤمنی را بپوشاند

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس به برادر مؤمن خود، جامه‌ای برای زمستان یا تابستان بپوشاند، برای خدا سزاوار است که از جامه‌های بهشتی به او بپوشاند، و سختی جانکندن را بر او آسان سازد و گورش را گشاد کند و چون از قبر خود بیرون آید فرشتگان او را مرده دهند و این است معنی قول خدای عزوجل: «و فرشتگان به پیشواز آنها روند که امروز همان روزی است که به شما وعده داده شده است» (انباء / ۱۰۳).

٢١٨٨-٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَسَا أَحَدًا مِنْ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ - ثَوْبًا مِنْ عُرِّيٍّ أَوْ أَعَانَهُ بِشَيْءٍ مِمَّا يَقُوْتُهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ - وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ - يَسْتَغْفِرُونَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ - إِلَى أَنْ يُتَفَخَّ فِي الصُّورِ.

٢١٨٩-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَسَا أَحَدًا مِنْ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ - ثَوْبًا مِنْ عُرِّيٍّ أَوْ أَعَانَهُ بِشَيْءٍ مِمَّا يَقُوْتُهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ - وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ - يَسْتَغْفِرُونَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ - إِلَى أَنْ يُتَفَخَّ فِي الصُّورِ.

٢١٩٠-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخُضْرِ - وَقَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ لَا يَزَالُ فِي ضَمَانِ اللَّهِ - مَا دَامَ عَلَيْهِ سِلْكٌ.

٢١٩١-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا ثَوْبًا مِنْ عُرِّيٍّ - كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به یکی از فقراء مسلمانان که لخت است جامه‌ای بپوشاند یا چیزی برای زندگی اش به او کمک کند، خدای عزوجل بر او هفتاد هزار فرشته بگمارد تا برای هر گناهی که کرده در صور بدمند و آمرزش را بخواهند.

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس برای برهنگی او جامه‌ای بر تن یکی از مستمندان مسلمان کند یا او را در قوت و غذا یاری دهد خداوند بر او هفتاد هزار فرشته بگمارد که تا در صور بدمند و برای هر گناهی که کرده آمرزش بخواهند.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۴- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را بپوشاند، خدا از جامه‌های سبز به او بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود:

پیوسته در ضمانت خداست تا نخی از آن جامه موجود باشد.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مؤمن برهنه‌ای را بپوشاند خداوند بر او لباس استبرق بهشتی (لباس ابریشمی نازک) بپوشاند و هر کس به مؤمن توانگری جامه‌ای بپوشاند، تا پاره‌ای از آن جامه باقی مانده باشد در تحت حمایت خداوند

الْجَنَّةِ - وَ مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا ثَوْبًا مِنْ غَنًى - لَمْ يَزَلْ فِي سِتْرِ مِنْ اللَّهِ مَا بَقِيَ
مِنَ الثَّوْبِ خِرْقَةً.

بَابُ فِي الطَّافِ الْمُؤْمِنِ وَإِكْرَامِهِ.

٢١٩٢-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ أَخَذَ مِنْ وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ قَذَاةً - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ عَشْرَ
حَسَنَاتٍ - وَ مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ - كَانَتْ لَهُ حَسَنَةٌ.

٢١٩٣-٢ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ - مَرْحَبًا إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٢١٩٤-٣ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ - فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

٢١٩٥-٤ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ
الْحَارِثِ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ الْهَيْثَمِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا فِي أُمَّتِي عَبْدٌ أَلْطَفَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ بِشَيْءٍ - مِنْ لُطْفٍ
إِلَّا أَخْدَمَهُ اللَّهُ - مِنْ خَدَمِ الْجَنَّةِ.

قرار داشته باشد (از رسوائی دنیا و آخرت او را حفظ نماید)

در اظهار لطف و مهربانی به مؤمن و گرامی داشتن او

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس از چهره برادر مؤمنش خار و خاشاکی بزداید، خدا برای او ده حسنه می نویسد.

و هر کس بر روی برادرش لبخند زند، برای او یک حسنه می نویسند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به برادر مؤمنش خوش آمد گوید، خدا برای او تا روز قیامت خوش آمد و مرحبا می نویسد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس مقدم برادر مسلمان خود را که به او وارد شود گرامی بدارد و از او احترام کند، خدای عز و جل را گرامی داشته است.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در اتمم بندهای نباشد که نسبت به برادر دینی خود لطفی کند جز آنکه خداوند از خدمتکاران بهشتی خادمش سازد.

٢١٩٦-٥- وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ - بِكَلِمَةٍ يُلْطِفُهَا بِهَا وَفَرَجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ - لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ - الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ.

٢١٩٧-٦- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ مِمَّا خَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ - الْمُؤْمِنَ أَنْ يُعْرِفَهُ بِرَّ إِخْوَانِهِ وَإِنْ قَلَّ - وَلَيْسَ الْبِرُّ بِالْكَثْرَةِ - وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ - وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ثُمَّ قَالَ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ - فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - وَمَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ - أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَقَاهُ أَجْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ - ثُمَّ قَالَ يَا جَمِيلُ - إِرَوْ هَذَا الْحَدِيثَ لِإِخْوَانِكَ فَإِنَّهُ تَرْغِيبٌ فِي الْبِرِّ.

٢١٩٨-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُشْحَفُ أَخَاهُ التُّخْفَةَ - قُلْتُ وَ أَيْ شَيْءٍ التُّخْفَةُ - قَالَ مِنْ مَجْلِسٍ وَ مُتَكَا وَ طَعَامٍ وَ كِسْوَةٍ وَ سَلَامٍ - فَتَطَاوَلَ الْجَنَّةُ مُكَافَأَةً لَهُ وَ يُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا - أَنِّي قَدْ حَرَّمْتُ طَعَامَكَ - عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

۵- رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس به برادر مسلمان خود سخن محبت آمیز گوید و گرفتاری اش را بگشاید تا زمانی که در این کار باشد زیر سایه رحمت خدا قرار گیرد.

۶- جمیل می گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی از آنچه خدای عزوجل مؤمن را به آن مخصوص گردانیده، این است که او را نسبت به برادران دینی خود قدردان سازد هر چند که کم باشد و احسان به زیادی نیست برای آنکه خدای عزوجل در قرآن فرماید: «اگرچه تنگ دست و در مضیقه باشند دیگران را بر خود ترجیح دهند» سپس فرمود: «هر کس از بخل خود محفوظ ماند از پیروزمندان و رستگاران خواهد بود (حشر / ۹)» و هر کس خدای عزوجل را به این صفت شناخت او را دوست دارد و هر کس خدا را دوست بدارد، روز قیامت مزد او را بی اندازه بپردازد. سپس فرمود:

ای جمیل، این حدیث را برای برادرانت روایت کن، زیرا تشویق به احسان کردن است. (در نظر بعضی از مفسرین مشهور است که این آیه درباره انصار و مردم مدینه است که مهاجرین را بر خود مقدم داشتند و آنها را در زندگی خود شریک نمودند).

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

براستی که باید مؤمن به برادر خود تحفه ای بدهد، گفتم: تحفه چه باشد؟ فرمود: فرش، متکا، خوراک، پوشاک، سلام، پس بهشت برای پاداش به او گردن کشد و خداوند به او وحی کند که: من طعام تو را بر اهل دنیا حرام کردم جز بر پیامبر یا وصی او، و چون روز رستاخیز فرا

إِلَّا عَلَى نَبِيٍّ أَوْ وَصِيٍّ نَبِيٍّ - فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ - أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا - أَنْ كَافِنِي أَوْلِيَائِي بِتُحَفِهِمْ - فَيَخْرُجُ مِنْهَا وَصَفَاءُ وَ وَصَائِفُ مَعَهُمْ - أَطْبَاقُ مَغْطَاةٍ بِمَنَادِيلَ مِنْ لَوْلُؤٍ - فَإِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ وَ هَوَّهَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَا فِيهَا - طَارَتْ عُقُوبُهُمْ وَ اِمْتَنَعُوا أَنْ يَأْكُلُوا فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ - أَنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ حَرَّمَ جَهَنَّمَ - عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ طَعَامِ جَنَّتِهِ - فَيَمُدُّ الْقَوْمُ أَيْدِيَهُمْ فَيَأْكُلُونَ.

٢١٩٩-٨ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

يَحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً.

٢٢٠٠-٩ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَدِيٍّ قَالَ أَمْلَى عَلِيٌّ مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَحْسَنُ يَا إِسْحَاقُ إِلَى أَوْلِيَائِي مَا اسْتَطَعْتَ - فَمَا أَحْسَنَ مُؤْمِنٌ إِلَى مُؤْمِنٍ وَلَا أَعَانَهُ - إِلَّا خَمَشَ وَجْهَهُ إِنْ لَيْسَ وَقَرَّحَ قَلْبَهُ.

بَابُ فِي خِدْمَتِهِ

٢٢٠١-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي الْمُغْتَمِرِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْماً مِنَ الْمُسْلِمِينَ - إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ - خُدَّاماً فِي الْجَنَّةِ.

رسد خداوند به او وحی کند که دوستانم را به دادن هدایایی پاداش ده پس غلمان و حوریان بسیار از بهشت بیرون آیند که به همراه آنها طبق هایی است با سر پوش هایی از لؤلؤ و چون اولیاء خدا به دوزخ و به بهشت و آنچه که در آن است بنگرند عقل از سرشان پرد و از خوردن آن غذاهای بهشتی دریغ ورزند و جارچی از زیر عرش فریاد کند: براستی خدای عزوجل دوزخ را بر هر کس که طعام بهشتی خورد حرام کرده و آن مردم، دست خود دراز می کنند و از آن طعام ها می خورند.

۸- امام باقر علیه السلام فرمود: هر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره را بر مؤمن بپوشاند (شاید استفاده از عدد هفتاد برای کثرت باشد یعنی هر چه گناهش باشد باز باید پرده پوشی کرد و آبروی مسلمان گنهکار را حفظ نمود)



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۹- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای اسحاق تا می توانی به دوستان من نیکی کن، زیرا هیچ مؤمنی به مؤمن دیگر احسان و نیکی نکند و به او کمک ننماید جز آنکه روی شیطان را بخرشد و دلش را مجروح سازد.

پیرامون خدمت به مؤمن

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند در بهشت به شماره آن، خدمت گذار به او دهد.

بَابُ نَصِيحَةِ الْمُؤْمِنِ.

٢٢٠٢-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عِيْسَى بْنِ أَبِي مَتُصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - أَنْ يُنَاصِحَهُ.

٢٢٠٣-٢- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ - النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ.

٢٢٠٤-٣- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ.

٢٢٠٥-٤- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَو بْنِ شِمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِيُتَّصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ - كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ.

٢٢٠٦-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنَزِلَةً - عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ - فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ.

٢٢٠٧-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ - فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.

اندرز و خیر خواهی برای مؤمن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: بر مؤمن واجب است که ناصح و خیر خواه مؤمن باشد (یعنی او را در امور دنیا و دین نصیحت کند و خیر خواهش باشد).

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: بر مؤمن نصیحت و خیر خواهی برادر مؤمن واجب است در حضور و غیاب.

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: خیر خواهی مؤمن بر مؤمن واجب است.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: باید هر مردی از شما برای برادر خود، چنان خیر خواهی کند که برای خود می کند.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر راستی بزرگترین مردم در رتبه، نزد خداوند در روز رستاخیز کسی است که در زمین خدا برای خیر خواهی و نصیحت خلق خدا بیشتر دوندگی کند.

۶- سفیان بن عیینه، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: بر شما باد به اندرز و خیر خواهی برای رضای خدا درباره مخلوق که خدا به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی (نصیحت و خیر خواهی برای خدا یعنی خیر خواهی برای مخلوقات او یا خیر خواهی و نصیحت مخلوق بخاطر رضای خداوند).

بَابُ الْإِصْلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ

٢٢٠٨-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ عَنْ حَبِيبِ الْأَخْوَلِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقَارَبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

٢٢٠٩-٢- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَأَنْ أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ - مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ.

٢٢١٠-٣- عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ مُقْضَلٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا - مُنَازَعَةً فَافْتَدِهَا مِنْ مَالِي.

٢٢١١-٤- ابْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ سَابِقِ الْحَاجِّ قَالَ:

مَرَرْنَا بِالْمُقْضَلِ وَأَنَا وَخَتْنِي - نَتَشَاوِرُ فِي مِيرَاثٍ - فَوَقَفَ عَلَيْنَا سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَنَا - تَعَالَوْا إِلَى الْمَنْزِلِ فَأَتَيْنَاهُ - فَأُصْلِحَ بَيْنَنَا بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ - فَدَفَعَهَا إِلَيْنَا مِنْ عِنْدِهِ - حَتَّى إِذَا اسْتَوْثَقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا مِنْ صَاحِبِهِ - قَالَ أَمَّا إِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ مَالِي - وَلَكِنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَمَرَنِي

اصلاح میان مردم

۱- امام صادق علیه السلام می فرمود:

صدقه‌ای که خدا دوست دارد، اصلاح میان مردم است وقتی میان آنها به هم خورده و فساد شده، نزدیک کردن آنها به هم زمانی است که از هم دور شوند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر میان دو نفر را اصلاح کنم، برایم دوست داشتنی تر است از اینکه دو اشرفی طلا صدقه دهم.



مرکز تحقیقات کهن‌پژوهی اسلامی

۳- مُفَضِّل گوید، که امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه میان دو تن از شیعه ما جنگ و ستیز دیدی، از مالم برای رفع آن مصرف کن.

۴- ابو حنیفه پیشرو حاج، گوید: من و دامادم درباره ارث جنگ داشتیم که مفضل از ما گذشت و ساعتی با ما توقف کرد و سپس گفت: به خانه بیاید، ما نزد او رفتیم و میان ما با چهارصد درهم اصلاح کرد و آن را از مال خود به ما پرداخت و چون از هریک از ما نسبت به طرف او تعهد

إِذَا تَنَازَعَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِنَا - فِي شَيْءٍ أَنْ أُصْلِحَ بَيْنَهُمَا - وَافْتَدِيَهَا مِنْ مَالِهِ - فَهَذَا مِنْ مَالِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

٢٢١٢-٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَاذِبٍ.

٢٢١٣-٦ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ - أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا - وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ قَالَ إِذَا دُعِيَ لِصُلْحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ - فَلَا تَقُلْ عَلَيَّ يَمِينٌ أَلَّا أَفْعَلَ.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

٢٢١٤-٧ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ أَوْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَبْلَغُ عَنِّي كَذَاً وَكَذَاً - فِي أَشْيَاءٍ أَمَرَ بِهَا قُلْتُ - فَأَبْلَغُهُمْ عَنْكَ وَأَقُولُ عَنِّي - مَا قُلْتُ لِي وَغَيْرَ الَّذِي قُلْتُ - قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْمُصْلِحَ لَيْسَ بِكَذَّابٍ - (إِنَّمَا هُوَ الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَذَّابٍ).

گرفت و آسوده خاطر شد، گفت: بدانی که این وجه از خودم نیست ولی امام صادق (علیه السلام) به من سفارش کرده و فرمان داده که هرگاه دو نفر از شیعیان در چیزی با هم ستیز دارند آنها را اصلاح بده و از مال من برای رفع نزاع، خرج کن، و این مال امام صادق (علیه السلام) است.

۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مصلح، دروغگو نیست. (یعنی هرگاه مصلح بخاطر اصلاح دروغی بگوید دروغ به حساب نمی آید بلکه بخاطر اصلاح چنین کاری خوب است)

۶- امام صادق (علیه السلام) در تفسیر قول خدای عز و جل: «خدا را دست آویز سوگندهای خود مسازید تا خوش کردار و پرهیزکار و مصلح میان مردم باشید» (بقره / ۲۲۴) فرمود: چون برای اصلاح میان دو کس دعوت شدی، مگو من سوگند خورده‌ام که این کار را نکنم.

۷- معاویه بن وهب یا معاویه بن عمار گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: از قول من چنین و چنین ابلاغ کن - در چیزهایی که بدان‌ها دستور داده بود - من گفتم: فرموده شما را به آنها برسانم و از خود بگویم آنچه را که به من فرمودید و جز آنچه هم فرمودید؟ فرمود: آری، به راستی که شخص مصلح، دروغگو نیست (همانا آن صلح و سازش است و دروغ نیست).

بَابُ فِي إِحْيَاءِ الْمُؤْمِنِ.

٢٢١٥-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا - وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا قَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى - فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَ مَنْ أَخْرَجَهَا - مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا.

٢٢١٦-٢- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا - قَالَ مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ - قُلْتُ فَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى - قَالَ ذَلِكَ تَأْوِيلُهَا الْأَعْظَمُ مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ مِثْلَهُ.

٢٢١٧-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يُحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْخَلْبِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ - فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ كُنْتُ عَلَى حَالٍ - وَ أَنَا الْيَوْمَ عَلَى حَالٍ أُخْرَى - كُنْتُ أَدْخُلُ الْأَرْضَ فَأَدْعُو الرَّجُلَ - وَ الْإِثْنَيْنِ وَ الْمَرْأَةَ فَيُنْقِذُ اللَّهُ مَنْ شَاءَ - وَ أَنَا الْيَوْمَ لَا أَدْعُو

احیاء مؤمن

۱- سماعه، گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزوجل را پرسیدم: «هرکس شخصی را بجز بخاطر قصاص بکشد مانند آن است که همه مردم را کشته و هرکس او را زنده سازد مثل اینکه همه مردم را زنده ساخته است (مانده / ۳۲)» در پاسخ فرمود: هرکس شخصی را از گمراهی هدایت کند چنان است که او را زنده ساخته است و هرکس او را از راه حق گمراه سازد مانند این است که او را کشته است.

۲- فضیل بن یسار، گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: که خداوند در قرآن فرماید: «هرکس نفسی را زنده دارد گویا همه مردم را زنده داشته است» فرمود: یعنی از سوختن و غرق شدن نجات دهد، عرض کردم: کسی که او را از گمراهی به راه راست آورد؟
فرمود: این تأویل اعظم آیه است. (یعنی این معنی آیه از معنی اول عالی تر است).

۳- حمران، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از شما بپرسم؟ فرمود: آری، عرض کردم: من در حالی بودم و امروز در حال دیگرم، من در گذشته در زمین می گشتم و یک مرد یا دو مرد یا زنی را دعوت به مذهب حق می کردم و خداوند هرکس را خواسته بود نجات می داد و من امروز کسی را دعوت نمی کنم، در پاسخ فرمود: بر تو گناهی نیست که مردم را به پروردگارشان واگذاری تا هرکس را خدا خواهد از تاریکی و گمراهی

أَحَدًا - فَقَالَ وَمَا عَلَيْكَ أَنْ تُخَلِّيَ بَيْنَ النَّاسِ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ فَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ ظُلْمَةٍ إِلَى نُورٍ أَخْرَجَهُ - ثُمَّ قَالَ وَلَا عَلَيْكَ إِنْ آنَسْتَ مِنْ أَحَدٍ خَيْرًا - أَنْ تَنْبِذَ إِلَيْهِ الشَّيْءَ نَبْذًا قُلْتُ - أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا قَالَ مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ - تَأْوِيلُهَا الْأَعْظَمُ أَنْ - دَعَاَهَا فَاسْتَجَابَتْ لَهُ.

بَابُ فِي الدُّعَاءِ لِلْأَهْلِ إِلَى الْإِيمَانِ.

٢٢١٨-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنْ لِي أَهْلَ بَيْتٍ وَهُمْ يَسْمَعُونَ مِنِّي أَفَادْعُوهُمْ - إِلَى هَذَا الْأَمْرِ - فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا - قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا - وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.

بَابُ فِي تَرْكِ دُعَاءِ النَّاسِ.

٢٢١٩-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ كُثَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاكُمْ وَالنَّاسَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا - نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَتَرَكَهُ - وَهُوَ يَجُولُ لِذَلِكَ وَيَطْلُبُهُ - ثُمَّ قَالَ لَوْ أَنَّكُمْ إِذَا كَلَّمْتُمُ النَّاسَ - قُلْتُمْ ذَهَبْنَا حَيْثُ ذَهَبَ اللَّهُ - وَاخْتَرْنَا

به نور هدایت ببرد، سپس فرمود: و بر تو با کی نیست که اگر از کسی بوی خیری شنیدی، برای دعوت او گوشه‌ای بزنی و راهی نشان دهی، گفتم: به من خبر ده از قول خدای عزوجل؟ «هرکس که او را زنده سازد، گویا همه مردم را زنده کرده» فرمود: یعنی از سوختن یا غرق شدن، سپس خاموش شد و سپس فرمود: تأویل اعظمش این است که او را دعوت به مذهب حق کند و او هم بپذیرد.

در دعوت خانواده به ایمان

۱- سلیمان بن خالد، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به راستی من خاندانی دارم که از من حرف شنوی دارند، آنها را به مذهب شیعه دعوت کنم؟ فرمود: آری، به راستی خدای عزوجل در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان دارید خود و خانواده خودتان را از آتشی که آتش گیره آن مردم و سنگ است برکنار دارید (تحریم / ۶)».

دعوت نکردن مردم

۱- کلب بن معاویه صیداوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: مبدا معترض مردم شوید، به راستی خدای عزوجل چون خیر بنده‌ای را بخواهد، نکته‌ای در دل او به وجود می‌آورد (نور هدایت بر دل او می‌اندازد) او را رها می‌سازد و خود به جستجوی حق می‌پردازد تا آن را بجوید، سپس فرمود: کاش شما هرگاه با مردم به سخن می‌پرداختید،

مَنْ اخْتَارَ اللَّهَ - وَ اخْتَارَ اللَّهَ مُحَمَّدًا وَ اخْتَرْنَا - آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ عَلَيْهِمُ.

٢٢٢٠-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ ثَابِتِ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ:
قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا ثَابِتُ مَا لَكُمْ وَ لِلنَّاسِ - كُفُّوا عَنِ النَّاسِ
وَ لَا تَدْعُوا أَحَدًا إِلَى أَمْرِكُمْ - فَوَاللَّهِ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَ أَهْلَ الْأَرْضِ
اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يُضِلُّوا عَبْدًا - يُرِيدُ اللَّهُ هُدَاهُ مَا اسْتَطَاعُوا - كُفُّوا عَنِ
النَّاسِ - وَ لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ أَخِي وَ ابْنُ عَمِّي - وَ جَارِي فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ - خَيْرًا طَيَّبَ رُوحَهُ - فَلَا يَسْمَعُ بِمَعْرُوفٍ إِلَّا عَرَفَهُ
وَ لَا بِمُنْكَرٍ إِلَّا أَنْكَرَهُ - ثُمَّ يَقْذِفُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ - كَلِمَةً يَجْمَعُ بِهَا أَمْرَهُ.

٢٢٢١-٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ الْفُضَيْلِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَدْعُو النَّاسَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ - فَقَالَ يَا فَضَيْلُ إِنَّ
اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ - خَيْرًا أَمَرَ مَلَكًا فَأَخَذَ بِعُنُقِهِ - حَتَّى أَدْخَلَهُ فِي هَذَا
الْأَمْرِ - طَائِعًا أَوْ كَارِهًا.

٢٢٢٢-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ
ابْنِ عَقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ - وَ لَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ

می‌گفتید: ما به راهی رفته‌ایم که خدا رفته و کسی را انتخاب کرده‌ایم که او انتخاب کرده خداوند محمد ﷺ را انتخاب کرده و ما هم خاندان محمد را انتخاب کرده‌ایم.

توضیح: شاید منظور امام که از دعوت مردم به دین صرف نظر کنید در زمان تقیه بوده که حضرت به این نقطه اشاره دارد که هر کس لیاقت هدایت داشته باشد خداوند نور حق را در دلش می‌افکند تا خود به جستجوی راه حق باشد تا به او برسد.

۲- ثابت اُبی سعید می‌گوید: امام صادق ﷺ به من فرمود: ای ثابت، شما را به مردم چه کار؟ از مردم دست بردارید و احدی را به مذهب خود دعوت نکنید، به خدا اگر اهل آسمان و زمین جمع شوند، که آن بنده‌ای را که خدا می‌خواهد هدایتش کند، گمراه کنند نتوانند، دست از مردم بردارید و یکی از شماها نگوید: برادر من است، عمو زاده من و همسایه من است، زیرا خدای عزوجل هرگاه خیر بنده‌ای را بخواهد، جانش را پاک سازد که هر خوبی را بشنود آن را بفهمد و بپذیرد و هر زشتی و بدی را که به گوشش برسد آن را منکر شود سپس خداوند در دلش کلمه‌ای اندازد که توسط آن کارش اصلاح سازد (یعنی امامت را در دلش بیندازد تا از طریق هدایت ائمه ﷺ که در جایگاه خود قرار گیرد).

۳- فضیل گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: مردم را به این امر دعوت کنید؟ در پاسخ فرمود: ای فضیل، به راستی، خداوند هرگاه خیر بنده‌یی را بخواهد به فرشته‌ای فرماید تا گردن او را خواه ناخواه بگیرد و او را در امر ولایت وارد سازد.

۴- امام صادق ﷺ فرمود: امر (امامت) خود را برای خدا قرار دهید نه برای مردم، زیرا راستش این است که هر چه برای خداست از آن خداست و

فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ - وَمَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ - وَلَا تُخَاصِمُوا بِدِينِكُمُ النَّاسَ - فَإِنَّ الْمُخَاصِمَةَ مَمْرُضَةٌ لِلْقَلْبِ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ ﷺ - إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ - وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ قَالَ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ - حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ذَرُّوا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ - أَخَذُوا عَنِ النَّاسِ وَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ - عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَى ﷺ وَلَا سَوَاءَ - وَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ - إِذَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ - أَنْ يَدْخُلَهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ - كَانَ أَسْرَعَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّيْرِ إِلَى وَكْرِهِ.

٢٢٢٣- ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - خَلَقَ قَوْمًا لِلْحَقِّ - فَإِذَا مَرَّ بِهِمُ الْبَابُ مِنَ الْحَقِّ قَبِلَتْهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَهُ - وَإِذَا مَرَّ بِهِمُ الْبَابُ مِنَ الْبَاطِلِ أَنْكَرَتْهُ قُلُوبُهُمْ - وَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَهُ - وَخَلَقَ قَوْمًا لِغَيْرِ ذَلِكَ - فَإِذَا مَرَّ بِهِمُ الْبَابُ مِنَ الْحَقِّ - أَنْكَرَتْهُ قُلُوبُهُمْ - وَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَهُ - وَإِذَا مَرَّ بِهِمُ الْبَابُ مِنَ الْبَاطِلِ - قَبِلَتْهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَهُ.

٢٢٢٤- ٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ - خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً - مِنْ نُورٍ فَأَضَاءَ لَهَا سَمْعَهُ وَقَلْبَهُ - حَتَّى يَكُونَ أَحْرَصَ عَلَى - مَا فِي أَيْدِيكُمْ

هرچه برای مردم باشد بالا نرود، بر سر دین خودتان با مردم مبارزه نکنید، زیرا دعوا و مبارزه دل را بیمار می‌کند، به راستی خدای عزوجل به پیامبر خود فرموده: «تو هرکس را که دوست داری هدایت نکنی بلکه این خداست که هرکس که خواهد هدایت می‌کند» (قصص / ۵۶) و باز فرموده: «آیا می‌توانی مردم را به زور وادار به ایمان سازی (یونس / ۹۹) مردم را رها سازید زیرا آنها از مردم دین را فرا گرفتند و شما از رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام دین را فرا گرفته‌اید (بین این دو) و برابری نیست و به راستی که من از پدرم شنیدم می‌فرمود: چون خداوند برای بنده‌ای نوشت که در این کار وارد شود شتابنده‌تر باشد به سوی آن از پرنده به آشیانه خود.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی، خدای عزوجل مردمی را برای حق آفریده و چون دری از حق به ادبی از آنها باز شود (یعنی سخن حقی را بشنوند) دلشان آن را بپذیرد گرچه به خوبی آن را نفهمند و هرگاه دری از باطل به روی آنها باز شود دلشان آن را گرچه انکار کند به خوبی آن را نفهمند و مردمی را برای غیر حق آفریده که چون دری از حق به سوی آنها باز شود آن را نپذیرند گرچه به خوبی آن را نفهمند و هرگاه دری از باطل به روی آنها باز شود آن را بپذیرند گرچه به خوبی آن را نفهمند.

توضیح: شاید توضیحات پیرامون این دو گروه به این خاطر باشد که مردم عامی و بی سواد توانایی تجزیه و تحلیل مطالب را ندارند و آشنا به نقش امامان معصوم در جامعه انسانی نیستند چنانچه مردم توجه به آثار شوم فساد حکومت ظالمان و ستمگران نداشتند و با آنها همکاری می‌کردند و مکتب معصومین را رها می‌ساختند ولی همین توده مردم دو گروه می‌شده‌اند گروهی که حق را می‌پذیرفتند و گروهی که به انکار آن می‌پرداختند که این خود نشانه پاکی و یا ناپاکی باطن آن می‌باشد.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خدای عزوجل چون خیر بنده‌ای را بخواهد در دلش نقطه نوری افکند و به وسیله آن گوش و دلش پرتو

مِنْكُمْ - وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءًا - نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ - فَأَظْلَمَ لَهَا سَمْعَهُ وَقَلْبَهُ - ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ - يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ - وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ - يُجْعَلْ صَدْرُهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ.

٢٢٢٥-٧- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا - نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً بَيْضَاءَ وَفَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ - وَكَلَّ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ - وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءًا - نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ - وَسَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ - وَكَلَّ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

بَابُ أَنَّ اللَّهَ إِثْمًا يُعْطِي الدِّينَ مَنْ يُحِبُّهُ.

٢٢٢٦-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا الصَّخْرِ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَ يُبْغِضُ - وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ - إِلَّا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ - أَنْتُمْ وَاللَّهُ عَلَى دِينِي - وَدِينِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ - لَا أَعْنِي عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ - وَلَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ - وَإِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ عَلَى دِينٍ هَؤُلَاءِ.

گیرد و نسبت بدانچه در دست شماست (ولایت)، از شما حریص تر باشد و چون برای بنده‌ای بد خواهد در دلش نقطه سیاهی پدید آورد و گوش و دلش از آن تاریک شود، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «کسی که خداوند هدایتش را بخواهد سینه‌اش را برای پذیرش اسلام باز کند و کسی که خداوند گمراهی او را بخواهد سینه‌اش را تنگ سازد که گوئی به آسمان بالا می‌رود (انعام / ۱۲۵)».

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که خدای عزوجل چون خیر بنده‌ای را بخواهد، در دلش نقطه سپیدی افکند و گوش‌های دلش را بگشاید و به او فرشته‌ای گمارد که به او کمک کند و چون برای بنده‌ای بدی بخواهد، در دلش نقطه سیاهی افکند و گوشه‌های دلش را ببندد و بر او شیطانی را بگمارد تا او را گمراه کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

خداوند کسی را که دوست بدارد هدایتش می‌کند

۱- عمر بن حنظله می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابا صخر، به راستی خدا دنیا را به دوست و دشمن می‌دهد ولی این امر (ولایت) را جز به برگزیدگان از بنده خود نمی‌دهد، به خدا سوگند که شما دین من و پدرانم ابراهیم و اسماعیل را دارید مقصودم از پدرانم: علی بن الحسین و محمد بن علی علیه السلام نیست اگرچه آنان هم کیش آنانند.

٢٢٢٧- ٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ يَا مَالِكُ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا - مَنْ يُحِبُّ وَ يُبْغِضُ - وَلَا يُعْطِي دِينَهُ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ.

٢٢٢٨- ٣- عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَ الْحُثَمِيِّ عَنْ عُمَرَ ابْنِ حَنْظَلَةَ وَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ - الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ وَ لَا يُعْطِي الْإِيمَانَ - إِلَّا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ.

٢٢٢٩- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي سَلِيمَانَ عَنْ مُبَسَّرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - مَنْ أَحَبَّ وَ مَنْ أَبْغَضَ - وَ إِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ.

بَابُ سَلَامَةِ الدِّينِ.

٢٢٣٠- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَآ مَكَّرُوا فَقَالَ أَمَّا لَقَدْ بَسَطُوا عَلَيْهِ - وَ قَتَلُوهُ وَ لَكِنْ أَتَدْرُونَ مَا وَقَاهُ - وَقَاهُ أَنْ يَقْتُلُوهُ فِي دِينِهِ.

۲- مالک بن اعین جهنی، گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:
ای مالک، براستی که خداوند دنیا را به دوست و دشمن خود داده و دین
خود را جز به دوست خود ندهد.

* * *

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:
براستی که این دنیا را به خوب و بد می دهد و ایمان را جز به برگزیده
خلقش ندهد.

* * *

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:
خدای عزوجل دنیا را به دوست و دشمن خود می دهد ولی ایمان را جز
به کسانی که دوستان دارند ندهد.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

سلامت دین

۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «خداوند او را از بدی های
و آنچه که آنها نیرنگ زدند نگه داشت (مؤمن / ۴۰)» فرمود: همانا بر او
چیره شدند و او را کشتند ولی می دانید که خدا او را از چه نگه داشت؟
او را از این نگه داشت که از دین حقش برنگردانیدند و بیرون نبردند.
(این آیه مربوط به مؤمن آل فرعون است).

٢٢٣١-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ اِعْلَمُوا
 أَنَّ الْقُرْآنَ هُدًى - اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَنُورُ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ - عَلَى
 مَا كَانَ مِنْ جَهْدٍ وَفَاقَةٍ - فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ - فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ
 دُونَ أَنْفُسِكُمْ - وَإِذَا نَزَلَتْ نَارِلَةٌ - فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ
 وَاعْلَمُوا أَنَّ الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ - وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ - أَلَا
 وَإِنَّهُ لَا فَقْرَ بَعْدَ الْجَنَّةِ - أَلَا وَإِنَّهُ لَا غِنَى بَعْدَ النَّارِ - لَا يُفَكُّ أَسِيرُهَا وَلَا
 يَبْرَأُ ضَرِيرُهَا.

٢٢٣٢-٣- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ
 يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 سَلَامَةُ الدِّينِ وَصِحَّةُ الْبَدَنِ - خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ وَالْمَالُ زِينَةٌ - مِنْ زِينَةِ
 الدُّنْيَا حَسَنَةُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ
 رَبِيعٍ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مِثْلَهُ.

٢٢٣٣-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ
 يُونُسَ ابْنِ يَعْقُوبَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:
 كَانَ رَجُلٌ يَدْخُلُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَصْحَابِهِ فَعَبَّرَ زَمَانًا - لَا يَحْجُجُ
 فَدَخَلَ عَلَيْهِ بَعْضُ مَعَارِفِهِ - فَقَالَ لَهُ فَلَانُ مَا فَعَلَ - قَالَ فَجَعَلَ يُضَجِّعُ
 الْكَلَامَ - يَظُنُّ أَنَّهُ إِنَّمَا يَعْنِي الْمَيْسَرَةَ وَالدُّنْيَا - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ
 دِينُهُ - فَقَالَ كَمَا تُحِبُّ - فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ الْغِنَى.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به اصحاب خود فرموده است: بدانید که قرآن در شب و روز وسیله راهنمایی و هدایت است و نور شب تاریک است با هر سختی و نیازی روشنی بخش است، چون بلائی رخ داد، مال خود را فدای جان کنید و چون ناگواری در رسد، جان خود را فدای دین خود کنید و بدانید نابود کسی است که دینش از دستش برود و غارت زده کسی است که دینش را برده‌اند، همانا پس از داشتن بهشت، فقری متصور نیست، همانا راستش این است که با دوزخ رفتن توانگری معنی ندارد که گرفتار بدان رهائی ندارد و نابینائی بهبودی نیابد.

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

سلامتی دین و تن درستی از مال بهترند و مال هم یکی از زینت‌های دنیا است.

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۴- مردی از اصحاب امام صادق علیه السلام (هر سال) خدمت آن حضرت می‌رسید و دیر زمانی گذشت که به حج رفت (و خدمت امام نرسید) و یکی از آشنایان او خدمت آن حضرت رفت و امام به او فرمود: فلانی چه کار می‌کند؟ (راوی) گوید: در پاسخ سخن را پیچیده و شکسته ادا کرد و به گمانش که مقصود امام وضع دارائی و مالی اوست، امام صادق علیه السلام فرمود: دین او چگونه است؟ در پاسخ گفت: چنانچه شما دوست دارید، فرمود: به خدا که او توانگر و بی نیاز است.

بَابُ التَّقِيَّةِ.

۲۲۳۴- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ - بِمَا صَبَرُوا قَالَ
بِمَا صَبَرُوا عَلَى التَّقِيَّةِ - وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ -
وَالسَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ.

۲۲۳۵- ۲- إِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُمَرَ الْأَعْجَمِيِّ قَالَ:
قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا عُمَرَ إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ
وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ - وَالتَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ - إِلَّا فِي النَّبِيذِ وَ الْمُسْحِ
عَلَى الْخَفِيِّينَ.

۲۲۳۶- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى
عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِ اللَّهِ - قُلْتُ مِنْ دِينِ اللَّهِ - قَالَ إِي وَ
اللَّهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ - وَ لَقَدْ قَالَ يُوسُفُ عليه السلام أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ وَ
اللَّهُ مَا كَانُوا سَرَقُوا شَيْئاً - وَ لَقَدْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام إِنِّي سَقِيمٌ وَ اللَّهُ
مَا كَانَ سَقِيماً.

تقیّه

۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزّوجلّ: «آنان به خاطر صبری که کرده‌اند دو بار مزد می‌گیرند و بدکرداری را با خوش رفتاری دفع کردند» (قصص / ۵۴) کردند

خوش کرداری تقیه است و بدکرداری فاش نمودن. (فرمود: بخاطر صبری که در تقیه داشته‌اند) البته تقیه مسأله‌ای است که هر کس نمی‌تواند کار خود را بعنوان تقیه توجیه کند و شانه را از زیر بار وظیفه خارج سازد بلکه تقیه در مواردی است که ائمه دستور به آن داده‌اند و در شرائطی است که دین و ناموس و مال انسان در خطر باشد).

۲- ابی عُمَرِ أَغْجَمی گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابا عمر، برآستی که $\frac{۹}{۱۰}$ دین در تقیه است و کسی که تقیه ندارد دین ندارد، و تقیه در هر چیز است جز در نوشیدن شراب و مسح بر روی کفش (به جای روی پا).

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: تقیه از دین خداست. گفتم: از دین خدا؟ فرمود: آری، به خدا هر آینه یوسف فرمود: «ای کاروان آیا شما برآستی دزد هستید (یوسف / ۷۰)» بخدا سوگند که آنها چیزی نلدزدیده بودند و ابراهیم فرمود: «راستی من بیمارم (صافات / ۸۹)» سوگند به خدا که بیمار نبود.

٢٢٣٧- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ
 الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ عَنْ
 حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ بِشْرِ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لَا وَاللَّهِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ شَيْءٌ
 أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّقِيَّةِ - يَا حَبِيبُ إِنَّهُ مَنْ كَانَتْ لَهُ تَقِيَّةٌ رَفَعَهُ اللَّهُ - يَا
 حَبِيبُ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ تَقِيَّةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ - يَا حَبِيبُ إِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا هُمْ فِي
 هُدْنَةٍ - فَلَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كَانَ هَذَا.

٢٢٣٨- ٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ
 عَنْ جَابِرِ الْمَكْفُوفِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 اتَّقُوا عَلَى دِينِكُمْ - فَاخْجَبُوهُ بِالتَّقِيَّةِ - فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّمَا أَنْتُمْ
 فِي النَّاسِ - كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ - لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعَلَّمَ مَا فِي أَجْوَافِ النَّحْلِ -
 مَا بَقِيَ مِنْهَا شَيْءٌ إِلَّا أَكَلَتْهُ - وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ عَلِمُوا مَا فِي أَجْوَافِكُمْ - أَنْتُمْ
 تُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ - لَا تَكُلُوكُمْ بِالسِّنَتِهِمْ - وَلَنَحْلُوكُمْ فِي السِّرِّ وَ
 الْعَلَانِيَةِ - رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْكُمْ كَانَ عَلَى وَلَا يَتَنَا.

٢٢٣٩- ٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ قَالَ الْحَسَنَةُ
 التَّقِيَّةُ - وَالسَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ - وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - اذْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ

۴- از حبیب بن بشر که فرمود علیه السلام: از پدرم شنیدم می فرمود: نه به خدا در روی زمین چیزی نیست که نزد من محبوب تر از تقیه باشد.
ای حبیب، راستش این است که هر کس تقیه کند، خدا او را بالا برد و هر کس تقیه نکند، خدا او را پست گرداند.
ای حبیب، راستی که مردم در حال صلح و سازشند و اگر آن باشد این هم هست (یعنی اگر امام قائم ظهور کند و با مخالفان فرمان جهاد دهد، ترک تقیه خواهد شد)

* * *

۵- ابن ابی یعفور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
بخاطر حفظ دین خود، تقیه کنید، آن را زیر پرده تقیه نگه دارید زیرا هر کس تقیه نکند، ایمان ندارد، همانا شما در میان مردم چون زنبور عسل باشید میان پرندگان، اگر پرنده ها می دانستند درون زنبور عسل چیست؟ چیزی از آن نمی ماند که آن را بخورند و اگر مردم بدانند که در درون دل شما چیست و بفهمند که شما، ما خاندان را دوست می دارید، شما را با زبان شان بخورند (یعنی دشنام و ناسزا گویند)، خدا رحمت کند بنده ای را که بر دوستی و ولایت ما باشد.

* * *

۶- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «خوبی و بدی با هم برابر نیستند» (فصلت / ۳۴) فرمود:
خوبی تقیه است، و بدی فاش کردن است، «دفاع کن بدان چه که آن بهتر است، از بدی» فرمود:

السَّيِّئَةُ قَالَ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ التَّقِيَّةِ - فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ - عَدَاوَةٌ
كَانَتْهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.

٢٢٤٠-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْكِنَانِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا عَمْرٍو أَرَأَيْتَكَ لَوْ حَدَّثْتُكَ بِحَدِيثٍ - أَوْ
أَفْتَيْتُكَ بِفُتْيَا ثُمَّ جِئْتَنِي بَعْدَ ذَلِكَ - فَسَأَلْتَنِي عَنْهُ فَأَخْبَرْتُكَ بِخِلَافِ مَا
كُنْتُ أَخْبَرْتُكَ - أَوْ أَفْتَيْتُكَ بِخِلَافِ ذَلِكَ - بِأَيِّهَا كُنْتَ تَأْخُذُ قُلْتُ
بِأَحَدَيْهِمَا وَادَّعَى الْآخَرَ - فَقَالَ قَدْ أَصَبْتَ يَا أَبَا عَمْرٍو - أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ
يُعْبَدَ سِرًّا - أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ - إِنَّهُ لَخَيْرٌ لِي وَلَكُمْ - وَأَبَى اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ لَنَا - وَلَكُمْ فِي دِينِهِ إِلَّا التَّقِيَّةَ.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

٢٢٤١-٨- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا بَلَغَتْ تَقِيَّةٌ أَحَدٍ - تَقِيَّةٌ أَصْحَابِ الْكَهْفِ
إِنْ كَانُوا لَيَشْهَدُونَ الْأَعْيَادَ - وَيَشُدُّونَ الزَّانِيرَ - فَأَعْطَاهُمُ اللَّهُ
أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ.

٢٢٤٢-٩- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
وَاقِدٍ اللَّحَّامِ قَالَ:

اسْتَقْبَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي طَرِيقٍ فَأَعْرَضْتُ عَنْهُ بِوَجْهِي

آنچه که بهتر است: تقیه است، «آنگاه میان تو و او که دشمنی است گویا که دوستی با مهربانی است».

۷- ابی عمرو کنانی، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای ابا عمرو، بگو بدانم، اگر برای حدیثی گفتم یا فتوایی دادم سپس باز گشتی و از آن پرسیدی و به تو خبری برخلاف خبر اول دادم یا فتوایی مخالف فتوای اول دادم، به کدام، عمل می کنی؟ گفتم:

به آنکه تازه تر است و آن دیگری را رها کنم، فرمود: درست گفتی ای ابا عمرو، خدا نخواسته عبادت شود، جز نهانی، همانا به خدا که اگر شما چنین کنید، راستی که برای شما و برای من بهتر است و خدا برای ما و شما جز تقیه در دین خود نخواسته است.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

تقیه هیچکس به تقیه اصحاب کهف نرسد، راستی که در جشن عید (بت پرستها) شرکت می کردند و زنار به کمر می بستند و خدا دو مزد به آنها داد.

۹- حماد بن واقد لحام، گوید: در راهی رو بروی امام صادق علیه السلام قرار گرفتم از

آن حضرت رو برگرداندم و گذشتم و پس از آن خدمتش رسیدم و گفتم: قربانت، به راستی بر شما بر می خورم و رو را بر می گردانم که مبادا بر شما

وَمَضَيْتُ فَدْخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - إِنِّي لَأَلْقَاكَ
فَأَصْرِفْ وَجْهِي كَرَاهَةً - أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ فَقَالَ لِي - رَحِمَكَ اللَّهُ وَلَكِنَّ
رَجُلًا لَقَيْتَنِي - أَمْسَ فِي مَوْضِعٍ كَذَا وَكَذَا - فَقَالَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ - مَا أَحْسَنَ وَلَا أَجْمَلَ.

٢٢٤٣ - ١٠ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ:
قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ النَّاسَ يَزُورُونَ أَنْ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ عَلَى مِنْبَرِ
الْكُوفَةِ - أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ سَتُدْعَوْنَ - إِلَى سَبِيِّ فَسُبُّونِي - ثُمَّ تُدْعَوْنَ
إِلَى الْبَرَاءَةِ مِنِّي - فَلَا تَبَرُّوا مِنِّي - فَقَالَ مَا أَكْثَرَ مَا يَكْذِبُ النَّاسُ - عَلَى
عَلِيٍّ عليه السلام ثُمَّ قَالَ - إِنَّمَا قَالَ إِنَّكُمْ سَتُدْعَوْنَ - إِلَى سَبِيِّ فَسُبُّونِي - ثُمَّ
سَتُدْعَوْنَ إِلَى الْبَرَاءَةِ مِنِّي - وَإِنِّي لَعَلِّي دِينَ مُحَمَّدٍ - وَلَمْ يَقُلْ لَا تَبَرُّوا
مِنِّي - فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ - أَرَأَيْتَ إِنْ اخْتَارَ الْقَتْلَ دُونَ الْبَرَاءَةِ - فَقَالَ وَ
اللَّهِ مَا ذَلِكَ عَلَيْهِ وَمَا لَهُ - إِلَّا مَا مَضَى عَلَيْهِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ - حَيْثُ
أَكْرَهَهُ أَهْلُ مَكَّةَ - وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ - فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ -
إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عِنْدَهَا - يَا عَمَّارُ إِنْ
عَادُوا فَعُدْ - فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عُذْرَكَ وَأَمَرَكَ أَنْ تَعُودَ إِنْ عَادُوا.

ناگوار نباشد، به من فرمود:

خدا تو را رحمت کند ولی دیروز مردی در فلان موضع به من برخورد، گفت: بر تو درود ای ابا عبدالله، او کار شایسته‌ای نکرد.

۱۰ - مسعدة بن صدقه، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض شد:

مردم روایت کنند که علی علیه السلام بر منبر کوفه فرموده است:

ای مردم! بزودی شما دعوت می‌شوید که مرا دشنام دهید، شما مرا دشنام دهید، سپس دعوت می‌شوید، که از من بی‌زاری جوئید، ولی از من بی‌زاری مجوئید، در پاسخ فرمود: مردم چه اندازه به علی علیه السلام دروغ می‌بندند، سپس فرمود: همانا علی علیه السلام فرموده است: برآستی شما به دشنام بر من دعوت می‌شوید، مرا دشنام دهید، سپس به بی‌زاری از من دعوت شوید، و به راستی که من بر کیش محمد صلی الله علیه و آله نفرمودم: از من بی‌زاری مجوئید، سائل گفت: بفرمائید اگر کشته شدن را بر بی‌زاری جستن برگزید؟ فرمود: که به خدا این وظیفه را ندارد، و وظیفه او همان است که عمار بن یاسر بدان عمل کرد که اهل مکه او را به زور وادار کردند (کفر گوید) ولی دلش به ایمان، مطمئن بود، و خدا عزوجل درباره او این آیه را نازل کرد فرو فرستاد: «جز کسی که وادارش کند و دلش به ایمان مطمئن است» (نحل / ۱۰۶)

در این وقت، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: اگر به کار خود باز گشتند، تو هم برگرد بدانچه کردی، خدای عزوجل عذر تو را پذیرفت و فرمان داد که اگر تکرار کردند باز تکرار کن.

٢٢٤٤-١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ - فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ - كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْ إِلَيْهِ زَيْنًا - وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا - صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ - وَاعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا اجْنَائِزَهُمْ - وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ - فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ - وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ - قُلْتُ وَمَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّقِيَّةُ.

٢٢٤٥-١٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْقِيَامِ لِلْوَلَاةِ - فَقَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَدِينِ آبَائِي - وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ.

٢٢٤٦-١٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ - وَصَاحِبُهَا أَعْلَمُ بِهَا حِينَ تَنْزِلُ بِهِ.

٢٢٤٧-١٤- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ وَآيُ شَيْءٍ أَقْرُبُ لِعَيْنِي مِنَ التَّقِيَّةِ - إِنَّ التَّقِيَّةَ جُنَّةُ الْمُؤْمِنِ.

۱۱- هشام کندی، گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود:

مبادا کاری کنید که مارا بدان سرزنش کنند زیرا پدر، فرزند بد را مورد سرزنش قرار می‌دهد (شما برای کسی که خود را به او بسته و از دیگران به خاطر او گسسته‌اید) آبرو و زینت باشید و برای او مایه بدنامی و زشتی نباشید، در میان عشائر و تیره‌های مخالفان، نماز بخوانید (یعنی در نماز جماعت آنها شرکت کنید)، بیماران آنها را عیادت کنید، و سر جنازه مرده‌های آنها حاضر شوید، و مبادا آنها به کار خیری بر شما سبقت جویند، شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید، به خدا که خداوند به چیزی مانند خبء (یعنی نهانی و زیر پرده بودن) عبادت نشده است، گفتم: خبء چیست؟ فرمود: تقیه است.

۱۲- معمر بن خلاد گوید: از ابوالحسن علیه السلام (امام هفتم یا امام هشتم) پرسیدم از قیام به کار والیان، در پاسخ فرمود:
امام باقر علیه السلام فرموده است: تقیه مربوط به دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: تقیه در هر مورد بیچارگی است و خود گرفتار، بدان داناتر است به آن، هنگامی که برای او پیش آید.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود که پدرم می‌فرمود:
کدام چیز چشم را از تقیه روشن‌تر می‌کند، براستی تقیه سپر مؤمن است.

٢٢٤٨- ١٥- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:
 قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مَنَعَ مَيْتَمَ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنَ التَّقِيَّةِ - فَوَاللَّهِ لَقَدْ
 عَلِمَ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ - نَزَلَتْ فِي عَمَّارٍ وَأَصْحَابِهِ - إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ
 مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ.

٢٢٤٩- ١٦- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ شُعَيْبِ
 الْحَدَّادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّمَا جُعِلَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ - فَإِذَا بَلَغَ الدَّمُ فَلَيْسَ تَقِيَّةً.

٢٢٥٠- ١٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ - كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ.

٢٢٥١- ١٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ
 الْجُعْفِيِّ وَمُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَزُرَّارَةَ قَالُوا:
 سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ - ابْنُ آدَمَ فَقَدْ
 أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ.

٢٢٥٢- ١٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ
 حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ التَّقِيَّةُ تَرُسُ اللَّهُ - بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ.

۱۵- محمد بن مروان، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: چه چیزی میثم را از تقیه باز داشت به خدا سوگند که او می دانست که این آیه درباره عمار و اصحابش نازل شده است: «جز کسی که در فشار است و دلش بر ایمان مطمئن» توضیح: ابن زیاد که حاکم کوفه شده بود روزی میثم را به دارالاماره آورد و از او خواست که از علی علیه السلام برائت و بی زاری جوید و چون او این کار را نکرد او را کشت و به دار آویخت.

۱۶- امام باقر علیه السلام فرمود: همانا تقیه برای این مقرر شده که خون و جان با آن نگهداری شود و اگر تقیه به خون ریزی کشد، دیگر تقیه نیست (و در ریختن خون دیگران تقیه روا نیست).

توضیح: شاید این حدیث به این معنی باشد که اگر شخص دیگری را ناگزیر به کشتن یک نفر کرد که اگر دستور او را اجرا نکند او را خواهد کشت شخص تهدید شده حق ندارد بعنوان تقیه و برای حفظ جان خود آن شخص را بکشد.

۱۷- محمد بن مسلم گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه این امر (یعنی ظهور امام قائم «ع») نزدیکتر شود، تقیه سخت تر گردد. (زیرا ایمان سست تر می شود و ستمگر جری تر).

۱۸- امام باقر علیه السلام فرمود: تقیه در هر چیزی است که آدمی زاده بدان ناچار می گردد و محققاً خدا آن را برایش حلال کرده است.

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

تقیه سپر خداست میان او میان خلق (یعنی مانع عذاب خدا و نزول بلا است). (یعنی اگر بنای حکومت بر عقل و اندیشه و ایمان استوار نباشد و روی هوی و هوس باشد یک عمل کودکانه خواهد بود و کشور به تباهی کشیده خواهد شد).

٢٢٥٣-٢٠- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام خَالِطُوهُمْ بِالْبِرَّانِيَّةِ - وَ خَالِفُوهُمْ بِالْجَوَانِيَّةِ - إِذَا
كَانَتِ الْأَمْرَةُ صَبِيَانِيَّةً.

٢٢٥٤-٢١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام رَجُلَانِ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَخَذَا - فَقِيلَ لَهُمَا إِبْرَأْ مِنْ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - فَبَرِئَ وَاحِدٌ مِنْهُمَا - وَأَبَى الْآخَرُ - فَخُلِيَ سَبِيلُ الَّذِي
بَرِئَ وَقُتِلَ الْآخَرُ - فَقَالَ أَمَّا الَّذِي بَرِئَ فَرَجُلٌ فَقِيهٌ فِي دِينِهِ وَأَمَّا الَّذِي
لَمْ يَبْرَأْ فَرَجُلٌ تَعَجَّلَ إِلَى الْجَنَّةِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٢٥٥-٢٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اخْذَرُوا عَوَاقِبَ الْعَثَرَاتِ.

٢٢٥٦-٢٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِبْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ التَّقِيَّةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ - وَ التَّقِيَّةُ حِرْزُ
الْمُؤْمِنِ - وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ - إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ
حَدِيثِنَا - فَيَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ - فَيَكُونُ لَهُ عِزًّا فِي

۲۰- امام باقر علیه السلام فرمود:

با آنها آشکارا درآمیزید و در نهان از آنها بگریزید، هرگاه فرمان روائی
کودکانه باشد.

۲۱- عبدالله بن عطاء، گوید:

به امام باقر علیه السلام گفتم: دو مرد از اهل کوفه را گرفتند و به آنها گفته شد از
امیرالمؤمنین علیه السلام بی زاری جوئید، یکی بی زاری جست و او را آزاد
کردند و یکی سرپیچی کرد و او را کشتند؟ فرمود:
آنکه بی زاری جست (از روی تقیه) مردی است که در دیانت خود مسئله
می دانسته (و به تکلیف تقیه عمل کرده) و اما آنکه بی زاری نجسته،
مردی است که به بهشت شتافته (یعنی از مصلحان بزرگ و جانبازان راه
حق بوده است).

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۲۲- امام صادق علیه السلام فرمود: از عاقبت لغزشها پرهیزید.

۲۳- عبدالله بن ابی یعفور، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

تقیه سپر مؤمن است، تقیه نگهدار مؤمن است، کسی که تقیه ندارد، ایمان
ندارد به راستی بنده ای است که حدیثی از ما به دست او می رسد و میان
خود و خدای عزوجل بدان دین داری می کند پس وسیله عزت در دنیا
اوست و نور است در سرای دیگر، و بنده ای است که حدیثی از ما به

الدُّنْيَا - وَ نُوراً فِي الْآخِرَةِ - وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا قِيْذِمِهِ فَيَكُونُ لَهُ ذِلاًّ فِي الدُّنْيَا وَ يَنْزِعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْهُ.

بَابُ الْكِتْمَانِ.

٢٢٥٧- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:
وَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصْلَتَيْنِ - فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمٍ سَاعِدِي - النَّزَقَ وَقِلَّةَ الْكِتْمَانِ.

٢٢٥٨- ٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَرَ النَّاسَ بِخَصْلَتَيْنِ - فَضَيَعُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا - عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ الصَّبْرَ وَالْكِتْمَانَ.

٢٢٥٩- ٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا سُلَيْمَانُ إِنَّكُمْ عَلَى دِينٍ مَنْ كَتَمَهُ - أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَذَاعَهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ.

دستش می‌افتد و آن را فاش و آشکار می‌سازد و در دنیا خوار می‌شود و
خدای عزوجل آن نور را از او می‌ستاند.

نگهداری راز

۱- علی بن الحسین علیه السلام، فرمود:

من دوست دارم برای دو خصلت بد که در شیعه ما هست، گوشت
استخوان دستم را عوض بدهم تا رفع شوند: کج خلقی و کم سر
نگهداری (تنگ حوصله‌ای و کم سرپوشی).



مرکز تحقیقات کهن‌پژوهی اسلامی

۲- امام صادق علیه السلام، فرمود:

مردم به دو خصلت فرمان یافتند و هر دو را ضایع کردن سرانجام همه
چیز خود را از دست دادند آن دو خصلت عبارتند از صبر و رازداری.

۳- سلیمان بن ابی خالد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای سلیمان، شما کیشی
دارید که هرکس آن را از دشمنان، نهان داشت، خدایش عزیز سازد، و
هرکس آن را فاش کند، خدایش خوار کند.

٢٢٦٠- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

دَخَلْنَا عَلَيْهِ جَمَاعَةٌ - فَقُلْنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - إِنَّا نُرِيدُ الْعِرَاقَ فَأَوْصِنَا - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لِيَتَّقُوا شَدِيدُكُمْ ضَعِيفَكُمْ - وَلْيَعُدُّ غَنِيُّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ - وَلَا تَبْشُوا سِرَّنَا - وَلَا تُذَيِّعُوا أَمْرَنَا - وَإِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ - فَوَجِدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا - أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ - فَخُذُوا بِهِ وَإِلَّا فَقِفُّوا عِنْدَهُ - ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ - وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظَرَ لِهَذَا الْأَمْرِ - لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ - وَمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَنَا فَخَرَجَ مَعَهُ - فَقَتَلَ عَدُوَّنَا كَانَ لَهُ - مِثْلُ أَجْرِ عَشْرِينَ شَهِيدًا - وَمَنْ قُتِلَ مَعَ قَائِمِنَا - كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ شَهِيدًا.

٢٢٦١- ٥- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ إِحْتِمَالٍ أَمْرِنَا - التَّصَدِيقُ لَهُ وَ الْقَبُولُ فَقَطْ - مِنْ إِحْتِمَالٍ أَمْرِنَا سَتْرُهُ - وَ صِيَانَتُهُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَقْرَبُهُمُ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ - رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ - حَدِّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ - وَ اسْتُرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ - ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا - بِأَشَدِّ عَلَيْنَا مَوْنَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكْرَهُ - فَإِذَا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبْدٍ إِذَاعَةً - فَاْمْشُوا إِلَيْهِ وَ رُدُّوهُ عَنْهَا - فَإِنْ قَبِلَ مِنْكُمْ وَ إِلَّا - فَتَحَمَّلُوا عَلَيْهِ بِمَنْ يُثْقَلُ عَلَيْهِ وَ يَسْمَعُ مِنْهُ - فَإِنْ

۴- مردی می‌گوید: جمعی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم و گفتیم: یا بن رسول الله، ما عازم عراق هستیم به ما سفارش کنید، امام علیه السلام فرمود: ثروتمندان شما به مستمندان کمک کنند و راز ما را فاش نکنید و امر (امامت) ما را آشکار نسازید.

و چون از طرف ما حدیثی به شما رسید و از طرف خداوند دلیلی بر این یافتید آن را بگیرید و گرنه توقف کنید و سپس آن را به ما ارجاع نمائید (یعنی از ما بپرسید) تا برای شما روشن شود و بداند چه کسی به قائم ما می‌رسد و همراهش به جهاد رود و دشمن ما را بکشد (گرچه کشته نشود) اجر یک شهید را دارد و کسی که در رکاب قائم کشته شود اجر بیست و پنج شهید را دارد.

۵- عبد الاعلیٰ گوید شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

راستش این است که پذیرش امامت تنها همان باور کردن و قبول داشتن نیست، بلکه منظور از پذیرفتن امامت: پنهان کردن آن و حفظ آن، از نا اهل است، به آنها سلام برسان و به آنها بگو: خدا رحمت کند بنده‌ای را که دوستی مردم را (مخالفین ما) را به سوی خود کشاند و با مردم چیزی را بگوئید که می‌فهمند و می‌شناسند و از آنها پنهان دارید آنچه را که منکرید، سپس فرمود:

به خدا سوگند آنکه شمشیر دشمنی بر روی ما بکشد بخدا سوگند برای ما ناگوارتر از این نیست که به زبان سخنی بگوئید که چون بنده‌ای را بشناسید که راز را فاش می‌کند، نزد او بروید و او را از آن بازدارید و اگر از شما پذیرفت (که بسیار خوب) و گرنه کسی را بر او وادار کنید که بر او گران آید و از او بشنود، به راستی از شما هر کس حاجتی را دارد، درباره

الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ - فَيَلْطَفُ فِيهَا حَتَّى تُقْضَى لَهُ - فَالْطُّفُوا فِي حَاجَتِي - كَمَا تَلْطَفُونَ فِي حَوَائِجِكُمْ - فَإِنْ هُوَ قَبْلَ مِنْكُمْ وَإِلَّا - فَادْفِنُوا كَلَامَهُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ - وَلَا تَقُولُوا إِنَّهُ يَقُولُ وَيَقُولُ - فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْمَلُ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ - أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ كُنْتُمْ تَقُولُونَ - مَا أَقُولُ لَأَقَرَّرْتُ أَنْكُمْ أَصْحَابِي - هَذَا أَبُو حَنِيفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ - وَهَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ - وَأَنَا إِمْرُؤُ مِنْ قُرَيْشٍ - قَدْ وَلَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِمْتُ كِتَابَ اللَّهِ - وَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ - بَدْءُ الْخَلْقِ وَ أَمْرُ السَّمَاءِ وَ أَمْرُ الْأَرْضِ وَ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ - وَ أَمْرُ الْآخِرِينَ وَ أَمْرُ مَا كَانَ - وَ أَمْرُ مَا يَكُونُ كَأَنِّي أَنْظُرُ - إِلَى ذَلِكَ نُصَبَ عَيْنِي.

٢٢٦٢-٦ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ لِي مَا زَالَ سِرُّنَا مَكْتُومًا - حَتَّى صَارَ فِي يَدَيَّ وَ لِدِ كَيْسَانَ فَتَحَدَّثُوا بِهِ فِي الطَّرِيقِ - وَ قُرَى السَّوَادِ.

٢٢٦٣-٧ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَقُولُ وَ اللَّهُ إِنَّ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَيَّ - أَوْرَعُهُمْ وَ أَفْقَهُهُمْ وَ أَكْتَمُهُمْ لِحَدِيثِنَا - وَ إِنَّ أَسْوَأَهُمْ عِنْدِي حَالًا - وَ أَمْقَتَهُمْ لِلَّذِي إِذَا سَمِعَ الْحَدِيثَ - يُنْسَبُ إِلَيْنَا وَ يُرَوَى عَنَّا - فَلَمْ يَقْبَلْهُ إِشْمَارًا مِنْهُ

آن خرده بینی کند تا برآورده شود، شما در حاجت من هم خرده بینی و چاره جوئی کنید چنانچه برای حوائج خود خرده بینی و چاره جوئی می کنید و اگر او از شما بپذیرد (چه بهتر) و گرنه سخن او را دفن کنید (نشینده حساب کنید) و نگوئید او چنین و چنان می گوید: زیرا این بر من و شما هر دو گران بار خواهد بود همانا به خدا اگر شماها بگوئید آنچه که من می گویم، اقرار دارم که یاران منید، این ابو حنیفه یارانی دارد و این حسن بصری یارانی، من مردی از قریشم و زاده رسول خدایم و قرآن خدا را خوب می دانم و در آن بیان هر چیزی هست، آغاز آفرینش، امر آسمان، امر زمین، امر اولین و امر آخرین و امر آنچه بوده و امر آنچه می باشد، گویا من در برابر چشم خود به آن نگاه می کنم.



۶- عبدالله بن سلیمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: همیشه راز ما نهان بود تا به دست اولاد کیسان افتاد و آن را در سر راه و در دهات کوفه باز گفتند (و آشکار کردند).

توضیح: کیسان همان مختار تقفی است که بغونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد و طایفه کیسان منسوب به اوست.

۷- ابی عبیده حذاء، گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: محبوب ترین یارانم نزد من پارسا ترین و داناترین آنها به دین و راز نگهدارترین آنها نسبت به حدیث ما و بدترین و مبعوض ترین آنها کسی است که چون حدیثی را بشنود به ما نسبت دهند و از ما روایت کنند و دلچسب نیست از آن اظهار تنفر کند و آن را منکر گردد و هرکس پیرو

وَجَحَدَهُ - وَكَفَّرَ مَنْ دَانَ بِهِ وَهُوَ لَا يَذَرِي - لَعَلَّ الْحَدِيثَ مِنْ عِنْدِنَا
خَرَجَ وَإِلَيْنَا أُسْنِدَ - فَيَكُونُ بِذَلِكَ خَارِجاً عَنْ وَلَا يَتَنَا.

٢٢٦٤ - ٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
يَحْيَى عَنْ حَرِيرٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا مُعَلَّى أَكُتِّمُ أَمْرَنَا وَلَا تُذِغُهُ - فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ
لَمْ يُذِغُهُ - أَعَزَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا - وَجَعَلَهُ نُوراً بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ -
يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ - يَا مُعَلَّى مَنْ أَذَاعَ أَمْرَنَا - وَلَمْ يَكْتُمْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي
الدُّنْيَا - وَنَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ - وَجَعَلَهُ ظُلُمَةً تَقُودُهُ إِلَى
النَّارِ - يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ - مِنْ دِينِي وَدِينِ آبَائِي - وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ
لَهُ - يَا مُعَلَّى إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ - كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي
الْعَلَانِيَةِ - يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمَذِيغَ لِأَمْرَنَا - كَالْجَاهِدِ لَهُ.

٢٢٦٥ - ٩ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ
مُسْلِمٍ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبَرْتُ بِمَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ أَحَدًا - قُلْتُ لَا إِلَّا سُلَيْمَانَ
بْنَ خَالِدٍ - قَالَ أَحْسَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الشَّاعِرِ.
فَلَا يَغْدُونُ سِرِّي وَسِرُّكَ ثَالِثًا أَلَا كُلُّ سِرٍّ جَاوَزَ اثْنَيْنِ شَائِعٌ.

آن باشد، او را کافر داند با اینکه نمی‌داند، شاید حدیث از ما باشد و به ما مستند باشد و به این سبب از ولایت ما بیرون رود.

۸- معلى بن خنيس، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای معلى، راز ما را پنهان دار و فاش مکن، زیرا هر کس راز ما را پنهان داشت و فاش نکرد، خدایش در دنیا عزیز دارد و آن را در آخرت نوری میان دو چشم او قرار دهد تا او را به بهشت کشاند.

ای معلى، هر کس راز ما را فاش کند و آن را نهان ندارد، خدا بدین وسیله او را در دنیا خوار دارد و نور ایمان را از میان دو دیده او در آخرت بر دارد و آن را در تاریکی قرار دهد تا به دوزخش اندازد.

ای معلى، راستی که تقیه از دین من و از دین پدرانم می‌باشد هر کس تقیه ندارد دین ندارد.

ای معلى، خدا دوست دارد که در پنهانی عبادت شود همانطور که دوست دارد در آشکار عبادت شود.

ای معلى، آنکه امر ما را فاش کند، چون کسی باشد که منکر آن است.

۹- عمار، گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم را خبر دادی بدانچه من به تو خبر دادم؟

گفتم: نه جز به سلیمان بن خالد.

فرمود: خوب کردی، آیا نشیدی گفته شاعر را:

راز من و تو به سومی سر نزنند هر راز که بگذرد از او فاش شود

٢٢٦٦- ١٠ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَبَى وَأَمْسَكَ - ثُمَّ قَالَ لَوْ
 أُعْطِينَاكُمْ كُلَّهَا - تُرِيدُونَ كَانَ شَرًّا لَكُمْ - وَ أَخَذَ بِرَقَبَةِ صَاحِبِ هَذَا
 الْأَمْرِ - قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَلَا يَتُ اللَّهُ أَسْرَهَا إِلَى جَبْرِئِيلَ عليه السلام وَأَسْرَهَا
 جَبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام وَأَسْرَهَا مُحَمَّدٌ إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام وَأَسْرَهَا عَلِيٌّ إِلَى مَنْ
 شَاءَ اللَّهُ - ثُمَّ أَنْتُمْ تُذِيعُونَ ذَلِكَ - مَنْ الَّذِي أَمْسَكَ حَرْفًا سَمِعَهُ - قَالَ أَبُو
 جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ - أَنْ يَكُونَ مَالِكًا لِنَفْسِهِ -
 مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ - عَارِفًا بِأَهْلِ زَمَانِهِ - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُذِيعُوا
 حَدِيثَنَا - فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنْ أَوْلِيَائِهِ - وَيَنْتَقِمُ لِأَوْلِيَائِهِ مِنْ
 أَعْدَائِهِ - أَمَا رَأَيْتَ مَا صَنَعَ اللَّهُ بِآلِ بَرْمَكٍ - وَمَا انْتَقَمَ اللَّهُ
 لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَقَدْ كَانَ بَنُو الْأَشْعَثِ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ - فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 يَوْمَ لَا يَتِيهِمْ - لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَأَنْتُمْ بِالْعِرَاقِ - تَرَوْنَ أَعْمَالَ هَؤُلَاءِ
 الْفِرَاعِنَةِ - وَمَا أَهْمَلَ اللَّهُ لَهُمْ فَعَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ - وَلَا تَغُرَّنْكُمْ الْحَيَاةُ
 الدُّنْيَا - وَلَا تَغْتَرُّوا بِمَنْ قَدْ أَهْمَلَ لَهُ - فَكَأَنَّ الْأَمْرَ قَدْ وَصَلَ إِلَيْكُمْ.

٢٢٦٧- ١١ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ
 عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله طُوبَى لِعَبْدٍ نُومَةٍ - عَرَفَهُ اللَّهُ وَلَمْ
 يَعْرِفْهُ النَّاسُ - أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى - وَيَنَابِيعُ الْعِلْمِ - يَنْجَلِي عَنْهُمْ
 كُلُّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ - لَيْسُوا بِالْمَذَابِيعِ الْبُذُرِ - وَلَا بِالْجُفَاءِ الْمُرَائِينَ.

۱۰- احمد بن محمد بن ابی نصر، گوید: از امام رضا علیه السلام مسأله‌ای پرسیدم، پاسخ نداد و خود داری کرد و سپس فرمود: اگر هر چه بخواهید به شما بگوئیم، برای شما بدتر باشد و گردن صاحب الامر را بگیرند. امام باقر علیه السلام فرمود: ولایت خداست که آن را رازی به جبرئیل سپرده و جبرئیل رازی به محمد صلی الله علیه و آله سپرده و محمد صلی الله علیه و آله رازی را به علی علیه السلام سپرده و علی علیه السلام رازی به هر کس خدا خواسته سپرده، سپس شما آن را فاش می‌کنید، کیست که سخنی را بشنود و آن را نگهدارد؟ امام باقر علیه السلام فرموده است: در حکمت آل داود است که شایسته است برای مسلمان که خوددار باشد و به کار خود رو آورد و مردم زمان خود را بشناسد، از خدا پرهیزد و حدیث ما را فاش نکند، پس اگر نبود که خدا از اولیاء خود دفاع می‌کند و برای دوستانش از دشمنانش انتقام می‌کشد (رشته امامت گسسته می‌شد) آیا ندیدی خدا با خاندان (برمک) چه کرد؟ و خدا چه انتقامی بخاطر امام کاظم علیه السلام از آنها گرفت و محققاً بنی اشعث در خطر بزرگی بودند و خدا به واسطه دوستی آنها با امام کاظم علیه السلام خطر را از آنها دفع کرد؟ شما در عراق به چشم خود کردار فرعون‌ها را می‌بینید و ملاحظه می‌کنید خدا چه مهلتی به آنها داده؟ بر شما باد به تقوی از برای خدا، مبادا دنیا شما را بفریبد و گول نخورید به وضع کسانی که خداوند به آنها مهلتی داده، پس گویا کار حکومت به دست شما افتاده است.

۱۱- ابی بصیر، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خوشا بر بنده گمنام، خدا او را بشناسد و مردم او را نشناسند، آنانند چراغ‌های هدایت و سرچشمه‌های دانش‌اند آنها اسرار را فاش نمی‌کنند به واسطه آنها هر فتنه تیره و تاری برطرف گردد، و نیز ناسپاس و ریاکار و خود نهما هم نیستند.

٢٢٦٨-١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام طُوبَى لِكُلِّ عَبْدٍ نَوْمَةٍ لَا يُؤْبَهُ لَهُ - يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ - يَعْرِفُهُ اللَّهُ مِنْهُ بِرِضْوَانٍ - أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى - يَنْجَلِي عَنْهُمْ كُلُّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ - وَيُقْتَحُّ لَهُمْ بَابُ كُلِّ رَحْمَةٍ لَيْسُوا بِالْبَذْرِ الْمَذَايِيعِ - وَلَا الْجَفَاةِ الْمَرَاءِينَ - قَالَ قُولُوا الْخَيْرَ تُعْرِفُوا بِهِ - وَاعْمَلُوا الْخَيْرَ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ - وَلَا تَكُونُوا عَجُلًا مَذَايِيعَ - فَإِنَّ خِيَارَكُمْ الَّذِينَ - إِذَا نُظِرَ إِلَيْهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ - وَشَرَارُكُمْ الْمَشَاءُونَ بِالنِّيمَةِ - الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ - الْمُبْتَغُونَ لِلْبَرَاءِ الْمَعَايِبِ.

٢٢٦٩-١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَالْزُمُوا بَيْوتَكُمْ - فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ - تَخْصُونَ بِهِ أَبَدًا - وَلَا تَزَالُ الزَّيْدِيَّةُ لَكُمْ وَقَاءً أَبَدًا.

٢٢٧٠-١٤- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ كَانَ فِي يَدِكَ هَذِهِ شَيْءٌ - فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَعْلَمَ هَذِهِ فافْعَلْ قَالَ وَكَانَ عِنْدَهُ إِنْسَانٌ - فَتَذَاكَرُوا الْإِذَاعَةَ فَقَالَ - احْفَظْ لِسَانَكَ تُعَزَّ وَلَا تُمَكِّنَ النَّاسَ مِنْ قِيَادِ رَقَبَتِكَ - فَتَذَلَّ.

۱۲- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خوشا بر هر بنده گمنامی که به او اعتناء نکنند، مردم را بشناسد و مردم او را نشناسند، خداوند رضایت او را بشناسد اینها چراغ‌های هدایتند، هر فتنه ظلمانی از آنها بر طرف گردد و در هر رحمت به روی آنها گشوده شود نه راز را فاش کنند و نه خشن و ریاکار باشند.

سخن خیر بگوئید تا به خیر معروف شوید، کار خوب کنید تا اهل آن باشید، شتاب زده و راز فاش کن نباشید، براستی که خوبان شما آنهاست که چون به آنها نظر شود، یاد خدا بخاطرشان آید و بدان شما آنهاست که برای سخن چینی گام برمی دارند و میان دوستان جدائی افکنند و عیب جوی پاکان باشند.



۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

زبان‌تان را نگه دارید و در خانه خود بنشینید که هرگز مصیبتی مخصوص به شما نرسد، و پیوسته زیدیه برای شما وسیله دفاعی باشند.

۱۴- ابوالحسن علیه السلام فرمود:

اگر در این دست تو چیزی است و می‌توانی که از دست دیگر پنهان داری، دریغ مکن.

نزد آن حضرت مردمی بودند و موضوع فاش کردن مذهب را به میان آوردند، آن حضرت فرمود:

زبان‌ت را نگهدار تا عزیز شوی، و مردم را برگردن خود سوار کن تا خوار شوی.

٢٢٧١-١٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ أَمْرَنَا مَسْتُورٌ مُقَنَّعٌ بِالْمِثَاقِ - فَمَنْ هَتَكَ عَلَيْنَا أَذْلَهُ اللَّهُ.

٢٢٧٢-١٦- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي مَتُصُورٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا - الْمَغْتَمِّ لَظْلُمِنَا تَسْبِيحٌ - وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ - وَ كِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ لِي أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ، أَكْتُبْ هَذَا بِالذَّهَبِ، مَا كُتِبَتْ شَيْئاً أَحْسَنَ مِنْهُ.

بَابُ الْمُؤْمِنِ وَ عَلَامَاتِهِ وَ صِفَاتِهِ.

٢٢٧٣-١- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ يَحْيَى عَنْ قُتَيْبِ بْنِ قَتَادَةَ الْحَرَّانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَامَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ - وَ كَانَ عَابِداً نَاسِكاً مُجْتَهِداً - إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ هُوَ يَخْطُبُ

فَقَالَ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا - صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ

فَقَالَ يَا هَمَّامُ - الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَبِيرُ الْفَطِنُ - بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ - وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ - أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا - وَ أَذْلُ شَيْءٍ نَفْسًا - زَاجِرٌ عَنْ كُلِّ فَاِنٍ

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که امر ما زیر پرده است، و به وسیله پیمانی که خدا گرفته، روپوش دارد هر کس پرده آن را به زبان بدرد، خدا خوارش کند.

۱۶- عیسی بن ابی منصور، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:
نفس کسی که برای ما افسرده است و بخاطر ستمی که بر ما شده است
غمناک است، تسبیح است و توجه او به امر ما عبادت است و راز
نگهداری او برای ما جهاد در راه خداست (محمد بن مسلم یکی از
روایت خبر) گوید: محمد بن سعید (راوی حدیث) به من گفت:
این حدیث را با طلاب نویس که چیزی بهتر از آن ننوشتی.
مؤمن و نشانه‌ها و صفاتش

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به نام «همّام» که عابد و خدا پرست و
ریاضت کش بود در برابر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که سخنانی می کرد،
برخواست و گفت: یا امیر المؤمنین علیه السلام، برای من، مؤمن را وصف کن و
صفت او را برای ما طوری شرح و توضیح ده که گویا او برابر چشم
ماست که به او می نگریم در پاسخش فرمود: ای همّام مؤمن، همان انسان
زیرک و هوشمندی است که شادیش در چهره و اندوهش در دل است،
دلش از همه چیز پهناورتر و از همه کس متواضع تر است، از هر نابودی
گریزان و به سوی هر خوبی شتابان است، نه کینه ورز است و نه حسود و
نه به مردم حمله می کند و نه دشنام گو و عیبجو و غیبت کننده است گردن
فرازی را بد می داند و شهرت را دشمن شمارد، غمش طولانی است، و
همتش بلند و دور زن، بسیار خموش است و با وقار و یاد آور و شکیا و
شکر گزار، از اندیشه در آینده خود غمناک است و از نداشتن مال دنیا
شاد، خلقش هموار و طبعش خاکسار و وفایش پایدار و خودش کم آزار
است، نه دروغ زن است و نه آبروریز.

حَاضٌّ عَلَى كُلِّ حَسَنٍ - لَا حَقُّودٌ وَلَا حَسُودٌ - وَلَا وَثَابٌ وَلَا سَبَابٌ
 وَلَا عِيَابٌ وَلَا مُغْتَابٌ - يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَيَشْنَأُ السَّمْعَةَ - طَوِيلُ الْغَمِّ
 بَعِيدُ الْهَمِّ - كَثِيرُ الصَّمْتِ - وَقُورٌ ذُكُورٌ صَبُورٌ - شُكُورٌ مَغْمُومٌ بِفِكْرِهِ
 مَسْرُورٌ بِفَقْرِهِ - سَهْلُ الْخَلِيقَةِ - لَيِّنُ الْعَرِيكَةِ - رَصِينُ الْوَفَاءِ قَلِيلُ
 الْأَذَى - لَا مُتَأَفِّكٌ وَلَا مُتَهَيِّكٌ - إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَخْرُقْ - وَإِنْ غَضِبَ لَمْ
 يَنْزُقْ - ضِخْكُهُ تَبَشُّمٌ - وَإِسْتِفْهَامُهُ تَعَلُّمٌ - وَمُرَاجَعَتُهُ تَفْهَمٌ - كَثِيرُ
 عِلْمِهِ عَظِيمُ حِلْمِهِ - كَثِيرُ الرَّحْمَةِ لَا يَنْخُلُ وَلَا يَغْجَلُ - وَلَا يَضْجَرُ وَلَا
 يَبْطُرُ - وَلَا يَحِيفُ فِي حُكْمِهِ - وَلَا يَجُورُ فِي عِلْمِهِ - نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ
 الصُّلْدِ - وَمُكَادَحَتُهُ أَهْلَى مِنَ الشَّهْدِ - لَا جَشَعٌ وَلَا هَلَعٌ - وَلَا عِنْفٌ وَلَا
 صِلَفٌ - وَلَا مُكَلِّفٌ وَلَا مُتَعَمِّقٌ - جَمِيلُ الْمَنَازَعَةِ كَرِيمُ الْمُرَاجَعَةِ
 عَدْلٌ إِنْ غَضِبَ - رَفِيقٌ إِنْ طَلَبَ - لَا يَسْتَهْوِرُ وَلَا يَسْتَهْتِكُ وَلَا
 يَتَجَبَّرُ خَالِصُ الْوُدِّ وَثِيقُ الْعَهْدِ - وَفِي الْعَقْدِ شَفِيقٌ - وَصُولُ حَلِيمٍ خَمُولٌ
 قَلِيلُ الْفُضُولِ - رَاضٍ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - مُخَالِفٌ لِهَوَاهُ - لَا يَغْلُظُ عَلَى
 مَنْ دُونَهُ - وَلَا يَخْوَضُ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ - نَاصِرٌ لِلدِّينِ - مُحَامٍ عَنِ
 الْمُؤْمِنِينَ - كَهْفٌ لِلْمُسْلِمِينَ - لَا يَخْرُقُ الثَّنَاءَ سَمْعُهُ - وَلَا يَنْكِي الطَّمَعُ
 قَلْبَهُ - وَلَا يَضْرِبُ اللَّعِبُ حُكْمَهُ - وَلَا يُطْلَعُ الْجَاهِلُ عِلْمَهُ - قَوَالُ عَمَالٍ
 عَالِمٌ حَازِمٌ - لَا بِفَحَّاشٍ وَلَا بِطَيَّاشٍ - وَصُولٌ فِي غَيْرِ عُنْفٍ - بَذُولٌ فِي
 غَيْرِ سَرَفٍ - لَا بِخَتَالٍ وَلَا بِغَدَارٍ - وَلَا يَقْتَنِي أَثَرًا - وَلَا يَحِيفُ بَشَرًا
 رَفِيقٌ بِالْمَخْلُوقِ - سَاعٍ فِي الْأَرْضِ - عَوْنٌ لِلضَّعِيفِ - غَوْثٌ لِلْمَلْهُوفِ - لَا

اگر بخندد، دهان را باز نمی‌کند و اگر خشم کند، از جای خود بیرون نمی‌رود، خنده‌اش به قهقهه نرسد و بر لبان نقش بندد، و پرسش او برای آموختن باشد و مراجعه او برای فهمیدن است، دانشش بسیار و بردباریش بزرگ و مهربانیش زیاد است بخل نورزد و شتاب نکند و بد مستی و سرکشی ننماید، در قضاوت خلاف حق نگوید، و در دانش خود به بیراهه نرود از سنگ خارا سخت‌تر است (تحت تأثیر و نفوذ دیگران قرار نگیرد) کار به هر دشواری که باشد در کامش از عسل شیرین‌تر است نه آزمند است و نه بی‌تاب و نه خشن و نه لاف‌زن و نه باربر دیگران و نه در جستجوی اسرار دیگران است، در نزاع خود نیکو و مراجعه کردنش شرافتمندانه است اگر خشم ورزد از عدالت به در نرود، و اگر چیزی خواهد بانرزش می‌خواهد نه زورگوست و نه هتاک، دوستیش صمیمانه و پیمانش محکم است، مهربان و چسبان و بردبار و گمنام و کم‌زوائد است، از خدای عزوجل راحتی و با هوای نفسش مخالف، به زیر دست درشتی نکند و در آنچه به کارش مربوط نیست وارد نشود یاوردین و حامی مؤمنین و پناهگاه مسلمین است ستایش دیگران گوشش را ندرد (در او اثر نگذارد) و طمع در دلش نشیند و فرو نرود و بازیچه، او را از قضاوت حکیمانه برنگرداند و نادان بر دانش او مطلع نشود. بسیار بسجا گوید، و بسیار کارگر است، دانشمندی است عاقبت اندیش، ناسزا نگوید و سبکی نکند و همیشه به دنبال صله رحم و پیوند با خویشان است، بخشش کند بدون اسراف، نیرنگباز و حيله گر نیست و به دنبال غیبت دیگران نمی‌رود و به کسی ستم روا نمی‌دارد اخلاقش خوش است و در روی زمین تلاشگر، یاور ناتوان است و دادرس بیچارگان، پرده آبرویی ندرد و رازی را فاش نکند، بلا بسیار کشد و شکایت اندک کند، اگر خوبی ببیند بیادش باشد و اگر بدی ببیند نهانش کند، عیب را پوشاند و حفظ الغیب کند، از لغزش دیگران در گذرد و از نکوهش، چشم پوشی کند، بر اندرزی مطلع نگردد که آن را از دست بدهد (چه درباره خودش از دیگران و چه درباره یادآوری آن به دیگران) و ناهمواری و ستمی را

يَهْتِكُ سِتْرًا وَلَا يَكْشِفُ سِرًّا - كَثِيرُ الْبُلْوَى قَلِيلُ الشُّكْوَى - إِنْ رَأَى
خَيْرًا ذَكَرَهُ - وَإِنْ عَايَنَ شَرًّا سَتَرَهُ - يَسْتُرُ الْعَيْبَ وَيَحْفَظُ الْغَيْبَ
وَيُقِيلُ الْعَثْرَةَ وَيَغْفِرُ الزَّلَّةَ - لَا يَطْلُعُ عَلَى نُصْحٍ فَيَذَرُهُ - وَلَا يَدْعُ جُنْحَ
حَيْفٍ فَيُصْلِحَهُ - أَمِينٌ رَصِينٌ - تَقِيُّ نَقِيٍّ زَكِيٌّ - رَضِيٌّ يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَ
يُجْمِلُ الذِّكْرَ - وَيُحْسِنُ بِالنَّاسِ الظَّنَّ - وَيَتَّهَمُ عَلَى الْعَيْبِ نَفْسَهُ - يُحِبُّ
فِي اللَّهِ بِفَقْهِهِ وَعِلْمِهِ - وَيَقْطَعُ فِي اللَّهِ بِحَزْمٍ وَعَزْمٍ - لَا يَخْرَقُ بِهِ فَرْحٌ
وَلَا يَطِيشُ بِهِ مَرَحٌ - مُذَكِّرٌ لِلْعَالِمِ - مُعَلِّمٌ لِلْجَاهِلِ - لَا يَتَوَقَّعُ لَهُ بَائِقَةٌ
وَلَا يُخَافُ لَهُ غَائِلَةٌ - كُلُّ سَفِيٍّ أَخْلَصَ عِنْدَهُ مِنْ سَعْيِهِ - وَكُلُّ نَفْسٍ
أَصْلَحَ عِنْدَهُ مِنْ نَفْسِهِ - عَالِمٌ بَعِيْبِهِ - شَاغِلٌ بِغَمِّهِ - لَا يَتَّقِي بَغْيَ رَبِّهِ
غَرِيبٌ وَحِيدٌ جَرِيدٌ - حَزِينٌ يُحِبُّ فِي اللَّهِ - وَيُجَاهِدُ فِي اللَّهِ لِيَتَّبِعَ
رِضَاهُ - وَلَا يَنْتَقِمَ لِنَفْسِهِ بِنَفْسِهِ - وَلَا يُؤَالِي فِي سَخَطِ رَبِّهِ - مُجَالِسٌ
لِأَهْلِ الْفَقْرِ - مُصَادِقٌ لِأَهْلِ الصِّدْقِ - مُوَازِرٌ لِأَهْلِ الْحَقِّ - عَوْنٌ
لِلْقَرِيبِ - أَبٌ لِلْيَتِيمِ - بَعْلٌ لِلْأَرْمَلَةِ - حَنِيٌّ بِأَهْلِ الْمَسْكِنَةِ - مَرْجُوٌّ لِكُلِّ
كَرِيمَةٍ - مَأْمُولٌ لِكُلِّ شِدَّةٍ - هَشَّاشٌ بِشَّاشٍ - لَا بَعْبَاسٍ وَلَا بِجَسَّاسٍ
صَلِيبٌ كَظَامٌ بِسَامٍ - دَقِيقُ النَّظَرِ عَظِيمُ الْحَذَرِ - لَا يَجْهَلُ وَإِنْ جُهِلَ
عَلَيْهِ يَحْلُمُ - لَا يَبْخُلُ وَإِنْ بُخِلَ عَلَيْهِ صَبَرُ - عَقْلٌ فَاسْتَحْيَا - وَقَنَعَ
فَاسْتَغْنَى - حَيَاؤُهُ يَغْلُو شَهْوَتُهُ - وَوُدُّهُ يَغْلُو حَسَدُهُ - وَعَفْوُهُ يَغْلُو
حِقْدُهُ - لَا يَنْطِقُ بِغَيْرِ صَوَابٍ - وَلَا يَلْبَسُ إِلَّا الْإِقْتِصَادَ - مَشِيئُهُ
التَّوَاضُّعُ - خَاضِعٌ لِرَبِّهِ بِطَاعَتِهِ - رَاضٍ عَنْهُ فِي كُلِّ حَالَاتِهِ - نَيْئُهُ

و انگذارد که اصلاحش نکند، استوار و پایدار است، پرهیزکار و پاک است، و پاکدامن و بی عیب و عذرپذیر و از مردم به نیکی یاد کند و نسبت به مردم خوشبین است و در نهان (خود را بعیب) متهم می کند از روی فهم و دانش برای رضای خدا دوست دارد و به دور اندیشی و تصمیم برای رضای خدا دوستی را ببرد، شادی او را به بد مستی نکشاند، و شادمانی بسیار عقل او را نبرد، یاد آور دانا باشد و معلم نادان، از او توقع شر ندارند و از آزار او نترسند (زیرا شری به کسی نرساند)، هر کوششی نزد او از کوشش خودش پاکتر است و هر کس در برابر او از خودش شایسته تر، عیب خود داند و گرفتار غم خویش است جز به پروردگارش اعتماد ندارد، آواره است، تنهاست بی علاقه است، (غمناک است)، برای خدا دوست دارد و در راه او جهاد کند تا خشنودی او را پیروی کند، برای دل خود انتقام نجوید، و در مورد خشم پروردگارش دوستی نکند، همنشین فقراء است، باراستان راست باشد و اهل حق را یاری کند، یاور خویشاوندان است و پدری برای یتیمان و شوهری برای بیوه زنان، و در حق مستمندان مهربان است، و برای هر ناگواری امید به اوست، برای هر سختی آرزومند اویند، با نشاط است، و خوشرو و نه عیبجو و ترشروی محکم است و بسیار خشم فرو بر و بسیار خندان و پرهیزگار بخل نورزد و در برابر بخل دیگران شکینا باشد می اندیشد تا شرم کند قناعت پیشه است و بی نیاز حیا پیش بر شهوتش برتری دارد و دوستش بر حسدش و گذشتش بر کینه اش، نادرست نگوید و جز سخن درست نگوید و جز راه اجتهاد نیوید و در طاعت پروردگارش فروتن باشد و در همه احوال از خدای خود راضی است نیتش پاک است و کردارش بی دغل و فریب، نگاهش عبرت است و خموشیش اندیشه و گفتارش حکمت، خیر خواه و بخشش کن و برادر، و در نهان و عیان خیر خواه است، از برادر خود قهر نکند و غیبت او را ننماید و به او نیرنگ نزنند، بر آنچه از دستش رفته افسوس نخورد، و هر مصیبتی که ببیند، اندوه نخورد و به آنچه برایش روا نیست امید نیندد، در سختی و تنگ دستی سست نشود و در خوشی و فراوانی سست نگردد، بردباری را با دانش درآمیزد و خرد را با شکینائی، بینی که تبلی از او دور و نشاط او پیوسته است، آرزوی کوتاه دارد و لغزش اندک و در انتظار مرگ، دلش لرزان

خَالِصَةً - أَعْمَالُهُ لَيْسَ فِيهَا غِشٌّ وَلَا خَدِيعَةٌ - نَظَرُهُ عِبْرَةٌ - سُكُوتُهُ
فِكْرَةٌ - وَكَلَامُهُ حِكْمَةٌ - مُنَاصِحًا مُتَبَاذِلًا مُتَوَاحِيًا - نَاصِحٌ فِي السِّرِّ وَ
الْعَلَانِيَةِ - لَا يَهْجُرُ أَخَاهُ - وَلَا يَغْتَابُهُ وَلَا يَمْكُرُ بِهِ - وَلَا يَأْسَفُ عَلَى مَا
فَاتَهُ - وَلَا يَحْزَنُ عَلَى مَا أَصَابَهُ - وَلَا يَرْجُو مَا لَا يَجُوزُ لَهُ الرَّجَاءُ - وَلَا
يَفْشَلُ فِي الشَّدَّةِ - وَلَا يَبْطُرُ فِي الرَّخَاءِ - يَمْزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ - وَالْعَقْلَ
بِالصَّبْرِ - تَرَاهُ بَعِيدًا كَسَلُهُ - دَائِمًا نَشَاطُهُ - قَرِيبًا أَمَلُهُ - قَلِيلًا زَلَلُهُ
مُتَوَقِّعًا لِأَجَلِهِ - خَاشِعًا قَلْبُهُ - ذَاكِرًا رَبَّهُ - قَانِعَةً نَفْسُهُ - مَنفِيًّا جَهْلُهُ
سَهْلًا أَمْرُهُ - حَزِينًا لِدُنْيِهِ - مَيِّتَةً شَهْوَتُهُ - كَظُومًا غَيْظُهُ - صَافِيًا
خُلُقُهُ - آمِنًا مِنْهُ جَارُهُ - ضَعِيفًا كِبَرُهُ - قَانِعًا بِالَّذِي قُدِّرَ لَهُ - مَتِينًا
صَبْرُهُ - مُحْكَمًا أَمْرُهُ - كَثِيرًا ذِكْرُهُ - يُخَالِطُ النَّاسَ لِيَعْلَمَ - وَيَصْمُتُ
لِيَسْلَمَ - وَيَسْأَلُ لِيَفْهَمَ - وَيَتَجَرَّبُ لِيَعْمَ - لَا يُنْصِتُ لِلْخَبَرِ لِيَفْجُرَ بِهِ
وَلَا يَتَكَلَّمُ لِيَتَجَبَّرَ بِهِ عَلَى مَنْ سِوَاهُ - نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ - وَالنَّاسُ مِنْهُ
فِي رَاحَةٍ - أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجَتْهُ - فَأَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ - إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ
صَبْرٌ - حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ الَّذِي يَنْتَصِرُ لَهُ - بَعْدَهُ مَمَّنْ تَبَاعَدَ مِنْهُ بُغْضٌ وَ
نَزَاهَةٌ - وَدُنُوهُ مَمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ - لَيْسَ تَبَاعُدُهُ تَكْبَرًا وَلَا
عَظَمَةٌ - وَلَا دُنُوهُ خَدِيعَةٌ وَلَا خِلَابَةٌ - بَلْ يَقْتَدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ أَهْلِ
الْخَيْرِ - فَهُوَ إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدَهُ مِنْ أَهْلِ الْبِرِّ

قَالَ فَصَاحَ هَمَّامٌ صَنِحَةً - ثُمَّ وَقَعَ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ - وَقَالَ

است و در یاد پروردگار خود است، نفسش قانع و جهلش زدوده و کارش آسان است، و برای گناهش غمگینی است و شهوت خود را کشته و خشمش را به خوبی فرو برده و اخلاقش بدون آلودگی و همسایه‌اش از او آسوده و خود پسندی در او راه ندارد و به آنچه که برایش مقرر شده قانع است، بردباریش متین و کارش و محکم تذکرش بسیار است با مردم درآمیزد تا دانش آموزد و دم فرو بندد و پیرسد تا سالم بماند و پیرسد تا بفهمد، تجارت کند تا سود برد گوش دادنش به سخنان خوب بخاطر بالیدن بر دیگران نیست (منصب خوب را نپذیرد تا از مقام خود سوء استفاده کند و هرزگی پیش گیرد) سخن نگوید تا بر دیگران زور نمائی کند، خودش از خویش در رنج است و مردم از او در آسایش، خود را برای دیگر سرایش در رنج اندازد و مردم را از خود آسوده سازد، اگر به او ستم شود شکیباً باشد تا خدا برایش انتقام کشد، دوریش از هر کس بخاطر بغض و پاکدامنی است و نزدیکیش به هر کس بخاطر نرمی و مهربانی است، دوری کردنش از راه بزرگی منشی و تکبر نیست و نزدیکیش فریب و نیرنگ نیست بلکه به اهل خیری که پیش او بودند، اقتداء کند و پیشوای نیکان پس از خود باشد.

گوید: هَمَام، پس از شنیدن بیانات امام، فریاد کشید و بی هوش افتاد، پس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: همانا به خدا که من از همین بی تابی بر او می‌ترسیدم و فرمود: پندهای رسا و عمیق با اهل خود چنین کنند، گوینده‌ای به آن حضرت گفت: پس ای امیر المؤمنین، تو را چه در نهاد است؟ (یعنی پس چرا تو خود جیغ نزدی و بی هوش نشوی؟) فرمود: راستی برای هر کس، اجل مقرری است که از آن نگذرد و آن اجل را سبب معینی است که از آن تجاوز نکند، آرام باش، و دیگر مگو که این

هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوْعِظَةُ الْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا

فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ - فَا بِأَلْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - فَقَالَ إِنَّ لِكُلِّ أَجَلًا لَا يَعْدُوهُ - وَ سَبَبًا لَا يُجَاوِزُهُ - فَهَلَّا لَا تُعَدُّ - فَاِنَّمَا نَفَثَ عَلَى لِسَانِكَ شَيْطَانٌ.

٢٢٧٤ - ٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ - فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ - وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَازِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ - شَكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ - قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ - لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ - وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ - بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ - وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ - إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ - وَالْحِلْمَ وَزِيرُهُ - وَالصَّبْرَ أَمِيرُ جُنُودِهِ - وَالرِّفْقَ أَخُوهُ - وَاللِّينَ وَالِدُهُ.

٢٢٧٥ - ٣ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ إِبْنِ فَضَالٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ يَصُمْتُ لِيَسْلَمَ - وَيَنْطِقُ لِيَغْنَمَ - لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ الْأَصْدِقَاءَ - وَلَا يَكْتُمُ شَهَادَتَهُ مِنَ الْبُعْدَاءِ - وَلَا يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً - وَلَا يَتْرُكُهُ حَيَاءً - إِنَّ زُكِّيَّ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ - وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ - لَا يَغْرُهُ قَوْلُ مَنْ جَهِلَهُ - وَيَخَافُ إِحْصَاءَ مَا عَمِلَهُ.

شیطان است که این سخنان را بر زبانت جاری می‌سازد.

توضیح: سنوال پرسشگر و پاسخ مولا علی علیه السلام به او کاملاً رسا و صحیح است و برای توضیح بیشتر باید گفت: که همانطور که خود حضرت در مورد سخنانش به کمیل می‌فرماید: هر کس دارای ظرفیت و اندازه‌ای است که اگر ظرفش پر شود سر ریز خواهد کرد ظرفی که قدرت نگهداری یک لیتر آب را دارد اگر بیشتر بریزی سر ریز می‌کند و می‌ریزد از این رو فردی است که قدرت نگهداری و درک مسائل را ندارد که مثل همام فریاد می‌کشد و نقش زمین می‌شود و فردی است که مثل سلمان و ابوذر قدرت و توان نگهداری مسائل بسیاری را دارند و یا مثل خود حضرت علی علیه السلام که وجودش دریائی است بیکران که هر چه از مسائل حقایق در آن بریزند سرریز نمی‌کند و باز می‌گیرد از این رو حضرت در ضمن سخنان خود به این نکته مهم اشاره دارد و می‌فرماید: اگر آن چه که من می‌دانم شما بدانید یک لحظه قادر به ادامه زندگی نخواهید بود و سربه‌بیان خواهید گذاشت پس از آنجائی که ظرفیت وجودی امام بسیار وسیع و قدرت نگهداری آن نامحدود است پیامبر تمام مسائل را در قلب او فرو ریخت و نگفتی هارابه او گفت از این رو حضرت علی علیه السلام نه مثل همام غش می‌کند و نه بر زمین می‌افتد و نه از جای خود در می‌ورد سینه‌اش پر از اسرار است و اندیشه‌اش وسیع و والا وجودش مرکز بایگانی تمام اسرار الهی است که خود بارها به یارانش فرمود: این سینه پر از مسائل و اسرار است و هر کس هر چه خواهد می‌تواند پیرسد و سؤال کند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته است که مؤمن هشت خصلت را دارا باشد:

- ۱- در پیشامدهای سخت خوددار باشد (و خود را نبازد).
- ۲- در موقع بلاء و مصیبت شکیا باشد. ۳- در نعمت و فراوانی شکر گزار باشد به آنچه که خدا روزیش کرده ۴- قانع باشد ۵- به دشمنان ستم نکند ۶- بخاطر دوستان خود گناه نکند ۷ و ۸- تنش از او در زحمت باشد و دیگران در آسایش همانا دانش دوست مؤمن و بردباری وزیر اوست و شکیبائی فرمانده لشکر او، نرمش برادر او و رفیق و مدارا پدر اوست.

۳- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: مؤمن سکوت می‌کند تا سالم ماند و سخن می‌گوید تا سود برد، سپرده و راز خود را به دوستان بازگو نکند (تا چه رسد به دشمنان) و گواهی به حق را از بیگانگان دریغ ندارد و هیچ کار خیری را برای خود نمائی نکند و از روی حیا آن را ترک نکند اگر او را به خوبی ستایند از آنچه درباره او گویند بیم دارد و از آنچه که در باره او ندانند آمرزش خواهد، گفتار کسی که به باطن او آگاه نیست (و بدون شناخت او را می‌ستایند) فریبش ندهد و از شمارش گناهی که مرتکب شده و در پرونده اعمالش ثبت است بیم دارد و می‌ترسد.

٢٢٧٦- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ - وَ حَزْمٌ فِي لِينٍ - وَ إِيْمَانٌ فِي يَقِينٍ - وَ حِرْصٌ فِي فِقْهِ - وَ نَشَاطٌ فِي هُدًى - وَ بِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ - وَ عِلْمٌ فِي حِلْمٍ - وَ كَيْسٌ فِي رَفْقٍ - وَ سَخَاءٌ فِي حَقٍّ - وَ قَصْدٌ فِي غِنًى - وَ تَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ - وَ عَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ - وَ طَاعَةٌ لِلَّهِ فِي نَصِيحَةٍ - وَ انْتِهَاءٌ فِي شَهْوَةٍ - وَ وَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ - وَ حِرْصٌ فِي جِهَادٍ - وَ صَلَاةٌ فِي شُغْلٍ - وَ صَبْرٌ فِي شِدَّةٍ - وَ فِي الْهَزَاهِزِ وَقُورٌ - وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ - وَ فِي الرِّخَاءِ شُكُورٌ - وَ لَا يَغْتَابُ وَ لَا يَتَكَبَّرُ - وَ لَا يَقْطَعُ الرَّحِمَ وَ لَيْسَ بِوَاهِنٍ - وَ لَا فَظٌّ وَ لَا غَلِيظٌ - وَ لَا يَسْبِقُهُ بَصَرُهُ - وَ لَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ - وَ لَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ - وَ لَا يَحْسُدُ النَّاسَ - يُعَيِّرُ وَ لَا يُعَيَّرُ وَ لَا يُسْرِفُ - يَنْصُرُ الْمَظْلُومَ وَ يَرْحَمُ الْمُسْكِينَ - نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ - وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ - لَا يَرْغَبُ فِي عِزِّ الدُّنْيَا - وَ لَا يَجْزَعُ مِنْ ذُلِّهَا - لِلنَّاسِ هَمٌّ قَدْ أَقْبَلُوا عَلَيْهِ - وَ لَهُ هَمٌّ قَدْ شَغَلَهُ - لَا يُرَى فِي حُكْمِهِ نَقْصٌ - وَ لَا فِي رَأْيِهِ وَهْنٌ وَ لَا فِي دِينِهِ ضِيَاعٌ، يُرْشِدُ مَنْ اسْتَشَارَهُ، وَ يُسَاعِدُ مَنْ سَاعَدَهُ وَ يَكْبَعُ عَنِ الْخَنَا وَ الْجَهْلِ..

٢٢٧٧- ٥- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِمَجْلِسٍ مِنْ قُرَيْشٍ - فَإِذَا هُوَ بِقَوْمٍ بِيضٍ ثِيَابُهُمْ - صَافِيَةِ أَلْوَانِهِمْ كَثِيرٍ ضَحْكُهُمْ - يُشِيرُونَ بِأَصَابِعِهِمْ إِلَى مَنْ

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در کار دین نیرومند است و با احتیاط کاری خود، دوراندیش است و ایمانش با یقین در هم آمیخته و برای تحصیل مسائل دینی حریص و در هدایت بانشاط و با وجود ثبات و پایداری نیکوکار است خویشتن داریش با علم و به نرمی زیرک است سخاوتش در راه حق و هنگام توانگری رعایت اقتصاد کند و در وقت نداری ظاهرش بی نیاز نشان دهد، به هنگام قدرت گذشت دارد و با وجود خیر خواهی مردم، خدا را فرمان برد و به هنگام شهوت، خود را نگه دارد و به هنگام تمایل، پرهیزکار باشد. در کار خیر حریص و در سختی شکیباف باشد و در پیشامدهای سخت، باوقار است و در ناگواریها بردبار و به هنگام نعمت سپاسگزار، نه غیبت کند نه بزرگی فروشد و نه قطع رحم کند، مؤمن نه سست است و نه تند خو و نه سخت دل، چشم او از او پیش نیفتد و بی اختیار به هر جانگرد و شکمش او را رسوا نسازد و آلتش در شهوت بر او چیره نگردد، بر مردم حسد نبرد، سرزنش شنود و سرزنش نکند، اسراف نورزد، مستم دیده را باری نکند و به مستمندان مهربانی نماید، خودش را در رنج اندازد و مردم از او در آسایش، در عزت دنیا رغبت ندارد و از خواری آن، بی تابی نکند مردم، مسئله مهمی دارند که به آن رو آورده و او هم مسئله مهمی دارد که گرفتارش شده (مردم به دنیا توجه دارند و او به آخرت) در داوریش نقصی دیده نشود و در رأی او، سستی نباشد و در دینش گم شده نیست، هر کس از او مشورت خواهد، به راه راست هدایتش کند و هر کس از او کمک خواهد، به او کمک رساند و از هرزه گوئی و نادانی، می ترسد.

۵- امام باقر یا امام صادق علیه السلام می فرماید: امیر المؤمنین علیه السلام به انجمنی از مردم قریش گذر کرد، بر خلاف انتظار، دید همه جامه های سفید بر تن دارند و

يَمُرُّ بِهِمْ - ثُمَّ مَرَّ بِمَجْلِسٍ لِلْأَوْسِ وَالْخَزَرَجِ - فَإِذَا قَوْمٌ بُلِيتَ مِنْهُمْ
 الْأُبْدَانُ - وَدَقَّتْ مِنْهُمْ الرِّقَابُ - وَاصْفَرَّتْ مِنْهُمْ الْأَلْوَانُ - وَقَدْ
 تَوَاضَعُوا بِالْكَلَامِ - فَتَعَجَّبَ عَلِيُّ عليه السلام مِنْ ذَلِكَ - وَدَخَلَ عَلَى رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي - إِنِّي مَرَرْتُ بِمَجْلِسٍ لِآلِ فُلَانٍ ثُمَّ
 وَصَفَهُمْ - وَمَرَرْتُ بِمَجْلِسٍ لِلْأَوْسِ وَالْخَزَرَجِ فَوَصَفَهُمْ - ثُمَّ قَالَ وَ
 جَمِيعُ مُؤْمِنُونَ - فَأَخْبَرَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ بِصِفَةِ الْمُؤْمِنِ - فَتَكَسَّ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ - عِشْرُونَ خُصْلَةً فِي الْمُؤْمِنِ - فَإِنْ لَمْ تَكُنْ
 فِيهِ - لَمْ يَكْمُلْ إِيْمَانُهُ - إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيُّ - الْحَاضِرُونَ
 الصَّلَاةَ - وَالْمَسَارِعُونَ إِلَى الزَّكَاةِ - وَالْمُطْعَمُونَ الْمِسْكِينَ - الْمَاسِحُونَ
 رَأْسَ الْيَتِيمِ - الْمُطَهَّرُونَ أَطْمَارَهُمْ - الْمُتَزَرُّونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ - الَّذِينَ
 إِنْ حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا - وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يُخْلِفُوا - وَإِذَا أُتْمِنُوا لَمْ يَخُونُوا
 وَإِذَا تَكَلَّمُوا صَدَقُوا - رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ - أُسْدٌ بِالنَّهَارِ - صَائِمُونَ النَّهَارَ
 قَائِمُونَ اللَّيْلَ - لَا يُؤْذُونَ جَاراً وَلَا يَتَأَذَى بِهِمْ جَارٌ - الَّذِينَ مَشِيَهُمْ
 عَلَى الْأَرْضِ هَوْنٌ - وَخُطَاهُمْ إِلَى بُيُوتِ الْأَرَامِلِ - وَ عَلَى أَثَرِ الْجَنَائِزِ
 جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمُتَّقِينَ.

٢٢٧٨-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي
 الْعَبَّاسِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ - وَ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.

رنگ و روی آنها با صفاست، پر می‌خندند، و هر کس از کنار آنها می‌گذرد او را با انگشت نشان می‌دهند و مسخره‌اش می‌نمایند سپس به انجمنی از اوس و خزرج (انصار مدینه) گذر کرد، دید مردمی هستند فرسوده تن، گردن آنها لاغر و رنگ آنها از ریاضت زرد است و در سخن و گفتار خود، با تواضع هستند. علی علیه السلام از این دو انجمن در شگفت شد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد من به انجمنی از آل فلان برخوردم، و حال آنها را شرح داد، و به انجمنی از اوس و خزرج برخوردم، و حال آنها را شرح داد، سپس عرض کرد: آیا همه اینها در شمار مؤمنان هستند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله سر بزر انداخت و سپس سر برداشت و فرمود: در مؤمن بیست خصلت است و اگر آنها در وی نباشد، ایمانش کامل نیست، به راستی ای علی، از اخلاق مؤمنان است که: ۱- در نماز جماعت حاضر شوند. ۲- به پرداخت زکات شتاب ورزند. ۳- به مستمندان غذا دهند. ۴- دست مهر بر سر یتیم کشند. ۵- جامه‌های خود را پاکیزه نگه دارند. ۶- کمر خود را محکم بندند. ۷- کسانی که اگر خبری گویند، دروغ نگویند. ۸- اگر وعده کنند تخلف نورزند. ۹- اگر امانتی گیرند، در آن خیانت نورزند. ۱۰- چون سخن گویند، راست گویند. ۱۱- در شب، چون راهبان، عبادت کنند. ۱۲- در روز، چون شیران دلیر باشند. ۱۳- روزها روزه دارند. ۱۴- و شبها را به عبادت گذرانند. ۱۵- همسایه (پناهنده) را آزار ندهند. ۱۶- همسایه از آنها آزار نکشد. ۱۷- در زمین با آرامش گام بردارند. ۱۸- به خانه بیوه زنان سرکشی کنند. ۱۹- دنباله جنازه مردگان بروند. ۲۰- خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از حسنه خود شاد گردد و از کردار بد خود بدش آید، مؤمن است.

٢٢٧٩-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَعْلَانَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

شِيعَتُنَا هُمُ الشَّاحِبُونَ - الذَّابِلُونَ النَّاحِلُونَ - الَّذِينَ إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اسْتَقْبَلُوهُ بِحُزْنٍ.

٢٢٨٠-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

شِيعَتُنَا أَهْلُ الْهُدَى - وَ أَهْلُ التَّقَى وَ أَهْلُ الْخَيْرِ - وَ أَهْلُ الْإِيمَانِ وَ أَهْلُ الْفَتْحِ وَ الظَّفَرِ.

٢٢٨١-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ

عَنْ مَنصُورٍ بَزْرَجٍ عَنْ مُقْضَلٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاكَ وَ السَّفَلَةَ - فَإِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ - مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرَجُهُ - وَ اشْتَدَّ جِهَادُهُ - وَ عَمِلَ لِمَخَالِقِهِ - وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ - فَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ - فَأَوْلِيكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ.

٢٢٨٢-١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ كَانُوا خُمُصَ الْبُطُونِ - ذُبُلَ الشِّفَاهِ - أَهْلَ رَافَةِ وَ عِلْمٍ وَ حِلْمٍ - يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ - فَأَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

شیعه ما، رنگ پریدگانند (از بیم خداوند)، خشک لبانند (از روزه)، لاغرند (از کم خوری)، آن کسانی که چون شب آید با اندوه از آن استقبال کنند (برای توجه به حق و درک مسؤولیت خود).

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

شیعیان ما اهل هدایت، اهل تقوی، اهل خیر، اهل ایمان، اهل فتح و ظفر می باشند.



۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

از مردم پست و ارازل پرهیز، همانا شیعه علی کسی است که عفت شکم و فرج دارد و سخت کوش است و برای خالق خود کار می کند و امید ثواب او دارد و از کیفر او می ترسد، هر گاه آنها را دیدی از شیعیان جعفرند.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

براستی شیعه علی شکمی لاغر لبانی خشک دارند (زیرا اهل روزه و ریاضت اند) و اهل مهر و دانش که به بردباری و گوشه گیری شناخته می شدند پس (بخاطر کفاره گناهان خود) به پرهیزکاری و تلاش کمک کنید (و خود را از کیفر الهی دور سازید).

٢٢٨٣-١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا غَضِبَ - لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ - وَإِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ - وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرًا مِمَّا لَهُ.

٢٢٨٤-١٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا سُلَيْمَانُ أَتَدْرِي مِنَ الْمُسْلِمِ - قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ أَعْلَمُ - قَالَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ - مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ وَ تَدْرِي مِنَ الْمُؤْمِنِ - قَالَ قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ - قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَنْ إِتَمَنَهُ الْمُسْلِمُونَ - عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ - وَالْمُسْلِمُ حَرَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِ - أَنْ يَظْلِمَهُ أَوْ يَخْذُلَهُ - أَوْ يَدْفَعَهُ دَفْعَةً تُعْنِتُهُ.

٢٢٨٥-١٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا رَضِيَ - لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِثْمٍ وَ لَا بَاطِلٍ - وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ - سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ - وَ الَّذِي إِذَا قَدَرَ لَمْ يُخْرِجْهُ قُدْرَتُهُ إِلَى التَّعَدِّي إِلَى مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا مؤمن کسی است که چون خشم گیرد، خشمش او را از حق خارج نسازد و چون بپسندد، پسندش او را به باطل نکشاند و چون قدرت یافت بیش از حق خود بر ندارد.

۱۲- «سلیمان بن خالد» گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای سلیمان، تو می دانی که

مسلمان کیست؟ گفتم: شما بهتر می دانید، فرمود:

مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دستش سالم بمانند، سپس فرمود: می دانی مؤمن کیست؟ گفتم: شما دانا ترید، فرمود: به راستی مؤمن کسی است که مسلمانان مال و جانیشان را به او بسپارند، بر مسلمان حرام است که به مسلمان دیگر ستم کند یا او را واگذارد و یاری نکند، یا او را از خود براند بطوری که او را به رنج اندازد.

۱۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

همانا مؤمن کسی است که چون بپسندد، پسندش او را به گناه و باطل نکشد و هرگاه خشم گیرد، خشمش او را از گفتار حق خارج نسازد و هرگاه توانا شود قدرت او را به آنچه که حق او نیست نکشاند.

٢٢٨٦-١٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي
الْبَخْتَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ هَيِّتُونَ لَيْتُونَ - كَالْجَمَلِ الْأَنْفِ إِذَا قِيدَ انْقَادَ
وَإِنْ أُنِخَ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتَنَاحَ.

٢٢٨٧-١٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ:

ثَلَاثَةٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ - الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَمَنْ يُحِبُّ وَمَنْ يَكْرَهُ.

٢٢٨٨-١٦ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُؤْمِنُ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ - لَا يَتَحَاتُّ وَرَقُهَا فِي شِتَاءٍ وَ
لَا صَيْفٍ - قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هِيَ - قَالَ النَّخْلَةُ.

٢٢٨٩-١٧ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ أَبِي
إِبْرَاهِيمَ الْأَعْجَمِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْمُؤْمِنُ حَلِيمٌ لَا يَجْهَلُ - وَإِنْ جُهِلَ عَلَيْهِ يَحْتَلِمُ - وَلَا يَظْلِمُ وَإِنْ ظَلِمَ
غَفَرَ - وَلَا يَبْخُلُ وَإِنْ بُخِلَ عَلَيْهِ صَبَرَ.

٢٢٩٠-١٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
مِهْرَانَ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ جَيْفَرٍ عَنْ آدَمَ أَبِي الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ - وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ - وَصَحَّتْ سَرِيرَتُهُ

۱۴- «ابی البختری» می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنان هموار و خوش پذیرایند مانند شترنرمهار در بینی دارند هر وقت او را بکشند می رود و هر گاه بر سر سنگش بخوابانند همان جا بخوابد.

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از نشانه های مؤمن است علم به خدا و علم به هر کسی که خدا او را دوست دارد یا آنکس که دوست ندارد.

توضیح: می دانیم که علم به ذات باری از طریق ذات عملی نیست بلکه این علم از راه صفات به دست می آید پس مراد از علم به خدا علم به خداوند و صفات و کمال اوست و مراد از شناخت دوستان خداوند پیامبر و ائمه معصومین اند و مراد از کسانی که خدا دوستشان ندارد کفار و منافقین اند.

۱۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مؤمن چون درختی است که برگ آن نریزد نه در زمستان و نه در تابستان، گفتند: یا رسول الله، آن درخت کدام است؟ فرمود:

نخل خرما (یعنی مؤمن همیشه مانند درخت خرما سر سبز و سود رسان است که میوه اش شیرین و لذتبخش است).

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن بردباری است که نادانی نورزد و اگر به او نادانی کنند بردبار باشد و ستم نکند و اگر مورد ستم قرار گیرد گذشت کند، بخل نکند و اگر نسبت به او بخل ورزند شکیا باشد.

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن کسی است که کسبش پاک و اخلاقش خوش باشد و درویش

وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ - وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ - وَكَفَى النَّاسَ شَرَّهُ - وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ.

٢٢٩١-١٩- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُنبِئُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ - مَنْ إِتَمَنَّهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ - أَلَا أُنبِئُكُمْ بِالْمُسْلِمِ - مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ - وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ - وَتَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ - وَالْمُؤْمِنُ حَرَامٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ - أَنْ يَظْلِمَهُ أَوْ يَخْذُلَهُ - أَوْ يَغْتَابَهُ أَوْ يَدْفَعَهُ دَفْعَةً.

٢٢٩٢-٢٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُقْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْغَطَّارِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ الْحُكَمَاءُ - الْعُلَمَاءُ الذُّبُلُ الشِّفَاهُ تُعْرَفُ الرَّهْبَانِيَّةُ عَلَى وُجُوهِهِمْ.

٢٢٩٣-٢١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالنَّاسِ الصُّبْحَ بِالْعِرَاقِ - فَلَمَّا انْصَرَفَ وَعَظَهُمْ - فَبَكَى وَابْكَاهُمْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ - ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ عَاهَدْتُ أَقْوَاماً - عَلَى عَهْدِ خَلِيلِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِنَّهُمْ لَيُصْبِحُونَ

نیکو و زیادی مال خود را انفاق کند و از سخن زیاد خودداری نماید و مردم از شر او در امان باشند و از طرف خود به مردم حق بدهد.

۱۹- رسول خدا ﷺ فرمود:

آیا مؤمن را به شما معرفی نکنم مؤمن کسی است که مردم او را نسبت به جان و مال خود امین شمارند، آیا شما را آگاه نکنم از مسلمان؟ او کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و آزار نکشند، مهاجر کسی است که بدیها را کنار گذارد و حرام خدا را ترک کند و برای هر مؤمن حرام است که نسبت به مؤمن دیگر ستم کند یا او را به حال خود واگذارد یا پشت سرش بد گوئی کند یا او را از خود براند.



۲۰- امام باقر علیه السلام فرمود: همانا شیعیان علی بردباران اند دانشمندان خشک لب اند که اثر عبادت و ترک دنیا از چهره آنها هویدا است.

۲۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

امیر المؤمنین علیه السلام در عراق نماز صبح را با مردم خواند و چون رو برگرداند آنها را پند داد و گریست و آنها را از خوف خدا، گریانند سپس فرمود: به خدا در عهد دوستم رسول خدا ﷺ مردمی را به یاد دارم که در صبح و شام ژولیده و گرد آلود و گرسنه بودند پیشانی آنها (در اثر سجده) چون سر زانوی گوسفند داغ سجده داشت، با سجده و عبادت

وَيُسُونُ - شُعْنًا غُبْرًا خُصًّا - بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ كَرْكَبِ الْمَغْزَى - يَبِيتُونَ
لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا - يُرَاحُونَ بَيْنَ أَقْدَامِهِمْ وَجِبَاهِهِمْ - يُنَاجُونَ
رَبَّهُمْ وَيَسْأَلُونَهُ - فَكَأَنكَ رِقَابِهِمْ مِنَ النَّارِ - وَاللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُهُمْ مَعَ
هَذَا - وَهُمْ خَائِفُونَ مُشْفِقُونَ.

٢٢٩٤-٢٢ - عَنْهُ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْفَجْرَ - ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِي مَوْضِعِهِ - حَتَّى صَارَتْ
الشَّمْسُ عَلَى قَيْدِ رُمْحٍ - وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ - فَقَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ
أَدْرَكْتُ أَقْوَامًا - يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا - يُخَالِفُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَ
رُكْبِهِمْ - كَانَ زَفِيرُ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ - إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ - مَا دُوا كَمَا يَمِيدُ
الشَّجَرُ - كَأَنَّمَا الْقَوْمُ بَاتُوا غَافِلِينَ - قَالَ ثُمَّ قَامَ فَمَا رُبِّي ضَاحِكًا -
حَتَّى قُبِضَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

٢٢٩٥-٢٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ
ابْنِ عُمَرَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْرِفَ أَصْحَابِي - فَانْظُرْ إِلَى
مَنِ اشْتَدَّ وَرَعُهُ - وَخَافَ خَالِقَهُ وَرَجَا ثَوَابَهُ - وَإِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ
فَهُؤُلَاءِ أَصْحَابِي.

پروردگار شب را به سر می‌برند و گاهی روی پا ایستاده و گاهی پیشانی را به زمین می‌سایندند با پروردگار خود مناجات می‌کردند و از او درخواست می‌نمودند آنها را از دوزخ آزاد کند، به خدا دیدم که آنها با این حال ترسان و نگران بودند.

* * *

۲۲- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

امیر المؤمنین علیه السلام نماز فجر را خواند و در جای خود ماند تا خورشید به اندازه یک نيزه برآمد و رو به مردم کرد و فرمود:
 بخدا مردمی را دیدم که برای پیامبر خود همه شب را به سجده و عبادت به سر می‌کردند و پیشانی‌ها و زانوهای خود را (به نوبت) بر خاک می‌نهادند، گویا نفس زدن دوزخ، در گوش آنها بود و هرگاه نزد آنها نام خدا برده می‌شد همچون درخت به لرزه می‌افتادند گویا این مردم در خواب غفلت اند سپس از جای خود برخاست و تا هنگام مرگ او را خندان ندیدند درود خدا بر او باد.

* * *

۲۳- «مفضل بن عمر» گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه بخواهید یاران مرا بشناسید، بنگر به کسی که سخت پارساست و از آفریدگار خود بیمناک و به ثواب او امیدوار است و هرگاه اینان را دیدار کردی، از یاران من اند.

٢٢٩٦- ٢٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا- الْمُتَعَابُونَ فِي مَوَدَّتِنَا- الْمُتَزَاوِرُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا- الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا- بَرَكَتٌ عَلَى مَنْ جَاوَرُوا- سَلَامٌ لِمَنْ خَالَطُوا.

٢٢٩٧- ٢٥- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَيْسَى النَّهْرِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ- مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ- وَعَفَا نَفْسَهُ بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ- قَالُوا يَا بَاسِئِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا- يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ- قَالَ إِنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ سَكَتُوا فَكَانَ سُكُوتُهُمْ ذِكْرًا- وَنَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً- وَنَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً- وَمَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَتَةً- لَوْ لَا الْآجَالُ الَّتِي قَدْ كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ- لَمْ تَقْرَأْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَشَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ.

٢٢٩٨- ٢٦- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ مِنَ الْعِرَاقِيِّينَ رَفَعَهُ قَالَ:

خَطَبَ النَّاسَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَخْبِرُكُمْ- عَنْ أَخٍ لِي كَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِي عَيْنِي- وَكَانَ رَأْسُ مَا عَظُمَ بِهِ فِي عَيْنِي

۲۴- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

شیعیان ما آنهایند که در دوستی و ولایت ما به یکدیگر بخشش کنند و در مهر ما یکدیگر را دوست دارند و برای زنده داشتن کار ما از هم دیدن کنند، آن کسانی که اگر خشم کنند ستم نکنند و اگر بیسندند از حد بدر نروند، برکت همسایگانند و با هر کس معاشرت کنند با هم بسازند.

۲۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس خدا را شناخت و بزرگوار دانست، دهانش را از سخن بیهوده ببندد و شکمش را از خوراک، اضافی باز دارد و نقش خود را با روزه و ریاضت عادت دهد اصحاب گفتند: پدران و مادران ما به فدایت باد آیا اینان اولیاء خدایند؟

فرمود: راستی که اولیاء خدا خاموشند و خموشی آنها یاد خداست نگاه کنند و نگاهشان عبرت است، و سخن گویند و سخنشان حکمت است، راه روند و راه رفتن آنها میان مردم برکت است، اگر نبود عمر مقدری که بر ایشان نوشته شده، از بیم عذاب و از شوق ثواب جانشان در کالبدشان برجای نمی ماند.

۲۶- حسن بن علی علیه السلام برای مردم خطبه خوانده و فرمود: ای مردم! به شما

گزارش دهم از برادری که داشتم و بزرگترین مردمش در چشم خود می پنداشتم و سر آمد بزرگواری او در چشم من زبونی و کوچکی دنیا بود در چشم او، او از تسلط شکم خود بدر بود، آنچه را نداشت نمی خواست و آنچه را هم داشت بسیار نمی خورد، و از تسلط فرج خود خارج شده بود (شهوت بر او مسلط نبود) و خرد و رأیش به خاطر آن

صَغَرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ - كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ - فَلَا يَشْتَهِي مَا لَا
يَحِبُّ - وَلَا يُكْثِرُ إِذَا وَجَدَ - كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ فَرْجِهِ - فَلَا
يَسْتَخِفُّ لَهُ عَقْلُهُ وَلَا رَأْيُهُ - كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ الْجَهَالَةِ - فَلَا يَمُدُّ
يَدَهُ إِلَّا عَلَى ثِقَةٍ لِمَنْفَعَةٍ - كَانَ لَا يَتَشَهَّى وَلَا يَتَسَخَّطُ وَلَا يَتَبَرَّمُ - كَانَ
أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَمَاتاً - فَإِذَا قَالَ بَدَّ الْقَائِلِينَ - كَانَ لَا يَدْخُلُ فِي مِرَاءٍ - وَلَا
يُشَارِكُ فِي دَعْوَى - وَلَا يُدْلِي بِحُجَّةٍ حَتَّى يَرَى قَاضِياً - وَكَانَ لَا يَغْفُلُ
عَنْ إِخْوَانِهِ - وَلَا يَخْصُ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ دُونَهُمْ - كَانَ ضَعِيفاً مُسْتَضْعَفاً
فَإِذَا جَاءَ الْجِدُّ كَانَ لَيْثاً عَادِياً - كَانَ لَا يَلُومُ أَحَدًا فِيمَا يَقَعُ الْعُذْرُ فِي مِثْلِهِ
حَتَّى يَرَى إِعْتِذاراً - كَانَ يَفْعَلُ مَا يَقُولُ وَيَفْعَلُ مَا لَا يَقُولُ - كَانَ إِذَا
إِنْتَزَهُ أَمْرَانِ - لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا أَفْضَلُ نَظَرَ - إِلَى أَقْرَبِيهِمَا إِلَى الْهُوَى
فَخَالَفَهُ - كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعاً - إِلَّا عِنْدَ مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ الْبُرءَ - وَلَا
يَسْتَشِيرُ إِلَّا مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ النَّصِيحَةَ - كَانَ لَا يَتَبَرَّمُ وَلَا يَتَسَخَّطُ وَلَا
يَتَشَكَّى وَلَا يَتَشَهَّى - وَلَا يَنْتَقِمُ وَلَا يَغْفُلُ عَنِ الْعَدُوِّ - فَعَلَيْكُمْ بِمِثْلِ
هَذِهِ الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ - إِنْ أَطَقْتُمُوهَا فَإِنْ لَمْ تُطِيقُوهَا كُلَّهَا - فَأَخِذُوا
الْقَلِيلَ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ - وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

٢٢٩٩-٢٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مِهْزَمٍ وَبَعْضِ
أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكَاهِلِيِّ وَأَبُو عَلِيٍّ
الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ
جَمِيعاً عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا مِهْزَمُ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ - وَلَا

سبک و کم وزن نمی‌شد، و از تسلط و نادانی بیرون بود و دست دراز نمی‌کرد مگر نزد انسان با اعتمادی بخاطر سود، شیوه‌اش این بود که دل نمی‌داد و خشم نمی‌گرفت و خسته نمی‌شد، بیشتر روزگارش خاموش بود و چون زبان به گفتار می‌گشود، گوی سبقت از گوینده‌ها می‌ربود، در بحث و مناقشه علمی وارد نمی‌شد و در دعوی دیگران، شرکت نمی‌کرد و دلیلی نمی‌آورد تا قاضی را بیابد (تا خود را در مسند قضاوت بیابد). شیوه‌اش این بود که از برادرانش غفلت نمی‌نمود و خود را به چیزی را بدون آنها به خود اختصاص نمی‌داد، لاغر و مردم ناتوانش می‌شمردند و چون پای مردی به میان می‌آمد همچون شیر جهنده بود کسی را در آنچه عذرپذیر بود، سرزنش نمی‌کرد تا عذر او را منظور دارد، شیوه‌اش این بود که می‌کرد هر چه را می‌گفت، و می‌کرد هر چه را هم (به خاطر تقیه) نمی‌گفت، چون دو کار برایش به وجود می‌آید که نمی‌دانست کدام بهتر است، هر کدام که مخالف هوای نفس او بود در نظر می‌گرفت شیوه‌اش این بود که از درد نمی‌نالید جز در نزد کسی که دیده بهبودی از او داشت و با کسی مشورت نمی‌کرد جز آنکه امید خیر خواهی از او می‌برد، شیوه‌اش این بود که دل تنگی نمی‌کرد و خشم نمی‌ورزید و نمی‌نالید و دل نمی‌داد و انتقام نمی‌گرفت و از دشمن غفلت نمی‌ورزید بر شما باد به مانند این اخلاق ارجمند اگر تاب آنها را دارید، و اگر تاب همه را ندارید، دریافت اندک بهتر از وا گذاشتن هر یک است، و جنبش و توانایی نیست جز به خدا.

۲۷- مهزم اسدی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای مهزم شیعه ما کسی است که: آوازش تا آنجا آهسته است که از

شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ - وَلَا يَمْتَدِّحُ بِنَا مُعَلِّنًا - وَلَا يُجَالِسُ لَنَا عَائِبًا - وَلَا يُخَاصِمُ لَنَا قَالِيًا - إِنْ لَقِيَ مُؤْمِنًا أَكْرَمَهُ - وَإِنْ لَقِيَ جَاهِلًا هَجَرَهُ - قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ - فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِؤُلَاءِ الْمُسْتَشِيعَةِ - قَالَ فِيهِمُ التَّمْيِيزُ وَفِيهِمُ التَّبْدِيلُ وَفِيهِمُ التَّمْحِصُ - تَأْتِي عَلَيْهِمْ سِنُونَ تُفْنِيهِمْ - وَطَاعُونَ يُقْتُلُهُمْ - وَاخْتِلَافٌ يُبَدِّدُهُمْ - شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَهْرُ هَرِيرَ الْكَلْبِ - وَلَا يَطْمَعُ طَمَعُ الْغُرَابِ - وَلَا يَسْأَلُ عَدُوَّنَا وَإِنْ مَاتَ جُوعًا - قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَأَيْنَ أَطْلُبُ هَؤُلَاءِ - قَالَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ - أُولَئِكَ الْخَفِيزُ عَيْشُهُمْ - الْمُنْتَقِلَةُ دِيَارُهُمْ - إِنْ شَهِدُوا لَمْ يُعْرِفُوا - وَإِنْ غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا - وَمِنْ الْمَوْتِ لَا يَجْزِعُونَ - وَفِي الْقُبُورِ يَتَزَاوَرُونَ - وَإِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَاحِمُهُ - لَنْ تَخْتَلِفَ قُلُوبُهُمْ - وَإِنْ اخْتَلَفَ بِهِمُ الدَّارُ - ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا الْمَدِينَةُ وَعَلِيٌّ الْبَابُ - وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ - لَا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ - وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي - وَيُبَغِضُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ .

٢٣٠ - ٢٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ - وَحَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ - وَوَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ - كَانَ مِمَّنْ حَرِّمَتْ غَيْبَتُهُ - وَكَمَلَتْ مُرُوءَتُهُ وَظَهَرَ عَدْلُهُ وَوَجَبَتْ أُخُوَّتُهُ .

گوشش فراتر نرود، و دشمنیش از کالبد خودش به دیگری تجاوز نکند، ما را آشکارا مدح نگوید، و با عیب گوی ما همنشینی نکند، و با دشمن ما سر تیز ننماید، اگر به مؤمنی برخورد او را گرامی می‌دارد، و اگر به نادانی برخورد از او دوری می‌کند، گفتم: قربانت، پس من چه کنم با این شیعه مآبها (که خود را به شیعه بندند و از حقیقت آن بی‌خبر اند) فرمود: در آنها تشخیص و تبدیل و آزمایش، حکم فرماست، دچار قحطی شوند و نابود گردند یا طاعونی آنها را بکشد یا اختلاف و دو دستگی آنها را پراکنده و نابود کند، شیعه ما کسی است که: چون سگ زوزه نکشد و چون کلاغ طمع نورزد و اگر از گرسنگی بمیرد از دشمن ما گدائی و خواهش نکند، گفتم: قربانت، از کجا اینان را بجویم؟ فرمود: در اطراف زمین، آنانند که زندگی سبکی دارند، و آواره‌اند و از جایی به جایی کوچ می‌کنند، اگر حاضر باشند شناخته نشوند، و اگر غایب باشند از آنها جستجو نشود، و از مرگ بی‌تابی نکنند، و در گورها از هم دیدن کنند، و اگر حاجتمندی به آنها رو کند به او مهربانی و ترحم کنند، دلشان از هم جدا نیست و اگر چه خانه شان از هم دور باشد، سپس فرمود:

رسول خدا ﷺ فرموده است: من شهر، و علی در آن است، دروغ گوید کسی که پندارد از در شهر وارد شده و دروغ گوید کسی که پندارد دوست من است ولی علی را دشمن دارد.

۲۸- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس با مردم داد و ستد نماید و به آنها ستم نکند و به آنها خبر دهد و دروغ نگوید و به آنها وعده دهد و خلف وعده نکند، از کسانی است که غیبت او حرام است و مردانگی او تمام است و عدالت او آشکار و برادری با او واجب باشد.

٢٣٠-٢٩- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ - اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ - إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ - وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ - وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ.

٢٣٠-٣٠- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا - صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ - وَ وُقَاءَ بِالْعَهْدِ وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ - وَ رَحْمَةَ الضُّعْفَاءِ وَ قِلَّةَ الْمُرَاقَبَةِ لِلنِّسَاءِ - أَوْ قَالَ قِلَّةَ الْمَوَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَذْلَ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ - وَ سَعَةَ الْخُلُقِ وَ اتِّبَاعَ الْعِلْمِ - وَ مَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زُلْفَى - طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ - وَ طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ - أَصْلُهَا فِي دَارِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْهَا - لَا يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِهِ شَهْوَةٌ شَيْءٍ - إِلَّا أَتَاهُ بِهِ ذَلِكَ - وَ لَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجِدًّا - سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ - مَا خَرَجَ مِنْهُ - وَ لَوْ طَارَ مِنْ أَسْفَلِهَا غُرَابٌ - مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى يَسْقُطَ هَرِمًا - أَلَا فَيَ هَذَا فَارْغَبُوا - إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ - وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ - إِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ افْتَرَشَ وَجْهَهُ وَ سَجَدَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ يُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكَالِكَ رَقَبَتِهِ - أَلَا فَهَكَذَا كُونُوا.

۲۹- رسول خدا ﷺ فرمود:

سه خصلت است که در هر کس باشد در ایمان کامل است:

- ۱- راضی و خوشحال باشد و رضایتش او را به باطل نکشاند
- ۲- چون خشم کند خشمش او را از حق خارج نسازد
- ۳- چون به قدرت رسد به آنچه که حق او نیست دست درازی نکند.

۳۰- امیر المؤمنین علیؑ فرمود:

راستی، اهل دین نشانه هایی دارند که به آنها شناخته می شوند:
راستگوئی، امانت داری، وفاداری به پیمان، صله ارحام و مهرورزی با
بینوایان کم دنبال زنان رفتن یا کم آمیزش با آنها داشتن و و بذل نیکی و
حسن خلق و گشاده رویی و پیروی از دانش و آنچه که انسان را به خدا
نزدیک سازد.

خوشابر آنها و چه خوش سرانجامی، طوبی درختی است در بهشت،
بیخ آن در خانه پیامبر است، و مؤمنی نیست جز آنکه در خانه اش
شاخه ای از آن است، چیزی دلش نخواهد جز آنکه برایش بیاورد، و اگر
سوار تند روی، صد سال در سایه آن برود، از آن خارج نشود، و اگر
کلاغی از پائین آن به بالایش پرواز کند، بدان نرسد تا از پیری به زیر
افتد، همانا در این نعمت رغبت کنید، به راستی که مؤمن: به خود مشغول
است، و مردم از او در آسایشند، چون شب او را فرا گیرد، روی بر زمین
نهد و برای خدای عزوجل با شریفترین اندام خود سجده کند، با آنکه او
را آفریده درباره آزاد کردنش راز گوید، همانا چنین باشید.

٢٣٠٣-٣١- عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو النَّخَعِيِّ قَالَ:

وَحَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ سَيْفٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ - فَقَالَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا - وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا - وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا - وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا.

٢٣٠٤-٣٢- وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِنَّ خِيَارَكُمْ أُولُو النُّهَى - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أُولُو النُّهَى - قَالَ هُمْ أُولُو الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ - وَالْأَخْلَامِ الرَّزِينَةِ - وَصَلَةِ الْأَرْحَامِ وَالْبِرَّةِ - بِالْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ - وَالْمُتَعَاهِدِينَ لِلْفُقَرَاءِ. وَالْجِيرَانَ وَالْيَتَامَى وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ وَيُقْسُونَ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَيُصَلُّونَ وَالنَّاسُ نِيَامٌ غَافِلُونَ.

٢٣٠٥-٣٣- عَنْهُ عَنِ الْهَيْثَمِ النَّهْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ - فَقَالَ وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ - وَسَمَاحٌ بِلَا طَلَبٍ مُكَافَأَةٍ - وَتَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعِ الدُّنْيَا.

٢٣٠٦-٣٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ - تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ - وَقِلَّةُ مِرَائِهِ وَحِلْمُهُ وَصَبْرُهُ - وَحُسْنُ خُلُقِهِ.

۳۱- امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد از بنده‌های نیک، در پاسخ فرمود: آنها‌یند که هر گاه نیکی کنند شادمان شوند، و چون بدی کنند آمرزش خواهند، و اگر چیزی به آنها داده شود، شکر گزارند، و اگر گرفتار شوند شکیبائی کنند و هر گاه خشم گیرند در گذرند.

* * *

۳۲- امام باقر علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

براستی، خوبان شما: خردمندانند، گفته شد: یا رسول الله، خردمندان کیانند؟ فرمود: ایشان صاحبان اخلاق خوش‌اند، آرمانهای سنگین و درست دارند، و خویش نواز، و به مادر و پدر مهرورز، و از فقراء و همسایه‌ها و یتیمان احوال پرسند، اطعام کنند، و آشکارا سلام دهند و نماز بخوانند در حالی که مردم خواب‌اند و در غفلت به سر می‌برند.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

* * *

۳۳- «یحیی بن عمران حلبی»، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام خصلت‌ها برای مرد زیبا تر است؟ در پاسخ فرمود: وقار بدون هیبت (بدون اینکه مردم از او بترسند) و بخشش بدون عوض خواستن و اشتغال به کاری جز بهره‌وری از دنیا.

* * *

۳۴- امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام بارها می‌فرمود: راستی، شناسائی کمال دیانت به مسلمان، در ترک سخن بیهوده است، و کم مناقشه و جدال کردن، و داشتن بردباری و شکیبائی و خوش خلقی.

٢٣٠٧-٣٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي - قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَآلَيْسُكُمْ كَنَفًا - وَأَبْرُكُمْ بِقَرَابَتِهِ - وَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَخْوَانِهِ فِي دِينِهِ - وَأَصْبَرُكُمْ عَلَى الْحَقِّ - وَأَكْظَمُكُمْ لِلْغَيْظِ - وَأَحْسَنُكُمْ عَفْوًا - وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ - إِنْصَافًا فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ.

٢٣٠٨-٣٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:

مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ - الْإِنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ - وَالتَّوَسُّعُ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ - وَإِنْصَافُ النَّاسِ - وَإِيتَادُؤُهُ إِيَّاهُمْ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِمْ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته شده

٢٣٠٩-٣٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ - الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ - وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.

٢٣١٠-٣٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ - خَفِيفُ الْمُتُونَةِ - جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ - لَا يُلْسَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ.

۳۵- امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

آیا به شما خبر ندهم از شبیه‌ترین کسانی به من؟ گفتند: چرا یا رسول الله؟ فرمود: خوش خلق‌تر، و خوش پذیراتر از شماها نسبت به واردین، و خویش‌نوازترین شماها، و هر کس برادر دینی خود را سخت دوست بدارد و شکیباترین شماها بر حق و خشم‌فروبرترین شماها و خوش‌گذشت‌ترین شماها و انصاف‌دهنده‌ترین از خود در حال رضا و خشم.

۳۶- علی بن الحسین علیه السلام فرمود: از اخلاق مؤمن است که:

در تنگدستی به فراخور آن انفاق می‌کند و در وسعت رزق به اندازه آن، با مردم انصاف دارد و به سلام به آن‌ها پیشی می‌گیرد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳۷- امام باقر علیه السلام فرمود:

مؤمن از کوه سخت‌تر است، چون از کوه کم شود ولی از ایمان مؤمن کاسته نمی‌شود.

۳۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن، خوب کمک می‌دهد و کم خرج است، زندگی را خوب می‌چرخاند، از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

٢٣١١-٣٩- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَارِثِ
عَنِ الدِّلْهَاتِ مَوْلَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا - حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ
خِصَالٍ - سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ - وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ - فَأَمَّا السُّنَّةُ
مِنْ رَبِّهِ - فَكِتَابُ سِرِّهِ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - عَالِمُ الْغَيْبِ
فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ
نَبِيِّهِ - فَمُدَارَاةُ النَّاسِ - فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ - أَمَرَ نَبِيَّهُ عليه السلام بِمُدَارَاةِ
النَّاسِ - فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ - فَالصَّبْرُ
فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ.

بَابُ فِي قَلَّةِ عَدَدِ الْمُؤْمِنِينَ.

مركز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

٢٣١٢-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْمُؤْمِنَةُ أَعَزُّ مِنَ الْمُؤْمِنِ - وَ الْمُؤْمِنُ أَعَزُّ مِنَ
الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ - فَمَنْ رَأَى مِنْكُمْ الْكَبْرِيتَ الْأَحْمَرَ.

٢٣١٣-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُسْنَى الْحَنَاطِ
عَنْ كَامِلِ التَّمَارِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ النَّاسُ كُلُّهُمْ بِهَائِمٌ - ثَلَاثًا إِلَّا قَلِيلًا مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ - وَ الْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۳۹- امام رضا علیه السلام فرمود:

مؤمن، مؤمن نباشد تا سه خصلت داشته باشد: یک خصلت از پروردگار خویش، و یک خصلت از پیامبرش و یک خصلت از امامش، اما خصلتی که از پروردگار اوست: راز نگهداری است، خدای عزوجل فرماید: «خداوند آگاه به غیب است و کسی را بر غیب آگاه نکند جز رسولی را که پسندد (جن / ۲۵ - ۲۶)» و اما سنت و روش پیامبری: مدارا و سازگاری با مردم است، زیرا خدای عزوجل به پیامبر خود دستور داده که با مردم مدارا کند و فرموده است: «گذشت را پیش گیر و به خوبی فرمان ده (اعراف / ۱۹۹)» و اما سنت امامش صبر است و شکیانی در حال تنگدستی و سخت حالی.

در کمی شماره مؤمنان

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

زن با ایمان از مرد با ایمان کمتر است، و مرد با ایمان از کبریت احمر کم یاب تر است، کدام شما کبریت احمر را دیده است؟

توضیح: کبریت احمر جوهری است که کیمیاگران در جستجویش هستند صاحب قاموس می گوید: به معنی سنگ سرخی است که می سوزد و شاید این معدن وجود خارجی هم نداشته باشد ولی در میان مردم اینطور معروف است که هر چیز کمیابی را به کبریت احمر تشبیه می کنند.

۲- «کامل تمّار»، گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: همه مردم همچون چهارپایانند، جز اندکی از مؤمنان، و (سه بار) فرمود: مؤمن غریب است.

٢٣١٤-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْنِ رِثَابٍ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي بَصِيرٍ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي أَجِدُ مِنْكُمْ
 ثَلَاثَةَ مُؤْمِنِينَ يَكْتُمُونَ حَدِيثِي - مَا اسْتَحْلَلْتُ أَنْ أَكْتُمَهُمْ حَدِيثًا.

٢٣١٥-٤- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ مَا يَسْعُكَ الْقُعُودُ فَقَالَ وَلِمَ يَا
 سَدِيرُ - قُلْتُ لِكَثْرَةِ مَوَالِيكَ وَ شِيعَتِكَ وَ أَنْصَارِكَ - وَاللَّهِ لَوْ كَانَ
 لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَالُكَ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ الْأَنْصَارِ وَ الْمَوَالِي - مَا طَمَعَ فِيهِ
 تَيْمٌ وَ لَا عَدِيٌّ - فَقَالَ يَا سَدِيرُ وَ كَمْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا - قُلْتُ مِائَةَ أَلْفٍ
 قَالَ مِائَةَ أَلْفٍ قُلْتُ نَعَمْ - وَ مِائَتِي أَلْفٍ قَالَ مِائَتِي أَلْفٍ قُلْتُ نَعَمْ - وَ
 نِصْفَ الدُّنْيَا قَالَ فَسَكَتَ عَنِّي - ثُمَّ قَالَ يَخْفُفُ عَلَيْكَ أَنْ تَبْلُغَ مَعَنَا إِلَى
 يَثْبُجَ - قُلْتُ نَعَمْ فَأَمَرَ بِحِمَارٍ وَ بَغْلٍ أَنْ يُسْرَجَا - فَبَادَرْتُ فَرَكِبْتُ
 الْحِمَارَ - فَقَالَ يَا سَدِيرُ أَتَرَى أَنْ تُؤْثِرَنِي بِالْحِمَارِ - قُلْتُ الْبَغْلُ أَزِينُ وَ
 أَنْبِلُ - قَالَ الْحِمَارُ أَرْفُقُ بِي - فَزَلْتُ فَرَكِبْتُ الْحِمَارَ - وَ رَكِبْتُ الْبَغْلَ -
 فَضَيْنَا فَحَانَتِ الصَّلَاةُ - فَقَالَ يَا سَدِيرُ انْزِلْ بِنَا نُصَلِّ - ثُمَّ قَالَ هَذِهِ
 أَرْضُ سَبِيخَةٍ - لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا - فسيرنا حتى صرنا إلى أَرْضِ
 حَمْرَاءَ - وَ نَظَرَ إِلَى غُلَامٍ يَرْعَى جِدَاءً - فَقَالَ وَاللَّهِ يَا سَدِيرُ - لَوْ كَانَ لِي
 شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ - مَا وَسِعَنِي الْقُعُودُ - وَ نَزَلْنَا وَ صَلَّيْنَا فَلَمَّا فَرَعْنَا
 مِنَ الصَّلَاةِ - عَطَفْتُ عَلَى الْجِدَاءِ فَعَدَدْتُهَا - فَإِذَا هِيَ سَبْعَةٌ عَشَرَ.

۳- «ابن رئاب»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام به ابی بصیر می فرمود: همانا به خدا سوگند اگر من سه تن از شماها را مؤمن کامل می دانستم که سخنان مرا پنهان دارند روانمی دانستم که از آنها هیچ سخنی را پنهان سازم.

۴- «سدیر صیرفی» گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، و به آن حضرت گفتم: به خدا، برای شما روانیست که خانه نشین باشید. در پاسخ فرمود: ای سدیر، چرا؟ گفتم: بخاطر بسیاری از دوستان و شیعیان و یاران شما، به خدا اگر امیر المؤمنین علیه السلام به اندازه شما شیعه و یاور و دوست داشت، تئم و عدی (ابوبکر و عمر) در بردن حق او طمع نمی کردند، (و حق او را غصب نمی نمودند) فرمود: ای سدیر فکر می کنی چقدر باشند؟ گفتم: صد هزار، فرمود: صد هزار؟ گفتم: آری، و دویست هزار، فرمود: دویست هزار؟ گفتم: آری، و نیمی از دنیا، گوید: امام دم بست و سپس فرمود: بر تو آسان است که با ما خود را تا (تَبَع) برسانی؟ گفتم: آری، فرمود: یک رأس الاغ سواری و یک استر زین کردند، من پیشی گرفتم و سوار الاغ شدم، فرمود: ای سدیر، میل داری که الاغ را به من واگذاری؟ گفتم: استر زیباتر و آبرومندتر است، فرمود: الاغ برای من هموارتر و آسان تر است، آن حضرت سوار الاغ شد و من سوار بر استر و به راه افتادیم و رفتیم تا وقت نماز رسید و فرمود: ای سدیر، پیاده شویم تا نماز بخوانیم، باز فرمود: اینجا زمین شوره زار است و نماز در آن روانیست و رفتیم تا رسیدیم به یک زمین سرخه و آن حضرت به غلامی نگاه کرد که چند بزغاله را می چرانید و به من فرمود: ای سدیر، اگر من به شماره این بزغاله ها شیعه با اخلاص داشتم، برای من گوشه نشینی روا نبود، و پیاده شدیم و نماز خواندیم و چون از نماز فارغ شدیم، من رو به سوی آن بزغاله ها کردم و آنها را شمردم، برخلاف انتظار ۱۷ رأس بودند.

٢٣١٦- ٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

قَالَ لِي عَبْدُ صَالِحٍ عليه السلام يَا سَمَاعَةُ أَمِنُوا عَلَى فُرُشِهِمْ - وَ أَخَافُونِي أَمَا وَاللَّهِ
لَقَدْ كَانَتْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا - إِلَّا وَاحِدٌ يَغْبِطُ اللَّهَ - وَلَوْ كَانَ مَعَهُ
غَيْرُهُ - لَأَضَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ - حَيْثُ يَقُولُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً
قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا - وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَغَبَرَ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ - ثُمَّ إِنَّ
اللَّهَ آنَسَهُ بِإِسْمَاعِيلَ - وَ إِسْحَاقَ فَصَارُوا ثَلَاثَةً - أَمَا وَاللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ
لَقَلِيلٌ - وَإِنَّ أَهْلَ الْكُفْرِ لَكَثِيرٌ - أَتَدْرِي لِمَ ذَاكَ فَقُلْتُ لَا أَدْرِي جُعِلْتُ
فِدَاكَ - فَقَالَ صَيِّرُوا أَنْسَاءَ لِلْمُؤْمِنِينَ - يَبْثُونَ إِلَيْهِمْ مَا فِي صُدُورِهِمْ
فَيَسْتَرِيحُونَ إِلَى ذَلِكَ وَيَسْكُنُونَ إِلَيْهِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٣١٧- ٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنِ النَّضْرِ عَنْ
يَحْيَى بْنِ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّنَا - لَوْ اجْتَمَعْنَا عَلَى شَاةٍ مَا
أَفْنَيْنَاهَا - فَقَالَ أَلَا أَحَدَيْتُكَ بِأَعْجَبَ مِنْ ذَلِكَ - الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ
ذَهَبُوا إِلَّا - وَ أَشَارَ بِيَدِهِ ثَلَاثَةً قَالَ حُمْرَانُ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا حَالُ
عَمَّارٍ - قَالَ رَحِمَ اللَّهُ عَمَّاراً أَبَا الْيَقْظَانِ بَايَعَ وَ قُتِلَ شَهِيداً - فَقُلْتُ فِي
نَفْسِي مَا شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الشَّهَادَةِ - فَظَرَّ إِلَيَّ فَقَالَ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّهُ مِثْلُ
الثَّلَاثَةِ - أَيَّهَاتُ أَيَّهَاتُ.

۵- «سماعة بن مهران»، گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: ای سماعة، (دوستان و شیعیان ما) در بستر خود آرמידند و مرا به ترس انداختند (تقیه نکردند و راز را برای همه کس گفتند به خدا سوگند زمانی از این جهان جز یک تن خداپرست نبود) و اگر می بود، خدای عزوجل او را هم نام می برد آنجا که می فرماید: «به راستی ابراهیم یک امت بود خداشناس و یگانه پرست و از مشرکین نبود (نحل / ۱۲۰)» تا خدا می خواست با این روش روز خود را سپری کرد سپس خداوند اسماعیل و اسحاق را انیس و همدم او ساخت و سه تن شدند همانا به خدا سوگند که مؤمن کم است و اهل کفر بسیارند، آیا می دانی برای چه؟ گفتم: نمی دانم فدایت شوم، فرمود: این مسلمان نماها و شیعه مآبها وسیله انس و آرامش دل مؤمنان حقیقی هستند، آنچه در سینه دارند به آنها بگویند و با این وسیله راحت شوند و آرام می گیرند.

توضیح: یعنی خداوند این شیعیان ظاهری را وسیله آرامش دل مؤمنان حقیقی ساخته تا از کمی تعداد خود نترسند و در برابر کفار و منافقان محکم و استوار باشند.

۶- «حمران بن أعین»، گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم، ما چه بسیار کم هستیم، اگر همه بر سر یک گوسفند جمع شویم، آن را تمام نمی کنیم؟ فرمود: من برای تو شگفت آورتر از این نگویم؟ همه مهاجر و انصار (از حقیقت ایمان) بدر رفتند جز - با دست خود اشاره کرد - سه تا، حمران گوید: من گفتم: قربانت، حال عمار چون است؟ فرمود: خدا رحمت کند اباالیقظان (عمار) را که بیعت کرد و شهید شد من با خود گفتم: چیزی از شهادت بهتر نیست، فرمود: تو پنداری که او هم چون آن سه تن بود؟ هیئات که مثل آنها باشند.

توضیح: بر اساس نقل امام محمد باقر که فرمود: بعد از پیامبر همه مرتد شدند جز سه تن سلمان و ابوذر و مقداد شاید مراد امام که با سه انگشت خود اشاره فرمود: همین سه تن باشند.

٢٣١٨-٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ بِوَلَايَتِنَا مُؤْمِنًا - وَلَكِنْ جَعَلُوا أَنْسَاءَ لِلْمُؤْمِنِينَ.

بَابُ الرِّضَا بِمَوْهَبَةِ الْإِيمَانِ وَالصَّبْرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بَعْدَهُ.

٢٣١٩-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ الْمُخْتَارِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا عَبْدَ الْوَاحِدِ مَا يَضُرُّ رَجُلًا - إِذَا كَانَ عَلَى ذَا الرَّأْيِ - مَا قَالَ النَّاسُ لَهُ - وَ لَوْ قَالُوا مَجْنُونٌ - وَمَا يَضُرُّهُ وَ لَوْ كَانَ عَلَى رَأْسِ جَبَلٍ - يَعْبُدُ اللَّهَ حَتَّى يَحْيِيَهُ الْمَوْتُ.

٢٣٢٠-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُشْكَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ - لَأَسْتَغْنِيَتْ بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِي - وَ لَجَعَلْتُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ - أَنْسَاءً لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ.

۷- علی بن جعفر، گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: چنین نیست که هر کس معتقد به ولایت ماست مؤمن است ولی مایه آرامش و انس مؤمنان شده‌اند.

رضا به موهبت ایمان

و صبر بر هر چیز

۱- «عبد الواحد بن مختار انصاری»، گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای عبد الواحد مردی که عقیده به این مذهب (تشیع) داشته باشد هر چه مردم در باره او می‌گویند به او زیانی نخواهد رسید گرچه بگویند دیوانه است هر چند بر سر کوهی باشد و خدا را عبادت کند تا مرگش فرا رسد.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: اگر در روی زمین جز یک مؤمن نباشد، من به وجود او از همه خلق خود بی‌نیازم و از ایمانش برای او انسانی بسازم که نیاز به احدی نداشته باشد.

٢٣٢١-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا يُبَالِي مَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ - هَذَا الْأَمْرُ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَلَّةٍ جَبَلٍ - يَأْكُلُ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ - حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ.

٢٣٢٢-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ كَلِيبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَوْحِشَ إِلَى أَخِيهِ - فَمَنْ دُونَهُ الْمُؤْمِنُ عَزِيزٌ فِي دِينِهِ

٢٣٢٣-٥- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ وَسَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مَرَضَةٍ مَرَضَهَا لَمْ يَبْقَ مِنْهُ إِلَّا رَأْسُهُ فَقَالَ يَا فَضِيلُ إِنِّي كَثِيرًا مَا - أَقُولُ مَا عَلَى رَجُلٍ عَرَفَهُ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرُ - لَوْ كَانَ فِي رَأْسِ جَبَلٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ - يَا فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ إِنَّ النَّاسَ أَخَذُوا يَمِينًا وَشِمَالًا - وَإِنَّا وَشِيعَتُنَا هُدَيْنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ يَا فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ أَصْبَحَ لَهُ - مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ - كَانَ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ - وَلَوْ أَصْبَحَ مُقَطَّعًا أَعْضَاؤُهُ - كَانَ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ - يَا فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَفْعَلُ بِالْمُؤْمِنِ - إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ - يَا فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ - لَوْ عَدَلَتِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ - مَا سَقَى عَدُوَّهُ مِنْهَا شَرْبَةً مَاءٍ - يَا فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ - إِنَّهُ مَنْ

۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس از طرف خدا این امر را شناخت (یعنی پیروی از امامان معصوم) باکی ندارد که بر سر کوهی باشد و از گیاه زمین بخورد تا مرگش فرا رسد.

۴ - «کلیب بن معاویه»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: سزاوار نیست برای مؤمن که از ترس به برادر یا غیر برادرش پناه برد، مؤمن از نظر دینش عزیز است (و عزت و شرف دین او از هر همدم و پناهگاهی بهتر است)

۵ - «فضیل بن یسار»، گوید: در حال بیماری امام صادق علیه السلام خدمتش رسیدم که بیماری بسیار لاغرش کرده بود، که جز سرش بر جای نگذاشته بود (یعنی خیلی لاغر شده بود) به من فرمود: ای فضیل، من از شخصی بسیار سخن می گویم که خداوند او را به این امر (تشیع) آشنا کرد اگر به سر کوهی باشد مرگش برسد زیانی نه او نمی رسد. ای فضیل! به راستی مردم به راست و چپ متمایل شده اند و ما، و شیعیان ما به راه راست رهبری شدیم، ای فضیل! بر راستی مؤمن اگر صبح کند و از مشرق تا مغرب از آن او باشد، همان برایش خوب است و اگر صبح کند و او تیکه تیکه کنند، همان برایش خوب است، ای فضیل! خدا با مؤمن کاری انجام ندهد جز آنچه خیر اوست، ای فضیل! اگر دنیا نزد خدای عز و جل برابر بال مگسی ارزش داشت به دشمن خود از آن شربت آبی نمی داد، راستش این است که هر کس همت او متوجه یک چیز است (یک دین حق باشد) خدا برای کارش کافی است و هر کس همت او متوجه هر چیز است، خدا باک ندارد که او در چه درّه ای نابود شود. توضیح: یعنی خداوند لطف خود را از او بگیرد و او را به حال خود واگذارد تا به اختیار خود یکی از ادیان باطل را انتخاب کند و در این راه نابود شود.

كَانَ هَمُّهُ هَمًّا وَاحِدًا - كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ - وَمَنْ كَانَ هَمُّهُ فِي كُلِّ وَادٍ - لَمْ يُبَالِ
اللَّهُ بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ.

٢٣٢٤-٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْنِ
مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورِ الصَّنِيقِلِ وَ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَا:
سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا
تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ - كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ - إِنِّي
لَأُحِبُّ لِقَاءَهُ - وَ يَكْرَهُ الْمَوْتَ فَأَصْرِفْهُ عَنْهُ - وَ إِنَّهُ لَيَدْعُونِي فَأُجِيبُهُ
وَ إِنَّهُ لَيَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ - وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا وَاحِدٌ - مِنْ عِبِيدِي
مُؤْمِنٌ لَأَسْتَغْنَيْتُ بِهِ - عَنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَجَعَلْتُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ - أَنْسَاءً لَا
يَسْتَوْحِشُ إِلَى أَحَدٍ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

بَابُ فِي سُكُونِ الْمُؤْمِنِ إِلَى الْمُؤْمِنِ.

٢٣٢٥-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ - كَمَا يَسْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ.

بَابُ فِيمَا يَذْفَعُ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِ.

٢٣٢٦-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التُّمَيْمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ لَيَذْفَعُ بِالْمُؤْمِنِ - الْوَاحِدَ عَنِ الْقَرْيَةِ الْفَنَاءِ.

۶- رسول خدا ﷺ فرمود:

خدای عزوجل فرماید: من هر چه کنم تردیدی چون تردید در مرگ بنده مؤمنم ندارم، راستی که من ملاقاتش را دوست دارم و او مرگ را بد دارد و مرگ را از او بگردانم و راستی که او مرا بخواند و اجابتش کنم و راستی که از من خواهشی بکند و به او بدهم و اگر نباشد در دنیا جز یک بنده مؤمن، من به او از همه خلقم بی نیاز باشم و برای او از ایمانش وسیله انس و آرامشی فراهم سازم که از هیچکس نهراسد.

توضیح: تردید و دودلی از آنجا که نشانه ضعف و ناتوانی است بر خداوند توانا محال است که دچار دودلی و شک شود پس در این مورد مرحوم مجلسی ناچار شده به توجیهات مختلفی پردازد که از آنجمله اگر بفرض محال برای خدا تردید روا باشد در کاری مانند مرگ مؤمن تردیدی ندارد و دیگر آنکه در این کلام استعاره تمثیل است و بدینصورت که مؤمن نزد خداوند مورد احترام خاصی است خلاف دیگران و باز خداوند هنگام مرگ مؤمن آنقدر به او لطف دارد که وعده بهشت به او می دهد و تمایل به بهشت پیدا می کند و به مرگ راضی و خشنود می شود.

آرامش یافتن مؤمن به مؤمن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

براستی که مؤمن در کنار مؤمن آرامش پیدا می کند همانطور که شخص تشنه کام با آب خنک و گوارا آرامش می یابد.

در آنچه خدا به واسطه مؤمن دفع می کند

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند بخاطر یک مؤمن عذاب را از قریه و یا شهری بر می دارد.

٢٣٢٧-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا يُصِيبُ قَرْيَةً عَذَابٌ - وَفِيهَا سَبْعَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

٢٣٢٨-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قِيلَ لَهُ فِي الْعَذَابِ إِذَا نَزَلَ بِقَوْمٍ يُصِيبُ الْمُؤْمِنِينَ - قَالَ نَعَمْ وَلَكِنْ يَخْلُصُونَ بَعْدَهُ.

بَابُ فِي أَنَّ الْمُؤْمِنَ صِنْفَانِ

٢٣٢٩-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ نَصِيرٍ أَبِي الْحَكَمِ الْخُثَعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنَانِ - فَمُؤْمِنٌ صَدَقَ بِعَهْدِ اللَّهِ - وَفِي بَشَرْتِهِ - وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَذَلِكَ الَّذِي لَا تُصِيبُهُ - أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَلَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ - وَذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ وَلَا يُشْفَعُ لَهُ - وَ مُؤْمِنٌ كَخَامَةِ الزَّرْعِ - تَعُوجُ أَحْيَانًا وَ تَقُومُ أَحْيَانًا - فَذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ - أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَأَهْوَالُ الْآخِرَةِ - وَذَلِكَ مِمَّنْ يُشْفَعُ لَهُ وَلَا يَشْفَعُ.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

خدا به قریه‌ای که هفت مؤمن در آن باشد عذاب نازل نمی‌کند.

۳- از امام صادق علیه السلام سؤال شد، چون بلا نازل شد، به مؤمنان هم می‌رسد؟
فرمود: آری، ولی پس از آن خلاص می‌شوند.

مؤمن دو گروه‌اند

۱- امام صادق علیه السلام، فرمود: مؤمن دو جور است،

۱- مؤمنی که به عهد خدا عمل کرده و به شرط خدا وفا کرده است و این است مورد قول خدای عزوجل: «مردانی به پنهان خود با خداوند عمل کردند (احزاب / ۲۳)» این همان مؤمنی است که هراس دنیا و آخرت به او نرسد و او از کسانی است که شفاعت دارد و خود نیازی به شفاعت دیگران ندارد.

۲- مؤمنی که چون زراعت تازه روئیده و لطیف است، گاهی کج می‌شود و گاهی راست و آن است که دچار هراس آخرت می‌شود و این از کسانی است که برایش شفاعت شود و او خود شفاعت نکند.

توضیح: مراد از عهد و پیمان با خداوند مسئله توحید و نبوت و امامت و معاد است و منظور از وفای به شرط خداوند، بجا آوردن واجبات و ترک محرمات است.

٢٣٣٠- ٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ خَالِدِ
الْعَمِّيِّ عَنْ خَضِرِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنَانِ - مُؤْمِنٌ وَفِي اللَّهِ - بِشُرُوطِهِ الَّتِي شَرَطَهَا
عَلَيْهِ - فَذَلِكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ - وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ - وَ
حَسُنَ أَوْلَيْكَ رَفِيقاً - وَذَلِكَ مَنْ يَشْفَعُ وَلَا يُشْفَعُ لَهُ
وَذَلِكَ مِمَّنْ لَا تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا - وَلَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ - وَمُؤْمِنٌ زَلَّتْ
بِهِ قَدَمٌ - فَذَلِكَ كَخَامَةِ الزَّرْعِ - كَيْفَمَا كَفَأَتْهُ الرِّيحُ انْكَفَأَ - وَذَلِكَ مِمَّنْ
تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَيُشْفَعُ لَهُ وَهُوَ عَلَى خَيْرٍ.

٢٣٣١- ٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ
عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْثَمٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قَامَ رَجُلٌ بِالْبَصْرَةِ - إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنَا
عَنِ الْإِخْوَانِ - فَقَالَ الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ - إِخْوَانُ الثِّقَةِ وَإِخْوَانُ
الْمُكَاشَرَةِ - فَأَمَّا إِخْوَانُ الثِّقَةِ فَهُمْ الْكَفُّ - وَالْجَنَاحُ وَالْأَهْلُ وَالْمَالُ فَإِذَا
كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثِّقَةِ - فَأَبْذُلْ لَهُ مَالَكَ وَبَدَنَكَ - وَصَافٍ مَنْ
صَافَاهُ - وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ - وَأَكْثَمُ سِرَّهُ وَعَيْبُهُ - وَأَظْهَرُ مِنْهُ الْحَسَنَ - وَ
اعْلَمْ أَيُّهَا السَّائِلُ - أَنَّهُمْ أَقَلُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ - وَأَمَّا إِخْوَانُ
الْمُكَاشَرَةِ - فَإِنَّكَ تُصِيبُ لَذَّتَكَ مِنْهُمْ - فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَلَا
تَطْلُبَنَّ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ - وَأَبْذُلْ لَهُمْ مَا بَسْذُلُوا لَكَ - مِنْ
طَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحَلَاوَةِ اللِّسَانِ.

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن دو نوع است،

۱ - مؤمنی که به هر شرط و قراری که خدا با او داده عمل کرده است پس آن است که با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکان است و چه خوب دوستانی هستند اوست که شفاعت کند و نیازی به شفاعت ندارد و این از کسانی است که هراسهای دنیا و هراسهای آخرت به او نرسد

۲ - مؤمنی که لغزش کرده چون زراعت تازه و لطیف است و هر جور که باد او را به هر طرف که فرستد می‌رود و این است که هراسهای دنیا و آخرت به او می‌رسد و برای او شفاعت می‌شود و عاقبتش بخیر است.

۳ - امام باقر علیه السلام، فرمود:

مردی در بصره خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاد و گفت: یا امیرالمؤمنین! ما را از برادران با خبر کن، در پاسخ فرمود: برادران دو جورند،

۱ - برادران مورد اعتماد

۲ - برادران خنده رو اما برادران مورد اعتماد کسانی هستند که انسان را یاری کنند و زیان و آزار را از انسان دور سازند پس هر گاه به برادرت اعتماد کردی مال و بدنت را به او ببخشی و با هر کس صفا دارد صفا کن و با هر کس دشمن است دشمن باش و راز و عیب او را بپوش و خوبی او را ترویج کن، و بدان ای سؤال کننده که اینان از کبریت احمر کمترینند، اما برادران خنده رو، تو از جانب آنها به لذت خود می‌رسی (و آن لذت هم‌نشینی با آنهاست) پس از آنها مبر و بیش از این، از آنها مخواه، (توقع چگونگی و یکسرنگی از آنها نداشته مباش) و از خوش‌روئی و خوش‌برخوردی خود، آنها را برخوردار کن تا آنجا که تو را از آنها برخوردار کنند.

بَابُ مَا أَخَذَهُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى مَا يُلْحَقُهُ فِيمَا أُبْتَلِيَ بِهِ.

٢٣٣٢- ١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ
فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَى أَنْ لَا تُصَدَّقَ مَقَالَتُهُ - وَلَا يَنْتَصِفَ مِنْ
عَدُوِّهِ - وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَشْفِي نَفْسَهُ إِلَّا بِفَضِيحَتِهَا - لِأَنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُلْجَمٌ.

٢٣٣٣- ٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بَلَايَا أَرْبَعٍ أَيْسَرُهَا
عَلَيْهِ مُؤْمِنٌ - يَقُولُ بِقَوْلِهِ يَحْسُدُهُ - أَوْ مُتَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ - أَوْ شَيْطَانٌ
يُغْوِيهِ - أَوْ كَافِرٌ يَرَى جِهَادَهُ - فَمَا بَقَاءُ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ هَذَا.

٢٣٣٤- ٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ
إِبْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا أَقَلَّتِ الْمُؤْمِنُ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ - وَلَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِمَّا
بُغْضٌ مَنْ يَكُونُ مَعَهُ فِي الدَّارِ - يُغْلِقُ عَلَيْهِ بَابَهُ يُؤْذِيهِ - أَوْ جَارٌ
يُؤْذِيهِ - أَوْ مَنْ فِي طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ - وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا عَلَى قَلَّةٍ.

پیمان‌گیری خداوند از مؤمن برای شکیبائی در برابر گرفتاریها

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: خدا از مؤمن پیمان گرفته که گفتارش را تصدیق نکند و از دشمنش انتقام نگیرد و مؤمن دل خود را شفا نبخشد جز به رسوائی خویش زیرا هر مؤمنی لجام بر دهان دارد.

توضیح: همانطور که اسب با دهنه‌ای که بر دهان دارد در حرکت، زبانش آزاد نیست مؤمن هم با دهنه تقوی در حرکت زبان خود آزاد نمی‌باشد و نمی‌تواند به هر کس ناسزا گوید و غیبت نماید یا تهمت بزند و اگر بخواهد از دشمن خود انتقام بگیرد و دل خود را خوشحال سازد باید تقوی را کنار گذارد و بی‌پرده و بدون ملاحظه هر چه را خواهد بگوید که پیامد این کار، رسوائی و بیچارگی است.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا از مؤمن پیمان گرفته برای صبر بر چهار بلا که آسانترین آنها بر مؤمن این است که مؤمنی هم عقیده او باشد و برادر او حسد ورزد و یا منافقی که دنبال او باشد (تا نقطه ضعفی از او بدست آورد) یا شیطانی که او را به گمراهی کشاند یا کافری که خواستار جنگ با او باشد پس با این گرفتاریها مؤمن چه اندازه عمر می‌کند و می‌تواند ایمان خود را حفظ نماید.

۳- امام صادق علیه السلام، فرمود: مؤمن نمی‌تواند خود را از یکی از سه چیز نجات دهد و چه بسا که هر سه چیز، او را در بر بگیرند و آن عبارتند از: ۱- دشمنی که در خانه در بست با اوست و او را آزار می‌دهد. ۲- همسایه‌ای که او را آزار می‌دهد. ۳- کسی که در میان راه و هنگام رفتن بر سر کار او را می‌آزارد و اگر مؤمن در قله کوهی باشد خدای عز و جل شیطانی را بفرستد تا او را بیازارد و خداوند از ایمان وی مونسى برایش فراهم سازد تا از وحشت به کسی پناه نبرد.

٢٣٣٥- ٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَرْبَعٌ لَا يَخْلُو مِنْهُنَّ الْمُؤْمِنُ أَوْ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ - مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ وَهُوَ أَشَدُّهُنَّ عَلَيْهِ - وَ مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ - أَوْ عَدُوٌّ يُجَاهِدُهُ - أَوْ شَيْطَانٌ يُغْوِيهِ.

٢٣٣٦- ٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ - وَلِيَّهُ فِي الدُّنْيَا غَرَضًا لِعَدُوِّهِ.

٢٣٣٧- ٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَشَكََا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْحَاجَةَ - فَقَالَ لَهُ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا - قَالَ ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً - ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ - فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ سِجْنِ الْكُوفَةِ كَيْفَ هُوَ - فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ - ضَيْقٌ مُتَيْنٌ وَ أَهْلُهُ بِأَسْوَأِ حَالٍ - قَالَ فَإِنَّمَا أَنْتَ فِي السِّجْنِ - فَتَرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِيهِ فِي سَعَةٍ - أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ.

٢٣٣٨- ٧- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْحَدَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَغِيرٍ عَنْ جَدِّهِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ - فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن از چهار چیز یا یکی از آنها برکنار نیست

۱- مؤمنی که بر او حسد برد و این از همه سخت تر است،

۲- منافقی که او را تعقیب کند

۳- دشمنی که با او بجنگد، یا شیطانی که او را به گمراهی کشاند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

راستی که خدای عزوجل دوست خود را در دنیا، نشانه و هدف دشمن خود می سازد.

۶- محمد بن عجلان می گوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم، مردی از نداری

به آن حضرت شکایت کرد، و به او فرمود:

صبر کن، زیرا خداوند به زودی در زندگیت گشایش دهد سپس خاموش شد، و پس از آن، رو به آن مرد کرد و فرمود: بگو بدانم، زندان کوفه چگونه است؟ در پاسخ گفت:

اصلحك الله، تنگ است و بد بو، و زندانیانش به بدترین حال گرفتارند، فرمود: همانا تو هم در این زندان دنیا گرفتاری و می خواهی در راحت و آسایش باشی، آیا نمی دانی که این دنیا زندان مؤمن است.

۷- شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: دنیا زندان مؤمن است و

کدام زندانی است که خوبی و خوشی داشته باشد؟

٢٣٣٩- ٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤْمِنُ مُكْفَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ فَلَا يُنْشَرُ فِي النَّاسِ وَالْكَافِرُ مَشْكُورٌ.

٢٣٤٠- ٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةً - شَيْطَانًا يُغْوِيهِ يُرِيدُ أَنْ يُضِلَّهُ - وَكَافِرًا يَغْتَالُهُ - وَمُؤْمِنًا يَحْسُدُهُ - وَهُوَ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ وَمُنَافِقًا يَتَّبِعُ عَثَرَاتِهِ.



٢٣٤١- ١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ خَلَّى عَلَى جِرَانِهِ - مِنَ الشَّيَاطِينِ عَدَدَ رَبِيعَةٍ وَمُضَرَ - كَانُوا مُسْتَغْلِلِينَ بِهِ.

٢٣٤٢- ١١- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ وَلَا يَكُنْ بِكَائِنٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ - وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا فِي جَزِيرَةٍ مِنَ جَزَائِرِ الْبَحْرِ - لَابْتَعَتْ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن ناسپاس می شود. و از احسان او قدر دانی نمی شود. در روایت دیگر است که برای این است که کار خوب او به درگاه خدا بالا می رود و در میان مردم منتشر نمی شود و از کافر سپاسگزاری می شود.

۹- امام صادق علیه السلام، فرمود:

مؤمنی نباشد جز آنکه خدا به او چهار چیز گماشته است:

۱- شیطانی که گمراهش کند و می خواهد او را از راه به در برد.

۲- کافری که در کمین اوست.

۳- مؤمنی که بر او حسد برد و این از همه سخت تر است.

۴- منافقی که در پی لغزش های اوست و می خواهد نقطه ضعفی از او

بدست بیاورد.



۱۰- جابر، می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: چون مؤمنی بمیرد، به اندازه افراد قبیله (ریعه) و (مُضَر) شیطان بر همسایه های او، راه یابند که همه آنها مشغول گمراه ساختن او بوده اند.

توضیح: ریعه و مضر دو قبیله بزرگ عرب اند که از نظر کثرت و زیادی ضرب المثل اند و اعراب در کثرت و زیادی قبیله ای به آنها مثل می زنند و مضر جد هفدهم پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۱۱- امام صادق علیه السلام، فرمود: نبوده و نباشد و نخواهد بود مؤمنی جز این که همسایه ای دارد که آزارش دهد و اگر مؤمنی در جزیره ای از جزایر دریا باشد، خداوند کسی را مأمور کند که او را آزار دهد.

٢٣٤٣- ١٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا كَانَ فِيمَا مَضَى وَلَا فِيمَا بَقِيَ - وَلَا فِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ مُؤْمِنُونَ - إِلَّا وَلَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ.

٢٣٤٤- ١٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ إِلَّا أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ - مُؤْمِنُونَ إِلَّا وَلَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ.

بَابُ شِدَّةِ إِبْتِلَاءِ الْمُؤْمِنِ

٢٣٤٥- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً - الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ - ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا أَمْثَلُ.

٢٣٤٦- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْبَلَاءُ وَمَا يَخْصُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ سِئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا - فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا أَمْثَلُ - وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدَرِ إِيْمَانِهِ

۱۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنی در گذشته نبوده و در آینده و زمان‌ها نخواهد بود جز اینکه همسایه‌ای دارد که او را می‌آزارد.

۱۳ - امام صادق علیه السلام، فرمود:

مؤمنی نبوده و تاقیامت نخواهد بود جز اینکه همسایه‌ای دارد که او را می‌آزارد.

سختی بلای مؤمن

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

براستی که سخت‌ترین مردم در بلاء پیامبرانند و سپس کسانی که نزد آنانند، سپس به ترتیب کسانی که نزد خداوند دارای رتبه و مقام‌اند.

توضیح: از اینکه برای پیامبر و اولیاء الهی درد و رنج و بیماری است بخاطر آن است که خداوند با این وسیله می‌خواهد به مردم بفهماند که آنها هم با اینکه مقام والائی دارند ولی بشر و انسان‌اند و با مردم عادی و معمولی فرق و تفاوتی ندارند تا دیگران درباره آنها فکر نکنند که آنها از بشر جدا هستند و در خلقت با دیگران تفاوت دارند یا مردم درباره آنها غلو نکنند و آنها را به خدائی نگیرند.

۲ - «عبد الرحمن بن حجاج»، گوید: نزد امام صادق علیه السلام نام بلاء برده شد و آنچه که خدا عزوجل مؤمن را به آن مخصوص ساخته است آنگاه فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند از سخت‌ترین مردم از نظر بلاء در دنیا، در پاسخ فرمود: پیامبرانند سپس کسانی که بیشتر به آنها نزدیک‌اند و مؤمن

وَحُسْنِ أَعْمَالِهِ - فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ - وَمَنْ سَخُفَ إِيمَانُهُ وَضَعُفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ.

٢٣٤٧-٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ - وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ.

٢٣٤٨-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ - ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ ثُمَّ الْأَمَائِلُ فَلَا مَائِلُ.

٢٣٤٩-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَاداً فِي الْأَرْضِ - مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ مَا يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ - تُحَقِّقُهُ إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ - إِلَى غَيْرِهِمْ وَلَا بَلِيَّةَ إِلَّا صَرَفَهَا إِلَيْهِمْ.

٢٣٥٠-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

وَعِنْدَهُ سَدِيرٌ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا - غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا - وَإِنَّا وَإِيَّاكُمْ يَا سَدِيرُ - لَنُصْبِحُ بِهِ وَنُنْسِي.

هم بعد از آن به اندازه ایمان و خوبی کردارش گرفتار می‌شود، هر کس ایمانش درست و کردارش خوب است بلای او سخت است هر کس ایمانش سست و کردارش ناتوان است، گرفتاری او کمتر است.

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی مزد بزرگ با بلای بزرگ است، و خدا مردی را دوست ندارد جز اینکه آنها را گرفتار کند.

۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: از میان مردم بلای پیامبران از همه سخت‌تر است سپس او صیاء آنها و بعد هر کس که به آنها شبیه‌تر است.

۵ - امام صادق علیه السلام، فرمود:

راستی برای خدا در زمین بنده‌هایی است که زبده بنده‌های اویند، هیچ تحفه‌ای از آسمان فرود نیاید جز اینکه آنها را به سوی دیگران بگرداند و هیچ بلائی فرود نیاید جز اینکه آن را به سوی آنها بگرداند.

۶ - «سُدیر» خدمت امام صادق علیه السلام بود که به او فرمود:

خداوند چون بنده‌های را دوست بدارد او را در گرداب بلا فرو برد، ای سدیر! ما و شما در صبح شام با آن دمسازیم.

٢٣٥١-٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
الْوَلِيدِ بْنِ عَلَاءٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا - وَثَجَّهُ بِالْبَلَاءِ
ثَجًّا - فَإِذَا دَعَاهُ قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي - لَنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى
ذَلِكَ لِقَادِرٌ - وَلَنْ إِدْخَرْتُ لَكَ - فَمَا إِدْخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ.

٢٣٥٢-٨- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الزَّرَّادِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمُ الْجَزَاءِ - فَإِذَا أَحَبَّ
اللَّهُ عَبْدًا - ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ - فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرِّضَا
وَمَنْ سَخِطَ الْبَلَاءُ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ السَّخَطُ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٣٥٣-٩- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ الْخُرِّ عَنْ
جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرِ دِينِهِ أَوْ قَالَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ.

٢٣٥٤-١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْحَضْرَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَهْلُولٍ بْنِ مُسْلِمٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ - كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی خدای تبارک و تعالی هرگاه بنده‌ای را دوست داشته باشد او را در گرداب بلا فرو برد و باران بلا را بر سرش فرو ریزد و چون به درگاه خداوند دعا کند فرماید: لَیِّکَ، ای بنده من، اگر آنچه خواهی با شتاب به تو دهم می‌توانم، و اگر آن را برایت به بعد موکول کنم بهتر است.

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که بلای بزرگ، اجر بزرگ دارد، و هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد، بلای بزرگ به او می‌دهد، هرکس خشنود باشد، خدا از او خشنود است و هرکس از بلا خشم گیرد، خدا به او خشم گیرد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۹- امام باقر علیه السلام، فرمود:

همانا مؤمن به اندازه‌ای که دین دارد در دنیا بلا ببندد، یا فرمود: بر حسب آنچه دین دارد.

۱۰- امام صادق علیه السلام، فرمود:

همانا مؤمن چون کفه ترازوست، هر آنچه بر ایمانش افزوده گردد، بر بلایش افزوده شود.

٢٣٥٥- ١١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْمُؤْمِنُ لَا يَمُضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً - إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزَنُهُ يُذَكِّرُ بِهِ.

٢٣٥٦- ١٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ نَاجِيَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الْمَغِيرَةَ يَقُولُ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُبْتَلَى بِالْجُذَامِ وَلَا بِالْبَرَصِ وَلَا بِكَذَا وَلَا بِكَذَا - فَقَالَ إِنْ كَانَ لَغَافِلًا عَنْ صَاحِبِ يَاسِينَ إِنَّهُ كَانَ مُكَنَّبًا - ثُمَّ رَدَّ أَصَابِعَهُ فَقَالَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى تَكْنِيعِهِ أَتَاهُمْ فَأَنْذَرَهُمْ - ثُمَّ - عَادَ إِلَيْهِمْ مِنَ الْعَدِ فَقَتَلُوهُ - ثُمَّ قَالَ إِنْ الْمُؤْمِنَ يُبْتَلَى - بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ يَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ - إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ.

٢٣٥٧- ١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنْ الْمُؤْمِنَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِبِأَفْضَلِ مَكَانٍ ثَلَاثًا - إِنَّهُ لَيُبْتَلَى بِالْبَلَاءِ.

٢٣٥٨- ١٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ.

۱۱- «محمد بن مسلم» می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: بر مؤمن، چهل شب نگذرد جز آنکه برایش پیش آمدی شود که او را غمگین سازد و وسیله برای آگاهی او شود (او بداند آنچه که از ناراحتی به او رسد بخاطر گناهان و لغزشهای اوست متنبه و آگاه گردد و از لغزشهای خود توبه کند).

۱۲- «ناجیه»، گفت: به امام باقر علیه السلام گفتم که: مغیره می گوید که: مؤمن به خوره و پیسی و به چنین و چنان گرفتار نمی شود؟ در پاسخ فرمود: راستش این است که او از اصحاب «یس» است (حبیب بخار که داستانش در سوره یس آمده است) غافل است که او چلاق بود اکنون می بینیم که او با دست چلاق خود آمده و آن‌ها را اندرز می دهد سپس فردا به سوی آن‌ها برگشت و او را کشتند، سپس فرمود: برآستی مؤمن به هر بلائی گرفتار شود و به هر مرگی بمیرد جز این که خود کشی نمی کند.

توضیح: باید توجه داشت که خودکشی و انتهار برای کسانی که در زندگی کاملاً بریده و از آینده خود ناامیدند و الا هیچکس حاضر نمی شود که درخت وجود خود را قطع سازد و بدیهی است که شخص مؤمن و معتقد به خداوند هیچ وقت از زندگی مأیوس و ناامید نمی شود بلکه همیشه در انتظار زندگی بهتر است و به امید گشایش زندگی لذتبخش ولی کسانی که تکیه گاه الهی و دینی ندارند به سرعت مأیوس و ناامید می شوند و به افسردگی روحی دچار می گردند که سرانجامش خودکشی و انتهار است.

۱۳- «عبید بن زراره»، گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم تا سه بار فرمود: برآستی مؤمن نزد خداوند بهترین مقام را دارد همانا خداوند شخص مؤمن را به بلاء مبتلا می کند سپس بدنش را تکه تکه می کند تا جاننش را بگیرد و او همچنان خدا را سپاس می گوید.

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود: برآستی در بهشت مقامی است که هیچ بنده‌ای به آن مقام نرسد جز به وسیله بلائی که به تن او وارد شود.

٢٣٥٩- ١٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَنَاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ:
شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَكَانَ مُسْتَقَاماً فَقَالَ لِي
يَا عَبْدَ اللَّهِ - لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ - مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى - أَنَّهُ
قَرَضَ بِالْمَقَارِيطِ.

٢٣٦٠- ١٦ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ
بْنِ رِبَاطٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ - كَانُوا فِي شِدَّةٍ
أَمَا إِنَّ ذَلِكَ - إِلَى مُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَعَافِيَةٍ طَوِيلَةٍ.

٢٣٦١- ١٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ
عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ - كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ
بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغَنِيِّ - وَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي - الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.

٢٣٦٢- ١٨ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَهْلُولٍ الْعَبْدِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَمْ يُؤْمِنْ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ هَزَاهِرِ الدُّنْيَا
وَلَكِنَّهُ آمَنَهُ مِنَ الْعَمَى فِيهَا - وَالشَّقَاءِ فِي الْآخِرَةِ

۱۵ - «عبدالله بن ابی یعفور»، گوید: من بیمار بودم و از دردها که می کشیدم، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم در پاسخ فرمود:
ای عبد الله! اگر مؤمن می دانست در مصیبت چه اجری دارد، آرزو می کرد که با مقراض بدنش را تکه تکه کنند.

* * *

۱۶ - «یونس بن رباط»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:
راستی که اهل حق همیشه در سختی و رنج بوده اند آگاه باش که سختی مدت کوتاهی دارد و سرانجامش به آسایش طولانی ختم می شود.

* * *

۱۷ - امام باقر علیه السلام، فرمود:
راستی خدای عزوجل با بلا، از مؤمن، احوال پرسی می کند، چنانچه از خانواده خود در حال غیبت، بآهنگ احوال پرسی می کنند، او را از دنیا پرهیز می دهد چنانچه پزشک، بیمار را پرهیز می دهد.

* * *

۱۸ - «محمد بن بهلول عبیدی»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: خدا
مؤمن را از بلاهای تکان دهنده در امان قرار نداده ولی او را از کوردلی در دنیا و شفاعت در آخرت در امان ساخته است.

* * *

٢٣٦٣- ١٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ الصَّخَّافِ عَنْ ذَرِيحِ الْمَخَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ إِنِّي لَا كُرْهُ لِلرَّجُلِ - أَنْ يُعَافَى فِي الدُّنْيَا - فَلَا يُصِيبُهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ.

٢٣٦٤- ٢٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام دُعِيَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِلَى طَعَامٍ - فَلَمَّا دَخَلَ مَنْزِلَ الرَّجُلِ - نَظَرَ إِلَى دَجَاجَةٍ فَوْقَ حَائِطٍ - قَدْ بَاضَتْ فَتَقَعُ الْبَيْضَةَ عَلَى وَتِدٍ فِي حَائِطٍ - فَتَبَتَ عَلَيْهِ وَلَمْ تَسْقُطْ - وَلَمْ تَنْكَسِرْ فَتَعَجَّبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مِنْهَا - فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ - أَعْجِبْتَ مِنْ هَذِهِ الْبَيْضَةِ - فَوَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ - مَا رُزِئْتُ شَيْئًا قَطُّ قَالَ - فَهَئِذَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْ طَعَامِهِ شَيْئًا - وَقَالَ مَنْ لَمْ يُرْزَأْ فَمَا لِلَّهِ فِيهِ مِنْ حَاجَةٍ.

٢٣٦٥- ٢١- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ - فِي مَالِهِ وَبَدَنِهِ نَصِيبٌ.

٢٣٦٦- ٢٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُثْمَانَ النَّوَّائِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ - بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَيُمِيتُهُ بِكُلِّ مِيتَةٍ - وَلَا

۱۹ - علی بن الحسین علیه السلام فرمود: برای مرد مؤمن ناپسند می‌دانم اگر در دنیا همیشه سلامتی داشته باشد و گرفتار بیماری نشده و مصیبتی به او نرسیده باشد.

۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله برای خوردن طعامی دعوت شد، و چون به منزل آن مرد میزبان وارد شد مرغی را دید که بر سر دیوار تخم گذاشت اتفاقاً تخم بر روی میخی افتاد که داخل دیوار باغ بود تخم نه بر زمین افتاد و نه شکست پیامبر از این جریان شگفت زده شد آن مرد میزبان گفت شما از این تخم مرغ در شگفت شدید، سوگند بدانکه تو را براستی فرستاده من هرگز مصیبت و غمی ندیده‌ام پیامبر با شنیدن این سخن از جای خود برخاست و از غذای او نخورد و فرمود: کسی که در زندگی زیان و خسارتی ندیده است خداوند به او نیازی ندارد (یعنی لطف و توجهی نسبت به او ندارد).

۲۱ - پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود: خداوند به کسی که در تن و دارائیش بهره‌ای نیست نیازی ندارد (یعنی کسی که ضرر و زیانی مالی و بدنی نبیند خداوند به او توجهی ندارد).

۲۲ - امام صادق علیه السلام، فرمود: به راستی که خداوند عزوجل مؤمن را به هر بلاء گرفتار کند و به هر مرگی بمیراند ولی او را به بی‌خردی و دیوانگی

يَبْتَلِيهِ بِذَهَابِ عَقْلِهِ - أَمَا تَرَى أَيُّوبَ - كَيْفَ سُلِّطَ إِبْلِيسُ عَلَى مَالِهِ -
وَعَلَى وَلَدِهِ وَعَلَى أَهْلِهِ - وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ - وَلَمْ يُسَلِّطْ عَلَى عَقْلِهِ -
تُرِكَ لَهُ لِيُوحِدَ اللَّهَ بِهِ.

٢٣٦٧-٢٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ
عَلِيِّ ابْنِ عَقْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّهُ لَيَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنَزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ - فَمَا يَنَالُهَا إِلَّا بِأَخَذِ خَصْلَتَيْنِ - إِمَّا
بِذَهَابِ مَالِهِ - أَوْ بِبِلْيَةِ فِي جَسَدِهِ.

٢٣٦٨-٢٤ - عَنْهُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُتَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَوْلَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي قَلْبِهِ - لَعَصَبْتُ رَأْسَ
الْكَافِرِ بِعَصَابَةِ حَدِيدٍ - لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا.

٢٣٦٩-٢٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا
وَكَذَا - وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِيهِ - الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ - وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ
كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ - الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ - حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ
فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا.

گرفتار نسازد، آیا نمی دانی که خداوند چگونه ابلیس را بر مال و جان و بر خاندان ایوب و بر هر چیز او مسلط کرد و او را بر خِرد وی چیره ساخت؟ خردش را به او وا گذارد تا خدا را به یکتائی پرستش کند.

* * *

۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

راستش این است که بنده، مقامی نزد خدا دارد و بدان نرسد مگر به یکی از دو خصلت: رفتن مالش یا بلائی در تنش.

* * *

۲۴ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عز و جل فرماید: اگر نبود که بنده مؤمنم دل آزرده می شد، سر کافر را با دستمالی آهنین می بستم که هرگز درد نگیرد.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

* * *

۲۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

داستان مؤمن داستان ساقه گیاهی است که باد او را به این طرف و آن طرف می برد و او را کج می سازد بیماریها و دردها هم مؤمن را به این طرف و آن طرف می کشاند و او را کج و دردمند می سازد و داستان منافق مانند عصای آهنین است که آسیبی به آن نمی رسد، زمانی که مرگش فرا رسد و او را بشکند.

* * *

٢٣٧٠-٢٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ مَلْعُونُ كُلِّ مَالٍ لَا يُزَكِّي مَلْعُونُ كُلِّ جَسَدٍ لَا يُزَكِّي - وَلَوْ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا مَرَّةً - فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - أَمَّا زَكَاةُ الْمَالِ فَقَدْ عَرَفْنَاهَا - فَمَّا زَكَاةُ الْأَجْسَادِ - فَقَالَ لَهُمْ أَنْ تُصَابَ - بِآفَةٍ - قَالَ فَتَغَيَّرَتْ وَجُوهُ - الَّذِينَ سَمِعُوا ذَلِكَ مِنْهُ - فَلَمَّا رَأَوْهُمْ قَدْ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ - قَالَ لَهُمْ أَتَذَرُونَنَا مَا عَنِتُّ بِقَوْلِي - قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ بَلَى الرَّجُلُ يُخَدِّشُ الْخَدِشَةَ - وَيُنْكَبُ النُّكْبَةَ - وَيَعْتُرُ الْعَثْرَةَ - وَيَمْرُضُ الْمَرَضَةَ - وَيُشَاكُ الشُّوْكَةَ - وَمَا أَشْبَهَ هَذَا حَتَّى ذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ - اخْتِلَاجَ الْعَيْنِ.

٢٣٧١-٢٧- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّتَلَى الْمُؤْمِنُ بِالْجُدَامِ - وَالْبَرَصِ وَأَشْبَاهِ هَذَا - قَالَ فَقَالَ وَهَلْ كُتِبَ الْبَلَاءُ - إِلَّا عَلَى الْمُؤْمِنِ.

٢٣٧٢-٢٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكْرُمُ عَلَى اللَّهِ - حَتَّى لَوْ سَأَلَهُ الْجَنَّةَ بِمَا فِيهَا - أَعْطَاهُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ مُلْكِهِ شَيْئًا - وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيَهُونُ عَلَى اللَّهِ - حَتَّى

۲۶ - رسول خدا ﷺ یک روز به اصحابش فرمود:

ملعون است هر مالی که زکاتش داده نشود، ملعون است هر تنی که زکاتش داده نشود گرچه در هر چهل روز یکبار، عرض شد: یا رسول الله! زکوة مال را به خوبی می دانیم ولی زکات بدن چیست؟ به آنها فرمود: مراد این است که بدن دچار آسیب شود راوی می گوید: در این حال رخسار کسانی که اینها را شنیدند دگرگون شد چون پیامبر آنها را رنگ پریده دید فرمود: می دانید مقصودم از این گفتار چه بود؟ عرض کردند: نه یا رسول الله، فرمود: آری! بسا که مرد، خراشی ببیند یا پایش به سنگی برخورد کند و یا بلغزد و یا بیماری کوچکی پیدا کند و یا خاری به تن او فرو رود و امثال اینها تا آنجا که در حدیث خویش از پرش رگ چشم هم یاد آور شد.



۲۷ - «ابن بُکیر» می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، مؤمن به خوره و پیسی و مانند آنها گرفتار می شود؟ فرمود: مگر بلا جز برای مؤمن نوشته و ثابت شده است؟!

۲۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

راستی مؤمن نزد خدا ارجمند و گرامی است تا به جائی که اگر بهشت را از خدا بخواهد به وی ارزانی دارد بی آنکه از ملکش چیزی کاسته شود، و کافر نزد خدا خوار و بی مقدار است تا جائی که اگر همه دنیا را بخواهد با آنچه در آن است به وی بدهد بی آنکه از ملکش چیزی کاسته شود، راستی که خدا بنده مؤمن خود را با بلا و گرفتاری، احوال پرسی می کند چنانچه مرد غایب و مسافر با فرستادن تحفه ها و چیزهای خوب و

لَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا - أَعْطَاهُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرٍ - أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ مُلْكِهِ شَيْئًا - وَإِنَّ اللَّهَ لَيَتَعَاهَدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ - كَمَا يَتَعَاهَدُ الْغَائِبُ أَهْلَهُ بِالطَّرَفِ - وَإِنَّهُ لَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا - كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.

٢٣٧٣-٢٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيِّونَ - ثُمَّ الْوَصِيُّونَ - ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا أَمْثَلُ - وَإِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ - عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ - فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ - وَحَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ - وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ - وَلَا عِقَابًا لِلْكَافِرِ - وَمَنْ سَخَفَ دِينَهُ - وَضَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ - وَأَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ الثَّقِيِّ - مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ.

٢٣٧٤-٣٠ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ هَذَا الَّذِي ظَهَرَ بَوَجهي - يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ - لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْدًا لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ - قَالَ فَقَالَ لِي لَقَدْ كَانَ مُؤْمِنٌ آلَ فِرْعَوْنَ - مَكْنَعُ الْأَصَابِعِ فَكَانَ يَقُولُ هَكَذَا - وَيَمُدُّ يَدَيْهِ وَيَقُولُ - يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ قَالَ لِي - إِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ - مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ - فَتَوَضَّأْ وَقُمْ إِلَى صَلَاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيهَا - فَإِذَا كُنْتَ فِي السَّجْدَةِ

تازه از خاندان خود، احوال پرسى مى کند و راستش اين است که او را از دنيا پرهيز مى دهد چنانچه پزشک، بیمار را.

۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود:

در کتاب على علیه السلام است: راستى سخت ترين مردم در کشيدن بار بلا پيامبرانند و سپس اوصياء آنها و سپس شبيه ترين به آنها بترتيب رتبه و مقام و همانا مؤمن به اندازه کارهاى خوب خود گرفتار مى شود، هر کس دينش درست و عملش خوب است بلايش سخت است و اين براى آن است که خداى عزوجل دنيا را ثواب مؤمن نساخته و نه عقوبت و کيفر براى کافر، و هر کس دينش درست و عملش سست است بلايش کم است و راستى که بلا به مؤمن پرهيزگار، شائبه تر است از باران که به گودى سرازير مى شود.



۳۰ - «يونس بن عمار»، گوید: (که گویا چهره اش دچار بیماری پوستی شده) مى گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که اين بیماری که در چهره من پديدار شده مردم تصور مى کنند که خداوند به بنده اى که مورد توجه اوست به چنين بیماری مبتلا نمى سازد. حضرت در پاسخ من فرمود: هر آينه مؤمن آل فرعون انگشت او چلاق بود و شیوه اش اين بود که دستهای خود را دراز مى کرد و مى گفت: اى مردم! از رسولان خدا پیروى کنید سپس امام به من فرمود: چون ثلث آخر شب فرا رسيد وضوء بگير و به نماز شب پرداز و چون در سجده دوم رکعت اول باشى در حال سجده بگو:

يا على يا عظيم يا رحمن يا رحيم اى شنونده دعاها اى بخشنده

الْأَخِيرَةَ - مِنَ الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ - فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ - يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ - يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ - يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ - يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - مَا أَنْتَ أَهْلُهُ - وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - مَا أَنْتَ أَهْلُهُ - وَ إِذْهَبْ عَنِّي بِهَذَا الْوَجَعِ - وَ تَسْمِيهِ فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي - وَ أَلِمَّ فِي الدُّعَاءِ قَالَ - فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ - حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ بِهِ عَنِّي كُلَّهُ.

بَابُ فَضْلِ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ

٢٣٧٥ - ١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فَقَرَاءَ الْمُسْلِمِينَ يَتَقَلَّبُونَ - فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَبْلَ أَغْنِيَائِهِمْ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفًا - ثُمَّ قَالَ سَأُضْرِبُ لَكَ مَثَلُ ذَلِكَ - إِنَّمَا مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ سَفِينَتَيْنِ مُرَّ بِهِمَا عَلَى عَاشِرٍ - فَنَظَرَ فِي إِحْدَاهُمَا فَلَمْ يَرَ فِيهَا شَيْئًا - فَقَالَ أَشْرَبُوهَا وَ نَظَرَ فِي الْأُخْرَى - فَإِذَا هِيَ مَوْقُورَةٌ فَقَالَ إَحْبِسُوهَا.

٢٣٧٦ - ٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَصَائِبُ مِنْحٌ مِنَ اللَّهِ - وَ الْفَقْرُ مَحْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ.

٢٣٧٧ - ٣ - وَ عَنْهُ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ - جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ - مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ - وَ مَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ

خیرات، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و از خرد دنیا و آخرت آنچه سزاوار بخشش توست به من عطا فرما و از شر دنیا و آخرت و آنچه سزاوار بخشش توست از من برگردان و این درد را از من دور کن که مرا سخت خشمگین و افسرده ساخته است. و در دعا سخت اصرار و پافشاری کن یونس می‌گوید به کوفه نرسیده بودم که خداوند همه آنها را از من بر طرف ساخت (مرحوم مجلسی بر این عقیده است که ذکر مؤمن آل فرعون بجای مؤمن آل یاسین از اشتباهات راویان یا کاتبان حدیث است).

برتری مستمندان مسلمان

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی مستمندان مسلمان چهل پائیز پیش از توانگرانشان در باغهای بهشت می‌غلطند، سپس فرمود: من برای تو مثالی می‌زنم، مثالش این است که دو کشتی بر گمرگ چپ بگذرند در یکی نگاه کند و چیزی در آن نباشد، و گوید: آزاد است که برود و در دیگری نگاه کند و بنگرد که پر از بار است، گوید: آن را نگهدارید.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

مصائب بخششهای خدایند و فقر گنجینه خداست.

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! راستی که خدا فقر را به خلق خود سپرده و هر کس که آن را

يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ - حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ - أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ وَ لَا رُمْحٍ - وَلَكِنَّهُ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ.

٢٣٧٨- ٤ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ دَاوُدَ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَغِيرٍ عَنْ جَدِّهِ شُعَيْبٍ عَنْ مُفَضَّلٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَلَّمَا إِرْدَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا - إِرْدَادَ ضَيْقًا فِي مَعِيشَتِهِ.

٢٣٧٩- ٥ - وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَوْ لَا إِيْحَاحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ - فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لَنَقَلَهُمْ مِنَ الْحَالِ - الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ أَضْيَقَ مِنْهَا.

٢٣٨٠- ٦ - عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا إِيْحَتَارًا - وَمَا زُوِيَ عَنْهُ إِلَّا إِيْحَتَارًا.

٢٣٨١- ٧ - عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ وَ أَبِي إِسْحَاقَ الْخَفَّافِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ لِمَصَاصِ شَيْعَتِنَا - فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا الْقُوَّةُ - شَرِّقُوا إِنْ شِئْتُمْ - أَوْ غَرَّبُوا لَنْ تُرْزَقُوا إِلَّا الْقُوَّةُ.

نهان دارد، خدا به اندازه ثواب روزه دار شب زنده دار به او بدهد، و هر کس آن را نزد کسی بر روا کردن حاجت او تواناست فاش سازد و آن را روان کند، او را کشته است، همانا تیغ و نیزه او را نکشته ولی بازخمی که به دل آن حاجتمند زده، او را کشته است.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر اندازه ایمان بنده زیاد شود تنگی معیشت نیز بیشتر گردد.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مؤمنان برای طلب روزی نزد خداوند اصرار نمی ورزیدند خداوند آن‌ها را از آنحال به تنگ دستی بیشتری منتقل می نمود.



۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

یه هیچ بنده‌ای چیزی از دنیا داده نشده جز برای عبرت گرفتن و از بنده‌ای چیزی دریغ نشده جز برای آزمودن و امتحان.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

شیعیان پاک ما در دولت باطل جز قوت بهره‌ای ندارند، به مشرق بروید یا به مغرب هرگز جز قوت، روزی به دست نیاورید.

٢٣٨٢-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ بَعْضِ مَشَايِخِهِ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ الْحَاجَةُ - أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَ خَلْقِهِ - فَمَنْ كَتَمَهَا عَلَى نَفْسِهِ - أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ صَلَّى - وَمَنْ كَشَفَهَا إِلَى مَنْ يَقْدِرُ - أَنْ يُفْرِجَ عَنْهُ وَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ - أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ بِسَيْفٍ - وَلَا سِنَانٍ وَلَا سَهْمٍ - وَلَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ.

٢٣٨٣-٩- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَعْدَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَلْتَفِتُ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ - شَبِيهَاً بِالْمُعْتَذِرِ إِلَيْهِمْ - فَيَقُولُ وَ عِزَّتِي وَجَلَالِي - مَا أَفْقَرْتُكُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ - وَلَتَرَوُنَّ مَا أَصْنَعُ بِكُمْ الْيَوْمَ - فَمَنْ زَوَّدَ أَحَدًا مِنْكُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا - مَعْرُوفًا فَخُذُوا بِيَدِهِ فَأَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ - قَالَ فَيَقُولُ رَجُلٌ مِنْهُمْ - يَا رَبِّ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا تَنَافَسُوا فِي دُنْيَاهُمْ - فَتَنَكَّحُوا النِّسَاءَ - وَلَبَسُوا الثِّيَابَ اللَّيِّنَةَ - وَأَكَلُوا الطَّعَامَ - وَسَكَنُوا الدُّورَ - وَرَكَبُوا الْمَشْهُورَ مِنَ الدَّوَابِّ - فَأَعْطَنِي مِثْلَ مَا أُعْطِيَتْهُمْ - فَيَقُولُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَكَ وَلِكُلِّ عَبْدٍ مِنْكُمْ - مِثْلُ مَا أُعْطِيَتْ أَهْلُ الدُّنْيَا - مُنْذُ كَانَتْ الدُّنْيَا إِلَى - أَنْ انْقَضَتْ الدُّنْيَا سَبْعُونَ ضِعْفًا.

٢٣٨٤-١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبَّادٍ جَمِيعاً يَرْفَعَانِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا كَانَ مِنْ وَلَدِ آدَمَ مُؤْمِنٌ - إِلَّا فَقِيرًا وَلَا كَافِرٌ إِلَّا غَنِيًّا - حَتَّى جَاءَ

۸- پیامبر ﷺ فرموده: ای علی! نیازمندی نیست مخلوقش امانت خداست هر کس آن را نزد خود پوشیده دارد خداوند به او ثواب نماز گزار دهد و هر کس از آن پرده بردارد بزرگی که بتواند او را گشایش دهد و نکند او را کشته است همانا او را با شمشیر و نیزه نکشته بلکه با زخمی که بر دل او وارد کرده است وی را کشته است.

* * *

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی خدای عزوجل در روز قیامت مانند یک پوزش خواه به فقراء و مسلمانان توجه نماید و فرماید: به عزت و جلالم سوگند، من برای خوار داشتن شما در دنیا ندارتان نکردم و هر آینه امروز خواهید دید که با شما چه می‌کنم، هر کس در دار دنیا احسانی به شما کرده است، دست او را بگیرید و او را به بهشت ببرید، فرمود که: یکی از آنها گوید: پروردگارا! دنیاداران برای خود رقابتها و خوشیها کردند، و زنان را نکاح کردند و جامه‌های نرم پوشیدند و خوراک‌ها خوردند و به کاخها نشستند و مرکب‌های زیبا را سوار شدند، به من هم بده مانند آنچه را که به آنها دادی، خدای تبارک و تعالی فرماید: برای تو و هر یک از شما هفتاد برابر آنچه که به اهل دنیا دادم از آغاز دنیا تا پایان آن خواهم داد.

* * *

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

از فرزندان آدم مؤمنی نبود جز آنکه فقیر بود و هیچ آدمی زاده کافر نبود جز آنکه توانگر بود تا ابراهیم علیه السلام آمد و عرض کرد: «پروردگارا ما را

إِبْرَاهِيمُ عليه السلام فَقَالَ - رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا فَصِيرَ اللَّهُ فِي هَؤُلَاءِ
أَمْوَالاً وَحَاجَةً - وَفِي هَؤُلَاءِ أَمْوَالاً وَحَاجَةً.

٢٣٨٥-١١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى
عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ مُوسِرٌ - إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَقِيُّ الثَّوْبِ - فَجَلَسَ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَجَاءَ رَجُلٌ مُعْسِرٌ دَرَنُ الثَّوْبِ - فَجَلَسَ إِلَى جَنْبِ الْمُوسِرِ
فَقَبَضَ الْمُوسِرُ ثِيَابَهُ مِنْ تَحْتِ فِخْذَيْهِ - فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَخِفْتَ
أَنْ يَمْسَكَ مِنْ فَقْرِهِ شَيْءٌ - قَالَ لَا قَالَ فَخِفْتَ أَنْ يُصِيبَهُ مِنْ غِنَاكَ شَيْءٌ
قَالَ لَا قَالَ فَخِفْتَ أَنْ يُوسِّعَ ثِيَابَكَ قَالَ لَا قَالَ فَمَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ
فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي قَرِينًا يُزِينُ لِي كُلَّ قَبِيحٍ وَيُقَبِّحُ لِي كُلَّ حَسَنٍ
وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ نِصْفَ مَالِي - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِلْمُعْسِرِ أَتَقْبَلُ قَالَ
لَا - فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَلَمْ - قَالَ أَخَافُ أَنْ يَدْخُلَنِي مَا دَخَلَكَ.

٢٣٨٦-١٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا - فَقُلْ مَرْحَبًا
بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ - وَإِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا - فَقُلْ ذَنْبٌ عَظِيمٌ عَقُوبَتُهُ.

٢٣٨٧-١٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله طُوبَى لِمَسَاكِينٍ بِالصَّبْرِ - وَهُمْ الَّذِينَ يَرَوْنَ

وسیله آزمایش آن کسانی که کافراند مساز» پس خداوند از میان اینها دسته‌ای را مالدار و دسته‌ای را نیازمند قرار داد.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: مرد توانگری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد که جامه پاکیزه‌ای بر تن داشت و خدمت رسول خدا نشست و مرد نداری که جامه چرکینی داشت و پهلوی آن توانگر نشست و آن توانگر جامه خود را از زیر پاهای او کشید رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ترسیدی از فقر او چیزی به تو بپسند؟ گفت: نه، فرمود: ترسیدی از دارائی تو چیزی به او بپسند؟ در پاسخ گفت: نه، فرمود: ترسیدی جامه تو چرکین شود؟ گفت: نه، فرمود: پس چه چیزی تو را وادار کرد که این کار را کردی؟ در پاسخ گفت: یا رسول الله! براستی برایم همنشینی است (شیطان) که هر کار زشتی در نظرم جلوه می‌دهد و هر کار خوبی زشت می‌نماید در اینصورت من نیمی از هر چه دارم به او می‌دهم پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن مرد ندار فرمود: آیا می‌پذیری گفت: نه، آن مرد گفت: برای چه؟ در پاسخ گفت: می‌ترسم در دل من چیزی وارد شود (از تکبر و خودبینی) که در دل تو وارد شده است.

۱۲- فرمود علیه السلام: در مناجات موسی است که: ای موسی! هرگاه دیدی فقر روی آورده بگو: مرحبا به شعار صالحان، و هرگاه دیدی توانگری آورده، بگو: گاهی است که کیفر آن شتاب کرده است. توضیح: حقایق این جهان برای آنها معلوم خواهد کرد که خدای جهانیان بخیل و ناتوان نیست و ثروت و فقر مردم بر اساس قانون قضا و قدر و ارزشها و لیاقتها و مصالح است که به پندگان روی آورده است از این رو باید با رضایت و خردمندی شکیب و صبور باشند.

۱۳- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال مستمندان که دارای صبر و شکیب‌اند و

مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

٢٣٨٨- ١٤- وَبِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ

يَا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ طَيِّبُوا أَنْفُسًا - وَأَعْطُوا اللَّهَ الرِّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ -
يُثَبِّتُكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى فَقْرِكُمْ - فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ.

٢٣٨٩- ١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عِيسَى الْقَرَاءِ
عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ - أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُنَادِيًا - يُنَادِي بَيْنَ يَدَيْهِ
أَيْنَ الْفُقَرَاءِ - فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ - فَيَقُولُ عِبَادِي فَيَقُولُونَ -
لَبَّيْكَ رَبَّنَا - فَيَقُولُ إِنِّي لَمْ أَفْقِرْكُمْ لِهَوَانِ بِكُمْ عَلَيَّ - وَلَكِنِّي إِنَّمَا
اخْتَرْتُكُمْ - لِثَلْ هَذَا الْيَوْمَ تَصَفَّحُوا وُجُوهَ النَّاسِ - فَمَنْ صَنَعَ إِلَيْنَا
مَعْرُوفًا لَمْ يَصْنَعْهُ - إِلَّا فِي فَكَافُوهُ عَنِّي بِالْجَنَّةِ.

٢٣٩٠- ١٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْحَدَّادِ عَنْ
مُحَمَّدَ بْنِ صَغِيرٍ عَنْ جَدِّهِ شُعَيْبٍ عَنْ مُقْضَلٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لَوْ لَا الْحَاحُ هَذِهِ الشَّيْعَةُ عَلَى اللَّهِ - فِي طَلَبِ الرِّزْقِ
لَنَقَلَهُمْ مِنَ الْحَالِ - الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى مَا هُوَ أَضْيَقُ مِنْهَا.

٢٣٩١- ١٧- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ كَثِيرٍ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ لِي أَمَا تَدْخُلُ السُّوقَ - أَمَا تَرَى الْفَاكِهَةَ تُبَاعُ - وَالشَّيْءُ مِمَّا

آنهايند که ملکوت آسمان و زمين را می بينند.
(يعنی حقايق جهان مادی بر آنها کشف و آشکار می شود و چيزهايی را
می بينند که ديگران نمی بينند.

۱۴- پيامبر ﷺ فرمود: ای توده مستمندان! پاکدل باشيد و از جان و دل از
خداوند رضایت داشته باشيد تا خداوند بخاطر فقرتان به شما پاداش دهد
و گرنه پاداش نخواهد داد.

۱۵- امام باقر ﷺ، فرمود: هرگاه روز رستاخيز فرا رسد خدای تبارک و تعالی
فرمايد تا يک جارچی برابر او فریاد کشد: فقيرها کجايند؟ گروه بسياری
از مردم به پا خيزند، پس خدا می فرمايد: ای بندگانم! گويند: لبیک ای
پروردگار ما، پس خدا فرمايد: من شما را فقير نکردم برای آنکه شما را
نزد خود خوار شمرم ولی شما را برگزیدم برای چنین روزی، شما به
چهره مردم محشر خوب نگاه کنيد و روی همه را بازرسی نمايد هر کس
به شما احسانی کرده که آن را جز برای رضای من نکرده است، از جانب
من بهشت به او عوض دهيد.

۱۶- امام صادق ﷺ فرمود: اگر اصرار شيعه نبود به درگاه خدا برای طلب
روزی، از همین حالی هم که دارد خدا آنها را به حالی بر می گردانيد که
تنگ دست تر باشند.

۱۷- «محمد بن حسين بن كثير خزاز» گويد: امام صادق ﷺ به من فرمود: آیا
داخل بازار نشده يی، آیا ندیدی که میوه ها می فروشند و تو دلت هوای

تَشْتَهِيهِ - فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ أَمَا إِنَّ لَكَ بِكُلِّ مَا تَرَاهُ - فَلَا تَقْدِرُ عَلَى شِرَائِهِ حَسَنَةً.

٢٣٩٢-١٨ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَفَّانَ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ - لِيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُخْرُجِ فِي الدُّنْيَا - كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُّ إِلَى أَخِيهِ - فَيَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي - مَا أَخَوْجْتُكَ فِي الدُّنْيَا - مِنْ هَوَانٍ كَانَ بِكَ عَلَيَّ - فَارْفَعْ هَذَا السَّجْفَ - فَانْظُرْ إِلَى مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا - قَالَ فَيَرْفَعُ فَيَقُولُ - مَا ضَرَّرَنِي مَا مَنَعْتَنِي مَعَ مَا عَوَّضْتَنِي.

٢٣٩٣-١٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: *مَرْتَحِيَّتُكُمْ يَوْمَ يَوْمِ* إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ - قَامَ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ - حَتَّى يَأْتُوا بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُوا بَابَ الْجَنَّةِ - فَيَقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ - فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْفُقَرَاءُ فَيَقَالُ لَهُمْ أَقْبَلِ الْحِسَابِ - فَيَقُولُونَ مَا أُعْطِيتُمُونَا شَيْئاً تُحَاسِبُونَا عَلَيْهِ - فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - صَدَقُوا ادْخُلُوا الْجَنَّةَ.

٢٣٩٤-٢٠ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُبَارَكِ غَلَامِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - إِنِّي لَمْ

آنها را دارد؟

گفتم: چرا، پس فرمود: همانا به راستی در برابر هر چه که می‌بینی و نمی‌توانی آن را خریداری کنی، برای تو در نزد خدا حسنه‌ای است.

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که خداوند (در روز قیامت) از بنده مؤمن و حاجت‌مند خود عذر خواهی کند همانطور که برادری در دنیا از برادر خود عذر خواهی می‌کند خداوند فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، که تو را در دنیا بخاطر خواریت ندار و محتاج نکردم این روپوش را بردار تا بینی بجای نعمتهای این دنیا به تو چه داده‌ام پرده را کنار می‌زنند و می‌گویند: آنچه را از من دریغ داشتی با این عوضی که به من دادی، زیانی برای من نداشته است.

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: چون رستاخیز فرا رسد، گروهی از مردم برخیزند و تا در بهشت بیایند و در بهشت را بزنند، به آنها گفته شود: چه کسانی؟ در پاسخ گویند: ما درویشان و ندارها هستیم، به آنها گفته شود: آیا می‌خواهید بدون حساب به بهشت وارد شوید؟ در پاسخ گویند: به ما چیزی ندادید که از ما حساب بکشید، پس خدای عزّوجلّ می‌فرماید: راست می‌گویند، به بهشت در آئید.

۲۰- از مبارک غلام شعیب، شنیدم که امام کاظم علیه السلام می‌فرمود:

راستی که خدای عزّوجلّ می‌فرماید: به راستی که من به توانگر توانای مالی ندادم که نزد من ارجمند و گرامیست و فقیر را بی چیز نکردم بخاطر آنکه نزد من خوار و بی مقدار است و این خود برای آزمایش

أُغْنِي الْغَنَى لِكِرَامَةِ بِهِ عَلِيٍّ - وَلَمْ أَفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانٍ بِهِ عَلِيٍّ - وَهُوَ
مِمَّا إِبْتَلَيْتُ بِهِ - الْأَغْنِيَاءَ بِالْفُقَرَاءِ وَ لَوْ لَا الْفُقَرَاءُ - لَمْ يَسْتَوْجِبِ
الْأَغْنِيَاءُ الْجَنَّةَ.

٢٣٩٥-٢١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
عِيْسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَالْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَا:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَيَّاسِيرُ شِيعَتِنَا أَمْنَاؤُنَا عَلَى مَحَاوِرِهِمْ فَاحْفَظُونَا
فِيهِمْ يَحْفَظْكُمْ اللَّهُ.

٢٣٩٦-٢٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ الْفَقْرُ أَزَيْنُ لِلْمُؤْمِنِ - مِنَ الْعِذَارِ عَلَى
خَدِّ الْفَرَسِ.

٢٣٩٧-٢٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
غَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ:
سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ
النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَالَ عَنِ بَدَلِكَ - أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنْ يَكُونُوا عَلَى دِينٍ
وَاحِدٍ - كَفَّارًا كُلَّهُمْ لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ - لَبِئُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ
وَلَوْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ لَحَزَنَ الْمُؤْمِنُونَ وَ غَمَّهُمْ ذَلِكَ وَ لَمْ
يُنَاجِحُوهُمْ وَ لَمْ يُوَارِثُوهُمْ.

توانگر است به وجود بینوایان و اگر بینوایان نباشند، توانگران مستحق بهشت نگردند.

۲۱- امام صادق علیه السلام فرمود: توانگران شیعه ما، امین ما هستند بر محتاجان آنها، رعایت ما را نسبت به آنها بکنید تا خداوند شما را رعایت کند.

توضیح: باید دانست که همه اموال از آن امام است که خود آنها به شیعیان اجازه تصرف را داده‌اند و این اجازه منوط است به رعایت حقوق مستمندان و چون امام در زمان تقیه و غیبت، امکان تصرف در آن نداشته‌اند به توانگران دستور داده‌اند که شما امین ما هستید و باید حقوق فقراء را رعایت کنید و حقشان که در اموال شماست به آن‌ها برگردانید.

۲۲- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: فقر برای مؤمن زیبا تر است از خطی که بر گونه اسب کشیده شده و بر زیبائیش افزوده است.

۲۳- «سعید بن مسیب»، گوید: از علی بن الحسین علیه السلام پرسیدم از تفسیر قول خدای عزوجل: «و اگر چنین نبود که مردم یک امت می‌شدند (زخرف/۳۳)» فرمود: مقصود این آیه: امت محمد صلی الله علیه و آله است که اگر همه بر کیش کفر بودند «هر آینه مقرر می‌داشتیم برای آن کسانی که به خدای رحمان کافر می‌شدند منزل‌هایی که سقفش از نقره باشد» و اگر خدا با امت (یعنی کفار و منافقان آنها) چنین معامله‌ای می‌کرد، مؤمنان محزون می‌شدند و این غم، آنها را فرا می‌گرفت و دیگران با آنها زناشوئی نمی‌کردند و از یکدیگر ارث نمی‌بردند.

توضیح: مقصود از ناس امت محمد است محصل کلام این است که اگر این کار سبب کفر مؤمنان نمی‌شد که بخاطر حزن و اندوه، شیطان بر آنها مسلط شود همه منکرین و مخالفین امامت را اثر و تمند و بی‌نیاز می‌کردیم و مؤمنین در نهایت فقر و تنگ دستی و بین این دو گروه ازدواجی صورت نمی‌گرفت و نسل امت محمد صلی الله علیه و آله قطع می‌شد.

بَابُ

٢٣٩٨-١ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ
الْمَلِكِ قَالَ:

حَدَّثَنِي بَكْرُ الْأَرْقَطُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ وَاحِدٌ - فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ - إِنِّي رَجُلٌ مُنْقَطِعُ إِلَيْكُمْ
بِمَوَدَّتِي - وَقَدْ أَصَابَتْني حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ - وَقَدْ تَقَرَّبْتُ بِذَلِكَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِي
وَقَوْمِي - فَلَمْ يَزِدْنِي بِذَلِكَ مِنْهُمْ إِلَّا بُعْدًا - قَالَ فَمَا آتَاكَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا
أَخَذَ مِنْكَ - قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَدْعُ اللَّهَ لِي - أَنْ يُغْنِيَنِي عَنْ خَلْقِهِ قَالَ إِنَّ
اللَّهَ قَسَمَ رِزْقَ - مَنْ شَاءَ عَلَى يَدَيَّ مَنْ شَاءَ - وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ أَنْ
يُغْنِيَكَ عَنِ الْحَاجَةِ - الَّتِي تَضْطَرُّكَ إِلَى لِقَاءِ خَلْقِهِ.

٢٣٩٩-٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ - فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْفَقْرُ مِنَ الدِّينَارِ وَ
الدِّرْهَمِ - فَقَالَ لَا وَلَكِنْ مِنَ الدِّينِ.

دنباله بحث گذشته

۱- راوی گوید:

مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد اصلحک الله، راستی که من مردی هستم که به واسطه دوستی و ارادت به شما توجه به شما دارم و اکنون به سختی حاجت مند شده‌ام و من به وسیله ارادت به شما خود را به خاندان و تبارم نزدیک کردم تا بدینوسیله به من کمک کنند، ولی این خود بیشتر مایه دوری آنها از من گردید، فرمود: آنچه خدا به تو داده است (یعنی ولایت اهل بیت علیهم السلام) بهتر است از آنچه از تو گرفته است (یعنی مال دنیا و مهرورزی خاندان و عشیره)، گفت: قربانت، دعا کنید برایم که خداوند مرا از خویشان بی نیاز کند، فرمود: خداوند روزی هر کس را به دست هر کس قسمت کرده است که خواسته و صلاح دانسته و تو از خدا بخواه که تو را از احتیاجی که بز در خانه مردمان پست بی چاره ات کند برکنار و بی نیاز سازد.

* * *

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

فقر، همان مرگ خونین است، (راوی) گوید: من به امام صادق علیه السلام گفتم نداشتن و فقر از پول طلا و نقره را (می فرمائید)؟ در پاسخ فرمود: نه، ولی مراد نداشتن و فقر دین است (مراد فقیر قلبی و بی نیاز قلبی است) در اینصورت فقیر کسی است که شناخت و معرفت دینی ندارد.

بَابُ أَنْ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَالشَّيْطَانُ

٢٤٠٠- ١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَلَهُ أُذُنَانِ - عَلَى إِحْدَاهُمَا مَلَكٌ مُرْشِدٌ - وَ عَلَى الْأُخْرَى شَيْطَانٌ مُفْتِنٌ - هَذَا يَأْمُرُهُ وَ هَذَا يَزْجُرُهُ - الشَّيْطَانُ يَأْمُرُهُ بِالْمَعَاصِي - وَ الْمَلَكُ يَزْجُرُهُ عَنْهَا - وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ - مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ - إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ.

٢٤٠١- ٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ - فَإِذَا هُمُ الْعَبْدُ بِذَنْبٍ - قَالَ لَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ لَا تَفْعَلْ - وَ قَالَ لَهُ الشَّيْطَانُ افْعَلْ - وَ إِذَا كَانَ عَلَى بَطْنِهَا - نُزِعَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ.

٢٤٠٢- ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ - إِلَّا وَلِقَلْبِهِ أُذُنَانِ فِي جَوْفِهِ - أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْوَسْوَاسُ الْخَنَّاسُ - وَ أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْمَلَكُ - فَيُؤَيِّدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِالْمَلِكِ - فَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ.

در اینکه دل دو گوش دارد که فرشته و شیطان در آن‌ها می‌دمند

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ دلی نیست جز اینکه دو گوش دارد، بر یکی فرشته‌ای رهبر است و بر دیگری شیطانی فتنه گر، اینش فرمان دهد و از آنش باز دارد و شیطان‌ش به نافرمانیها فرمان دهد، و فرشته‌اش او را از آن باز دارد، و این است تفسیر گفته خدای عزوجل: «از راست و از چپ نشسته‌ای است (۱۸) زبان به گفته‌ای نگشاید جز آنکه نزد او رقیب و عتید است (ق/۱۷، ۱۸)».



۲- امام صادق علیه السلام، فرمود: راستی! دل دو گوش دارد و هر گاه بنده قصد کند روح ایمان به او گوید: مکن، و شیطان به او گوید: بکن، و هر گاه روی شکم آن (زن زنا کار) افتد، روح ایمان از او جدا شود.

۳- امام صادق علیه السلام، فرمود: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه برای دلش دو گوش است درون او، یک گوش که وسواس خناس در آن می‌دمد، و گوش‌ی که در آن فرشته می‌دمد و خدا به وسیله مؤمن کمک می‌دهد و این است قول خدای عزوجل: «و کمک کند آنان را به روحی از طرف خود (مجادله / ۲۲)»

بَابُ الرُّوحِ الَّذِي أُيِّدَ بِهِ الْمُؤْمِنُ.

۲۴۰۳-۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَقَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أُيِّدَ الْمُؤْمِنَ بِرُوحٍ مِنْهُ - تَحْضُرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُحْسِنُ فِيهِ وَيَتَّقِي - وَتَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ - يُذْنِبُ فِيهِ وَيَعْتَدِي - فَهِيَ مَعَهُ تَهْتَزُّ سُرُوراً عِنْدَ إِحْسَانِهِ - وَتَسِيخُ فِي الثَّرَى عِنْدَ إِسَاءَتِهِ - فَتَعَاهِدُوا عِبَادَ اللَّهِ نِعْمَهُ بِإِصْلَاحِكُمْ أَنْفُسَكُمْ - تَزِدَادُوا يَقِيناً وَتُرْجَحُوا نَفِيساً ثَمِيناً - رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا هُمْ بِخَيْرٍ فَعَمِلَهُ - أَوْ هُمْ بِشَرٍّ فَارْتَدَعُوا عَنْهُ - ثُمَّ قَالَ نَحْنُ نُؤَيِّدُ الرُّوحَ - بِالطَّاعَةِ لِلَّهِ وَالْعَمَلِ لَهُ

بَابُ الذُّنُوبِ

۲۴۰۴-۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ - إِنَّ الْقَلْبَ لَيُؤَاقِعُ الْخَطِيئَةَ - فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ - فَيُصَيِّرُ أَغْلَاهُ أَسْفَلَهُ.

روحی که مؤمن با آن کمک می شود

۱- «ابی خدیجه» می گوید: نزد ابی الحسن (علیه السلام) رسیدم به من فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از طرف خود کمک کرده است که هرگاه نیکی کند و تقوی ورزد، آن روح نزد او حاضر شود، و هرگاه گناهی مرتکب شود از او پنهان شود و آن روح همراه اوست و هنگامی که احسانی کند، از شادی به رقص می آید و چون بدی کند، به زیر خاک فرو می رود.

ای بنده های خدا! نعمت های خدا را به وسیله اصلاح نفس خود مراقبت نمائید تا یقین شما افزوده شود و سود زیادی به دست شما برسد خدا رحمت کند بنده ای را که قصد خیری کند و آن را انجام دهد یا قصد کار بدی کند و از آن باز ایستد و کناره گیری کند، سپس فرمود: ما (اهل بیت) آن روح را به وسیله اطاعت خدا و عمل برای او، تأیید می کنیم.

گناهان

۱- امام صادق (علیه السلام)، فرمود: پدرم می فرمود: برای فاسد کردن دل چیزی بالاتر از گناه نیست قلب مرتکب گناه می شود و بر آن اصرار می ورزد تا زیر و رو می شود (وارونه می گردد و پند و اندرز در آن کارگر نمی افتد).

٢٤٠٥-٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ فَقَالَ - مَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى فِعْلٍ مَا يَعْلَمُونَ - أَنَّهُ يُصِيرُهُمْ إِلَى النَّارِ.

٢٤٠٦-٣- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يَضْرِبُ - وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ - وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ - فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ - وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَمَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُوَاخِذُ بِهِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٤٠٧-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ - إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ.

٢٤٠٨-٥- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ لَا تُبْدِينَ عَنْ وَاضِحَةٍ - وَقَدْ عَمِلْتَ الْأَعْمَالَ الْفَاضِحَةَ - وَلَا يَأْمَنُ الْبَيَاتَ مَنْ عَمِلَ السَّيِّئَاتِ.

۲- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «و چه بسیار بر آتش سوزان شکیبایند (بقره / ۲۷۵)» فرمود:
یعنی چه بسیار شکیبا هستند برای انجام کاری که می دانند، آنها را به دوزخ می کشاند.

* * *

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

رگی نلرزد و پائی برنخورد و سری درد نگیرد و بیماری نیاید جز برای گناهی، و این است مقصود از گفتار خدای عزوجل: «و آنچه مصیبت به شما رسد برای آن است که خود به دست آوردید و خداوند از بسیاری از آنها گذشت می کند (شورا / ۳۰)» سپس فرمود: آنچه خدا از آن گذشت می کند، بیشتر است از آنچه باز خواست می کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
* * *

۴- امام باقر علیه السلام، فرمود:

هیچ نکبتی به بنده ای نرسد جز برای گناه، و آنچه خدا گذشت می کند بیشتر است.

* * *

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: که امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود:

تو که اعمال رسوا کننده یی مرتکب شده ای خنده ای مکن که دندانت آشکار شود و کسی که گناهی کرده نباید از پیش آمد ناگهانی امنیت داشته باشد.

٢٤٠٩-٦- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ - بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَمَا سَطَوَاتُ اللَّهِ - قَالَ الْأَخْذُ عَلَى الْمَعَاصِي.

٢٤١٠-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الذُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ - وَأَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَالدَّمُ - لِأَنَّهُ إِمَّا مَرْحُومٌ وَإِمَّا مُعَذِّبٌ - وَالْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا طَيِّبٌ.

٢٤١١-٨- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْفُضَيْلِ ابْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَذْنِبُ الذَّنْبَ - فَيَرَوْى عَنْهُ الرِّزْقُ.

٢٤١٢-٩- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التُّوفَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ - مَنْ عَبْدَ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ كُفَّهُ أَعْمَى - مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ نَكَحَ بِهِمَةً.

٢٤١٣-١٠- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ - فَإِنَّ لَهَا طَالِباً - يَقُولُ

۶- «ابی اسامه»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:
به خدا پناه برید از سطوتهای خداوند در شب و روز، عرض کردم:
چیست؟ فرمود: بازخواست از گناه.

* * *

۷- امام باقر علیه السلام، فرمود:
همه گناهان سخت باشند، و سخت تر از آنها گناهی است که گوشت و
پوست بر آن روئیده باشد (چون خوردن مال حرام) زیرا باید گناه یا
آمرزیده شود (به وسیله توبه) و یا آنکه بخاطر آن عذاب شود (در حال
مرگ و قبر و برزخ و دوزخ) و به بهشت در نیاید جز شخص پاک.



۸- امام باقر علیه السلام، فرمود: بنده گناهی می کند و روزی از آن کنار می کشد.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

* * *

۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
ملعون است کسی که ثروت را پرستد ملعون است کسی که کوری را
گمراه سازد (فردی را گمراه سازد) ملعون است کسی که با حیوان و
چهارپائی نزدیکی کند.

۱۰- ابی بصیر گوید: شنید امام باقر علیه السلام می فرمود:
بپرهیز از گناهانی که ناچیزش شمارید زیرا آنها هم بازخواست کننده ای
دارد کسی از شماها می گوید: گناه می کنم و استغفار می نمایم،

أَحَدُكُمْ أَذْنِبُ وَأَسْتَغْفِرُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَنَكُتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ
 آثَرَهُمْ - وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّهَا إِنْ
 تَكَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي
 الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ.

٢٤١٤ - ١١ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ
 عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ.

٢٤١٥ - ١٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ
 عُثْمَانَ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الرَّجُلَ لِيُذْنِبُ الذَّنْبَ - فَيُذْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ - وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - إِذْ
 أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ - وَلَا يَسْتَثْنُونَ فُطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ - مِنْ
 رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ.

٢٤١٦ - ١٣ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ
 أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ - خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ
 سَوْدَاءٌ - فَإِنْ تَابَ ائْتَمَحَتْ - وَإِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ - فَلَا
 يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا.

راستی خدای عز و جل می فرماید: «آنچه را پیش فرستاده و آثاری که از آنها بماند بنویسیم و هر چیزی را در امام مبین (لوح محفوظ) آمار می کنیم (پس / ۱۲)» و باز فرماید: «راستی اگر آنها به وزن دانه خردل باشند (اعمال و رفتار مردم) یا در درون سنگی و یا در آسمان و یا در زمین باشند، خدا آنها را بیاورد زیرا خدا باریک بین و آگاه است (لقمان / ۱۶)».

۱۱- محمد بن مسلم، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:
به راستی گناه، بنده را از روزی، محروم می سازد.

۱۲- امام باقر علیه السلام، فرمود:
راستی که مردی گناهی می کند و روزی او بند می آید و این آیه را خواند:
«وقتی سوگند خوردند که ما آن را صبحگاه می بینیم و نگفتند انشاء الله از جانب خداوند بلائی بر آن چرخید و آنان خواب بودند (قلم / ۲۷)»

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:
چون مرد گناهی کند در دلش نقطه سیاهی ایجاد می شود و اگر توبه کند از بین می رود و اگر بر گناه اصرار ورزد بر آن سیاهی افزوده گردد تا سیاهی سراسر دلش را فرا گیرد، و پس از آن هرگز رستگار نخواهد شد.

٢٤١٧-١٤- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَّةَ - فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا - إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ - فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا - فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِلْمَلِكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ - وَاحْرِمْهُ إِيَّاهَا - فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ سَخَطِي وَاسْتَوْجِبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي.

٢٤١٨-١٥- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّهُ مَا مِنْ سَنَةٍ أَقَلَّ مَطَرًا مِنْ سَنَةٍ - وَلَكِنَّ اللَّهَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي - صَرَفَ عَنْهُمْ مَا كَانَ قَدَرَهُمْ - مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ - وَإِلَى الْفَيَافِي وَالْبَحَارِ وَالْجِبَالِ - وَإِنَّ اللَّهَ لَيُعَذِّبُ الْجُعَلَ فِي جُحْرِهَا - بِحَبْسِ الْمَطَرِ عَنِ الْأَرْضِ الَّتِي - هِيَ بِمَحَلِّهَا بِخَطَايَا مَنْ بِحَضَرَتِهَا - وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهَا السَّبِيلَ - فِي مَسْلِكِ سِوَى مَحَلَّةِ أَهْلِ الْمَعَاصِي - قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام - فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ.

٢٤١٩-١٦- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ - فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ - وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ - مِنَ السِّكِّينِ فِي اللَّحْمِ.

۱۴- امام باقر علیه السلام، فرمود:

به راستی بنده از خدا حاجتی می خواهد که سزاوار است زود یا دیر برآورده شود در این میان بنده گناهی می کند و خدای تبارک و تعالی به فرشته می فرماید: حاجتش را برآورده مکن و او را محروم ساز زیرا در معرض خشم من قرار گرفت و سزاوار محرومیت گردید.

۱۵- «ابو حمزه» گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود:

حقیقت این است که سالی کم باران تر از سال دیگر نیست ولی خدا آن باران را به هر جا که خواهد می فرستد و هرگاه که مردم گرفتار گناه شوند آن را به نقطه دیگری فرستد خداوند عزوجل آنچه باران را برای آنها در آن سال مقرر کرده به دشتها و دریاها و کوههای دیگر بیارد، به راستی خداوند جُعَل را در سوراخش عذاب کند به واسطه دریغ کردن باران از سر زمینی که محل اوست بخاطر گناهان مردمی که در میان آنهاست و به تحقیق خدا برای جُعَل راهی فراهم کرده که این راه را در غیر محل گنهکاران قرار داده سپس امام علیه السلام فرمود: ای صاحبان خرد اندرز فراگیرید.

۱۶- امام صادق علیه السلام، فرمود:

راستی بنده گناهی کند و بر اثر آن از نماز شب محروم گردد و براستی که کار بد از کار در گوشت زودتر اثر کند.

۲۴۲۰-۱۷- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَا يَعْمَلُهَا - فَإِنَّهُ رُبَّمَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ
فَيَرَاهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَيَقُولُ - وَعِزِّي وَجَلَالِي لَا أُغْفِرُ لَكَ بَعْدَ
ذَلِكَ أَبَدًا.

۲۴۲۱-۱۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ
عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُغْصَى فِي دَارٍ - إِلَّا أَضْحَاهَا لِلشَّمْسِ
حَتَّى تُطَهَّرَهَا.

۲۴۲۲-۱۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْعَمِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ - مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ -
وَإِنَّهُ لَيَنْظَرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمَنَ.

۲۴۲۳-۲۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ
الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ بَيَضَاءُ - فَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا - خَرَجَ فِي
النُّكْتَةِ نَكْتَةٌ سَوْدَاءُ - فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ - وَإِنْ تَمَادَى فِي
الذُّنُوبِ - زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُغَطِّيَ الْبَيَاضَ - فَإِذَا غَطَّى الْبَيَاضَ

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس آهنگ گناهی کند مبادا گرد آن بگردد، راستش این است که بسا بنده‌ای کار بدی کند و پروردگار تبارک و تعالی او را ببیند، خدا می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند پس از این هرگز تو را نیامرزم.

۱۸- ابی الحسن علیه السلام فرمود:

بر خدا سزاوار است که در خانه‌ای نافرمانی نشود جز آنکه آن را از بن برکند تا خورشید بر آن بتابد و از ناپاکی پاکش کند.



۱۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی بنده بخاطر گناهی (در قیامت) صد سال زندانی شود ولی همسران خود را ببیند که در بهشت در ناز و نعمت‌اند.

۲۰- امام باقر علیه السلام، فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه در دلش نقطه سفیدی است و هرگاه گناهی کند، در آن نقطه سیاهی برآید، اگر توبه کند، آن سیاهی از بین برود و اگر بر گناه ادامه دهد بر سیاهی افزوده شود تا تمام سفیدی را بپوشاند و چون سفیدی پوشیده شود صاحب آن هرگز به خیر و خوبی

لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا - وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - كَلَّا بَلْ رَانَ
عَلَى قُلُوبِهِمْ - مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

٢٤٢٤-٢١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَبِي
الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَا تُبْدِيَنَّ عَنْ وَاضِحَةٍ - وَقَدْ عَمِلْتَ الْأَعْمَالَ
الْفَاضِحَةَ - وَلَا تَأْمَنِ الْبَيَاتَ - وَقَدْ عَمِلْتَ السَّيِّئَاتِ.

٢٤٢٥-٢٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ
ابْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ قَضَى قَضَاءً حَثْمًا - أَلَّا يُنْعِمَ عَلَى
الْعَبْدِ بِسِنْعَةٍ - فَيَسْلُبَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يُحْدِثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا - يَسْتَحِقُّ
بِذَلِكَ النَّقْمَةَ.

٢٤٢٦-٢٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ
سَدِيرٍ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمُ الْآيَةَ فَقَالَ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَانَتْ لَهُمْ قُرَى مُتَّصِلَةٌ - يَنْظُرُ
بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ - وَأَنْهَارٌ جَارِيَةٌ وَأَمْوَالٌ ظَاهِرَةٌ - فَكَفَرُوا بِنِعَمِ اللَّهِ

رهسپار نگردد و این است قول خدای عزوجل: «نه چنین است بلکه آنچه که مرتکب شدند سبب سیاهی دل آنها شده که خود کرده‌اند (مطففین/۱۴)»

۲۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تو که مرتکب کارهای رسواکننده شده‌ای خنده دندان نما مکن (بلند خنده مکن) و از بلاهای شبگیر و ناگهانی ایمن مباش.

۲۲- امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: پدرم فرمود: به راستی خدا به طور حتم حکم فرموده است: نعمتی را که به بنده خود داده هرگز از او نستانند جز آنکه بنده گناهی انجام دهد که سزاوار کیفر باشد..

۲۳- سُدیر، گوید: مردی از امام صادق علیه السلام از تفسیر قول خدای عزوجل پرسید: «گفتند پروردگارا بین سفرهای ما دوری انداز ولی آنها به خود ستم کردند (سبا/۱۹)» فرمود: اینان مردمی بودند که آبادیهای به هم پیوسته داشتند با نهرهای جاری و اموال بسیار که در معرض دید یکدیگر قرار داشتند ولی نسبت به نعمتهای خداوند ناسپاسی کردند خداوند هم

عَزَّ وَجَلَّ - وَغَيَّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ مِنْ عَافِيَةِ اللَّهِ - فَغَيَّرَ اللَّهُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَةٍ - وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ - فغَرَّقَ قُرَاهُمْ - وَخَرَّبَ دِيَارَهُمْ - وَأَذْهَبَ أَمْوَالَهُمْ - وَأَبْدَلَهُمْ مَكَانَ جَنَّاتِهِمْ - جَنَّاتٍ ذَوَاتٍ أَكْلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ - وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ - ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ .

٢٤٢٧-٢٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً - فَسَلَبَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يُذْنِبَ ذَنْبًا - يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ .

٢٤٢٨-٢٥ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ الْجَزَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ نَبِيًّا - مِنْ أَنْبِيَائِهِ إِلَى قَوْمِهِ - وَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ - إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ وَلَا أَنْاسٍ - كَانُوا عَلَى طَاعَتِي فَأَصَابَهُمْ فِيهَا سَرَاءٌ - فَتَحَوَّلُوا عَمَّا أَحَبُّ إِلَيَّ مَا أَكْرَهُ - إِلَّا تَحَوَّلْتُ لَهُمْ عَمَّا يُحِبُّونَ إِلَى مَا يَكْرَهُونَ - وَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ وَلَا أَهْلِ بَيْتٍ - كَانُوا عَلَى مَعْصِيَتِي فَأَصَابَهُمْ فِيهَا ضَرَاءٌ - فَتَحَوَّلُوا عَمَّا أَكْرَهُ إِلَى مَا أَحَبُّ - إِلَّا تَحَوَّلْتُ لَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُونَ إِلَى مَا يُحِبُّونَ - وَقُلْ لَهُمْ إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي - فَلَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاظَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ أَغْفِرُهُ - وَقُلْ لَهُمْ لَا يَتَعَرَّضُوا مُعَانِدِينَ

نعمتش را دگرگون ساخت همانا خداوند نعمتها را دگرگون نسازد جز آنکه خود مردم با رفتار نامناسب خود آنها را دگرگون سازند خداوند برای آنها سیل عظیم فرستاد که تمام آبادیها و خانه هایشان را ویران کرد و باغهای سرسبز و آباد آنها را پس از فرو رفتن سیل به درخت تلخ و شور گز و درخت سدر تبدیل کرد سپس خداوند می فرماید: «ناسپاسی آنها را چنین کیفر دادیم مگر ما جز ناسپاسی را کیفر می دهیم؟».

۲۴- سماعه، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

خداوند هرگز نعمتی را به بنده خود نمی دهد که از او پس بگیرد جز آنکه گناهی کند که سزاوار گرفتن آن باشد.

۲۵- امام صادق علیه السلام می فرمود:

خدای عزوجل یکی از پیامبرانش را به سوی قومش فرستاد و به او وحی کرد که به قومت بگو: اهل هیچ آبادی و هیچ مردمی که در اطاعت من به خوشی و فراوانی رسیده و از حالی که من دوست دارم به حالی که بد دارم منتقل شوند جز این نیست وضع آنان را از آنچه دوست دارند به وضعی که بد دارند برگردانم و اهل هر آبادی و هر خانه که در نافرمانی من و به بد حالی و گرسنگی افتاده اند و از حالی که من بد دارم به حالی که دوست دارم برگردند جز این نیست که من آنها را از حالی که بد دارند به وضعی که خوش دارند برگردانم، به آنها بگو: رحمت من به خشم و غضبم پیشی دارد پس از رحمت من ناامید مباشید زیرا هیچ گناهی نزد من بزرگتر از آن نیست که آن را بیامرزم به آنها بگو: از راه عناد و لجبازی خود را در معرض خشم قرار ندهند و دوستانم را خوار و

لِسَخَطِي - وَ لَا يَسْتَخِفُّوْا بِأَوْلِيَائِي - فَإِنَّ لِي سَطَوَاتٍ عِنْدَ غَضَبِي - لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ مِنْ خَلْقِي.

٢٤٢٩-٢٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ - إِذَا أُطِغْتُ رَضِيتُ
وَ إِذَا رَضِيتُ بَارَكْتُ - وَ لَيْسَ لِبَرَكَتِي نِهَآيَةٌ - وَ إِذَا غَضِبْتُ غَضِبْتُ
وَ إِذَا غَضِبْتُ لَعَنْتُ - وَ لَعْنَتِي تَبْلُغُ السَّابِعَ مِنَ الْوَرَى.

٢٤٣٠-٢٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ
يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَكْثُرُ بِهِ الْخَوْفُ مِنَ السُّلْطَانِ - وَ مَا ذَلِكَ إِلَّا
بِالذُّنُوبِ فَتَوَقَّوْهَا - مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لَا تَمَادَوْا فِيهَا.

٢٤٣١-٢٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَا وَجَعَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ - وَ لَا خَوْفَ
أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ - وَ كَفَى بِمَا سَلَفَ تَفَكُّرًا - وَ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا.

٢٤٣٢-٢٩- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ
هِلَالِ الشَّامِيِّ مَوْلَى لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ - مَا لَمْ يَكُونُوا
يَعْمَلُونَ - أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمُ مِنَ الْبَلَاءِ - مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ.

سبک نشمارند، زیرا هنگام خشم هیبت‌هایی دارم که هیچ یک از مخلوقاتم تاب مقاومت در برابر آنها را ندارند.

توضیح: در تاریخ ثبت است که بسیاری از فرزندان آن جباران و ستمگران گرفتار عکس‌العمل پدران خود قرار گرفته و در میان مردم بدبخت و سرافکنده شده‌اند و پاره‌ای دیگر بخاطر آنکه فرزندان‌شان به سرنوشت بدی گرفتار نشوند از ستم بسیار خودداری کرده‌اند و این خود لطف الهی به فرزندان است تا عبرت گیرند و راه پدران و نیکان خود پیمایند.

۲۶- امام رضا (ع)، فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی کرد: هرگاه اطاعت شوم، خوشنود گردم و هرگاه خشنود گردم، برکت دهم و برای برکت دادن من پایانی نیست و چون نافرمانی شوم خشم کنم و چون خشم کنم لعنت فرستم که به هفت پشت برسد.

۲۷- امام صادق (ع)، فرمود: یکی از شما از پادشاه گاهی اوقات، بسیار بترسد و این جز بخاطر انجام گناهان نیست، تا می‌توانید از گناهان پرهیزید و بر آنها اصرار نورزید.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۲۸- امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هیچ دردی برای قلب، از گناه دردناک‌تر نیست، و ترس، سخت‌تر از مرگ نیست و رفتارهای گذشته گان، برای اندیشیدن و عبرت گرفتن کافیست و مرگ، برای اندرز و پند گوئی بس است.

۲۹- امام رضا (ع) فرمود: هر چه بندگان، گناهان تازه و نا کرده انجام دهند خداوند هم برایشان بلاهای تازه و ناشناخته به وجود خواهد آورد.

توضیح: این حدیث و روایت از معجزات معصوم است و ناظر به وضع امروز انسانهاست، در جامعه امروز، پاره‌ای از گناهان صورت می‌گیرد که اصلاً در گذشته هیچ سابقه‌ای نداشته است خداوند هم بیماری‌هایی به وجود می‌آورد که در گذشته هیچ گونه سابقه‌ای نداشته و در تاریخ پزشکی ثبت و ضبط نشده است مثل بیماری ایدز و دهها بیماریهای سرطانی که در نوع خود بی نظیر است.

٢٤٣٣- ٣٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِذَا عَصَانِي مَنْ عَرَفَنِي - سَلَطْتُ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي.

٢٤٣٤- ٣١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ إِبْنِ عَرَفَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ - مُنَادِيًا يُنَادِي مَهْلًا مَهْلًا - عِبَادَ اللَّهِ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ - فَلَوْ لَا بَهَائِمُ رُتِعَ - وَ صَبِيَّةٌ رَضِعَ وَ شِيوخٌ أُكْعَ اصْطَبَ عَلَيْكُمُ الْعَذَابُ صَبًّا تَرْضَوْنَ بِهِ رَضًا..

بابُ الْكِبَائِرِ

٢٤٣٥- ١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ تَجْتَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكُفِّرْ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ - وَ نُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا قَالَ الْكِبَائِرُ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا النَّارَ.

٢٤٣٦- ٢- عَنْهُ عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ:

كُتِبَ مَعِيَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْكِبَائِرِ

۳۰- امام صادق علیه السلام، فرمود: خدای عزوجل می فرماید: هر گاه کسی که با شناخت، مرانافرمانی کند کسی را بر او مسلط می سازم که مرا نشناخته است.

۳۱- حضرت ابی الحسن علیه السلام، فرمود: راستی که خدای عزوجل در هر روز یک جارچی است که فریاد می زند: ای بندگان! ایست ایست از نافرمانی خداوند که اگر کودکان و پیران خمیده و چهارپایان زیان بسته نبودند عذابی بر سرتان فرود می آمد که نرم و کوبیده شوید.



گناهان کبیره

۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «اگر از گناهان کبیره که از آن نهی شده اید دوری کنید گناهان شما را بپوشانیم و شما را به منزل ارزشمندی وارد کنیم» (نساء / ۲۳۱)، فرمود: کبائر گناهانی هستند که خدای عزوجل برای آنها دوزخ را لازم شمرده است.

۲- «ابن محبوب»، گوید: یعنی از اصحاب ما به همراه من برای ابی الحسن علیه السلام نامه یی نوشت و پرسید کبائر چند تا است و چیست؟ در پاسخ نوشت: کسی که از آنچه خدا بر آن به دوزخ و آتش جهنم تهدید کرده کنار کشد

كَمْ هِيَ وَ مَا هِيَ - فَكَتَبَ الْكَبَائِرُ مِنْ اجْتَنَبَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ
كَفَّرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ - إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ السَّبْعُ الْمُوجِبَاتُ - قَتْلُ النَّفْسِ
الْحَرَامِ - وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - وَ أَكْلُ الرِّبَا - وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ - وَ
قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ - وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ - وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ.

٢٤٣٧-٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْكَبَائِرُ سَبْعُ - قَتْلُ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا - وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ
وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ - وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ - وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا
وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ - وَ كُلُّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.

٢٤٣٨-٤ - يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ مِنَ الْكَبَائِرِ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ
وَ الْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - وَ الْأَمْنَ بِمَكْرِ اللَّهِ - وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّ أَكْبَرَ الْكَبَائِرِ
الشِّرْكُ بِاللَّهِ.

٢٤٣٩-٥ - يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ نُعْمَانَ الرَّازِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ زَنَى خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَ مَنْ شَرِبَ
الْخَمْرَ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - مُتَعَمِّدًا
خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ.

در صورتی که مؤمن باشد کردارهای بد او پوشیده گردد آن هفت گناهی که موجب دوزخ اند عبارتند از: ۱ - قتل نفس ۲ - ناسپاسی از پدر مادر ۳ - ربا خواری ۴ - تعزب بعد از هجرت (کسانی که از مکه و مناطق کفر به شهر مدینه پایگاه اسلام هجرت می کردند) ۵ - خوردن مال یتیم به ناحق ۶ - خوردن ربا بعد از علم به حرمت آن ۷ - هر چه که خداوند بخاطر آن دوزخ را واجب کرده است.

۳- «محمد بن مسلم» می گوید از امام صادق علیه السلام که می فرمود: گناهان کبیره هفت چیزند

- ۱- کشتن مؤمن از روی عمد
- ۲- متهم ساختن زن پاکدامن
- ۳- فرار از جهاد
- ۴- تعزب بعد از هجرت
- ۵- خوردن مال یتیم به ناحق
- ۶- خوردن ربا بعد از علم به حرمت
- ۷- هر چه که خداوند جهنم را برای آن لازم داشته است

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۴- «عبدالله بن سنان»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: کبائر عبارتند از:

- ۱ - عاق والدین
- ۲ - ناامیدی از رحمت خداوند
- ۳ - ایمنی از مکر خدا و روایت شده که بزرگترین گناهان کبیره شرک به خداوند است.

۵- «نعمان رازی» می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: هر کس زنا کند، از ایمان خارج شود و هر کس میخوارگی کند از ایمان بیرون است و هر کس یک روز از ماه رمضان را عمداً افطار کند، از ایمان خارج شود.

٢٤٤٠-٦- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ - قَالَ لَا إِذَا كَانَ عَلَى بَطْنِهَا سُلْبَ الْإِيمَانِ - مِنْهُ فَإِذَا قَامَ رُدَّ إِلَيْهِ - فَإِذَا عَادَ سُلِبَ قُلْتُ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَعُودَ - فَقَالَ مَا أَكْثَرَ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يَعُودَ - فَلَا يَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا.

٢٤٤١-٧- يُونُسُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - الَّذِينَ يَحْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ - قَالَ - الْفَوَاحِشُ الزَّانِي وَالسَّرِيقَةُ - وَاللَّمَمُ الرَّجُلُ يَلْمُ بِالذَّنْبِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهُ مِنْهُ - قُلْتُ بَيْنَ الضَّلَالِ وَالْكُفْرِ مَنَزَلَةٌ - فَقَالَ مَا أَكْثَرَ عُرَى الْإِيمَانِ.

٢٤٤٢-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْكَبَائِرِ - فَقَالَ هُنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام سَبْعٌ - الْكُفْرُ بِاللَّهِ - وَقَتْلُ النَّفْسِ - وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - وَأَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ - وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا - وَالْفِرَارُ مِنَ الزَّخْفِ - وَالتَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ - قَالَ فَقُلْتُ فَهَذَا أَكْبَرُ الْمَعَاصِي - قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَأَكُلُ دِرْهَمٍ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ - ظُلْمًا أَكْبَرُ أَمْ تَرْكُ الصَّلَاةِ - قَالَ تَرْكُ الصَّلَاةِ - قُلْتُ فَمَا عَدَدَتْ تَرْكُ الصَّلَاةِ فِي الْكَبَائِرِ - فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَوَّلُ مَا قُلْتُ لَكَ - قَالَ قُلْتُ الْكُفْرُ - قَالَ فَإِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ - يَعْنِي مَنْ غَيَّرَ عَلَيْهِ.

۶- «محمد بن عبده» می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زنا کار هنگامی که زنا می کند، بی ایمان است؟ فرمود: نه، زمانی که روی شکم زن است ایمان از او سلب می شود و هرگاه برخاست به او برمی گردد و چون به زنا برگشت باز ایمان از او سلب می شود عرض کردم: او قصد دارد به زنا باز گردد؟ در پاسخ فرمود: چه بسیار اند کسانی که می خواهند برگردند و هرگز بر نمی گردند.

۷- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «آن کسانی که از گناهان بزرگ و هرزگیها جز گناهان خرد کناره گیری کنند (نجم / ۳۵)» فرمود: هرزگی زنا و دزدی است و گناهان خرد آن است که شخص آهنگ گناه کند سپس از خدا آمرزش بخواهد عرض کردم: آیا میان گمراهی و کفر جایگاهی است؟ در پاسخ فرمود: دستاورهای ایمان بسیار است. توضیح: باید توجه داشت که گناهان کبیره عبارت از گناهایی است که کننده آن کار، مستحق دوزخ باشد فواحش گناهایی است که انجام دهنده آن باید حد بخورد مثل زنا و شراب خوری و سرقت و گناهان خرد، گناهایی است که حد ندارد ولی اگر صاحب آن بر آن اصرار ورزد به کبیره تبدیل می شود مثل نگاه به نامحرم.

۸- «عبیده بن زراره» می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم راجع به گناهان کبیره، در پاسخ فرمود: آنها در کتاب علی علیه السلام هفت چیز اند:

- ۱- کفر به خدا
- ۲- قتل نفس
- ۳- عاق والدین
- ۴- خوردن ربا با آگاهی از حرمت آن
- ۵- خوردن مال یتیم به ناحق
- ۶- گریز از جبهه جهاد
- ۷- تعرب بعد از هجرت.

می گوید: من عرض کردم: اینها بزرگترین معاصی هستند؟ فرمود: آری، من گفتم: خوردن یک درهم مال یتیم به ناحق یا ترک نماز؟ فرمود: ترک نماز، گفتم: شما ترک نماز را از کبائر نشمردی؟ در پاسخ فرمود: آنکه نخست برایت گفتم: چه بود؟ گوید: کفر بود، فرمود: براستی تارک الصلوة (بی نماز) بدون عذر کافر است.

٢٤٤٣- ٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً - حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً - فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً - انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ - أَنْ أُسْتَرُوا عَبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ - فَتَسْتُرَهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا - قَالَ فَمَا يَدْعُ شَيْئاً مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ - حَتَّى يَمْتَدِحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ - فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ - يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئاً إِلَّا رَكِبَهُ - وَ إِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ - فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ - أَنْ إِرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ - فَإِذَا فُعِلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ - فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ - وَ سِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ - فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ - يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْثُوكَ السِّتْرِ - فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ - لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ - مَا أَمَرَكُمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ وَ رَوَاهُ ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ.

٢٤٤٤- ١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْكَبَائِرُ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ - وَ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ - وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْماً - وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ - وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ - وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ - فَقِيلَ

۹- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برای هر بنده‌ای چهل پرده کشیده شده است تا آنکه چهل گناه کبیره انجام دهد و هر گاه چهل گناه کبیره کند، همه پرده‌ها از او کنار روند و خدا به آنان (یعنی فرشته‌ها) وحی کند با پرهای خود بنده مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) و فرشته‌ها با پرهای خود از او پرده پوشی کنند، فرمود: آن بنده هیچ کار زشتی را کنار نگذارد جز در آن فرو رود و به آن آلوده گردد تا کارش بدانجا کشد که از مردم در برابر کار زشت خود مدح و ثنا خواهد پس فرشته‌ها گویند: پروردگارا! این بنده هیچ چیز به جا نگذاشت و همه بدی‌ها را مرتکب شد و ما از آن چه او می‌کند خجالت می‌کشیم و حیا می‌کنیم، پس خدای عزوجل به آنها وحی کند که شما هم پرهای خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش به اینجا بکشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جاست که پرده او در آسمان دریده شود و پرده او در زمین پاره شود، پس فرشته‌ها می‌گویند: پروردگارا! این بنده ات پرده دریده و بی آبرو مانده است؟ خدای عزوجل به آنها وحی کند اگر خداوند به او نیازی داشت به شما فرمان نمی‌داد که بالهای خود را از او بردارید.

۱۰- «مسعدة بن صدقه»، گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

کبائر: عبارتند از ناامیدی از رحمت خدا، ناامیدی از لطف خدا، و ایمنی از مکر خدا، و قتل نفسی که خدا آن را حرام کرده است، و عاق والدین و خوردن مال یتیم به ناحق و خوردن ربا پس از آگاهی از حرمت آن و تعزب بعد از هجرت، و تهمت زنا به زنان پارسا، و گریختن از جبهه جهاد. به آن حضرت عرض شد:

بفرمائید که مرتکب گناه کبیره که بی توبه از آن بمیرد، از ایمان

لَهُ أَرَأَيْتَ الْمُتَكَبِّرَ لِلْكَبِيرَةِ يَمُوتُ عَلَيْهَا - أُنْخَرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ - وَإِنْ عَذَّبَ بِهَا - فَيَكُونُ عَذَابُهُ كَعَذَابِ الْمُشْرِكِينَ - أَوْ لَهُ انْقِطَاعٌ قَالَ يُخْرِجُ مِنَ الْإِسْلَامِ - إِذَا زَعَمَ أَنَّهَا حَلَالٌ - وَلِذَلِكَ يُعَذَّبُ أَشَدَّ الْعَذَابِ - وَإِنْ كَانَ مُعْتَرِفًا بِأَنَّهَا كَبِيرَةٌ - وَهِيَ عَلَيْهِ حَرَامٌ - وَأَنَّهُ يُعَذَّبُ عَلَيْهَا وَأَنَّهَا غَيْرُ حَلَالٍ - فَإِنَّهُ مُعَذَّبٌ عَلَيْهَا وَهُوَ أَهْوَنُ عَذَابًا مِنَ الْأَوَّلِ - وَيُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ - وَلَا يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِسْلَامِ.

٢٤٤٥- ١١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا زَنَى الرَّجُلُ فَارْقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ - قَالَ هُوَ قَوْلُهُ وَأَيُّهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ ذَاكَ الَّذِي يُفَارِقُهُ.

٢٤٤٦- ١٢ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسَلَبُ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ - مَا دَامَ عَلَى بَطْنِهَا - فَإِذَا نَزَلَ عَادَ الْإِيمَانُ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ هَمَّ - قَالَ لَا أَرَأَيْتَ إِنْ هَمَّ أَنْ يَسْرِقَ أَتُقَطَّعُ يَدُهُ.

٢٤٤٧- ١٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ صَبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِةَ - يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ - قَالَ لَا إِذَا كَانَ عَلَى بَطْنِهَا - سُلِبَ الْإِيمَانُ مِنْهُ - فَإِذَا قَامَ رُدَّ عَلَيْهِ قُلْتُ - فَإِنَّهُ أَرَادَ أَنْ يَعُودَ قَالَ - مَا أَكْثَرَ مَا يَهْمُ أَنْ يَعُودَ ثُمَّ لَا يَعُودُ.

بیرون اش می برد؟ و اگر بدان عذاب شود، عذابش همچون عذاب مشرکان باشد یا به پایان رسد؟

فرمود: از اسلام بیرون رود اگر گمان برد که آن حلال است و به همین سبب، سخت ترین عذاب را دارد، و اگر اعتراف دارد که کبیره است و بر او حرام است و به آن کیفر شود و آن روانیست به واسطه آن عذاب شود و این عذابش سبک تر باشد از عذاب اولی و ارتکاب آن کبیره او را از ایمان به در برد و از اسلام خارجش نسازد.

۱۱- «ابن بُکیر» گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم چه می فرمائید در باره فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله که: چون مرد زنا کند، روح ایمان از او جدا شود، فرمود: مقصود از آن فرموده خداست: «و کممک کند آن را به روحی از طرف خدا» این است روحی که از او جدا شود.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: تا زمانی که مرد روی شکم او است (یعنی زن زانیه)، روح ایمان از او سلب می شود به آن حضرت عرض کردم: بفرمائید اگر قصد زنا کند چطور؟ فرمود: نه، (ایمان از او سلب نمی شود) بگو بدانم اگر قصد دزدی کند دستش بریده می شود؟

توضیح: یعنی همانطور که با قصد دزدی دستش بریده نمی شود با قصد زنا هم ایمانش سلب نمی گردد زیرا در گناه عمل و فعل شرط است نه قصد یا اندیشه گناه.

۱۳- «صباح بن سیابه»، گوید: من خدمت امام صادق علیه السلام بودم که محمد بن عبده به آن حضرت گفت: آیا زانی در حال زنا کردن مؤمن است؟ فرمود: نه، تا آنگاه که روی شکم آن زن زانیه است ایمان از او سلب می شود و هرگاه برخاست ایمان به او بر می گردد عرض کردم: باز هم قصد دارد زنا بکند؟ فرمود:

چه بسا که قصد زنا می کند و از تصمیم خود بر می گردد و توبه می کند.

٢٤٤٨- ١٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْكَبَائِرُ سَبْعَةٌ - مِنْهَا قَتْلُ النَّفْسِ مُتَعَمِّدًا - وَالشِّرْكُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ - وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ - وَأَكْلُ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ - وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ - وَالتَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ - وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا - قَالَ وَالتَّعَرُّبُ وَالشِّرْكُ وَاحِدٌ.

٢٤٤٩- ١٥- أَبَانٌ عَنْ زِيَادِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَالَّذِي إِذَا دَعَاهُ أَبُوهُ لَعَنَ أَبَاهُ - وَالَّذِي إِذَا أَجَابَهُ ابْنُهُ يَغْرِبُهُ.



٢٤٥٠- ١٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ الْغَنَوِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام -

فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - إِنَّ نَاسًا زَعَمُوا أَنَّ الْعَبْدَ لَا يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَأْكُلُ الرِّبَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَسْفِكُ الدَّمَ الْحَرَامَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ - فَقَدْ ثَقُلَ عَلَيَّ هَذَا - وَخَرَجَ مِنْهُ صَدْرِي - حِينَ أَرَعُمُ أَنَّ هَذَا الْعَبْدَ يُصَلِّي صَلَاتِي - وَيدْعُو دُعَائِي - وَيُنَاكِحُنِي وَأُنَاكِحُهُ - وَيُوَارِثُنِي وَأُوَارِثُهُ وَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ - مِنْ أَجْلِ ذَنْبٍ يَسِيرٍ أَصَابَهُ

۱۴- «ابی بصیر» می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره هفت چیز است که عبارتند از: ۱- آدم کشی از روی عمد، ۲- شرک به خدای بزرگ، ۳- متهم کردن زن پارسا به زنا، ۴- خوردن ربا با آگاهی از حرمت آن، ۵- گریز از جبهه جهاد، ۶- تعزب بعد از هجرت، ۷- ناسپاسی حق پدر و مادر ۸- خوردن مال یتیم به ناحق. فرمود: تعزب و شرک یکی است بنابر این مجموع کبائر هفت چیز می شود.

۱۵- زبیر کناسی، می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: و آنکس که چون پدرش بخواند (بجای اجابت و اطاعت) او را دشنام دهد، و آنکس که فرزند مطیع و فرمان بر خود را، به ناحق بزند.

۱۶- «اصبغ بن نباته»، گوید: مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! گروهی چنین می پندارند که بنده تا ایمان دارد، زنا و دزدی نکند، و شراب ننوشد، و ربا نخورد، و خون محترمی را نریزد، این سخن بر من گران است و از آن دل تنگم که چنین بنده همان نماز را می خواند و همان دعای مرا انجام می دهد او از من زن می گیرد و من از او زن می گیرم و سپس از یکدیگر ارث می بریم و به خاطر اندک گناهی که به آن آلوده شده است از ایمان خارج می شود؟، امیرالمؤمنین در پاسخ فرمود: راست گفתי، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: دلیل آن هم قرآن خداست که: خدای عزوجل مردم را سه طبقه آفرید و آنها را در سه مرتبه جا داده و این همان فرموده خدای عزوجل است در قرآن: اصحاب میمنه و اصحاب مشأمه و سابقون، و اما آنچه درباره سابقین فرمود، دلالت دارد که آنان پیامبران مرسل و غیر مرسل اند، و خدا در

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَدَقْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ وَالدَّلِيلُ عَلَيْهِ كِتَابُ اللَّهِ - خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - النَّاسَ عَلَى ثَلَاثِ طَبَقَاتٍ - وَأَنْزَلَهُمْ ثَلَاثَ مَنَازِلَ - وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْكِتَابِ - أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ - وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ - فَأَمَّا مَا ذَكَرَ مِنْ أَمْرِ السَّابِقِينَ - فَإِنَّهُمْ أَنْبِيَاءُ مُرْسَلُونَ وَغَيْرُ مُرْسَلِينَ - جَعَلَ اللَّهُ فِيهِمْ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ - رُوحَ الْقُدُسِ - وَرُوحَ الْإِيمَانِ - وَرُوحَ الْقُوَّةِ - وَرُوحَ الشَّهْوَةِ وَرُوحَ الْبَدَنِ - فَبِرُوحِ الْقُدُسِ بُعِثُوا أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ وَغَيْرُ مُرْسَلِينَ - وَبِهَا عَلِمُوا الْأَشْيَاءَ - وَبِرُوحِ الْإِيمَانِ عَبَدُوا اللَّهَ - وَلَمْ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا - وَبِرُوحِ الْقُوَّةِ جَاهَدُوا عَدُوَّهُمْ - وَعَاجَلُوا مَعَاشَهُمْ - وَبِرُوحِ الشَّهْوَةِ أَصَابُوا لَذِيذَ الطَّعَامِ - وَنَكَحُوا الْحَلَالَ مِنْ شَبَابِ النِّسَاءِ - وَبِرُوحِ الْبَدَنِ دَبُّوا وَدَرَجُوا - فَهَؤُلَاءِ مَغْفُورٌ لَهُمْ مَصْفُوحٌ عَنْ ذُنُوبِهِمْ

ثُمَّ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

ثُمَّ قَالَ فِي جَمَاعَتِهِمْ - وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ يَقُولُ أَكْرَمَهُمْ بِهَا فَفَضَّلَهُمْ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ - فَهَؤُلَاءِ مَغْفُورٌ لَهُمْ - مَصْفُوحٌ عَنْ ذُنُوبِهِمْ - ثُمَّ ذَكَرَ أَصْحَابَ الْمَيْمَنَةِ - وَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا بِأَعْيَانِهِمْ - جَعَلَ اللَّهُ فِيهِمْ أَرْبَعَةَ أَرْوَاحٍ - رُوحَ الْإِيمَانِ - وَرُوحَ الْقُوَّةِ - وَرُوحَ الشَّهْوَةِ وَرُوحَ الْبَدَنِ

آن‌ها پنج روح نهاده است: روح القدس، روح ایمان، روح قوت، روح شهوت، روح بدن، و به وسیله روح القدس به پیامبری مبعوث شدند، مرسل شدند یا غیر مرسل، و به واسطه آن هر چه را دانستند، و به وسیله روح ایمان خدا را پرستیدند و چیزی با او شریک نساختند، و با روح قوت با دشمنان نبرد کردند و به کار زندگی پرداختند، و با روح شهوت دنبال خوراک خوب و همسری با زنان جوان رفتند و با روح بدن، جنبیدند و راه رفتند، اینان آمرزیده‌اند و از گناهانشان چشم پوشی شده است، سپس فرمود: خدای عزوجل فرماید: «اینانند رسولان که برخی را بر برخی برتری دادیم، برخی از آنها ایند که با خدا سخن گفته و رتبه برخی را بالا بردیم و به عیسی بن مریم معجزاتی روشن دادیم و او را به روح القدس کمک کردیم (بقره / ۲۵۳)» سپس خدا درباره جمعی از آنان فرموده است: «آنها را به روح خدا کمک داده» می‌فرماید: آنها را بدان گرامی داشته و دیگران برتری داده است پس اینان آمرزیده و از گناهانشان چشم پوشی شده است سپس اصحاب میمنه را یاد کرده و آنها براستی همان خود مؤمنان هستند، خدا در آنها چهار روح نهاده است: روح ایمان، روح قوت، روح شهوت، و روح بدن، و پیوسته بدن این چهار روح را به کمال برساند و حالاتی برای او پدید آید، آن مرد گفت: یا امیر المؤمنین! این حالات چیستند؟ در پاسخ فرمود: اما اول آنها همان است که خدای عزوجل فرموده است: «و برخی از شماها به پست‌ترین دوران عمر برسند تا کسی از دانشی که داشت چیزی را نداند (نحل / ۷۰)» این کسی است که همه ارواح او کاسته گردند، و آن کس نیست که از دین خدا خارج شود، زیرا آن خدایی که او را به عمل آورده، او را به دوران پست عمرش برگردانیده و او دیگر وقت نماز شب را نشناسد و

فَلَا يَزَالُ الْعَبْدُ - يَسْتَكْمِلُ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ الْأَرْبَعَةَ - حَتَّى تَأْتِيَ عَلَيْهِ حَالَاتٌ

فَقَالَ الرَّجُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - مَا هَذِهِ الْحَالَاتُ
فَقَالَ - أَمَّا أُولَاهُنَّ فَهُوَ - كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى
أَرْضِ الْعُمْرِ لَكِنِّي لَا يَعْلَمُ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئاً فَهَذَا يَنْتَقِصُ مِنْهُ جَمِيعُ
الْأَرْوَاحِ - وَلَيْسَ بِالَّذِي يَخْرُجُ مِنْ دِينِ اللَّهِ - لِأَنَّ الْفَاعِلَ بِهِ رَدُّهُ إِلَى
أَرْضِ عُمُرِهِ - فَهُوَ لَا يَعْرِفُ لِلصَّلَاةِ وَقْتاً - وَلَا يَسْتَطِيعُ التَّهَجُّدَ بِاللَّيْلِ
وَلَا بِالنَّهَارِ - وَلَا الْقِيَامَ فِي الصَّفِّ مَعَ النَّاسِ - فَهَذَا نُقْصَانٌ مِنْ رُوحِ
الْإِيمَانِ - وَلَيْسَ يَضُرُّهُ شَيْئاً - وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَقِصُ مِنْهُ رُوحُ الْقُوَّةِ - فَلَا
يَسْتَطِيعُ جِهَادَ عَدُوِّهِ - وَلَا يَسْتَطِيعُ طَلَبَ الْمَعِيشَةِ - وَمِنْهُمْ مَنْ
يَنْتَقِصُ مِنْهُ رُوحُ الشَّهْوَةِ - فَلَوْ مَرَّتْ بِهِ أَصْبَحُ بَنَاتِ آدَمَ - لَمْ يَحْنِ إِلَيْهَا
وَلَمْ يَقُمْ - وَتَبَقِيَ رُوحُ الْبَدَنِ فِيهِ - فَهُوَ يَدْبُ وَيَدْرُجُ - حَتَّى يَأْتِيَهُ مَلَكُ
الْمَوْتِ - فَهَذَا الْحَالُ خَيْرٌ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الْفَاعِلُ بِهِ - وَقَدْ تَأْتِي
عَلَيْهِ حَالَاتٌ فِي قُوَّتِهِ وَشَبَابِهِ - فَيَهُمُّ بِالْخَطِيئَةِ فَيُسَجِّعُهُ رُوحُ الْقُوَّةِ
وَيُزَيِّنُ لَهُ رُوحُ الشَّهْوَةِ - وَيَقْوِدُهُ رُوحُ الْبَدَنِ - حَتَّى تُوقِعَهُ فِي الْخَطِيئَةِ
فَإِذَا لَامَسَهَا نَقَصَ مِنَ الْإِيمَانِ وَتَفَصَّى مِنْهُ - فَلَيْسَ يَعُودُ فِيهِ حَتَّى
يَتُوبَ - فَإِذَا تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ - وَإِنْ عَادَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ
فَأَمَّا أَصْحَابُ الْمَشَايِمَةِ - فَهُمْ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى - يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ - الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ يَعْرِفُونَ

نماز شب را نتواند خواند، نه در شب و نه (قضایش را) در روز و نتواند که با مردم در صف (نماز) قیام کند، این گاهشی است در روح ایمان و به او هیچ زیانی نرسد برخی از آنهاست که روح قوت از او کاسته شود و نتواند با دشمن خود جهاد کند خرج معاش را به دست آورد و برخی از آنها باشند که روح شهوت آنها کاسته شود و اگر زیباترین دختران آدم بر او بگذرد، دل به هوای او ندهد و برای او از جای برنخیزد و همان روح بدن در او بماند و تنها بجنبد و راه برود تا ملک الموت بر سر او آید و این حال هم خوب است، زیرا خدای عزوجل آن را با وی کرده است و بسا حالاتی در دوران نیرومندی و جوانی برایش رخ دهد و قصد گناه کند و روح قوت، او را دلیر سازد و روح شهوت، برای او آرایش دهد و روح بدن، او را بکشانند تا او را در گناه اندازد و چون به گناه آلوده شود، از ایمان او کاسته گردد و از او جدا شود و به او باز نگردد تا توبه کند و اگر توبه کند، خدا توبه او را بپذیرد و اگر به گناه برگردد خدا او را در آتش دوزخ اندازد و اما اصحاب مشامه، همان یهود و نصاری هستند، خدای عزوجل می فرماید: «آن کسانی که خداوند به آنها کتاب داد او را بشناسند چنانکه فرزندان خود را می شناسد (بقره / ۱۴۶)» یعنی محمد ﷺ را می شناسد و هم ولایت ائمه را در کتاب تورات و انجیل، چنانچه می شناسد پسران خود را در خانه های خود، «و به راستی دسته ای از آنها حق را نهان می کنند با اینکه آن را می دانند (۱۴۷) و به راستی از طرف پروردگار توست (که توبه سوی آنها فرستاده می شوی) مبادا خود را از آنها بدانی که در تردید و شک باشند» و چون انکار کردند آن چه را فهمیدند، خدا روح ایمان را از آنها گرفت و در پیکر آنها سه روح منزل

مُحَمَّدًا وَ الْوَلَايَةَ - فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ - كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ فِي
مَنَازِلِهِمْ - وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ - الْحَقُّ مِنْ
رَبِّكَ أَنَّكَ الرَّسُولُ إِلَيْهِمْ - فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ فَلَمَّا جَاحَدُوا مَا
عَرَفُوا إِنْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِذَلِكَ - فَسَلَبَهُمْ رُوحَ الْإِيمَانِ - وَ أَسَكَّنَ أَبْدَانَهُمْ
ثَلَاثَةَ أَزْوَاجٍ - رُوحَ الْقُوَّةِ - وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ - وَ رُوحَ الْبَدَنِ - ثُمَّ
أَضَافَهُمْ إِلَى الْأَنْعَامِ

فَقَالَ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ لِأَنَّ الدَّابَّةَ إِنَّمَا تَحْمِلُ بِرُوحِ الْقُوَّةِ - وَ تَعْتَلِفُ
بِرُوحِ الشَّهْوَةِ - وَ تَسِيرُ بِرُوحِ الْبَدَنِ - فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ - أَحْيَيْتَ قَلْبِي
بِإِذْنِ اللَّهِ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ



٢٤٥١-١٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ قَالَ سَأَلْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا زَنِى الرَّجُلُ فَارَقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ - قَالَ فَقَالَ
هُوَ مِثْلُ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ ثُمَّ قَالَ
غَيْرُ هَذَا أَبَيْنُ مِنْهُ - ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ هُوَ
الَّذِي فَارَقَهُ.

٢٤٥٢-١٨ - يُونُسُ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ الْكَبَائِرُ فَهَا
سِوَاهَا قَالَ - قُلْتُ دَخَلْتُ الْكَبَائِرَ فِي الْإِسْتِثْنَاءِ - قَالَ نَعَمْ.

داد: روح قوّت و روح شهوت و روح بدن، و سپس آنها را به چهارپایان وابسته کرد و فرمود: «آنها جز به مانند چهارپایان نیستند (فرقان/۴۴)» زیرا جاندار به همان روح قوّت بار بردارد و به روح شهوت، علف می خورد و به روح بدن، راه می رود. پس سائل به آن حضرت گفت: یا امیر المؤمنین! دلم را زنده ساختی.

* * *

۱۷- داود، گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مرد زنا کند، روح ایمان از او برود، فرمود: آن مانند قول خدای عزّوجلّ است: «آهنگ بد نکنید برای آنکس که از آن در راه خدا خرج کنید (بقره/۲۶۸)» سپس فرمود: جز این از آن روشن تر است، آن گفته خدای عزّوجلّ است «و آنها را به روحی که خود تأیید کند» آن است که از خود جدا شود.

* * *

۱۸- «سلیمان بن خالد»، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «به راستی که خداوند کسانی را که به او شرک ورزند نیامرزد ولی کمتر از شرک هر کس را که بخواهد بیامرزد (نساء / ۴۸)» یعنی گناهان کبیره و غیر آنها عرض کردم: آیا گناهان کبیره هم مستثنی است؟ فرمود: آری.

* * *

٢٤٥٣-١٩- يونس عن إسحاق بن عمار قال:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْكَبَائِرُ فِيهَا إِسْتِثْنَاءٌ أَنْ يَغْفِرَ - لِمَنْ يَشَاءُ
قَالَ نَعَمْ.

٢٤٥٤-٢٠- يونس عن ابن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ - فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا قَالَ مَعْرِفَةُ
الْإِمَامِ وَاجْتِنَابُ الْكَبَائِرِ - الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ.

٢٤٥٥-٢١- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن محمد بن حكيم قال:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام الْكَبَائِرُ تُخْرِجُ مِنَ الْإِيمَانِ - فَقَالَ نَعَمْ وَمَا دُونَ
الْكَبَائِرِ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَزِينِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ - وَلَا يَسْرِقُ
السَّارِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ.

٢٤٥٦-٢٢- ابن أبي عمير عن علي بن الزيات عن عبيد بن زرارة قال:

دَخَلَ ابْنُ قَيْسٍ الْمَاصِرَ وَعَمْرُو بْنُ ذَرٍّ - وَأَظُنُّ مَعَهُمَا أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَتَكَلَّمَ ابْنُ قَيْسٍ الْمَاصِرَ - فَقَالَ إِنَّا لَا نُخْرِجُ أَهْلَ دَعْوَتِنَا -
وَأَهْلَ مِلَّتِنَا مِنَ الْإِيمَانِ - فِي الْمَعَاصِي وَالذُّنُوبِ - قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ
عليه السلام يَا ابْنَ قَيْسٍ أَمَّا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَدْ قَالَ لَا يَزِينِي الزَّانِي وَهُوَ
مُؤْمِنٌ - وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ - فَادْهَبْ أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ
حَيْثُ شِئْتُمْ.

۱۹- «اسحق بن عمار»، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در کبائر هم استثناء است که خدا برای هر کس که خواهد بیامرزد؟ فرمود: آری.

۲۰- «ابی بصیر»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «به هر کس حکمت داده شود خیر بسیار داده شده (بقره / ۲۶۹)». فرمود: معرفت امام و برکناری از گناه کبیره‌ای است که خداوند دوزخ را بر آنها واجب کرده است.

۲۱- «محمد بن حکیم»، گوید: به ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: آیا ارتکاب گناهان کبیره شخص را از ایمان خارج می سازد؟ فرمود: آری و گناه کمتر از کبیره هم شخص را از ایمان خارج می سازد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنا کار، زنا نکند تا ایمان دارد، و دزد تا ایمان دارد دزدی نکند.

۲۲- «عبید بن زراره»، گوید: ابن قیس ماصر و عمرو بن ذر و به گمانم ابو حنیفه هم به همراه آنها بود که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدند و ابن قیس معاصر به سخن درآمد و گفت که: همکیشان و اهل ملت خود را بخاطر گناهان از ایمان خارج نمی دانیم، امام باقر علیه السلام فرمود: ای پسر قیس! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که: زنا کار، تا مؤمن است زنا نکند، و دزد تا ایمان دارد دزدی نکند، تو و یارانت هر جا بخواهید بروید.

٢٤٥٧-٢٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ - يَرْتَكِبُ الْكَبِيرَةَ مِنَ الْكَبَائِرِ فَيَمُوتُ - هَلْ يُخْرِجُهُ ذَلِكَ مِنَ الْإِسْلَامِ - وَ إِنْ عَذِبَ كَانَ عَذَابُهُ كَعَذَابِ الْمُشْرِكِينَ - أَمْ لَهُ مُدَّةٌ وَ انْقِطَاعٌ - فَقَالَ مَنْ ارْتَكَبَ كَبِيرَةً مِنَ الْكَبَائِرِ - فَزَعَمَ أَنَّهَا حَلَالٌ أَخْرَجَهُ ذَلِكَ مِنَ الْإِسْلَامِ - وَ عَذِبَ أَشَدَّ الْعَذَابِ - وَ إِنْ كَانَ مُعْتَرِفًا أَنَّهُ أَذْنَبَ.

٢٤٥٨-٢٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ:

حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ دَخَلَ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَلَمَّا سَلَّمَ وَ جَلَسَ - تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَسْكَنَكَ

قَالَ - أَحَبُّ أَنْ أَعْرِفَ الْكَبَائِرَ - مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ - يَقُولُ اللَّهُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ بَعْدَهُ الْإِيْيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - إِنَّهُ لَا يِيْيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ثُمَّ الْآمَنُ بِمَكْرِ اللَّهِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ وَ مِنْهَا عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الْعَاقَ

۲۳- «عبد الله بن سنان»، گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از مردمی که مرتکب گناه کبیره می شوند، آیا به واسطه آن، از اسلام خارج می شود؟ و عذابش چون عذاب مشرکان باشد یا مدت معینی دارد و تمام می شود؟ در پاسخ فرمود: هر که گناه کبیره کند و خیال کند که حلال است، از اسلام بیرون است و به شدت عذاب و کیفر شود و اگر اقرار دارد که گناه کرده، و بر سر آن گناه بمیرد، از ایمان بیرون رود ولی از اسلام خارج نمی شود و کیفرش از کیفر اولی سبک تر باشد.

۲۴- حضرت عبد العظیم حسنی گوید: امام محمد تقی علیه السلام فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: عمرو بن عبید خدمت امام صادق علیه السلام رسید، و چون سلام کرد و نشست، این آیه را خواند که: «کسانی که از گناهان کبیره و از هرزگی ها کنار می کشند (نجم / ۳۲)» سپس دم فرو بست پس امام صادق علیه السلام به او فرمود: چه چیزی تو را خاموش کرد؟ گفت: من می خواهم گناهان کبیره را از روی قرآن خدای عزوجل بشناسم، امام فرمود: آری، ای عمرو. ۱- بزرگترین گناهان کبیره: شرک به خدا است - خداوند می فرماید: «هر کس به خدا شرم ورزد خدا بهشت را بر او حرام گرداند (مانده / ۷۲)» ۲- سپس ناامیدی از رحمت خداست - زیرا خدای عزوجل می فرماید: «به راستی که رحمت خدا جز مردمی که کافر باشند مأیوس و ناامید نشوند (یوسف / ۷۸)». ۳- ایمنی از مکر و عقوبت خداوند - زیرا خدای عزوجل می فرماید: «از مکر خدا ایمن نگردد جز مردم زبان کار (اعراف / ۹۹)». ۴- عاق والدین و ناسپاسی حق پدر و مادر - زیرا خدای سبحانه، عاق والدین را جبار و شقی معرفی کرده است (اشاره است به قول خدای تعالی در حکایت از عیسی علیه السلام: «و نیکی به مادر و پدر مرا جبار و شقی نسازد (مریم / ۳۲)». ۵- قتل نفسی که خدا او را محترم ساخته - جز به قانون حق الهی، زیرا خدای عزوجل می فرماید: «هر کس مؤمنی را عمداً بکشد) سزای او دوزخ است و در آن جاویدان بماند (و خدا بر او خشم کند و او را لعنت نماید و برای او عذابی بزرگ فراهم سازد و ظاهر آیه این است که تعدد در برابر خطا است که در آیه قبل حکم آن را بیان کرده است) (نساء / ۹۳)». ۶- متهم کردن زن پارسا به زنا - زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «به راستی آنها که به زنان پاکدامن و مؤمنه نسبت زنا دهند در دنیا و آخرت لعنت شوند و برای آنها کیفر بزرگی است (نور / ۲۳)». ۷- خوردن مال یتیم - زیرا خدای عزوجل می فرماید: «آن کسانی که مال یتیمان را به نا حق و از روی ستم می خورند به راستی شکمهای خود را پر از آتش می کنند و محققاً در دوزخ آتش می گیرند و شعله ور می شوند (نساء / ۱۰)» ۸- فرار از جبهه جهاد - زیرا خدای عزوجل می فرماید: «هر کس در روز نبرد، پشت به آنها (یعنی دشمنان اسلام) نماید جز برای اینکه قصد تغییر وضع جنگ داشته باشد یا برای پیوستن به دسته دیگر از جنگجویان و کمک به آنها باشد محققاً به خشم خدا گرفتار شده و جای

جَبَّاراً شَقِيّاً - وَ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي - حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ يَقُولُ - فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - وَقَذَفُ الْمُحْصَنَةِ
لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَ
أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَاراً
وَ سَيَصْلُونَ سَعيراً وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ
وَ مَنْ يُؤْلِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفاً لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَا وَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ أَكَلَ الرِّبَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ يَقُولُ - الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَسَخِطُهُ
الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَ السِّحْرِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ
اشْتَرَاهُ - مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَ الزِّنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ
وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَاماً يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدْ فِيهِ
مُهَاناً وَ الْيَمِينُ الْغَمُوسُ الْفَاجِرَةُ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - الَّذِينَ
يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيْمَانِهِمْ ثَمناً قَلِيلاً أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ
الْغُلُولُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
مَنْعُ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - فَتَكُونُ بِهَا جِبَاهُهُمْ
وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ يَقُولُ - وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ نَهَى عَنْهَا - كَمَا نَهَى عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ - وَ تَرْكُ الصَّلَاةِ مُتَعَمِّداً أَوْ
شَيْئاً مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ - لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ

او دوزخ است و چه بد سرانجامی است (انفال / ۱۶)». ۹- خوردن ربا - زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «آن کسانی که ربا را می‌خورند مانند کسی است که شیطان به جنون آشفته‌اش می‌کند و بر می‌خیزد (بقره / ۲۷۷)» (یعنی مانند دیوانگان در قیامت از گور بر می‌خیزد). ۱۰- سحر و جادو - زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «(و پیروی کردند آنچه شیاطین در ملک سلیمان تلاوت می‌کردند سلیمان کفر نورزید ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر و جادو را آموختند و آن چه را که به آن دو فرشته به نام هاروت و ماروت نازل شد به کسی نیاموختند تا اینکه به او گفتند همانا ما برای امتحان هستیم مبادا کافر شوی و از آنها آموختند آنچه را که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدائی می‌انداختند و آنها به احدی زیان نمی‌رساندند جز به اذن خدا می‌آموختند آنچه را به آنها زیان می‌زد و سودشان نمی‌داد) و به حقیقت دانستند هر آنکس که خریدار سحر و جادوست در آخرت بهره‌ای ندارد (بقره / ۱۰۲)». ۱۱- زنا کردن - زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «(و آن کسانی که با خدا معبود دیگری را نمی‌خوانند و نمی‌کشند کسی را که خدا حرام کرده جز به حق و زنا نمی‌کنند) و هر کس این کار کند سزای گناه خود خواهد دید (۷۰) عذابش در قیامت دوچندان باشد و به خواری در آن عذاب جاویدان بماند (فرقان / ۶۹)». ۱۲- سوگند دروغ در راه نابکاری و تبهکاری - (۶۰)، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «آنها که پیمان با خدا و سوگندهای خود را به بهای اندکی بفروشند برای آنان در سرای دیگر بهره‌ای نیست (آل عمران / ۷۷)». ۱۳- غلول - (۶۱)، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «هر کس از غنیمت دزدی کند روز قیامت او را با آنچه دزدیده به عرصه محشر آورند (آل عمران / ۱۶۱)». ۱۴- منع زکوة واجب - زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «آیا کسانی که گرویدند به راستی بسیاری از احبار (یهود) و رهبانان (نصاری) هر آینه مال مردم را به مفت می‌خوردند و آنها را از راه خدا باز می‌داشتند و کسانی که طلا و نقره (ثروت را) گنج می‌کنند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند آنها را به عذابی دردناک بشارت ده (۳۶) روزی بیاید که آنها را در آتش دوزخ وارد کنند و پیشانی و پهلوی و پشت آنان را داغ نمایند) و به آنها بگویند این است آنچه را که برای خود گردید سپس بچشید عذابی را که خود برای خویش آماده ساختید (توبه / ۳۵)». ۱۵ و ۱۶- گواهی به ناحق و کتمان گواهی به حق - زیرا خدا می‌فرماید: «هر کس آن گواهی را کتمان کند راستش این است که دلش گنهکار است (بقره / ۲۸۳)». ۱۷- شرب خمر - زیرا خداوند از آن نهی کرده چنانچه از پرستش تنها نهی کرده و فرموده است: «ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرها شما و گرویندی (که رسم جاهلیت بود) همه اینها پلیدند و از عمل شیطان است از آن دوری کنید تا رستگار شوید (مائده / ۹۰)». ۱۸ و ۱۹- ترک نماز عمداً یا ترک آنچه که خدا (برای نماز) واجب کرده است - زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس عمداً نماز را ترک کند، از تعهد خدا و تعهد

قَالَ - مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا - فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ - وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - وَ نَقُضَ الْعَهْدُ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - أُولَئِكَ هُمُ اللَّعْنَةُ وَ هُمْ سُوءُ الدَّارِ.

٢٤٥٩-٢٥ - قَالَ فَخَرَجَ عَمْرُو وَلَهُ صُرَاخٌ مِنْ بُكَائِهِ - وَهُوَ يَقُولُ هَلْكَ مَنْ قَالَ بِرَأْيِهِ - وَ نَازَعَكُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْعِلْمِ.

بَابُ اسْتِصْغَارِ الذَّنْبِ.

٢٤٦٠-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ - فَإِنَّهَا لَا تُغْفَرُ قُلْتُ وَ مَا الْمُحَقَّرَاتُ - قَالَ الرَّجُلُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ - فَيَقُولُ طُوبَى لِي - لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ.

٢٤٦١-٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ﷺ يَقُولُ لَا تَسْتَكْثِرُوا كَثِيرَ الْخَيْرِ - وَ لَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الذُّنُوبِ - فَإِنَّ قَلِيلَ الذُّنُوبِ يَجْتَمِعُ - حَتَّى يَكُونَ كَثِيراً - وَ خَافُوا اللَّهَ فِي السِّرِّ - حَتَّى تُعْطُوا مِنْ أَنْفُسِكُمْ النِّصْفَ.

رسول خدا ﷺ بیزار است. ۲۰ و ۲۱- عهد شکنی و قطع رحم - زیرا خدای عزوجل می فرماید: «(آن کسانی که پیمان خدا را می شکنند و قطع رحم می کنند آنچه خدا به وصل آن فرمان داده و در زمین فساد می کنند) آنانند که برایشان لعنت و برای آنهاست زشتی خانه آخرت (رعد / ۲۵)». گوید: عمرو از خانه امام ﷺ بیرون آمد در حالی که با صدای بلند می گریست و می گفت: «هر کس به رأی خود فتوی دهد و با شما در علم فضل مبارزه کند نابود است».

کوچک شمردن گناهان

۱- «زید شحام»، گوید: امام صادق ﷺ فرمود:
از گناهانی که بنظر تان خرد و کوچک است پرهیزید، زیرا آنها آمرزیده نمی شوند، عرض کردم: محقرات از ذنوب کدامند؟ فرمود:
شخص گناه می کند و می گوید: خوشا بر من اگر جز این گناهی داشته باشم.

توضیح: گناه هر طور هم که کوچک و خرد باشد نباید شخص گنهکار آنها را کوچک و بی اهمیت بداند زیرا انسان از همین گناهان کوچک گستاخ می شود و به گناهان بزرگ می رسد و این حرف در جایی مناسب است که شخص گناهان فراوانی داشته و با خود می گوید کاش گناه فقط همین بود.

۲- «سماعه»، گوید: از ابی الحسن ﷺ شنیدم می فرمود:
خیر بسیار خود را، فزون شمارید، و گناه اندک را دستکم مگیرید، زیرا گناه اندک، خورده خورده جمع می گردد و بسیار می شود، از خدا در نهانی بترسید تا از طرف خود حق را ادا کرده باشید.

٢٤٦٢-٣- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ وَالحَجَّالِ جَمِيعاً عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زِيَادٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَزَلَ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ - فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ ائْتُوا بِحَطَبٍ - فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ - نَحْنُ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ مَا بَهَا مِنْ حَطَبٍ - قَالَ فَلْيَأْتِ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ - فَجَاءُوا بِهِ حَتَّى رَمَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ - بَغْضَهُ عَلَى بَعْضٍ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ - ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ - فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِباً - أَلَا وَإِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُسُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ.

بَابُ الْأَضْرَارِ عَلَى الذَّنْبِ.

٢٤٦٣-١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّهَيْكِيِّ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِضْرَارِ - وَلَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ.

٢٤٦٤-٢- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ قَالَ الْإِضْرَارُ هُوَ أَنْ يُذْنِبَ الذَّنْبَ - فَلَا يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ - بِتَوْبَةٍ فَذَلِكَ الْإِضْرَارُ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمین لخت و بی گیاهی فرود آمد و به یارانش فرمود: برای من هیزم بیاورید، عرض کردند: یا رسول الله! ما در سرزمین لخت و بی گیاه هستیم و هیزم ندارد، فرمود: هر کسی همان مقداری بیاورد که در توان دارد و خورده خورده آوردند و برابر آن حضرت ریختند (و در یکجا جمع گردیدند) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان هم چنین جمع شوند، سپس فرمود: پرهیزید از گناهان کوچک، زیرا برای هر چیزی جوینده‌ای است همانا بازرس گناهان، هر آنچه مردم در پیش دارند و هر اثری از خود برجای گذارند می‌نویسد و ما هر چیزی را در کتابی روشن برشماریم.

پافشاری بر گناه

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: با اصرار، گناهان صغیره نباشد، و با آمرزش جوئی و استغفار، گناه کبیره‌ای نماند.

توضیح: از اینکه با اصرار بر گناهان صغیره، کبیره خواهد شد و دیگر صغیره و خرد نخواهد داشت به دست می‌آید که اصرار بر گناه صغیره، کبیره خواهد شد از سخنان فقهاء چنین بدست می‌آید که نفس اصرار بر گناه، کبیره خواهد شد نه آنکه گناه صغیره با اصرار کبیره خواهد شد.

۲- امام باقر علیه السلام، فرمود: در تفسیر قول خدای عزوجل: «(و آن کسانی که چون کار هرزگی کنند و یا بر خود ستم نمایند متوجه شوند و برای گناهان خود آمرزش خواهند و کیست که گناهان را بیامرزد جز خدا) و اصرار نداشته‌اند بر آنچه کرده‌اند و با آنکه می‌دانستند (یعنی فهمیدند که بد کرده‌اند)» فرمود: اصرار این است که گناهی کند و از آن از خدا آمرزش نخواهد و در فکر توبه نباشد، این خودش اصرار به گناه است.

٢٤٦٥-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَثُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا وَاللَّهِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ عَلَى الْإِضْرَارِ عَلَى شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيهِ

بَابُ فِي أَصُولِ الْكُفْرِ وَارْتِكَائِهِ

٢٤٦٦-١- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ - الْحِرْصُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ - فَأَمَّا الْحِرْصُ - فَإِنَّ آدَمَ عليه السلام حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْحِرْصُ عَلَى أَنْ أَكَلَ مِنْهَا - وَأَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فَأِبْلِيسُ - حَيْثُ أُمِرَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَأَبَى - وَأَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَاءُ آدَمَ - حَيْثُ قَتَلَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ.

٢٤٦٧-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَرْكَانُ الْكُفْرِ أَرْبَعَةٌ - الرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ وَالسَّخَطُ وَالْغَضَبُ.

۳- ابی بصیر، گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: نه به خدا که خداوند چیزی از طاعت خود را با اصرار بر چیزی از گناهان خود نپذیرد.

در اصول کفر و ارکان آن

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است:

۱- حرص ۲- تکبر ۳- حسد

اما حرص این است که چون آدم علیه السلام از خوردن گندم منع شد حرص، او را واداشته که از آن بخورد و اما تکبر این است که چون شیطان مأمور شد به آدم علیه السلام سجده کند سرپیچی کرد و اما حسد در داستان فرزندان آدم (هابیل و قابیل) این است که قابیل هابیل را کشت.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پایه های کفر چهار چیز است:

۱- رغبت (ودلبستگی به دنیا)

۲- رهبت (ترس از دست دادن دنیا)

۳- ناخرسندی (از قضا و قدر)

۴- غضب و خشم.

٢٤٦٨-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتٌّ - حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ - وَحُبُّ الطَّعَامِ وَحُبُّ النَّوْمِ - وَحُبُّ الرَّاحَةِ وَحُبُّ النِّسَاءِ.

٢٤٦٩-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ رَجُلًا مِنْ خَثْعَمٍ - جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ الشَّرُّكَ بِاللَّهِ - قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ - قَطِيعَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا - قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته شده

٢٤٧٠-٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ زَيْدِ الصَّائِغِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ - إِنْ حَدَّثَ كَذَبًا وَإِنْ وَعَدَ أَخْلَفَ - وَإِنْ أُتْمِنَ خَانَ مَا مَنَزَلَتْهُ - قَالَ هِيَ أَذْنَى الْمَنَازِلِ مِنَ الْكُفْرِ - وَلَيْسَ بِكَافِرٍ.

٢٤٧١-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثُّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ - وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ - وَشِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا - وَالْإِضْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ.

۳- «عبدالله بن سنان» از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سر آغاز آنچه سبب نافرمانی خداست شش چیز است:

- ۱- دوستی دنیا،
- ۲- دوستی ریاست،
- ۳- دوستی طعام،
- ۴- دوستی خواب،
- ۵- دوستی راحتی و آسایش،
- ۶- دوستی زنان.

۴- طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: مردی خثعم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: کدام عمل نزد خدای عزوجل دشمن‌تر است در پاسخ فرمود: شرک به خدا، عرض کرد: سپس چه کاری؟ فرمود: قطع رحم، عرض کرد: سپس چه کاری؟ فرمود: وادار کردن دیگران به کار زشت و بازداشتن آنها از کار خوب.

۵- «یزید صائغ»، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی که مسلمان و شیعه است اگر خبری دهد دروغ گوید، و اگر وعده دهد تخلف کند، و اگر چیزی به او سپرده شود خیانت ورزد، چه مقامی دارد؟ فرمود: این نزدیکترین مراتب است به کفر ولی کافر به حساب نیاید.

۶- «سکونی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه‌های شقاوت: خشکی چشم (نگریستن) و قساوت دل و حریص بودن در طلب دنیا و اصرار بر گناه است.

٢٤٧٢-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله النَّاسَ - فَقَالَ لَا أَخْبِرُكُمْ بِشَرِّ أَرْكُمُ - قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ الَّذِي يَمْنَعُ رِفْدَهُ - وَيَضْرِبُ عَبْدَهُ وَيَتَزَوَّدُ وَخَدَهُ - فَظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا - هُوَ شَرٌّ مِنْ هَذَا - ثُمَّ قَالَ أَلَا أَخْبِرُكُمْ - بِمَنْ هُوَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ - قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ الَّذِي لَا يُرْجَى خَيْرُهُ - وَلَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ - فَظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا - هُوَ شَرٌّ مِنْ هَذَا - ثُمَّ قَالَ أَلَا أَخْبِرُكُمْ - بِمَنْ هُوَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ - قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: المتفحش اللعان الذي إذا ذكر عنده المؤمنون لعنهم وإذا ذكروه لعنوه.

٢٤٧٣-٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا - وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ - مَنْ إِذَا أُتُمِّنَ خَانَ - وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ - وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ - فِي كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ وَقَالَ أَنْ لَعَنْتَ اللَّهَ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَفِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَأُذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه خواند و فرمود: آیا من شما را به بدترین از خود خبر ندهم؟ گفتند: چرا یا رسول الله، فرمود: آنکه از بخشش به واردین و حاجتمندان خود دریغ ورزد و بنده خود را می زند و توشه خود را تنها می خورد، شما چنین می پندارید که خداوند از او مخلوقی بدتر نیافریده است.

سپس فرمود: آیا به شما خبر ندهم از بدتر از آن؟ گفتند: آری یا رسول الله، فرمود: آنکه امید خیری از او و ایمنی از شر او نیست، پندارید که خدا بدتر از آن را نیافریده است.

سپس فرمود: آیا شما را به بدتر از آن خبر ندهم؟ گفتند: چرا یا رسول الله، فرمود: کسی که زیادی ناسزا گوید و لعن کند چون مؤمنین را نزد او نام برند آنها را لعن کند و چون آنها یادش کنند وی را لعنت نمایند.



۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سه صفت در هر کس که باشد منافق است اگرچه نماز بخواند و روزه بگیرد و خود را مسلمان بداند

۱- کسی که چون امانتی به او بسپارند خیانت کند

۲- چون خبری بدهد دروغ می گوید

۳- هر گاه وعده دهد وعده دروغ می دهد زیرا خدای عز و جل در قرآن خود می فرماید: «به راستی خیانت کاران را دوست نمی دارد» (انفال/ ۵۸) و فرموده است: «این است که لعنت خدا بر اوست اگر از دروغگویان باشد» (نور/ ۳۷) و در قول خدای عز و جل چنین آمده است: «اسماعیل را در کتاب یاد کن همانا او راست وعده و رسول و پیامبر بود» (مریم/ ۵۴).

٢٤٧٤ - ٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَبْعَدِكُمْ مِنِّي شَيْئاً - قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ الْفَاحِشُ الْمُتَفَحِّشُ الْبَذِيءُ الْبَخِيلُ الْمُخْتَالُ الْحَقُودُ الْحَسُودُ الْقَاسِي الْقَلْبَ - الْبَعِيدُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يُرْجَى - غَيْرُ الْمَأْمُونِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَّقَى.

٢٤٧٥ - ١٠ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ رَفَعَهُ إِلَى سَلْمَانَ قَالَ:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَلَكَ عَبْدٌ - نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءُ - فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءُ - لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِئاً مَخُوناً - فَإِذَا كَانَ خَائِئاً مَخُوناً - نُزِعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ - فَإِذَا نُزِعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ - لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا فُظّاً غَلِيظاً - فَإِذَا كَانَ فُظّاً غَلِيظاً - نُزِعَتْ مِنْهُ رِبْقَةُ الْإِيمَانِ - فَإِذَا نُزِعَتْ مِنْهُ رِبْقَةُ الْإِيمَانِ - لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا شَيْطَاناً مَلْعُوناً.

٢٤٧٦ - ١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ مَلْعُونَاتٍ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ - الْمَتَغَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ - وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُتَنَابَ - وَالسَّادُّ الطَّرِيقَ الْمُعْرَبَةَ.

۹- رسول خدا ﷺ فرمود:

آیا به شما خبر ندهم از کسی که شباهتش به من از همه شما دورتر است؟
گفتند: چرا یا رسول الله، فرمود:

۱- بی آبروی هرزه گوی بی شرم

۲- بخیل و متکبر و کینه ورز و حسود

۳- سخت دل و دور از هر چیزی که به آن امید بسته باشد

۴- از هر شری که از آن پرهیز شود از او ایمن نیست.

۱۰- سلمان فارسی گوید:

چون خدای عز و جل هلاک بنده‌ای را خواهد شرم را از او ببرد و چون
شرم از او برود، جز خیانت کار و خیانت بار به او بر نخوری و چون
خیانت کار و خیانت کار شد، امانت از او برود و چون امانت از او برود،
به او بر نخوری جز بدخلق و سنگ دل و ناهنجار گو و چون بدخلق و
سنگدل شد، مهار ایمان از او کنده شود، و چون مهار ایمان از او کنده
شد، به او بر نخوری جز اینکه شیطان ملعونی است.

۱۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

سه چیز اند که مورد لعن صاحب آنهاست:

۱- کسی که محل استراحت کار و آنها آلوده کند.

۲- کسی که از آبی که به نوبت مورد استفاده عموم قرار داشته

جلوگیری نماید.

۳- کسی که راه روشن و معلومی را ببندد.

٢٤٧٧-١٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ مَلْعُونُونَ مَنُ فَعَلَهُنَّ - الْمُتَغَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ -
وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُتَنَابَ - وَالسَّادُّ الطَّرِيقَ الْمَسْلُوكَ.

٢٤٧٨-١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ رِجَالِكُمْ - قُلْنَا بَلَى يَا
رَسُولَ اللَّهِ - فَقَالَ إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمْ - الْبَهَاتُ الْجَرِيءُ الْفَحَّاشُ
الْأَكِلُ وَحَدَهُ - وَالْمَانِعُ رِفْدَهُ - وَالضَّارِبُ - عَبْدَهُ - وَالْمُلْجِئُ عِيَالَهُ
إِلَى غَيْرِهِ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٤٧٩-١٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُبَسَّرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسَةٌ لَعْنَتْهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ - الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ
- وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي - وَالمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ - وَالمُسْتَحِلُّ مِنْ عِثْرَتِي مَا
حَرَّمَ اللَّهُ وَالمُسْتَأْثِرُ بِالنِّفْيِ - وَالمُسْتَحِلُّ لَهُ.

۱۲- سه عمل است که انجام دهنده آن ملعون است:

۱- کسی که سایه گاه کاروانیان را آلوده سازد.

۲- کسی که از آب نوبتی جلوگیری نماید.

۳- کسی که راه عبور مردم را ببندد.

۱۳- جابر بن عبدالله، گوید رسول خدا ﷺ فرمود:

آیا به شما خبر ندهم از بدترین مردان شما؟ گوید: عرض کردیم: چرا یا رسول الله، فرمود: بدترین مردان شما کسی است که بسیار تهمت زند و بی باک و هرزه گو باشد، تنها بخورد و به مهمان خود چیزی ندهد و بنده اش را بزند، و سبب پناه بردن عیاش به دیگری شود (آنقدر خانواده خود را تحت فشار زندگی قرار دهد که مجبور شود از دیگری کمک بگیرد).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۴- رسول خدا ﷺ فرمود:

پنج کس باشند که من و هر پیامبری او را لعنت کرده ایم

۱- آنکس که بر کتاب خدا بیفزاید

۲- آنکس که روش و سنت مرا ترک گوید

۳- کسی که تقدیرات الهی را تکذیب کند

۴- حرمتی که خداوند برای خاندان من قرار داده زیر پا بگذارد و

تکذیب کند

۵- غنمیت سنگینی که دیگران هم در آن شریک‌اند به خود

اختصاص دهد و آنرا حلال شمرد.

بَابُ الرِّيَاءِ

٢٤٨٠- ١- سَعْدَةُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ لِعَبَّادِ بْنِ كَثِيرٍ الْبَصْرِيِّ فِي الْمَسْجِدِ - وَتِلْكَ يَا عَبَّادُ إِيَّاكَ وَالرِّيَاءَ - فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ - وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ.

٢٤٨١- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ - وَلَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ - فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ - وَمَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ.

٢٤٨٢- ٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كُلُّ رِيَاءٍ شُرْكٌ - إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ - كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ - وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ.

٢٤٨٣- ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا

ریا و خودنمائی

۱- امام صادق علیه السلام به «عباد بن کثیر بصری» در مسجد فرمود: وای بر تو ای عباد! مبادا خودنمائی کنی، زیرا هر کس برای غیر خدا کار کند، خداوند او را به کسی واگذار می‌کند که برایش کار کرده است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

کار تشیع و مذهب داری خود را برای خدا قرار دهید نه برای مردم، زیرا راستش این است که هر چه برای خداست از آن خداست و هر چه برای مردم است به درگاه خدا بالا نرود.



۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر ریائی، شرک است، واقعش این است که هر کس برای مردم کار کند، ثوابش بر عهده مردم است و هر کس برای خدا کار کند، ثوابش با خداست.

۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «هر کس امیدوار لقاء پروردگارش باشد باید کار خوب کند و هیچکس در عبادت پروردگار خود شریک قرار ندهد» (کف / ۱۱۰) فرمود: مردی کار ثوابی می‌کند ولی مقصود او رضای خدا نیست مایل است مردم بشنوند و او را بشناسند و تعریفش کنند این است همان کس که در عبادت پروردگار خود شریک قرار داده، سپس فرمود:

صَالِحاً وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا قَالَ الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ - إِنَّمَا يَطْلُبُ تَزْكِيَةَ النَّاسِ - يَشْتَهِي أَنْ يُسْمَعَ بِهِ النَّاسُ - فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ - ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ أَسْرَ خَيْراً فَذَهَبَتِ الْأَيَّامُ أَبَدًا - حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرٌ - وَمَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرّاً فَذَهَبَتِ الْأَيَّامُ أَبَدًا - حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرّاً.

٢٤٨٤ - ٥ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَرْفَةَ قَالَ: قَالَ لِي الرِّضَا عليه السلام وَيَحْكُ يَا ابْنَ عَرْفَةَ - اِعْمَلُوا الْغَيْرَ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لَغَيْرِ اللَّهِ - وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَا عَمِلَ - وَيَحْكُ مَا عَمِلَ أَحَدٌ عَمَلًا - إِلَّا رَدَّاهُ اللَّهُ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ - وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.

٢٤٨٥ - ٦ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

إِنِّي لَا تَعَشَى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ يَا أَبَا حَفْصٍ مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ - أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ تَعَالَى - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَقُولُ - مَنْ أَسْرَ سَرِيرَةً - رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاءَهَا - إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ - وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.

هرگز هیچ بنده‌ای نیست که در پنهانی کار خیری کند و روزگار بگذاراند تا اینکه خدا کار خیر او را آشکار سازد و هیچ بنده‌ای نیست که کار بدی در پنهانی انجام دهد و روزگار بگذاراند تا آنکه خدا کار بد او را آشکار سازد.

* * *

۵- «محمد بن عرفه»، گفت: امام رضا علیه السلام به من فرمود: وای بر تو ای پسر عرفه! کار کنید نه برای خود نمائی و شهرت، زیرا هر کس برای غیر خدا کاری کند، خدایش او را به کسی واگذارد که برایش کار کرده است، وای بر تو! هیچ کس کاری نکند جز آنکه خدا عوض کارش را به او برگرداند، اگر خوب باشد خوب، و اگر بد باشد بد.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

* * *

۶- «عمر بن یزید»، گوید: من با امام صادق علیه السلام شام می‌خوردم که این آیه را خواند: «بلکه انسان بر خود بی‌ناست (۱۵) گسره برای خود عذرها بستر باشد (قیامت / ۱۴)» ای ابا حفص! انسان چرا چنین می‌کند تا به خدای عز و جلّ تقرب جوید بر خلاف آنچه خداوند تعالی از دل او می‌داند، راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هر کس در دل نیتی پنهان دارد، خدا جامه‌ی همرنگ آن را به وی بپوشاند اگر خوب است خوب، و اگر بد است بد.

٢٤٨٦-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ٩
قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ الْمَلِكَ لَيُصْعَدُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مُبْتَهَجاً بِهِ - فَإِذَا صَعِدَ
بِحَسَنَاتِهِ - يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - اجْعَلُوهَا فِي سَجِينٍ - إِنَّهُ لَيْسَ إِيَّايَ
أَرَادَ بِهَا.

٢٤٨٧-٨- وَبِإِسْنَادِهِ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ لِلْمُرَائِي - يَنْشَطُ إِذَا رَأَى
النَّاسَ - وَيَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَخْدَهُ وَيُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ.

٢٤٨٨-٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ

عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: *مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی*

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - أَنَا خَيْرُ شَرِيكَ مَنْ
أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ - لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصاً.

٢٤٨٩-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَظْهَرَ لِلنَّاسِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ - وَبَارَزَ اللَّهُ بِمَا كَرِهَهُ - لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ
مَاقَتْ لَهُ.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی فرشته رفتار بنده‌ای را بالا می‌برد چون حسناش را بالا برد، خدای عزوجل می‌فرماید: آنها را در دفتر بد کرداران ثبت کنید برای آنکه در این اعمال، قصد رضای مرا نداشته است.

۸- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

ریا کار و خود نما سه نشانه دارد:

- ۱- هنگامی که در برابر مردم باشد، در عبادت نشاط دارد،
- ۲- و چون تنها باشد اظهار کسالت و تنبلی کند،
- ۳- دوست دارد در هر کاری او را ستایش کنند (و به او آفرین گویند).



۹- علی بن سالم، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

خدای عزوجل می‌فرماید: من بهترین شریکم، هر کس با من دیگری را شریک قرار دهد در کاری که می‌کند، از او نپذیرم (و همه را به آن شریک واگذارم) جز آنچه که خالص برای من باشد.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به مردم واگذار کند آنچه را که خدا دوست دارد و با خدا در پنهانی آنچه را که بد می‌داند مبارزه کند، خدا را ملاقات کند در حالی که او را دشمن دارد.

٢٤٩٠- ١١- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ فَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا يَصْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُظْهَرَ حَسَنًا - وَيُسِرَّ سَيِّئًا - أَلَيْسَ يَرْجِعُ إِلَى نَفْسِهِ - فَيَعْلَمُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ كَذَلِكَ - وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - يَقُولُ - بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ إِنْ السَّرِيرَةَ إِذَا صَحَّتْ - قَوِيَتْ الْعَلَانِيَةُ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

٢٤٩١- ١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ خَيْرًا - إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْآيَامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا - وَمَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا - إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْآيَامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا.

٢٤٩٢- ١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَلِيلِ مِنْ عَمَلِهِ - أَظْهَرَ اللَّهُ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَرَادَ - وَمَنْ أَرَادَ النَّاسُ بِالْكَثِيرِ مِنْ عَمَلِهِ - فِي تَعَبٍ مِنْ بَدَنِهِ وَسَهَرٍ مِنْ لَيْلِهِ - أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا - أَنْ يُقَلِّلَهُ فِي عَيْنِ مَنْ سَمِعَهُ

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

چه می‌کند آنکس از شما که خوبی را فاش و بدی را پنهان می‌دارد چرا به باطن خود مراجعه نمی‌کند تا بداند که نباید چنین باشد با اینکه خدای عزوجل می‌فرماید: «بلکه انسان به کار خود بیناست اگر چه برای خود عذرها بتراشد (قیامت / ۱۴)» باطن هر وقت درست شد ظاهر هم نیرومند می‌شود.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست که در پنهانی، کار خیر کند جز اینکه روزگاری نگذرد تا خدا کار خیر او را آشکار سازد، و هیچ بنده‌ای نیست که در پنهانی، کار بد کند جز اینکه روزگاری بگذرد تا خدا کار بد او را آشکار سازد.

۱۳- امام صادق علیه السلام، فرمود:

هر کس در کار ناچیز خود، رضای خدای عزوجل را بخواهد خداوند هم بیش از آنچه که قصد کرده برایش آشکار سازد و هر کس بخاطر رضای مردم کار بسیار کند و خود را به رنج اندازد و بی‌خوابی کشد، خدای عزوجل عملش را در نظر شنوندگان کم جلوه می‌دهد.

٢٤٩٣-١٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ - تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عُلَانِيَتُهُمْ - طَمَعاً فِي الدُّنْيَا - لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً - لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ - يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ - فَيَدْعُوهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ - فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ.

٢٤٩٤-١٥ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

إِنِّي لَأَتَعَشَّى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

٢٤٩٥-١٦ - يَا أَبَا حَفْصٍ مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ - أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَى النَّاسِ - بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ مِنْهُ - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ - مَنْ أَسْرَ سَرِيرَةً أَلْبَسَهُ اللَّهُ رِدَاءَهَا - إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.

٢٤٩٦-١٧ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ الْإِثْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ - قَالَ وَمَا الْإِثْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ - قَالَ يَصِلُ الرَّجُلُ بِصِلَةٍ - وَ يُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

۱۴- رسول خدا ﷺ فرمود:

زمانی برای مردم پیش آید که بخاطر طمع به مال دنیا باطنشان زشت و ظاهرشان زیبا می‌گردد و از ظاهر خویش هدفشان خدا نباشد دینشان ریا و ترس از خدا با آنها همراه نباشد خداوند همه را به کیفر کردارشان بگیرد، و چون مانند غریقی او را بخوانند آنها را اجابت نکند.

۱۵- «عمر بن یزید»، گوید: من با امام صادق ﷺ شام می‌خوردم که این آیه را می‌خواند: «بلکه انسان به خود بیناست گرچه عذرهایی بیاورد (قیامت / ۱۴)»

۱۶- ای ابا حفص! انسان چه می‌کند که در کارهای خود، پیش مردم عذرهایی می‌تراشد بر خلاف آنچه خدا از حال او می‌داند، راستی رسول خدا ﷺ می‌فرمود: هر کس نهانی در نهاد خود دارد، خدایش چون ردائی آن را در بر او بیاراید و آشکار سازد، اگر خوب است خوب، و اگر بد است بد.

توضیح: این روایت با اندک اختلافی عین روایت ششم است و بعید نیست که این روایت اشتباهات تکرار شده باشد.

۱۷- امام صادق ﷺ فرمود:

نگهداری از کار خیر، از خود کار خیر سخت‌تر است، (راوی) گفت: نگهداری از عمل چیست؟ فرمود: مردی صله‌ای می‌کند و خرجی در راه خدای یگانه و بی شریک می‌دهد و ثواب کار خیر در نهانی برای او

فَكُتِبَ لَهُ سِرًّا ثُمَّ يَذْكُرُهَا - وَتُمَحَّى فَتُكْتَبُ لَهُ عَلَانِيَةً - ثُمَّ يَذْكُرُهَا
فَتُمَحَّى - وَتُكْتَبُ لَهُ رِيَاءً.

٢٤٩٧-١٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
إِبْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اخْشَوْا اللَّهَ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَغْذِيرٍ - وَاعْمَلُوا لِلَّهِ
فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ - فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ - وَكَلَهُ اللَّهُ
إِلَى عَمَلِهِ.

٢٤٩٨-١٩ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ
زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ - يَعْمَلُ الشَّيْءَ مِنَ الْخَيْرِ - فَيَرَاهُ إِنْسَانٌ فَيَسُرُّهُ ذَلِكَ -
فَقَالَ لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ مُحِبٌّ - أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ -
إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لَذَلِكَ..

بَابُ طَلَبِ الرَّئَاسَةِ.

٢٤٩٩-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ
أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام:
أَنَّهُ ذَكَرَ رَجُلًا فَقَالَ إِنَّهُ يُحِبُّ الرَّئَاسَةَ فَقَالَ - مَا ذُبَّانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ -
قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَضَرٍّ - فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرَّئَاسَةِ.

نوشته می شود، سپس آن را یاد آوری می کند و اظهار می نماید و از دفتر کار خیر پنهانی محو می شود و در دفتر کار خیر آشکار نوشته می شود، و باز آن را یاد آوری می کند و اظهار می دارد و یک عمل ریا و خودنمایی برای او نوشته می شود.

۱۸- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از خدا چنان بترسید که محتاج عذر خواهی نباشید و برای رضای خدا کار کنید بدون خود نمایی و قصد شهرت، زیرا هر کس برای غیر خدا کاری کند، خدا او را به کار خویش واگذارش می کند.

۱۹- زراره می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردی کار خیری می کند و دیگری او را می بیند و خوشش می آید، فرمود: عیب ندارد، کسی نیست مگر اینکه دوست می دارد که میان مردم برای او کار خوبی ظاهر شود، به شرط اینکه سبب اقدام به این کار خیر صرفاً برای خودنمایی و جلب توجه دیگری نباشد.

توضیح: این یک جریان طبیعی است و هر کس کار خوبی می کند دوست دارد مردم از آن آگاه شوند و خوششان بیاید اگر هدف آشنائی مردم به کار خوب و تشویق آنها باشد ایرادی ندارد ولی اگر هدف تنها خودنمایی و برانگیختن تعریف دیگران باشد مناسب نیست.

ریاست طلبی

۱- «معمر بن خلاد» نزد ابوالحسن علیه السلام نام مردی را برد و گفت: او ریاست را دوست دارد.

پس آن حضرت فرمود: دو گرگ گرسنه و درنده در میان گله گوسفندی که چوپان ندارد، زیانمندتر از زیان ریاست بر دین مسلمانان نیست (یعنی ریاست طلبی دو گرگ درنده نسبت به دین مسلمانان بیشتر زیان دارد)

٢٥٠٠-٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي عَامِرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ هَلَكَ.

٢٥٠١-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَهَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتَرَأْسُونَ - فَوَاللَّهِ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ - إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ.

٢٥٠٢-٤- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ وَ غَيْرِهِ رَفَعُوهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ - مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا - مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ.

مرکز تحقیقات کتب و ترمیم و اسناد

٢٥٠٣-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَقِيلَةَ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ:

حَدَّثَنَا كَرَّامٌ عَنْ أَبِي حمزة الثمالي قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاكَ وَ الرِّئَاسَةَ - وَ إِيَّاكَ أَنْ تَطَأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ - قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - أَمَّا الرِّئَاسَةُ فَقَدْ عَرَفْتُهَا - وَ أَمَّا أَنْ أَطَأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ - فَمَا ثُلُثَا مَا فِي يَدِي - إِلَّا مِمَّا وَطِئْتُ أَعْقَابَ الرِّجَالِ - فَقَالَ لِي لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ - فَتُصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس دنبال ریاست برود، هلاک خواهد شد.

۳- «عبدالله بن مسکان»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: پرهیز از رؤسای ریاست طلب، به خدا سوگند که تق و تق کفش ها دنبال مردی، بلند نشود جز اینکه خود هلاک شود و دیگران را هم هلاک سازد (شاید مراد از حدیث گروهی از ریاست طلبان بودند که در زمان ائمه علیهم السلام دعوی ریاست و حکومت دینی داشتند)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

ملعون است کسی که ریاست به خود بندد، ملعون است کسی که آن را هم داشته باشد، ملعون است کسی که به فکر آن باشد.

۵- «ابی حمزه ثمالی»، گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: پرهیز از ریاست، و پرهیز از اینکه دنبال مردم بروی، گوید: عرض کردم: قربانت! ریاست را فهمیدم و اما اینکه دنبال مردم نروم یعنی چه؟ من دو سوم هر چه دارم (از احادیث از شما) از طریق این مردم است فرمود: چنین نیست که فهمیدی، مقصود این است که مبادا مردی را بی دلیل امام خود را بدانی و هرچه بگوید تصدیقش کنی.

٢٥٠٤-٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي وَيَحَكَ يَا أَبَا الرَّبِيعِ - لَا تَطْلُبَنَّ الرِّئَاسَةَ وَلَا تَكُنْ ذُبَابًا - وَلَا تَأْكُلْ بِنَا النَّاسِ فَيُفْقِرَكَ اللَّهُ - وَلَا تَقُلْ فِينَا مَا لَا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنَا - فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ وَمَسْئُولٌ لَا مَحَالَةَ - فَإِنْ كُنْتَ صَادِقًا صَدَّقْنَاكَ - وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا كَذَّبْنَاكَ

٢٥٠٥-٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ ابْنِ مِيَّاحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ أَرَادَ الرِّئَاسَةَ هَلَكَ.

٢٥٠٦-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَتَرَى لَا أَعْرِفُ خِيَارَكُمْ مِنْ شَرَارِكُمْ بَلَى وَاللَّهِ وَإِنْ شَرَارَكُمْ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوطَأَ عَقْبُهُ - إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ كَذَابٍ أَوْ عَاجِزٍ الرَّأْيِ.

۶- «ابی الربیع شامی»، گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

وای بر تو ای ابا ربیع! مبادا ریاست بخواهی، و گرگ شوی و به نام ما، مال مردم را بخوری که خدا تو را محتاج سازد و درباره ما آنچه که گفته ایم مگو و غلومکن زیرا در قیامت بازداشت و بازخواست خواهی شد تو را تصدیق کنیم و اگر دروغگو باشی، تو را تکذیب نمائیم.

۷- «ابن میاح»، از پدرش می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: هر کس ریاست را بخواهد به هلاکت خواهد رسید.



۸- «محمد بن مسلم»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

آیا چنین می پنداری که من خوب و بد شما را نمی شناسم چرا بخدا که بد شما کسی است که دوست دارد مردم پشت سرش حرکت کنند پس به ناچار باید دروغگو یا در رأی خود درمانده باشد.

توضیح: ریاست و سرپرستی امت گاهی خوب و مناسب است مانند ریاست پیامبران و امامان که از طرف خداوند می رسد. و ریاستی است نامناسب و ظالمانه که شخص با سوء استفاده از طرفندهای گوناگون خود را رئیس و سرپرست مردم بخواند و وقتی در پاسخ به سؤالات مردم در می ماند به دروغ و نیرنگ پناه برد زیرا اگر پاسخی راندهد درمانده و ناتوان معرفی می شود.

بَابُ اخْتِلَالِ الدُّنْيَا بِالْدِّينِ

٢٥٠٧-١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَخْتَلُونَ الدُّنْيَا بِالْدِّينِ - وَ وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ - يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ - وَ وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَسِيرُ الْمُؤْمِنُ فِيهِمْ بِالتَّقِيَّةِ - أَبِي يَغْتَرُونَ أَمْ عَلَيَّ يَجْتَرِءُونَ - فِي حَلْفَتُ لَا تُبَيِّنَ لَهُمْ فِتْنَةً - تَتْرُكُ الْحَكِيمَ مِنْهُمْ حَيْرَانًا

بَابُ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا وَ عَمِلَ بِغَيْرِهِ

٢٥٠٨-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَزَارٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ عَمِلَ بِغَيْرِهِ.

٢٥٠٩-٢ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَنْ وَصَفَ عَدْلًا وَ عَمِلَ بِغَيْرِهِ.

حیله گری در طلب دنیا توسط دین

۱- «یونس بن ظبیان»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: براستی خدای عزوجل می فرماید: «وای بر کسانی که برای بدست آوردن دنیا به وسیله دین حیله گری کنند، وای بر کسانی که آنهایی را که امر به عدالت می کنند می کشند، و وای بر حال کسانی که مؤمن در میان آنها به تقیه به سر می برد، آیا مرا فریب می دهند، آیا بر من گستاخی می کنند؟ من به حق خود سوگند خورده ام که برای آنها فتنه و آزمایشی پیش آورم که خردمندان سرگردان شوند.

حال کسی که دم از عدالت می زند و کار دیگری می کند

توضیح: مقصود و هدف از طرح این فصل برای آن است که بعضی از افراد دم از عدالت و انسانیت می زنند و مردم را به کارهای خوب دعوت می کنند ولی خود برخلاف آن عمل می نمایند و قرآن با زبان اعتراض به آنها می فرماید: «مردم را به کارهای نیک دعوت می کنید ولی خود، آنها را فراموش می کنید؟».

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

پرحسرت ترین مردم روز قیامت کسی است که عدالت بستاند و خود برخلاف آن عمل کند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

براستی در روز قیامت سخت ترین مردم در عذاب، کسی است که دم از عدالت زند و برخلاف آن، عمل کند.

٢٥١٠-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

٢٥١١-٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُشْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَكُذِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ قَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَدْلًا بِالسِّنِّهِمْ - ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِهِ.

٢٥١٢-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام أَبْلَغُ شَيْعَتَنَا أَنَّهُ - لَنْ يُنَالَ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِعَمَلٍ - وَ أَبْلَغُ شَيْعَتَنَا أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ يُخَالَفُهُ إِلَى غَيْرِهِ.

بَابُ الْمِرَاءِ وَالْخُصُومَةِ وَمُعَادَاةِ الرِّجَالِ

٢٥١٣-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ - فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ - وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: پرحسرت‌ترین مردم روز قیامت کسی است که از عدالت تعریف کند ولی بر خلاف آن عمل نماید.

۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: «آنها و گمراهان در دوزخ برو افتند» (آیه ۹۴ / سوره ۲۶) فرمود: ای ابا بصیر! اینان مردمی هستند که به زبان خود عدالت را می‌ستایند آنگاه بر خلاف آن عمل می‌کنند.

۵- «خیثمه»، گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: به شیعه‌های ما این پیغام را برسان که آنچه در نزد خداست به دست نیاید جز به وسیله عمل و کردار، و به شیعه‌های ما برسان پرحسدترین کس در روز قیامت کسی است که دم از عدالت می‌زند ولی خود بر خلاف آن عمل می‌کند.



خودنمائی و ستیز و دشمنی با مردم

توضیح: طرح این بحث برای این است که مجادله و بحث با یکدیگر در صورتی که برای روشن شدن حقیقت باشد بسیار خوب و پسندیده است ولی اگر برای اظهار فضل و خودنمائی باشد و شخص بخواهد با سر و صدا، حرف باطل خود را به کرسی بنشاند بسیار ناپسند است و پیامدش دشمنی و دوری از یکدیگر است.

۱- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: از خود نمائی و ستیزه‌گری پرهیزید زیرا این عمل دلها را تیره و بیمار می‌کند و نفاق و دورویی را در دلها می‌پرورد.

٢٥١٤-٢- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَّ - دَخَلَ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ - مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ - وَ خَشِيَ اللَّهَ فِي الْمَغِيبِ وَالْمُحْضَرِ - وَ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا.

٢٥١٥-٣- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

مَنْ نَصَبَ اللَّهَ غَرَضًا لِلْخُصُومَاتِ - أَوْشَكَ أَنْ يُكْثَرَ الْإِنْتِقَالُ.

٢٥١٦-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لَا تُنَازِعَنَّ حَلِيمًا وَلَا سَفِيهًا - فَإِنَّ الْحَلِيمَ يَقْلِيكَ وَ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

٢٥١٧-٥- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا كَادَ جَبْرِئِيلُ ﷺ يَأْتِينِي - إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ اتَّقِ - شُحْنَاءَ الرِّجَالِ وَ عَدَاوَتَهُمْ.

٢٥١٨-٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْكَنْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

قَالَ جَبْرِئِيلُ ﷺ لِلنَّبِيِّ ﷺ إِيَّاكَ - وَ مُلَاحَاةَ الرِّجَالِ.

۲- پیامبر ﷺ فرمود: سه چیز است که هر کس با داشتن آنها خود را ملاقات کند از هر دری که می خواهد به بهشت می رود:

- ۱- هر کس اخلاق او خوب باشد
- ۲- در آشکار و پنهان از خدا بترسد
- ۳- مراء و جدال را کنارگذارد هر چند حق با او باشد.

۳- باز فرمود: هر کس خدا را هدف بحث با مردم و ستیز با آنها قرار دهد در معرض لغزش فراوان قرار گیرد.



۴- امام صادق علیه السلام، فرمود: مبادا با شخص بردبار سفیه جدال کنی و به گفته او بی جا اعتراض نمایی، زیرا حلیم، دشمن تو شود و سفیه به تو آزار رساند.

۵- رسول خدا ﷺ فرمود: نشد که جبرئیل علیه السلام نزد من آید جز اینکه گفت: ای محمد! از کینه و دشمنی با مردم بپرهیز.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل به پیامبر گفت: از گفتگو و ستیزه با مردم بپرهیز.

٢٥١٩-٧- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِيَّاكُمْ وَالْمُشَارَةَ - فَإِنَّهَا تُورِثُ الْمَعْرَةَ - وَتُظْهِرُ الْمُغَوْرَةَ.

٢٥٢٠-٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُبَيْسَةَ الْعَاكِدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ - فَإِنَّهَا تَشْغَلُ الْقُلُوبَ - وَتُورِثُ النِّفَاقَ وَتَكْسِبُ الضَّغَائِنَ.

٢٥٢١-٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا كَادَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام يَأْتِينِي إِلَّا قَالَ - يَا مُحَمَّدُ إِنَّ شَحْنَاءَ الرِّجَالِ وَعداوتهم.

٢٥٢٢-١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَتَانِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام قَطُّ - إِلَّا وَعَظَنِي فَأَخِرُ قَوْلِهِ لِي - إِيَّاكَ وَمُشَارَةَ النَّاسِ - فَإِنَّهَا تَكْشِفُ الْعَوْرَةَ - وَتَذْهَبُ بِالْعِزِّ.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

مبادا با یکدیگر بدی کنید، زیرا سبب هلاکت و آشکار شدن عیبهاست.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

از ستیزه و دشمنی پرهیز، زیرا دل را به خود مشغول و نفاق پدید می آورد و سبب کینه توزی می شود.



۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچگاه نمی شود که جبرئیل نزد من آید جز اینکه می گفت: ای محمد! از کشمکش و دشمنی با مردم پرهیز (این حدیث تقریباً تکرار حدیث پنجم است).

۱۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز جبرئیل نزد من نیامد جز اینکه مرا پند داد، و آخر سخنش به من این بود که: بدی را با بدی مکافات مده زیرا سبب آشکار شدن عیبه و ریختن آبروست.

٢٥٢٣-١١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا عَهْدَ إِلَيَّ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فِي شَيْءٍ - مَا عَهْدَ إِلَيَّ فِي مُعَادَاةِ الرِّجَالِ.

٢٥٢٤-١٢ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، رَفَعَهُ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ زَرَعَ الْعَدَاوَةَ حَصَدَ مَا بَذَرَ.

بَابُ الْغَضَبِ.

٢٥٢٥-١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الشَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ - كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ.

٢٥٢٦-٢ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُسَيَّرٍ قَالَ:

ذَكَرَ الْغَضَبُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ - فَمَا يَرْضَى أَبَدًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ - فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى قَوْمٍ - وَهُوَ قَائِمٌ قَلْبُهُ جُلَسَ مِنْ قَوْمِهِ ذَلِكَ - فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ - وَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذِي رَحِمٍ - فَلْيَدْنُ مِنْهُ فَلْيَمْسَهُ - فَإِنَّ الرَّحِمَ إِذَا مُسَّتْ سَكَنَتْ.

۱۱- رسول خدا ﷺ فرموده:

جبرئیل درباره چیزی آنقدر به من سفارش نکرد که درباره دشمن با مردم سفارش کرده است.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بذر دشمنی بکارد، آنچه کاشته بدروود.

خشم و غضب

۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

خشم، ایمان را تباه می کند همچون سرکه که عسل را تباه می کند.

۲- «میسر» می گوید: نزد امام باقر علیه السلام نام خشم را بردند، پس فرمود:

مردی به خشم آید و تا داخل دوزخ نشود هرگز راضی نمی گردد (تا گناهی نکند خشنود نمی شود) پس هر کس خشمگین شد و ایستاده بود بنشیند تا پلیدی شیطان از او دور شود و هر کس بر خویشاوند خود خشمگین شود باید نزدیکش شود و او را لمس کند (مثلاً دست دادن) تا خشمش فرو نشیند.

توضیح: برای فرو نشاندن خشم و غضب بهترین راه آن است که خود را مشغول کند و آب خنک بنوشد و دست و صورت خود را خنک نماید و بنشیند و اگر خشمش نسبت به نزدیکان و فامیل است به نزدیک او رود و دو دست او را بگیرد و بفشارد و یا به قدم زدن پردازد و بکوشد که خشم و غضب را از ذهن خود دور بسازد.

٢٥٢٧-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ.

٢٥٢٨-٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ
سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَمِعْتُ أَبِي عليه السلام يَقُولُ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله رَجُلٌ بَدَوِيٌّ فَقَالَ - إِنِّي أَسْكُنُ
الْبَادِيَةَ - فَعَلَّمَنِي جَوَامِعَ الْكَلَامِ - فَقَالَ أَمْرُكَ - أَنْ لَا تَغْضَبَ فَأَعَادَ
عَلَيْهِ الْأَعْرَابِيُّ الْمَسْأَلَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - حَتَّى رَجَعَ الرَّجُلُ إِلَى نَفْسِهِ -
فَقَالَ لَا أَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ هَذَا - مَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَّا بِالْخَيْرِ
قَالَ وَكَانَ أَبِي يَقُولُ - أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنَ الْغَضَبِ - إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ
فَيَقْتُلُ - النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ - وَيَقْذِفُ الْمُحْصَنَةَ.

مرکز تحقیقات کتب ویراسته شده

٢٥٢٩-٥- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَلِّمْنِي عِظَةً أَتَعِظُ بِهَا - فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله
أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ - يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِي عِظَةً أَتَعِظُ بِهَا فَقَالَ لَهُ انْطَلِقْ
وَلَا تَغْضَبْ - ثُمَّ أَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ - انْطَلِقْ وَلَا تَغْضَبْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

٢٥٣٠-٦- عَنْهُ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَقُولُ مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: خشم، کلید هر بدی است.

۴- باز فرمود علیه السلام مرد بیابانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من بیابان نشینم و سخن های کلی به من بیاموز، در پاسخ او فرمود: به تو فرمان می دهم که خشم نکنی و سه بار آن عرب بیابانی خواسته خود را باز گفت، و همان پاسخ را گرفت، و آن مرد به خود آمد و گفت: دیگر چیزی نپرسم، رسول خدا صلی الله علیه و آله جز به خیر مرا فرمان نداده است. فرمود که: پدرم می فرمود: کدام چیزی است که از خشم، سخت تر است، راستی مردی خشم کند و قتل نفس کند که خدا حرام کرده و زن پارسا را به زنا متهم نماید.



۵- «عبد الاعلی»، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به من پندی ده که به آن پند گیرم، در پاسخ فرمود: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به او گفت: یا رسول الله! به من بیاموز پندی که به آن پند گیرم، در پاسخ او فرمود: برو و خشم مکن، و تا سه بار تکرار کرد و در هر سه بار، همین پاسخ را شنید که: برو و خشم مکن.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:
هر کس جلو خشم خود را بگیرد، خدا عیب او را بپوشاند.

٢٥٣١-٧- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ فِيَا - نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى أُمْسِكْ غَضَبَكَ عَمَّنْ - مَلَكَتْكَ عَلَيْهِ أَكْفٌ عَنْكَ غَضَبِي.

٢٥٣٢-٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يَحْيَى ابْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ - يَا ابْنَ آدَمَ أَذْكُرْنِي فِي غَضَبِكَ - أَذْكُرَكَ فِي غَضَبِي - لَا أُمَحِّقَكَ فِيمَنْ أُمَحِّقُ وَارْضَ بِي مُنْتَصِراً - فَإِنْ انْتَصَارِي لَكَ خَيْرٌ - مِنْ انْتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ.

٢٥٣٣-٩- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مِثْلُهُ وَزَادَ فِيهِ وَإِذَا ظَلِمْتَ بِمَظْلَمَةٍ فَارْضَ بِانْتِصَارِي لَكَ فَإِنْ انْتِصَارِي لَكَ خَيْرٌ مِنْ انْتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ.

٢٥٣٤-١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوباً - يَا ابْنَ آدَمَ أَذْكُرْنِي حِينَ تَغْضَبُ - أَذْكُرَكَ عِنْدَ غَضَبِي - فَلَا أُمَحِّقَكَ فِيمَنْ أُمَحِّقُ - وَإِذَا ظَلِمْتَ بِمَظْلَمَةٍ - فَارْضَ بِانْتِصَارِي لَكَ - فَإِنْ انْتِصَارِي لَكَ خَيْرٌ مِنْ انْتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب تورات نوشته است در ضمن مناجات خدای عزوجل با موسی، فرمود:

ای موسی! جلو خشمم را از هر کس که من تو را بر او مسلط کردم بگیر، تا من هم جلو خشم خودم را از تو بگیرم.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبران خود وحی کرد: ای آدمی زاده! هنگام خشم مرا به یاد آر، تا من هم در هنگام خشم تو را به یاد آورم، با آنها که نابودشان می‌کنم، نابودت نکنم، و خشنود باش که من (از دشمنانت) انتقام می‌گیرم زیرا انتقام‌گیری من برای تو بهتر است از انتقام‌گیری تو برای خویش.

۹- «عبدالله بن سنان» هم از امام صادق علیه السلام مانند آن را روایت کرده و در آن افزوده است:

و هرگاه ستمی به تو رسد، به انتقام من برای خود خشنود باش، زیرا انتقام من برای تو بهتر است از انتقام خود برای خویش.

۱۰- «اسحاق بن عمار» می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: در تورات نوشته است:

ای آدمی زاده! هنگام خشم مرا به یاد آر تا وقتی خشم کردم تو را به یاد آورم و تو را به همراه آنها نابود نسازم، و هرگاه به تو ستمی شد، راضی باش که من برایت انتقام می‌کشم، زیرا انتقام من برای تو بهتر از انتقام خویش است.

٢٥٣٥- ١١- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِي قَالَ - إِذْهَبْ وَلَا تَغْضَبْ - فَقَالَ الرَّجُلُ قَدْ اِكْتَفَيْتُ بِذَلِكَ - فَضَى إِلَى أَهْلِهِ فَإِذَا بَيْنَ قَوْمِهِ - حَرْبٌ قَدْ قَامُوا صُفُوفاً وَ لَبِسُوا السِّلَاحَ - فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ لَبَسَ سِلَاحَهُ - ثُمَّ قَامَ مَعَهُمْ ثُمَّ ذَكَرَ - قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا تَغْضَبْ فَرَمَى السِّلَاحَ - ثُمَّ جَاءَ يَمْشِي إِلَى الْقَوْمِ - الَّذِينَ هُمْ عَدُوُّ قَوْمِهِ - فَقَالَ يَا هَؤُلَاءِ مَا كَانَتْ لَكُمْ مِنْ جِرَاحَةٍ - أَوْ قَتْلٍ أَوْ ضَرْبٍ لَيْسَ فِيهِ أَثَرٌ - فَعَلَيَّْ فِي مَالِي أَنَا أَوْ فِيكُمْ هُ - فَقَالَ الْقَوْمُ فَمَا كَانَ فَهُوَ لَكُمْ - نَحْنُ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنْكُمْ - قَالَ فَاصْطَلَحَ الْقَوْمُ وَ ذَهَبَ الْغَضَبُ.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٢٥٣٦- ١٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ - تُوقَدُ فِي قَلْبِ إِبْنِ آدَمَ - وَإِنْ أَحَدُكُمْ إِذَا غَضِبَ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ - وَانْتَفَخَتْ أَوْ دَاجَهُ - وَدَخَلَ الشَّيْطَانُ فِيهِ - فَإِذَا خَافَ أَحَدُكُمْ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ - فَلْيَلْزِمِ الْأَرْضَ فَإِنَّ رِجْزَ الشَّيْطَانِ - لَيَذْهَبُ عَنْهُ عِنْدَ ذَلِكَ.

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! مرا تعلیم ده، فرمود: برو و خشم مکن، آن مرد گفت: همین مرابِس است، سپس به طرف قبیله خود رفت ناگاه در میان قومش جنگی برپا شد، همه صف کشیده و سلاح جنگ برداشته و چون چنین دید، سلاح جنگ خود را برداشت و سپس با آنها در صف ایستاد و به یاد گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله افتاد که خشم مکن از این رو سلاح را به دور انداخت و به نزد مردی رفت که دشمن قبیله و تبارش بود و گفت: ای مردم! هر چه زخم و کشتار و زخم بی نشانه‌یی بر شما وارد شده به عهده‌ی من باشد و من خونبها و دیه آنها را می‌پردازم، آن مردم در پاسخ گفتند: هر چه از این بابت باشد، از آن شما باشد، و ما از شما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم سپس با هم صلح کردند و کینه از میان آنها رفت.



مرکز تحقیقات کهن‌پژوهی اسلامی

۱۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی این خشم یک شراره شیطانی است که در دل آدمی زاده شعله ور می‌شود، و به راستی وقتی یکی از شماها خشم می‌گیرد چشمانش سرخ می‌شود و رگ‌هایش باد می‌کند و شیطان در او نفوذ می‌کند و چون کسی از شماها از این عارضه بترسد، به زمین بچسبد که پلیدی شیطان در این وقت از او دور شود.

٢٥٣٧-١٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْغَضَبُ مَمْحَقَةٌ لِقَلْبِ الْحَكِيمِ - وَقَالَ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ - لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ.

٢٥٣٨-١٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ - أَقَالَ اللَّهُ نَفْسَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ - كَفَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٢٥٣٩-١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ - كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

بَابُ الْحَسَدِ.

٢٥٤٠-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأْتِي بِأَيِّ بَادِرَةٍ - فَيَكْفُرُ وَإِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ - كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

خشم، دل مرد حکیم را از بین ببرد و فرمود: هرکس مالک خشم خود نیست، مالک عقل خود نیست.

۱۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس خود را از ریختن آبروی مردم خود را نگه دارد و درگذرد، و هرکس خشم خود را از مردم بردارد، خدای تبارک و تعالی عذاب روز قیامت را از او بردارد.



۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس خشم خود را از مردم بردارد، خدا عذاب روز قیامت را از او بردارد.

حسد و خود خوری

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

مرد (هنگام خشم) هر گونه شتاب زدگی از خود نشان می دهد و کافر می شود و به راستی حسد ایمان را می خورد همان طور که آتش هیزم را می خورد.

٢٥٤١-٢- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ
التَّضَرِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ - كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

٢٥٤٢-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ
دَاوُدَ الرَّقِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا يَحْسُدْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا - إِنَّ
عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ - كَانَ مِنْ شَرَائِعِهِ السَّيِّئُ فِي الْبِلَادِ - فَخَرَجَ فِي بَعْضِ
سَيِّئِهِ - وَمَعَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَصِيرٌ - وَكَانَ كَثِيرَ اللَّزُومِ لِعِيسَى عليه السلام
فَلَمَّا انْتَهَى عِيسَى إِلَى الْبَحْرِ - قَالَ بِسْمِ اللَّهِ بِصِحَّةٍ يَقِينٍ مِنْهُ - فَشَى عَلَى
ظَهْرِ الْمَاءِ - فَقَالَ الرَّجُلُ الْقَصِيرُ - حِينَ نَظَرَ إِلَى عِيسَى عليه السلام جَاذَهُ بِسْمِ
اللَّهِ بِصِحَّةٍ يَقِينٍ مِنْهُ - فَشَى عَلَى الْمَاءِ - وَ لَحِقَ بِعِيسَى عليه السلام فَدَخَلَهُ
الْعُجْبُ بِنَفْسِهِ - فَقَالَ هَذَا عِيسَى رُوحُ اللَّهِ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ - وَأَنَا أَمْشِي
عَلَى الْمَاءِ فَمَا فَضْلُهُ عَلَيَّ - قَالَ فَرُمِسَ فِي الْمَاءِ فَاسْتَغَاثَ بِعِيسَى فَتَنَاوَلَهُ
مِنَ الْمَاءِ - فَأَخْرَجَهُ - ثُمَّ قَالَ لَهُ مَا قُلْتَ يَا قَصِيرُ - قَالَ قُلْتُ هَذَا رُوحُ
اللَّهِ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ - وَأَنَا أَمْشِي عَلَى الْمَاءِ - فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ عُجْبٌ -
فَقَالَ لَهُ عِيسَى لَقَدْ وَضَعْتَ نَفْسَكَ - فِي غَيْرِ الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَكَ اللَّهُ
فِيهِ - فَمَقَّتَكَ اللَّهُ عَلَى مَا قُلْتَ - فَتُبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّا قُلْتَ - قَالَ
فَتَابَ الرَّجُلُ وَ عَادَ إِلَى مَرْتَبَتِهِ - الَّتِي وَضَعَهُ اللَّهُ فِيهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ - وَ لَا
يَحْسُدَنَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا.

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی حسد ایمان را می خورد همانطور که آتش، هیزم را می خورد.

۳- «داود رقی»، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

از خدا بپرهیزید و به یکدیگر حسد نبرید، راستی را شریعت عیسی بن مریم بر پایه گردش در جهان بود، در یکی از گردشهای خود، از شهر خارج شد و مرد کوتاه قدی از یارانش همراهش خدمتش بود و چون عیسی به دریا رسید از روی یقین، نام خدا را برد و روی آب به راه افتاد، و چون آن مرد کوتاه قد به عیسی نگاه کرد که بر روی آب راه می رود، او هم با یقین کامل نام خدا را برد و بر روی آب به راه افتاد تا به عیسی علیه السلام رسید و خود بینی، او را فرا گرفت و با خود گفت: این عیسی روح الله است که بر روی آب راه می رود و من هم بر روی آب راه می روم، او بر من چه امتیازی را دارد؟

فرمود: به محض این اندیشه، به زیر آب فرو رفت و عیسی را بفریاد خود طلبید و آن حضرت او را از زیر آب بیرون آورد. سپس به او فرمود: ای قد کوتوله! چه گفتی که زیر آب رفتی؟ در پاسخ گفت که: گفتم این روح الله است که روی آب راه می رود و من هم روی آب راه می روم و خود بینی مرا گرفت، عیسی علیه السلام به او گفت: خود را در جایی قرار دادی که خدا تو را در آن جا قرار نداده بود پس خدا تو را به وسیله همین سختی، از تو متنفر شد اکنون به درگاه خدای عزوجل توبه کن. فرمود: آن مرد توبه کرد و به مقامی که خدا به او داده بود بازگشت، پس از خدا بپرهیزید و به یکدیگر حسد نبرید.

٢٥٤٣- ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا - وَكَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ.

٢٥٤٤- ٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ - وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ.

٢٥٤٥- ٦- يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام يَا إِبْنِ عِمْرَانَ لَا تَحْسُدَنَّ النَّاسَ - عَلَى مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي - وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى ذَلِكَ - وَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْحَاسِدَ - سَاخِطٌ لِنِعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي - الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي - وَمَنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ - وَ لَيْسَ مِنِّي.

٢٥٤٦- ٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُتَقَرِّي عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغْبِطُ وَلَا يَحْسُدُ - وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغْبِطُ.

۴- رسول خدا ﷺ فرمود:

فقر نزدیک است به کفر و نزدیک است که حسد بر تقدیر چیره شود.

توضیح: فقر و دست تنگی برای مسلمان آنقدر زشت و خطرناک است که علی علیه السلام در یکی از سخنان خود به فرزندانش فرمود: کاد الفقر ان یكون کفر یعنی فقر سریعاً انسان را به کفر می کشاند زیرا فقیر و تنگ دست وقتی حال زار خود و خانواده اش را می بیند به شدت متأثر می شود و صبر و بردباری را از کف می دهد و چه بسا دست به دزدی و خیانت بزند و به ستمگران پیوندد به همین جهت پیشوایان به ما اعلام خطر کرده اند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

آفت دین حسد است و خود بینی و بالیدن.



۶- رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

ای پسران عمران! مبادا بخاطر آنچه که به بندگان خود از نعمت و ذلت داده ام به آنها رشک و حسد بری و چشمان و دلت به سوی آنها روانه شود زیرا حسود از نعمت من و از تقسیم می که میان بندگانم کرده ام ناراحت و جلوگیری است و کسی که چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

راستی مؤمن رشک می برد و حسادت ندارد، و منافق حسد می ورزد و رشک ندارد.

بَابُ الْعَصْبِيَّةِ.

٢٥٤٧-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ - فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ.

٢٥٤٨-٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَدُرُوسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ - فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ.



٢٥٤٩-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الثَّوَالِي عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ - مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ.

٢٥٥٠-٤- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ خَضِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَعَصَّبَ عَصَبَهُ اللَّهُ - بِعَصَابَةٍ مِنْ نَارٍ.

تعصبات بیجا

۱- امام صادق علیه السلام، فرمود:

هر کس اظهار تعصب داشته باشد یا برای او تعصب بخرج دهند، رشته ایمان را از گردن خود باز کرده است.

۲- از امام صادق علیه السلام، به همین مضمون از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس به اندازه یک دانه خردل تعصب در دل داشته باشد، خدا روز رستاخیز او را با اعراب زمان جاهلیت محشور و برانگیخته خواهد کرد.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس تعصب داشته باشد خداوند با دستمالی از آتش سر او را خواهد بست.

٢٥٥١-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَامِرِ بْنِ السَّمُطِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ حَمِيَّةٌ - غَيْرُ حَمِيَّةِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ - وَ ذَلِكَ حِينَ أَسْلَمَ - غَضَبًا لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي حَدِيثِ السَّلَى - الَّذِي أُلْقِيَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله.

٢٥٥٢-٦- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانُوا يَحْسَبُونَ - أَنَّ إِبْلِيسَ مِنْهُمْ - وَ كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْهُمْ - فَاسْتَخْرَجَ مَا فِي نَفْسِهِ بِالْحَمِيَّةِ وَ الْغَضَبِ - فَقَالَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ - وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.

٢٥٥٣-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيُّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنِ الْعَصِيَّةِ - فَقَالَ الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا - أَنْ يَرَى الرَّجُلُ شَرَارَ قَوْمِهِ - خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمٍ آخَرِينَ - وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصِيَّةِ - أَنْ يُحِبُّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ - وَ لَكِنْ مِنَ الْعَصِيَّةِ - أَنْ يُعِينَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ.

۵- علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

هیچ حمیتی به بهشت نبرد جز حمیتی که حمزه بن عبدالمطلب از پیامبر کرد، و این برای آن بود که به طرفداری از پیامبر صلی الله علیه و آله خشم کرد و مسلمان شد، جریان او بخاطر شکمبه‌ای بود که ابو جهل بر پیامبر افکند.

۶- امام صادق علیه السلام، فرمود:

فرشته‌ها پنداشتند که شیطان از آنهاست و در علم خدا گذشته بود که از آنها نیست و خدا آنچه از ذرات او بود به وسیله حمیت و تعصب و خشم بیرون آورد تا آنکه گفت: «مرا از آتش آفریدی و او را از گل».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۷- زهری، گوید: از علی بن الحسین علیه السلام سؤال شد از عصبیت، در پاسخ فرمود: تعصبی که صاحبش از آن گنهکار است که بدهای تیره و تبار خود را از نیکان دیگران بهتر شمارد، این تعصب نسبت به کسی است که تیره و تبار خود را دوست بدارد. تعصب این است که تیره و تبار خود را بر ستم و ظلم کمک و یاری دهد.

بَابُ الْكِبَرِ.

٢٥٥٤-١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ حَكِيمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَدْنَى الْإِلْحَادِ فَقَالَ - إِنَّ الْكِبَرَ أَدْنَاهُ.

٢٥٥٥-٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْكِبَرُ قَدْ يَكُونُ فِي شَرَارِ النَّاسِ مِنْ كُلِّ جِنْسٍ - وَالْكِبَرُ رِذَاءُ اللَّهِ - فَمَنْ نَارَعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رِذَاءً - لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا سَفَالاً - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - مَرَّ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ - وَسَوْدَاءُ تَلْقَطُ السَّرِيقِينَ فَقِيلَ لَهَا تَنَحَّيْ عَنْ طَرِيقِ رَسُولِ اللَّهِ - فَقَالَتْ إِنَّ الطَّرِيقَ لَمُعْرَضٌ فَهَمَّ بِهَا بَعْضُ الْقَوْمِ أَنْ يَتَنَاوَلَهَا - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - دَعُوهَا فَإِنَّهَا جَبَّارَةٌ.

٢٥٥٦-٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام الْعِزُّ رِذَاءُ اللَّهِ - وَالْكِبَرُ إِزَارُهُ - فَمَنْ تَنَاوَلَ شَيْئاً مِنْهُ - أَكَبَّهُ اللَّهُ فِي جَهَنَّمَ.

تکبر و خود بزرگ بینی

۱- «حکیم»، گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از کمترین درجه الحاد پرسیدم، حضرت در پاسخ فرمود: کمترین درجه آن، کبر است.

توضیح: تکبر و خود بزرگ بینی از صفات بسیار مذموم است گاهی تکبر در برابر خداوند و پیامبران و امامان است مثل فرعون و نمرود که به شرک می گراید و یا تکبر در برابر بندگان خداوند است که رد حق و خوار شمردن مردم است گاهی در و درون ظاهر می شود که انسان را می سوزاند و آب می کند و گاهی در برون ظاهر می شود که در نگاه کردن انسان و راه رفتنش تجلی می کند و پیوسته شخص، خود را از دیگران بالاتر می داند کبر، یکی از گناهان بزرگ است که پیامبر فرمود: هر کس ذره ای از کبر در دلش باشد به بهشت نمی رود

کبر و خود بینی هر دو از نظر معنی نزدیک به هم اند با این تفاوت که در کبر باید شخص دیگری باشد که بر او بیالد ولی در عجب در برتری خود است و شخص دیگری لازم نیست، باید توجه داشت که به همان مقدار که تکبر زشت و بد است تواضع و فروتنی بسیار خوب و پسندیده است.



۲- «حسین بن ابی العلاء»، از امام صادق علیه السلام نقل می کند: شنیدم می فرمود: کبر در بدترین مردم است از هر جنسی که باشند، کبر و بزرگی برازنده خداست، هر کس با خدای عزوجل در برابر او ستیزه کند جز پستی به او اضافه نگردد، به راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله در راهی از راههای مدینه گذر می کرد و زن سیاهی سرگین رویهم می گذاشت، به او گفته شد: از جلو راه رسول خدا صلی الله علیه و آله دور شو، در پاسخ گفت: راه باز است و پیامبر می تواند از کنار آن بگذر و یکی از یاران تصمیم داشت او را گوشمال دهد. رسول خدا فرمود: دست از او بردارید که او زنی زورگوست.

۳- امام صادق علیه السلام، فرمود که: امام باقر علیه السلام فرموده است: عزت چون روپوش خداست، و کبر چون زیر پوش او، هر کس به یکی از آنها دست یابد خدا او را در دوزخ سرنگون کند. (منظور از زیر پوش و روپوش اختصاص داشتن عزت و بزرگ منشی نسبت بخداوند است).

٢٥٥٧-٤- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ
مَعْمَرِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
الْكِبَرُ رِذَاءُ اللَّهِ - وَالتَّكَبُّرُ يُنَازِعُ اللَّهَ رِذَاءَهُ.

٢٥٥٨-٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ
أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْكِبَرُ رِذَاءُ اللَّهِ فَمَنْ نَازَعَ اللَّهَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ أَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ.

٢٥٥٩-٦- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُزُوءَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا:
لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ - مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ.

٢٥٦٠-٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ - مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَزْدَلٍ مِنَ الْكِبَرِ قَالَ
فَاسْتَرْجَعْتُ - فَقَالَ مَا لَكَ تَسْتَرْجِعُ - قُلْتُ لِمَا سَمِعْتُ مِنْكَ - فَقَالَ لَيْسَ
حَيْثُ تَذْهَبُ - إِنَّمَا أَغْنِي الْجُحُودَ - إِنَّمَا هُوَ الْجُحُودُ.

٢٥٦١-٨- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ
عُقْبَةَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ عليه السلام:
الْكِبَرُ أَنْ تَغْمِصَ النَّاسَ - وَتَسْفَهَ الْحَقَّ.

۴- امام باقر علیه السلام، فرمود:

کبر برازنده خداست، و متکبر در ستیزه با خداست.

۵- امام صادق علیه السلام، فرمود:

کبر برازنده خداست هر کس با خدا درباره چیزی از آن ستیز کند، خدا او را به آتش سرنگون سازد.

۶- امام باقر و امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس به وزن ذره‌ای کبر در دلش باشد، به بهشت نمی‌رود.



۷- محمد بن مسلم، از امام باقر و یا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

هر کس در دلش به وزن دانه خردلی کبر باشد، به بهشت نمی‌رود، گوید:

من گفتم: «انا لله و انا اليه راجعون» فرمود: چرا گفتی «انا لله و انا اليه راجعون» گفتم: برای آنچه از شما شنیدم، فرمود: آن طور نیست که تو پنداشتی، همانا مقصود من، انکار است. (یعنی منظور از تکبر انکار خداوند و گردنکشی در برابر اوست).

۸- امام صادق علیه السلام، فرمود: کبر این است که مردم را خوار و حق را سبک شماری.

٢٥٦٢-٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ عليه السلام

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ غَمَصُ الْخَلْقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ - قَالَ قُلْتُ وَ مَا غَمَصُ الْخَلْقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ - قَالَ يَجْهَلُ الْحَقَّ وَ يَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ - فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ - فَقَدْ نَارَعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رِدَاءَهُ.

٢٥٦٣-١٠- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادِيًا لِلْمُتَكَبِّرِينَ - يُقَالُ لَهُ سَقَرٌ - شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شِدَّةَ حَرِّهِ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ أَنْ يَتَنَفَّسَ - فَتَنَفَّسَ - فَأَخْرَقَ جَهَنَّمَ.

٢٥٦٤-١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورِ الذَّرِّ - يَتَوَطَّأُهُمُ النَّاسُ حَتَّى - يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ.

٢٥٦٥-١٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ مَا الْكِبَرُ - فَقَالَ أَعْظَمُ الْكِبَرِ أَنْ تَسْفَهَ الْحَقَّ - وَ تَغْمِصَ النَّاسَ قُلْتُ وَ مَا سَفَهُ الْحَقِّ - قَالَ يَجْهَلُ الْحَقَّ - وَ يَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ.

۹- رسول خدا ﷺ فرمود:

بزرگترین کبر، خوار شمردن خلق و سبک شمردن حق است، (راوی) گوید: من عرض کردم: خوار شمردن خلق و سبک شمردن حق چیست؟ فرمود: حق را نادیده بگیری و بر اهل آن طعن زنی، هر کس اینکار را بکند، با خدای عزوجل در آنچه برای او برآورده است ستیز کرده است.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

دوزخ دره‌ای است ویژه متکبران که آن را سقر گویند، شخص مجرم از شدت حرارت به خدای عزوجل شکایت کرد و از او اجازه خواست که نفس بکشد پس چون نفس کشید جهنم شعله ور شد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۱۱- «داود بن فرقد»، از برادرش نقل می‌کند، که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: راستی که متکبران به صورت مورچه ریز (محصور) گردند و مردم آنها را پایمال کنند تا خدا از حساب خلاق فارغ شود.

۱۲- «عبد الاعلی»، گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کبر چیست؟ فرمود: بزرگترین درجه کبر این است که حق را سبک شماری و مردم را خوارپنداری، گفتم: سبک شمردن حق چیست؟ فرمود: در برابر حق نادانی کنی و بر آن طعن زنی و سرزنش کنی.

٢٥٦٦-١٣- عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي آكُلُ الطَّعَامَ الطَّيِّبَ - وَأَشْمُ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ وَ
 أَرْكَبُ الدَّابَّةَ الْفَارِهَةَ - وَيَتَّبِعُنِي الْغُلَامُ فَتَرَى فِي هَذَا - شَيْئًا مِنَ التَّجَبُّرِ
 فَلَا أَفْعَلُهُ - فَأَطْرَقَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا الْجَبَّارُ الْمَلْعُونُ مَنْ غَمَصَ
 النَّاسَ وَجَهْلَ الْحَقَّ - قَالَ عُمَرُ فَقُلْتُ أَمَّا الْحَقُّ فَلَا أَجْهَلُهُ
 وَالْغَمَصُ لَا أَذْرِي مَا هُوَ - قَالَ مَنْ حَقَّرَ - النَّاسَ - وَتَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ
 فَذَلِكَ الْجَبَّارُ.

٢٥٦٧-١٤- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ
 أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ - وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 - وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ شَيْخُ زَانٍ وَمَلِكُ جَبَّارٍ
 وَمُقِلُّ مُحْتَالٍ.

٢٥٦٨-١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَلِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ حَدَّثَهُ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ يَوْسُفَ عليه السلام لَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ الشَّيْخُ يَعْقُوبُ عليه السلام دَخَلَهُ عِزُّ الْمَلِكِ فَلَمْ يَنْزِلْ
 إِلَيْهِ - فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَقَالَ - يَا يَوْسُفُ ابْسُطْ رَا حَتَكَ
 فَخَرَجَ مِنْهَا نُورٌ سَاطِعٌ - فَصَارَ فِي جَوْ السَّمَاءِ - فَقَالَ يَوْسُفُ يَا جَبْرِئِيلُ
 - مَا هَذَا النُّورُ الَّذِي خَرَجَ مِنْ رَا حَتِي - فَقَالَ نَزَعَتِ النُّبُوَّةُ مِنْ عَقِبِكَ
 عُقُوبَةً لِمَا لَمْ تَنْزِلْ إِلَى الشَّيْخِ يَعْقُوبَ - فَلَا يَكُونُ مِنْ عَقِبِكَ نَبِيٌّ.

۱۳- «محمد بن عمر بن یزید»، از پدرش، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من خوراک خوب می‌خورم و بوی خوش به کار می‌برم و سوار مرکب خوب می‌شوم و غلام همراهم می‌باشد. آیا این عمل کبر و غرور است؟ امام صادق علیه السلام سر به زیر افکند و سپس فرمود: همانا جبّار و ملعون کسی است که مردم را خوار شمارد و حق را نادیده گیرد، عمر گوید: من که به حق نادان و نفهم نیستم ولی خوار شمردن را نمی‌دانم که چیست؟ فرمود: هر کس مردم را زبون و ناچیز شمارد و بر آنها بزرگی فروشد اوست که جبّار و زورگوست.

۱۴- امام باقر علیه السلام فرمود، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه نفرند که خدا روز رستاخیز با آنها سخن نمی‌گوید و به آنها نمی‌نگرد و آنها را پاک نشمرد و برای آنهاست عذابی دردناک:



مرکز تحقیقات کهن‌پژوهی اسلامی

۱- پیر مرد زناکار

۲- پادشاه جبّار

۳- فقیر متکبر و خود خواه

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی چون یوسف در مقام پذیرائی پدر پیر خود یعقوب قرار گرفت، و یعقوب بر او وارد شد، عزّت سلطنت و قدرت، او را گرفت و به احترام او پیاده نشد و جبرئیل بر او فرو آمد و گفت: ای یوسف! کف دست خود را بگشا، گشود و از آن نوری تابید و در فضای آسمان قرار گرفت، یوسف گفت: ای جبرئیل! این نوری که از کف مشتم بیرون شد چه بود؟ در پاسخ فرمود: نبوّت از نسل تو برداشته شد به خاطر آنکه برای پدر پیرت یعقوب پیاده نشدی و از نسل تو پیامبری نخواهد بود.

٢٥٦٩-١٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَفِي رَأْسِهِ حِكْمَةٌ - وَ مَلَكٌ يُمَسِّكُهَا - فَإِذَا تَكَبَّرَ قَالَ لَهُ -
إِتَّضِعْ وَضَعَكَ اللَّهُ فَلَا يَزَالُ أُعْظِمُ النَّاسَ فِي نَفْسِهِ - وَأَصْغَرَ النَّاسَ فِي
أَعْيُنِ النَّاسِ - وَإِذَا تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - ثُمَّ قَالَ لَهُ إِنْ تَعِشْ
نَعَشَكَ اللَّهُ - فَلَا يَزَالُ أَصْغَرَ النَّاسَ فِي نَفْسِهِ - وَأَرْفَعَ النَّاسَ فِي أَعْيُنِ
النَّاسِ.

٢٥٧٠-١٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ النَّهْدِيِّ
عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِنْ ذِلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ -

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

بَابُ الْعُجْبِ.

٢٥٧١-١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ
رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ مِنْ وَلَدِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سَيَّارٍ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ أَنَّ الذَّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ - وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا أُبْتُلِيَ
مُؤْمِنٌ بِذَنْبٍ أَبَدًا.

۱۶- امام صادق علیه السلام، فرمود: هیچ بنده‌ای نیست جز اینکه بر سر او لجام و فرشته‌ای است که او را نگهداری کند و چون تکبر کند به او گوید: فروتنی کن که خدا تو را پست خواهد کرد پس همیشه در پیش خود، بزرگ‌ترین خلق خدا باشد و در چشم مردم دیگر، پست‌ترین و کوچک‌ترین مردم باشد و چون تواضع کند، خدای عزوجل او را بالا برد سپس آن فرشته به او گوید: سرفراز باش، خدا سرفرازت کند پس همیشه در پیش خود کوچک‌ترین مردم و در چشم مردم بالاترین مردم است.

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که کبر ورزد و خود را گم کند جز برای اینکه در خود زبونی و خواری دریابد.
در حدیث دیگر فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر ورزد و به جبر و زور دست زند جز برای زبونی و خواری که در خود درک کند.

عُجْب و خود بینی

۱- امام صادق علیه السلام، فرمود: راستی خدا می‌داند که گناه برای مؤمن بهتر است از عُجْب و خود بینی، و اگر چنین نبود هرگز شخص مؤمن به گناهکاری گرفتار نمی‌شد.

توضیح: عُجْب عبارت از این است که کار خوب خود را بزرگ بداند و از آن کاملاً خرسند و خشنود باشد باید توجه داشت که اگر شخص از انجام کار خود بخاطر خوشنودی خداوند شاد باشد و از خدا توفیق انجام چنین کارهایی را بخواهد عُجْب نیست ولی اگر انجام کار خوب ثمره توانمندی خود بداند و آن را بزرگ شمارد و به خود افتخار نماید و بر خدا منت گذارد عُجْب و خود بینی است که از نظر منطق دین بسیار ناپسند است.

٢٥٧٢-٢- عَنْهُ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي عَامِرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ دَخَلَهُ الْعُجْبُ هَلَكَ.

٢٥٧٣-٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْعُجْبِ الَّذِي يُفْسِدُ الْعَمَلَ - فَقَالَ الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يُزَيَّنَ لِلْعَبْدِ سُوءُ عَمَلِهِ - فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ - وَيَحْسَبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا - وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ - فَيَمُنَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلِلَّهِ عَلَيْهِ فِيهِ الْمَنُّ.

٢٥٧٤-٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَسْتَدِمُّ عَلَيْهِ وَيَعْمَلُ الْعَمَلَ - فَيَسُرُّهُ ذَلِكَ فَيَتَرَاحَى عَنْ حَالِهِ تِلْكَ - فَلَا أَنْ يَكُونَ عَلَى حَالِهِ تِلْكَ - خَيْرٌ لَهُ بِمَا دَخَلَ فِيهِ.

٢٥٧٥-٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ نَضْرِ بْنِ قِرْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَتَى عَالِمٌ عَابِدًا - فَقَالَ لَهُ كَيْفَ صَلَاتُكَ - فَقَالَ مِثْلِي يُسْأَلُ عَنْ صَلَاتِهِ - وَأَنَا أَعْبُدُ اللَّهَ مُنْذُ كَذَا وَكَذَا - قَالَ فَكَيْفَ بُكَاءُكَ - قَالَ

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس عجب داشته باشد نابود می شود.

۳- علی بن سوید، گوید: از ابی الحسن علیه السلام از عجبی که عمل را تباه کند پرسیدم، در پاسخ فرمود: عجب چند درجه دارد:

۱- آنچه کردار بدبنده را به چشم او بیاراید تا آن را خوب بیند و او را خوش آید و ندارد که کار خوبی می کند.

۲- اینکه بنده ای به پروردگارش ایمان دارد و به کردار خود بر خدا عزوجل منت می گذارد با اینکه خدا در آن کار بر سر او منت دارد.

۴- امام صادق علیه السلام، فرمود: به راستی مردی گناه می کند و از آن کار پشیمان می شود و کار خیری می کند و از آن شاد می شود، و از پشیمانی دور می شود و اگر در حال پشیمانی باقی بماند برایش بهتر است از آن شادی که او را در بر گرفته است.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

توضیح: شادی و خوشحال و غرور نسبت به کار خود سبب نازیدن و بالیدن بر خداست که بسیار مذموم و بد است و از روایات معصومین به دست می آید که خداوند، گنهکار ترسان، از عابد ترسان بیشتر دوست دارد.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: دانشمندی نزد عابدی رفت و به او گفت: چگونه نماز می خوانی؟ من از آغاز، چنین و چنان خدا را عبادت می کنم، گفت: چگونه است گریه تو؟ گفت: به اندازه ای می گریم که اشکم روان شود.

أَبْكِي حَتَّى تَجْرِيَ دُمُوعِي - فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ - فَإِنْ ضَحِكَكَ وَأَنْتَ خَائِفٌ - أَفْضَلُ مِنْ بُكَائِكَ وَأَنْتَ مُدِلٌ - إِنَّ الْمُدِلَّ لَا يَصْعَدُ مِنْ عَمَلِهِ شَيْءٌ.

٢٥٧٦-٦ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ - أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْآخَرُ فَاسِقٌ - فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ - وَالْفَاسِقُ صَدِيقٌ - وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ - وَذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ - مُدِلًا بِعِبَادَتِهِ يُدِلُّ بِهَا - فَتَكُونُ فِكْرَتُهُ فِي ذَلِكَ - وَتَكُونُ فِكْرَةُ الْفَاسِقِ فِي التَّنَدُّمِ عَلَى فُسْطِهِ - وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذُّنُوبِ.

مرکز تحقیقات کتب و ترمیم اسناد

٢٥٧٧-٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يَعْمَلُ الْعَمَلَ - وَهُوَ خَائِفٌ مُشْفِقٌ - ثُمَّ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الْبِرِّ - فَيَدْخُلُهُ شَبَهُ الْعُجْبِ بِهِ - فَقَالَ هُوَ فِي حَالِهِ الْأُولَى - وَهُوَ خَائِفٌ أَحْسَنُ حَالًا - مِنْهُ فِي حَالِ عُجْبِهِ.

آن عالم گفت: براستی اگر بخندی و از خدا ترسان باشی بهتر است که گریه کنی و به خود بیالی، راستی هر کس بر خود ببالد، هیچ کرداری از او بالا نرود.

۶- امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود:

دو مرد به مسجد رفتند، یکی عابد بود و یکی فاسق، از مسجد خارج شدند، آن فاسق مقام صدیق داشت (مؤمن واقعی بود) و آن عابد، فاسق بود؛ و این برای آن است که عابد به مسجد رود و به عبادت خود می نازد و همه اندیشه اش در این است ولی فکر فاسق و بدکار دنبال پشیمانی از کار بد خود و توبه است و از خدای عزوجل درباره هر چه گناه کرده است آمرزش می خواهد.



مرکز تحقیقات علوم دینی

۷- عبد الرحمن بن حجاج، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی کاری می کند و از آن ترسان و نگران است و سپس کار خیری می کند و شبه عجب و خود بینی او را می گیرد. (به کار نیکش می بالد).
فرمود: حال نخست او که ترس است بهتر است از حال عجب و خود بینی اش.

٢٥٧٨-٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَمَا مُوسَى عليه السلام جَالِسًا - إِذْ أَقْبَلَ إِبْلِيسُ وَعَلَيْهِ بُرْنُسٌ ذُو أَلْوَانٍ - فَلَمَّا دَنَا مِنْ مُوسَى عليه السلام خَلَعَ الْبُرْنُسَ وَقَامَ إِلَى مُوسَى - فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَى - مَنْ أَنْتَ فَقَالَ أَنَا إِبْلِيسُ - قَالَ أَنْتَ فَلَا قَرَبَ اللَّهُ دَارَكَ - قَالَ إِنِّي إِنَّمَا جِئْتُ لِأُسَلِّمَ عَلَيْكَ لِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ - قَالَ فَقَالَ لَهُ مُوسَى عليه السلام فَمَا هَذَا الْبُرْنُسُ - قَالَ بِهِ اخْتَطَفُ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ - فَقَالَ مُوسَى فَأَخْبِرْنِي بِالذَّنْبِ الَّذِي - إِذَا أَذْنَبَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذَتْ عَلَيْهِ - قَالَ إِذَا أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ - وَاسْتَكْثَرَ عَمَلُهُ - وَصَغُرَ فِي عَيْنِهِ ذَنْبُهُ - وَقَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لِدَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ - بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْذِرِ الصَّادِقِينَ - قَالَ كَيْفَ أَبَشِّرُ الْمُذْنِبِينَ - وَأَنْذِرُ الصَّادِقِينَ قَالَ - يَا دَاوُدُ بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ أَنِّي - أَقْبِلُ التَّوْبَةَ وَأَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ - وَأَنْذِرِ الصَّادِقِينَ أَلَّا يُعْجَبُوا بِأَعْمَالِهِمْ - فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ أَنْصِبُهُ - لِلْحِسَابِ إِلَّا هَلَكَ.

۸- رسول خدا ﷺ فرمود:

زمانی که موسی علیه السلام نشسته بود، ناگاه شیطان به سوی او آمد در حالی که کلاه رنگارنگی بر سر داشت و چون نزدیک موسی علیه السلام رسید، کلاه خود را از سر برداشت و نزد موسی آمد و به آن حضرت سلام داد، موسی گفت: تو کیستی؟

در پاسخ گفت: من ابلیس هستم. گفت: توئی، خدا تو را به کسی نزدیک نکند، گفت: من آمدم به شما سلام کنم برای مقامی که نزد خدا داری، موسی به او گفت: این کلاه چیست؟

گفت: با آن دل مردم را می‌ربایم، موسی به او گفت: به من خبر ده از گناهی که چون انسان انجام دهد تو بر او مسلط می‌شوی،

پاسخ داد: هرگاه خود بین شود و کار خود را افزون بخشد گناهش در چشمش افزون جلوه کند و فرمود: خدای عزوجل به داود علیه السلام فرمود: ای داود! گنهکاران را مژده ده و صدیقان و راستگویان را بیم ده، عرض کردم: چگونه به گنهکاران، مژده و به صدیقان بیم دهم؟

فرمود: ای داود! به گنهکاران مژده ده که من توبه پذیرم و از گناه درگذرم، و به صدیقان بیم ده که مبادا نسبت به کار خود، دچار عجب و خود بینی نشوند، زیرا هیچ بنده‌ای را من پای حساب نکشم جز آنکه هلاک شود.

پایان جلد سوم